جائزهٔ ترددات آن جا به اضافهٔ پانصدی و نظم اوده و بعد از آن باضافهٔ دو صدی سربرافراخته در سنه ۱۲
از آن جا آمده بتعین مهابت خان ناظم کابل گردیده بود در سنه درگذشت   راجه کشن داس در عهد اکبری
مشرف فیلخانه و اصطبل بود در سنه ۲ جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب راجگی و در سنه ۱۴ بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۶
بفوجداری دهلی سربرافراخته در سنه ۱۸ به تشریف مبارک حضرت بخانهٔ او که سر راه برکنار آب جون بود سر به فلک
برده در سنه درگذشت   راجه کشن چند از راجه زاده های نگرکوٹ در سنه ۱ جهانگیری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   رای کهنور در عهد اکبری منصبی داشت در سنه ۴۴ در رکاب در کشمیر
خدمت میکرد و دیوان ایام بادشاهزادگی جهانگیر بادشاه بود در سنه ۱۱ ایشان بخطاب رای و بدیوانی
گجرات سرافراز بود در سنه ۱۳ بدیوانی مالوه مقرر شده در سنه فوت کرد
راول کلیان برادر راول بهیم زمین دار جیسلمیر در سنه ۱۱ جهانگیری بعد فوت برادر بجای او نشسته بمنصب
دو هزاری و بخطاب راول سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد میگویند که ظاهرا بوقت رخصت بوطن
بعنایت خلعت بزم خاصه اسپ و فیل و شمشیر و کهپوه مرصع مباهات اندوخته بود   راول کلیان زمین دار
انبدر از زمین داران گجرات که در سلک ملازمان داخل است و همراه ناظمان خدمت میکرد در سنه ۱۲ جهانگیری
در گجرات ملازمت نموده در سنه ۱۸ همراه صفی خان دیوان آن صوبه در تنبیه افواج سلطان خورم باغی تردد
شایسته کرده بود   رای کیور چند در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب و بخطاب رائی و بخدمت استیفائی سربلند
بود دیگر احوال او معلوم نشد   رانا کرن ولد رانا امر سنگه زمین دار اودی پور در سنه ۱ جهانگیری

بمنصب

بمنصب پنجهزاری و بخطاب کنور و روز دیگر بعطای فیل با تلایر سربرافراخته هنگام ملازمت بر جرگه
دست راست مقدم بر همه ایستاده شده بود در سنه ۱۴ بعد فوت پدر بخطاب رانا نامور گردیده در سنه
احد شاه جهانی درگذشت   راجه جگت سنگه ولد راجه سورج سنگه راٹهور در سنه ۱۴ جهانگیری بعد فوت پدر
بمنصب سه هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۱۶ باضافه هزاری و در سنه ۱۸ بنوازش نقاره
و در سنه ۱۸ بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار نام برآورده تعین سلطان پرویز به تعاقب سلطان خورم
باغی شده در اکثر معارک در دکن ترددات نموده بعد تعاقب ایشان در آن صوبه خدمت میکرد در سنه احد
شاه جهانی از وطن آمده ملازمت کرده در سنه ۲ بنابر تنبیه خان جهان لودی باغی بدکن رفته در سنه ۳ در
تعاقب او در سنه ۴ به تنبیه حکام دکن همراه اعظم خان و آصف خان ترددات نموده در سنه ۵ بوطن رخصت
گشته در سنه ۶ بحضور آمده بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار نام برآورده در سنه ۸ در سفر دکن در رکاب بوده
بعد مراجعت بوطن رفته در سنه ۱۱ بحضور آمده فوت کرد   راجه گردهر داس کچهواهه ولد رای سال درباری
در سنه ۱ جهانگیری بمنصب ششصدی و در سنه ۱۳ بمنصب هزاری و در سنه ۱۶ بمنصب دو هزاری هزار و پانصد
سوار و در سنه ۱۷ بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۱۸ همراه مهابت خان بتعین دکن گردیده به
تقریب خانه جنگی بدست نوکران سید کبیر بارهه کشته شد   راجه کنور سین زمین دار کشتوار مضاف
صوبه کشمیر را دلاور خان کاکر در سنه ۱۴ جهانگیری ولایت کشتوار فتح نموده در سنه ۱۵ مسلسل بحضور آورده
بود و از آن باز در قلعهٔ گوالیار در قید بود در سنه ۱۷ جهانگیری خلاص شده و بخطاب راجگی و عطای وطن

سرافراز گردیده در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری چهار صد سوار سرافراز بود دختر شن باشاه شجاع
منسوب گشته که از و سلطان بلند اختر بوجود آمده در سنه ۲۲ فوت ساخت   راجه گوپال داس گور در آخر
عهد جهانگیری نوکر راو رتن هادا بود در سنه ۱ ملازم سلطان خورم گشته بمنصب و خطاب راجگی نام بر آورده در
ایام بغی سلطان خورم رفاقت ایشان نموده در سنه ۱ در ملک سند کشته شد   راجه گردهر داس ولد
کیشو داس راتهور در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی نام بر
آورده در سنه ۳ در کارزار با خان جهان لودی باغی بجرح صعب پیوسته مردانه نقد جان درباخت   راجه گشن
سنگه زمیندار بهدادور در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب هزاری و خطاب راجگی سربلند بود در سنه ۴ و در سنه ۸
مصدر تردد گردیده در سنه ۶ فوت کرد چون پسر نگذاشت بدن سنگه برادر عم او زمینداری بهدادور
مرحمت گشت   راو کرن ولد راجه سورج سنگه بن راجه رای سنگه زمیندار بیکانیر در سنه ۲ شاه جهانی
بعد فوت پدر بعطای زمینداری بمنصب دو هزاری و بخطاب راوی ممتاز شده همراه وزیر خان در دکن
و در سنه ۵ همراه خان زمان در آن جا و در سنه ۶ هنگام محاصره دولت آباد در کلنه از با بیجاپوریان که کمک دولت آباد
می آمدند جلادت های نمایان نموده و هم در مورچال محاصره مدت ها کارزارها نموده بفیروزی نام بر آورده
بعد فتح قلعه در سنه ۸ در تعیناتی شجاع با بیجاپوریان کارزارها نموده در سنه ۸ در تعاقب جکت راج ولد ججهار سنگه
که از بالاگهات فراری شده نزد پدر رفته بود تردد نموده در سنه ۱ بمنصب دو هزار و پانصدی مباهات
اندوخته در سنه ۲۲ بقلعه داری دولت آباد از تغیر سیادت خان و در سنه ۲۳ در ایام قلعه داری به اضافه

پانصدی

پانصدی لوای افتخار برافراشته بود چون در سنه ۲۶ قلعه داری دولت آباد به شاهزاده عالمگیر مرحمت
شد پانصدی او که بشرط قلعه داری بود کم شده تعین دکن مانده در سنه ۲۹ بحالی کمی پانصدی بشرط
آنکه مشار الیه تعهد نمود که زمیندار جوار که بولایت بگلانه پیوسته ست تن به ادای مال واجب نمیدهد اورا
تنبیه نموده مال گذار نماید و هم چنان کرده سرافراز شده در سنه ۱ هنگام تعیناتی پادشاهزاده عالمگیر در آن جا
ترددات نمایان کرده در سنه ۳۲ که ایام فترات بود بی رخصت پادشاهزاده به وطن رفته بود بعد جلوس
ایشان بسبب خجالت حاضر نشد و چون افواج به تنبیه او مامور گشته از در عذر در آمده در سنه ۳ بعفو
و تعیناتی دکن سرافراز گشته در سنه ۴ بجایزه ترددات شایسته آن جا باضافه پانصدی سر بر افراخته در
سنه ۸ در دکن ترددها کرده در سنه ۱ عوض همان تقصیر تا نقصه دیگر از منصب و خطاب و زمینداری
معزول شد و پسرش انوپ سنگه نیابت زمینداری بجای او نشست   رای کاسی داس در سنه ۵
شاه جهانی بمنصب پانصدی و خطاب رای و بدیوانی دامنی چکله سهرند سرافراز بود در همان سال بدیوانی
لاهور از تغیر دیانت خان و آمده به بخشیگری کابل سرافراز شده در سنه ۱۱ هنگام بخشی گری آن جا
بجایزه تردد در جنگ با قزلباش بمنصب هزاری دو صد سوار نام بر آورده در سنه ۱۴ تعین مراد بخش
گشته بکابل رفته در سنه ۱۵ بدیوانی اکبر آباد از تغیر آقا افضل و در سنه ۱۸ بدیوانی دار الخلافت
و در سنه ۲ بدیوانی محالات متعلق شجاع مقرر شده در سنه ۲۲ فوت کرد   راجه کشن سنگه نور
در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی و خطاب راجگی سر بر افراخته در سنه ۱۹ تعین مهم

بلخ و در سنه ۴ به تعین مهم قندهار و در سنه ۵ باز بتعین مهم قندهار شده بجایزه ترددات بمنصب
هزاری نام برآورده و در سنه ۸ باز بتعین قندهار گشته بود و در سنه ۲ عالمگیری بمنصب دو هزاری و
فوجداری حصار نام برآورده و در سنه ۸ بتعین کابل گشته بود انجام حال او معلوم نشد   راجه کشن سنگه
بڈه گوجر در سنه احد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سربلند بود بتعین کابل شده بود دیگر احوال
او معلوم نشد   راجه کوکلت زمین دار او جینه از زمین داران صوبه بهار در سنه ۲ عالمگیری بمنصب
و خطاب راجگی سربلند و بتعین معظم خان ناظم بنگاله گردیده بود و در سنه ۷ پسر راجه کوکلت از رکاب فرار
نموده ریاست طایفه او جینه براجه بخت سنگ مرحمت شد معلوم نگشت که راجه بخت سنگ از خاندان آن
هست که بشرف اسلام مشرف شده یا دیگری   رای گردهر بنبکار خان سامانی بمنصب سرافراز بود در سنه
عالمگیری بخطاب رای سربرافراخته خدمت میکرد و در سنه بعدم رفت   راجه کشن سنگ زمین دار
چانده از مضافات دکن در سنه ۳ به عالمگیری بخطاب راجگی سرافراز بود خدمت می نمود   راجه کلیان سنگه
زمین دار بهدور بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز بود و در سنه ۷ عالمگیری بمنصب هفصدی سربرافراخته بود راجه
گوپال سنگ ولد   زمین دار   در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب راجگی سربلند
بود و بعد رحلت حضرت ارشش اعظم شاه باضافه پانصدی نام برآورده بود

حرف ل

رای لون کرن سنگهادت زمین دار سانبهر در اوایل عهد اکبری بمنصب دو هزاری و خطاب رائی سرافراخته

در سنه ۱۸ نزدوی نموده و آنیده همیشه بمصدر خدمات پسندیده شد در سنه ۹ به فوت کرد   رای لعل چند
ولد رای بهار امل در سنه ۴ عالمگیری بمنصب ششصدی و بخطاب رائی سرافراز بود و در همان سال به دیوانی خالصه
شریفه مقرر شده در سنه ۱۸ بنابر تنقیح معاملات صوبه دار الملک کابل مامور گشته بود   راجه لچهمی نراین عموی زمین دار
کوچ بهار در سنه ۱۲ جهانگیری بخطاب زمین داری سربلند شده بود

حرف م

راجه مدهکر بندیله زمیندار اندوچه بطریقهٔ راه زنی درشت در سنه ۳۲ اکبری بعد تنبیه بر جادهٔ اطاعت
آمده بوساطت صادق خان بعفو تقصیر و شرف ملازمت و عطای منصب و خطاب راجگی سربلند شده در سنه ۳
دکن خدمت می نمود در سنه ۴۳ از دکن فرار نموده تنبیه رسانیافته در سنه ۴۴ فوت کرد   راجه مکت سنگه زمین
دار بهدادر در عهد اکبری بمنصب پانصدی و خطاب راجگی سرافراز در سنه ۴۶ در ایام تعیناتی خانخانان عبدالرحیم مصدر
تردد بود انجام حال او معلوم نشد   راجه مان سنگه ولد راجه بهگوانداس کچهواهه در سنه ۶ اکبری همراه پدر خود
ملازمت نموده بود بمنصب سرافراخته در رکاب سعادت خدمت می نمود و در ایام کنوری در اکثر مصاف مصدر
تردد نمایان شده خصوص در سنه ۱۷ در کارزار گجرات شمشیرها زده و در سنه ۲۱ در جنگ با رانا پرتاب سنگه
زمیندار اودیپور کارها بظهور آورده چنانچه ملا عبدالقادر بداؤنی در تالیف خود نوشته است   که هندو
میزند شمشیر اسلام   در سنه ۲۶ در تعیناتی شاهزاده مراد بمقابلهٔ مرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت که در آن
ایام راه بغی پیموده بود در حدود کابل بحرب صعب پیوسته ظفریاب گشته در سنه ۳۰ بعد فوت مرزا حکیم برای
آوردن واماندهای مرزا بکابل رفته و همه را از آن جا بسلامت آورده در سنه ۳۰ برای تنبیه افاغنهٔ
یوسف زئی و نظم کابل مقرر شده در سنه ۳۲ بنظم بهار از تغیر سعید خان مباهات اندوخته در سنه ۳۴ بعد
فوت پدر بمنصب پنجهزاری و خطاب راجگی سربلند شده در سنه ۳۵ در ایام نظم بهار ترددات نمایان نموده
به تسخیر ممالک اودیسه مامور گشته در همان سال محالات سرکار جگناتهه توابع اودیسه مفتوح گردانیده حلقهٔ

سکهٔ

سکهٔ حضرت را در آن ملک رواج داده و سوای آن از نصیر خان پسر قتلو حاکم اودیسه پیشکش معقول
گرفته آمده در فتح ممالک اودیسه که بحرب صعب پیوسته بود بگشتن داده در سنه ۳۸ بحضور آمده پیشکشی از
انتخاف بنگاله که بحصر در نیاید گذرانیده و به تمام امیران و بندگان بادشاهی تا احدیان و سایر شاگرد پیشه سرکار
والا هدایای آن جا داده بار دیگر بهمان صوبه رفته در سنه ۴۸ بنابر تنبیه اعدا فیل سواره به افواج کشیده در آب رودخانهٔ
مکرم پور و سری پور حمله زده بامداد طالع سلامت گذشته موجب حیرت نظاره گیان شده در سنه ۴۹ بمنصب هفت
هزاری و خطاب فرزندی والارتبه شده در سنه احد جهانگیری بعطای خلعت چارقب سرافراخته حضور طلب شده
در سنه ۳ بمهم دکن تعین شده همیشه مصدر امور عظیمه مانده در سنه ۹ در آن جا فوت کرد   رای منوهر
ولد رای لونکرن سکهاوت در سنه ۲۰ اکبری هنگام توجه رایات از اجمیر بصوب پنجاب چون بقصبهٔ
امرسر نزول اتفاق افتاده قلعهٔ سوال از بدیتی خراب بود و آن را از سر نو تربیت فرموده بنام منوهرپور نام
نهادند موما الیه همراه پدر خدمت می نمود در سنه ۴۰ بمنصب چهارصدی و خطاب رائی سرافراز شده در سنه ۲
جهانگیری بمنصب هزاری هشتصد سوار سرافراخته در سنه ۱۱ قالب تهی کرد   رای مکند عم راجه بکرماجیت زمیندار
بهدادر بمنصب و خطاب رائی سرافراز بود در سنه ۴۹ اکبری بمنصب هفت صدی سرافراخته در سنه ۲
جهانگیری به اضافهٔ منصب مباهات اندوخته بود انجام حال او معلوم نشد   راجه مها سنگه ولد جگت سنگه
اولین پسر راجه مان سنگه کچهواهه در سنه ۴۴ اکبری بعد فوت پدر بمنصب دو هزاری و نیابت نظم بنگاله از
طرف جد خود سرافراز شده در آن صوبه خدمت میکرد در سنه ۴۴ در جنگ با جلال گکهر و ال از مفسدان

عمدهٔ مالده و دیگر ارباب ضلال تلاشهای نمایان نموده از دریای زخاری گذشته بسیاری را بسیلاب فنا
داده بمقصد پیوسته برق مثال بسوختن اعدا اسپ انگیخته ظفر یافته در سنه ۲ جهانگیری در سنه بتنبیه افاغنه
کابل و در سنه ۵ در تادیب بکرمان جیت زمیندار باندهون تردد نموده بود در سنه ۹ باضافهٔ پانصدی ذات در
بعد فوت پدر راجه مان سنگه بخطاب راجگی و به اضافهٔ پانصدی و بنوازش نقاره و عنایت ولایت که مضاف صوبه
مالوه سربلند گردید چون موافق قاعدهٔ راجپوتیه زمینداری آنبیر بمشار الیه که پسر فرزند کلان بود میرسید بعرض
رسانید که راجگی وطن برادران بغلام مقرر شده امیدوارست که از حضور هم مرحمت شود این ادا بمزاج اقدس
خوش نشست و راجگی آنجا بمیرزا راجه بهاو سنگه دومی پسر راجه مانسنگ لطف شد بعد از ان راجه مهاسنگه بمنصب
چهار هزاری رسیده در سنه ۱۲ در بالاپور مضاف صوبه برار چون مرد آخر پس از فوت راجه بهاو سنگه چون او را
پسری نماند در سنه ۱۶ از زمینداری آنبیر براجه جی سنگه پسر راجه مهاسنگه مذکور مقرر شد راجه مان زمیندار
جمون در عهد جهانگیری بتقصیری مقید بود در سنه ۱۴ بنابر رهنمائی در فوج که بفتح قلعه کانگره از قید خلاص شده در
همان سال در کارزار با سنگرام زمیندار جمون مردانه بکار آمد   رای پاینده اس در سنه ۴۸ اکبری بمنصب ششصدی
و خطاب رائی و منبرفی محال سرفراز بود آینده بدیوانی تن مقرر گردیده در عهد شاه جهانی بدفترداری تن
قیام مینمود بجلدوی حسن خدمت بمنصب هزاری رسیده در سنه ۵ بنابر کبیر سن معزول گشته در همان
سال فوت کرد   راجه مادهو سنگه برادر خورد راجه جگت سنگه و راجه باسو در سنه ۱ جهانگیری از تغیر برادر کلان
خود که راه بغی پیموده بود بعطای زمینداری و همبری و خطاب راجگی سرافراز گشته بود چون در سنه ۱۹ بتقصیر راجه

جگت سنگه

جگت سنگه بعفو مقرون گردیده بخطاب راجگی و بمنصب بحال گشت مشار الیه از راجگی موقوف شد   راجه منروپ
ولد راجه جگناتهه بن راجه بهارامل کچهواهه در عهد جهانگیری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز گشته بود چون در سنه ۱۹ بتقصیر راجه
جگت سنگه دور ایام قزاق و رجز همراه سلطان خورم بود در سنه احد شاه جهانی بمنصب سه هزاری هزار سوار سربرافراخته در
سنه ۳ فوت کرد   رای تلوک چند ولد رای منوهر سکهاوت در اوائل عهد شاه جهانی منصب هشتصدی ذات
و در سنه ۲ تعین دکن شده بود در سنه ۶ در مهم دولت آباد تردد نموده در اواسط عهد بمنصب هزاری رسیده
در سنه ۲۰ در مهم بلخ و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نشد
رای یکند داس کاتهه مانتهر نارنولی آصف خانی در سنه احد شاه جهانی به بیوتاتی رکاب بعد فوت پدر بمنصب
پانصدی و بخطاب رائی و بدفترداری تن از تغیر جسونت رای سربرافراخته در سنه ۱۶ در آخر بمنصب هشتصدی
رسیده در سنه ۲۴ بنابر کبیر سن معزول شده هم در سنه مذکور رخت حیات بربست   راجه مانسنگ ولد
راجه روپ چند زمیندار کوالیار مضاف صوبهٔ پنجاب در سنه احد شاه جهانی بمنصب نهصدی سرافراز شده
در جنگ با راجه جگت سنگه زمیندار دهمیری ترددی نموده در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ در مهم قندهار تلاشهای
نمایان کرده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار و در همان سال بجایزهٔ تردد در جنگ
با شاه شجاع بمنصب دو هزاری نام بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد   راجه ببن سنگه نبیرهٔ
عم راجه کشن سنگه زمیندار بهدّاور در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سربرافراخته همراه راجه کشن سنگه
در سنه ۶ در دکن خدمت مینمود در سنه ۱۶ بعد فوت پدر راجهٔ مذکور چون او را پسری نماند بعنایت زمینداری

و بمنصب هزاری و بخطاب سربلند شده در سنه ۱ بعوض جرأتی که جدهر بر خرطوم فیل مست زده بود به انعام پنجاه هزار
روپیه منجمله پیشکش راجگی که ده لک روپیه قبول نموده بود خوشدل گردید و در سنه ۲ در مهم قندهار فوت کرد راجه
مهاراج سنگه ولد راجه کنور سین زمین دار کشتوار مضاف صوبه کشمیر در سنه ۲ شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب
هشتصدی و خطاب راجگی سربلند گشته خدمت نموده دیگر احوال او معلوم نگشت رای کرن دکهری منصبی داشت
در سنه ۲۳ شاه جهانی بخطاب رائی و بفوجداری بریلی از تغیر دلیر خان روهیله سرافراز شده و بمنصب هشتصدی نامور بود
در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی هزار و دو صد سوار دو اسپه سه اسپه و بفوجداری مذکور سربلند شده آینده
معزول شده در سنه ۸ بار دوم بفوجداری آن جا مباهات اندوخته بود در عهد ایشان درگذشت
راول منوهر بهانی زمین دار جیسل میر در عهد بخطاب راول و بعنایت زمین داری وطن سرافراز گشته بود در سنه ۲۴
شاه جهانی فوت کرد چون پسر نداشت زمین داری آن جا بسبل سنگه خویش او مرحمت شد راجه مهاسنگه ولد
راجه بهون سنگه زمین دار رهپد او در سنه ۱ شاه جهانی بعد فوت پدر بعطای زمین داری و منصب هزاری هشتصد
سوار و خطاب راجگی سربلند شده در سنه ۲ در جنگ اکبرآباد همراه سلطان دارا شکوه بود و در عهد عالمگیری ترددات
شایسته نموده خصوصاً در سنه ۹ دکن و در سنه ۱۰ در تنبیه افاغنه کابل تلاش های تهورانه کرده مورد آفرین گشت
و بمنصب دو هزاری هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه رسیده در سنه ۲ درگذشت
راجه مانده اتا ولد راجه راج روپ منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری بعد فوت پدر بخطاب راجگی و به ارسال قلعه
داری کهمرد از قلاع سرحد کابل که سابق به نیابت پدر او مقرر بود سر برافراخته در سنه ۲۴ بتهانه داری غوربند

مقرر شده بود

مقرر شده بود در سنه رحلت کرد راجه منوهر داس برادرزاده بهگوان داس کچهواهه در اواسط عهد شاه
جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه ۲ و در سنه ۲ در مهم قندهار تردد نموده در سنه ۲ بقلعه داری اسیر
مقرر شده بمنصب هشتصدی نام بر آورده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سربلند و تعین بنگاله
شده در سنه ۹ بقلعه داری قلعه از قلاع دکن مقرر گشته در سنه ۲ هنگام قلعه داری شولاپور بعد ادای پنجاه هزار
روپیه پیشکش بخطاب راجگی و الا رتبه شده در سنه ۲ فوت کرد راو محکم سنگه چندراوت در اواسط عهد
عالمگیری بمنصب و بخطاب راوی سربلند بود در سنه ۹ از وطن آمده در سنه ۲ بعد فتح بیجاپور بعنایت نوبت
سرافراز شده خدمت بنگر در سنه بعدم رفت رای رایان ملوک چند در سنه ۲ عالمگیری دیوان
پادشاه زاده محمد اعظم بود در سنه ۹ هنگام نیابت نظم مالوه با بهار سنگه کور که از متمردان عظیم آن صوبه
بود جنگ صعب پیوسته در صف جنگ کار او را تمام نموده بجلدوی این حسن خدمت بمنصب هفتصدی و
خطاب رای رایان سرافراز گردیده بعد چند روز درگذشت راجه مان سنگه ولد روپ سنگه راتهور زمین دار
روپ نگر در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ باضافه پانصدی و در سنه ۲ به فوجداری
سوار و در آینده بخطاب راجگی و در سنه ۳ بمنصب سه هزاری سرافراز شده بود در عهد ایشان درگذشت
راجه مان سنگه زمین دار رام پوره در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی داشت همراه اعظم شاه در تعینات
شاهزاده والاجاه سردار جوار الغار بکار آمد راجه مان سنگه در عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی داشت در
جنگ اکبرآباد همراه اعظم شاه تعین شاهزاده بیداربخت سردار فوج هراول بود دیگر احوال او معلوم نشد

رائو مان سنگه در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راوی داشت و متعینهٔ اورنگ آباد بود بعد رحلت حضرت نذر مبارک باد

بحضور بادشاه بهادر شاه فرستاده مورد عنایات شد ک ک ک ک ک ک ک ک

حرف ک

راجه تهمل زمیندار پرگنهٔ منجهولی در سنه احد جهانگیری بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز بود در سنه ا بمنصب دو هزاری هزار دو

صد سوار سر بلند گشته تا سنه ه خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد راجه نراینداس سیسودیه در اواسط

عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۲۹ بمنصب و بخطاب رائی سر برافراخته خدمت می نمود و از بار یابان محفل قدسی بود

و تا سنهٔ عالمگیری خدمت میکرد در عهد ایشان ازین جهان انتقال نمود راجه نرسنگداس ولد راجه اندر سنگه

بن راجه بیتهلداس گور در سنه احد عالمگیری بعد فوت پدر بمنصب دو هزاری و خطاب راجگی سرافراز شده در سنه تعین

بنگاله گردیده در سنه در تسخیر ملک کوچ بهار و آسام ترددات نمایان نموده در سنهٔ بجلدوی تردد آن جا باضافهٔ

پانصد سوار دو اسپه سه اسپه نام بر آورده بحضور آمده همراه مرزا راجه جی سنگه بر کن تعین گردیده در سنه تردد نموده

در سنهٔ ا تقصیر عظیمی معاتب شده بود که افواج بادشاهی نابر تنبیه او مامور گردیده بود انجام حال او معلوم نگشت ک

حرف ه

راي بيا

راي هري رنگ در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب رائی و به دیوانی تن سرافراز شده بود دیگر احوال او هیچ

معلوم نشد راو هر چند کچهواهه بمنصب و خطاب راوی سرافراز بود و در سنه ۲ شاه جهانی خدمت می نمود و منصب

صدی داشت در سنه ۸ فوت کرد راو هتی سنگه چندراوت ولد راو دودا زمیندار رامپوره منصبی داشت در سنه ۴

شاه جهانی بکار آمدن پدر در مهم دولت آباد بعطای زمینداری و بمنصب هزاری و پانصدی و بخطاب راوی سر افراز

شده در سنه ۱ در دکن فوت کرد چون پسر نگذاشت به ابن العم پدرش روپ سنگه زمینداری آن جا مرحمت گشت

فصل سیوم در ذکر احوال راجپوتان وغیره که خطاب راجگی وغیره یافته اند

حرف الف

اوداجی رام برهمن دکهنی از نوکران نظام الملک مرزبان دکن در سنه ۱۲ جهانگیری بمنصب سه هزاری سربلند
شده خدمت می نمود در عهد شاه جهانی بمنصب پنجهزاری رسیده در سنه ۹ فوت کرد   اودی سنگه راتهور
در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب سرافراز و در سنه ۸ تعیین دکن بود   اوگرسین ولد ستر سال بن مادهو سنگه زاور
راجه مان سنگه کچهواهه زمیندار آنبیر در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی ذات و سوار سربلند تا
اواسط عهد مصدر ترددات بود در سنه ۱۱ فوت کرد   اوگرسین کچهواهه نرکا در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هشتصدی

سرافراز

سرافراز و در سنه ۱۱ در ناحیهٔ قندهار و در سنه ۲۰ در مهم بلخ و در سنه ۲۲ در مهم قندهار مصدر ترددات نمایان بود
اوداجی رام دکهنی در سنه ۲۰ شاهجهانی بمنصب سه هزاری سر برافراخته تا آخر عهد خدمت می نمود و در سنه ۹ عالمگیری ترددی
کرده بود   اندر سال نبیرهٔ راو رتن هاده زمیندار بوندی در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی سر برافراخته در سنه ۸
تعیین دکن و در سنه ۱۴ تعیین کابل گردیده بجلدوی ترددات آن جا به اضافهٔ دوصدی نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم
قندهار و در مهم بلخ و بدخشان و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ ترددی نموده بود و در سنه ۳۰ فوت کرد   ارجن سنگه
دویمی پسر راجه بیتهلداس گور منصبی داشت در سنه ۱۷ شاه جهانی بجلدوی آنکه در دیوان خاص بر او امرسنگه راتهور که
صلابت خان را در دیوان کشته بود شمشیر انداخته بود بمنصب هزاری سرافراز گشته در سنه ۱۹ در مهم بلخ ترددی نموده
در سنه ۲۵ بعد فوت پدر بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۲۶ و در سنه ۲۷ در مهم قندهار ترددی کرده در سنه ۲۹
باضافهٔ پانصدی مباهات اندوخته در سنه ۳۲ در جنگ مالوه در رفاقت مهاراجه جسونت سنگه بمقابلهٔ بادشاه عالمگیر
رایت قهر و استیلا برافراشته بزور اقبال آن بادشاه ظفر نصیب کشته شد   اوگرسنگه نبیرهٔ راجه مان سنگه کچهواهه
در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود   امراجی دکهنی در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب
دو هزاری سرافراز بود   آدم نارائن زمیندار گده بمضافات صوبه گجرات در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی
سرافراز بود   اودی بهان راتهور ولد شیام سنگه بن کرمسی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سربلند بود
در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار مصدر ترددات بود و در سنه احد عالمگیری باضافهٔ پانصدی نام برآورده
الیرسنگه ولد امرسنگه در آخر عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی ممتاز بود   اندرمن ولد راجه بهارسنگه بندیله

بعد فوت پدر در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه احد عالمگیری باضافهٔ پانصدی و بعد چندی
باضافهٔ پانصدی و بعطای علم سرافراز شده خدمت مینمود در سنه ۴ همراه مرزا راجه جی سنگه در دکن ترددی نموده
در سنه ۸ فوت کرد   اکهی رای ولد جسونت بندیله منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب سرافراز بود و بار منصب
هزار و پانصدی سربرافراخته آخر بتقصیری بدر بار غیاب آمده در سنه ۹ بعد عفو تقصیر بمنصب هزاری سربلند شده
بود   اودی بهان گور در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود   انتاجی گونده راو
دکهنی در سنه ۹ عالمگیری بمنصب سرافراز بود خدمت میکرد   اچل سنگه کچهواهه در سنه ۸ عالمگیری بمنصب سرافراز بود
و در دکن خدمت مینمود   انوپ سنگه ولد راجه رای سنگه سیسودیه در سنه ۱۹ عالمگیری بعد فوت پدر بعنایات ها سرافراز
شده تا سنه ۳۴ خدمت میکرد   امر چند زمیندار منوهر پور در سنه ۴۲ عالمگیری بمنصب سرافراز بود و دخترش
بپادشاهزاده کام بخش منسوب گردیده بود و دیگر احوال او معلوم نشد   ارجوجی برادرزادهٔ سیوا مرهٹه مشهور در
سنه ۴۳ عالمگیری بمنصب دو هزاری سربرافراخته خدمت می نمود   اچلاجی داماد سیوا اند گور در سنه ۲۹ عالم
گیری بمنصب پنجهزاری سربرافراخته خدمت مینمود   آسوجی دکهنی در سنه ۴۳ عالمگیری بمنصب و بعطای نقاره
و طوغ سرافراز شده بود   اودهو سنگه برادر خورد راجه ساهو مرتبه بعد دستگیر آمدن در سنه ۳۴ عالمگیری
بمنصب سرافراز شده حکم شده بود که بنابر صغر سن تردد مادر خود به نگاه باشد   اندر سنگه ولد رانا راج سنگه
زمیندار اودی پور در سنه ۳۹ عالمگیری بمنصب دو هزاری نو سرافراز شده خدمت مینمود حضرت او را مورد عنایت میفرمودند

حرف ب

پرتاب سنگه

پرتاب سنگه ولد راجه بهگوانداس کچهواهه در عهد اکبری بمنصب [illegible] برافراخته در سنه ۵ بجایزهٔ ترددات بمنصب
هزاری نام برآورده بود   بهارتی چند قانونگوی سرکار آگره در سنه ۴ جهانگیری بمنصب پانصدی سرافراز شده بود
بهوج ولد راجه بکرماجیت زمیندار بهداور در سنه ۲ جهانگیری بدستور پدر از دکن آمده بمنصب و زمینداری
سرافراز شده بود   بلرام ولد راجه گوپال داس گور در آخر عهد جهانگیری بمنصب سرافراز بود و برفاقت سلطان
خورم در ایام بغی السنان در ٹهٹه کشته شد   بهیم راتهور در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی
بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته در سنه ۲ به تنبیه خان جهان لودی باغی و در سنه ۹ در دکن ترددها کرده
بود در سنه ۱۰ فوت کرد   بهلیمدر سکهاوت در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب [illegible] سری
برافراخته در سنه ۳ در کارزار با خان جهان لودی باغی در دکن مردانه بکار آمد   بهوجراج ولد رای سال درباری در
عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب [illegible] صدی سرافراز شده در سنه ۱۳ بمنصب هزاری نام
برآورده بود   پرتهی راج راتهور در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی
سرافراز گشته در سنه ۲ بر کنار آب چنبل پیاده شده با خانجهان لودی باغی تردد نموده بعد از تلاش نمایان
هر دو از دست دیگر زخم نیزه برداشته بقالبی از هم جدا شده باضافهٔ پانصدی نام برآورده در سنه ۴ و در سنه ۵ و ۶ در
دکن تردد مینمود هنگام محاصرهٔ قلعهٔ دولت آباد سوای از لشکر مخالف جدا شده اسپ [illegible] جهانیده پرتهی راج را بمبارزت
طلبید مشار الیه از غول خود بر آمده گفت که پرتهی راج منم و هر دو درهم آویختند بعد رد و بدل بسیار پرتهی راج او را با دو کس
دیگر که بکومک او آمده بودند در رسید [illegible] کشته در سنه ۹ در کارزار با ججهار بندیله [illegible] در سنه ۲۸ [illegible]

همراه خان زمان ترددات متهورانه نموده در سنه ۶ در فتح قلعهٔ دولت آباد ترددهای رستمانه کرده در سنه
بمنصب دو هزاری دو هزار سوار رسیده در سنه ۸ ترددی نموده در سنه ۱۰ بقلعه داری دولت آباد و در سنه ۱۴
بقلعه داری اکبر آباد به اتفاق با قیچاق قلماق مقرر گشته در سنه ۲۰ خزانهٔ پادشاهی بکابل برده در سنه ۲۲ بدوار
در مهم بلخ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار ترددات کرده در سنه ۳۰ فوت کرد   بهار بداس کچهواهه
در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و آینده بمنصب دو هزاری سر بر
افراخته در سنه ۴ زندگانی را جواب داد   بهگوانداس ولد راجه نرسنگدیو در سنه احد شاه جهانی بمنصب
هزاری سربلند شده در سنه ۲ و در سنه ۸ ترددها نموده در سنه ۱۳ از دست راجپوتی کشته شد
پرسوجی بهونسله در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب سه هزاری سرافراز شده تا سنه ۹ عالمگیری از کومکیان
صوبهٔ دکن بود در سنه ۱۲ همراه مرزا خان ناظم برار در تحصیل پیشکش زمیندار چانده تردد نموده در سنه ۲۹ بحضور
آمده با برج و بهاندیر جاگیر خود رخصت گشته در سنه احد عالمگیری به اضافهٔ هزار سوار نام بر آورده در بر چهار مدارک
سلطانی ترددها نموده تعین دکن گردیده در سنه ۳۰ خدمت می نمود   لسونت راو ولد اتاجی دکهنی
در سنه ۲ شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۹ عالمگیری بکار آمد   پیلاجی دکهنی در سنه ۲ شاه جهانی
بمنصب سرافراز بود   پتینک راو نبیرهٔ جادون رای در سنه ۳ شاه جهانی بعد کشته شدن پدر
همراه جدش بمنصب سه هزاری سربلند شده تا سنه ۸ خدمت میکرد   بولاجی کولی از اعیان نظام
الملک مرزبان دکن در سنه ۴ شاهجهانی بمعرفت نصیرخان بمنصب سه هزاری سرافراز شده تا سنه

خدمت

خدمت می نمود   بهادرجی ولد جادون رای دکهنی در سنه ۴ شاه جهانی بمنصب پنجهزاری سرافراز شده در
سنه ۶ فوت کرد   بتهوجی ولد اچلاجی دکهنی در سنه ۴ شاه جهانی بمنصب دو هزاری سر برافراخته خدمت
می نمود در سنه احد عالمگیری باضافهٔ پانصدی نام بر آورد   بنی داس ولد بهار راجه نرسنگدیو در سنه ۴ شاه
جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه ۱۳ فوت کرد   بهوجل دکهنی صاحب قلعهٔ [illegible] در سنه ۹
شاه جهانی بعد حواله کردن قلعه بمعرفت الله وردی خان بمنصب سه هزاری و انعام لک روپیه نقد سرافراز شده
بود   بهوجراج دکهنی صاحب قلعهٔ اوسه در سنه ۹ شاه جهانی بعد فتح قلعهٔ مذکور بمعرفت نصیرخان
خواجه صابر بمنصب سرافراز شده بود   پرتهی سنگه نبیرهٔ راجه مان سنگه زمیندار کوندوانه در سنه ۱۲ شاه
جهانی بعد فوت پدر بجانشینی پدر ممتاز شده بود در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و ذات
سنه ۲۲ در مهم قندهار تردد می نمود   پرتاب سنگه چوهان در اواسط عهد شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب
هزار و پانصدی و آینده بمنصب سه هزاری سرافراز گردیده خدمت می نمود   پرتاب سنگه حرده زمیندار
پلاون در سنه ۴ شاه جهانی بعد فتح پلاون بمنصب هزاری سرافراز شده خدمت می نمود   بهیم چند
نبیرهٔ رای منوهر در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی سرافراز بود در سنه ۳۲ فوت کرد
بهوجراج کچهواهه در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی سر برافراخته در سنه ۱۲ تعین کابل
شده در سنه ۲۲ بجلدوی تردد در مهم قندهار بمنصب هزاری نام در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ باز تعین مهم
قندهار گردیده در سنه ۳۰ تعین دکن گشته در سنه ۱ [illegible] در کارزار با [illegible] تردد نموده بود در اواخر عهد

بجایزهٔ تردد در مهم قندهار بمنصب هزاری و در سنه احد عالمگیری باضافهٔ پانصدی سربرافراخته
تا سنه ۱۹ خدمت می نمود بلو چوهان در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سربرافراخته در سنه
در مهم بلخ و در سنه ۲۰ و در سنه ۲۱ در مهم قندهار تردد نموده و در آخر عهد بجایزهٔ تردد در مهم قندهار بمنصب
هفت صدی سرافراز شده در سنه احد عالمگیری باضافهٔ منصب کام دل برگرفته بود بهیم سنگه
ولد راجه بیتهلداس گور منصبی داشت در سنه ۲۸ شاهجهانی بعد فوت پدر بمنصب هزاری سربرافراخته
در کارزار اکبرآباد همراه داراشکوه مردانه نقد جان درباخت بخیرام برادرزاده بیتهلداس
در آخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود پرساپ جهالا از نوکران رانا زمین دار اودی پور
در آخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود بهاو سنگه راجه ولد حکت سنگه زمین دار دهمیری منصبی
داشت در سنه ۲۲ شاهجهانی بمنصب دو در مهم قندهار ترددی نموده بود و در سنه ۳ عالمگیری بشرف اسلام
آمده بخطاب مرید خان نامور شد بیرم دیو دار سور جل دوبمی پسر رانا امر سنگه زمین دار اودی پور در سنه
شاهجهانی بحضور آمده بمنصب هزاری نام برآورده تعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۳ باضافهٔ پانصدی مباهات
اندوخته در سنه ۲۵ همراه شاهزادهٔ عالمگیر بکرر تعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۶ بعد رسیدن آن جا ترددی
نموده باضافهٔ پانصدی امتیاز یافته و بعطای سرپیچ مرصع و دو گوشواره مروارید و پالای مروارید و
جمدهر مینا کار با پهول کتاره مرصع سرافلک شوده در سنه ۲۷ باضافهٔ پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی
و در سنه ۲۸ باضافهٔ پانصدی بمنصب سه هزاری چهرهٔ افتخار برافروخته در سنه ۱ در ایام تعیناتی دکن

درکارزار

درکارزار با بیجاپوریان که در آن او و پدرش راجه رای سنگه سیسودیه بحرب صعب پیوسته در میدان
زخمی افتاده بود باعانت برادری از اسپان فرود آمده شمشیرها زده اعدا را منهزم گردانیده در سنه
احد عالمگیری از وطن آمده ملازمت کرده در جنگ دوم با داراشکوه در رکاب ترددی کرده آمده
تعین دکن گشته در سنه ۳ در فتح قلعهٔ چاکنه ترددات نمایان نموده در سنه ۵ بحضور آمده در سنه ۸ در تعیناتی
مرزا راجه جی سنگه در دکن تردد شایسته کرده در سنه ۱۰ همراه راجه رام سنگه کچهواهه تعین بنگاله گردیده در سنه
۱۳ تعین فوجداری تهراکشته بود انجام حال او هیچ معلوم نگشت پرتهیراج پهانی در سنه ۳۰ شاهجهانی
بمنصب هفت صدی سربرافراخته در کارزار اکبرآباد همراه داراشکوه بود در سنه احد عالمگیری تعین کابل گشت
پرتهیراج چوهان از نوکران رانا حکت سنگه زمین دار اودی پور در سنه ۲۸ شاهجهانی بمنصب هفت صدی سر
برافراخته خدمت می نمود بهاو سنگه برادرزادهٔ راجه بیتهلداس گور در آخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی
سرافراز شده در سنه احد عالمگیری در کارزار با داراشکوه ترددی نموده بود پردمن ولد گردهر
داس بن راجه گوپال داس گور در آخر عهد شاهجهانی بمنصب ششصدی سرافراز و در سنه ۲ تعین مهم
قندهار شده بود تا سنه ۲ عالمگیری خدمت می نمود پورن مل برادرزادهٔ راجه مذکور باضافهٔ پانصدی
نام برآورده در سنه ۹ عالمگیری بجایزهٔ تردد شایسته در دکن باضافهٔ پانصدی مباهات اندوخته بود
باباجی بهونسله دکهنی در آخر عهد شاهجهانی منصب دو هزاری داشت و تا سنه ۱ عالمگیری در دکن خدمت
می نمود پرتاب سنگه جهالا در آخر عهد شاهجهانی منصبی داشت و تا سنه احد عالمگیری خدمت می نمود

بهگونت سنگه ولد راو ستر سال هادا در آخر عهد شاه جهانی منصبی داشت و از دکن همراه رکاب
عالمگیری آمده بود و بجلدوی تردد در جنگ مالوه بمنصب دو هزاری و در سنه احد الینان بجایزه تردد در کارزار
اکبرآباد به اضافه پانصدی و بجلدوی تلاشها که در کارزار با شاه شجاع زخم برداشته بود بمنصب دو هزار و پانصدی
هزار و پانصد سوار نام برآورده و در سنه ۴ قلعه کهاناکهیری از قلاع صوبه مالوه مفتوح گردانیده بود بهاس راو
دکهنی در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری نو سرافراز شده خدمت مینمود برتاب سنگ هادا در سنه ۴ عالم
گیری بمنصب سربلند و متعین صوبه بنگاله بود برم سنگ بسر زمیندار سری نگر در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزار و
پانصدی سرافراز شده بود بابوجی دکهنی در سنه ۸ عالمگیری بمنصب سرافراز و در دکن مصدر تردد بود
بهلوجی دکهنی در سنه ۹ عالمگیری بمنصب سرافراز بود کنور برتهی سنگ ولد مهاراجه جسونت سنگه راتهور در سنه ۲
عالمگیری از تردد و بدرخود آمده بعنایات و هیکلی الماس و یک عقد مروارید و خلعت و بخطاب کنوری در سنه ۹ سر
افراخته در سنه ۱۰ فوت کرد بهوانی داس ولد راو کرن راتهور زمیندار بیکانیر در سنه ۱۰ عالمگیری به منصب
هزاری سرافراخته خدمت می نمود برتهی سنگ زمیندار جمون در سنه ۱۸ عالمگیری بمنصب سرافراز و در کابل
مصدر تردد بود بسونت رای دکهنی در سنه ۱۸ عالمگیری بمنصب سرافراز و در کابل مصدر تردد بود
بسونت رای دکهنی در سنه ۲۵ عالمگیری بمنصب چهار هزاری سرافراخته خدمت می نمود بهاکو نجاره
سابق بمنصب پنجهزاری سرافراز بود بنا بر تقصیری بی منصب شده در سنه ۲۴ عالمگیری بمنصب پنجهزاری
حال گردیده سرانجام عهده خود می نمود بهادر سنگه ولد رانا راج سنگ زمیندار اودی پور در سنه ۴۳

عالمگیر

عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراخته خدمت میکرد پارس دیو زمیندار جیندن
که از مضافات دکن در سنه ۴۹ عالمگیری بمنصب سه هزاری سرافراز شده خدمت می نمود دیگر احوال
او معلوم نشد

حرف ج

جگمال برادر خورد راجه بارهمل کچهواهه در اوائل عهد اکبری بمنصب هزاری در اکثر معارک ترددها نموده
بود جگمال پنوار در عهد اکبری بمنصب پانصدی نام برآورده در یساق های شرقی و غربی ترددات
تا سنه ۳۴ مردانه نموده بود جگت سنگه ولد راجه مان سنگه کچهواهه در آخر عهد اکبری بمنصب هزار
و پانصدی به نیابت ناظم بنگاله از طرف پدر ممتاز شده در سنه ۴۴ فوت کرد دخترش در سنه ۳ جهان
گیری بپادشاهان منسوب گردیده راجه مان سنگه پدر جگت سنگه مذکور بتقریب چهار فرزندزاده
خود شصت زنجیر فیل معه دیگر اسباب مناسبت آن داده بود جگمال ولد کشن سنگه راتهور که کشن
گده بنام او آباد شده در سنه ۱ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب پانصدی و در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار
و پانصدی سربلند شده در سنه ۲ فوت کرد جسونت راو راتهور در عهد جهانگیری بمنصب سربلند بود و نور
الدین قلی از بندهای روشناس او را بکدام سببی کشته کشن سنگه پدرش در سنه ۵ شاهجهانی نور الدین قلی را بنابر
انتقام خون پدر بجان گشت جادون رای دکهنی در سنه ۱۲ جهانگیری بمنصب سرافراخته بود و در سنه ۱۳
شاهجهانی فوت نمود جیت سنگه راتهور در عهد جهانگیری بمنصب سرافراز بود و در سنه احد شاه

جهانی بمنصب هزاری نام برآورده در سنه سیوم فوت کرد   چندرمن ولد مهاراجه نرسنگ دیو بندیله
در سنه احد شاه جهانی سر برافراخته در سنه ۴ بتعیین آصف خان و در سنه ۶ بتعیین شاه شجاع در مهم
دکن و در سنه ۸ بتعیین افواج پادشاهی به تنبیه جهجار سنگه گردیده آینده به اضافهٔ پانصدی نام برآورده در
سنه ۱۴ در مهم جگت سنگه و در سنه ۱۵ همراه داراشکوه در کومک ناظم قندهار و در سنه ۱۹ در مهم بلخ و در سنه ۲۲
در مهم قندهار تردد ها نموده بود   جگدیو رای برادر جادون رای دکهنی در سنه ۳ شاه جهانی به منصب
پنجهزاری و دو پسرش هر کدام بمنصب دو هزاری سرافراز بود در سنه ۵ فوت کرد   چندربهان زمیندار
کانکره در اوایل عهد شاه جهانی به منصب پانصدی سرافراز بود   جگتا نهه راتهور در اوایل عهد شاه
جهانی بمنصب هفت صدی سرافراز بود در سنه ۶ تعیین دکن شده در سنه ۱۳ فوت کرد   چندربهان
بروکا در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز شده در اواسط عهد همراه سعید خان جهان بار به
در دکن ترددی نموده بار بجایزهٔ ترددات به اضافهٔ پانصدی نام برآورده در سنه ۱۶ در مهم بلخ و در سنه ۲۲
و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار تردد ها نموده بود   جگجیون ولد اوداجی رام دکهنی در سنه
شاه جهانی بمنصب سه هزاری سرافراز گشته خدمت می نمود   جگرام ولد بردیرام بن کنکهار بن جگمال
برادر خورد راجه باره مل کچهواهه در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب سر برافراخته در سنه ۱۱ در ناحیهٔ قندهار
ترددی کرده در اواسط عهد بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۶ بمهم بلخ تلاش ها کرده در سنه ۲۱
بمنصب هزاری نامور گشته در سنه ۲۲ به تعیین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۵ باز بتعیین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۶

بار سیوم

بار سیوم تعیین این مهم گشته بعد رسیدن آن جا ترددی نموده در سنه ۵ عالمگیری باضافهٔ پانصدی
و در سنه ۹ برحمت علم سر بفلک برده بود   چندربهان راتهور در سنه ۴ شاه جهانی منصبی داشت
که بجایزهٔ حسن خدمت بعطای فیل سربلند شده بود   چتر بهوج سونکرا در اواسط عهد شاه جهانی
بمنصب پانصدی سر برافراخته تا سنه ۲۲ در مهم قندهار تردد نموده   جی روپ مرهته در اواسط عهد
شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۲۵ ناگاه بر سر بازار بیرون مسجد سیمین شمشیر آخته بروی حضرت دوید
چون بزینهٔ ایوان رسید نوبت خان کوتوال و خواجه رحمت الله میر توزک که آینده سربلند خان خواهد شد
و ارادت خان کارش تمام کردند   چتر بهوج چوهان نبیره کلهی سین در اواسط عهد شاه جهانی
بمنصب هفت صدی سرافراز شده در سنه ۲۰ در مهم بلخ ترددی نموده و در سنه ۲۲ در مهم قندهار ترددی کرده
در سنه ۲۳ بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار تردد ها کرده در سنه ۲۹ بنابر
حراست دون تعلقهٔ کمایون مقرر شده بمنصب هزار و پانصدی ذات و سوار دو اسپه سه اسپه مامور شده
در سنه دویم عالمگیری در معارک عظیمه ترددات نموده بود   جسا سیسودیه در آخر عهد شاه جهانی به منصب
پانصدی سر برافراخته و بفوجداری و تهانه داری کوه دون مباهات اندوخته خدمت می نمود
جگت سنگه ولد برتهی راج راتهور در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته خدمت میکرد
جی سنگه ولد راج سنگه راتهور در آخر عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی سرافراز گشته خدمت می نمود
جیت بندیله در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود و در سنه احد عالمگیری راه بغی پیموده

در سنه ۴ سر او باهتمام زمینداران قریب بندیل کهند که در پناه آن ها رفته بود از تن جدا شده بحضور
رسید   جادون رای دکهنی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب سه هزاری درشت   در سنه احد عالمگیری
به اضافهٔ هزاری نام برآورده تا سنه ۹ خدمت میکرد   جیواجی دکهنی در سنه احد عالمگیری باضافهٔ هزاری
سر برافراخته خدمت مینمود   جگت سنگه ولد مکند سنگه بن مادهو سنگه هادا زمیندار کوته از وطن آمده در سنه
احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه نام برآورده بود   جگت سنگه دیگر
در سنه ۲ تعین خانه وران دیها در خان ناظم الهآباد که دیده آینده تعین دکن گشته نام برآورده بود
جی سنگه بهدوریه در سنه احد عالمگیری بمنصب سربلند و در کارزار با شاه شجاع مصدر تردد بود و متعین مهم
چپت بندیله گردیده بود باز در تعیناتی مرزا راجه جی سنگه کچهواهه بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار
دو اسپه سه اسپه نام برآورده خدمت میکرد   جگت سنگه نروری در سنه ۳ عالمگیری بمنصب سرافراز و در دکن
همراه مرزا راجه جی سنگه مصدر تردد بود   چتروجی دکهنی در سنه ۹ عالمگیری بمنصب سربلند بود و در دکن
خدمت می نمود   جگت سنگه ولد امر چند زمیندار منوهر در سنه ۱۴ عالمگیری به منصب سربلند بود و همشیرهٔ
او در همان سال بپادشاهزاده کام بخش منسوب گردیده بود در سنه ۲ جگت سنگه نامی متعین اورنگ
آباد معلوم نشد که ازین هر سه جگت سنگه کدام خواهد بود اگر قید ولدیت یا قومیت هر کدام می نوشت
منقح معلوم می شد   چتر سنگه زمیندار کدهه در سنه ۱۴ عالمگیری بمنصب سربلند بود
جگدیو رای برادر جادو رای دکهنی در سنه ۱۴ عالمگیری بمنصب سربلند بود

حرف د
دهارو پسر راجه تودرمل

حرف د

دهارو پسر راجه تودرمل کهتری وزیر عهد اکبری در عهد ایشان بمنصب هفت صدی سر برافراخته در
اکثر کارزار تردد ها کرده بود در سنه ۲۳ در ایام فتح ولایت تهته همراه خان خانان عبدالرحیم مقرر بود روزیکه
تهته بعد حرب صعب مفتوح شد قبل از ملحق شدن خان خانان دهارو فتح این ملک نموده بود لاکن
خود بکار آمد   درجن سنگه ولد راجه بهان سنگه کچهواهه در عهد اکبری بمنصب پانصدی سرافراز بود در سنه ۴۰
در مصاف عیسی زمیندار بهاتی از زمینداران اودیسه بعد حرب صعب با مردم بسیار بکار آمد

دلپت ولد ماندل راتهور در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود خدمت می نمود
وباجی دکهنی در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب سرافراز بود و تا اواسط عهد بمنصب سه هزاری رسیده بود
درلی راو ساسه دکهنی در سنه ۳ شاه جهانی همراه ساهوجی بهونسله بمنصب دو هزاری سر برافراخته در سنه ۲۹
همراه مرزا خان ناظم صوبه برار خدمت می نمود دولت مند ولد راجه بهرجی زمیندار بکلانه در اواسط عهد شاه
جهانی بمنصب هزار و پانصدی سرافراز بود و خدمت میکرد داماجی دکهنی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب ۳
هزاری و در سنه احد عالمگیری باضافه هزاری سر برافراخته خدمت می نمود داواجی دکهنی در سنه احد عالم
گیری به اضافه هزاری سر بمنصب هزار و پانصدی نو سرافراز شده در سنه ۳ ترددی نموده بود داکوجی
دکهنی در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری نو سرافراز شده در سنه ۳ ترددی کرده بود دتاجی حیدر
زاد دکهنی در سنه ۸ عالمگیری بمنصب سر برافراخته در سنه ۹ تردد نمایان نموده بود دیانت راو دکهنی در
سنه ۹ عالمگیری بمنصب سربلند بود و خدمت میکرد دولت سنگه سیسودیه در سنه ۳۲ عالمگیری به منصب
و فوجداری ماندل گده سرافراز بود دوندی راو دکهنی در سنه ۴۰ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز
شده خدمت میکرد درگ داس راتهور از نوکران نامی مهاراجه جسونت سنگه که بعد فوت مهاراجه تمرد
راه بغی پیموده بود در سنه ۴۴ عالمگیری معرفت شجاعت خان ناظم گجرات بعفو تقصیر و بمنصب سه هزاری دو هزار سوار سربلند شده بود

حرف الراء رای

حرف ر

رای بهال درباری سکهاوت در اوایل عهد اکبری بمنصب هزار و دو صدی سر برافراخته خدمت می نمود و از
مقربان حضور بود و در سنه ۱۰ و در سنه ۱۷ در ایلغار گجرات ترددی نموده بدوام خدمت می نمود و مورد مراحم
والا بود و در سنه ۴۳ بجایزه ترددات نمایان بمنصب سه هزاری سرافراز گردیده شهنشاه بادشاه شش رای
مل جد حقیقی خود موسومی الیه بود که بود در سنه احد جهانگیری متعینه مهم رانای اودی پور رانای اودی پور در عهد جهانگیری

بعدم رفت   رام چند ولد راجه مده که زمین دار اندوچهه در عهد اکبری بعد از تنبیه پدرش حلقة القیاد بگوش

انداخته بمنصب پانصدی سرافراز گشته بود در سنه ۲ جهانگیری چون بر سنگ دیو برادر خوردش بجایزه کشتن

شیخ ابو الفضل بجنایت زمین داری اندوچهه جانشین ورامچند این معنی را قبول نکرد دستگیر آمده در سنه ۲ بجرم سرای خلافت آمده در سنه ۱۰ درگذشت   رام چند را منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی تعیین دکن شده

بود   رکهنا تهه زمین دار سوسنک در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود   راوت رای دیهکرا

دکهنی در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۵ تعیین شایسته خان شده بود و تا سنه ۲

خدمت میکرد   انیرای دکهنی در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب دو هزاری سرافراز بود و در تعیناتی خاندوران

و در سنه ۱ تردد نموده بود   روپ سنگ بنبیره راجه جکنا تهه کچهواهه منصبی داشت در سنه ۸ شاه جهانی تعیین سعید خان جهان شده بود   رای سنگ جهالا در سنه ۱۱ شاه جهانی بمنصب هشتصدی و در سنه ۱۲ بمنصب هزاری

سربلند شده در سنه ۱۴ در مهم جکت سنگ تردد نموده در سنه ۱۵ تعیین داراشکوه باعانت ناظم قندهار و در سنه ۱۹

تعیین مهم بلخ و بدخشان گشته بود   راج سنگ ولد کهیوال راتهور در سنه ۱۱ شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز

شد و مدار المهام راجه جسونت سنگ ولد راجه گج سنگ راتهور مقرر گردیده در سنه ۱۴ فوت کرد

رام سنگ روتله دار او کرسنی راتهور همشیره زاده رانا جکت سنگ در سنه ۱۳ شاه جهانی بمنصب هزاری نو

سرافراز شده در سنه ۱۵ همراه داراشکوه بقندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده بمنصب هزار و پانصدی

نام برآورده در سنه ۱۹ بجلدوی تردد ات در مهم بلخ باضافه پانصدی و در سنه ۲ باضافه پانصدی مباهی.

کشته تعیین

کشته تعیین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۳ بجایزه تلاش های نمایان در مهم قندهار در جنگ قزلباش

بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۲۶ و در سنه ۲ باز در مهم قندهار ترددی کرده در سنه ۲ در رفاقت

سلطان داراشکوه بمقابله عالمگیر پادشاه رایت دلاوری برافراشته افواج هراول التمش عالم گیری را شکافته

بقهر و غلبه تا بپای فیل سواری خاصه رسیده شمشیرها زده بی باکی ها عرض داده نیز در اقبال آن پادشاه ظفر نصیب

کشته شد   روپ سنگ برادر زاده هری سنگ بن کشن سنگ راتهور دومی پور راجه اودی سنگ معروف

بموته راجه فوت هری سنگ چون او را پسری نماند در سنه ۲ شاه جهانی بعطای کشن گده وطن عمش و منصب سرافراز

شد و در سنه ۱۸ بمنصب هزاری و در آغاز سنه ۲ بجلدوی تردد نمایان در مهم بلخ و بدخشان بمنصب هزار و پانصدی

سربرافراخته در آخر سنه ۲ به اضافه پانصدی و در سنه ۲۲ بمنصب و به اضافه پانصدی نام برآورده تعیین

مهم قندهار گردیده در سنه ۲۳ بجایزه تردد در صف جنگ با قزلباش باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری و در

سنه ۲ به اضافه هزاری پانصد سوار بمنصب چهار هزاری سربرافراخته بار دیگر و هزار سوار مباهات اندوخته

باز تعیین مهم قندهار گردیده در سنه ۲ بعد رسیدن آن جا تردد ات نموده در سنه ۲ باز تعیین مهم قندهار

شده در سنه ۲ همراه شاهزاده داراشکوه بمقابله عالم گیر پادشاه در اکبرآباد در خشش جلادت برانگیخته افواج بیش

را در هم نموده دلاوری ها کرده بود که بگفت و نوشت راست نیاید محض نیز در اقبال آن پادشاه نصرت لوای

کشته شد   رتن سنگ ولد مهیس داس بن رای دلپت بن راجه رای سنگ راتهور زمین دار بیکانیر

در سنه ۱۹ شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته در سنه بیستم در مهم بلخ و بدخشان

و در سنه ۲۲ در مهم قندهار ترددها نموده در سنه ۲۳ در جایزهٔ آن بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۲۵ دور
سنه ۲۶ باز در مهم قندهار تلاش‌ها کرده در سنه ۲۷ تعین دکن گردیده در سنه ۲۸ با بیجاپوریان آویزش صعب نموده
بحضور آمده در سنه ۳۱ همراه مهاراجه جسونت سنگه در مالوه بمقابلهٔ عالمگیر بادشاه آثار غلبه بر افواج عالمگیری ظاهر
آمده لوای جان بازی برافراخت   رام سنگه برادر برنهی راج راتهور در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی
سرافراز بود و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۴ در تعیناتی مهم قندهار و در سنه ۲۵ در تعیناتی خدمت میکرد   رائیا برادر جادون
رای دکهنی در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی سرافراز بوده خدمت می‌نمود   رائیا برادر راو
رای در آخر شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود   رستم راو دکهنی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب دو
هزاری و در سنه احد عالمگیری باضافهٔ پانصدی سر برافراخته تا سنه ۹ خدمت می‌نمود   رگهنور برادر راجه
راجه بهتله اس کور در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بوده خدمت می‌نمود   راگهو داس ولد
نرهر داس جهالا در آخر عهد شاه جهانی منصبی داشت که در سنه ۲۴ فیلی کلان بطریق پیشکش گذرانیده بود
راج سنگه کچهواهه در سنه احد عالمگیری بمنصب سرافراز بوده خدمت می‌نمود   راج سنگه گور در سنه احد عالمگیری
بمنصب سرافراز و تعین کابل بود   روپ سنگه راتهور در سنه احد عالمگیری بمنصب سر برافراخته تا سنه ۲ در دکن
خدمت می‌نمود   روپ سنگه سیسودیه در سنه احد عالمگیری بمنصب ممتاز و متعین کابل بوده خدمت میکرد
رام سنگه ولد رتن سنگه بن مهیشی داس بن رای دلپت بن راجه رای سنگه راتهور زمیندار بیکانیر در سنه
احد عالمگیری از وطن طلب حضور شده بمنصب هزاری سر برافراخته بجایزه تردد در جنگ بادشاه شجاع بمنصب هزاری

هزار

هزار سوار نام برآورده در سنه ۲ تعین ناظم الله آباد شده تا سنه ۸ در دکن خدمت میکرد   رام سنگه
ولد رگهناته سنگه راتهور مرتیه در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته در کارزار بادشاه
شجاع بمنصب هزاری هزار سوار ممتاز شده در بنگاله تردد نموده در سنه ۱۱ باضافه کام دل برگرفته تعین لاهور
گشته بود   رنبهاجی دکهنی در سنه احد عالمگیری بمنصب سرافراز شده بود   راگهوجی ولد ناجی در سنه ۹
عالمگیری بمنصب سرافراز بود   رگهناته سنگه سیسودیه از نوکران رانا راج سنگه زمیندار اودیپور
در سنه ۱۳ عالمگیری بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت می‌نمود   راگهو داس جهالا از نوکران رانای
مذکور در سنه ۱۸ عالمگیری بمنصب هفت صدی ممتاز شده بود   رتن سنگه نامی در سنه ۲۳ عالمگیری
بمنصب سربلند و متعین اعتقادخان که اکنون ذوالفقارخان شده بود   رود رسنگه در سنه ۲۳ عالمگیری
بمنصب سربلند و متعین بنگاله شده خدمت میکرد   رود رسنگه ولد راجه مهاسنگه زمیندار بهدور
در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب سرافراز بود خدمت می‌نمود   رام چند ولد راو دلیپت بندیله در آخر عهد عالمگیری
بمنصب و در سنه ۴۴ بجایزهٔ ترددی باضافهٔ منصب و در سنه ۴۸ بمنصب هزاری پایه و در اوایل عهد بهادر شاه
بادشاه بخطاب راو سربلند گردیده در عهد محمد شاه در کارزار با مهکونت سنگه ادار کشته شد

راجه مان سنگه مذکور در عهد اکبری بمنصب پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود   سارا ولد راجه
جگناتهه کچهواهه در عهد جهانگیری بمنصب سرافراز بود در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی نام برآورده
سبل سنگه و دیمی بود راجه سورج سنگه زمیندار جودهپور در سنه ۱۴ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب پانصدی
سربرافراخته در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و آینده بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۱۱ که
از متعینان صوبه اجمیر و احمدآباد بود بمنصب هزاری هزار سوار دو اسپه سه اسپه و در سنه ۱۸ بمنصب هزار و پانصدی
و آینده بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۲۳ فوت کرد   ستر سال ولد مادهو سنگه برادر راجه مان سنگه
کچهواهه در عهد جهانگیری بمنصب و در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار سرافراز گردیده در
سنه ۳ شاه جهانی در کارزار با خان جهان لودی باغی در دکن بادلیری رایت جانبازی برافراخت   سبهام سنگه
سیسودیه منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی تعین اراوت خان شده بود   سبهام سنگه ولد کرمسی
راتهور منصبی داشت در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی مامور شده در سنه ۸ در دکن ترددی نموده در سنه ۱۱
بمنصب هزار و پانصدی رسیده در سنه [illegible] بفوجداری بگلانه از مضافات دکن مقرر گشته در سنه ۲۳ بود درگذشت
سنبهاجی بهونسله از نوکران نظام الملک مرزبان دکن بعد انقراض دولت نظام الملک در سلک نوکران عادل خانیه
منسلک شده و در آن جا فوقی پیدا کرده بسیاری قلاع بنای نموده سر بغاوت برداشته بود بعد تنبیه و تادیب در سنه ۱۰
شاه جهانی بمعرفت اعظم خان ناظم دکن بمنصب پنجهزاری سربرافراخته به اراده بنگی مستعد شده در سنه ۹ محل دار خان
دکهنی زن و دختر خود را از راه دستگیر کرده آورده و تا حیات خود آن مخذول پایمال سم ستوران اقبال باد بعد از

حرف س

سهلدی ولد راجه بهارامل کچهواهه زمیندار آمیر در عهد اکبری بمنصب سربرافراخته اکثر در لسباق ها
ترددات نموده در سنه ۵ بمنصب هفت صدی نام برآورده بود   سکت سنگه ولد راجه مان سنگه
کچهواهه در عهد اکبری بمنصب سربرافراخته خدمت می نمود در سنه ۵ بمنصب هزاری مامور شده بود   سبل سنگه ولد

راجه مان سنگه

سیوا پسرش فوت نمام پیدا کرد ساهوجی دیگر از امرای دکن در سنه ۳ شاه جهانی همراه ساهو بهونسله
بمنصب دو هزاری سرافراخته خدمت می نمود ساماجی دکهنی در سنه ۳ شاه جهانی همراه ساهو بهونسله بمنصب
دو هزاری سرافراخته تا سنه ۹ در دکن خدمت میکرد سنکرام زمیندار کنور که منصب هزار و پانصدی داشت
در سنه ۱۰ شاه جهانی فوت کرد سنکرام نبیرهٔ راجه مان سنگه کچهواهه در اواسط عهد شاه جهانی به منصب
پانصدی سربلند و در سنه ۲۲ در مهم قندهار و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ مصدر تردد بود تا سنه ۲۸ خدمت میکرد
سرست ولد اعتماد رای بدهٔ گوجر در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب شش صدی سربلند بود سنگرام
راجاوت در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب سربلند و در سنه ۱۹ در مهم بلخ مصدر تردد بود سجان سنگه
ولد سورج مل و دیپی پسر رانا امر سنگه زمیندار اودیپور در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب نو سرفراز شده
در سنه ۱۸ بمنصب هزاری نام بر آورده در سنه ۱۹ متعین مهم بلخ و بدخشان گردیده در سنه ۲۰ بمنصب هزار و پانصدی
سرافراخته در سنه ۲۲ متعین مهم قندهار شده در سنه ۲۵ بمنصب دو هزاری سربلند گشته مکرر متعین مهم قندهار
شده در سنه ۳۰ بتعین شاهزاده عالمگیر ناظم دکن گشته در آن جا در جنگ با بیجاپوریان سعیها و ترددها کرده
زخمها برداشته کارها نموده در سنه ۳۲ همراه مهاراجه جسونت سنگه تعین گشته در جنگ مالوه بمقابلهٔ عالمگیر بادشاه
بمردانگی جان نثار شد سلطان سنگه سیسودیه در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود
سجان سنگه ولد مکهم سنگه راتهور در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵
و سنه ۲۶ در مهم قندهار مصدر تردد بود در سنه ۳۲ بجنگ اکبرآباد متعین داراشکوه شده بکار آمد

سندرداس

سندرداس ولد گوکل داس سیسودیه در آخر عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی سرافراز بود
در سنه ۲۵ و سنه ۲۶ بتعین مهم قندهار در سنه ۳۰ بتعین دکن گشته در سنه احد عالمگیری متعین دکن گردیده
خدمت می نمود سبل سنگه نبیرهٔ رانا امر سنگه اودیپور واله در سنه ۲۲ شاه جهانی بمنصب دو هزاری
سرافراز شده در سنه ۲۵ به اضافهٔ پانصدی نام برآورده بود تعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۶ باز تعین
مهم قندهار گردیده در سنه احد عالمگیری در جنگ با شاه شجاع ترددی نموده تعین بنگاله شده بود در
در فتح چاتگام از مضافات آن صوبه همراه بزرگ امید خان پسر امیر الامرا شایسته خان ناظم آن جا
تردد نمایان کرده خدمت می نمود سبل سنگه ولد راجه کیرت جیت در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی
سرافراز بود خدمت میکرد سوبهکرن بندیله در عهد شاه جهانی منصبی داشت در دکن خدمت می نمود
در سنه احد عالمگیری در جنگ مالوه در رکاب ایشان ترددات نموده بمنصب هزار و پانصدی نام بر آورده
در سنه ۳ بمنصب دو هزاری سر برافراخته در سنه ۴ تعین کابل گردیده آمده تعین دکن گشته در سنه
بجایزهٔ ترددات در دکن که در ایام تعیناتی مرزا راجه جی سنگه کچهواهه نموده بود بمنصب دو هزاری هزار
و پانصد سوار مباهات اندوخته در سنه ۱۰ بفوجداری راتهور مهونه مقرر بود سورج مل و راجه شیو رام
در عهد شاه جهانی منصب سه صدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری نام برآورده خدمت میکرد
سنگ سنگه تونور در سنه احد عالمگیری بمنصب سرافراز بود و به تعاقب داراشکوه رفته بود سوجی
دکهنی در عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی سر برافراخته خدمت مینمود

سبهنا جی ولد سیواجی بن ساهوجی بهونسله در ایامی که بر اعتماد قول و عهد مرزا راجه جی سنگه کچهواهه پدرش
بعد تنبیه و تادیب در سنه ۸ قلعه با محالات سی و پنج لک روپیه بتصرف مرزا راجه ناظم آن جا گذاشته بطور محرمان
پی براق بنا بر ملاقات مرزا راجه مذکور آمده بود و از غایبانه در سنه ۸ عالمگیری بمنصب پنجهزاری سرافراز شده در سنه ۹
همراه پدر در شاه جهان آباد معرفت کنور رام سنگ پسر مرزا راجه بملازمت حضرت حاصل نموده چون روز ملازمت سیوا
پدرش زیاده از سر و روی خود متوقع عنایت بادشاهی بوده و پیش نرفت آزرده شده بخانه نشست و سنبها که
بمنصب پنجهزاری سرافراز شده بود بدربار آمد و رفت داشت آخر کار پدر و پسر تغیر لباس کرده راه فرار پیمودند
در سنه ۸ اهتمام نظم خان جهان بهادر ظفر جنگ گوشمال رسا یافته اختیار نوکری نموده بمنصب ششهزاری
نام بر آورده انجام کار از کارهای بد خود برگشت باقبال بادشاه سیوا در سنه ۲۳ بود درگذشت و سنبها در سنه ۳۲
بتلاش شیخ نظام حیدرآبادی دستگیر آمده بیاسا رسید   سدارام کور در سنه ۸ عالمگیری بمنصب
سربلند و در دکن بمصدر ترددو بود   ستر سال راٹهور زمیندار رتلام مضاف صوبه مالوه در اواسط عهد
عالمگیری بمنصب دو هزاری ممتاز بود و چون جمعیت خوب داشت در کارهای نمایان بسر انجام پرداخته در سنه ۴۲
بفوجداری سکهر از تغیر سرافراز خان عبد اللطیف مقرر شده بقلعه داری باندرک نام بر آورده بود بعد رحلت
حضرت همراه اعظم شاه تا روز جنگ خدمت می نمود   سروپ سنگ ولد راجه انوپ سنگ زمیندار بیکانیر
در اواسط عهد عالمگیری منصبی داشت در سنه ۴۱ بمنصب هزاری سر بر افراخته خدمت میکرد   سیوا ذوالقلد
دکهنی در سنه ۴۲ عالمگیری بمنصب ششهزاری پنجهزار سوار سرافراز شده در سنه ۴۴ خدمت میکرد و باز نرار

نمود

نمود   ستر سال بندیله از نوکران سبهکرن بندیله در اواخر عهد عالمگیری منصبی داشت در سنه ۴۴ بنش
بقلعه داری ستارا مقرر گردیده در سنه ۴۹ راه بغی پیموده بهندوستان آواره شده بر دست خیراندیش
خان کمبوه فوجدار دهامونی و آن دا گوشمال یافته بود در عهد محمد شاه مملکت دبیج بندیل کهنده دغیره متصرف
خود آورده بعدم رفت   سداجی تهانه دار بچکانو ابن عم سیوا مرهٹه مشهور در آخر عهد عالمگیری بمنصب سر بر افراخته
خدمت می نمود در سنه ۴۹ بجایزه ترددات نمایان بمنصب سه هزاری نام بر آورده بتهانه داری مذکور مقرر بود
سکوجی مرهٹه در آخر عهد عالمگیری بمنصب سه هزاری داشت بعد رحلت حضرت رفیق کام بخش شده بود
سری سنگه ولد رام سنگه روتله راٹهور در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب پانصدی سر بر افراخته در سنه ۳ بتعین دکن
گردیده آینده بمنصب هشتصدی در سنه احد عالمگیری به اضافه دو صدی بمنصب هزاری هزار سوار سرافراز شده
تا سنه ۸ در دکن خدمت می نمود انجام حال او خوب معلوم نشد   شیو سنگه ولد ستیا سنگه زمیندار رکانی
بجهت مضاف صوبه مالوه در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری نو سرافراز شده در سنه ۲ بتعین غازی الدین خان
بهادر گردیده در سنه ۲ بقلعه داری راه بری دیه اضافه پانصدی در سنه ۵ بفوجداری و قلعه داری نی بناه
کدهاه از تغیر لودی خان سربلند گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   ششرده راد دکهنی در سنه ۹ عالم
گیری بمنصب سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد   شگنراجی ولد وٹاجی دکهنی در سنه ۱ عالمگیری
بمنصب سه هزاری سرافراز بود بعد رحلت حضرت رفیق شاهزاده کام بخش شد   صورت سنگ ولد
هریداس کچهواهه منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سر بر افراخته در سنه ۸ در دکن تردد

شایسته نموده بود انجام حال او معلوم نشد   عجب سنگه ولد راو ستر سال هاده از زمینداران بوندی در
ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب ... سر برافراخته درسنه ۸ در دکن تردد نموده آنچه بمنصب ششصدی رسیده
درسنه ۱۹ در مهم بدخشان و بلخ و درسنه ۲۲ در مهم قندهار مصدر ترددات شده بود انجام حال او معلوم نشد
غریب داس ولد راناکرن زمیندار اودی پور درسنه ۲۰ شاه جهانی بعد فوت رانا جگت سنگه برادر کلان خود بمنصب
هزار و پانصدی سربلند شده و درسنه ۲۹ برفاقت شاهزاده کام بخش بمقابله داراشکوه در کارزار اکبرآباد
بکار آمد   فتح سنگه ولد مهاراجه بهیم سنگه سیسودیه درسنه احد شاه جهانی بمنصب ششصدی سر برافراخته در
همان سال فوت کرد   فتح سنگه ولد سجان سنگه بن سورجمل بن رانا امر سنگه سیسودیه در اوائل عهد شاه جهانی
بمنصب هفت صدی سرافراز شده درسنه ۱۲ و سنه ۲۲ در مهم قندهار و درسنه ۳ و در تعیناتی دکن و در
سنه احد عالمگیری در کارزار با شجاع تردد نموده بود انجام حال او معلوم نشد   فتح سنگه دویمی پور راجه
امر سنگه زمیندار باندهون درسنه ۳ شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود
احوالش دیگر معلوم نشد   حرف ک   کیشو داس راتهور معروف بکرمسی ولد جیمل مرته در عهد اکبری بمنصب
سه صد و پنجاهی سرافراز بود و دخترش بسلطان سلیم نامزد شده بود که از بطن او درسنه ۳۰ بهار
بانو بیگم متولد گردید در عهد جهانگیری بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت میکرد و درسنه احد شاه جهانی ۲۰ اضافه
پانصدی نام برآورده درسنه ۳ در معرکه با خان جهان لودی باغی در دکن دلیرانه و متهورانه بکار آمد
کیشو داس مارو راتهور مرته در عهد اکبری بمنصب دوصدی و در عهد جهانگیری باضافه های مکرر بمنصب

دو هزاری

دوهزاری سر برافراخته درسنه ۲ او در پرگنه جالور صوبه مالوه که از عهد اکبری جاگیر داشت درسنه ۱۳ از
دکن آمده بعنایت جاگیر خورسند شده بود   کشن سنگه راتهور ولد راجه اودی سنگه معروف به موته
راجه منصبی داشت درسنه ۲ جهانگیری بمنصب هزاری سربلند شده درسنه ۳ در جایزه تردد در جنگ بارای
زمیندار اودی پور که سه هزار کس و سکنه آورده و خود زخم برداشته بود بمنصب دو هزاری نام برآورده آنچه
بمنصب سه هزاری رسیده درسنه ۱۰ در خانه جنگی که با کسی راجه سورسنگه برادر کلانش دست داده کشته
کرم چند ولد راجه جگناته کچهواهه منصبی داشت درسنه ۲ جهانگیری بمنصب دوهزاری دو هزار و پانصد سوار سرافراز شده
تعین دکن همراه سلطان پرویز شده خدمت میکرد   کهیلوجی بهونسله از نوکران نظام الملک مرزبان
دکن درسنه احد شاه جهانی از روی عرضداشت خان زمان الله آبادی ناظم دکن از طرف پدر بمنصب پنجهزاری
پنجهزار سوار سرافراز شده بود درسنه ۳ بنابر کفران نعمت بجزای اعمال رسید   کوکل داس سیسودیه
درسنه ۲ شاه جهانی بمنصب هفتصدی سرافراز بود و در دکن خدمت می نمود درسنه ۸ به تعین شاهزاده
عالمگیر شده عالمگیر شده درسنه ۱۱ بمنصب هزاری نام برآورده درسنه ۱۴ به تعین شاهزاده مراد بخش
شده درسنه ۱۵ همراه داراشکوه بقندهار رفته درسنه ۱۶ بحضور آمده درسنه ۱۹ تعین مهم بدخشان و بلخ گردیده
درسنه ۲۰ بجایزه تردد آن جا به اضافه پانصدی سباهات اندوخته درسنه ۲۲ به تعین مهم قندهار گردیده بود
کرپارام گور در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی سرافراز بود درسنه ۹ بفوجداری حصار فیروزه
مقرر شده درسنه ۸ به تعین سعید خان جهان بارهه گردیده درسنه ۱۴ به تعین شاهزاده مراد بخش گشته

بجایزهٔ تردّدی باضافهٔ صدی کام دل برگرفته در سنهٔ ۲۰ در مهم قندهار تردّدی کرده بود کوجر کوالیاری در عهد شاه جهانی بمنصب سرافراز بود در سنهٔ ۸ در مهم سری نگر با همراهان مردانه بکار آمد کر داس ولد راجه گوپال داس کور در ابتدای عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنهٔ ۸ بمنصب پانصدی و در سنهٔ ۹ بقلعه داری جهابستی از قلاع بندیل کهند و در سنهٔ ۱۲ بمنصب هزاری و در سنهٔ ۲۰ بقلعه داری اکبرآباد به اتفاق باقی خان از تغیر ابهی راج راتهور پانصدی نام برآورده در سنهٔ ۲۰ و سنهٔ ۲۲ در مهم قندهار بصد تردّد کرده در سنهٔ ۲۹ باز بقلعه داری اکبرآباد از تغیر سیادت خان نام برآورده به اضافهٔ پانصدی بمنصب دو هزاری رسیده و در سنهٔ ۳۰ به اضافهٔ هشت صد سوار بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و فوجداری نواح اکبرآباد و باوجود قلعه داری آن جا چهرهٔ امتیاز برافروخته در جنگ اکبرآباد همراه دارا شکوه بود در سنهٔ احد عالمگیری بمنصب سه هزاری رسیده در سنهٔ ۳ در دکن تردّدها نموده در سنهٔ ۵ فوت کرد کرشناجی دکهنی در سنهٔ ۸ شاه جهانی بمنصب ممتاز بود کشن راو در سنهٔ ۸ شاه جهانی بمنصب سرافراز بود کنهر راو در سنهٔ ۹ شاه جهانی بعد حواله کردن قلعهٔ انجرا بمنصب دو هزاری و به انعام پنجاه هزار روپیه سرفراز شده بود کنک سنگه در ابتدای عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنهٔ ۹ همراه خانه دوران بهادر خدمت میکرد کیج سنگه ولد بهاری داس کچهواهه در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب سرافراز بود در سنهٔ ۱۱ تعین قندهار شده بود کوپال سنگه ولد راجه منروپ کچهواهه در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب هفصدی سرافراز بود در سنهٔ ۱۱ در ناحیهٔ قندهار تردد نموده در سنهٔ ۱۸ بجایزهٔ شمشیر انداختن بر راو امر سنگه در هنگامه صلابت خان بمنصب هزاری سرافراز

سوار نام برآورده در سنهٔ ۱۹ در مهم بلخ و در سنهٔ ۲۱ و سنهٔ ۲۲ و در سنهٔ ۲۶ در مهم قندهار تردّدی کرده در سنهٔ ۲ عالمگیری خدمت می نمود در سنهٔ ۹ بمنصب هزار و پانصدی ذات و سوار و در سنهٔ ۱۰ بجایزهٔ تردد در تنبیه افاغنه کابل باضافهٔ منصب مباهات اندوخته بود کیسری سنگه ولد پرتهی راج راتهور در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در آخر عهد به اضافهٔ صدی سر برافراخته در جنگ اکبرآباد هنگام مرافقت دارا شکوه بکار آمدی گوردهن راتهور از نوکران راجه گج سنگه راتهور در سنهٔ ۱۳ شاه جهانی بمنصب هفتصدی و در سنهٔ ۲۰ بقلعه داری آسیر از تغیر شیورام کور بمنصب هشتصدی و در سنهٔ ۱۹ بجلدوی تردد در مهم بلخ تعیناتی و در سنهٔ ۲۲ بجایزه تردد در مهم قندهار بمنصب هزاری سرافراز گشته در سنهٔ ۲۵ هنگام تعیناتی قندهار بعطای خلعت و در سنهٔ ۲۶ در جنگ مالوه همراه مهاراجه جسونت سنگه بود کشن سنگه از تبار راجه مان سنگه کچهواهه در سنهٔ ۹ شاه جهانی بمنصب پانصدی دو صد و پنجاه سوار والا رتبه شده در سنهٔ ۲۲ و سنهٔ ۲۳ و سنهٔ ۲۵ تعین مهم قندهار گردیده در سنهٔ ۲۰ بقلعه داری تاراگده سرافراز گردیده بود کوبند داس راتهور خان دورانی در سنهٔ ۹ شاه جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنهٔ ۲۲ در مهم قندهار تردّدی نموده بود کنهی ولد بهلبهدر سنگهاوت در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود کشور سنگه ولد مادهو سنگه هاده راو رتن زمیندار کوته در سنهٔ ۱۰ شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب هشتصدی سرافراز گشته تا سنهٔ ۲۶ عالمگیری خدمت میکرد کیرت سنگه دویمی پسر میرزا راجه جی سنگه در سنهٔ ۲۳ شاه جهانی بمنصب هشتصدی و بعطای زمینداری کامان پهاری و کوه مجاهد بنابر اخراج متمردان آن جا و در آن

سال بمنصب هزاری سرافراز گشته در جنگ اکبرآباد همراه داراشکوه بود در سنه احد عالمگیری از وطن آمده بفوجداری
نواحی دار الخلافت و در سنه ۲ بفوجداری میوات و در همین سال باوجود فوجداری میواة و در همین سال باز بفو
جداری مذکور باز بفوجداری نواحی دار الخلافت از تغیر حسن علیخان و بمنصب دو هزار و پانصدی سر بر افراخته در سنه
تعین مرزا راجه جی سنگه گردیده بدکن رفته در سنه ۸ بجایزه ترددات نمایان در ایام تعیناتی بدر و دکن بمنصب
سه هزاری دو هزار و پانصد سوار بلند مرتبه شده در سنه ۱۶ ادکن فوت کرد   گردهرداس ولد راول پونجا
در آخر عهد شاه جهانی بمنصب شش صدی و در سنه ۱۶ بعد فوت پدر بمنصب ششصدی و در سنه ۱۸ بعد فوت
پدر بمنصب هزاری سر بر افراخته خدمت می نمود   کمان سنگه هاده در آخر عهد شاه جهانی منصبی داشت در
جنگ اکبرآباد در رفاقت عالمگیر پادشاه مردانه بکار آمد   کشن سنگه چندراوت در سنه احد عالمگیری
بمنصب سربلند و در کارزار با شاه شجاع ترددی نموده بود   کیسری سنگه ولد راو کرن راتهور زمیندار
بیکانیر از دکن همراه جناب عالمگیری آمده بمنصب سرافراز شده در کارزار مالوه و اکبرآباد ترددات نموده
در سنه ۳ هنگام تعیناتی دکن ترددی شایسته کرده در سنه ۱۰ بمنصب هزار و پانصدی هزار و چهارصد سوار
نام برآورده متعین بنگاله گردیده بود   کرن کهنجی از زمینداران مالوه در سنه احد عالمگیری بمنصب
هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه ۸ در بنگاله ترددات نمایان نموده بود   کلیان سنگه زمین
دار بانده هون در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سر بر افراخته خدمت مینمود   کیج سنگه ولد راجه انروده سنگه گور
در سنه احد عالمگیری بمنصب سر برافراخته خدمت مینمود   گوپال سنگه ولد راجه رام سنگه در سنه ۲ عالمگیری بمنصب

سرافراز

سرافراز بود تا سنه ۳۰ بخدمت می نمود   گوبند پندت مرکهنی در سنه ۸ عالمگیری بمنصب سرافراز بود در دکن
خدمت مینمود در سنه ۱۰ بمنصب هزاری نام برآورده بود   کشن سنگه راتهور کچهواهه زمیندار امبیر در سنه ۱
عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب کنوری سرافراز شده در سنه ۱۳ الغیت کابل شده در سنه ۲۰ در خانه جنگی کشته
شد   گردهرداس سیسودیه بمنصب سربلند بود در سنه ۱۲ عالمگیری در اهتمام بدروازه پادشاهی کشته شد
کشن سنگه هاده بمنصب سربلند بود در سنه ۲۰ عالمگیری که پادشاهزاده محمد اکبر صوبه دار مالوه بود بمتعین
الیشان بود روزی در دربار میان مردم پادشاهزاده و همراهان او گفت گو شده از راه غضب و ادب خود را
بجمدهر ضایع کرد   کشن سنگه در سنه ۲۰ عالمگیری بمنصب پنجهزاری سرافراز شده اکثر تعینات ذو الفقار خان بهادر
بحضرت جنگ مانده در سنه ۴۴ باضافه هزاری ذات والا منزلت گردیده بعد رحلت حضرت در سنه احد بهادر شاه خلعت
یافته بود   کشوروداس ولد منوهرداس برادر راجه بیتهلداس گور منصبی داشت و در سنه ۲۶ عالمگیری بقلعه داری شولاپور
از قلاع دکن از انتقال پدر مقرر گشته در سنه ۹ به معزول گردیده بود

حرف ل

لکهمی سین چوهان در عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی سرافراز شده خدمت مینمود در سنه ۲۴ فوت کرد

حرف م

مادهو سنگه برادر راجه مان سنگه کچهواهه در عهد اکبری بمنصب سر برافراخته خدمت می نمود در سنه ۱۸ در جنگ
پیموده
با رانا زمیندار ادی پور در سنه ۲۰ در مصاف با مرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت که در آن ایام راه بغی

بوده‌اند در حدود کابل تردّدات نمایان جوهر تهوّر خود را بعرض داده اکثر خدمات پسندیده کرده در سنه ۳۴
حکم شده بود که در مهمات باولی ملکی صوبه لاهور شریک قلیچخان و بجایزه تلاش‌های مردانه بمنصب دو هزاری سر
برافراخته خدمت بجا می‌نمود و در سنه احد جهانگیری با اضافه هزاری نام برآورده بود میدنی رام چوهان در عهد اکبری
بمنصب هفت صدی سربلند شده در سنه ۶ بتعین کابل گردیده بود موهن داس ولد راجه بکرماجیت
کهتری در سنه ۲ جهانگیری بمنصب ششصدی سربلند و بدیوانی گجرات مقرر بود مان سنگه ولد راوت سنگه
برادر رانا اودی سنگه در سنه ۱۳ جهانگیری بعد فوت پدر از اصل و اضافه بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۸ با اضافه
پانصدی سرافراز شده خدمت می‌نمود نرسنگ برادر راجه سیام سنگه تونور در عهد جهانگیری بمنصب سرافراز
بود و در عهد شاه جهانی بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۸ فوت کرد مکند داس جادون در سنه ۲ شاه
جهانی بمنصب پانصدی سربلند و تعین دکن شده بود مالوجی برادر کهیلوجی بهونسله در سنه ۳ شاه
جهانی بمنصب پنجهزاری سرافراز گشته در سنه ۱۱ در مهم فتح قلعه ساهیر و موهر که در تصرف بهرجی زمیندار بگلانه
بودند ترددی نموده و در سنه احد عالمگیری همراه مهاراجه جسونت سنگه بود و در سنه ۵ فوت کرد ساهوجی برادر
زاده ساهوجی بهونسله همراه عم خود در سنه ۳ شاه جهانی بمنصب سه هزاری سرافراز شده بود نرسنگ
برادرزاده راجه بهاسنگه کچهواهه در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز بوده است مکند داس
راتهور در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی سرافراز بود مکند داس ولد راجه گوپال داس گور
در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود مادهو سنگه سیسودیه در ابتدای عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی

سرافراز بود

سرافراز بود مادهو سنگه ولد راو رتن هاره زمیندار بوندی و کوته منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی همراه
مظفر خان بارهه بتنبیه خان جهان لودی باغی تعین شده در سنه ۳ وقتی که مظفر خان با خان جهان
لودی بجنگ [illegible] پیوست مادهو سنگه بیش از همه پیش دستی نموده چون صف ترکان درهم آویخته بزخم
برچهه خود کارش تمام کرد در سنه ۴ بعد فوت پدر بعنایت زمینداری کوته و پهلاته که از زمان زمینداری
کوته از بوندی علاحده شده و بمنصب دو هزاری سرافراز شده متعین وزیرخان در دکن شده در سنه ۵ بحضور
آمده و در سنه ۶ بتعین شاه شجاع بمهم دکن گشته در سنه ۷ و سنه ۸ در [illegible] دکن ترددی نموده هم در سنه ۸ در تعاقب
ججهار سنگه بندیله ایلغار اوزبکی نموده در سنه ۹ در دکن ترددهای مردانه کرده در سنه ۱۰ بحضور آمده بمنصب سه
هزاری دو هزار سوار نام برآورده بوطن رفته در سنه ۱۱ از وطن آمده بتعین شاه شجاع تعینات گردیده در سنه ۱۳
همراه شاهزاده مراد بخش بتعین گشته بکابل رفته در سنه ۱۴ بحضور آمده در سنه ۱۵ با اضافه پانصد سوار و در سنه ۱۶
بمنصب سه هزاری سه هزار سوار مباهات اندوخته در سنه ۱۹ و در سنه ۲۰ در کارزار بلخ ترددها نموده در سنه ۲۱ بوطن
رخصت شده در آن جا فوت کرد منکوجی راو دکهنی در سنه ۸ شاهجهانی بمنصب سربلند بود جهیس داس راتهور
از نوکران مهابت خان زمانه بیک در سنه ۸ شاه جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه ۱۴ بمنصب
هزاری و در سنه ۱۸ قلعه داری لاهور معزز شده در سنه ۱۹ در مهم بلخ ترددی کرده در سنه ۲۰ بپای عتاب آمده
در سنه ۲۲ بحال گردیده در سنه ۲۳ بتعین مهم قندهار و در سنه ۲۸ بتعین دکن شده در سنه احد عالمگیری با اضافه
پانصدی نام برآورده بود محکم سنگه سیسودیه در سنه ۱۵ شاه جهانی بمنصب سربلند بود و در کارزار

بافوج لباسش تردد کرده بود   مهیس داس بن دلپت راجه رای سنگه راتهور زمیندار بیکانیر در سنه ۱۱
شاه جهانی بمنصب هشتصدی سرافراز شده و در سنه ۱۵ به منصب هزاری هزار سوار و در سنه ۱۹ بمنصب دوهزاری و انعام
پرگنه جالور و در سنه ۱۹ با اضافهٔ پانصدی هزار سوار و بعد چندی بجایزهٔ ترددات نمایان در مهم بلخ و بدخشان بنوازش نقاره
و بمنصب سه هزاری نام برآورده در همان سال درگذشت   از بندگان معتمد درگاه و کاردیده بود حسب الحکم پس تخت
اقدس پهلوی سندلی که بر آن براق خاصه می باشد و از اورنگ مبارک بفاصلهٔ دو گز نگاه سید از نمی ایستاد و وقت
سواری بفاصلهٔ دو برابر این از عقب می آمد   [illegible] در سنه ۶ شاه جهانی بمنصب سربلند بود و در جنگ با
فوج لباسش تردد نموده بود   مهیس داس راتهور از نوکران راجه گج سنگه زمیندار جودهپور در سنه ۱۲ شاه جهانی به منصب
هشتصدی سرافراز شده در سنه ۱۴ ابدار المهامی فوج راجه جسونت سنگه ولد راجه گج سنگه مقرر گردیده بود
مکند سنگه اولیت پور مادهو سنگه زمیندار کوته در سنه ۱۴ شاه جهانی بعد فوت پدر بعنایت وطن و بمنصب دو هزاری
سر برافراخته در سنه ۲۰ بتعین مهم قندهار شده و در سنه ۲۰ باضافهٔ پانصدی نام برآورده باز بتعین مهم قندهار
گردیده بعد رسیدن آنجا در سنه ۲۲ و سنه ۲۰ در مهم قندهار تردد ها نموده بمنصب سه هزاری دو هزار سوار رسیده
در سنه ۳۲ در جنگ مالوه هنگام تعینانی مهاراجه جسونت سنگه بمقابلهٔ عالم گیر بادشاه رایات دلاوری برافراشتند
صفها را شکافته هم چون نهنگ بدریای خون ریزی درآمده با پانصد راجپوت بکار آمد   موهن سنگه [illegible]
پور مادهو سنگه زمیندار کوته در سنه ۱۴ شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب هشتصدی سرافراخته در سنه ۲۲
و سنه ۲۳ و سنه ۲۰ در مهم قندهار تردد کرده در سنه ۳۲ در جنگ مالوه همراه مهاراجه بمقابلهٔ عالم گیر بادشاه کارنامه

تهور

تهوریها بکار گذاشته در کمال مهر و قدرت انواع عالم گیری را زیر و زبر نموده بکار آمد   مهرداس کچهواهه
در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سربلند بود در سنه ۳ فوت کرد   مان سنگه ولد راجه بکرماجیت
در سنه ۳۲ شاه جهانی بمنصب پانصدی سربلند بود   مرار داس گور در آخر عهد شاه جهانی بمنصب
پانصدی سرافراز بود   مان سنگه بندیله در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرفراز گردیده بود   [illegible]
بندیله از نوکران داراشکوه در سنه احد عالم گیری بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار سرافراز شده در سنه ۱۱
بجایزهٔ ترددات در دکن به اضافهٔ منصب کام دل برگرفته بود   مانکوجی لال دکهنی در سنه ۲ عالم گیری بمنصب هزار و پانصدی
نو سرافراز بود   مدنی سنگه ولد پرتهی سنگه زمیندار سری نگر در سنه سیوم عالم گیری در جلدوی حواله نمودن
سلیمان شکوه پسر داراشکوه که به پدر او پناه برده بود بمنصب دو هزاری و به انعام پنجاه هزار روپیه و بلطف
فرمودن جمدهر پهونچی و اودسی مرصع سرافراز شده تا سنه [illegible] خدمت مینمود   مانکوجی دیگر ادکهنی در سنه
عالم گیری بمنصب سرافراز شده بود   مان سنگه و مها سنگه پسران راجه رای سنگه سیسودیه در سنه ۱۶
عالم گیری بعد فوت پدر مورد مراحم خاقانی شده بودند   مانکوجی کهوریزا در سنه ۲۰ عالم گیری بمنصب سربلند
و مصدر تردد بود   مانکوجی از نوکران سنبهاجی مشهور در سنه ۲۰ عالم گیری بمنصب دو هزاری سربلند
شده خدمت می نمود   بدن سنگه برادر خورد راجه ساهو در سنه ۲۲ عالم گیری بعد دستگیر آمدن
به منصب سربلند شده بمقتضای صغر سن حکم شده بود که نزد مادر خود در گلال بار باشد   [illegible]
دکهنی در سنه ۳۴ عالم گیری بمنصب سربلند بود

حرف ن

نراین داس ولد راجه گنگهار بن حکبال برادر خورد راجه بهارامل کچهواهه در سنه ۳ جهانگیری بمنصب سرافراز بود
و تا سنه ۱۱ در تعینات مهابت خان خدمت می نمود   نتهمل ولد کشن سنگه بن راجه اودی سنگه معروف
به موته راجه در سنه ۱۱ جهانگیری بعد گذشتن پدر بمنصب هزار و پانصدی و در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب برادری

سرافراخته

سربرافراخته خدمت می نمود   نرهرداس جهالا در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود و در سنه ۲
تعین راجه کچ سکه شده و در سنه ۳ در کارزار با خان جهان بودی که در آن ایام راه بغی پیموده بود به مردانگی در دکن
بکار آمده   نرهرداس ولد راجه نرسنگ دیو بندیله در سنه احد شاهجهانی بمنصب پانصدی سربرافراخته تا سنه
در دکن خدمت میکرد   ناهرسو لنگی در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و آینده بمنصب هشت صدی
سرافراز شده در سنه ۱۳ بتعین کابل گردیده بود و در سنه ۲۲ بتعین مهم قندهار شده بود   نرسنگ داس
کچهواهه ولد راجه دوارکاداس بن راجه گرد هرداس بن رای سال درباری در ابتدای عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی در اواسط عهد بمنصب هشتصدی و در سنه ۱۸ بقلعه داری کاویل از قلاع دکن و در سنه ۲۲
بقلعه داری جتیر سرافراز شده بود   ناجی دکهنی از نوکران نظام الملک در سنه ۳ شاهجهانی
بمنصب دو هزاری سربلند شده خدمت می نمود   ناروجی دکهنی در سنه ۹ عالمگیری بمنصب سرافراز
بود و خدمت های نمایان میکرد   نقابت خان میر فخر الدین مشهدی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه
احد اکبری بمنصب و به این خطاب سربرافراخته و در سنه ۹ در ایلغار تنبیه عبد الله خان اوزبک باغی و در سنه ۱۲
در ایلغار تنبیه خان زمان باغی و در سنه ۱۷ در مهم گجرات تردد ها نموده و در سنه ۲۲ بفوجداری پتن گجرات مامور شده در
سنه ۲۲ در آن جا فوت کرد   نقابت خان برادر سید میرکه از سادات بنی مختار از ولایت در رکاب همایونی آمده
در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۰ تردد ها نموده در سنه ۱۲ بمهم راجی
علی خان حاکم خاندیس تعین گشته و در سنه ۴۲ بتعین بنگاله گردیده در سنه ۴۲ در جنگ با قتلو افغان در حدود سلیم آباد

شکست یافته بر جهاز نشسته پیش فرنگیان آن حدود پناه برده بود   مختار خان در سنه احد اکبری بمنصب و
خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۲۰ تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   سید نورنگ خان ولد قطب الدین خان
کوکه اکبر بادشاه در عهد ایشان بمنصب و خطاب خانی سربلند گردیده در سنه ۱۹ بنا بر تنبیه شاه مرزا الطرف بهروچ
و در سنه ۱۷ بهمراه راجی علیخان حاکم خاندیس و در سنه ۲۶ برای تنبیه مرزا حکیم برادر خورد حضرت همراه شاهزاده مراد
سنه ۲۸ بنا بر تنبیه مظفر حاکم زاده گجرات همراه خانخانان متعین شده و در هر معرکه ترددها کرده بجایزه نیکو خدمتیها
بمنصب پنجهزاری رسیده حکومت جونگده مضاف صوبه گجرات داشت در سنه ۴۲ در آن جا فوت کرد خان مسطور بنفت هزار
سوار مقرری نوکر داشت   نیابت خان محمد عرب ولد سید هاشم خان واقعه نگار بنگاله منصبی داشت و به نیابت بدر دران
جا بود هنگام ورود رایات اکبری در آن جا در سنه ۱۹ ایشان به این تقریب که احوال صوبه بنگاله عرض نموده بود بخطاب
نیابت خان سرافراز شده در سنه ۲۵ همراه قاقشالان در بنگاله بغی نموده در سنه ۳۲ بعد التجای بسیار تقصیرش مقرون
بعفو گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   نقیب خان غیاث الدین علی ولد میر عبد اللطیف قزوینی از سادات سیفی
در سنه احد اکبری بمنصب هزاری سربلند گشته در سنه ۱۹ در مهم تنبیه در رکاب بود در سنه ۲۱ بسرداری فوجی
که بنا بر تنبیه زمین داران ایدر تعیین شده بود مقرر گردیده در سنه ۲۴ به تعیین بهار شده در سنه ۲۶ در شب خونی
که معصوم خان کابلی بر فوج بادشاهی زده بود تردد شایسته نموده بجایزه آن بخطاب نقیب خان نام برآورده در
عهد جهانگیری باضافه پانصدی چهره امتیاز برافروخته در سنه ۹ فوت کرد و در اجمیر مدفون شد استاد اکبر بادشاه
و مترجم نسخه مهابهارت و مورخ بی بدل بود   نعمت خان طاهر در عهد اکبری بمنصب و خطاب نعمت خان و بخدمت بکاولی

سرافراز

سرافراز شده در سنه ۴۲ فوت نمود   نعمت خان میر علی ولد مکتوب خان در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی
و در سنه ۲۵ بخدمت بکاولی و در سنه ۲۸ به این خطاب سربلند گشته بود انجام حال او معلوم نشد   نعمت خان میرزا
محمد عالی تخلص در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب نعمت خان و در آخر بمنصب هفصدی و خطاب مقرب خان سربلند
شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب مقرب خان بقلم آمد   نصیر خان میانه در سنه ۴۲ اکبری بمنصب ... و به این خطاب
سربلند بود متعین سلطان خرم شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   نظر خان ولد سعید خان گکهر در عهد اکبری
بمنصب هزاری و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۴۱ در تعیناتی قلیچ خان در تنبیه تاریکیان کابل و در سنه ۴۴
در تسخیر قلعه لاهور از قلاع دکن ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نشد   نادعلیخان میدانی در عهد اکبری منصبی داشت
در آغاز عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سر برافراخته تعیین صوبه کابل و در سنه ۴ بجلدوی تردد
در تنبیه احداد افغان در کابل باضافه پانصدی نام برآورده بود در سنه ۱۱ فوت کرد   نوبت خان علیخان کرور در عهد
اکبری بمنصب و بداروغگی نقاره خانه سرافراز بود در سنه ۲ جهانگیری بمنصب پانصدی و بخطاب نوبت خان و بداروغگی
مذکور سربلند گردیده خدمت میکرد انجام حال او خوب معلوم نشد   نوبت خان دیگر از خبر در رکاب شاه جهانی
آمده در سنه احد ایشان بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب نوبت خان سرافراز شده تا سنه ششم خدمت می نمود
انجام حال او معلوم نشد   نوبت خان جمشید ... منصبی داشت در سنه ۹ شاه جهانی بخطاب نوبت خان
و بمنصب هفتصدی و بداروغگی نقاره خانه و در سنه ۲۵ بداروغگی برق اندازان رکاب سعادت و بکوتوالی در
سنه ۲۸ بفوجداری باری از تغیر ... افغان سرافراز گشته خدمت میکرد انجام حال او معلوم نگشت

نوبت خان ناصر جیله ولد نوبت خان جمشید در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۲ باضافه بمنصب

و در سنه ۳ بداروغگی خواصان از تغیر حیات خان سرافراز شده و در سنه ۲ عالمگیری بخطاب نوبت خان و بداروغگی نقارخانه

بچهرهٔ امتیاز برافروخته بود و دیگر احوال او معلوم نشد **نوازش خان** سعدالله نام ولد سعید خان بن یعقوب بیگ در سنه

احد جهانگیری بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۶ ایشان بخطاب نوازش خان سربرافراخته و در سنه ۱۲ هنگام درود رایات

بادشاهی در گجرات از جون گڈه که حکومت آنجا داشت آمده ملازمت نموده باز بجون گڈه رفته و در سنه ۱۵ بمنصب سه

هزاری نام برآورده و در سنه ۱ اطلب حضور گشته و در سنه ۸ بجایزهٔ تردد نمایان در کارزار با سلطان خورم باغی بمنصب چهار

هزاری سربلند گردیده بتعین صوبهٔ گجرات شده بود انجام حال او معلوم نشد نوازش خان عبدالکافی

برادر خلیل الله خان بزودی بمنصبی حالصاحب و در سنه ۱۴ شاه جهانی تعین شاهزادهٔ مراد بخش شده و در سنه ۱۸ بمنصب

هزاری و دو صد سوار و در سنه ۱۹ بخطاب نوازش خان و در سنه ۲ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۹ بمنصب دو

هزاری سربرافراخته از بنگاله بحضور آمده در همین سال به اضافهٔ پانصدی بمنصب پانصدی و در سنه ۳ بخدمت قوربیگی

از تغیر مرز اسلطان مباهات اندوخته در سنه احد عالمگیری بفوجداری سرکار ماندو و حراست آن دیار و آن حصار در سنه ۲

بمنصب سه هزاری نام برآورده و در سنه ۵ در آن جا فوت نمود نوازش خان محمد عابد ولد زاهد خان کوکه بیگم صاحب

منصبی داشت در سنه احد عالمگیری باضافهٔ منصب و در سنه ۳ بخطاب نوازش خان و بمنصب هزار و پانصدی

سربرافراخته انجام حال او معلوم نشد نوازش خان مختار بیگ ولد اسلام خان رومی در سنه ۱۹ عالمگیری

بمنصب هزاری سربرافراخته در سنه ۲۴ بخطاب نوازش خان و آینده به اضافهٔ منصب و در سنه ۳ بفوجدار

منو

منصب سوار و در سنه ۳ بفوجداری مرادآباد و آینده بفوجداری سرکار رمانده و در سنه ۹۳ بناظم صوبهٔ کشمیر از تغیر ابراهیم

خان نام برآورده در عهد بهادر شاه بادشاه فوت کرد **نظام الدین خان** در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی

سربرافراخته در سنه دهم متعین صوبهٔ ملتان بود در سنه ۱۱ بمنصب هفت صدی سربلند گشته خدمت می نمود و دیگر احوال

او معلوم نشد نصرت خان علی خان نیازی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سر

بلند بود در سنه ۱۱ بخطاب نصرت خان سرافراز شد و دیگر احوال او معلوم نشد نصرت خان مظفر الملک

ولد بهادر الملک در اواسط عهد جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب مظفر الملک سرافراز بود در سنه ۱۹ بخطاب نصرت خان

نام برآورده انجام حال او معلوم نشد نصرت خان مظفر الملک ولد بهادر الملک در اواسط عهد جهانگیری

بمنصب هزاری و بخطاب مظفر الملک سرافراز بود در سنه ۱۶ بخطاب نصرت خان نام برآورده انجام حال او معلوم نشد

نصرت خان نصرت الله ولد سعید خان بهادر ظفر جنگ در عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری

بخطاب نصرت خان سربرافراخته بود انجام حال او هیچ معلوم نشد نصرت خان سرنی بیگ منصبی داشت در سنه

احد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب قلعه دار خان و در سنه ۴ بتهانه داری غزنین نام برآورده در سنه ۹ بخطاب

نصرت خان سربرافراخته در سنه ۱ از تردد مردانه نموده بود انجام حال او معلوم نشد نصرت خان دیگر

در عهد عالمگیری بمنصب هفتصدی و به این خطاب سربلند بود بعد رحلت حضرت همراه اعظم شاه آمده در سنه احد

بهادر شاه بمنصب هزاری سربرافراخت انجام حال او معلوم نشد **نصیر خان** خواجه صابر ولد خواجه حصاری در اوایل

عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب نصیری خان و در سنه ۶ شاه جهانی بخطاب خان دوران سرافراز شده بود و تتمه

احوال او در ذیل خطاب خان دوران نوشته شد   نصیری خان سید محمود ولد خاندوران خواجه صابر در آداء
عهد شاه جهانی بمنصب و در آخر عهد بخطاب نصیری خان و در سنه احد عالمگیری بخطاب خان دوران سربلند گردید
تتمه احوال او در ذیل خطاب خان دوران نوشته شد   نصیری خان محمد یوسف منصبی داشت در سنه احد عالمگیری
بمنصب دو هزاری و بخطاب شمشیرخان و بعد چندی بخطاب نصیری خان سرافراز شده در سنه ۸ التعین صوبه بنگاله شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد   نصیری خان ولد خان جهان بهادر ظفرجنگ در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۲۶
بخطاب نصیری خان سربلند بود و در سنه ۲ بخطاب سپه‌دارخان نام بر آورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب سپه‌دار خان
نوشته شده   نصیری خان محمد شفیع ولد خان جهان بهادر بندکور منصبی داشت در سنه ۹ بخطاب نصیری خان و در
سنه ۴۴ بمنصب هزاری سربلند گردیده خدمت می‌نمود در سنه احد بهادرشاه بخطاب سپه‌دارخان مامور شده
در سنه درگذشت   ناهر خان توتور در سنه ۱ جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی بر نام خود سرفراز بود و در سنه ۱۳
از دکن آمده باضافه پانصدی سربلند شده در سنه ۹ الخطاب شیرخان سرافراز گشته بود تتمه احوال او در ذیل خطاب
شیرخان بقلم آمد   سید ناهرخان بارهه تهنوری از نوکران سلطان داراشکوه منصبی داشت و در سنه ۳۰ شاه
جهانی بخطاب ناهرخان سر برافراخته در سنه ۴۴ بتهانه داری دهاریت از مملکت دکن مقرر بود انجام حال او معلوم نشد
ناهرخان دکهنی در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب ناهرخان سربلند شده در کارزار اکبرآباد همراه شاهزاده
بود بکار آمد   ناهرخان ولد ناهرخان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب ناهرخان سرافراز بود معلوم نشد که
پسر کدام ناهرخان است   نجابت خان میرزا شجاع خان ولد میرزا شاه رخ چغتائی در عهد جهانگیری منصبی داشت

وهمراه

وهمراه سلطان بولاقی در جنگ با سلطان شهریار تردد نموده در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزاری
چهارصد سوار و در سنه ۳ باضافه منصب و خطاب خان خانان و خدمت فوجداری دکن و در سنه ۴
نجابت خان بحکومت ملتان که در جاگیر آصف خان مقرر بود از تغیر احمد بیگ خان سرافراز شده در سنه
تغیر گردیده آینده بفوجداری کانگره مقرر شده در سنه ۵ بجایزه بند دلست آن جا باضافه پانصدی بمنصب
سه هزاری سر برافراخته در سنه ۸ که بتسخیر محالات سری نگر مامور شده بود اکثر قلاع آن جا را بزور شمشیر
مفتوح نموده بغرور تهور و فرط خودرائی در محل بیجا بازمین دار آن جا بکارزار پیوسته شکست فاحش خورده
به این تقصیر بی منصب گشته در سنه ۹ بحال گشته باز بفوجداری کول نام بر آورده در سنه ۱ الفوجداری برودة
مقرر شده در سنه ۱۱ همراه شاه شجاع بقندهار رفته بعد مراجعت باز بکول رخصت شده در سنه ۱۲ در سفر کابل
در رکاب بوده در همین سال به اضافه هزاری بمنصب چهار هزاری و بنظم ملتان از انتقال یوسف محمد خان مباهات
اندوخته در سنه ۱۴ معزول گشته در سنه ۵ التعین شاهزاده مراد بخش بنابر تنبیه راجه جگت سنگه گردید بعد
تنبیه او بضبط کوهستان آن جا مقرر شده در سنه ۲ بحضور آمده باز بکانگره رخصت شده در سنه ۱۸
تعین مهم بدخشان و بلخ گردیده در سنه ۱۹ و سنه ۲۰ در آن جا ترددات نمایان نموده در سنه ۲۲ تعین
شاهزادهٔ عالمگیر در مهم قندهار شده در سنه ۲۳ بجایزهٔ ترددات آن جا به اضافه هزاری بمنصب پنجهزاری
بچهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه ۲۴ بجاگیر رخصت شده در سنه ۲۵ حسب الحکم دو کرور روپیه از خزانه اکبر
آباد در لاهور بحضور آورده باز تعین مهم قندهار همراه آن نامدار گردیده در سنه ۲۶ مراجعت نموده در سنه ۲۷

همراه داراشکوه باز بقندهار رفته بعد مراجعت بجاگیر رخصت گشته در سنه ۲۹ بحضور آمده بود در سنه ۳۰ بتعین شاهزاده عالم
گیر ناظم دکن شده شمشیرهای دوستی زده در سنه احد عالمگیری بجلدوی جان بازیهای معارک سلطانی بمنصب هفت هزاری
ذات هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بخطاب خانخانان سپه سالار والا رتبه شده بوقوع تقصیری بی منصب شده در سنه ۳ بعفو
تقصیر و بحکم براق بستن و در سنه ۵ بمنصب پنجهزاری و بخطاب نجابت خان کام دل بر گرفته در سنه ۷ به نظم صوبه مالوه
بلند مرتبه گردیده در سنه ۸ در آن جا فوت کرد سید نجابت خان ولد سید مظفر حیدرآبادی در سنه ۴ عالم
گیری نیابه آمده بمنصب و بخطاب نجابت خان سر برافراخته در سنه ۹ فرار نمود بعد از آن احوال او معلوم نشد
نجابت خان ولد نجابت خان بن میرزا شاهرخ در آخر عهد عالمگیری منصبی داشت آینده بخطاب نجابت خان
و بمتصدیگیری بندر سورت سرافراز شده بنظم صوبه برهانپور و بفوجداری بکلانه و در سنه ۴ به اضافه
پانصدی سرافراز شده خدمت می‌نمود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه بنظم مالوه از تغیر عبدالله خان
مقرر شده بود از روی نقل شقه خاص حضرت معلوم شد که برادر محمد امین خان است والله اعلم
ناظر خان خواجه امید آصف خانی منصبی داشت در سنه ۳۰ شاه جهانی بخطاب ناظر خان و بخدمت نظارت
و در سنه ۳۰ بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه احد عالمگیری به اضافه منصب و در سنه ۴ دیگر احوال او معلوم
نشد ناظر خان خواجه سرا در آخر عهد عالمگیری به منصب هفصدی و به این خطاب و نظارت کرد محل
سرافراز بود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه بمنصب هزاری نام بر آورده فوت کرد **نامدار خان** ولد
جعفر خان طهرانی در سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۲۰ بمنصب هزاری و در سنه ۲۰ بمنصب هزار

و پانصدی

پانصدی و خطاب خانی بر نام خود و در سنه ۲۰ به اضافه پانصدی و در سنه ۳۰ بمنصب دو هزار و پانصدی و بداروغگی
دیوان خاص از تغیر حیات خان سربلند شده در سنه احد عالمگیری به اضافه منصب هزاری سر برافراخته همراه امیر
تعین مالوه شده در سنه ۲ بخدمت قوربیگی از تغیر فیض الله خان سرافراز گشته آینده به تعین دکن گردیده
در سنه ۶ هنگام تعیناتی دکن همراه مهاراجه جسونت سنگه به اضافه منصب پانصدی بمنصب چهار هزاری سر
بلند گشته در تنبیه سیوا مرهته تردد مصدر نمایان شده در سنه ۷ بحضور آمده در سنه ۹ بخزانه عامره که سابق
از اکبرآباد بشاهجهان آباد نقل شده بود به اکبرآباد رسانیده در سنه ۱۰ بفوجداری مرادآباد از تغیر الله وردی خان
و در سنه ۱۳ بنظم دارالخلافه و در سنه ۱۴ بمنصب چهار هزاری و بنظم اکبرآباد و در سنه ۱۸ بنظم صوبه اوده چهره
امتیاز برافروخته در همان سال بسالیانه چهل هزار روپیه خورسند گشته بود **نعمت الله خان** ولد میر ظهیر الدین
یزدی در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در آخر عهد در سنه ۳۰ بمنصب هزاری و دو صد سوار سر
افراز شده به نسبت دامادی میرزا امراوکام یعنی مکرم خان صفوی فوجدار جونپور گردیده در سنه احد عالمگیری
به اضافه منصب و خطاب خانی بر نام خود سرافراز گشته خدمت میکرد انجام حال او معلوم نشد نعمت الله خان
ولد روح الله خان بن خلیل الله خان در سنه ۴۴ عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب نعمت الله خان سرافراز گردیده
بود در عهد محمد شاه بادشاه فوت کرد **ناصر خان** ابوالفتح برادر حقیقی امیر الامرا شایسته خان در عهد شاه جهانی به منصب
و در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و آینده بخطاب ناصر خان و در سنه ۲ بخطاب ظفر خان سر بر
افراخته بود تتمه احوال او در ذیل خطاب ظفر خان نوشته شد ناصر خان محمد منصور برادر عبدالله خان

والی ولایت کاشغر در سنه ۳۰ عالمگیری با مهدی برادرزاده از وطن آمده بمنصب هزاری سرافراز شده و در سنه ۱
بخطاب ناصر خان نام برآورده در سنه ۱۰ بتعیین صوبه کابل شده در آینده به نیابت نظم آن صوبه مقرر گشته در سنه
۵ به معزول گردیده در سنه رحلت کرد **سکندر افغان** افغان بمنصب و بخطاب خانی سربلند و در سنه احد عالمگیری خدمت
می‌نمود دیگر احوال او معلوم نشد **ناهر خان** افغان بمنصب و بخطاب خانی سربلند و در سنه احد عالمگیری بنکنام
خان سربلند و در سنه ۲ عالمگیری بتعیین صوبه بنگاله بود و در سنه ۹ فوت گشت بنکنام خان ابوالمسلم
در سنه احد عالمگیری بمنصبی داشت در سنه ۲ بخطاب بنکنام خان و قلعه‌داری رتهاس از تغیر نهر خان
سرافراز شده در همان سال درگذشت بنکنام خان پسر همت خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
بنکنام خان سرافراز شده در سنه ۴۴ به بخشی‌گری و واقعه‌نگاری فوج شاهزاده بیدار بخت مقرر شده بود
و آینده به بخشی‌گری احدیان نام برآورده بعد رحلت حضرت از پسر اعظم شاه بخطاب همت خان امتیاز یافته
در عهد محمد شاه فوت کرد **سید نصیر الدین خان** دکهنی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری باضافه منصب هزار و پانصدی
و در سنه ۲ بخطاب خانی بر نام خود سرافراخته در سنه مذکور از حضور بتعیین بنگاله گشته در سنه ۵ فوت ساخت
نصیر الدین خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و بخطاب خانی و فوجداری دیول گهات سرافراز بود بعد
رحلت حضرت بمنصب هزاری سربلند شده دیگر احوال او معلوم نشد **نجیب خان** در اوائل عهد عالمگیری بمنصب
و بخطاب خانی سرافراز و در سنه ۵ پانصد رتبه بود دیگر احوال او معلوم نگشت **نور الله خان** در اوائل عهد عالمگیری
بمنصب و بخطاب خانی بر نام خود سربلند و در سنه ۱۰ بمنصب هزار و پانصدی و فوجداری چند دیوان

مضاف

مضاف صوبه بنگاله سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد **نظر علی خان** منتسب شجاعت خان ناظم گجرات در
اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و بخدمات آن صوبه سرافراز بود در آخر عهد بفوجداری جوده‌پور
مقرر شده ترددی می‌کرد دیگر احوال او دریافت نگشت **نیک نهاد خان** در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب
سربلند بود و در سنه ۴۰ بخدمت می‌نمود **نیاز خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز بود
در سنه ۴۹ بتعیناتی چین قلیچ خان بهادر بود و استعداد سرانجام فوجداری‌ها داشت دیگر احوال او معلوم نشد
نعمان خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و به بخشی‌گری صوبه گجرات سربلند بود و در سنه
ساخته بود در عهد محمد شاه بادشاه از این جهان به آن جهان رفت **نور الله علی خان** برادر خورد سید حسین علی خان بارهه
در عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در صوبه بنگاله خدمت بود بعد رحلت حضرت همراه شاهزاده
محمد عظیم ناظم آنجا در اکبرآباد آمده در کارزار با محمد اعظم شاه از فیل فرود آمده بذات خود شمشیرها زده شهید شد

و زیر خان تاجیک برادر آصف خان عبد المجید هروی در عهد اکبری بمنصب چهار هزاری و بخطاب وزیر خان سر
برافراخته در سنه ۹ در جنگ با آواز خان پسر سلیم شاه تردد نمایانی نموده در سنه ۱۱ راه بغی پیموده در سنه ۱۲
تقصیرش مقرون بعفو شده در سنه ۱۸ بحکومت و مولقه مضاف صوبهٔ گجرات و در سنه ۱۹ با اتالیقی مرزا خان عبد
الرحیم بنظم گجرات مقرر گشته در سنه ۲۲ در تنبیه مرزا مظفر حسین ولد مرزا ابراهیم حسین چغتائی در کمال
تردد شایسته کرده بعد عزل ناظم آن جا بحکومت آن دیار نام بر آورده در سنه ۲۵ بوزارت کل از تغیر خواجه منصور
اختصاص یافته در همان سال بنظم اوده سر برافراخته به اتفاق شهباز خان تنبیه معصوم خان باغی نموده در سنه ۲۶
بکومک اعظم خان به بهار و بنگاله شتافته در سنه ۲۸ در جنگ با معصوم خان کابلی باغی و قتلو نوحانی بعد حرب صعب
در بردوان ظفریاب شده در سنه ۲۹ در بلدهٔ رحل اقامت انداخته در سنه ۳۰ در جنگ با عیسی بهالی و سلیمان نیازی
و جو و انگه در قلعه بردوان متحصن شده بود فتح نمایان یافته آینده بنظم بنگاله نام بر آورده در سنه ۳۲ در آن
جا فوت کرد   وزیر خان محمد مقیم ولد شجاعت خان عرب در آخر عهد اکبری بمنصب دو صدی و بخطاب خانی بر
نام خود و خدمت بیوتاتی سرافراز شده در سنه ۴۹ به خطاب وزیر خان و بخدمت وزارت کل نام بر آورده
در سنه احد جهانگیری بنصف وزارت مامور مانده در همان سال به دیوانی بنگاله مقرر شده از دیوانی بنگاله معزول
گشته در سنه ۴ مکرر به دیوانی بنگاله امتیاز یافته در سنه ۸ در حضور خدمت می نمود آینده به دیوانی سلطان پرویز
مقرر گشته در سنه ۱۱ هنگام دیوانی مذکور بمنصب دو هزاری نام بر آورده در سنه ۱۲ بمنصب دو هزار و پانصدی رسیده

در سنه ۱۵

در سنه ۱۵ او در آن جا فوت نمود   وزیر خان حکیم علیم الدین پنجابی از نواختههای سلطان خرم
در سنه ۱۶ جهانگیری بجلدوی آوردن فتح نامه دکن مورد مراحم پادشاهی شده با ایشان خدمت
میکرد در سنه احد ایشان بمنصب و بخطاب وزیر خان و در سنه ۲ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۵ باضافه
منصب و بنظم لاهور سر بلند گردیده بنابر حسن خدمت منصب پنجهزاری رسیده در سنه ۱۲ به تقصیر سلوک نا
هموار با اکثر مردم آن جا معزول شده در سنه ۱۳ بتعین صوبه کابل گشته در سنه ۱۴ بنظم صوبهٔ اکبرآباد از تغیر
صفدر خان نام بر آورده در همان سال در آن جا فوت کرد   وزیر خان محمد طاهر خراسانی بخشی داشت
و مدتها بدیوانی پادشاهزادهٔ عالمگیر قیام نموده در سنه ۲۰ شاهجهانی همراه آن پادشاهزاده در مهم
بلخ تردد نموده در سنه ۲۲ بحراست صوبهٔ خاندیس از طرف ایشان مقرر گشته در سنه احد عالمگیری باضافه
منصب و بخطاب وزیر خان و بنظم خاندیس و بعد چند روز بمنصب چهار هزاری دو هزار سوار و پس از چندی
بنظم اورنگ آباد و در سنه ۲ باضافه هزاری والا رتبه گشته بحضور رانده در سنه ۳ بنظم اکبرآباد از تغیر
سیف خان سرافراز گشته در سنه ۴ بنظم خاندیس و در سنه ۸ بنظم صوبهٔ مالوه و از انتقال نجابت خان مرزا
شجاع مقرر گردیده در سنه ۱۰ در آن جا فوت کرد   وزیر خان میرحاجی در اواسط عهد عالمگیری بمنصب
و بخطاب وزیر خان و به دیوانی پادشاهزاده محمد اعظم سرافراز شده مدتها به دیوانی ایشان مامور مانده
در عهد ایشان رحلت کرد   وزیر خان مرزا عسکری از تبار وزیر خان هروی تاجیک برادر عبد المجید
آصف خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب وزیر خان و به دیوانی کابل سربلند.

شده بود و در سنه ۴ بهادر شاه بادشاه در ایام فوجداری سهرند با سکهان صف آرا گردیده مردانه در آتش
نموده نقد جان درباخت وفادار خان میرمرزا در سنه ۴۴ اکبری بمنصب و به این خطاب سربلند بود و در کارزار بادکهنیان
همراه شهزاده خواجه تردد نمایانی نموده تا سنه ۴۹ در رکاب خدمت می‌نمود دیگر احوال او معلوم نشد لاکن وفادار خانی
که در سنه ۱ جهانگیری بمنصب دو هزاری سربلند شده بود تردد است که این وفادار خان عهد اکبر است یا دیگری
وفادار خان ملک حسین ابدالی ولد ملک سعد دو زمین دار قندهار در سنه ۳۰ شاه جهانی بمنصب هزاری سر
افراز شده در سنه ۹ عالمگیری بخطاب وفادار خان نبیره سعید خان بهادر ظفر جنگ در اواسط عهد عالمگیری
بمنصب و خطاب وفادار خان سرافراز گشته در سنه ۴۰ بخطاب زبردست خان نامور گردیده بود تتمه احوال
او در ذیل خطاب زبردست خان بقلم آمد وفادار خان زمین دار نواح ملتان در آخر عهد عالمگیری به منصب
و به این خطاب سربلند بود در سنه احد بهادر شاه هنگام ملازمت والا مورد نوازش بادشاهانه شد
وفا خان خواجه سرا در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری و خطاب وفا خان سربلند بود در سنه ۴ فوت کرد
وزارت خان عبدالرحمن نامی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و خطاب وزارت خان سربلند شده در سنه ۱۹ بمهم
آلتشی سربرافراخته سه سال بکار رته آتشی مامور مانده بود دیگر احوال او معلوم نشد وزارت خان عرب
شیخ در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب وزارت خان و به دیوانی شاهزاده کام بخش سربرافراخته در سنه
۴۹ بهم تنابرند و بست صوبه حیدرآباد مامور شده بود و بعد رحلت حضرت در رکاب محمد اعظم شاه حاضر بود انجام حال او
معلوم نشد وجیه الدین خان ولد لشکرخان سعد منورتی سیه خان جهان بارهه در اواسط عهد عالمگیری بمنصب هزاری

وخطاب

وخطاب خانی و در سنه ۲ به قلعه داری بیجاپور سرافراز گشته در سنه ۱۴ تردد کرده تا سنه ۳ بهادر شاهی خدمت
می‌نمود انجام حال او معلوم نشد وحید خان نبیره راجه جگتیای مشهور در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی
سربرافراخته در سنه ۳۰ بمنصب هزاری و به تهانه داری غوربند سرحد کابل مقرر شده مقرر گردیده بود چون
مرید خان بهادر که پسر راجه جگتیا در سنه ۳ عالمگیری بشرف اسلام آمده بخطاب مرید خان نام برآورده بود ظن
که وحید خان پسرش باشد

حرف ه

هاشم خان نیشاپوری از قرابتیان سید شهاب الدین احمد خان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر
برافراخته در سنه ۲۱ در جنگ پورتر دوی نموده در سنه ۱۹ بواقعه نگاری بنگاله مامور گشته بود در سنه ۲۲ در شهر
گور که دار الملک بنگاله است بنابر سمت هوا فوت کرد هاشم خان ولد قاسم خان میربحر در آخر عهد اکبری بمنصب
هزار و پانصدی و در سنه احد جهانگیری باضافه منصب و در سنه ۲ بخطاب خانی بنام خود و به نظم اوده و در سنه ۱۴
نظم کشمیر سرافراز گشته در سنه ۸ معزول گردیده بمنصب ۳ هزاری نام برآورده در سنه ۱ فوت کرد هاشم
خان محمد معصوم برادر میر قاسم خان ولد میر مراد جوینی در سنه ۱ جهانگیری بمنصب پانصدی و در سنه ۱۴ به خطاب
هاشم خان سرافراز گردیده خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نگشت در عهد اکبری بمنصب و بخطاب
همت خان سربرافراخته در سنه ۱۸ در جنگ گجرات تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد همت خان
اله یار ولد افتخار خان بن یاد بیگ در اوایل عهد جهانگیری بمنصب هفت صدی سربرافراخته در سنه ۸ خدمت

می‌نمود و در سنه ۱ بمنصب نهصدی و در سنه ۲ بمنصب دوهزاری و در سنه ۴ بمنصب سه هزاری و در سنه ۵ بخطاب
همت خان سرافراز شده در سنه ۱۰ اشترک یعنی سلطان خرم گردیده در جنگ گجرات از طرف سلطان مذکور به اولیای
دولت آویخته کشته شد همت خان شرف الدین حسین مشهدی است در سنه احد شاه جهانی بخطاب همت خان و بمنصب
هزار و پانصدی سرافراخته خدمت می‌نمود انجام خوب او معلوم نشد همت خان یوسف بیگ کابلی در اوایل
عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی سرافراز بود در سنه ۱۱ بجایزه تردد در جنگ باقر لکانس همراه سعید خان بهادر بمنصب
هزاری و به این خطاب سربلند گشته در سنه ۳ تهانه داری غوربند و ضحاک مقرر گردیده در سنه ۴ معزول شده
در سنه ۱ فوت نمود همت خان سید مظفر ولد سید شجاعت خان بارهه در آخر عهد شاه جهانی به منصب
و خطاب همت خان و باز بخطاب مظفر خان و در سنه احد عالمگیری بخطاب پدر سرافراز شده بود تتمه احوال او در
ذیل خطاب شجاعت خان نوشته شد همت خان میرضیاء الدین حسین در سنه احد عالمگیری بمنصب و خطاب
همت خان و باز بخطاب اسلام خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب اسلام خان بقلم آمد همت خان
میرعیسی ولد اسلام خان میرضیاء الدین حسین علوی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب همت خان سرافراز
شده متعین دکن گشته در سنه ۲ بحضور آمده در سنه ۴ همراه پدر بکشمیر رفته خدمت می‌نمود و در سنه ۵ به منصب دو
هزاری هزار سوار و لقب احداری نواح اکبرآباد و بخدمت فوجداری از تغیر میرمعصوم خان و در سنه ۸ بفیات علم و در
سنه ۹ بداروغگی گرزبرداران از تغیر ملتفت خان و در سنه ۱۲ بداروغگی دیوان خاص و بخشی گری سیوم و در
سنه ۱۳ به تن بخشی گری از تغیر اسد خان و در سنه ۱۵ بنظم اکبرآباد و از تغیر سربلند خان و آینده بار دوم بداروغگی

دیوان

دیوان خاص و به بخشی گری سیوم و در سنه ۱۳ به تن بخشی گری از تغیر اسد خان و در سنه ۱۵ به نظم اکبرآباد از
تغیر سربلند خان و آینده بار دوم بداروغگی دیوان خاص و در سنه ۱۹ به نظم اله آباد از تغیر حسن علی خان سرافراخته
در سنه معزول شده و در سنه ۲۳ بار دوم بنظم اله آباد از تغیر صفی خان مقرر گردیده در سنه ۲۴ به میربخشی گری از
انتقال سربلند خان نام برآورده و بمنصب پنجهزاری رسیده در همان سال بهنگام رفت میگویند که وقت تقرر میربخشی گری
خلعت و دوپته زری بخانه او فرستاده بودند این مقدمه بنابر تعجب نوشته شد خان مسطور منجم و کریم الصفات و نیک ذات
و خیرخواه کائنات بود و با ارباب علم رعایت میکرد و طبع موزون داشت همت خان بهادر ولد خان جهان بهادر ظفر جنگ
در عهد عالمگیری بمنصب سرافراخته خدمت میکرد و در سنه ۱۴ بخطاب مظفر خان مامور شده اکثر تردداث مردانه بعمل
در سنه ۲۷ بمنصب دوهزار و پانصدی و بخطاب همت خان امتیاز یافته در تنبیه دکهنیان تلاش های نمایان کرده در
سنه ۲۸ بنظم صوبه اله آباد و با بنگاه شتافت و در سنه ۳۰ بنظم صوبه اوده و فوجداری گورکهپور و در سنه ۳۲
بار دوم بنظم اله آباد مباهات اندوخته و در سنه ۳۳ بحضور طلب گشته در سنه ۳۴ در مصاف سنتا دکهنی بعد
فتح یاب شدن بکار آمد میرهمت خان بهادر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب همت خان سرافراخته
در سنه ... به جایزه تردداث بخطاب بهادر نام برآورده بود و در عهد بادشاه فوت کرد هلال خان در سنه احد جهانگیری
بمنصب و بخطاب خانی سربلند بود و در جنگ با سلطان خسرو باغی تردد نمایانی نموده بود در سنه ۱۰ اکه هلال
خان خواجه سرا از خدمتگاران ایام بادشاهزادگی خدمت می‌نمود تردد دی ماند که این هلال خان همان است یا
دیگری هلال خان دکهنی در سنه ۲ جهانگیری بمعرفت امیر الامرا شایسته خان ناظم دکن بمنصب و خطاب خانی

سربلند گشته تا سنه ۰ در دکن خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد هژبر خان در سنه ۳ جهانگیری بمنصب و به
این خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد سید هژبر خان بارهه در اواسط عهد جهانگیری بمنصب هزاری
و خطاب هژبر خان سرافراز شده در سنه ۱۳ بخطاب هزاری و بفوجداری میوات و در سنه ۱۱ با اضافه پانصدی
نام برآورده بتعین ملتان گشته در سنه ۱ بتعینات دکن گشته در سنه احد شاه جهانی از بارهه آمده بمنصب سه هزاری
مباهات اندوخته در سنه ۳ بتعین آصف خان گردیده در سنه ۱۱ در سفر قندهار همراه شاه شجاع فوت کرد هژبر خان بکمال
لودی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بجائزه ترددات معارک سلطانی بمنصب دو هزاری و خطاب هژبر خان سر
افراخته در سنه ۲ همراه سیف خان نابر رسانیدن شهر سنگوه در قلعه گوالیار رفته در سنه ۷ بقلعه‌داری رهتاس
از انتقال ذوالفقار خان مقرر شده در سنه ۸ بفوجداری بنارس از تغیر ارسلان علی مقرر گشته در سنه ۹
فوت کرد هژبر خان شاه قلی در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و بمیر توزکی سرافراز بود در سنه ۹ بخطاب هژبر خان
نام برآورده در سنه ۱۰ در تهانه حکم لک مضاف صوبه کابل با افاغنه آن جا آویخته بکار آمد هوشیار خان خواجه سرا
در آخر عهد جهانگیری بمنصب و خطاب هوشیار خان سرافراز شده در سنه ۱۲ عالمگیر نورجهان بیگم بود در
خان مذکور با فوج شایسته بر لب آب حیات سبب برآمدن حضرت را با اختیار خود داشته بود که دیدن انجام حال او
معلوم نشد هادی داد خان برادر رشید خان انصاری در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۱۱ به
منصب هزاری و در سنه ۲۰ بنظم صوبه تلنگانه از انتقال رشید خان به اضافه منصب و در سنه ۲۴ بخطاب خانی
بر نام خود و بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز گشته در سنه ۳۰ فوت کرد دو سی پسر گذاشت و اکثر بمناصب سربلند

بوده

بودند هادی داد خان عبدالرحیم ولد هادی داد خان مذکور در اوائل عهد شاه جهانی منصب پانصدی
داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب هادی داد خان چهرهٔ امتیاز برافروخته در جنگ اکبرآباد بمقابله دارا شکوه
بکار آمد هوشمند خان ولد ملتفت خان بن اعظم خان برادر آصف خان جعفر در عهد شاه جهانی منصب پانصدی
داشت و در سنه ۲ بداروغگی توپخانه دکن سر برافراخته در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و خطاب
خانی بر نام خود و بداروغگی دیوان خاص از تغیر خانه‌زاد خان سر برافراخته در سنه ۲ و در سنه ۳ باهتمام روشنی
شب چراغان عرض خویش سلیقگی خود داده در سنه ۴ به تعلیم فن بندوق اندازی شاهزاده محمد اعظم مقرر
گشته اضافه‌ها یافته در سنه ۵ باضافه پانصدی بمنصب چهار هزاری و نظم صوبه شاه جهان آباد از تغیر صوبه‌داری
هند خان و قلعه‌داری آن و در سنه ۶ به نظم اکبرآباد از انتقال اسلام خان و در سنه ۸ با وجود نظم آن جا به
فوجداری نواحی اکبرآباد از تغیر رعدانداز خان نام برآورده در سنه ۱۳ از آن جا به نظم شاه جهان آباد مکرر مقرر
گشته در سنه ۱۴ انتظام صوبه ملتان و بار دیگر نظم برهان پور سربلند گشته در سنه ۱۵ در آن جا رحلت نمود
هادی خان میر هادی ولد میر رفیع صدر ایران داماد شاه عباس والی آن جا در سنه ۱ شاه جهانی از ایران
آمده بمنصب هزار و پانصدی سربلند شده در سنه احد عالمگیری با اضافه پانصدی و خطاب خانی بر نام خود
و در سنه ۱ با اضافه منصب والارتبه شده در سنه ۲ بفوجداری دربهنگه مقرر شده تا سنه ۱ خدمت می
نمود انجام حال او معلوم نشد هادی خان هدایت کیش پهولانا تهه نام حبیب الاسلام منصبی داشت در سنه
۱۴ عالمگیری بخطاب هادی خان و منصب هشتصدی سربلند گردیده خدمت می‌نمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ی

یوسف خان پسر کلان شمس الدین خان اتکه در سنه ۱ عهد اکبری بمنصب پنجهزاری و خطاب خانی سربلند
شده در سنه ۵ در جنگ با بیرام خان باغی و در سنه ۹ در ایلغار تنبیه عبدالله خان اوزبک باغی ترددات
نمایان کرده در سنه ۱۱ بوفور شراب رحلت کرد   یوسف خان ولد میر احمد رضوی در سنه ۱ عهد اکبری بمنصب
و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۸ خدمت میکرد در سنه ۱۲ بفوجداری قنوج مقرر شده در جنگ با خان زمان
باغی که یوسف خان در آن جا متحصن شده بود ترددی کرده در سنه ۱۸ با حکام تعیناتی خان جهان ناظم لاهور
در دستگیر کرده آوردن مرزا مسعود حسین ولد مرزا ابراهیم حسین تردد شایسته نموده در سنه ۲۱ بنظم
لاهور نام برآورده در سنه ۲۴ در تنبیه بلوچان حسن خدمت بجا آورده در همان سال بخطاب میرزائی و خانی ناظم لاهور
شده در سنه ۳۴ چون نظم لاهور بسعید خان مقرر شد از کومکیان آن صوبه در آن جا بوده در سنه ۳۷ در تنبیه نور
الدین سپه سالار مرزا حکیم که بعزم تصرف لاهور آمده بود تلاشهای بکار برده تا سنه ۴۲ در آن جا خدمت می
نمود در سنه ۴۳ بنظم اوده مقرر بوده در سنه ۴۴ بمنصب دو هزار و پانصدی سربلند شده هم در سنه مسطور بنظم صوبه
بهار گردیده در سنه ۴۳ از تعیناتی بهار آمده بنظم کشمیر که در سنه ۴۳ بتصرف اولیای دولت در آمده بود مامور شده
بخوبی کارهای آن جا تا سنه ۴۹ سرانجام نموده در سنه مذکور بعطای جاگیر سرکار جون پور خورسند شده در سنه ۴۰
بکومک لشکری که بنابر تسخیر دکن مامور گردیده بود تعین شده در سنه ۴۲ به اتالیقی شاهزاده مراد از انتقال
صادق خان نام برآورده به تسخیر دکن تعین گردیده در سنه ۴۴ در معارک دکنیان تردد و تلاش مردانه نموده

قلعهٔ احمدنگر

قلعهٔ احمدنگر از قلاع عظیمه دکن بدستیاری خود مفتوح کردانیده در سنه ۴۴ فوت کرد   حاجی یوسف خان
در عهد اکبری بمنصب پانصدی و خطاب خانی سرافراز گشته در سنه ۱۲ در ایلغار تنبیه مرزا ابراهیم حسین
در قصبه سرنال در حدود بنگاله در رکاب والا ترددها کرده در سنه ۱۹ در تعیناتی منعم خان در کارزار با داود
کرانی حاکم زادهٔ بنگاله تلاش مردانه کرده در سنه ۲ در شهر گور دار الملک بنگاله بنابر سمیت هوا فوت کرد
یوسف خان حاکم کشمیر در سنه ۳۱ اکبری بعد از انکه ولایت کشمیر از تصرف او برآوردند بندگی درگاه والا اختیار
نموده بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سرفراز گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   یوسف خان ولد حسین
خان تکریه در آخر عهد اکبری بمنصب دو هزاری و خطاب خانی سرافراز گشته بود در سنه ۳ جهانگیری باضافه
منصب و در سنه ۳ بفوجداری گوندوانه و هم در سنه مذکور بمنصب سه هزاری سربلند گشته در سنه ۱۶ در دکن زندگانی
را جواب داد   یوسف خان در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز بود در سنه
داروغگی مرصع آلات مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   یوسف خان برادر منصور خان داروغه توپخانه

MUL 131

271 leaves

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 8

No. 117. J. Shakespear

S.44

£18

Tazkirat ul-Umarā

DEPARTMENT OF MIDDLE EASTERN STUDIES

DEPARTMENT OF MIDDLE EASTERN STUDIES
UNIVERSITY OF MELBOURNE

372

1348

کتاب تذکرة الامرا

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد قادری که بیک امر کن هژده هزار عالم را موجود فرمود و پس از نعت پیغمبری که
بیک حکم فاتبعونی گمراهان بادیهٔ ضلالت سالک مسالک هدایت نمود بمدعا می‌پردازد که
بنده کیول رام ولد رگهناته داس قوم بانیه اگروال متوطن قصبه کاسنه صوبهٔ شاهجهان آباد
که از آبا و اجداد در نمک خوارگی پادشاهان هندوستان و امیران این دودمان خلافت نشان نشو
نما یافته در ایام عطالت بخاطر آورد که تواریخ انبیا و اولیا و خلفا و سلاطین و وزرا و حکما و علما
و شعرا مورخان خلف جهان جهان نوشته اند اگر از احوال امرا و راجهای هندوستان لختی
به تحریر در آورده شود گنجایش دارد از آن جا که از ابتدای ظهور اسلام در هندوستان پادشاهانی
که اطلاق ظل اللهی در شان آنها زیبد عبارت از خاندان صاحب قران خصوصاً از اکبر پادشاه
و جهانگیر پادشاه و شاه جهان پادشاه و عالمگیر پادشاه است و در حقیقت شرائف و محامد

این چهار

این چهار عنصر لطیف شخص سلطنت موافق آئین خلیفه‌های سابق که مستحق خلافت بودند
بوده لهذا از تاریخ اکبرنامه تصنیف شیخ ابوالفضل ناگوری و از تاریخ اقبالنامه تصنیف معتمد
خان که بعد رحلت اکبر پادشاه موجب فرمایش جهانگیر پادشاه احوال پنجاه سال کری نوشته
و از توزک جهانگیری که پادشاه خود تصنیف فرموده اند و از تاریخ پادشاه نامه مؤلف ملا
عبدالحمید لاهوری و شاه جهان نامه تصنیف محمد صالح کنبوه هر دو مشتمل بر احوال سی سال شاه
جهان پادشاه اند و از عالمگیرنامه تصنیف مرزا محمد کاظم متضمن احوال ده سال اول و از ماثر
عالمگیری که مستعد خان محمد ساقی بعد رحلت عالمگیر پادشاه مشتمل بر واقعات چهل سال تا اتمام
ایام خلافت آن پادشاه عادل نوشته احوال امرای کبار و خوانین امارت دثار و راجهای
نامدار این هر چهار عهد آنچه ازین تاریخ‌ها برآمد جمع نموده و نیز نام و نشان بعضی خوانین
کم منصب که در ماثر عالمگیری مذکور هستند از نسخه کلمات طیبات و رقائم کرائم و اعظم شاه
نامه و بهادر شاه نامه وغیره دریافته همه را یکجا ساخته خوانین عمده را از منصب نه هزاری تا
بمنصب دو صدی که بخطاب خانی سربلند شده بودند و اشخاصی که بمرتبهٔ امارت رسیده به
خطاب خانی نام بر آورده اند از شش هزاری تا بمنصب یکهزاری و زمینداران هندوستان
و دیگر راجپوتان وغیره و امرای دکن را که ملازم بارگاه خاقانی شده اند از هفت هزاری
تا بمنصب پانصدی درین جریده که تذکرة الامرا نام دارد بقید حروف تهجی ضبط نموده و تقدم

مقدور در تحقیق نسب و قوم و وطن و منصب و خطاب و خدمت و سال فوت هر کدام سعی بکار برده برعایت ترتیب سنین در سلک تحریر کشیده دو باب یکی مشتمل بر احوال امرای مسلمین و دویم بر احوال امرای هندوستان که هر یک مشتمل بر دو فصل است قرار داده در سنه ۱۱۹۴ هجری این نسخه ترتیب یافته است

محمد اصغر از سادات سبزوار منشی همایون پادشاه از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب اشرف خان سربلند شده در جنگ با همیون تردد ی نموده بخوف تسلط بهرام خان بهارلو کاشانی که بیزدی جنگ خان را بعض هم چشمی بی حکم گشته بود فراری گردیده بحرمین رفته در سنه پنجم مراجعت کرده باز به منصب و به این خطاب سر برافراخته خدمت مینمود در سنه دهم به فوجداری جونپور مقرر گشته در سنه سیزدهم که به تسخیر قلعه تهنبور تعین شده بود تردد ی نموده در سنه هژدهم در تعیناتی خان عالم در بنگاله مصدر خدمات پسندیده گردیده در سنه نوزدهم در فتح قلعه تبیه تلاش های مردانه کرده تا آخر این سال خدمت می نمود در سنه بیستم در بنگاله بنابر سمیت هوا فوت کرد اشرف خان میر ابوالمظفر ولد اشرف خان محمد اصغر در عهد اکبری بمنصب پانصدی و در سنه ۴۹ به منصب هزاری و بخطاب اشرف خان سر برافراخته خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد اشرف خان خواجه برخوردار ولد خواجه عمر نقشبندی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب اشرف خان و در سنه

چهارم بخطاب برخوردار خان سربلند گردید تتمهٔ احوال او در حرف با القلم خواهد آمد اشرف خان میر محمد اشرف اولین پسر اسلام خان خراسانی در عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه نوزدهم الثانی بمنصب هزاری سرافراز شده متعین دکن گردیده در سنه بیست و یکم بعد فوت پدر به اضافهٔ پانصدی سربلند گشته در سنه بیست و دویم متعین مهم قندهار شده به بخشی گری لشکر قندهار به التفات ملتفت خان مقرر گردیده در سنه بیست و پنجم بلا شرکت به بخشی گری لشکر در مهم قندهار در سنه بیست و ششم به اضافهٔ پانصدی و بخطاب اعتماد خان و دیوانی لشکر در مهم قندهار سر برافراخته در سنه بیست و هفتم همراه پادشاهزاده دارا شکوه بقندهار روانه شده بعد مراجعت در سنه مذکور به دستور سابق بداروغکی جواهر خانه و طلا آلات و در سنه بیست و هشتم بداروغکی کتاب خانه از تغیر رضویخان و در سنه سی و دوم به منصب دو هزار و پانصدی نام برآورده و در سنه احد عالمگیری بنظم صوبه کشمیر چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه سیوم معزول شده در سنه چهارم بخطاب خانی بر نام خود مباهات اندوخته در سنه دهم به دیوانی بیگم صاحبه از تغیر رضویخان و اینجا بنجابت النسا امانی سرکار والا و در سنه بیست و چهارم به میر بخشی گری از انتقال همت خان میر عیسی خانی و به منصب چهار هزاری بلند مرتبه شده و در سنه سیم فوت کرد خانمذکور خط شکسته درست مینوشت

خواجه سلطان علی تربتی از وزرای همایون پادشاه از ولایت در رکاب

ایشان آمده در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب افضل خان سر برافراخته
در جنگ با هیمون که در پانی پت روداد تردد نموده بخوف بیرام خان که بنزدیکی جان
را دون حکم بجان گشته بود فراری شده بحرمین رفته در سنه پنجم مراجعت نموده باز به منصب
سرافراز گردید خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد افضل خان عبدالرحمن ولد شیخ
ابوالفضل ناگوری در سنه ۴۵ اکبری بمنصبی داشت و در دکن اکثر ترددات و تلاشهای مردانه
نموده بود در سنه دوم جهانگیری بخطاب افضل خان و بمنصب دو هزاری و در سنه سوم
بنظم صوبه بهار سر برافراخته و به منصب دو هزار و پانصدی رسیده در سنه هشتم به حضور
آمده فوت کرد افضلخان ملا شکر الله شیرازی در عهد جهانگیری از شیراز آمده
با خانخانان در دکن مرافقت گزیده بمعرفت ایشان از درگاه جهانگیری منصب یافته
در سنه نهم بدیوانی سلطان خورم سپهر پور خلافت و بخطاب افضل خان سربلند
گشته در سنه نوزدهم به تقریبی از ایشان جدا گشته به حضور رسیده در سنه ۲۱ بخدمت
خانسامانی از تغییر میر جمله سر برافراخته بعد رحلت جهانگیر بادشاه در ایام فترت بدولت
خواهی جناب شاه جهانی سعادت حاصل مینمود در سنه احد ایشان از لاهور آمده به
منصب چهار هزاری و خدمت خانسامانی و در سنه دوم بخدمت وزارت کل از تغییر
ارادت خان برادر آصف خان جعفر بیک سرافراز گردیده در سنه چهارم به اضافه هزار

و در سنه

و در سنه ششم به اضافه هزاری ذات و سوار و در سنه یازدهم بمنصب هفت هزاری چهار
هزار سوار بلند مرتبه شده و در سنه دوازدهم در لاهور از دنیا گوی نیکنامی برد تاریخ
فوت او این گفته اند ز خوبی برد گوی نیکنامی حضرت مقرر نمودند که این مرد نیک
نهاد گاهی در حق کسی حرف بد عرض ننموده در فضل و کمال و استعداد و شعور و فهم و فراست
و رسائی و معامله فهمی و پختگی و متانت و فراخ حوصلگی و کارگذاری و ضبط و کفایت مقتدای
وزرای زمان بود افضل خان افضل بیک ایرانی در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار
و پانصدی و بخطاب افضل خانی سرفراز شده و بدیوانی بادشاهزاده محمد اعظم مقرر
گردیده در ایام نظم گجرات در رکاب آن بادشاهزاده در آن جا ترددی نموده مورد نوازش
بود در عهد بهادر شاه بادشاه ازین جهان ناپایدار بعالم جاودانی انتقال نمود نیکنام
رفت اورنگ از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب هزار و پانصدی
و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده آئینه متعینه ممالک اوده و لکهنو گردیده در سنه
ششم در تعیناتی خانزمان سیستانی در مصاف با عدلی مخاطب بشیر شاه و در سنه نهم
در جنگ با آواز خان پسر سلیم شاه شور ترددات نموده در سنه دهم راه بغی پیموده در
همان سال بمعرفت منعم خان سر و پا برهنه تیغ و کفن در گردن انداخته التجا بعفو تقصیر آورده
بعد عفو تقصیر تا سنه دوازدهم خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد ابراهیم خان فولاد

فیلان بادشاهی در عهد اکبری بمنصب و بدین خطاب سر برافراخته در سنه الیشان جنگ در
با میرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت در حدود کابل بر فیل خاصه زن مو باشند سواره تردد شایسته
نموده دیگر احوال او معلوم نشد   ابراهیم خان کاکر در آخر عهد اکبری به منصب و خطاب خانی
سربلند و در سنه سی و هفت الیشان در معارک کشمیر بصد رتر دوات پسندیده شده بود در سنه
احد جهانگیری بخطاب دلاور خان نام برآورده تتمهٔ احوال او معلوم نشد   ابراهیم خان
مهمند در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز و در سنه هشتم الیشان متعین سلطان
خورم و در سنه سیزدهم متعین مهم کانگره شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   ابراهیم خان
فتح جنگ خالوی نورجهان بیگم در عهد جهانگیری بمنصب هفتصدی و بخطاب خانی سر برافراخته
در سنه نهم بشرکت خواجه ابوالحسن ترمذی به تخنیتی کدی حضور و بمنصب هزار و پانصدی و در
سنه دهم بنظم صوبه بهار سرافراز شده بجلدوی بدست آوردن کان الماس متعلقه آنجا
بعد حرب صعب بمنصب دو هزار و پانصدی و بخطاب فتح جنگ نام برآورده در سنه ۱۲ دوازدهم
بنظم صوبه بنگاله از تغیر قاسم خان بهره شیخ سلیم چشتی و لیبع بمنصب چهارهزاری الا
پایه گشته در سنه ۱۹ و راکبر که مصاف آن صوبه بمقابله سلطان خورم که در آن ایام باغی
بوده بصد مردانگی شهید شد چهل لک روپیه سوای جنس از اموال او بضبط سلطان
خورم رفت   ابراهیم خان ابراهیم بیگ دوبیش پور علیمردان خان بن گنجعلی خان زیک

درسنه

درسنه ۲۶ بیست و شش شاه جهانی بمنصب هزاری و بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۲
به اضافه پانصدی و در سنه ۲۹ بمنصب دو هزاری و در سنه سیم بمنصب دو هزار و پانصدی
و در سنه سی و یکم بعد فوت پدر بمنصب چهارهزاری سربلند شده در جنگ اکبرآباد به تقابل
بادشاهزادهٔ عالمگیر همراه داراشکوه بود در سنه احد عالمگیری ترک منصب نموده در
سنه دوم منصب پنجهزاری اختیار کرده بعنایات خلعت خاص و شمشیر و سپر بابساز کار
و یکزنجیر فیل نرین باساز نقره و جل زربفت با ماده فیل کامروائی عاطفت گشته در سنه
سیوم بنظم صوبه کشمیر و در سنه چهارم بنظم صوبهٔ لاهور و در سنه یازدهم بنظم صوبهٔ
بهار سر برافراخته در سنه ۱۹ نوزدهم بعد رسیدن حضور بار دوم ترک منصب نموده در سنه
بیست و یکم بار دوم بنظم کشمیر لوای مباهات برافراخته در سنه بیست و هفت بجلدوی
فتح ولایت تبت مضاف صوبهٔ مذکور بمقرر دیوارش گردیده در سنه سی و یکم بنظم
بنگاله از تغیر شایسته خان امیرالامرا نام برآورده در سنه چهل و یکم بنظم صوبهٔ الهاباد
و در سنه ۴۲ چهل و دوم بار دوم بنظم صوبهٔ لاهور و آینده بار سیوم بنظم کشمیر و در سنه
چهل و پنجم بنظم صوبهٔ گجرات از تغیر محمد اعظم شاه والا پایه شده و بمنصب شش هزاری
رسیده در کمال اعزاز و اعتبار و استغنا زندگانی را بسر آورده در عهد بهادرشاه فوت کرد
اسماعیل خان دولدی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری

بمنصب دو هزاري و بخطاب خاني بزنام خود سر برافراخته در جنگ با هیمون تردد نموده

بود بمنصب هزار و پانصدي و بخطاب خاني بزنام خود سربلند شده متعین بنگاله گردیده در سنه

دوم همراه معظم خان در کارزار با شاه شجاع تردد نموده در سنه نهم در دکن همراه میرزا راجه

جي سنگ کچهواهه تردد کرده بود دیگر احوال او معلوم نشد   اسماعیل خان کورکانی

ولد نجابت خان میرزا شجاع بن میرزا شاه رخ حاکم بدخشان در عهد شاه جهاني بمنصب پانصدي

نامور و در سنه ۲۷ الیشان متعینه بهم قندهار گشته بود در سنه احد عالمگیری هنگام روانه شدن

از دکن بمنصب هزاري سربلند شده بعد چندي همراه پدر خود معاتب گشته در سنه دوم بعد

عفو تقصیرات بمنصب هزار و پانصدي و بخطاب خاني بزنام خود نام برآورده و بفوجداري

حالنه پور مقرر گشته در سنه هفتم بارسال خلعت ماتمي پدر از ماتم برآمده آینده بقلعه داري

احمدنگر مقرر گردیده تا سنه سیزدهم مطرح انظار مرحمت بود دیگر احوال او معلوم نشد

اسمعیل خان مکها دکهني در آخر عهد عالمگیری بمنصب شش هزاري بو سرفراز شده در سنه

سي و هفتم در کارزار قلعه جنجي با دکنیان بعد آویزش صعب به اسیری رفته در سنه سي

و هشتم خلاص گردیده در سنه چهل و یکم بفوجداري راهیري از مضافات ممالک دکن و در

سنه چهل و پنجم باضافه هزار سوار سرفراز گردیده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد در فن

سپاه گري یگانه بود   خوجه عنبر ناظر عهد همایوني از ولایت در رکاب الیشان آمده

درسنه

در سنه احد اکبري بمنصب دو هزاري و بخطاب اعتبار خان سرافراز شده آینده بحکومت

دهلي مقرر گشته بود دیگر احوال او معلوم نشد   اعتبار خان دیگر در عهد اکبري بمنصب و

به این خطاب سرافراز شده خدمت مینمود در سنه ۴۱ همراه صادق خان در جنگ با

دکنیان تردد نمایاني نموده بمعرفت او کلید قلعه پرناله بدست اولیاي دولت آمد در

دیگر احوال او معلوم نشد   اعتبار خان خواجه سرا از نوکران بهادر خان برادر خان

زمان سیستاني در سنه دوازدهم اکبري بعد کشته شدن خان زمان و بهادر خان

در سلک بندگان آمده بمنصب سربرافراخته خدمت مینمود در سنه احد جهانگیري بخطاب

اعتبار خان و در سنه دوم بنیابت حویلي گوالیار و در سنه هفتم باضافه هزاري و در

سنه دهم بمنصب پنجهزاري و در سنه ۱۱ از تغیر مظفر خان بنظم اکبرآباد و به قلعداري اکبر

آباد مقرر گردیده و در سنه ۱۸ بخطاب مختار خان مامور شده بود همه احوال او در ذیل خطاب

مختار خان بقلم خواهد آمد   اعتبار خان خواجه سرا در عهد شاه جهاني بمنصب و بخطاب

خاني سربلند بود در آغاز سنه احد عالمگیري حارس قلعه دولت آباد مقرر شده و در همین

سال معزول گردیده همراه خادمان محل بحضور آمده در آخر سن مذکور به قلعه داري اکبر

آباد بتغیر اکرام خان مقرر گشته در سنه هشتم در آن جا درگذشت   اعتبار خان

محمد تقي دکهني در سنه بیست و نهم عالمگیري بمنصب دو هزاري و بخطاب اعتبار خان

و در سنه سیوم هزاری سرافراز شده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد هیچ پیرجوز
ماهم انکه انکه اکبر بادشاه در سنه احد ایشان بمنصب پنجهزاری و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز
شده در سنه دویم هنگام متحصن شدن سکندر سور در قلعه مانکوت یکه تازیهای مردانه
نموده بسیاری را بقتل رسانیده در سنه ششم ولایت مالوا که مصاف باز بهادر ولد شجاع
خان از جملهای شیر شاه بود بعد حرب صعب فتح نموده در سنه هفتم چون شمس الدین خان
اتکه را سر دیوان کشت حضرت به شور و غوغا از دولت خانه برامدند آن بیدولت هر دو دست
حضرت را به بی ادبی گرفت حضرت بزور بازو دستهای خود را از دستهای او برآورده
مشتی قوی بر سرش زدند که مغزش بشکافت و دیگران کارش تمام کردند ادهم خان
مرزا ادهم دلیر مرزا باقی کوکه شاه جهان بادشاه در عهد ایشان بمنصب پانصدی سرافراز
بود در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود سر برافراخته خدمت مینمود دیگر احوال او
معلوم نشد ادهم خان ادهم بیگ منصبی داشت در سنه هشتم عالمگیری بخطاب خانی بر
نام خود سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد اعتبار نام از خواجه سرایان
همایون در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و به این خطاب سر برافراخته خدمت می نمود
و پایهٔ امارت یافته بود در سنه بیست و سیوم فوت کرد اخلاص خان حسین بیگ از
بندهای خیری منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بخاره خدماتی که در خیر نموده بود

بمنصب

بمنصب دو هزاری و بدیوانی صوبهٔ برهان پور سر برافراخته در سنه چهارم بحکومت
اجمیر سرافراز شده در سنه دهم تردّدی کرده در سنه سیزدهم فوت کرد اخلاص خان
شیخ الهدیه ولد کشور خان بن قطب الدین خان بن شیخ سلیم فاروقی چشتی فتحپوری در
اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه هفدهم به اضافهٔ پانصدی و به قلعه داری کالنجر
و در سنه نوزدهم هنگام تعیناتی بلخ و بدخشان باضافهٔ پانصدی و به این خطاب در سنه بیست و دوم
به اضافهٔ پانصدی پانصد سوار به منصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار سرافراز شده
متعین مهم قندهار گشته در سنه بیست و سیوم بمنصب سه هزاری سر برافراخته در سنه بیست
و پنجم همراه بادشاهزادهٔ عالمگیر بکرر متعین مهم قندهار گردیده در معارک آنجا آویزش
های سخت نموده خصوص در سنه بیست و هفتم همراه سلطان دارا شکوه در مهم قندهار
تلاشها بکار برده در سنه سیوم بدکن تعیین شده در سنه سی و یکم در تعیناتی
شاهزاده عالمگیر در دکن مابین جار بوریان بر زم شدند پیوسته زخمهای منکر برداشته
درگذشت اخلاص خان احمد خویشگی بمنصب هزار و پانصدی داشت در سنه احد
عالمگیری در جنگ مالوا تردد نموده بمنصب دو هزاری و باین خطاب سرافراز شده متعین
بنگاله در آن جا اکثر کارزارهای مردانه نموده در سنه سیوم بحضور آمده در سنه پنجم فوت
کرد. اخلاص خان عبد المجید ولد عبد القادر بیجاپوری در سنه نهم عالمگیری بمنصب پنجهزاری

و در سنه دوازدهم باین خطاب سربرافراخته خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد
اخلاص خان شیخ الله ولد شیخ نظام حیدرآبادی در سنه سیم عالمگیری بمنصب چهار هزاری
و باین خطاب و در سنه سی و دویم بخطاب خانعالم مامور شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب
خانعالم بقلم خواهد آمد   اخلاص خان اله یار در عهد عالمگیری بمنصب و آئین بخطاب اتمام
خان و به این خطاب سربرافراخته در سنه چهل و سیوم در کارزار با دکهنیان مردانه آویزش
نموده بکار آمد   اخلاص خان میانه در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه چهل و پنجم
باین خطاب سرافراز شده تا سنه احد بهادرشاه خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد
اعظم خان سید شمس الدین غزنوی در عهد همایونی از نوکران مرزا کامران
بود بعد شکست دویم چون همایون بادشاه فیل سواره از دریا گذشته و از فیل فرود
آمده بنابر بلندی کناره راه بر آمد ملاحظه متفکر بودند مومی الیه ناگاه حاضر شد و دست مبارک
دست خود داده بالا بر آورد و همچنان یکی از نوکران مرزا اندکو اسپ خود را در سواری خاصه
داد تا بصوب آگره متوجه گردیدند حضرت شمس الدین فرمودند کیستی عرض کرد از نوکران
مرزا کامرانم و مولدم غزنین است بعد رسیدن لاهور حاضر شده در سلک بندگان در
آمده مورد نوازش شد در وقت همایونی به امر حقوق رضاعی باتکه خان مشهور بود در سنه
احد اکبری بمنصب پنجهزاری و بخطاب خانی بنام خود سرافراز شده در سنه پنجم بجلدوی فتح

در جنگ

در جنگ با بیرام خان بهادر نوکه راه بغی پیموده بود بخطاب اعظم خان و بنظم لاهور سر بر
افراخته در سنه ششم از لاهور بحضور آمده در سنه هفتم سر دیوان بدست ادهم خان ولد
ماهم انکه اکبر بادشاه کشته شد   اعظم خان مرزا عزیز کوکه دویمین میر اعظم خان
مذکور در سنه احد اکبری بمنصب سربرافراخته در سنه نهم در ایلغار تنبیه عبدالله خان اوزبک
باغی و در سنه دوازدهم در تنبیه ایلغار خان زمان شیبانی باغی که در عماری فیل خاصه جابجا نشسته
بود تردد ها نموده در سنه شانزدهم بخطاب اعظم خان و در سنه هفدهم بنظم گجرات که بعد
چهار سال از فوت چنگیز خان ولد عماد الملک از غلامان حبشی سلطان بهادر حاکم گجرات
درین سال متصرف اولیای دولت درآمده بود سرافراز شده در سنه نوزدهم بهنگام ملازمت این
عنایت که حضرت چند قدم بجانب او شتافته در آغوش گرفتند سرلعلک گرده و در سنه بیستم
بنابر تکلیف ضابطه داغ استعفای منصب نموده در سنه بیست و سیوم باز نوکری اختیار
کرده در سنه بیست و چهارم به تقریبی متروی گشته در سنه بیست و پنجم به منصب پنجهزاری و به نظم
بنگاله از انتقال مظفر خان مباهات اندوخته در سنه بیست و ششم بهادر بیگ پسر سعید بیگ
بدخشی را که در صوبه بهار بترغیب قاقشالان باغی سکه و خطبه خود را رواج داده بود
دستگیر نموده بحضور فرستاده در سنه بیست و نهم بنابر عدم موافقت آب و هوای آنجا
در حضور رسیده بجاگیر رایسین و سرکار گدهه مضافات صوبه مالوه خورسند شده در سنه سی و یکم

به تسخیر دکن تعین گردیده و ناساخته کار برگشته در همان سال به نظم صوبهٔ مالوا نام
برآورده در سنه سی و دوم [۳۲] دختر خود را بشاهزاده منسوب نموده در سنه سی و چهارم [۳۴] بار
دوم بنظم گجرات از تغیر خانخانان عبدالرحیم چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه سی و ششم [۳۶] در جنگ
با مظفر حاکم زاده گجرات بعد رزم شدیدی که راجپوتان همراهی مظفر از اسپان فرود آمده
فوطه‌ها باهم در کمر بسته بکار رد و خنجر پیوسته بودند و در آن مقتل بروایت اقبال نامه دو هزار
کس و بروایت تاریخ بدایونی چهار هزار کس از اعدا کشته افتادند و از بندهای پادشاهی
صد کس بکار آمدند فتح نمایانی یافته در سنه سی و هفتم خود با کده و سورتهه و شا تر ده بنادر
از مضافات صوبهٔ گجرات مفتوح گردانیده در سنه سی و هشتم بی حکم بحج بیت رفته در سنه [۳۹]
سی و نهم بعد مراجعت منصب پنجهزاری و بخدمت وکالت و عنایت جاگیر در صوبهٔ بهار و
بهنگام ملازمت باز به این عنایت که حضرت چند قدم پیشتر رفته او را در آغوش کشیدند والا
پایه شد و در سنه [۴۷] بمنصب هفت هزاری شش هزار سوار لوای مفاخرت برافراشته بود در
احد جهانگیری بتقصیری بتغیر جاگیر بنیه گردیده در سنه سوم بار سیوم بنظم گجرات از تغیر
مرتضی خان شیخ فرید که رعایا از ملازمان او آزار می رسید و در سنه پنجم بسپرداری
لشکر دکن و در سنه ششم بار دویم بنظم مالوا علم امتیاز برافراخته در سنه نهم بتقصیر کوتاهی
در جنگ بازنار منید از اودیپور در قلعهٔ گوالیار محبوس گشته در سنه دهم که اکبر پادشاه

که در جواب

که در جواب سفارش او فرموده بودند از حبس برآمده در سنه یازدهم [۱۱] بمنصب هفت هزاری
بحال گردیده در سنه هجدهم بار چهارم بنظم گجرات برآورده در سنه نوزدهم [۱۹] در آن جا
رحلت نمود خان مذکور در فهم و فراست و تاریخ دانی و معانویسی و طلاقت لسان یگانهٔ عصر بود
اعظم خان برادر آصف خان جعفر بیگ در سنه دوم جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب آن و دیوانی
و بخشی گری صوبهٔ بهار سرافراز شده بود در سنه دهم بخدمت میرسامانی و در سنه سیزدهم [۱۳]
بمنصب دو هزاری و در سنه پانزدهم بنظم کشمیر از انتقال دلاور خان و در سنه شانزدهم بجلدوی
انتظام ولایت کشتوار که بعد فوت دلاور خان کاکر ناظم آن جا راجه آن جا بتصرف خود آورده
حکام پادشاهی را بر داشته بود بمنصب چهار هزاری نام برآورده در سنه هفدهم [۱۷] معزول گردیده
در حضور رسیده در سنه هژدهم از تغیر فاضل خان زمانه بیگ و هم درین سال بجلدوی ایلغار به
تنبیه خان جهان لودی به بخشی گری و بمنصب چهار هزاری و در سنه بیست و یکم [۲۱] بمیر بخشی گری
سرافراز شده بود در سنه احد شاه جهانی به منصب پنجهزاری و بوزارت کل و در سنه دوم
بنظم دکن از تغیر فاضل خان زمانه بیگ و هم درین سال بجلدوی ایلغار به تنبیه خان جهان لودی
باغی که از روی نفس الامر کار نمایان کرده بعنایت خلعت و شمشیر مرصع وغیره و به اضافه
دو هزار سوار و در سنه سیوم بجایزهٔ ترددات آن جا بخطاب اعظم خان و در سنه چهارم بجلدوی
فتح قلعهٔ دهارور بمنصب شش هزاری و در سنه پنجم بعد آمدن حضور به نظم بنگاله از انتقال

میر قاسم خان جوینی و در سنه ششم بنظم الهآباد از تغیر سیف خان سرافراز گردیده مقرر شد
که ملتفت خان پسر خود را در الهآباد گذاشته خود به نظم اکبرآباد که درین سال رایات همایون
متوجه دکن شده سرافراز باشد و در سنه نهم بنظم گجرات از تغیر سیف خان نام برآورده در سنه پانزدهم
معزول گردیده در سنه شانزدهم بفوجداری متهرا و در سنه نوزدهم به نشستن در کشمیر خورسند گشته در سنه بیست و ششم
بنظم صوبه بهار و در سنه بیست و یکم بفوجداری جونپور مباهات اندوخته در سنه بیست و دوم در آن جا زندگانی
را جواب داد در ایام حکومت دکن اکثر قلاع متین آنجا مثل داهارو در فتح نموده و تاخت ممالک عادل
خان بر زبان هیجاپور تلاشها بکار برده بود خانهکو رد در معرکه وغا چون کوه پا برجا داشت و در
سنه دوازدهم شاه جهانی دختر شش بشاهزاده محمد شجاع منسوب شده بود اعظم خان
ولد اعظم خان ارادت خان در سنه احد شاه جهانی بمنصب شش صدی و در سنه دوم باضافه
منصب و بخطاب ملتفت خان و در سنه چهارم بمنصب دو هزاری سر برافراخته همراه پدر ترددها
نموده در سنه پنجم بنظم صوبه برهانپور مقرر شده بعد چندی معزول گردیده در سنه بیوتات
رکاب از تغیر مکرمت خان و در سنه سیزدهم بدیوانی بنگاله از تغیر محمد زمان طهرانی و در سنه
بیستم به بخشیگری احدیان و در سنه بیست و نهم بقلعهداری احمدنگر از تغیر شاه بیگ خان
اورنگ مباهات اندوخته بمنصب دو هزار و پانصدی رسیده بود و در سنه احد عالمگیری بمنصب
چهار هزاری و بخطاب اعظم خان نام برآورده در جنگ اکبرآباد با سلطان دارا ابن دارا

شکوه

شکوه بکار آمد اعظم خان میر مظفر حسین ولد میر ابوالمعالی خافی در سنه بیستم شاه
جهانی بمنصب هفتصدی و در سنه بیست و دوم بخدمت توزک و در سنه بیست و سیوم بخدمت
بخشیگری احدیان از تغیر ابوالحسن و در سنه بیست و چهارم بمنصب هزاری و بخشیگری
متعینان کابل و داروغگی توپخانه آنجا سرفراز شده در سنه متعین مهم قندهار
گردیده در سنه بمیر توزکی مقرر گشته خدمت داروغگی فیلخانه خاصه بتقدیم میرساند
در سنه بداروغگی فیلان حلقه مقرر شده در سنه باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی
و داروغگی گرزبرداران و هم درین سال بمیر توزکی از تغیر تربیت خان و در سنه سی و یکم
بخطاب فدائی خان و مکرر بداروغگی گرزبرداران سرافراز شده در سنه احد عالمگیری
که فوجدار میان دوآب بود بعد ملازمت به اضافه هزاری والامنزلت گشته با راو سلطان
دارا شکوه رفته و بزودی برگشته بنظم اوده از انتقال ارادت خان نام برآورده بعد شکست
شاه شجاع بتعین بنگاله گردیده در سنه دوم بحضور آمده بفوجداری گورکهپور رجا گیر خود
رفته در سنه سیوم معزول شده در سنه چهارم بداروغگی توپخانه از تغیر صف شکن خان
مقرر شده و بدفعات در سنه چهارم و در سنه پنجم باضافههای پانصدی سر برافراخته در سنه
ششم به اضافه پانصدی منصب چهار هزاری لوای مباهات برافراشته در سنه هشتم
فوجداری گورکهپور از تغیر سادات خان مقرر گردیده در سنه سیزدهم بفوجداری گوالیار و

هفدهم به نظم کابل از تغیر مهابت خان طهراسب و در سنه هژدهم بجلدوی ترددات آن جا
بخطاب اعظم خان و در سن هشتم بنظم بنگاله از تغیر شاسته خان امیر الامرا و بمنصب پنجهزاری
علم مفاخرت برافراخته در سن بیست و یکم در آن جا درگذشت از اموال او بیست و دو لکهه روپیه
و یک لک و دوازده هزار اشرفی ضبط شد   عبد المجید تاجیک هروی از فرزندان شیخ ابوبکر
تایبادی از ولایت دررکاب همایونی در سن احد اکبری بمنصب سر برافراخته دیوان سرکار
اشرف بود در سنه پنجم بمنصب سه هزاری و بخطاب آصف خان و بنظم دهلی ضمیمه دیوانی سر بر افراخته
در سن ششم قلعه چناگده بحسن تدبیر از تصرف فتو غلام شیرشاه شور بر آورده در سنه هشتم
در جنگ با راجه رامچند زمیندار باندهون که غازی خان شورش او پناه برده بود نزد دیوان
نموده غازی خان را در میدان رزم کشته ظفر یافته در سن نهم ملک گده به مصاف صوبه لوا
که حکومت آنجا رانی درگاوتی بدست نشانی راجه شیرشاه پسر خود داشت و عاقله روزگار و تیر
انداز بی خطا بود بعد حرب صعب و کشته شدن سه صد مغل به جوق روز دیگر رانی زخمی شده بود
خود را خود کشت مفتوح کرد این در سنه یازدهم راه بغی نموده در سنه دوازدهم بعد عفو
تقصیر قلعه ماندل از قلاع رانا زمیندار او دیپور فتح نموده تا سنه هفدهم مصدر ترددات
شائسته بود در سنه هژدهم فوت کرد جوهر کاردانی با جوهر شجاعت جمع داشت و بیست هزار
کس نوکر شش بود آصف خان غیاث الدین ولد آقا ملا قزوینی وزیر شاه طهماسپ والی ایران

در ابتدا

در ابتدای عهد اکبری بهندوستان بمنصب سر برافراخته در سنه نهم به بخشی گری بنیابت
لشکر خان و در سنه هژدهم بمنصب هزاری و بخطاب آصف خان و بن بخشی گری سربلند شده
اکثر بمهمات گجرات تعین گشته در سنه بیست و هشت فوت کرد آصف خان جعفر بیگ ولد بدیع الزمان
بن آقا ملا که در سنه بیست و دوم اکبری از عراق آمده معرفت آصف خان غیاث الدین عم
خود ملازمت نمود و بمنصب سر برافراخته به جلدوی نیکوخدمتی در سن سیم و دوم هنگام نهایت بار
اسفر در حدود کابل و در سنه سی و هشتم در تنبیه افاغنه کابل ترددات نمایان کرده در سنه چهل و
نهم بنابر تقسیم کشمیر که جا گیرات بود تعین شده در سنه ... قلعه مو از تصرف راجه های کوهستان
بر آورده در همان سال بنظم کشمیر مقرر شده در سنه چهل و چهارم در عرصه هشت روز از آن جا
در اکبر آباد رسیده ملازمت نموده و بوزارت کل از تغیر رای رایان پتر داس کهتری مباهات
اندوخته در سنه ۴۹ چهل و نهم بمنصب چهار هزاری و بنظم صوبه بهار لوای مفاخرت برافراشته در
سنه دوم جهانگیری بمنصب پنجهزاری و بوکالت از تغیر شریف خان امیر الامرا والا پایه شده و بخطاب
عمو امتیاز یافته در سنه ششم تعین دکن گردیده در سنه هفتم در آن جا درگذشت آصف خان ابو الحسن ولد
اعتماد الدوله غیاث بیگ طهرانی در عهد جهانگیری بمنصب شش هزاری سر برافراخته به جایزه
نیکوخدمتی مورد مراحم نمایان شد در سنه ... بغفلت خود در قید مهابت خان زمانه بیگ
رفته بعد چند ماه بحسن تدبیر نور جهان بیگم از قید خلاص شده بمنصب هفت هزاری دو و کالت

نام برآورده به اجازت نواختن نوبت در حضور درین سال یا درسال گذشته مباهی گشته
بعد رحلت حیات جهانگیری باوصف آنکه نورجهان بیگم سلطان شهریار را به بادشاهی بر داشته بود
یابی و باعث جلوس حیات شاه جهانی گردیده در سنه احد ایشان غایبانه پیش از آمدن
از لاهور بمنصب هشت هزاری و بعنایت بندر لاهری و بخطاب یمین الدوله و بخدمت وکالت و
بعطای خلعت خاصه با چارقب مرصع و شمشیر مرصع که یک لکهه روپیه قیمت داشت و خنجر مرصع
گران بها و تومان طوغ و شاه آستن نام فیل خاصه با ماده فیل با ساز نقره و دو اسپ خاصه یکی بازین طلای
مرصع و مهر اوزک و افزایش لفظ عموی بخان برابر در القاب و جاگیر پنجاه لک روپیه دهم در
سنه احد بروز جشن نوروز بمنصب نه هزاری نه هزار سوار دو اسپه سه اسپه سرفراز شده در سنه سیوم
با عساکر بسیار به افتتاح قلاع و تسخیر محالات به انتظام مهمات دکن باوجود دیوان اعظم خان ناظم
آنجا تعیین شده در سنه چهارم مکرر بنابر تنبیه و تادیب بیجاپوریان ببالاگهات رخصت شده
در سنه هشتم بخطاب خانخانان سپه سالار نامور شده در سنه نهم اکثر قلاع دکن مفتوح گردانیده
در سنه پانزدهم بیک نام رفت پنجهزار سوار جوشن پوش نوکر داشت از اموال او دو کرور و پنجاه
لکهه از نقد و جنس برآمد از آن جمله شصت لکهه بورثه اش مرحمت شد و تتمه در سرکار خالصه شریفه
ضبط گشت   ولد ولی بیگ ذو القدر تربیت بیرام خان بهار پور در سنه پنجم اکبری روزی که
بیرامخان با اولیای دولت صف آرا شده در رفاقت او بود از میدان جنگ زخمی دستگیر آمده بعد

ازان

ازان بعفو تقصیر و بمنصب سرافراز گردیده در سنه هشتم بهنگام تعیناتی حسین قلیخان برادر خود
در فتح قلعه جوده پور ترددی نموده تا سنه بیست و سیوم در لاهور و بنگاله همراه برادر خود
خدمت میکرد و در سنه بیست و پنجم در تنبیه نیابت خان باغی و در سنه سی و سیوم در تنبیه بلوچان تردد
ها نموده در سنه سی و یکم بجاگیرداری گجرات و بضبط سورت و باجرود در سنه سی و دوم تهانه
داری اسیر مقرر شده در سنه سی و سیوم از آن جا آمده در سنه سی و پنجم با اتالیقی شاهزاده مراد
نام برآورده به تقصیر آنکه باوجود حاضر شدن زمیندار کهره چرا قصد تسخیر قلعه کهره نمودند از
اتالیقی معزول شده متعین گجرات شده در سنه سی و هشتم از گجرات آمده در سنه سی و نهم بجاگیر
کالپی و در سنه چهل و یکم باضافه پانصدی بمنصب چهار هزاری لوای مفاخرت برافراخت تا سنه
چهل و دوم خدمت مینمود انجام حالش معلوم نشد   خواجه سرا خوجه بهول نام نایب سلیم شاه
سور در سنه هفتم اکبری بمنصب هزاری و بخطاب اعتماد خان و بدیوانی خالصه سرافراز شده در
سنه دهم برای بازداشتن عبدالله خان اوزبک اربعی تعین گردیده در اکثر معارک ترددات
نمایانی نموده خصوص در سنه نوزدهم در فتح قلعه پتنه و در کارزار با داود کرانی حاکم زاده
بنگاله و در سنه بیستم بعد فوت منعم خان ناظم بنگاله بتقدیم دولت خواهی وجه مکالی و در سنه
بیست و دوم همراه خان جهان ناظم بنگاله بار دیگر در جنگ با داود کرانی تلاشها بکار
برده بعد آن سال بحضور آمده بحکومت بهکر مباهات اندوخته در سنه بدست نوکر خود

گشته شد اعتماد خان از نوکران حکام گجرات بعد فتح آن مملکت در سنه ۱۷ هفدهم اکبری
بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه بیست و دوم با شش روپیه نذر بحرمین
رفته در سنه بیست و پنجم بعد مراجعت و صله اکثر نقش قدم مبارک آورده بود و بحکومت پتن از
انتقال لقائیخان میر فخر الدین مشهدی در سنه بیست و هشتم بنظم گجرات از تغیر میر شهاب الدین خان
سرافراز گردیده پس از رسیدن آن جا بخطای تدبیر گجرات را بتصرف مظفر گجراتی که در سنه بیست و
سیوم از حوالات خواجه منصور گریخته رفته داده بود دیگر احوال او معلوم نشد اعتماد خان خواجه سرا
در عهد جهانگیری منصبی داشت و از خبر در رکاب شاه جهانی آمده بمنصب هزار و پانصدی سرافراخته
در سنه احد ایشان بحرمین رفته باز آمدن او معلوم نشد اعتماد خان آقا افضل در عهد جهان
گیری بمنصب دو هزاری و بخطاب فاضل خان سرافراز شده بود در اوائل عهد شاه جهانی از بانیٔ
عزت افتاد در سنه نهم ایشان بمنصب هزاری و بخطاب اعتماد خان و بدیوانی دکن سرافراز شده
در سنه چهاردهم بدیوانی اکبرآبادی لوائی مفاخرت برافراخته در سنه پانزدهم باضافه پانصدی
و بدیوانی بنگاله مباهات اندوخته در سنه بیست و یکم فوت کرد اعتماد خان محمد اشرف ولد اسلام
خان میر عبد السلام در سنه بیست و ششم شاه جهانی بمنصب دو هزاری و بخطاب اعتماد خان
در سنه احد عالمگیری به نظم کشمیر و در سنه نهم بخطاب اشرف خان سرافراز شده بود همه احوال او
در ذیل خطاب اشرف خان به قلم آمده اعتماد خان شیخ عبد القوی در سنه احد عالمگیری منصبی داشت

در جنگ

در جنگ اکبرآباد تردد نموده بجایزهٔ آن بمنصب هزار و پانصدی و در سنه چهارم بخطاب
اعتماد خان سرافراز شده در قرب و منزلت محسود امثال و اقران خود بود در سنه نهم به
تقریبی بدست مغلان کشته شد اعتماد خان برهان الدین خان برادر راجه فاضل خان
ملا علاء الملک تونی در سنه ششم عالمگیری از ولایت آمده بمنصب هشتصدی سرافراز شده
آمده بخطاب قابل خان و در سنه هژدهم بخطاب اعتماد خان و در سنه بیست و چهارم بدیوانی
تن سرافراز شده در سنه سی و دوم بخطاب فاضل خان نام برآورده بود تتمه احوال او
در ذیل خطاب فاضل خان بقلم خواهد آمد اعتماد خان دیگر در اواسط عهد عالمگیری منصبی
داشت در سنه سی و سیوم بخطاب اعتماد خان و بدیوانی بندر سورت از تغیر صلابت خان
سربلند گردیده خدمت می نمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد برادر فرخ حسین خان
بن قاسم حسین سلطان در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سرافراز شده خدمت می نمود
در سنه دهم ایشان با خان زمان باغی شریک کفران نعمت شده در همان سال از و
جدا گشته در ذیل بندگان داخل گردیده تا سنه چهل و یکم در دکن تردد میکرد دیگر احوال
او معلوم نشد اسلام خان شیخ علاء الدین فتحپوری نبیره شیخ سلیم چشتی در آخر عهد
اکبری بمنصب سرافراخته در سنه چهل و پنجم ایشان در دکن خدمت مینمود در سنه احد
جهانگیری از اصل و اضافه به منصب دو هزاری و باین خطاب و در سنه دوم بنظم صوبهٔ بهار

از تغیر جهانگیر قلیجخان و در سنه سیوم بنظم بنگالا و باضافه دو هزاری و در سن
چهارم بجایزه ترددات آن جا به منصب پنجهزاری و در سن هفتم به منصب شش
هزاری سربلند گردیده در سنه هشتم در آن جا فوت کرد نقل غریب این اسلام خان
در سنه احد جهانگیر شاه در توزک جهانگیری خود نوشته اند که در بنگالا شخصی که سخن او
بفروغ صدق آراستگی داشت استماع افتاد که در سنه هشتم در زمانی که اجمیر مرا القدر
نکسری دست داده بیش از آنکه این خبر ناخوش بولایت بنگالا رسید روزی اسلام خان
در خلوت نشسته بود ناگاه او را بیخودی دست میدهد چون بخود می آید به یکی از معتقدان
خویش که هیکهن نام داشت میگوید که از عالم غیب مرا چنین نمودند که پیکر مقدس حضرت
گرانی دارد و علاج آن منحصر در فدا ساختن چیزیست عزیز و گرامی نخست بخاطرم گذشت
که فرزند هوشنگ را فدای فرق مبارک آن حضرت سازم لیکن چون خورد سال بود بر
حال او رحم آمد خود را فدای صاحب و مربی خود گردیدم امید که بدرگاه الهی قبول افتد
فی الفور تیر دعا بهدف اجابت رسید در همان زودی آثار ضعف و عارضه بیماری در خود
احساس نمود و آناً فآناً مرض اشتداد می یافت تا بجوار رحمت ایزدی پیوست اسلام خان
میر عبد السلام خراسانی در سنه هفدهم جهانگیری از طرف سلطان خرم وکیل دربار
بود بعد از آن بمنصب و بخطاب اختصاص خان و وزیر خان سر برافراخته در سن احد

شاهجهانی

شاه جهانی از آنجا پور پیشکش ها عادلخان گرفته به حضور آمد بمنصب چهار هزاری
و بخدمت تن بخشیگری و بخطاب اسلام خان و در سنه دوم بحکام گجرات کوچ رایات
بدکن بحراست اکبرآباد سرافراز شده در سن چهارم بنظم صوبه گجرات از انتقال شیر
خان تونور و در سن ششم بمیر بخشیگری از انتقال صادق و در سنه هشتم بنظم بنگالا
از تغیر اعظم خان و در سن یازدهم بجلدوی فتح یازده حصار بابت زمیندار کوچ هاجو
چون مصاف آن صوبه باضافه هزار سوار و در سن دوازدهم از بنگالا آمده بخدمت
وزارت کل و جاگیر صوبه اوده در سن سیزدهم بمنصب هفت هزاری هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه
والا منزلت گردیده در سن بیست و یکم در آن جا فوت کرد اموال او بورثه
او معاف گشت حضرت از نیک نهادی و آقا پرستی این مرد بزرگ بسیار راضی بودند
اسلام خان میر ضیاء الدین حسین علوی خانی والا شاهی عالمگیر بادشاه
در سن احد ایشان بعضی درثبت بجلدوی ترددات بمنصب سه هزاری و بالضعید ثانی
و بابت خطاب و در آن سال بنظم اکبرآباد و بمنصب پنج هزاری چهار هزار سرافراز
شده در همان سال بهمراهی سلطان محمود بمقابلهٔ شاه شجاع تعین گشته بعد
شکست او به تعاقب او رفته در بنگالا ترددات شایسته فرمود در سن دوم
از آن جا عازم حضور گردیده به تقصیری بی منصب شده بود در سن سیوم به منصب

چهار هزاری سپاهی گشته در سنه چهارم بنظم کشمیر از تغیر ابراهیم خان و در سنه ششم
بار دوم بنظم اکبرآباد و از تغیر وزیر خان محمد طاهر و باضافه هزاری بمنصب پنجهزاری سرافراز
شد و در همان سال فوت کرد اسلام خان حسین پاشاه حاکم بصره در سنه دوازدهم
عالمگیری از بصره آمده بمنصب ششهزاری و بخطاب اسلام خان سرافراز شده خدمت نمود و
در سنه هجدهم هنگام هراولی خان جهان بهادر ظفر جنگ کوکلتاش در مصاف کنان
ناگاه فیل او از شور غلوی آتش بازی رم خورده در صف مخالفان رفت و به تیغ بیدریغ
اعدا تلف شد و اموال او به اولاد معاف گشت راجه اسلام خان در سنه پنجاهم عالمگیری
بمنصب و باین خطاب سربلند و از متعینان بادشاه زاده محمد اعظم بود ظاهرا از زمینداران
صوبه مالوه است که به شرف اسلام مشرف شده بود دیگر احوال او معلوم نشد در سنه
دوازدهم اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربلند و در جنگ با قلعهٔ چیتور مصدر تردد بود و چون
سال غایت منصب معلوم نشد در سالی که خدمت نمود و در همان سال احوال او نوشته شد
تبریزی از نوکران خانزمان شیبانی باغی در سنه ۱۲ دوازدهم اکبری بمنصب هزاری و
بخطاب خانی سرافراز شده خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد اسد الله خان دیگر
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند بود و بعد رحلت آنحضرت از پیش اعظم شاه
بمهر توزکی مقرر شد دیگر احوال او معلوم نشد برادر سید محمود خان بارهه در عهد

اکبری

اکبری بمنصب دوهزاری و بخطاب خانی سربلند بود و در سنه هفدهم به قلعه داری تبت مقرر
گردیده در سنه بیستم در تنبیه مقهوران یعنی راجپوتان جوده پور تلاش ها نموده بود انجام
حال او معلوم نشد احمد خان ولد محمد خان نیازی در عهد جهانگیری منصبی و خطابی داشت در
سنه دوم شاه جهانی متعین دکن شده در سنه ششم در فتح قلعه دولت آباد و در سنه هفتم
هنگام تعیناتی شاه شجاع در کارزار با بیجاپوریان تردد نموده در سنه هشتم قلعه را منحر و مفتوح
گردانیده در سنه ۹ نهم بمنصب دوهزار دوپانصدی و در سنه هجدهم نوازش نقاره و در سنه بیست و
چهارم بقلعه داری احمدنگر و بمنصب سه هزاری سربلند گشته در سنه ۲۵ بیست و پنجم فوت کرد
سید احمد خان در عهد عالمگیری به منصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۹ بنظم اجمیر مقرر
شد و در سنه بیستم معزول گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد میر احمد خان میر معصوم ولد میر
عثمان ساکن بخارا که همراه پدر خود از ولایت آمده بود در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
خانی سرافراز شده آینده به دیوانی شاهزاده بیدار بخت بهادر بلند نام گردیده در سنه چهل
و هشتم به نیابت صوبهٔ برهانپور از طرف شاهزاده والاتبار گشته خدمت نمود و در عهد بهادر شاه
اصالتاً بنظم آنجا مقرر گردیده در جنگ با غنیم شهید شد این مرد بزرگ از خوبان روزگار بود
حبشی از غلامان سلطان محمود حاکم گجرات در سنه ۱۷ هفدهم اکبری بسلک بندگان در آمده
به منصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده تا سنه ۲ در اکثر کارزار تردد ها نموده بود

دیگر احوال او معلوم نشد   در عهد اکبری بمنصب وخطاب خانی سرافراز شده در سن
بیستم در ایام تعیناتی منعم خان ناظم بنگاله در شهر گور دار الملک بنگاله بنابر سمیت هوا از
جهان ناپایدار رخت بربست   ترکمان در عهد اکبری بمنصب وبخطاب خانی سربرافراخته
در سن بیست وپنجم بحکومت جونپور مقرر بود دیگر احوال او دریافت نشد   اسد خان معموری
میرزا محمد نام برادر مظفر خان معموری میر عبد الرزاق نام در اواسط عهد جهانگیری بمنصب
در سنه شانزدهم بخطاب اسد خان وبجایزه ترددات مردانه بمنصب سه هزاری سربلند شده و
هجدهم متعین مهابت خان بدکن گشته در آن جا در صوبه برهان پور وایلچپور وغیره تا سنه بیست
ودوم خدمت می نموده در سنه احد شاه جهانی از آن جا بحضور آمده در سنه دوم بفوجداری لکهی
جنگل مامور گردیده در سنه چهارم در لاهور رحلت کرد   اسد خان محمد شجاع ولد میر معصوم خان
تربتی کابلی باغی بعد فوت پدر در سن چهل وششم اکبری تقصیر او بمعرفت راجه مان سنگه کچهواهه
زمیندار آنبیر معاف گردیده بود و در عهد جهانگیری معلوم نشد که چه حال داشت در سنه ششم شاه
جهانی که حاکم بود بمنصب هزار وپانصدی وبخطاب اسد خان سرافراز شده در سنه ۱۲ رحلت نمود
اسد خان محمد ابراهیم ولد ذوالفقار خان حالیه در آخر عهد شاه جهانی به منصب دو هزاری و در
سنه بیست وهفت بخطاب اسد خان سربلند گردیده در عهد عالمگیری بخطاب امیر الامرا نامور شده
بود تتمه احوال او در ذیل خطاب امیر الامرا نوشته خواهد شد   لوحانی در عهد اکبری

بمنصب

بمنصب وبخطاب خانی سربرافراخته در سنه سی وهشت الهی متعین سلطان خسرو
پسر سلطان سلیم ودر سن چهل وپنجم در دکن مصدر ترددات شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
الف خان راجپوت قایم خانی زمیندار فتح پور جهنجهنون بمنصب وبخطاب خانی سرافراز بود
در سنه سوم جهانگیری بمنصب هفتصدی ودر سنه یازدهم باضافه منصب وبقلعه داری کانگره
از مضافات صوبه لاهور سربرافراخته در سنه نهم بمنصب دو هزاری ودر سنه هژدهم باردوم
بقلعه داری مسطور نامبردار بود وانجام حال او معلوم نشد   الف خان امان بیگ در سنه نهم
شاه جهانی بقلعه داری قندهار دکن وبمنصب هزاری سربلند شده در سنه پانزدهم بجایزه
ترددی بعنایت علم ونقاره و در سنه ۱۸ بمنصب هزار وپانصدی ودر سن بیست وششم بخطاب
مباهات اندوخته در شغل قلعه داری قندهار دکن در همان سال فوت کرد   الف خان سردار نام
نبیره دولت خان قایم خانی در سنه ۲۸ شاه جهانی بعد فوت جد خود به اضافه منصب سربر
افراخته از اصل واضافه بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه احد عالمگیری بخطاب الف خان
نامور گردیده خدمت مینمود در سنه سوم از کابل بحضور آمده متعینه مهم دکن بود تنبیه
زمینداران آن جا تیز کننده بود انجام حال او معلوم نشد   در آخر عهد اکبری بمنصب [illegible] وب
خطاب سربرافراخته در سن چهل وششم الهی در دکن در جنگ با دکنیان همراه دیگر
بندها ترددی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   آدم خان ولد علی رای حاکم تبت کلان

ودر اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۱۱ یازدهم بمنصب هزاری سربرافراخته
در سن و بیست و پنجم در فتح قلعه کرد مرکز ولایت تبت مصدر تردد شده خدمت نمود
در سنه ۳۰ سیوم ازین جهان فانی بعالم جاودانی انتقال کرد   جغتای کابلی
خانه زاد موروثی ده کرسی در عهد اکبری بمنصب هفت صدی سربرافراخته در سنه ۴۴ سی و
چهارم در حدود کابل تردد شایسته نموده در سن ۴۹ بجاگیر محالات صوبه کشمیر سربلند
شده بود در سنه احد جهانگیری بخطاب خانی سرافراز و بمنصب دو هزاری نام برآورده
خدمت بهاور رواشت در سن دویم از آن جانب بتنبیه افغانان بنکش تعین گردیده در
سنه پنجم باضافه پانصدی و منصب دو هزار و پانصدی بجلدوی نیکو خدمتی ها که بسزا در
لشکر بنکش کرده مقرر بود چهره امتیاز برافروخته در سن نهم بنابر تقصیری در قلعه تهتور
مقید شده در سن دهم اخلاص شده و بنظم کشمیر از تغیر صفدر خان مقرر گردیده در سن
سیزدهم معزول شده هم در آن سال رخت بربست   احمد بیگ خان برادرزاده
ابراهیم خان فتح جنگ در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و در سن ۱۶ بمنصب دو هزاری
و بخطاب خانی بر نام خود بنظم صوبه اودیسه از تغیر حسن علیخان سربلند شده در سنه ۱۹
هنگام بغی سلطان خورم ورفیق البنیان در آن ممالک مصدر تردد گردیده در سنه احد
شاهجهانی بمنصب دو هزار و پانصدی و رخصت جاگیر پرگنه سیوان سرافراز شده در سنه ۴

بفوجدار

بفوجداری ملتان مقرر شده در سن مذکور تغیر گردیده در سنه ۸ بتعین عبدالله خان بهادر
فیروز جنگ شده در سنه ۲ بفوجداری بیسواره از تغیر مرزا مراد کام و اضافه پانصد ذات
و سوار و بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار نام برآورده در سن ۲۸ تغیر گردیده در سنه ۳۰
که بنابر بعضی امور بی منصب شده بود بمنصب سابق بحال گردیده بفوجداری بهرایچ
مقرر گشته تا آخر عهد خدمت نمود در سنه احد عالمگیری به فوجداری مسطور بحال مانده بزودی
ازین جهان رخت حیات بربست   احمد بیگ خان ولد او در آخر عهد عالمگیری بمنصب و
خطاب خانی سربلند شده اینجا بنظم صوبه اکبرآباد و به اکرام فوجداری عمده آن صوبه مامور
بوده در جنگ با مهابت زمینداران آن صوبه که شیوه تمرد و بالکذاری داشت مردانگی ها بجا
نموده کشته شد حضرت بنابر تدارک این امر لیبا ربر گشتند و متمردان را بسزا رسانیدند
از نژاد حکام کشمیر در سن احد جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده متعینه صوبه
بنگاله بود در سنه دویم همراه قطب الدین خان کوکه جهانگیر پادشاه بردشت شیرافکن استاجلو
کشته شد و شیر افکن هم کشته شد   افتخار بیک پسر بایزید بیگ در عهد اکبری
بمنصب دو صدی و در سنه ۴۹ بمنصب هزاری سربلند شده و در جهانگیری بمنصب
هزار و پانصدی و خطاب خانی بر نام خود سربرافراخته در سن پنجم در بنگاله تردد نموده
بجلدوی آن بمنصب دو هزاری نام برآورده در سن هفتم آنجا بمردانگی و دلاوری بکار آمد

افتخار خان ولد احمد بیگ خان چغتائی در اواسط عهد جهانگیری بمنصب سربلند بود
بجلدوی نیکو خدمتی برور بمنصب سه هزاری مباهات اندوخته اکثر متعین صوبهٔ کابل مانده
در سنه ۱ بجائزه آوردن سر احداد انصاری سرگروه باغیان کابل و بنگش که ظفر خان احسن الله
بابت نظم آنجا بدست او فرستاده بود مطرح انظار مرحمت شده بود انجام حال او معلوم نشد
افتخار خان مخلص الله ولد احمد بیگ خان مذکور در سن ۵ جهانگیری بعد بکار آمدن محمد مسعود
برادر کلان خود بمنصب پانصدی سرافراز شده در سن احد شاه جهانی به منصب دو هزاری هزار
سوار و بفوجداری جمون مضاف صوبهٔ لاهور و در سنه ۱ بمنصب دو هزار و پانصدی سربلند شده
بود انجام کار او معلوم نشد افتخار خان ابو البقا ولد احمد بیگ خان مذکور در اوایل عهد شاه جهانی
بمنصب هزاری سربلند گشته در سنه ۵ بتهانه داری بنگش بالا مقرر گردیده در سنه ۷ تغیر شده
و منصب موقوف شده در سن ۱۱ بجلدوی تردد در جنگ با قزلباش هنگام تسخیر قندهار بمنصب هزار
و پانصدی و بابن خطاب و الا رتبه گشته در سن ۱۸ ارحلت کرد افتخار خان خواجه ابو البقا
نقشبندی برادرزادهٔ عبدالله خان بهادر فیروز جنگ در اوایل عهد شاه جهانی به منصب
ششصدی سربرافراخته در سن ۸ همراه سعید خان جهان بارهه تعین دکن شده در سنه ۹
تردد نموده در سن ۱۹ با اضافه پانصدی و بخطاب افتخار خان و خدمت توزک و بمنصب
هزاری از انتقال میرخان مفاخرت حاصل نموده در سنه ۲ بفوجداری اکبرنگر و در سن بیست و سیوم ۲۳

در جلدوی

در جلدوی ترددات در صف جنگ با قزلباش در مهم قندهار با اضافهٔ پانصدی ذات
و سوار بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و در سن ۲۵ با اضافهٔ پانصدی نام برآورده همراه
شاهزادهٔ عالمگیر متعین مهم قندهار شده در سن ۲۶ همراه سلطان دارا شکوه باز
تعین مهم قندهار گشته در همین سال با اضافهٔ پانصدی ذات و بمنصب سه هزاری مباهات
اندوخته روانهٔ قندهار شده بعد مراجعت بحضور آمده آینده متعین صوبهٔ مالوا شده در سنه
سیوم از مالوا متعین بادشاهزادهٔ عالمگیر ناظم دکن گردیده در همین سال بار دیگر بمالوا آمده
بار دوم بتعین دکن شده در آخر عهد در کارزار مالوا همراه مهاراجه جسونت سنگه راتهور
زمین دار جوده پور بمقابلهٔ عالمگیر بادشاه جان نثار شد   افتخار خان سلطان حسین
ولد اصالت خان بن میر میران یزدی در سنه ۳۰ شاه جهانی بمنصب هزاری سربلند شده
در سنه ۱ احد بداروغگی قورخانه و در سن ۲۳ بداروغگی داغ از تغیر رحمت خان مقرر شده در
سنه ۲۶ همراه دیگر بندها بحراست کابل رفته در سنه ۲۹ باز بداروغگی داغ از تغیر شیخ موسی گیلانی
مقرر شده در سنه احد عالمگیری با اضافهٔ پانصدی و بابن خطاب و بخدمت آخته بیگی از تغیر
سیف خان و در سنه ۷ به اضافه هزاری و بخدمت میرسامانی از تغیر فاضل خان و در سنه ۸ به اضافهٔ
پانصدی بمنصب سه هزاری سربلند شده در سنه ۱۳ بوقوع تقصیری اخراجی گشته از دریای
اتک گذشته در سنه ۱۴ تقصیرش مقرون بعفو شده بنظم کشمیر از تغیر سیف خان فقیر الله نام برآورده

در سنه ۱۰ به نظم اجمیر امتیاز یافته در سنه ۲۴ در آن جا فوت کرد افتخار خان ولد شریف خان
نبیره ابوالحسن حاکم حیدرآباد در سنه ۳۰ عالمگیری بمنصب سه هزاری و به این خطاب سرافراز شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد   افتخار خان ولد مختار خان میر قمر الدین سبزواری در اواخر عهد
عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربرافراخته در سنه ۴۴ بخدمت فوجداری دهولپور سرافراز شده
در عهد بهادرشاه بخطاب مختار خان نام برآورده بود آن جا حال او معلوم نشد خوبی و بزرگی
خاندان ایشان از اندازه افزون است   در سنه احد جهانگیری بمنصب و خطاب اهتمام
خان و در سنه ۴ بمنصب هزاری و بخدمت میر بحری و سامان نواره بنگاله سرافراز شد تا سنه ۱۹ هم
تردد نمود دیگر احوال او معلوم نشد اهتمام خان قدیمی منصبی داشت و از جیره رکاب شاه جهانی
آمده در سنه احد ایشان بمنصب هزاری سربرافراخته در سنه ۲ تعین مهم خان جهان لودی
باغی شده در سنه ۳ بخدمت میر آتشی مقرر گردیده در کارزار با خانجهان باغی از اسپان فرود آمده
بجرب صعب پیوسته در دکن تردد نموده در سنه ۴ چهار تهانه داری جالناپور مقرر شده در سنه ۶
بنابر تاخت ملک نظام الملک متعین خان دوران بهادر گردیده در سنه ۹ بقلعه داری قلعه اوسه
که درین سال فتح شده بود نام برآورده بود در سنه ۱۰ بحکم قلعه داری نیوز رشن نقاره
سربرافراخته در سنه ۱۳ ابعد عزل قلعه داری مذکور بتهانه داری کهیرله مقرر شده در سنه ۱۴
از دکن آمده به تهانه داری عورتند از تغیر همت خان مقرر شده در سنه ۱۵ اتغیر گردیده و به منصب

دوهزاری

دوهزاری رسیده در سنه ۲ فوت کرد   اهتمام خان دیگر در عهد شاه جهانی به منصب و
به این خطاب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   اهتمام خان محمد قاسم علیمردان خانی
منصبی داشت در سنه احد عالمگیری هنگام تعیناتی معظم خان ناظم بنگاله بخطاب اهتمام خان سرافراز
شده بود در سنه ۲ در بنگاله در جنگ با شاه شجاع بکار آمد اهتمام خان علی بیگ ولد مرشد قلیخان
مرحوم منصبی داشت در سنه ۴ عالمگیری بخطاب اهتمام خان سربرافراخته آینده بکوتوالی اردوی معلی
مقرر شده در سنه ۲۴ بجائزه این خدمت مورد مراحم گردیده بود انجام کار او معلوم نشد اهتمام خان
سردار بیگ چیله منصبی داشت در سنه ۸ عالمگیری بخطاب اهتمام خان و بداروغگی نواره از تغیر سیف
خان با وجود خدمت کوتوالی سربلند شده در سنه ۲۹ بخدمت نظارت حرم سرای خلافت
و در سنه ۳۰ بخطاب سرافراز خان سرافراز گشته بود تتمه احوال او معلوم نشد آینده در ذیل
خطاب اخلاص خان بقلم خواهد آمد   اهتمام خان اله یار در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
اهتمام خان سربرافراخته در سنه ۴۱ بداروغگی اصطبل مقرر شده بخطاب سردار خان مباهات
اندوخته بود تتمه احوال او در ذیل خطاب اخلاص خان بقلم خواهد آمد اهتمام خان فتح مقصود
در آخر عهد عالمگیری بمنصب پانصدی و باین خطاب سربرافراخته بعد رحلت آنحضرت از منش
اعظم شاه بمنصب هفت صدی نام برآورده بود در عهد محمد شاه پادشاه فوت کرد و ارادت
خان برادر آصف خان جعفر بیگ در سنه ۲ جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب ارادت خان و در سنه ۳

شاه جهانی بخطاب اعظم خان سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب اعظم خان نوشته
شد ارادت خان میر محمد اسحاق ولد ارادت خان مذکور در اواسط عهد شاه جهانی به
منصب هشتصدی و در سن ۲۳ بمنصب هزاری و بخطاب ارادت خان و در سنه ۲۹ بخدمت
آخته بیگی از تغیر تربیت خان و هم درین سال باضافهٔ پانصدی و بمنصب دو هزاری و تن بخشی گری
از تغیر لشکر خان مقرر شده در سنه ۳۰ معزول گردیده در همین سال بخدمت عرض وقایع مقرر
گشته در سنه ۳۱ تغیر شده بفوجداری لکهنو از تغیر احمد بیگ خان مقرر گردیده در سنه ۲۹ در حضور آمده
باز بخدمت عرض وقایع از تغیر اسد خان نام بر آورده در سن ۴ معزول شد و در سن احد
عالمگیری بمنصب سه هزاری سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم صوبهٔ اوده مباهات اندوخته
در آن سال در آن جا فوت کرد ارادت خان وزیر بیگ منصبی داشت در سن احد عالم
گیری بمنصب هزاری و بخطاب ارادت خان سر برافراخته متعین صوبهٔ بنگاله گردیده
در سنه ۲ بحضور آمده در سن ۳ که سابق بتقصیر غفلت از حال شاهزاده سلطان محمود در رفتن
پیش شاه شجاع باغی بی منصب شده بود بمنصب هزاری بحال گشته بقلعه داری ظفر نگر
از تغیر میرزا علی عرب مقرر شد و در آن جا بکار آمد ارادت خان مبارک الله ولد ارادت
خان محمد اسحاق در اواسط عهد عالمگیری منصبی داشت در سنه ۴۳ بفوجداری اسلام آباد
جاگنه از ممالک دکن سرافراز شد و در سنه ۴۸ منصب هفتصدی و بخطاب خانی یعنی ارادت خان

و بفوجداری

و بفوجداری نواح خجسته بنیاد سربلند گشته در عهد محمد شاه بادشاه فوت کرد مرد
فاضل و شاعر بود و واضح تخلص میکرد و موفق بخیر بود   برادر آصف خان جعفر بیگ در
عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی سربلند و در سنه سیوم ایشان بتقصیری بند بکفایت
سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد   ابوالحسن ولد اعتماد الدوله طهرانی منصب
پانصدی داشت در سن ۸ جهانگیری بخطاب اعتقاد خان و در سنه ۹ بمنصب هزاری و در
بخطاب آصف خان سربلند شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب آصف خان نوشته شد
اعتقاد خان میرزا شاپور و بعضی پسر اعتماد الدوله مذکور منصب داشت هفتصدی ذات و در سن ۱۰
جهانگیری بخطاب اعتقاد خان و منصب هزار و پانصدی سر برافراخته بود و در سنه ۱۳
بمنصب چهار هزاری مباهات اندوخته در سنه ۱۸ از تغیر ارادت خان به نظم صوبهٔ کشمیر چهرهٔ امتیاز
برافروخته بود و در سن احد شاه جهانی بدستور سابق بنظم آنجا بحال مانده در سنه ۵ معزول
گردیده در سن ۶ بنظم شاه جهان آباد از تغیر لشکر خان نام بر آورده در سن ۹ تغیر گشته در سنه ۹
بفوجداری جونپور از تغیر باقر خان نجم ثانی و در سنه ۱۶ بنظم صوبهٔ بهار از تغیر شایسته خان و در
سنه ۲ بنظم صوبهٔ بنگاله از تغیر شاهزاده شجاع و در سنه ۲۳ بنظم صوبهٔ اوده از تغیر میرزا خان
لوای افتخار سر برافراشته بمنصب پنجهزاری رسیده در سن ۲۳ که از بهرایچ روانه شده بود
در اکبرآباد درگذشت   اعتقاد خان میرزا بهمن یار ولد آصف خان ابوالحسن در سنه ۹

شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۱۵ بمنصب هزاری و در سنه ۱۸ بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه ۱۹ بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۱ بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۲۲ بمنصب سه هزاری
و بخطاب خانه‌زاد خان و در سنه ۲۵ بعد آمدن از نزد شایسته خان از دکن بمنصب چهار هزاری
و بخطاب اعتقاد خان و بخدمت میر بخشی گری از تغیر بیراب خان سرفراز شده در سنه ۳۱
تغیر کرد و در سنه احد عالمگیری بعطای خلعت مهربانی و در سنه ۳ ببودن دار الخلافه تا مراجعت رایات
از شکار کنار آب گنگ مامور شده در حضور خدمت میکرد و در سنه ۵ بمنصب پنجهزاری مفتخر گردیده
در سنه ۸ بنابر ملاقات امیر الامرا برادر کلان خود به بنگاله رخصت شد و در سنه ۹ او را آنجا
فوت نمود اعتقاد خان محمد اسمعیل ولد اسد خان مشهور منصبی داشت در سنه ۳ عالمگیری
بخطاب اعتقاد خان و در سنه ۳۶ بخطاب ذو الفقار خان سر بلند شده بود تتمه احوال او در
ذیل خطاب ذو الفقار خان بقلم خواهد آمد اعتقاد خان ولد امیر الامرا شایسته خان در آخر
عهد عالمگیری بمنصب دو در سنه ۳۶ بخطاب اعتقاد خان و بفوجداری نواح اکبرآباد سر بر افراخته
در سنه ۴۰ بفوجداری متهرا از تغیر راجه بشن سنگه کچهواهه زمیندار آنبیر و در سنه ۴۱ به نظم اکبرآباد
از تغیر مختار خان میر قمر الدین لوای مفاخرت بر افراشته در سنه ۴۵ در آن جا کرد اعتقاد خان
ولد روح الله خان میر حسن در آخر عهد عالمگیری بمنصب و نظامت و در سنه ۴۸ به خطاب اعتقاد
خان سر افراز شده در سنه ۴۹ بعد فوت پدر بخطاب روح الله خان مامور گردیده بود تتمه

احوال

احوال او در ذیل خطاب روح الله خان بقلم خواهد آمد این معنی بر دلیل بدو نام او زندگانی
بسر آورد   مراد کام ولد میرزا رستم صفوی در اوایل عهد جهانگیری بمنصبی
در خور داشت و در سنه ۹ خدمت می نمود و در سنه ۱۰ الشان را بخطاب نام برآورده و در سنه ۱۲
دوازدهم شاه جهانی بجایزه نیکو خدمتی باضافه پانصدی و به منصب دو هزار و پانصدی
سر بلند و در سنه ۱۴ متعین مهم حکبت سنگه زمیندار دهمری شده در سنه ۱۵ الشان به
چهل هزار روپیه فایق گردید   التفات خان محمد مراد ولد صلابت خان بن صادق خان
طهرانی در سنه ۱۷ هفدهم شاه جهانی بعد گذشته شدن پدر با آنکه چهار ساله بود بمنصب پانصدی
سر بلند شده در آخر عهد بمنصب هزاری سر بر افراخته بود در سنه احد عالمگیری به
منصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ باین خطاب و در سنه ۴ باضافه منصب مباهات
اندوخته تا سنه ۵ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نگشت   حاجی بی اورنگ
در اوایل عهد جهانگیری منصبی در خور داشت در سنه ۱۱ تعین سلطان خرم شده بود در سنه
الشان بخطاب اورنگ خان سر بر افراخته در اوایل عهد شاه جهانی به منصب هزاری
مباهی گردیده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد   نظر بیگ مخاطب باورنگ خان
در سنه ۸ تردد نمود و در سنه ۱۴ بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و بقلعه داری اوسه
از مقلاع دکن و در سنه ۱۵ بعنایت علم و در سنه ۲۲ بهنگام قلعه داری باضافه هزار سوار دو اسپه

سه اسپه مباهی گردیده در سنه ۲۹ از دکن آمده به تعین گجرات شد و در سنه ۳۰ فوت کرد اورنگ خان
تاتار بیگ ولد اوزبک جان منصبی داشت در سن احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب
سرافراخته در سنه ۳ بقلعه‌داری جاکنه مقرر گشته تا سنه ۹ در دکن تردد نموده دیگر احوال او معلوم
نشد اوزبک جان برادر اتالیق سبحان قلیخان والی بلخ در سن ۲۳ عالمگیری از بلخ آمده بمنصب
دو هزاری و بابن خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد در سنه ۲۵ فوت کرد اوزبک جان دیگر
در سنه ۴۴ عالمگیری بمنصب و بابن خطاب سرافراخته دیگر احوال او هیچ معلوم نشد
اکرام خان هوشنگ ولد اسلام خان شیخ علاء الدین منصب هزاری داشت در سنه ۱ به تعین
دکن شده و در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری و بابن خطاب سربلند گشته در سنه ۱ در حضور
آمده در سنه ۱۸ باز به تعین دکن شده بود در سنه ۲ شاه جهانی بنابر تنبیه خان جهان لودی
باغی به تعین ارادت خان گردیده در تعاقب او به دکن رفته در سن سیوم و سن ۴ و سنه ۵
در لیاقت دکن تردد نموده متعین آن صوبه شده باشند در اکثر معارک مصدر ترددات
گردیده آخر معاتب گشته در سنه ۱۰ او سنه ۱۵ به انعام مبلغ نقد کام دل برگرفته باشند تا سنه ۲۱
سالیانه نقدی یافته بدعای دولت مشغول می بود در همان سال بمنصب سابق بحال گردیده
در سنه ۲۴ فوت کرد اکرام سید حسن منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و
بابن خطاب و بعد چندی بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و بفوجداری نواحی اکبرآباد سربلند

شد در سنه

شده در سنه ۵ درگذشت اکرام خان اسد الله ولد احمد مانه از امیران در سن نهم عالمگیری
بمنصب هزار و پانصدی و بابن خطاب سرافراخته تا سنه ۵ خدمت نموده انجام احوال او
معلوم نگشت اکرام خان دیگر در آخر عهد اکبری بمنصب نهصدی و بابن خطاب و فوجداری فتحپور
سربلند شده بود در سنه احد بهادرشاه بمنصب هزاری نام برآورده دیگر احوال او معلوم
نشد برادر خورد آصف خان جعفر بیگ منصبی داشت در سنه ۱ جهانگیری به
اضافه منصب و بابن خطاب و بمتصدیگری بندر کهنبایت و در سنه ۱۲ بمنصب هزاری سرافراز شده
در سنه ۱۱ به منصب دو هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد امانت خان عبد الحق
برادر افضل خان ملا شکر الله شیرازی منصبی داشت در سن ۸ شاه جهانی بمنصب هزاری و
بابن خطاب سرافراز شده در سنه ۱۰ بجایزه خدمات نمایان مورد عنایات گردیده در سنه ۱۸
فوت کرد امانت خان آقا علی سیمالی در سنه احد عالمگیری بمنصب و بابن خطاب سرفراز بود در سنه ۴
فوت کرد امانت خان سید احمد ولد سید یهود بخاری در آخر عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی
سرافراز بود در سن ۲ عالمگیری بخطاب امانت خان و بدیوانی صوبه اورنگ‌آباد در سن ۱۳ بدیوانی
صوبه بنگاله مباهات اندوخته خدمت می نمود ظاهرا در سنه ۱۴ درگذشت امانت خان میرک
معین منصبی داشت در سنه ۱۴ عالمگیری بمنصب هزاری و بابن خطاب و بدیوانی خالصه
سرافراز شد در سنه ۴ بعد استعفا اسد خان از نیابت وزارت ماجرای کار وزارت و مهر

کردن بر بر و انجات پائین تراز مهروز بر ماموگشته در سنه ۱۸ جلد بهم استغفار آن
نموده بجراست لاهور مقرر گردیده بود انجام کار او معلوم نگشت امانت خان میر حسین
ولد امانت خان منصبی داشت در سنه ۲۲ عالمگیری بخطاب امانت خان و بدیوانی بیجاپور
و در سنه ۲۴ بدیوانی تن و در سنه ۲۶ بدیوانی رکاب از انتقال خواجه عبد الرحیم خان
و منصب هزاری و آینده متصدیگری بندر سورت سربلند شده در سنه ۳۴ در آن جا فوت کرد
امانت خان خواجه محمد ولد نظر محمد از سادات بلخ در عهد عالمگیری از ولایت آمده بمنصب
مباهات اندوخته و بجایزه حسن خدمت در سنه ۴۷ باین خطاب و بفوجداری بیجاپور و
سکمیر سرافراز شد بمنصب هزار و پانصدی رسیده بعد رحلت حضرت بمتصدیگری بندر
سورت از پیش اعظم شاه اضافه پانصدی یافته در عهد بهادر شاه بخطاب شهامت خان
در عهد فرخ سیر بادشاه بمنصب هفت هزاری و بخطاب مبارز خان نام برآورده در عهد محمد
شاه بهنگام نظم حیدرآباد با نظام الملک آصف جاه برزم پرداخته بکار آمد امانت خان خواجه
محمد منصبی داشت در سنه ۴۹ عالمگیری باین خطاب و بفوجداری بیجاپور و سکمیر از ممالک
دکن سرافراز شده بمنصب هزار و پانصدی رسیده در سنه پنجاهم ترددی نموده بود بعد رحلت آن
حضرت بهنگام متصدیگری بندر سورت از پیش اعظم شاه اضافه پانصدی یافته دیگر احوال او
معلوم نشد   اله وردی خان اله داد ولد جلال بن ملا ابراهیم انصاری از آبا و اجداد

راه بغی

راه بغی پیموده اند ملا ابراهیم در عهد اکبری افغانان آفریدی را در کابل مرید خود نموده
انبوهی جمع کرده خود را پیر روشنائی قرار داده تیغ رایت عصیان برافراشته به افواج اکبر
بادشاه آویزشها نموده در سنه ۳۴ بتلاش صادق خان دستگیر گردیده اکبر بادشاه
او را پیر تاریکی نام نهاده بودند جلال پسرش مکرر به اتفاق افغانان حربهای صعب کرده در سنه ۴۸
بدست شادمان بیک هزاره کشته شد اله داد و احداد هر دو ابن عم او تا سنه ۱ عهد جهانگیری
با ناظمان کابل کارزارها نموده اند در سنه ۱۲ جهانگیری اله داد از احداد جدائی گزیده حلقه اطاعت
بگوش انداخته بدرگاه رجوع آورده بمنصب دوهزاری و بخطاب خانی بر نام خود بهم و در سنه ۱۲
بخطاب رشید خان سرافراز شده تتمه احوال او در ذیل خطاب رشید خان تقلم خواهد آمد
اله داد خان ولد اخلاص خان خویشگی در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۲۲ الشان به
منصب هزار و پانصدی و در سنه بعد فوت پدر خطاب خالی بر نام خود سر برافراخته در
سنه ۹ تعین شاهزاده محمد معظم بصوب کابل شده در سنه ۱۸ در آن صوبه خدمت نموده در سنه
بتهانه داری غریب خانه از مضافات صوبه کابل و در سنه ۴۹ بفوجداری منسور از تغیر رحمان
داد خان و به اضافه منصب سربلند شده تا سنه احد بهادر شاه خدمت نموده انجام کار او
معلوم نشد تا بر طول مدت احتمال است که این همانست یا دیگری   منصبی داشت
در سنه ۴۸ جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۱۸ بتعینات علم سرافراز

شده در سنه ۱۲ هنگام بی ادبی مهابت خان زمانه بیگ در رکاب بود در اوائل عهد
شاهجهانی به منصب دو هزاری پانصدی سر برافراخته در سنه ۵ هنگام فتح هوگلی بندر همراه
قاسم خان ناظم بنگاله تردد نمایان کرده در سنه ۱۱ هنگام تعیناتی اسلام خان ناظم بنگاله
به تنبیه آشامیان ترددات شایسته نموده بجایزهٔ آن باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری
دو هزار سوار نام برآورده در سنه ۲ الف فوجداری کوچ هاجو از انتقال میر غیاث الدین بروی مقرر
شد و در سنه ۱۹ از بنگاله فیلان برای سرکار والا صید نموده در سنه ۲۳ در آن جا در گذشت
الهیارخان اله یار بیگ منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود باضافه
منصب و بخدمت میر توزکی و داروغگی ملازمان جلو در سنه ۸ بداروغگی دیوان خاص از تغیر
هوشدارخان و در سنه ۶ به منصب دو هزاری پانصدی والا پایه شده در همان سال فوت کرد
الهیارخان در اوایل عهد عالمگیری منصبی و خطابی داشت در سنه پنجم [illegible] بقلعه داری
کابل و آینده تهانه داری لوهگده از توابع صوبه مذکور مقرر شده در سنه ۹ معزول
گردیده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد این مرد پاک از اوصاف حمیده و اخلاق جمیله
متصف داشت گذشت   ولد خانجهان لودی در اواسط عهد جهانگیری به منصب و به
این خطاب سر برافراخته در سنه ۱۴ بمنصب هزاری و در سنه ۱ بمنصب دو هزاری سربلند شده
تا سنه [illegible] هم خدمت نمود انجام حالش معلوم نشد اصالت خان عبدالهادی ولد میر میران

یزدی

یزدی در آخر عهد جهانگیری منصبی داشت بعد رحلت جهانگیر بادشاه همراه سلطان
بولاقی در جنگ با سلطان شهریار باغی تردد نموده در سنه ۳ شاهجهانی به خطاب
اصالت خان سربلند گشته در سنه ۴ متعین دکن گردیده از غرائب اتفاقات آنکه به
مقتضای شجاعت علوی پیش از همه خود را بر بالای حصار ماهلی که همراه افواج تسخیر آن مامور بود
بود رسانید قضا را بر تخته چوبی که لختی باروت و حقه آتش بازی در زیر آن بود [illegible]
شده در بین اثنا آتش بدان رسیده تخته با آن سید بهوا بلند شده در انبار کاهی افتاد
و او آزاری از آتش نیافت در سنه ۵ از لیاقت دکن بحضور آمده در سنه ۶ تعین
شاه شجاع بازید کن گردیده و بمنصب هزار و پانصدی و به بخشیگری لشکر دکهن نام برآورده
در سنه [illegible] همراه با بیجاپوریان در دکن کار زارها نموده در همین سال همراه شاهزاده بحضور
آمده به بخشی گری احدیان از تغیر عبدالرحمن مقرر شده در سنه ۸ باضافه هزاری و به نظم دهلی
از تغیر باقرخان نجم ثانی و در سنه ۱ باضافه پانصدی و در سنه ۱۳ [illegible] بخشیگری از تغیر
صلابت خان روشن ضمیر سرفراز شده در سنه ۱۶ هنگام فتح قلعه [illegible] راجه جگت
سنگه که در آن ایام راه انحراف نموده بود ترددهای مردانه نموده در همین سال همراه
شاهزاده داراشکوه بکومک ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده و در سنه ۱۸ بمیر بخشی گری
از انتقال خان مسطور سر برافراخته در سنه ۱۹ باضافه هزاری [illegible] تعین مهم بلخ و بدخشان گردیده

بجایزه ترددات شایسته آن جا که بیان آن طولی دارد به منصب و خطاب و پنجهزاری
مرتبه نامور گردیده روزی در بلخ چون بعد ایلغار حسیه نبردی برآورده بود بصدمه انصرف هوا
فوت گشت حضرت از درگذشتن چنین بنده کاردانی بسیار تاسف فرمودند اصالت خان
میرزا محمد ولد میر بدیع مشهدی در سنه ۱۹ شاه جهانی از ولایت آمده بمنصب هزاری و در سنه ۲۲
بمنصب هزار و پانصدی و در همین سال بمنصب دوهزاری سر برافراخته همراه شاه نوازخان
صفوی بسبب نسبت مصاهرت با او در دکن بود در سنه ۳۰ بفوجداری و تیولداری سرکار سندور
از تغیر نجابت خان دکهنی و در سنه ۳۱ بفوجداری سرکار ناندیر سرافراز شده در سنه ۲ معزول
گردیده در سنه ۳ بتعین دکن شده در سنه احد عالمگیری بجایزه ترددات نمایان بمنصب
چهارهزاری و خطاب سر برافراخته بدکن تعین شده در همین سال همراه خاندوران
بحضور رسیده در سنه ۳ که سابق از منصب معزول شده بود بمنصب پنجهزاری سه هزار سوار و عنایت
خلعت و ترکش و ماده فیل و بفوجداری مراد آباد از تغیر قاسم خان بلوای مفاخرت برافراخته
در سنه ۹ در آن جا فوت کرد سید اصالت خان ولد سید مظفر حیدرآبادی در سنه ۲
عالمگیری بمنصب عمده و خطاب سرافراز شده در سنه ۹ به رسیدن قافله متعین
گردیده چون در راه با دکهنیان مقابله رو داد از کم فطرتی یاران هلهلی گشته بود بار رجوع
او بدرگاه والا معلوم نشد اصالت خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب سر

برافراخته

برافراخته در سنه ۴۶ بتهانه داری اسعد نگر و در سنه ۴۹ به قلعه داری رنتهنبور و در سنه ۴۹ بمنصب
هزار و پانصدی نام برآورده خدمت مینمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد حبشی خان دکهنی
در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و خطاب سرفراز بود در سنه ۱۸ با ایشان شریک بغی
سلطان خورم شده در سنه ۱۹ از ایشان جدا گردیده در سنه احد شاه جهانی بمنصب دو
هزاری سر برافراخته در سنه ۲ و در سنه ۸ متعین دکن گشته و در سنه ۱۳ بفوجداری تهاکل پور
مقرر شده در سنه ۲۴ همراه شایسته خان در صوبه بهار تردد نموده آینده بدکن تعین گشته در سنه
از دکن آمده در سنه ۲۵ فوت نمود آتش خان محمد سعید معروف به آتش قلماق برادر
کفش قلماق ولد مسک سعید در سنه ۲ شاه جهانی از بلخ آمده بمنصب هشتصدی سربلند شده
خدمت مینمود در سنه احد عالمگیری هر دو بار بتعاقب دارا شکوه رفته ایلغارهای او زیاده
نموده در سنه ۲ به خطاب نام برآورده در سنه ۳ متعین مهم راو کرن زمیندار بیکانیر
گردیده در سنه ۸ بداروغگی توپخانه دکن سربلند گشته بود انجام حالش معلوم نشد انیس خان
جان بیک ولد لحان بیک منصبی داشت در سنه ۱۲ عالمگیری بخطاب و در سنه ۲۶ بنظم
صوبه اورنگ آباد از تغیر معمور خان و آینده بفوجداری کرمانک نام برآورده در سنه ۳۳
در آن جا رحلت کرد آتش خان ولد میر منصور خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
خطاب و بقلعه داری جتر از قلاع دکن سرافراز بوده باستعداد تمام خدمت مینمود وان

حضرت آنکه مشمول مراحم بی فرمودند دیگر احوال او معلوم نشد الله وردی بیک ولد
مقصود بیک کوسه ترکمان در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب و بخدمت قراول بیکی امتیاز
درشت در سنه ۱۵ هنگام تعیناتی سلطان خورم در مهم دکن زخم بر داشته در سنه ۲۱ در حضور بود
ازخر در رکاب شاه جهانی آمده بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده و در سنه ۲
متعین مهم خان جهان لودی باغی گردیده بعطای علم نام بر آورده در سنه ۳ و چهارم که رایات
عالیات در دکن رونق افزا بود همراه آصف خان به تسخیر ولایت بالاگهاٹ رفته آغاز سنه ۵
همراه رکاب بهندوستان آمده بفوجداری اب رودی آب اکبرآباد مقرر شده آمده بمنصب
سه هزاری سر بر افراخته در سنه ۶ متعین شاه شجاع بدکن گردیده در سنه در آن جا
با افواج حاکم بیجاپور رزمهای شدید نموده در همین سال بجایزه ترددات مردانه بمنصب چهار
هزاری سه هزار سوار از تغیر خان دوران بهادر و در سنه ۸ بنظم خاندیس و پائین گهاٹ
از تغیر خاندوران مذکور چهره امتیاز بر افروخته در همین سال که رایات عالیات باز در دکن
رونق افزا گردیده از پائین گهاٹ آمده در حوالی برهانپور ملازمت نموده متعین شایسته
خان بمهم گشتیان شده در سنه ۱۰ باعانت دیگری اکثر قلاع نظام الملک مثل قلعه ئوموت
که از قلعه دولت آباد در محکمی پای کمی ندارد و جاند در و انجراو در وله و جوله و اموث و کول و را
مفتوح نموده در همین سال بفوجداری لکهنو و بیسواره و در سنه ۱۱ بفوجداری متهرا از انتقال

مرشد

مرشد قلی خان در سنه ۱۲ بنظم شاه جهان آباد دیدار و علی عمارت قلعه و کندن نهر فیض از
تغیر غیرت خان برادر عبد الله خان بهادر فیروز جنگ مباهات اندوخته در سنه ۱۵ بعد عزل ناظم آنجا
در مهم حکت سکه زمیندار و بهمری زیاده از دیگران تردد نموده بعد فتح قلاع او در همین سال
متعین شاهزاده دارا شکوه بکومک ناظم قندهار گردیده در سنه ۱۶ بحضور آمده بتقصیر بهبود
کوبی در خدمت آن بادشاه زاده بی منصب شده در سنه ۲ بعفو تقصیر و در سنه ۱۸ به منصب
پنجهزاری لوای مفاخرت بر افراشته در سنه مذکور بنظم الجیور یعنی صوبه برار مقرر شده در سنه ۲۰
اسپان عراقی برسم پیش کش فرستاده در سنه ۲۱ در حضور آمده در سنه ۲۲ و در سنه ۲۳ در
لیساق کابل در رکاب بوده آینده بجاکیر رخصت شده در سنه ۲۵ بحضور آمده در سنه ۲۶
بتقصیر آنکه بدون عوض به قلز آغاسی والی ایران خطی برای خرید اسپان نوشته بود بی منصب
و معاتب گردیده در سنه ۲۹ بعد اثبات بی تقصیری که شخصی از طرف او خط جعلی ساخته
داده بود بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار و بفوجداری جونپور از تغیر اکرام خان و در سنه ابد
بنظم بهار از تغیر ذو الفقار خان قرامانلو نام بر آورده در سنه ۳۲ شاه شجاع بتوهم بیجا آن
امیر ماند میر را از هم گذرانید الله وردی خان محمد جعفر عالمگیر شاهی ولد الله وردی خان مذکور
در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۱۸ بمنصب هزاری و در سنه ۲۴ باضافه
پانصدی و بخدمت قراول بیکی سرافراز شده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری شش هزار

سوار و بفوجداري متهرا و در سنه دوم بمنصب سه هزار و پانصدي سه هزار سوار از آن جمله
دو هزار سوار دو اسپه سه اسپه و باين خطاب و در سنه ۳ بفوجداري سركار گوركهپور از تغير
فدائيخان مظفر حسين و در سنه ۹ بفوجداري مرادآباد و از انتقال اصالت خان مشهدي و در
سنه ۱۰ بنظم اله آباد و از تغير بهادرخان ملك حسين و بمنصب چهار هزاري سربلند گرديده در سنه ۱۲
در آن جا رخت حيات بربست در شجاعت و مردانگي يكه تاز بود   ابو البقا ولد مير ابو القاسم
نمكين در عهد جهانگيري بمنصب هزار و پانصدي و نظم ملتان و خطاب ميرخان داشت در سنه
احد شاه جهاني باداي لك روپيه برسم پيشكش نزد نايب حرف الف بخطاب اميرخان و
بنظم ملتان و در سنه ۲ بنظم بهتهه از انتقال مرتضي خان آب خود و بمنصب سه هزاري و در سنه ۱۵
بار دوم بنظم صوبه بسطور و در سنه نهم به تهانه داري ميرمصاف صوبه دكن و در سنه ۱۴ بضبط سيوستان
از تغير قراق خان لواي افتخار برافراخته در سنه ۲۱ در آن جا فوت كه در سنه ۳۰ صبيه او با شاهزاده مراد
بخش منسوب گرديد   سيد اميرخان سيد امير برادر شيخ مير خافي والا جاهي پادشاه عالمگير در آغاز
سنه احد عالمگيري بمنصب دو هزاري و باين خطاب و بجايزه ترددات در جنگ اجمير بمقابله
سلطان داراشكوه بمنصب چهار هزاري و در سنه ۸ بنظم كابل از تغير مهابت خان ظفر نصيب
بمنصب پنجهزاري پنج هزار سوار يك هزار سوار دو اسپه سه اسپه سرافراز شده در سنه ۱۱ بعد عزل
از آن جا استعفا نموده در دهلي اقامت گزيده در سنه ۱۳ از اين جهان رفت   اميرخان مير ميران

ولد خليل

ولد خليل الله خان يزدي در سنه ۲۴ شاه جهاني بمنصب و در سنه ۲ بمنصب هزاري و در سنه ۱۹
بمنصب هزار و پانصدي و بمير توزكي و در سنه ۱ به بخطاب ميرخان سربلند شده بود در سنه احد
عالمگيري بمنصب سه هزاري دو هزار سوار و بفوجداري دامن كوه كانگره و در سنه ۸ بفوجداري
كوهستان جمون سر برافراخته در سنه ۹ بعد عزل بشرف اندوزي حضور سعادت حاصل نموده در سنه ۱۰
بنظم اله آباد از انتقال اله ورديخان محمد جعفر و در سنه ۱۰ بنظم مالوا از انتقال وزيرخان محمد
طاهر خراساني سرافراز گرديده و در سنه ۱۱ بقيصري سعادت گشته و در سنه ۱۱ بمنصب چهار هزاري
و بخطاب اميرخان مباهات اندوخته در سنه نوزدهم متعين شاهزاده محمد معظم كه به ايالت
كابل از تغير اعظم خان كوكه عالمگير پادشاه لواي مفاخرت برافراشته بجلدوي انتظام
برهم جوز دكهناي مقدمات صوبه مذكور در سنه ۲۹ بمنصب هفت هزاري چهره امتياز برافروخته
اكثر بجايزه نيكو خدمتي در آن صوبه تحسين آميز آفرين و تحسين ها مانده در سنه ۴۰ با خوت ميرانت
آميزي بود تمام خرد و عمده فدويان كارهاي دست بسته او در نظم و نسق صوبه كابل در خاطر اقدس
خيلي پايه اعتبار داشت   اميرخان مير عبد الكريم ولد اميرخان بن مير ابو القاسم نمكين در اواسط
عهد عالمگيري بمنصب و در سنه ۲۵ بمير بازي گري خواصان و بداروغگي جانماز خانه سرافراز شده
در سنه ۴۳ بخطاب ملتفت خان و در سنه ۴۸ بمنصب هزاري و بداروغگي خواصان از انتقال
انورخان و آينده باضافه پانصدي و در سنه ۵ بخطاب خانه زاد خان و در سنه ۸ بخطاب اميرخان

و بمنصب سه هزاری بلندی که اکر دیده و در سنه ۵ صبیه او با سلطان اعز الدین منسوب گشته
در تقریب و مزاجدانی محمود امثال و اقران خود تا آخر عهد بوده بعد از آن تا مدت حیات بعزت
گذرانیده در عهد محمد شاه فوت کرده   میر عبد السلام از بندهای ایام بادشاهزادگی
سلطان خورم بخطاب اختصاص خان سرافراز بوده در سنه احد شاه جهانی بخطاب اسلام خان
مامور شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب دارا شکوه به نیابت صوبه داری اله آباد مقرر بود
در سنه ۲۴ شاه جهانی بمنصب دو هزاری و بخطاب صلابت خان و به نظم صوبه داری تتو
برادر اکبر حسام الدین خان سر بر افراخته در سن ۲ فوت کرد   اختصاص خان سعید فیروز برادر
زاده سعید خان جهان بار به منصبی داشت در سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و در
سنه ۲ با ضافه پانصدی و در سنه ۲۲ بخطاب خانی بر نام خود سرفراز شده در سنه ۹ متعینه
مهم قندهار گردیده در سنه ۲۹ بفوجداری بهادر پور مقرر گشته بود در سنه ۲ عالمگیری بخطاب اختصاص
نام بر آورده و در سن ۱ بانجام تعزیه داری کوه آهنی که منتهای سرحد بنگاله داشت با آشامیان
آویزش سخت نموده مردانه جان نثار شد   اختصاص خان عبد الله ولد شیخ نظام حیدر آبادی
در سنه ۱ عالمگیری بمنصب و در سنه ۳ به این خطاب و بمنصب چهار هزاری سرافراز شده بود
دیگر احوال او هیچ معلوم نشد   خواجه میرا منصبی داشت در سن هشتم شاه جهانی بخطاب
خانی بر نام خود و در سنه ۱ بمنصب هزاری و در سنه ۱۱ بفوجداری بر دو ردی آب جمن در سنه ۲

بفوجداری

بفوجداری نواح اکبرآباد و در سن ۱۲ با ضافه پانصدی سر بر افراخت در سن ۲۶ بنابر عدم
سر انجام کار معزول شده بتولیت روضه نواب ممتاز الزمانی مقرر گردیده در سنه ۱۳ بآخرت [illegible]
رفت   الله قلی ترک ولد یلنگتوش در سنه ۱۴ شاه جهانی بمنصب هزاری نو سرافراز شده
در سنه ۱۱ با ضافه پانصدی و در سنه ۲ بخطاب خانی بر نام خود و در سن ۱۲ با ضافه پانصدی سر بر
افراخته و در سنه ۲۲ متعین مهم قندهار و در سنه ۲۴ متعین صوبه بهار شده و در سنه ۲۶ از آنجا
آمده بمنصب دو هزار و پانصدی نام بر آورده متعین مهم قندهار گشته تا سنه ۱۳ خدمت می نمود دیگر
احوال او هیچ معلوم نگشت   محمد ایرج ولد قزلباش خان دکهنی در اواسط عهد شاه
جهانی بمنصب پانصدی و در سن ۲۲ به قلعه داری احمدنگر از انتقال پدر و بمنصب هزار و پانصدی
و بخطاب خانی بر نام خود و در سن ۲۴ به قلعه داری احمدنگر از انتقال پدر و بمنصب هزار و پانصدی
و بخطاب به تهانه داری پاتهری از انتقال قزاق خان و به اضافه پانصدی و بمنصب دو هزاری
دو هزاری و در سنه ۲۵ بعد آمدن حضور بمیر توزکی سرافراز شده در سنه ۲۶ به بخشیگری
افواج متعینه کابل مباهی گشته در سنه ۲ همراه شاهزاده دارا شکوه متعین مهم قندهار گردیده
بعد مراجعت بفوجداری کوهستان جمون و کانگره و به انعام پنجاه و هفت محال از کوهستان
مسطور لوای مفاخرت بر افراخته در سن ۲۹ به بخشیگری افواج متعینه بنابر تنبیه رانا زمیندار
اودیپور مقرر گشته در سن ۱ به تعیین دکن گردیده بعد از آن بحضور آمده در سنه احد عالمگیری

از فوجداری لکهنو که از سابق داشت معزول گشته در سلک کومکیان صوبه مالوه منسلک
شده در سنه ۲۳ بفوجداری بهیله از تغیر راجه دیبی سنگه بندیله مقرر گردیده در سنه ۹
هنگام فوجداری ایلچپور کومک دلیر خان در دکن تعین شده بمنصب دو هزاری و پانصدی چهره
امتیاز برافروخته آمده به نظم برهان پور و بعد از آن نظم صوبه برار مباهات اندوخته و سر انجام
کارها تردد نموده در سنه ۲۹ ازین جهان فانی رخت حیات بر بست   شیخ فرید دوم
پسر قطب الدین خان شیخ سلیم چشتی در سنه ۵ جهانگیری بمنصب هزاری سر برافراخته در
سنه احد شاه جهانی مورد مراحم شده در سنه ۵ بمنصب دو هزاری هزار و چهار صد سوار نام برآورده
در سنه ۸ در سفر کشمیر در رکاب بوده در سنه ۸ بعد مراجعت از آن صوبه بجا نزده تنبیه مفسدان
ابردی چمن شاه جهان آباد باضافه سه صد سوار مباهی گردیده متعین مهم ججهار سنگه بندیله
شده پس از اتمام آن مهم در رکاب در دکن رفته تعین شایسته خان بمهم حاکم مهالکور گشته
در سنه نهم در آن جا تردد نموده در سنه یازدهم بنابر تنبیه مفسدان ابردی آب گنگ تعین
گردیده در سنه ۱۳ در سفر کابل در رکاب بوده در سنه ۱۵ در مهم راجه جسونت سنگه زمیندار
دهمیری تردد کرده در همین سال همراه داراشکوه بقندهار رفته در سنه ۱۹ بحضور آمده در سنه ۱۹
تعین مهم بلخ و بدخشان گشته در سنه ۲۰ در آن جا تردد شایسته نموده در سنه ۲۱ از بلخ بحضور
آمده در سنه ۲۲ بنابر عدم قبول تعینات کابل بی منصب شده در سنه ۲۳ بحال گردیده در آخر عهد نظیم

بهار

بهار مقرر شده بود و خطاب اخلاص خان داشت در سنه احد عالمگیری متعین بنگاله گشته
و بخطاب احتشام خان نام برآورده در آن جا ترددها نموده در سنه ۹ بحضور آمده در سنه ۱۰ باضافه
پانصدی بمنصب سه هزار و پانصدی مباهات اندوخته همراه میرزا راجه جی سنگه کچهواهه متعین دکن شده
در سنه ۱۰ در آن جا فوت نمود   امام قلی از برادران حسین قلی خان آغر منصبی داشت در سنه احد
عالمگیری بخطاب آغر خان سر برافراخته تعاقب راول دارا شکوه شتافته در سنه دوم متعینه صوبه
اله آباد و بعد از چند روز متعین بنگاله شده در سنه ۴ در آن جا تردد نموده در سنه ۸ هنگام تعینات کابل
به اتفاق شمشیر خان برسر تنبیه افاغنه آنجا ترددات مردانه کرده در سنه ۱۱ بتهانه داری جلال آباد
و در سنه ۲۴ براهداری کابل مقرر گردیده بود هنگام مراجعت از آن جا بر کنار آب جنبک دست فراغ
کشته شد   امام وردی منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲ عالمگیری
بخطاب ارسلان خان و باضافه پانصدی و در سنه ۲ بخطاب خنجر خان سر برافراخته بود تتمه احوال در
ذیل خطاب خنجر خان بقلم خواهد آمد   ارسلان خان ولد الله وردی خان کلان در عهد شاه جهانی
بمنصب پانصدی افتخار داشت بعد عزل فوجداری بنارس در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزار و
پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود و بفوجداری سیوستان و در وسط سنه ۱۰ بفوجداری سلطان پور
بهری از تغیر معتقد خان سر برافراخته خدمت می نمود انجام حال او هیچ واضح نشد   ارسلان خان
ولد شاه ابن عم ملرس خان حاکم کاشغر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند شده در سنه

۴۴ به منصب هزار و پانصدی نام برآورده و در سنه ۴۴ بعد فوت ملتفت خان بوطن رخصت شده
رفت و در سنه ۴۸ ارسلانخانی که تعیین کابل کرده بود معلوم نشد که این ارسلانخان همان است
یا دیگریست ولد الله یارخان مرحوم در عهد شاه جهانی منصبی داشت و تعیین بنگاله
بود در سنه ۴ عالمگیری بجلدوی ترددانی که در تعیناتی معظم خان آن جا نموده بود بخطاب خانی
بنام خود و فوجداری کوچ بهار سرافراز شده تا سنه ۲۲ در آن صوبه خدمت نمود دیگر احوال
او معلوم نشد اسفندیار خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب ممتاز بود در سنه احد
بهادر شاه بخطاب صف شکن خان مامور شد انجام کار او معلوم نشد امان الله ولد الله وردیخان
جعفر منصبی داشت در سنه ۳ عالمگیری بخطاب خانی بنام خود سر برافراخته اکثر ترددات
نموده در سنه ۲۹ در جنگ قلعه بیجاپور نقد جان درباخت امان الله خان نبیره الله وردیخان جعفر
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سر برافراخته در سنه ۴۸ بجایزه ترددی در فتح قلعه پورنا
بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۴۹ بجلدوی تلاشهای نمایان بتسخیر قلعه واکن کرا باتفاق
دیگر بندها به اضافه پانصدی سرافراز شده قلعه راجگی بتلاش خود مفتوح گردانیده در کارزار
اکبرآباد در رفاقت محمد اعظم شاه بذات خود شمشیرها زده زخمها برداشته بعد علاج زخمهای تن
افاقت آمده بدریافت سانحه اعظم شاه تخته های زخمها را کشیده مردانه جان داد در حقیقت امکانی
از تن مرد شده است خواجه یوسف در اوایل عهد عالمگیری منصب دکهنی کری کابل داشت

در سنه ۱ بخطاب ارشد خان سرافراز شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد
ارشد خان ابو العلا خویش امانت خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب ارشد خان
سر برافراخته در سنه ۲۴ از انتقال کفایت خان بدیوانی خالصه مقرر شده در سنه ۵۰ از این
جهان ناپایدار بدار البقا رفت سید احمد سعید مفتی در سنه ۱۱ شاه جهانی خدمت
افتای لشکر داشت در سنه ۱ از روزیانه داری برآمده بمنصب پانصدی سر برافراخته بجهت بار
رسانیدن قندیل مرصع بحرمین رفته بعد مراجعت از آن جا در سنه ۲ باضافه صدی نام برآورده
بسفارت روم روانه شده در سنه ۲۸ معاودت نمود در سنه ۱۳ بدیوانی صوبه بهار مقرر شده
بود در سنه ۳ عالمگیری بمنصب هزاری و فوجداری اما دار از تغیر راجه تودرمل و آینده بخطاب خانی
بنام خود و فوجداری محالی از مضافات صوبه بهار مباهات اندوخته در سنه ۲ مورد مراحم خاقانی
شده بود انجام کار او معلوم نشد احمد سعید خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب
و فوجداری سکهنیر سرفراز شده در سنه احد بهادر شاه بمنصب هزاری نام برآورده بود دیگر
احوال او هیچ از روی نسخه بهادر شاه نامه معلوم نگشت افراسیاب بیگ ولد اسلام خان
رومی در سنه ۱۲ عالمگیری همراه پدر خود از بصره آمده بمنصب دو هزار و پانصدی و باین خطاب
سر برافراخته بود آینده بفوجداری سرکار دهامونی صوبه اکبرآباد در سنه ۲۴ بفوجداری
مرادآباد از انتقال فیض الله خان کوکه جهان آرا بیگم سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

ولد سید محمد قنوجی استاد پادشاه عالمگیر در اوایل عهد ایشان بمنصب و باین
خطاب سید امجد خان و لد سید امجد خان مذکور در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب و
به بخشی گیری و واقعه نگاری اکبرآباد سربرافراخته تا سنه ۵ اورا اکبرآباد خدمت مینمود در سنه احد
بهادرشاه بمنصب هزار و تغیر چندی باضافهٔ منصب و بخطاب صدارت و بخطاب صدر جهان نام
برآورده در عهد محمد شاه فوت نمود   ابن حسین از اولاد حسین خان قیر و جنگ که از امرای
ایران بود مشار الیه در سنه ۳ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب سربلند شده متعین بنگالا بود و در سنه ۸
بجلدوی ترددات شایسته انجا بخطاب ظفر خان سرافراز گردیده چون در سنه ۲۱ الخطاب مظفر خان
بیکی از پسران خان جهان بهادر ظفر جنگ کوکه مرحمت شد مومی الیه بخطاب خانی بر نام خود در سنه ۲۲ از
بمنصب دو هزاری هزار سوار سرافراز گردیده بود انجام حال او معلوم نگشت
نواب ابراهیم عادل خان حاکم بیجاپور در سنه ۱۹ عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی
بر نام خود سربرافراخته در سنه ۲۳ بفوجداری اوده و در سنه ۲۶ باضافهٔ پانصد سوار ممتاز
گردیده بود دیگر میگویند که عادل خان دختر خود را به نجف خان کلانوت داده بود که ابو محمد خان
ازو متولد شده   ابو محمد خان ولد نجف خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب و در سنه
۴۵ بعد فوت پدر باضافهٔ پانصدی سرافراز شده بود دیگر احوال او در ذیل خطاب شایسته خان
بقلم خواهد آمد   سید احسن ولد خان و دران سید محمود منصبی داشت در سنه ۳ عالمگیری

بخطاب

بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نگشت   احسن خان
سلطان حسین ولد میر شاه محمد نبیره شریف خان بکاول در آخر عهد عالمگیری بمنصب
و با بخطاب سربرافراخته خدمت مینمود بعد رحلت حضرت خلد منزل با پادشاه زاده کام بخش
ضایع شد   در اواسط عالمگیری بمنصب و باین خطاب و بخدمات فوجداری ها سربلند
شده آمده بخطاب خانی بر نام خود و بقلعه داری سولاپور سرافراز شده در سنه ۴۹ فوت گردید
چون سال عطای خطاب خانی معلوم نشد در سالی که احوال او معلوم شد در همان سال بقلم آمد
انور خان ولد وزیر خان حکیم علیم الدین لاهوری در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و
بخطاب سلاح خان سربرافراخته در سنه ۲۹ بخطاب انور خان و منصب هزاری و بداروغگی
خواصان از تغیر ملک نوش خان سربلند شده در سنه ۳۶ فوت کرد انور خان دیگر در آخر عهد
عالمگیری بمنصب و بخطاب انور خان سرفراز شده بدولت خواهی خدمت می نمود و چون در آن
عهد بحرمین رفته بود در عهد بهادرشاه مراجعت نموده ملازمت کرد دیگر احوال او هیچ معلوم
نشد   ولد عبد العزیز خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب سربرافراخته
در سنه ۲۹ بقلعه داری حیر از انتقال پدر در سنه ۵ بخطاب عبد العزیز خان سربلند شده بود
تتمه احوال او در ذیل این خطاب بقلم خواهد آمد   در عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب
سربلند شده در سنه ۳۰ و در سنه ۳۲ بتردد های نمایان کرده خدمت می نمود دیگر احوال او

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 1

بنا بر تعلیم بادشاهزاده محمد اعظم مقرر گشته در سنه بیستم فوت کرد میر عماد خواهرزاده خلیفه سلطان در
سنه ۳ عالمگیری از ایران آمده بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید علی محمد
از نوکران عادل خان حاکم بیجاپور در سنه ۲۶ عالمگیری بمنصب دو هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد میر عزیز بدخشی در عهد شاه جهانی منصب شش صدی داشت در سنه ۴ بداروغگی عدالت مقرر گردیده
در سنه ۸ بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۸ بحرمین رفته در سنه ۹ بعد مراجعت فوت نمود یحیی پاشا
حاکم بصره در سنه ۴ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عبد القادر
دکهنی در سنه ۴۹ عالمگیری بمنصب دو هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عبد الله پسر خوانده
ابو الحسن حاکم حیدرآباد در سنه ۳۰ عالمگیری بمنصب چهار هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد علی
نقی نواسه شاه عباس در سنه ۴ عالمگیری از ایران آمده بمنصب سه هزاری سربلند شده بود دیگر احوال
او معلوم نشد

حرف غ

مرزا غازی ولد مرزا جانی حاکم تهته در سنه ۴۴ اکبری بعد فوت پدر بمنصب و حکومت تهته ممتاز شده تا
خدمت نظم آن جا بخوبی سرانجام نمود در سنه ۴ جهانگیری بنظم قندهار با وجود نظم تهته مقرر شده در سنه مذکور
بعد فوت پدر بصدور فرمان به نظم آنجا سر برافراخته و طلب حضور گشته تا رحلت آنحضرت در اکبرآباد بود در سنه
بمنصب پنجهزاری نام برآورده بکومک شاه بیگ خان ناظم قندهار رفته در سنه ۲ با وجود نظم تهته بنظم قندهار از

تغیر سردار خان

تغیر سردار خان مقرر گشته در سنه ۷ در آن جا رحلت نمود سید غلام محمد بخاری در اوائل عهد شاه
جهانی بمنصب هزاری سربلند بود در سنه ۴ درگذشت غلام محمد افغان منصبی داشت در سنه احد عالم
گیری بمنصب هزاری سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد غیاث افغان منصبی داشت در سنه احد عالم
گیری بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده خدمت میکرد دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ن

فتوا افغان از امیران شاه سلیم صاحب قلعهٔ چنارگڈھ بود در سنه ۹ اکبری قلعه را به اولیای دولت سپرده
بمنصب دو هزاری سر برافراخته در سنه ۱۱ تعین صوبهٔ لاهور شده بود دیگر احوال او معلوم نشد خواجگی فتح
الله ولد حاجی حبیب الله کاشی در اواسط عهد اکبری منصبی داشت در سنه ۳۲ خدمت هیمو و در سنه ۴۵ بضبط ناسک بخدمت
از مضافات صوبهٔ دکن مقرر شده در سنه ۴۶ قلعه کالنه از قلاع دکن فتح نموده در سنه ۴۸ بمنصب هزاری و
بخشیگری سربلند بود در سنه احد جهانگیری بمنصب سابق بحال مانده در عهد الشان بعدم رفت مرزا دیدن
ولد محمد قلی خان برلاس از الوس جغتا در آخر عهد اکبری منصبی داشت در سنه ۵ بمنصب هزاری سر برافراخته در
سنه احد جهانگیری باضافه هزاری و در سنه ۳ باضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۹ در اودی پور رحلت کرد
حکیم فتح الله ولد حکیم ابوالفتح گیلانی در آخر عهد اکبری منصبی داشت و سوای علم حکمت بدیگر امور می پرداخت
در سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود در عهد الشان به آنجهان سیر کرد حکیم فتح الله شیرازی
در سنه ۱ شاه جهانی از ولایت آمده بمنصب پانصدی و در سنه ۱۱ بمنصب هزاری و در سنه ۲۴ به بخشیگری کابل
سرافراز شده در سنه ۲۶ به آن جهان رفت فرخان حبشی در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب دو هزاری سرافراز
بود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ق

خواجه قاسم متخلص از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سر برافراخته بکار بیزده
ترددی در کارزار با همیون بمنصب چهار هزاری نام برآورده تا سنه خدمت نمود در عهد الشان در گذشت
قتلق قدم آخته بیگی قورچی ندیم تنبه بود در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز گردیده در سنه ۹ و در سنه ۱۰
ترددها نموده در سنه ۱۹ التعین بنگاله شد تا سنه ۲ در اکثر معارک بنگاله ترددات کرده در سنه ۱۲ متعینه
صادق خان ناظم ملتان بود هنگام محاصره قلعه سیوهان در سنه مذکور تقبل آمد سید قاسم ولد سید محمود خان
بارهه در عهد اکبری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در تردد و تلاش سپاهی گری بلند آوازه
شده در اکثر معارک گجرات و در تنبیه راجپوتان راتهور و در ایام تعیناتی خانخانان در جنگ با مظفر حاکم
زاده گجرات شمشیرهای نمایان زده بحکومت پتن نام برآورده در سنه ۴۴ در دکن فوت کرد سید قاسم
ولد سید لاد بارهه در اوایل عهد جهانگیری بمنصبی داشت در سنه ۱۱ بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت نمود انجام
کار او معلوم نشد خواجه قاسم قلیج خانی در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب و در سنه ۱۵ بدارو غگی عرض مکرر در
سنه ۱۸ بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نگشت سید قطب ولد شجاعت خان سید
جعفر در آخر عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سربلند بود در سنه ۲۱ فوت کرد میر قاسم سمنانی در آخر
عهد شاهجهانی بمنصب و در سنه ۲۵ بداروغگی نواره بنگاله و بمنصب هزاری سرافراز بوده در سنه بیست و نه
به بخشی گری لوه مقرر شده تردد نمود انجام حال او معلوم نشد سید قطب بخاری در سنه ۲۵ شاه جهانی

حسب

حسب العرض بادشاه زاده محمد شجاع بمنصب هزاری هزار سوار و به تهانه داری کوچ هاجو ارتقا سید حسین
ولد سید دلیر خان بارهه سرافراز شده تا سنه احد عالمگیری خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد
قطب الدین سفیر توران که در حضور نامه والی آنجا آورده و دستوری یافته بکابل رسیده بود در سنه ۴۵
عالمگیری از آن جا استدعای نوکری نموده بمنصب هزاری چهره امتیاز برافروخته خدمت نمود دیگر احوال او
معلوم نشد

حرف ک

سید کمال ولد سید حامد بخاری در اوایل عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد اکبری در کارزار با سلطان
خسرو باغی ترددی که ما فوق تهور باشد نموده بجلدوی ترددات مردانه باضافه شش صدی منصب هزاری و حکومت
دهلی ممتاز شده خدمت نمود و انجام حال او معلوم نشد کرم الله ولد علیمردان خان بهادر در سنه احد شاه جهانی
منصب نهصدی داشت در سنه ۳ تعین خواجه ابوالحسن شده بود در سنه ۹ بمنصب هزاری هزار سوار سرافراز شده
در سنه ۱۲ هنگام قلعه داری اودگیر فوت کرد وکالی افغان در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز گشته بود دیگر
احوال او هیچ دریافت نشد

حرف ل

لاچین قاقشال منصبی داشت در سنه ۶ جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد لطف الله در اواسط عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه هجدهم بجلدوی تردد در کارزار با
سلطان خرم باغی بمنصب هزار و پانصدی چهره امتیاز برافروخته بود دیگر احوال او معلوم نشد لطف الله پسر میانه
لشکر خان مشهدی در اوایل عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۱ بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۵
معیت خان دوران بهادر شده در سنه ۱۳ به بخشی گری و واقعه نگاری بالاگهاٹ مقرر گردیده در سنه
به آخرت سرا رفت لطف الله ولد سعید خان بهادر در اوایل عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۱۸ بجلدوی
تردد در مهم راجه جگت سنگه که در آن ایام باغی بود بمنصب هزاری سربلند شده در سنه ۲۰ در معرکه اوزبکان
در ملک بلخ بعد حرب صعبی که چشم عالمیان ندیده باشد با هزاران مردانگی شهید شد میر لطف الله
شیرازی در اواسط عهد شاه جهانی منصب پانصد و هشت در سنه ۲۶ بمنصب هزاری و به داروغگی نواره
بنگاله و در سنه ۲۹ بمنصب هزار و پانصدی و تهانه داری کوچ هاجو که منتهای حد بنگاله است سر برافراخته در سنه
احد عالمگیری بنابر آوارگی شاهزاده محمد شجاع در آن ملک از آن جا برخاسته آمده بود و انجام حال او معلوم
نشد

حرف م

خواجه منصور شیرازی در ابتدا مشرف کدام کارخانه بادشاهی بود بعد ازان نزد منعم خان رفته
مدار المهام او شد در سنه ۲۱ اکبری پس از فوت خان مذکور حضور طلب گشته بمنصب هزاری و بخدمت
وزارت کل سر برافراخته بنابر سختگیری خورده گیری رارستها بنده در سنه ۲۵ باتهام اغوای میرزا محمد حکیم
برادر خورد آن حضرت بقتل آمد و بعد چند گهری چون بی تقصیری او ظاهر و ثابت شد حضرت خیلی تاسف فرمودند
میر مرتضی از امرای حاکم برار در سنه ۳۰ اکبری بحضور آمده بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت نمود و اکثر مصدر
ترددات شده در سنه ۳۰ قلعه کاویل مفتوح نموده در سنه ۴۰ بمنصب دو هزاری نام بر آورده بود دیگر احوال او
معلوم نشد میرزا مظفر حسین ولد میرزا محمد ابراهیم حسین گورکانی که نسب او به سه واسطه بجد حضرت اکبر بادشاه
میرسد بعد ازانکه پدرش و عمش میرزا محمد حسین بجزای اعمال خود رسیدند در سنه ۲۲ اکبری محمد خان حاکم
خاندیس او را دستگیر نموده فرستاده بود در سنه ۲۴ بعفو تقصیر خورسند شده در سنه ۴۰ بمنصب هزاری
و بوصلت شاهزاده خانم دختر آن حضرت ارجمند گشته خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد میرزا مظفر حسین
ولد میرزا سلطان حسین صفوی حاکم قندهار در سنه ۴۰ اکبری بنابر خوف شاه عباس والی ایران قندهار را
به اولیای دولت سپرده بحضور آمده با حترام تمام که تا سه منزل امیران نامدار روز بملازمت بادشاه زاده
به استقبال رفته بودند بار مجری یافته بمنصب پنجهزاری سربلند شده خدمت نمود در سنه ۴۰ به اتفاق
خواجگی فتح الله بنابر تنبیه دکهنیان تعین شده بعد تنبیه آنها بسببی از خواجه کی مذکور آزرده شده

فراری گردید

فراری گردیده از راه دستگیر آمده معتقد شده در سنه ۴۶ خلاص گشته در سنه ۴۸ رخت حیات بربست خرم و
در سنه ۴ جهانگیری سلطان خرم قبل از کتخدائی با ممتاز الزمانی منسوب شده بود خواجگی محمد حسین برادر
خورد قاسم خان میربحر در سنه ۵ اکبری همراه برادر از کابل آمده بمنصب سر برافراخته خدمت بیوتات نمود
بکاولی در دشت در سنه ۴۶ بمنصب هزاری نام بر آورده در عهد اکبری به نیابت نظم صوبه کشمیر از طرف
هاشم خان برادرزاده خود سرافراز شد و در سنه ۲ رحلت کرد محمد قلی ترکمان در سنه ۳۰ اکبری
منصبی داشت در سنه ۴۲ حکومت کشمیر داشت در سنه ۴۴ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۴۸ بفتح نمایان
در جنگ با علی رای حاکم تبت نام بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد حکیم مظفر اردستانی شاه
طهماسپ در عهد اکبری از ولایت آمده بمنصب سر برافراخته خدمت می نمود و در سنه ۵ بمنصب هزاری
نام بر آورده در سنه احد جهانگیری بمنصب سه هزاری هزار سوار سرافراز شده در سنه ۲ درگذشت
مهر علی ولد میرزا فریدون بن محمد قلی خان برلاس در سنه ۹ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب هزاری هزار
سوار سربلند شده در سنه ۱۱ درگذشت میر میران ولد میر خلیل نبیره حقیقی میر غیاث الدین علی
نعمت اللهی در سنه ۱ جهانگیری بعمر بیست و دو سالگی از ایران آمده بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۵
نظم دهلی و به اضافه پانصدی سرفراز شد و در سنه ۱۶ معزول گردیده در سنه ۱۷ بعدم رفت
میرک جلایر در اواسط عهد جهانگیری منصبی داشت و تعین بنگاله بود در سنه ۱۵ بمنصب هزاری
سر برافراخته خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد محمد مراد ولد معصوم میران از قدیمان میرزا

سلیمان کورکانی در اواسط عهد جهانگیری بخشی سلطان خورم بود در سنه ۱ باحکام بنی الشان جدا
شده بحضور آمده بمنصب هزاری سرافراز شده و بفوجداری اجمیر مقرر گشته خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم
نشد حکیم مومنا شیرازی در اواسط عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه ۱ بجلدوی علاج آنحضرت بمنصب هزاری سر
افراز شده در سنه ۵ شاهجهانی بسالیانه شانزده هزار روپیه قناعت گزیده در سنه ۱ بمنصب مسطور بحال گردیده
در سنه ۲ بجایزه علاج اکبرآبادی محل باضافه پانصدی نام برآورده خدمت مینمود در عهد الیشان ازین جهان رفت
میرزا مظفر کرمانی از بنده های قدیمی در سنه احد شاهجهانی بمنصب چهار هزاری و در سنه ۶ بفوجداری اجمیر سرافراز
بود دیگر احوال او معلوم نشد سید مبارک قدیمی در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۹
ازین جهان به آن جهان رفت مرتضی قلی خان برادر جان سپار خان ترکمان منصبی داشت در سنه ۳ شاهجهانی
بمنصب هزاری سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۱ ازین جهان به آن جهان رفت سیدی میران داماد سید
جمال صاحب قلعه سیوتنده در سنه ۷ شاهجهانی بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد
منصور ولد محمود خان صاحب قلعه کالنه همراه پدر خود در سنه ۵ شاهجهانی بمنصب دو هزاری هزار سوار سربلند
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد مظفر دوبین پسر محمود خان مذکور در سنه ۵ شاهجهانی بمنصب هزاری سر
برافراخته خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد محمد علی کامرانی منصبی داشت در سنه ۹ شاهجهانی بمنصب
هزاری سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۲۵ فوت نمود محب غازی در اواسط عهد شاه جهانی
بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۱۴ به آخرت سرا رفت حاجی محمد بابر اوزبک در سنه ۹

شاه جهانی

شاه جهانی از توران آمده بمنصب چهارصدی سربلند گردیده در سنه ۱ باضافه صدی و در سنه ۱۶
بمنصب هزاری و در سنه ۱۸ بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد سید محمد
ولد خاندوران بهادر در سنه ۹ شاهجهانی بمنصبی در سنه ۱۸ بعد فوت پدر بمنصب هزاری سرافراز شده و در سنه ۱۹
در مهم بلخ و بدخشان ترددی نموده بود در سنه ۲ باضافه پانصدی مباهات اندوخته در سنه ۲۲ در مهم قندهار
تردد کرده در سنه ۲۷ بمرض فالج در لاهور فوت کرد مبارک روولد سیف خان جهانگیرشاهی در اوایل
عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۱۳ بعد فوت پدر بمنصب هشتصدی و در سنه ۱ امیر توزکی و در سنه ۱۸
بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۲ به آن جهان رفت مراد قلی سلطان گکهر ولد اکبر
قلی سلطان در سنه ۱۸ شاه جهانی بمنصب هزاری هزار سوار سرافراز شده تعین کابل شده در سنه ۱۹
تعین مهم بلخ و بدخشان گردیده در سنه ۲ بجایزه ترددات آنجا به اضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۲۵
تعین مهم قندهار شده در سنه ۲ بفوجداری بنوج کاشال مقرر گردیده آنجا تعینات کابل گشته
در اواسط عهد شاه جهانی منصب هزار و پانصد برداشت و در سنه ۲ در مهم ها تردد نموده در سنه ۱
عالمگیری در آن جا بود دیگر احوال او معلوم نشد سید مقبول عالم ولد سید عالم بارهه در اواسط
عهد شاه جهانی منصب هزاری داشت در سنه ۱۹ تعین مهم بلخ و بدخشان گشته در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵
و در سنه ۲ تعین مهم قندهار رو در سنه ۳ تعین دکن شده در سنه ۱ عالمگیری تا سنه ۴ در دکن
خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد میرک شیخ هروی منصبی داشت در سنه ۱ شاه جهانی

۲۳
خدمت عرض مکرر از تغیر سعد الله خان بنام او مقرر شد بود در سنه ۹ ا بمنصب هزاری و در سنه
بمنصب هزار و پانصدی صد سوار و در سنه ۲۰ بدیوانی بیکصاحب از تغیر حقیقت خان و به اضافه پانصدی
صد سوار و در سنه ۳۰ بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب سه
هزاری و در سنه ۴ بصدارت کل از تغیر سید هدایت الله ولد سید احمد قادری معزز و مقرر شده و در سنه
معزول گردیده بود در عهد ایشان درگذشت سید محمود ولد سید افضل بارهه بن سید قاسم در اواسط
عهد شاه جهانی بمنصب و در سنه ۱۴ بفوجداری میان دو آب از تغیر زاهد خان کوکه و بمنصب هزاری پانصد
سوار سرافراخته در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان مصدر تردد بود در سنه ۲۰ بمنصب هزاری هزار سوار و در سنه ۲۲
باضافه پانصدی نام برآورده و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار تردد ها نموده انجام حال او معلوم نشد
حاجی منصور از ازبک از نوکران نذر محمد خان والی بلخ از طرف او قلعه دار قلعه ترمذ بود در سنه ۱۹ ایام
شاه جهانی هنگام فتح بلخ قلعه مذکور را با ولیای دولت سپرده بندگی درگاه اختیار نموده در سنه ۲۰
بمنصب دو هزاری و بصدارت بلخ سرافراز شده در همان سال زندگی را جواب داد شیخ معظم ولد
اسلام خان چشتی منصبی داشت در سنه ۲۰ شاه جهانی بمنصب هزاری و بتولیت روضه شیخ سلیم سر
بلند شده در جنگ اکبرآباد همراه عالمگیر پادشاه بود در مصاف با پادشاه زاده دارا شکوه بکار آمد
محمد مراد سلدوز در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی نشت و در سنه ۱۰ تردد نموده در سنه ۲۵ بمنصب
و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ بتعینات مهم قندهار شده هم بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۳۰ بتعین دکن گردیده

در سنه

در سنه عالمگیری در دکن تردد شایسته نموده بود انجام حال او معلوم نشد شیخ موسی گیلانی
از سکنه ملتان در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراخته در سنه ۱۰ بدیوانی لاهور در
اواسط عهد بمنصب هشتصدی و در سنه ۱۳ بدیوانی خالصات صوبه مالوه و در سنه ۱۷ بدیوانی خالصات صوبه
مالوه محالات خالصه صوبه ملتان و بمنصب هزاری و در سنه ۲۴ بدیوانی کابل و در سنه ۲۹ بداروغگی داغ
سرافراز شده بود در سنه ۱۷ بنایب نظم ملتان از طرف دارا شکوه شده بود بعد شکست اول دارا شکوه از
رفاقت او جدائی گزیده در ملتان خدمت جناب عالمگیری نموده در سنه احد عالمگیری بمنصب سابق بحالت مانده فوت
نمود در عهد ایشان درگذشت مظفر ولد باقر هروی در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی داشت
در سنه ۱۷ بدیوانی سرکار کالپی و قنوج در سنه ۳۰ بدیوانی بنگاله و در سنه ۲۶ بمنصب هزاری و بفوجداری
سلهت از تغیر سلطان مظفر سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد میر محمود صفاهانی در سنه ۱۰ شاه
جهانی از صفاهان آمده اول بمنصب پانصدی و بعد چندی به اضافه صدی سرافراز شده و در سنه ۱۷ به منصب
هزاری و در سنه ۲۲ به بخشیگری دکن و در سنه ۲۶ بداروغگی داغ از تغیر عنایت خان مباهات اندوخته بود
انجام حال او معلوم نشد مجاهد ولد فیروز جالنوری در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی و در آخر
عهد بمنصب ششصد سوار در سنه ۱۸ بفوجداری پتن و در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری دو هزار سوار
و در سنه ۲ باز بفوجداری پتن سرافراز گردیده انجام حال او معلوم نشد حکیم محمد امین شیرازی
در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سربرافراخته خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد سید مسعود

بارهه داراشکوهی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده اکثر مصدر تردد گردیده
بود انجام حال او معلوم نشد   نور زمین دار ضلع صوبهٔ بنگاله در سنه ۸ عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز
شده خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ن

نظر بی حاکم اخراجی ولایت بلخ در سنه ۳۸ اکبری از آن جا آمده بمنصب هزاری سرافراز شده بود
دیگر احوال او معلوم نشد   نصر الله ولد فتح الله سرتیجی در سنه ۳ جهانگیری بمنصب هفت صدی و در سنه
تحویلداری پیشکش و در سنه ۱۴ بمنصب هزار و پانصدی و قلعه داری آسیر سرفراز شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد   نورالدین قلی صفاهانی در اوائل عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه ۱۲ از اصل و اضافه بمنصب
سه هزاری سربرافراخته در سنه ۱۴ بنا بر تصفیه عقبه های راه کشمیر مامور شده در سنه ۱ شاهجهانی بجایزهٔ
تردد در جنگ با سلطان خرم باغی بمنصب دو هزاری نام بر آورده در سنه ۱ بخدمت نمود و تعیین مهمات خان
شده در سنه ۷ بوکشن سنگه ولد جسونت سنگه راتهور که پدرش را در عهد جهانگیری کشته بود قابو یافته نور الدین
قلی را بجان کشت   میر نورالله هروی در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب دو هزاری و تهانه داری کوچ هاجو سرحد
بنگاله سرافراز بود در سنه ۱۱ انتظام تهانه داری آن جا بمنصب سه هزاری سربرافراخته در سنه ۱۳ از زندگانی
راجواب داد   نصیب سبزواری قدیمی در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سربلند بود در سنه ۱۱
درگذشت   میرزا نورالله صفوی ولد میرزا حیدر در اوائل عهد شاه جهانی منصب نهصد بدهشت در سنه

بمنصب

بمنصب هزاری و در سنه ۲ بفوجداری کول از انتقال نجابت خان و به اضافهٔ هزاری بمنصب دو هزاری هزار
و چهار صد سوار و در سنه ۱۸ بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و در سنه ۱۹ بمنصب دو هزار و پانصدی و خدمت توپخانه
بیگی از تغیر زاهد خان و در همین سال بمنصب سه هزاری سرافراز شده تعیین مهم بلخ و بدخشان گردیده در
فتح قلعهٔ غوری تردد کرده و در سنه ۲۰ بجلدوی ترددات نمایان در مهم بلخ و بدخشان بمنصب سه هزاری دو هزار و پانصد
سوار و در سنه ۲۲ بمنصب چهار هزاری سه هزار سوار و تغییر فوجداری سرکار بهرایچ نام بر آورده تعیین مهم
قندهار گردیده در سنه ۲۶ بنابر پیری بسالیانه شصت هزار روپیه قانع شده در سنه احد عالمگیری به اضافهٔ ده هزار
روپیه کام دل برگرفته در سنه ۲ رخت حیات بربست   سید نور العیان ولد سیف خان بارهه منصبی داشت در سنه ۱۵
شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان ترددی نموده در سنه ۲۰ به تعیین دکن
شده در سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی نام بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد   نور الحسن منصبی
داشت در سنه ۱۵ جهانی به اردوگی داغ و در سنه ۱۷ بداروغگی فیلخانه و در سنه ۱۹ بمنصب هزاری سر برافراخته
در سنه ۲۰ در معرکهٔ اوزبکان در بلخ زخم ها در سنه ۲۱ در دیگر کارزارها در مهم بلخ تردد نموده در سنه ۲۲ به
فوجداری سیوستان از انتقال زبردست در سنه ۲۳ بفوجداری ترهت مضاف صوبه بهار و در سنه ۲۹
بتهانه داری کوچ هاجو سرحد بنگاله و در سنه ۳۰ بتهانه داری جیپور از تغیر صف شکن خان سربلند شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد   نجف علی پسر کلان قزلباش خان در اوائل و اواسط عهد شاه جهانی
بمنصب پانصدی و در سنه ۲۲ بعد فوت پدر بمنصب هزاری و بفوجداری نالاپور و تینوله و قلعه داری

ظفرآباد سرافراز شده در سنه ۹۲ در آن جا گذشت بدربیگ سلدوز در آخر عهد شاه جهانی ب
منصب هزاری و در سنه ۱۲ بقلعه داری کابل سرافراز گردیده دیگر احوال او معلوم نشد سید نجابت
خان ولد شجاعت خان بارهه در سنه ۲۱ شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه احد عالمگیری باضافه
پانصدی سرافراز شده تا سنه ۲۸ خدمت مینمود شیخ نظام ولد احتشام خان شیخ فرید چشتی در سنه
احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده تا سنه ۱ خدمت مینمود راجه بکنام در آخر عهد عالمگیری
بمنصب سربلند و در سنه ۴۸ دختر امان دکهنی باو منسوب شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف و

میرزا ولی ولد بخت النسا بیگم همشیره حقیقی میرزا محمد حکیم برادر علاتی اکبر بادشاه بعد فوت پدر میرزا
مذکور در سنه ۳۰ اکبری از کابل آمده در سنه ۴۹ بمنصب پانصدی سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۳
جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۲ بمنصب دو هزاری در خدمت تعیناتی دکن و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری و پانصدی
سرافراز شده در عهد شاه جهانی چند سال متعین لاهور مانده بفوجداری باید و نام برآورده در سنه ۲۲
در آن جا فوت کرد خواجه ویسی در عهد جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد
ولی بیگ کولانی منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزاری و همگناشتگی کبری و در سنه ۲ بقلعه داری
رهتاس سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ه

سید هاشم ولد سید محمود خان بارهه در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در اکثر معارک شمشیرهای نمایان زده در سنه ۱۷ با شکر قلعهٔ الوگده در راجپوتانه فتح نموده در سنه ۲۸ در کارزار گجرات در تعیناتی خانخانان در صف جنگ با مظفر حاکم زادهٔ گجرات مردانه شهید شد که یادگار روزگار است

سید هدایت الله ولد سید احمد قادری در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب دیوانی قندهار و در سنه ۲ بمنصب هزار و در سنه ۱۲ باضافهٔ پانصدی و الصدارت کل از انتقال سید جلال بخاری و در سنه ۲۶ باضافه هزاری سرافراز شد و در سنه احد عالمگیری بدستور بحال مانده و در سنه ۳ بسالانه ده هزار روپیه قانع گردیده بود در عهد اشان درگذشت

هاشم کاشغری منصبی داشت در سنه ۲ شاهجهانی بجایزهٔ تردد در مهم بدخشان بمنصب هزاری سرافراز و سربلند شد خدمت می‌نمود در سنه ۲۲ درگذشت

حرف ی

سید یعقوب ولد سید کمال بخاری درسنه ۱۵ جهانگیری بمنصب هشت صدی و درسنه احد
شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته خدمت میمنود انجام حال او معلوم نشد یحیی
ولد سیف خان جهانگیر شاهی در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب نهصدی و در اواسط عهد بمنصب هزاری
و درسنه ۱ ابه بیکاولی و درسنه ۱۲ به اضافه پانصدی سرافراز شده درسنه ۲۲ تغیر شده درسنه
۲۴ بمکرر به بکاولی از تغیر مرزا بهرام مقرر گشته بود انجام حال او معلوم نشد آقا یوسف از غلامان
علی مردان خان درسنه ۱۴ شاهجهانی بمنصب پانصدی و درسنه ۲۰ بمنصب هزاری و قلعه داری
لاهور سربرافراخته درسنه ۲۴ به اردوگی چیله های ترک از تغیر حیات خان سرافراز شده درسنه احد
عالمگیری باضافه منصب نامور شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سیدی یوسف ولد ملک عنبر
در اوائل عهد شاهجهانی منصبی داشت در آخر عهد بمنصب هزاری نامور شده بود انجام حال او معلوم
نشد یعقوب ولد دلاور در آخر عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سربلند بود دیگر احوال او معلوم
نشد تیردانی پسر عم حسن علی خان بن الله وردی خان درسنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی
هزار سوار سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد سید یادگار نبیره سید یوسف خان در
آخر عهد شاهجهانی بمنصب هفت صدی و درسنه ۱ عالمگیری بمنصب هزاری سربلند شده بود انجام
حال و احوال او هیچ دریافت نگشت

باب دویم در ذکر احوال امرای هنود

فصل اول در ذکر آنها که خطاب رانا و مهاراجه و راجه و راو و راوت و رای سرافراز بوده اند

حرف الالف

راجه اسکرن برادر راجه بهارامل کچهواهه زمین دار آمبیر در اوائل عهد اکبری بمنصب و خطاب راجگی
سرافراخته خدمت مینمود در سنه ۲۲ در تنبیه راجهٔ مده‌کر زمین دار اند و چهه ترددی نموده در سنه ۲۴
تعین صوبهٔ بهار شده در سنه ۳۰ همراه زین خان کوکه بنابر تسخیر ولایت سوات و باجور متعین گشته در اکثر
معارک عظیم مصدر ترددات نمایان گردیده بجایزهٔ تلاشهای مردانه بمنصب هزاری رسیده بود و در عهد ا
بعدم رفت راجه اودی سنگه راتهور معروف موته راجه زمین دار جودهپور که عدد فوج رای مالدیو پدرش هشتاد
هزار سوار کشیده بود و در اکثر معارک بر رانا زمیندار اودیپور غالب آمده و نسب ایشان به شانزده واسطه
به اسوتهامان پسر سیتها برادرزاده راجه جی چند مرزبان قنوج که بعد غرق شدن عم خود از جبر و دستی معز
الدین سام حاکم غزنین فرار نموده با دو برادر دیگر بصوب رفته خودش در باردار سکونت گرفته بود میرسد رفته
رفته فرزندانش سرآمد راجهای هندوستان شدند اودی سنگه در اوائل عهد اکبری راه بندگی پیموده پس از گوشمالی
بسیار بر جادهٔ اطاعت آمده در اواسط عهد بمنصب هزاری و خطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۲۰ برای تنبیه
مده کر زمین دار اند و چهه در سنه ۲۸ با خانخانان عبد الرحیم بگجرات آمده در سنه ۳۰ دخترش بسلطان سلیم
منسوب گردیده خانهٔ او به تشریف حضرت قدر منزلت رونق پذیرفته و بر طبق تمنای او رسوم شادی از جانبین
موافق راجپوتیه بعمل آمده در سنه ۳۹ فوت کرد راجه امر سنگه زمین دار باندهون مضاف صوبهٔ مالوه در سنه ۱۲
جهانگیری بمنصب و خطاب راجگی ممتاز بود و تا سنه ۳ شاهجهانی خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد راجه اودی
بهان ولد راجه رام سیام سکهه تونور در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب هشت صدی چهار صد سوار سرافراز بود در سنه ۳

درگذشت

درگذشت راجه انوپ سنگه بدگوجر انوپ رای نام زمین دار انوپ نگر ولد راجه بیربران
در سنه ۸ جهانگیری بمنصبی داشت هنگام شکار شیر که آن حضرت بندوق سر داده بودند و شیر
رسید مشارالیه در جلدوی جرأتی که در ستیز و آویز با شیر کرده بود بخطاب امرای سنگه دلن نامور
شده در سنه ۱۲ با اضافهٔ پانصدی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۴ بمنصب دو هزاری سرافراخته
در سنه ۱۹ در کارزار با بنگش در حدود کابل ترددی رستمانه کرده در سنه ۳ شاهجهانی بعد فوت پدر بخطاب
راجگی و به اضافه هزاری نام بر آورده در سنه ۱۱ فوت کرد راجه اودی سنگه ولد راجه مان زمین دار جمون مضاف
صوبهٔ پنجاب در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب سه هزاری نام بر آورده بتعین مهم جهجار سنگه بندیله و در سنه دوم
تعین مهم خان جهان لودی شده بمنصب چهار هزاری پانصد سوار سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه
اودی بهان ولد راجه گردهرین رای سیال درباری کچهواهه در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب ششصدی
سربلند بود و تا سنه ۳ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد راجه اندرمن زمین دار دهندیره در اوائل
عهد شاهجهانی بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز بود در سنه ۹ زمین داری او براجه ستیلداس گور مرحمت
شده در سنه احد عالمگیری مورد مراحم خاقانی شده باضافهٔ پانصدی و بعنایت زمین داری سرافراخته
آمده بمنصب چهار هزاری نام بر آورده تا سنه ۸ خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد راو امر سنگه راتهور
اولیت پور راجه گج سنگه بن راجه سورج سنگه بن راجه اودی سنگه معروف بموته راجه زمین دار جودهپور در سنه
احد شاهجهانی از وطن آمده ملازمت نموده در سنه ۸ بمنصب دو هزار و پانصدی از اصل و اضافه سربر افراخته

در سنه ۸ تعیین سید خانجهان بارهه برای تنبیه جهار سنگه بندیله شده بجایزهٔ تردد آن جا بمنصب سه هزاری نام
برآورده بعد اتمام این کار تعیین خان دوران بهادر گشته در سنه ۹ در آن جا تردد نموده در سنه ۱۰ بحضور رآمده در سنه ۱۱
تعیین شاه شجاع بقندهار شده بعد فوت پدر به اضافهٔ هزار سوار و بخطاب راوی مباهات اندوخته در سنه ۱۲ در سفر
کابل در رکاب بوده در سنه ۱۳ بتعیین کابل گردیده در سنه ۱۵ باضافهٔ هزاری امتیاز یافته همراه دارا شکوه بکومک
ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور رآمده در سنه ۱۷ در منزل داراشکوه که حضرت در آن جا تشریف برده بودند بجایزهٔ
ترددی که در سنه ۱۵ و سنه ۱۶ نموده بود بمنصب سه هزاری رسیده در سنه ۱۸ بعد فوت پدر بمنصب چهار هزاری سه هزار
سوار و بخطاب راوی سربلند گردیده در سنه ۱۹ بتعیین کابل شده بعد مراجعت در سنه ۲۰ اصالت خان میر بخشی را
بگمان حمایت راو کرن زمیندار بیکانیر که بر حدود زمین داری با هم مومی الیهما را نزاع بود سر دیوان کشته
خودش در آن مغلوبه کشته شد در سنه ۲۲ دخترش با سلطان سلیمان شکوه منسوب گردیده راجه امر سنگه
راجاوت در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب و بخطاب راجگی سربلند و در مهم بلخ و بدخشان مصدر تردد بود انجام
حال او معلوم نشد راجه امر سنگه راجه رامداس کچهواهه زمین دار ترو مضاف صوبهٔ اکبرآباد در سنه ۱۳ شاه
جهانی بعد فوت جد خود بمنصب هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۱۴ بتعیین مهم جگت سنگه و در سنه ۱۵
تعیین قندهار در سنه ۱۹ بتعیین مهم بلخ و بدخشان و در سنه ۲۰ بتعیین قندهار شده بجلدوی ترددات آن جا
بمنصب هزار و پانصدی شده بود در سنه احد عالمگیری پای عتاب آمده در سنه ۲ مورد مراحم شده در سنه ۱۰
بجایزهٔ تردد و تلاش در تنبیه افاغنه یوسف زئی مطرح نظر مرحمت خاقانی شده بود انجام حال او معلوم نشد

راجه

راجه انروده سنگه ولد راجه بتهلداس گور منصبی داشت در سنه ۲۱ شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه ۲۵ بعد فوت پدر بمنصب سه هزاری سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بخطاب راجگی سرافراز شده
در بین سال و در سنه ۲۶ بتعیین مهم قندهار گردیده خدمت نمود در سنه احد عالمگیری بسبب الم زخمهای جنگ
که در رفاقت سلطان سلیمان شکوه بمقابلهٔ شاه شجاع برداشته بود فوت کرد راجه انوپ سنگه ولد
راجه امر سنگه زمین دار باندهون در آخر عهد شاه جهانی بمنصب و بخطاب راجگی سر برافراخته در سنه ۲ به
بمنصب سه هزاری دو هزار سوار دو اسپه سه اسپه نام برآورده در سنه ۲ عالمگیری بعنایت سرپیچ مرصع و دستار
کجهاوه بوده در عهد ایشان بعدم رفت راو اکهراج زمین دار سروهی مضاف صوبه گجرات در سنه احد
عالمگیری بخطاب راوی سرافراز بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد راجه انوپ سنگه راتهور ولد راو کرن
بهورتیه زمین دار بیکانیر در سنه ۱۰ عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار و بعطای زمین داری
از تغیر پدر و بخطاب راوی سرافراز شده اکثر مصدر ترددات شایسته گردیده در سنه ۲۳ بجایزهٔ تردد
در فتح قلعه بیجاپور بخطاب راجگی و بفوجداری سکهر نام آورده تا سنه ۳۷ بخدمت نمود در سنه از این جهان
رفت راجه امر سنگه ولد کشن سنگه در سنه ۳ عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز بود دیگر احوال
او معلوم نشد راجه اندر سنگه ولد راجه رای سنگه بن راو امر سنگه راتهور بن راجه گجسنگه منصبی
داشت در سنه ۲۲ عالمگیری بعطای زمین داری جودهپور از انتقال مهاراجه جسونت سنگه و بخطاب
راجگی سرافراز شده و کومک از حضور گرفته بعزم مداخلت رفته بود از وی سر انجام این خدمت نتوانست شد

حرف ب

در سنه ۴۸ بجایزهٔ ترددی از اصل و اضافه بمنصب سه هزار و پانصدی نام بر آورده تا آخر عهد در رکاب خدمت
مینمود و بعد رحلت آنحضرت از پیش محمد اعظم شاه اضافهٔ پانصدی یافته تا سنه احد بهادر شاه ترددی مینمود و در سنه [illegible] در
گذشت   راو انرود سنگه نبیرهٔ راو بهاو سنگه هاداز مین دار بوندی در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب رادی سرافراز
شده در سنه ۴۲ تعین صوبهٔ اورنگ آباد بود در سنه ۴۶ در جن سنگه که قلعه بوندی را متصرف کرده بود باعانت فوج حضور
او را بر آورده و در دکن خدمت میکرد و در عهد ایشان درگذشت   راجه اودوت سنگه ولد راجه مهاسنگه زمیندار بهدادر شده
مضاف صوبهٔ اکبرآباد در سنه ۹ عالمگیری منصب پانصد برداشت و در دکن خدمت مینمود در سنه ۴۸ بقلعه داری چیتور متعور
بود در سنه ۴۲ بعد فوت پدر بخطاب راجگی سر بر افراخته در سنه ۴۳ در مورچال مهم حیدرآباد زخمی گردیده آینده اکثر متصدی
تردد مانده در سنه [illegible] از ین جهان رفت   راجه اودوت سنگه ولد فلان زمیندار اندوچهه در آخر عهد عالمگیری بمنصب
و خطاب راجگی سر بر افراخته در سنه ۴۳ بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۸ هنگام قلعه داری کهیلنا بمنصب سه هزار
و پانصدی سر بلند شده در عهد محمد شاه پادشاه رخت حیات بر بست   راجه اوتم رام گور در آخر عهد عالم
گیری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز بود و در سنه احد بهادر شاه بمنصب هزاری نام بر آورده بود و دیگر احوال او دریافت نگشت

حرف

راجه بهارامل ولد پرتهی راج کچهواهه زمیندار آنبیر مضاف صوبهٔ اجمیر در سنه ۶ احد اکبری بعد در دوزبان طلب
برطبق عرض مجنون خان قاقشال با فرزندان خود ملازمت نموده بود روزی که بوطن رخصت شد حضرت بر فیل مست سوار
بودند فیل از شورش مستی بهر طرف میدوید و مردم یک سو می شدند نوبتی این فیل مست بطرف راجپوتان هم دوید راجه
همه فرزندان خود ایستاده ماندند و این معنی به آن حضرت بسیار خوش آمد و بر راجهٔ مذکور فرمودند که ترا الخفال خواهم
ساخت راجه در عهد الشان بمنصب و بخطاب راجگی سر برافراخته خدمت می نمود بجلدوی ترددات شایسته بمنصب
پنجهزاری نام برآورده در سنه ۷ دختر خود را بعقد ازدواج آنحضرت داده که از بطن او برغم صاحب خلاصة التواریخ
جهانگیر بادشاه متولد گردید و راجهٔ مذکور در اکثر معارک مردانه جان فشانیها نموده دولتخواهی و خلوص عقیدت
یگانهٔ آفاق گذشته تا سنه ۱۶ خدمت میکرد در اکبرآباد فوت شد   راجه پربر برهمن مرهداس نام از نوکران
مجلس
راجه رام چند بگهیله زمیندار باندهون متوطن ممالک شرقیه در اثنا العشرت بهکذرانید و بعنوان شاعری در
تهنیت آیین راه یافته بی سفارش احدی به اوج عزت رسیده بمنصب و بخطاب راجگی سر برافراخته ندیم و
انیس محفل خاص شده بمنصب دو هزاری رسیده بود در سنه ۲۸ بمعرفت راجهٔ مذکور که وکیل راجه بگهیله نزد کت ولایت
میوارست کاردی از نوادر روزگار که زانبوه که اگر بد آماس مساس نمایند معالجت شود شیخ ابو الفضل نوشته
است که حضرت میفرمودند که دو صد کس که بهلاک رسیده بودند از مساس آن کارد شفا یافته اند تا حال در
کارخانهٔ بادشاهی موجود است آن حضرت بنابر توجه مکرر بمنزل خانهٔ او تشریف برده بودند در سنه ۳۰ بتنبیه
افاغنهٔ کابل مامور گردیده بنابر خودرائی در جنگ با افاغنه آنجا تا سته هزار نفر کشته شد از سمت راجه کوبه که اولی

بخشی

بخشیش او هزار اشرفی بود   راجه بهگونت داس ولد راجه بهارامل کچهواهه زمیندار آنبیر در سنه ۶
اکبری ملازمت نموده بر منصب سر برافراخته در سنه ۷ در کارزار با مفسدان اهگینه مضاف صوبهٔ اکبرآباد در
در رکاب سعادت تردد نمایانی کرده که ما فوق بیان باشد نموده در سنه ۱۲ در فتح قلعهٔ چیتور و در سنه ۱۷ در تنبیه
مرزا ابراهیم حسین در ناحیهٔ بیکانیر و در سنه ۱۸ در کارزار مرزا محمد حسین در گجرات بذات خود شمشیرها زده در سنه مذکور
بعد فوت پدر بخطاب راجگی سرافراز گردیده در سنه ۱۹ در یساق قلعهٔ تنبیه تردد نموده و در همه اوقات در حضور
بوده و به نظم صوبجات پرداخته در سنه ۲۹ که آنحضرت تقریب کتخدائی سلطان سلیم با دخترش بخانهٔ او تشریف فرموده
بودند ضیافت امرای عظام تا احدیان و شاگرد پیشه فرداً فرداً بتوزک و تکلف تمام نموده و رسوم شادی از
جانبین بقاعدهٔ راجپوتیه بعمل آمده از بطن او سلطان خسرو متولد شده در سنه ۳۰ بنابر تسخیر ولایت کشمیر بتعین گشته
تدبیر نمایانی نموده مهم در سنه ۳۰ بمنصب پنجهزاری و بخطاب امیر الامرای نام برآورده در سنه ۳۲ در لاهور نظم آن
جا فوت نمود از روی راستی و بیان واقع ترددات و دولتخواهی راجهٔ مذکور در گفت راست نیاید   رای پرکهوتم
در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و بخطاب رائی و بخدمت بخشی گری بنگاله مقرر شده در سنه ۲۵ بر دست قاقشالان باغی
در آن جا کشته شد   رای بهگوانداس در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و بخطاب رائی و بخدمت بخشی گری حضور سرافراز
و بمنزلهٔ بینش کار وزارت بود و آینده به بخشی گری بنگاله مقرر شده در سنه ۲۵ بر دست قاقشالان باغی در آن جا
کشته شد   رای بهگوانداس در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و بخطاب رائی سرافراز بود و بنابر کاردانی به استیفای
دفاتر مقرر گردیده خدمت مینمود در سنه ۴۶ بعدم رفت   رای بهوج راج ولد رای سرجن هادا در سنه ۲۲

بی

اکبری بمنصب هزاری سربرافراخته خدمت می‌نمود بعد فوت پدر بخطاب رائی و بعنایت زمیندار
بوندی سرافراز شده در اکثر یساق ترددات نمایان نموده تا سنه ۴۸ در مهم رانا خدمت میکرد انجام حال او
معلوم نشد راجه باسو زمیندار دهمیری از زمینداران کوهستان پنجاب در سنه ۴۱ اکبری بعد تنبیه بر جاده
اطاعت آمده بمنصب و خطاب راجگی سرافراز شده خدمت مینمود در سنه احد جهانگیری به اضافه هزاری بمنصب
سه هزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۴ بسرداری لشکری که بنابر تنبیه رانا امرسنگه زمیندار اودیپور مامور
گردیده بود مقرر گشته در سنه ۱۰ در تهانهٔ شاه‌آباد از عهده رانا فوت نمود راجه بکرماجیت ولد راجه رام‌چند
بگهیله زمیندار باندهون بعد فوت پدر که در سنه ۳۷ اکبری رو داده بود در سنه ۴۲ اکبر بحضور آمده بمنصب
و خطاب راجگی سربرافراخته خدمت مینمود در سنه ۵ جهانگیری راه بغی پیموده بود بضبط جاگیر گوشمال یافته در سنه ۱۱
معرفت سلطان خورم تقصیرش مقرون بعفو گردیده تا سنه ۱۴ از ره تمکین انجام حال او معلوم نشد راول
بهیم زمیندار جیسلمیر مضاف صوبه اجمیر در عهد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب راول سرافراز شده خدمت می
نمود صبیه اش بسلیم سلطان منسوب گشته بملکه جهان موسوم گردیده بود در سنه ۱۱ جهانگیری فوت کرد
ولیعهد نگذاشت راول کلیان برادرش قائم مقام شد راجه بکرماجیت زمیندار بهدور مضاف صوبه
اکبرآباد در آخر عهد اکبری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۴۸ مصدر ترددی گشته در سنه ۴۹
بمنصب هفت‌صدی نام برآورده در عهد جهانگیری تا سنه ۱ خدمت مینمود در سنه ۱۲ در دکن رخت حیات بر بست
راجه بهرجی راتهور زمیندار بگلانه از مضافات دکن که به شانزده واسطه به آج پسر جیچند برادرزاده

زمیندار

زمیندار قنوج میرسد چنلیچ رائی مالدیو زمیندار جوده‌پور به شانزده واسطه به اسوتهاما پسر دیگر
جیچند میرسد در سنه ۱۰ اکبری هنگام ورود در سورت نبیره میرزا شرف الدین حسین باغی راکه دستگیر نموده
بحضور آورده ملازمت کرده بود عطای منصب او معلوم نشد راجه بکرماجیت کهتری پتر داس نام در
اوایل عهد اکبری بمنصب هفت‌صدی و بشرفی فیلخانه در سنه ۹ بخطاب رائی سرافراز بود در سنه ۱۲ هنگام تسخیر قلعه
صاحب اهتمام مورچال آنحضرت مقرر شده ترددها نموده و بدیوانی صوبه جات و افتتاح قلاع نام برآورده در سنه
۲۴ قلعهٔ باندهون بعد محاصرهٔ هشت ماه و بیست روز و وقوع آویزش های سخت مفتوح گردانیده آینده بخطاب رای
رایان در سنه ۳۴ بدیوانی کل حضور مباهات اندوخته در سنه ۴۶ بمنصب سه هزاری در سنه ۴۹ بجایزهٔ تنبیه بر
سنگ دیو بندیله بمنصب پنجهزاری و بخطاب راجه بکرماجیت سر بفلک سوده در سنه احد جهانگیری بمیر آتشی
مقرر گردیده در سنه ۲ بمهمات گجرات مامور شده در سنه ۸ بدکن ترددی کرده تا سنه ۱۰ خدمت مینمود مهاراجه
بر سنگدیو بندیله دو بین پور راجه مدهکر زمیندار اوندچهه در حرکت متمردان بود در جلدوی جرأتی که در سنه ۴۷
اکبری بموجب ایمای جهانگیر پادشاه بقتل شیخ ابوالفضل کرده بود در سنه احد جهانگیری بمنصب سه هزاری
بعنایت زمینداری اوندچهه و بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۲ بنابر تنبیه برادرزاده های خود بوطن
رفته در سنه ۳ متعین مهم قندهار و مهم رانا و در سنه ۸ همراه خان جهان تعین مهم دکن گردیده در سنه
ششم بمنصب چهار هزاری سربرافراخته در سنه ۱۱ از آن جا بوطن رفته و بوعده مقرر در آن جا رسیده
در همان سال همراه شاه نواز خان در جنگ با عنبر حبشی در دکن تردد نموده در سنه ۱۵ از کارزار یکجهان

بسمت آویزش ظفریاب گشته بجایزه ترددات آن جا بمنصب پنجهزاری نام برآورده و در سنه ۱ الحضور آمده بمنصب
شش هزاری و بخطاب مهاراجه برومی یافته در همین سال ظاهراً بالعدم رفت   راجه بزبر اینت پاته گوجر در اوایل عهد جهان
کیری بمنصب هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده خدمت می نمود و در سنه ۳ شاهجهانی فوت کرد   رای بهاریداس
دکن در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و خطاب رائی سرافراز بود و در سنه ۲ به بخشیگری احدیان و در سنه ۱۲ به دیوانی
نامور شده دیگر احوال او معلوم نشد   راجه بهارت بندیله نبیره رام چند مذکور زمینداراند و چه در سنه جهانگیری
بعد فوت جد خود بمنصب ششصدی و بخطاب راجگی سرافراز شده بجایزه ترددات در سنه ۱ بمنصب هزار و پانصدی
مباهی گردیده در سنه احد شاهجهانی بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۳ به تعاقب خانجهان لودی باغی
به دکن شتافته در سنه ۴ همراه خان دوران در فتح قلعه قندهار دکن تردد نمایان نموده همراه آصفخان ببالا
گهات تعین در سنه ۶ که بجا است ملک تلنگانه مقرر بود و کمر با بولاد سپیدی بمفتاح قلعه دارا سکلور زده خورد نموده
ظفریاب گشته قلعه را مفتوح نموده زن و دختر و مادر بولاد را دستگیر نموده بجایزه این فتح بمنصب چهار هزاری مباهات
اندوخته در سنه هفتم به آن جهان رفت   مرزا راجه بهاؤسنگه پسر میانه راجه مان سنگه کچهواهه زمیندار آنبیر در
عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه احد جهانگیری به اضافه منصب و در سنه ۲ بمنصب دو هزاری سر
بلند گردیده در سنه ۹ بعد فوت پدر با آنکه موافق قاعده راجپوتیه زمینداری آنبیر بمهاسنگه ولد جگت سنگه
پسر کلان راجه مانسنگه میرسد ازین جهت که مهاسنگه در حضور معروض داشت که برادر آن مستحق زمینداری آنبیر
این فدوی باد دانسته براجگی مقرر نموده اند امید وار است که از حضور هم مقرر شود و این معنی بر طبع حضرت گران آمده

بهاؤسنگه بعطای زمینداری و بخطاب مرزا راجگی و بمنصب چهار هزاری سرافراز شده و در سنه ۱۲ به
منصب پنجهزاری نام برآورده در سنه ۱۴ التعین دکن شده بود در سنه ۱۶ در آن جا رخت حیات بربست   راجه
بر نهی چند ولد رای منوهر بن رای لون کرن زمیندار سانبهر در سنه ۱۱ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب پانصدی
و در سنه ۱۳ بمنصب هشتصدی سرافراز شده در سنه ۱۵ در کارزار قلعه کانگره به دانگیها بکار آمد   راجه بهیم نراین
زمیندار گده مصاف صوبه مالوه در سنه ۱۲ جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب راجگی سرفراز شده بود در سنه ۱
سنه شاهجهانی بتعدی راجه جهجار سنگه بندیله کشته شد و بهمین تقصیر جهجار سنگه بجزای اعمال خود رسید   راجه
بهرجی پرتاب سنگه نام زمیندار بگلانه در سنه ۱۲ جهانگیری بعد رسیدن حضور به اضافه هزاری بمنصب
چهار هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده بوطن مرخص گردیده در سنه ۹ شاهجهانی وقت ورود رایات
بادشاهی در دکن ملازمت نموده در سنه ۱۲ از نه کانی راجواب داد قاعده این جا این ست که هر که راجه می شود
آنرا بهرجی می گویند آخر معلوم شد که این همان راجه بهان بهرجی ست که در سنه ۴۰ اکبری بمنصب سه هزاری سرافراز
شده بود   راجه بکرماجیت سندر داس نام برهمن از همراهان سلطان خورم در سنه ۹ جهانگیری بمنصب و
خطاب رای رایان و در سنه ۱۲ قبل از فتح قلعه کانگره بخطاب راجه بکرماجیت بلند مرتبه شده در سنه ۱۴
سنه ۱۰ در تسخیر قلعه مذکور تلاشها نموده بود از تصرف هری سنگه ولد ملوک چند برآورده در سنه ۱۸ در رفاقت
سلطان خورم که در آن ایام راه بغی پیموده بودند به اولیای دولت آویخته کشته شد   رای بنو الیداس
در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب بخطاب رائی و بمشرفی فیلخانه سرافراز بود و در عهد شاهجهانی بمنصب هزاری رسیده

در سنه ۴ فوت کرد مهاراجه بهیم سنگه ولد رانا امر سنگه زمیندار ادیپور در سنه ۱۴ جهانگیری بعد فوت
پدر بمنصب ... در سنه ۵ بخطاب راجگی سرافراز شده بود و در دکن ترددهای مردانه نموده بمنصب پنجهزاری رسیده بعطای
خطاب مهاراجه از طرف سلطان خورم در ایام بغی الیشان مامور گشته در سنه ۱۹ در کارزار الهآباد که سلطان
مذکور با افواج بادشاهی واقع شده بود بذات خود شمشیرها زده مشهورانه کشته شد رای بهوال از بنده‌های قدیم
جهانگیری بمنصب سرافراز بود در سنه ۵ بخطاب رائی و مشرفی توپخانه سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
رای بهارسی داس در آخر عهد جهانگیری بمنصب وخطاب رائی و مشرفی فیلخانه بود و بعد رحلت آن حضرت جنت مکانی
الیه خبر این واقعه در عرصه هفده روز از بهر کشمیر بجیر که از مضافات دکن است و در آن ایام شاه جهان بادشاه
در آن جا تشریف داشتند رسانیده بود در عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی سربرافراخته در عهد الیشان از
جهان بآن جهان رفت راجه پرتاب سنگه ولد بلبهدر چرو که زمیندار اوجینه مضاف صوبه بهار در سنه احد شاه
جهانی بمنصب هزار و پانصدی وخطاب راجگی سرافراز شده خدمت ممنو در سنه ... بر تقصیری بدست عبد الله خان
فیروز جنگ ناظم آن جا بیاسا رسید راول پونجا زمیندار دونگرپور مضاف صوبه مالوه در اوایل عهد شاه
جهانی بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار سرافراز بود در سنه ۲ تعیین راجه گجسنگه راتهور شده اکثر
ترددات نموده در سنه ... بعدم رفت راجه بتهل داس ولد راجه گوپال داس گور بنظر حقوق
جانفشانی پدرش در سنه احد شاه جهانی بمنصب سه هزاری و در سنه ۲ بجلدوی ترددات در کارزار
با خان جهان لودی باغی بر کنار آب چنبل که زخمهای کاری برداشته بود بمنصب سه هزاری دو هزار سوار بخطاب

راجگی

راجگی سرافراز شده در سنه ۴ بقلعه داری رنتهنبور نام بر آورده در سنه ۵ بتعیین مهم قلعه دولت آباد
گردیده در سنه ۶ بفوجداری اجمیر از تغیر میرزا مظفر کرانی مقرر گشته با وجود تقرر فوجداری همراه شاه شجاع
بنا بر تسخیر قلعه پرینده بدکن تعیین گردیده در سنه ۸ در جنگ با بیجاپوریان ترددها نموده بحضور آمده بوطن رفته در
سنه ۸ از اجمیر طلب حضور شده بتعاقب جهجار سنگه باغی شتافته بدکن رفته در آن جا تعیین خاندوران
شده در سنه ۹ بهندوستان آمده همراه معتمد خان بخشی دوم برای تنبیه زمیندار دهندیره تعیین گردیده
بود و بعد سرانجام این خدمت بحضور آمده باضافه هزاری ذات و سوار و بمرحمت زمینداری دهندیره سباهات
اندوخته در سنه ۱۰ بوطن رفته در سنه ۱۱ بقلعه داری اکبرآباد نام بر آورده در سنه ۱۲ در کابل ملازمت نموده
بوطن رخصت گشته در سنه ۱۴ بحضور آمده با وجود قلعه داری نظم اکبرآباد از انتقال وزیرخان مقرر شده
در سنه ۱۶ با اضافه هزاری و بمنصب پنجهزاری امتیاز یافته در سنه ۱۷ در اجمیر ملازمت نموده بوطن رفته در
سنه ۱۸ بحضور آمده و از قلعه داری اکبرآباد معزول گشته در سنه ۱۹ هنگام تسخیر ولایت بلخ و بدخشان
برف راه را بکارد و جمدهر بریده و بسپرها برداشته و از میانه راه بیرون انداخته بعد رسیدن آن جا کارنامه
های سپاهیگری را یادگار گذاشته بجلدوی آن بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه رسیده در سنه ۲۳
تعیین مهم قندهار شده بود در سنه ۲۶ فوت کرد از اموال او ده لک روپیه نقد و انچه جنس بر آمده بود به پسرانش
معاف شد راجه بهار سنگه ولد مهاراجه برسنگه بوندیله در سنه احد شاه جهانی بمنصب سه هزاری دو هزار
بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۴ هنگام فتح قلعه دولت آباد در سنه ۵ تاخت ملک نظام الملک جان

فشانی های که ما فوق آن متصور نباشد بتفصیل آورده در اکثر معارک بجایزهٔ تردد در مهم ججهار سنگه بندیله
بنوازش نقاره و در سنه ۳ در جلدوی تردد در مهم خان جهان لودی باغی در دکن بخطاب راجگی سرافراز
شده در سنه ۴ همراه آصف خان تعین بالاگهاٹ گردیده در سنه ۵ در مهمات آن صوبه خدمت می نمود
در سنه ۶ هنگام فتح قلعه دولت آباد در معارک با بیجاپوریان که بکومک دولت آباد می آمدند تلاش ها نموده
در سنه ۸ همراه شاه شجاع بکارزار با بیجاپوریان که بکومک دولت آباد می آمدند تلاش ها نموده در سنه ۸ همراه
و در سنه ۸ در تعاقب جگت سنگه پسر ججهار سنگه که از بالاگهاٹ بموجب ایمای پدر فراری شده نزدیک به رفته بود
تردد شایسته کرده بعد اتمام این مهم تعین خان زمان ناظم دکن گشته در سنه ۹ در تسخیر قلعهٔ خیر همراه ناظم
مذکور ترددات نموده در آن صوبه خدمت مینمود در سنه ۱۱ از آن جا بحضور آمده بنا بر تنبیه پسران ججهار سنگه
ماموره شده بمنصب سه هزاری سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه نام برآورده در سنه ۱۹ بتعین مهم بلخ و بدخشان
شده در سنه ۱۹ او در سنه ۲۰ و در سنه ۲۱ در معارک با اوزبکان شمشیر نمایان زده در سنه ۲۲ بتعین مهم قندهار
گردیده در سنه ۲۳ بعنایت جوراگدهه و بمنصب چهار هزاری سربرافراخته در سنه ۲۵ باز بتعین مهم قندهار
شده در سنه ۲۶ بر فوت کرد   راجه پرتهی چند زمیندار چنبه از زمینداران کوهستان پنجاب که پدرش را
راجه جگت سنگه زمیندار دهمیری گشته بود در سنه ۱۵ شاه جهانی بمنصب هزاری و خطاب راجگی سرافراز شده
بود در سنه ۲۰ بوطن رخصت شده تا آخر عهد خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد   رای بهار ابل ولد تنگو
در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب هزاری و بخطاب رائی سرافراز شده بدیوانی سلطان دارا

مقرر

مقرر گردیده در سنه ۲۴ درگذشت   راجه پرتهی چند زمیندار جنبه مضاف صوبهٔ بهار در
آخر عهد شاه جهانی بمنصب هزاری و خطاب راجگی سرافراز بود در سنه احد عالمگیری به اضافهٔ پانصدی
سربرافراخته ترددی درگذشت   راو بهاو راز زمیندار عمده صوبه گجرات در سنه احد عالمگیری بمنصب و
خطاب راوی ممتاز و مصدر ترددی بود دیگر احوال او معلوم نشد   راو بهاو سنگه ولد راو ستر سال هاده در
سنه احد عالمگیری از وطن آمده بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و خطاب رائی سرافراز شده همراه اولیٰ جنگ
با شاه شجاع متوجه گشته ترددات نمایان نموده بمنصب چهار هزاری نام برآورده همراه معظم خان تعین بنگاله
گردیده در سنه ۲ بحضور آمده در سنه ۳ تعین امیر الامرا شایسته خان ناظم دکن شده هنگام فتح قلعه
چاکنه زیاده از همه بندهای متعینه مصدر تردد و جان فشانی ها گشته در سنه ۹ همراه دلیر خان روهیله هنگام
تحصیل پیشکش زمیندار چانده ترددی نموده بود   رای هیکو نیداس در اوائل عهد عالمگیری بمنصب
و دیوانی اکبرآباد داشت در سنه ۲ بخطاب رائی سربرافراخته در سنه ۳ دیوان بنگاله بود دیگر احوال او معلوم
نشد   راجه بکرم سنگه ولد راجه مان سنگه زمیندار گوالیار پنجاب در سنه ۱ عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی
سرفراز شده تا سنه ۸ خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد   راجه بهیم سنگه ولد رانا جگت سنگه
در سنه ۴ عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز شده بود در سنه ۵ بوطن رخصت شده تا آخر عهد
خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد اینده بجایزهٔ خدمات پسندیده بمنصب پنجهزاری رسیده در سنه ۳۸
بعدم رفت   راجه کشن سنگه ولد کنور کشن سنگه بن راجه رام سنگه بن مرزا راجه جی سنگه کچهواهه

زمین دار آینه در سنه ۲۰ عالمگیری چون پدرش در خانهٔ جنگی کشته شده بود در ایام حیات راجه رام سنگه جد خود
بمنصب هزاری سرافراز شده بود آینده بعد فوت راجهٔ مذکور بمنصب دو هزاری و پانصدی و خطاب راجگی سر برافراخته
در سنه ۳۰ بتهانه داری سنتی وطن جاپان مقرر شده در سنه ۳۲ کدهی سوکر متعلقه سرکار متهرا مفتوح کرد از بنده
بعد از ان بفوجداری متهرا نام بر آورده در سنه ۴۰ معزول گردیده در سنه فوت کرد   راو بده سنگه ولد
زمیندار بوندی در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راوی سرافراز شده در سنه بتقصیر کوتاهی در
جنگ کابل معزول زمینداری پرگنه موضع ... یافته بود در عهد محمد شاه بادشاه فوت کرد   راجه بجی سنگه
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سر بلند و تعیین صوبه بنگاله بود بعد رحلت آن حضرت همراه شاهزاده عظیم
الدین ناظم آن جا در هندوستان آمده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد

حرف ت

راجه تودرمل کهتری از ابتدای عهد اکبری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز و محرم امور راز بود در سنه
نابر قرب منزلت تقصیر راجه کشن سنگه زمیندار معاف گنانیده در سنه ۹ در ایلغار تنبیه عبد الله خان اوزبک
باغی و در سنه ۱۰ در تادیب بهادر خان شیبانی باغی و در سنه ۱۲ در گوشمال سکندر خان اوزبک باغی و هم در فتح
قلعهٔ چیتور و در سنه ۱۴ با وجود آنکه صاحب جاه و عقد مهمات وزارت بود در تسخیر قلعهٔ رنتهنبور و در سنه ۱۷ در فتح قلعهٔ
سورت ترددات نمایان نموده در سنه ۱۸ برای مفتح کردن جمع امی بگجرات رفته در همان سال بعد سرانجام این
خدمت به حضور آمده به تسخیر صوبه بهار تعیین شده به این عنایت بلند مرتبه شده که دفترداران راجهٔ مذکور به دستور

سابق

سابق باشد که رقم عزل بر حال او کشیده نباید چون در فتح قلعهٔ تنبه در سنه ۱۹ اثر دو هاهی شایسته کرده
بود بعطای نقاره نام بر آورده به اتفاق منعم خان به تسخیر بنگاله رفته بجهت دور دست رفتن دفترداران
راجه منش بشه باز خان و آصف خان و رای رام داس مهمات وزارت سربراه می نمودند راجه بعد تسخیر ملک باینده گذشت
تانده مضاف صوبه بنگاله با اتفاق محمد قلی خان برلاس مصروف تنبیه داود خان حاکم بنگاله بود ناگهان محمد قلی خان در
وقتوری عظیم در لشکر بادشاهی راه یافت راجه استقامت سردارانه نموده بصید دلهای رفته پرداخته بمقابلهٔ داود
شتافته در جنگ با داود مذکور در منزل بکروهی در حد و دو داود لیبه با وجود کشته شدن خان عالم هراول منعم خان
با داود و منعم خان با داود کرده بود بحضور آمده مشرف دیوان شده بسرانجام مهمات دیوانی پرداخته بعد
صلحی در همان سال چون بسبب فوت شدن منعم خان ملک بنگاله بتصرف داود در رفته بود به اتفاق خان جهان ناظم
آن جا برای تنبیه داود ولد سلیمان کرانی شتافته در جنگ با داود مذکور در آن محل ظفر یافته از و ملک رفته بدست آورده
در سنه ۲۱ بحضور آمده بعد چندی بکومک وزیر خان ناظم گجرات تاخته در سنه ۲۲ به اتفاق وزیر خان در جنگ با میرزا مظفر
حسین چغتائی بعد حرب ضعیف فیروزمند گشته بحضور آمده سرگرم مهمات امیر خطیر وزارت باشتراک خواجه منصور
و منظفر خان گردیده در سنه ۲۳ الوس افاغنه را که تیر از پنجاب به اطراف روان گردانیده در سنه ۲۴
برای تنقیح نسخهٔ ده ساله ممالک محروسه که بسبب مفتح نشدن بر عایا و سپاه گزند میرسید جد و جهدی نموده بود و لاکن
در همان سال نسخه راه با تمام گذاشته بخدمت گذاری ممالک شرقی رفت و خواجه این نسخه را با تمام رسانید راجه مذکور
بعد رسیدن آنجا با معصوم خان فرنخودی و دیگر باغیان بهار مقابله رو داد بنابراین که دوست و دشمن معلوم نمی شدند

تحمل و تامل بکار برده در سنه ۲ بحضور معروض داشت که خواجه منصور فاضلات بی حساب ذمه سپاه بر آورده
هلش باعث انحراف و خلاف شده و میشود آخر کار خواجه ازین سخت گیری بقید آمد راجه در سنه ۲۶ بحضور آمده بدستور
سابق بمنصب اشراف دیوان بحال گشته ملک بیانه وکالت رسیده مستقل سر انجام تمامی اشتغال خلافت کبری شده
دا همین همت بطمع آلوده ننموده در سنه ۲۷ برای آبادی ملک و تخفیف اخراجات زاید از ذمه رعایا و لشکر او
طریق خیانت ضوابط و قواعد مقرر کرده نسخه معامله فهمی درست نموده یادگاری گذاشته در جلدوی خدمات پسندیده
در سنه ۳۰ به منصب چهار هزاری سر بر آورده در سنه ۳۱ بعد کشته شدن راجه بیربر بنابر تنبیه افاغنه کابل تعین گردیده
بعد چندی طلب حضور شده در سنه ۳۴ در لاهور فوت کرد راجه در راستی و درستی و دیانت انجام مهام مقرر بود
رای پترداس کهتری در سنه ۹ اکبری بمنصب و خطاب رایی سرافراز بود در سنه ۴۹ بخطاب راجه بکرماجیت نامبر
آورده تتمه احوال او در حرف با نوشته شده راجه تودرمل روره افضل خانی در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب
توسرافراز شده به دیوانی و فوجداری سهرند مقرر گشته در سنه ۱۴ به دیوانی تکهی چکله و در سنه ۱۶ بمنصب هزار
و در سنه ۱۹ بخطاب رایی مباهات اندوخته و باضافه بالضدی و در سنه ۲۱ بخطاب راجگی و هم در سنه مذکور بمنصب
دو هزاری سر بلند شده بود در سنه احد عالمگیری در سهرند ملازمت نموده معزول گشته در سنه ۲ بفوجداری
اتاوا مقرر گشته در سنه ۳ تغیر کرده ازین جهان به آن جهان رحلت کرد

حرف ج

راجه جگناتهه ولد راجه بارهه مل کچهواهه زمیندار آنبیر در سنه ۶ اکبری در نواح اجمیر از وطن آمده
ملازمت نموده بود بمنصب سر برافراخته در اکثر معارک ترددات شایسته نموده در جایزه خدمات پسندیده
بخطاب راجگی و در سنه ۴۰ بمنصب پنجهزاری نام بر آورده تا سنه ۳ جهانگیری خدمت میکرد راجه جگمن ولد جادون
متعین مهم راجه مده کر زمیندار اندوجهه شده بجا نیزه نیکو خدمتی در سنه ۴۹ بمنصب هزاری و در سنه
اکبری سرافراز بوده خدمت مینمود در سنه ۱ جهانگیری عوض تقصیری در کار بادشاهی بتغیر جاگیر تنبیه
یافته بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه چیتر بهوج ولد جگمن از زمینداران صوبه مالوه در سنه ۴۴ اکبری

سرفراز بوده خدمت می‌نمود در سنه ۲ جهانگیری عوض تقصیری در کار بادشاهی بعزل جاگیر تنبیه یافته بود
دیگر احوال او معلوم نشد   راجه جیراج ولد جگمن از زمینداران صوبهٔ مالوه در سنه ۴۴ اکبری بعد فوت پدر
بمنصب و خطاب راجگی سرافراز شده خدمت می‌نمود دیگر احوال او معلوم نگشت   رای جادو داس در سنه ۸
جهانگیری بمنصب و خطاب رائی و بخدمت بیوتاتی سلطان خورم سرافراز بوده تا سنه ۱۱ خدمت می‌نمود دیگر احوال
او معلوم نشد   رای جیند او در سنه ۱ جهانگیری بمنصب و خطاب رائی و بخدمت سرافراز بوده در مصاف با عنبر حبشی
سپه سالار نظام الملکیه و مملکت دکن مصدر ترددات شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   راجه جگت سنگه ولد
راجه باسو زمیندار دهمیری در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب هزاری و بعطای زمینداری از تغیر سورج مل برادر
کلان خود که او راه بغی پیموده بود و بخطاب راجگی در سنه ۱۵ به تنخواه پرگنه دهمیری سربلند شده بود در سنه ۱۸
راه بغی پیموده چون راجگی بهادر سنگه برادر سیوم مین فرار یافت ندامت کشیده و به التجای نام پیش آمده
در سنه ۱۹ تقصیرش مقرون بعفو گردیده بعد از آن سررشتهٔ انقیاد بدست داشته خدمت چیبان میکرد در
بعد رحلت جناب جهانگیری همراه آصف خان در جنگ با شهریار باغی تردد نموده در سنه ۱ احد شاه جهانی بمنصب
سه هزاری دو هزار سوار مباهات اندوخته خدمت می‌نمود در سنه ۲ بضبط [illegible] کشت یا یان ز تغیر ابوالبقا مقرر
گشته همراه افواج بادشاهی که بعزم تصرف قندهار موافق وعدهٔ علی مردان خان تعین شده بودند افواج
کثیر قزلباشیه با مردم قلیل جنگ دست و گریبان نموده ظفریاب گشته بمنصب سه هزاری سه هزار سوار نام بر آورده
مگر هنگام تسخیر قلعهٔ زمین داور ترددات نمایان کرده در سنه ۱۲ بضبط [illegible] و در سنه ۱۳ بفوجداری

کانکره

کانکره مباهات اندوخته در سنه ۱۵ برای اظهار جلادت به تعصب سعید خان بهادر بغی نموده بعد کارزارهای
شدید که دفتری به تحریر آن می باید چون التجا بدرگاه آورد مطرح نوازش شده در سنه ۱۵ همراه دارا
شکوه بقندهار رفته در سنه ۱۶ مراجعت نموده در سنه ۱۹ بتعین مهم بلخ و بدخشان گردیده در سنه ۲۰ اراده
بلخ قلعهٔ چوبین تیار نموده مکرر با اوزبکان آویزش کرده غالب آمده بعد از بلخ مراجعت در پیشاور فوت کرد
مرزا راجه جی سنگه ولد راجه مهاسنگه بن جگت سنگه بن راجه مان سنگه کچهواهه زمیندار آنبیر بعد فوت پدر
در سنه ۲ جهانگیری بعمر هشت سالگی بمنصب هزاری و در سنه ۱۹ بعد فوت پدر مرزا راجه بهادر سنگه عم پدر خود
چون او را پسری نماند بعطای زمینداری آنبیر و بمنصب دو هزاری و بخطاب راجگی و در سنه ۲۲ الجلدوی تردد
در جنگ با سلطان خورم باغی بمنصب سه هزاری سرافراخته در سنه ۱ احد شاه جهانی بمنصب چهار هزاری نام
برآورده در سنه ۲ بتنبیه خان جهان لودی باغی مامور گردیده در سنه ۳ در تعاقب او در دکن ترددات
نمایان نموده در سنه ۴ همراه آصف خان تعین بالاگهات شده در سنه ۹ بحضور آمده بعنایت گوشواره مروارید
آبرو یافته در سنه ۶ ششم روز یک فیل مست بر بادشاهزادهٔ عالم که دویده بود برچهه بر خرطومش زده بمورد عنایات
گردیده همراه شاهزاده شجاع بتعین دکن شده در سنه ۷ با بیجاپوریان اکثر کارزارهای صعب نموده در هر کارزار
ظفریاب شده در آن صوبه خدمت می‌نمود در سنه ۱۰ که رایات عالیات متعاقب ججهار سنگه بندیله در دکن رونق افزا
شدند بهمراه اولی خاندوران بهادر بنابر تسخیر قلاع دکن مامور گشته در سنه ۹ در کارزارهای آن جا هم چو نهنگ
دریای خون ریزی در آمده حضور صاحب فتح قلعهٔ ناگپور راجپوتی نموده حمله کرده در قلعه در آمده لوای تیر دوری

افراخته درسنه ا بحضور آمده باضافهٔ هزار سوار مباهات اندوخته بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار شده بوطن به
اضافه ممتاز شده رخصت گردیده درسنه ۱۱ بحضور آمده همراه شاه شجاع بکابل رفته درسنه ۱۲ در سفر کابل در رکاب
بوده در نوشهره بخطاب مرزا راجه چهرهٔ امتیاز برافروخته درسنه ۱۳ بوطن دستوری یافته درسنه ۱۴ بحضور آمده بکابل
تعین گردیده درسنه ۱۵ التعیین مهم حکبت سنکه شده در فتح قلعه مئو و طنش تردد کرده باضافهٔ هزار سوار دو اسپه سه اسپه
علم مباهات برافراخته بعد اتمام این کار درهمین سال همراه داراشکوه بقندهار رفته درسنه ۱۶ بحضور آمده رخصت
وطن حاصل نموده درسنه ۲۲ هنگام تعیناتی مهم قندهار ترددها کرده درسنه ۲۳ بجلدوی تنبیه مفسدان کامان
دکوه مجاه بور بمنصب پنجهزاری پنج هزار سوار چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه چهرهٔ امتیاز برافروخته درسنه ۲۶ باز بتعین
مهم قندهار گردیده درسنه ۲۷ و در ایام ولی عهدی بادشاهزاده داراشکوه بمنصب هفت هزاری لوای افتخار برافراشت
بمقابلهٔ شاه شجاع رفته بعد منهزم کردانیدن ایشان از آنجا روانهٔ حضور عالمگیر شده در اکبرآباد بعد فتح
عالمگیر بادشاه شکست داراشکوه که در اکبرآباد رو داده بملازمت نموده خیلی مورد نوازشها گشته بتعاقب
داراشکوه مامور گشته پس از تعاقب طلب حضور و بوعدهٔ دو ماه بوطن رخصت شده بنا بر حاضر شدن در
جنگ با شاه شجاع از وطن شتافته به فاصلهٔ دو روز بعد فتح در کوره بملازمت کرده در جنگ دویم داراشکوه
ترددنمایان نموده بتعاقب و جلو ریز شتافته درسنه دویم او را از نواح قندهار دستگیر آورده مورد مرحمت شاهانه
شده درسنه ۴ از سابق و حال بانعام دو کرور دام نام برآورده درسنه ۴ هنگام رخصت ولیاقت دکن بنوازش
خلعت خاص با نادری و شمشیر مرصع و کمپدهٔ اسپ از آن جمله بیست اسپ عربی و عراقی یکی با زین و ساز طلا و فیل خاصه با تلایر

و درسنهٔ هشتم

و درسنهٔ هشتم بجلدوی تنبیه سیوا مرهته و برادران مبیت و سه قلعه پورن دهر وغیره محالات سی و پنج لک
روپیه از تصرفش و فرستادن آن بحضور بعد عفو تقصیر به اضافهٔ دو هزار سوار تابینان بمنصب هفت هزاری
هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه سرافلک سوده درسنه ۱۰ در برهانپور فوت کرد راجه جکراج جهجار سنگ نام ولد
جهار راجه برسنگه بوندیله زمیندار اوندچه منصبی داشت درسنهٔ ۱ جهانگیری در حیات پدر بمنصب دو هزاری و
بخطاب راجگی سرافراز شده خدمت مینمود درسنه احد شاه جهانی به خطاب راجه جهجار سنگه نام برآورده
بود نیمه احوال او آینده نوشته خواهد شد رای جگتا ته راتهور در عهد جهانگیری بمنصب هشتصدی و بخطاب
رائی سرافراز بود درسنه ۲ شاه جهانی بتعین دکن شده درسنه ۳ فوت کرد رانا جگت سنگه ولد رانا
کرن بن رانا امر سنگه زمیندار اودی پور درسنه احد شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب پنجهزاری پنجهزار
سوار سر برافراخته پیشکش بکرر بحضور رسانده بود رانا مذکور درسنه ۲۶ فوت کرد راجه جهجار سنگه
ولد مهاراجه برسنگه دیو بوندیله درسنه احد شاه جهانی بمنصب پنجهزاری و بخطاب راجگی بنام خود ممتاز
شده بعد از چند روز راه بغی پیموده انجام کار گوشمال رسا یافته باداى چهارده لک روپیه پیشکش کشیده بسعی
مهابت خان زمانه بیک مقرون بعفو گردیده و بمنصب چهار هزاری ذات و سوار بحال گشته درسنه ۳ مکرر بخطاب
راجگی نام برآورده خدمت مینمود درسنه ۸ باز بغی پیموده راجه بهیم نرائن زمیندار گده را بجان کشته بر زمین
دارنیش متصرف شده بود بعد تعین کردن افواج قاهره در ضلع گوندوانه کشته شده و زنان و دختران
او و پسران برادر او اسیر آمدند رای جیونت سنگه کهتری در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب و خطاب رائی سرافراز

سرافراز بود در سنه ۳ به بخشیگری احدیان و در سنه ۹ بمنصب هزاری و بفوجداری آن روی آب اکبرآباد و در سنه ۱۵
بدفترداری خالصه از تغیر بهار امل سرافراز شده بود   جکتراج بکرماجیت نام ولد راجه جهجهار سنگه
بندیله بمنصب دو هزاری سرافراز بود در سنه ۲ شاه جهانی بتقصیر کوتاهی در سد راه شدن خان جهان لودی باغی
که از راه بندیل کهنده بدکن رفته بود معاتب شده در سنه ۳ که خان جهان از دکن برگشته در بندیل کهنده رسیده
شتابالیه که در وطن خود بنابر تدارک آن کوتاهی بمقابله خان جهان آمده دریا خان همراهی او را در سیدات کشته
بجایزه آن بابن خطاب نام بر آورده در سنه ۵ که رایات پادشاهی از دکن مراجعت نمود در بندیل کهنده ملازمت
کرده در سنه ۶ هنگام تعیناتی دکن همراه خان زمان با بیجاپوریان حرب صعب نموده در سنه ۷ در تعیناتی شاه
شجاع در آن جا تلاش کرده در سنه ۸ با پای پدر از آن جا فراری شده نزد پدر در وطن رسیده همراه ایدر
راه بعقی پیموده در ضلع گوندوانه کشته شد   رانا جوده زمیندار رام کوت در اواسط عهد شاه جهانی
بمنصب هشتصدی و بخطاب رانا سرافراز بود در سنه ۲۴ فوت کرد   راجه جی رام ولد راجه انوپ سنگه بده
گوجر منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی خدمت نمود در سنه ۱۱ بعد فوت پدر بمنصب هزاری و خطاب راجگی
و در سنه ۱۹ بجایزه تردد در مهم بلخ به اضافه پانصدی و در سنه ۲۰ بمنصب دو هزاری هزار و پانصد سوار
سربلند شده در سنه ۲۱ در گذشت   مهاراجه جسونت سنگه دو بیتی پور راجه گجسنگه بن راجه سورج سنگه
بن راجه اودی سنگه معروف بموته راجه زمیندار جوده پور در سنه ۱۱ شاه جهانی بعد فوت پدر ز نابر
تعلقی که بپدرش با والده او بود بخلاف قاعده راجپوتیه که راج به اولین پسر میدهند بعطای تیکه زمینداری

جوده پور

جوده پور و خطاب راجگی و از اصل و اضافه بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار او در همین سال بعنایت
خلعت با فوجی سرافراز شده در سنه ۱۲ با اضافه هزاری ذات و سوار و در سنه ۱۳ با اضافه هزار سوار
دو اسپه سه اسپه نام بر آورده در سنه ۱۵ همراه سلطان دارا شکوه بکومک ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ مراجعت نموده
بوطن رخصت شده در سنه ۱۸ در اجمیر از وطن آمده ملازمت نموده بوطن رفته در سنه ۱۹ در لاهور ملازمت نموده
به اضافه هزار سوار دو اسپه سه اسپه مباهات اندوخته در سنه ۲۰ در سفر کابل در رکاب بوده در سنه ۲۲ بتعین مهم
قندهار شد حسب الحکم در کابل محله دو هزار سوار داده در سنه ۲۵ در سفر در کابل بوده در سنه ۲۶ بمنصب شش
هزاری شش هزار سوار چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه و در سنه ۳۰ بخطاب مهاراجه و در سنه ۳۲ در ایام ولی
عهدی پادشاهزاده دارا شکوه هنگام رخصت بمقابله پادشاه زاده عالمگیر بمنصب هفت هزاری هفت
هزار سوار پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه سر بر افراخته بود چون در ناحیه مالوه با پادشاهزاده مذکور صف آرا
گردید حرب صعبی روداد که مثل مکند سنگه هاده و راو مادهو سنگه هاده و سجان سنگه سیسودیه و ارجن سنگه
گور و دیگر بندهای متعینه و بسیاری از راجپوتان نامی خود و سوا که هر یک رایت قهر و استیلا بر افراشته
جان نثار شده با شش هزار نفر کشته داده آخر بمبالغه و سماجت دیگر رفیقان از میدان رو
تافته بوطن رفته بعد از آنکه سریر خلافت بجلوس جناب عالمگیری رونق یافت بر لب آب ستلج ملازمت
نموده بعنایت خلعت خاصه با نادری و شمشیر و جمدهر مرصع و به انعام کرور دام و به دیگر عطیات مباهات
اندوخته در جنگ شاه شجاع وقت شب از لشکر پادشاهی بعزم برهم زدن افواج عالمگیری برجا

ورفت اندازی های بسیار برادروی بعمل نموده بوطن شتافته وبه اغوای داراشکوه سرکشیده انجام کار
بذریعه مرزا راجه جی سنگه کچهواهه بصدور فرمان مشتمل برعفو تقصیر و تقرر نظم گجرات از رفاقت داراشکوه دست
برداشته در سنه ۲ بحالی خطاب مهاراجه که بنابر تقصیر مذکور تغیر یافته بود نامور گردیده در سنه ۴ بکومک امیرالامرا
شایسته خان ناظم دکن مامور شده در تخریب ولایت سیوا مرهته دقیقه فرو نگذاشته در سنه ۸ بحضور رسیده در
سنه ۹ همراه بادشاه زاده محمد معظم بمقابلهٔ شاه عباس ثانی والی ایران رفته از اثنای راه بعد خبر رحلت
شاه مذکور برگشته آمده در سنه ۱۰ التعین بادشاه زادهٔ مذکور که بنظم دکن مقرر شده بود نامزد گردیده در سنه ۱۴ بتهانه
داری جمرود از مضافات کابل نام برآورده در سنه ۱۸ در راول پنڈی هنگام ورود رایات والا در آن جا
از اجمیر بجمرود آمده بعطای فیل با تلایر امتیاز یافته در سنه ۲۲ در آن جا زندگانی را جواب داد بعد فوت
او انچه در میانه افواج بادشاهی و رفیقان و رانی ها راد اتفاق قتال و جدال افتاد تحریرش طولی دارد راجه جیمن
جادون در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و بخطاب راجگی سربرافراخته در سنه ۲۲ بتعین مهم قندهار گردیده
در سنه ۳ فوت کرد. رای چندربهان برهمن در عهد شاه جهانی بمنصب و منشی گری سرافراز بود چندی بادشاهزاده
داراشکوه ادراتش خود داشته بود نه در سنه ۳ بخطاب رائی نام برآورده داخل بندگان بادشاهی شده و بعد مدت
هیمنود در سنه درگذشت راجه جسونت سنگه بندیله وار در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی
سربلند شده در سنه ۱۰ به تنبیه پسران جپت بندیله مامور شده در سنه ۲۹ بتعین همت خان گردیده بوده بعد احوال
او معلوم نشد راجه جی سنگه ولد راجه بشن سنگه کچهواهه زمیندار آنبیر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی

سرافراز

سرافراز شده در سنه ۴۸ خدمت می نمود در سنه ۴۹ هنگام تعیناتی شاهزاده بیدار بخت بهادر
در جلدوی تردد فتح قلعه کهیلنا که بحکم الصاف به ستیاری راجهٔ مذکور شده بمنصب دو هزاری دو هزار سوار
سربرافراخته خدمت می نمود و در عهد بهادر شاه بادشاه ترقی نموده در عهد محمد شاه بادشاه بمنصب هفت
هزاری ذات و سوار بخطاب سرمهاراجه دهیراج و بنظم اکبرآباد و مالوه نام برآورده در سنه ... بعدم رفت

حرف ر

راجه دیپ چند

زمین دار منجولی در اوائل عهد اکبری بمنصب و خطاب راجگی سر بلند و در سنه ۱۸ در ایلغار گجرات ترددی نموده

بود راجه دهر مسکند سمبکر در اواسط عهد اکبری بمنصب و بخطاب راجگی سر بلند بود در سنه ۳۰ بتعین راجه بیربر

شده در کارزار با افاغنه کابل بکار آمد رای درکا از راجپوتان عمده رانا اودی سنگه در عهد اکبری بمنصب دو هزار

سر بر افراخته در سنه ۲۶ به ترددی نموده در سنه ۳۴ در ایام تعیناتی خان خانان در جنگ با مظفر گجراتی تلاش ها بر آ

نموده از عقب آمده غنیم را دو ورکه کرده باعث هزیمت غنیم گردید در سنه ۲ جهانگیری بمنصب چهار هزاری نامور شده

در سنه ۳ فوت کرد راجه درجو دهن نبیره راجه رام چند زمین دار باندهون در سنه ۴۲ اکبری بعد فوت پدر

بمنصب و بخطاب راجگی بعنایت قلعه باندهون در سنه و عطای راجگی و منصب ممتاز شده بود انجام حال او

معلوم نشد راجه دهیر بهدر ولد راجه رام چند کهیله زمین دار باندهون در سنه ۴۳ اکبری بعد فوت بمنصب و

بخطاب راجگی سر بلند شده بود انجام حال او معلوم نشد راجه دهیر دهر در سنه احد جهانگیری در ایلغار تنبیه

سلطان خسرو باغی در رکاب بود دیگر احوال او معلوم نشد رای دولت ولد راجه رای سنگه زمین دار بیکانیر

در عهد اکبری منصبی داشت در سنه احد جهانگیری در ایام بغی سلطان خورم راه بغی نموده بعد تنبیه آنجا

بعفو تقصیر آورده در صوبه دکن خدمت می نمود بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه جهانگیری بعد

فوت پدر بمنصب دو هزاری و خطاب رائی سر بلند شده باز در سنه بغی نموده دستگیر آمده بود بقتل رسید

راو دودا ولد راو چاند زمین دار رام پوره در عهد جهانگیری بخطاب راجه سرافراز بود در سنه احد شاه جهانی از وطن

آمده بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب راوی سر بلند شد و در سنه ۲ و در سنه ۳ در تعاقب خان جهان لودی باغی در دکن

تردد نموده بجایزه دیگر در ترددات در سنه ۶ بمنصب دو هزاری نام بر آورده در همان سال در مهم دولت آباد

جان نثار گردید راجه دوارکا داس ولد راجه گردهر داس بن رای سال درباری منصبی داشت و بخطاب

ممتاز بود در سنه شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۳ در جلدوی تردد کارزار با خان جهان لودی باغی در ملک

دکن باضافه پانصدی سر بلند شد و در سنه ۴ در مصاف دیگر با خان مسطور در تبدیل گهنند مردانه بکار آمد

راوت دیال داس چهالا در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و بخطاب راوت سرافراز بود در سنه

در دکن ترددی نموده در اواسط عهد بمنصب هفت صدی در آخر عهد بمنصب نهصدی سر بر افراخته

در سنه ۲۳ همراه مهاراجه جسونت سنگه در کارزار مالوه بمقابله پادشاه زاده عالمگیر کارها نموده بکار آمد

راجه دیبی سنگه ولد راجه بهارت نبیره رام چند بندیله راجه مدهکر بعد فوت پدر در سنه شاهجهانی بمنصب دو

هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده بود در سنه بعد بغی جهجار سنگه ولد مهاراجه نرسنگ دیو بن راجه مدهکر بنا

عطای زمین داری از تغیر آمده بمنصب سه هزاری ذات و سوار سرافراز گشته بعد نبد و لست اندوجه در سنه ۱ بنا بر

تنبیه عادل خانیه بتعین سید خان جهان بارهه گشته در اکثر معارک ترددات شائسته نموده در سنه ۱۹ و در سنه ۲۰

در مهم بلخ و بدخشان تا مدت یکنیم سال با اوزبکان کارزارهای غالبانه نموده مصدر تلاش های نمایان گشته بمنصب

سه هزاری دو هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه رسیده در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۳۲ متعین مهم قندهار شده

و در سنه ۳۲ در جنگ با لوه همراه راجه جسونت سنگه بود و در سنه احد عالمگیری در جنگ کهجوه با شاه شجاع مصدر

ترددی گردیده و بفوجداری بهیلسه از تغیر راجه عالم سنگه مقرر گشته در سنه ۳ بعد عزل فوجداری بتعین مهم راو

کرن شده در سنه ۳ او در کابل دبیره خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد   رای رایان
دیانت رام مهر برجی نام گجراتی نوکر ارادت خان بود در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب و بخطاب پرتاب رای و
بدفترداری خالصه سرافراز شده در سنه ۱۱ بدفترداری تن از تغیر عقیدت خان ملا عبد اللطیف مقرر گردیده در سنه ۱۲
بخطاب رای رایان دیانت رام و در سنه ۱۵ به بیوتاتی از تغیر عاقل خان نام بر آورده در سنه ۱۶ بخواهش خود در
بنارس نشسته در سنه ۱۸ از آن جا آمده بدیوانی کل از تغیر دیانت خان بمنصب هزاری صد و پنجاه سوار مقرر شده در
سنه ۲۰ بتغیر شده در سنه ۲۲ بدیوانی اکبرآباد از تغیر شیخ عبد الکریم لوای مفاخرت برافراخته و بمنصب هزاری رسیده
در سنه ۲۳ بفوت کرد   رای دولی چند زمین دار گیلو از زمین داران صوبه لاهور در سنه ۹ عالمگیری تازه از
وطن آمده بمنصب و بخطاب راجگی و عطای خلعت و فیل و خنجر با علاقه مروارید و اوربسی و دهوپ کی مرصع سرافراز
گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد   رای دهرمنگد اس در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب رایی سر
افراز بوده در سنه ۹ بدیوانی تلنگانه از مضافات دکن مقرر شده بود   راو دلیپت ولد سبهکرن بندیله
در اواسط عهد عالمگیری بمنصبی داشت در سنه ۲۰ با اضافه منصب و در سنه ۲۸ بخطاب راوی سرافراز شده
تعین ذو الفقار خان بهادر بود و در اکثر معارک ترددات نمایان نموده خصوصا در سنه ۴۱ در فتح قلعه جنجی
نهایت تلاش‌ها کرده بمنصب سه هزاری یک هزار و پانصد سوار سر برافراخته در سنه ۴۹ هنگام فتح داکن کیره
ترددات مهورانه نموده در رفاقت اعظم شاه در جنگ اکبرآباد بکار آمد

حرف ر

راجه روپسی برادر کلان راجه بهارامل کچهواهه در سنه ۶ اکبری از وطن آمده ملازمت نموده
بمنصب هزاری بخطاب راجگی سرافراز شده خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد
راجه رام چند در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و خطاب راجگی و بعنایت جاگیر در صوبه لاهور سرافراز بود دیگر
احوال او معلوم نشد   رای رام داس در عهد اکبری بمنصب و خطاب رایی سرافراز بوده در سنه ۱۰
بدیوانی حضور مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   راجه رای سنگه ولد رای کلیان مل راتهور
زمین دار بیکانیر مضاف صوبه اجمیر در سنه ۱۵ اکبری همراه پدر خود ملازمت نموده و بمنصب سر برافراخته
همراه پدر خدمت می‌کرد و در سنه ۱۷ در ایلغار دوم گجرات در رکاب همایون در جنگ با مرزا ابراهیم حسین
در وقتی که طور معامله قریب به کرگون شدن بود به اتفاق سید محمود بارهه و فرحت خان بدفع اعدا انداخته
ترددات شایسته نموده و در سنه ۱۸ در فتح قلعه ابوگده و سروهی که در تصرف سلطان دیوره بود و بهمراهی
سید هاشم بارهه تلاش نمایان نموده در مهم ولایت تهته ترددات کرده بعد فوت پدر در سنه ۳۰
بخطاب راجگی نام بر آورده بجلدوی خدمات پسندیده بمنصب چهار هزاری مباهات اندوخته در سنه احد
جهانگیری بمنصب پنجهزاری رسیده در سنه ۲ فوت کرد   راجه رام چند بکهیله زمین دار باندهون مضاف
صوبه مالوه را که در سخاوت و اخلاق نظیر خود نداشت در سنه ۲۸ اکبری زین خان کوکه و راجه بیربر رفته
آوردند او در فتح پور روز ملازمت یکصد و بیست لعل از آن جمله لعلی بقیمت پنجاه هزار روپیه گذرانیده به
منصب دو هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده بود در سنه ۳۰ درگذشت   راجه راج سنگه ولد راجه

آسکرن کچهواهه در سنه ۲۱ اکبری ملازمت نموده تا سنه ۳۰ همراه پدر خود خدمت مینمود و بعد فوت پدر بمنصب
هزاری و خطاب راجگی سر برافراخته بجایزهٔ ترددات نمایان در سنه ۴۰ بمنصب چهار هزاری نام برآورده در
عهد جهانگیری اکثر خدمات پسندیده نموده در سنه ۱ در دکن درگذشت   راجه روپسنگه در سنه ۴۳ اکبری
بمنصب و خطاب راجگی سربلند بود و از سفر کشمیر رخصت بودن بنگاه کام دل برگرفته و با انعام کصید ارس آب
چند پرگنه ال دیگر در جاگیر مباهات اندوخته بود دیگر احوال او معلوم نشد   راجه رام چند زمیندار او دیپه در سنه ۳۶
اکبری بمعرفت راجه مان سنگه کچهواهه حلقهٔ انقیاد بگوش انداخته بمنصب پانصدی و بخطاب راجگی سر برافراخته در
صوبهٔ بنگاله خدمت مینمود انجام کار او معلوم نشد   راو رتن ولد بهوج بن رای سرجن هاده زمیندار بوندی در اوایل
عهد جهانگیری بمنصب و خطاب راوی سرافراز بود در سنه ۳ بخطاب سربلند رای و در سنه ۱۰ باضافهٔ پانصدی بمنصب
دو هزاری چهرهٔ امتیاز برافروخته بتعین دکن شده در سنه ۱۱ بحضور آمده باز بتعین دکن گشته در سنه ۱۹ بحراست
برهانپور مقرر گردیده با دکهنیان که برهانپور محاصره نموده بودند مکرر آویزش های مردانه نموده در سنه احد شاه
جهانی از وطن آمده بود در سنه ۲ فوت کرد   راجه رامداس کچهواهه در عهد اوایل اکبری بمنصب پانصدی
سرافراز شده در سنه ۱۸ در ایلغار دوم گجرات مصدر ترددی گردیده آینده تلاش های نمایان نموده در سنه
بمنصب دو هزاری لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۲ جهانگیری بسبب ممتاز بودن در فنون ریاست و سپاهگری
به اتالیقی مها سنگه ولد جگت سنگه بن راجه مان سنگه کچهواهه مقرر گشته در سنه ۶ بخطاب راجگی و بمنصب سه
هزاری و نوبت از تش نقاره و قلعه داری رنتهنبور و به اتالیقی عبدالله خان بهادر فیروز جنگ که بمهم دکن مامور شده

بود

بود نام برآورده بود در همان سال فوت کرد   راجه رام داس ولد راجه راج سنگه بن راجه
آسکرن در سنه ۱ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب هزاری و در سنه ۱۰ بخطاب راجگی سر برافراخته
در سنه ۱۸ بجلدوی تردد در کارزار با سلطان خورم باغی بمنصب دو هزاری سرافراز شده بود انجام حال
او معلوم نشد   رای رام چند در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب رایی و بدیوانی تن سرافراز بود
دیگر احوال او معلوم نشد   راو روپچند زمیندار کوالیار از زمینداران پنجاب در اواسط عهد جهان
گیری بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز بود در سنه ۵ بجایزهٔ تردد در فتح قلعهٔ کانگره بمنصب هزار و پانصدی و به
انعام نصف وطن سرافراز شده در سنه ۱۸ ترددی نموده تا آخر عهد خدمت مینمود در سنه ۸ شاه جهانی بتعین
خان دوران شده بعد آن بتعین نجابت خان ولد مرزا شاهرخ بنابر گوشمالی زمیندار سری نگر گشته
با وصف وهم جوزدن فوج بادشاهی بمردانگی و دلیری ها بکار آمد   راجه رامداس کچهواهه زمیندار دیور
مضاف صوبهٔ اکبرآباد در آخر عهد جهانگیری بمنصب و خطاب راجگی سربلند بود و در سنه احد شاه جهانی
بمنصب هزاری سر برافراخته و در سنه ۶ و در سنه ۸ بتعین دکن شده بجلدوی ترددات بمنصب دو هزاری رسیده
بود در سنه ۱۲ فوت کرد   راجه رای سنگه سیسودیه ولد مهاراجه بهیم سنگه بن رانا امر سنگه مرزبان
اودی پور با وجود صغر سن در سنه احد شاه جهانی از وطن آمده بمنصب دو هزاری و بخطاب راجگی سرافراز
شده در سنه ۵ باضافهٔ سواران نام برآورده در سنه ۹ بتعین مهم جهجار سنگه بندیله گردیده در سنه ۹ باضافه
هزاری مباهی گشته در سنه ۱۲ در سفر کابل در رکاب بوده در سنه ۱۳ و در سنه ۱۴ در سفر کشمیر در رکاب حضرت بهبود

تعیین مهم حکیت سنگه زمین‌دار و همیری شده و بجایزهٔ تردّدات آن جا به نوازش نقاره بلند آوازه گردیده
در سنه ۱۸ احکام تعیناتی قندهار بمنصب چهارهزاری دو هزار سوار مباهات اندوخته در سنه ۱۸ تعیین مهم بلخ
و بدخشان گشته تا سنه ۱۲ در آن جا بوده و در سنه ۲۲ در مهم قندهار تلاشها کرده باضافه هزار
سوار نام برآورده در سنه ۲۳ بجایزهٔ تردّدات در صف جنگ با قزلباش همراه رستم خان بهادر در نتیجه
قندهار بمنصب پنجهزاری لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۲۶ باز تعیین مهم قندهار گردیده بعد مراجعت بوطن
رفته در سنه ۲۹ از وطن آمده در سنه ۳۰ بتعیین شاهزادهٔ عالمگیر ناظم دکن گردیده در سنه ۳۱ در آن جا در رزم
با بیجاپوریان بحرب صعب پیوسته زخمها برداشته در میدان افتاده بجلدوی آن به انعام لک دیه نقد در خصت
وطن مباهی گشته در سنه ۲ بتعیین مهاراجه جسونت سنگه بمقابلهٔ شاهزادهٔ عالمگیر شده بعد شکست مهاراجه
بوطن رفته در سنه احد عالمگیری ملازمت نموده در جنگ با شاه شجاع در رکاب تردد کرده در جنگ دوم
دارا شکوه بحراست بنگاه در لوده مانده در سنه مذکور تعیین دکن شده در سنه ۳ از فتح قلعه چاکنه تردد
کرده در سنه ۴ بحضور آمده سرافراز شده در سنه ۹ بجایزهٔ تردّدی باضافه هزاری و در سنه ۱۵ به منصب چهار
هزاری دو هزار سوار و در سنه ۲۲ بجلدوی تلاشهای نمایان در مهم بلخ و بدخشان باضافه هزار سوار و در سنه
۲۳ بجایزهٔ تردّدات در مهم قندهار بمنصب پنجهزاری نام برآورده در سنه ۱۲ هنگام تعیناتی بادشاهزاده
عالمگیر در دکن جانفشانیها کرده ملک خود در جنگ اجمیر همراه رکاب دارا شکوه حرب صعب کرده اول
کسی که در آن میدان از دیگران سبقت برده نشان خود را بر آن کوه نصب کرده بود راجه مذکور بود

در جلدوی

در جلدوی این حسن خدمت باضافهٔ پانصدی پانصد سوار بلند مرتبه شده در سنه ۲ بمهم سری نگر
تعیین گشته در سنه ۳ در آن جا تردد کرده در سنه ۴ بحراست غزنین از تغیر سید شهامت خان
مقرر شده در سنه مذکور در آن جا بعدم رفت   راو روپ سنگه ولد روپ مکند بن راو جاند از زمین
دار رام پوره بعد فوت راو ستی سنگه ولد راو دودا بن راو جاند بواسطه بنوان پسرش در سنه ۱۱ شاه
جهانی بمنصب هفتصدی و خطاب راوی بعنایت زمین‌داری سرافراز شده در سنه ۲ به جلدوی تردّدات
در مهم بلخ بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۱۴ بتعیین مهم قندهار شده در سنه ۲ بجایزهٔ
تردد در صف جنگ با قزلباش باضافه پانصدی دو صد سوار بمنصب دوهزاری دو هزار و دو صد سوار
مباهی گشته در سنه مذکور درگذشت   راجه راجروپ ولد راجه جگت سنگه بن راجه باسو منصبی داشت
در سنه ۲ شاه جهانی بفوجداری کوهستان کانگره و در سنه ۱۹ بعد فوت پدر بمنصب هزار و پانصدی
هزار سوار و خطاب راجگی و در سنه ۳ بمنصب دوهزاری و در همان سال بقلعه‌داری قلعهٔ قندهار از قلاع
ولایت سر بلخ شده با اوزبکان و الیمانان مکرر آویزشهای سخت نموده روزی در آن جا حربی
صعب رو داده بود که راجه سه زخم برداشته در میدان افتاده و بدشواری تمام بر اسب یکی از تابینان
خود سوار گردیده برآمد در سنه ۲۲ بمنصب دوهزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار و قلعه‌داری کهمرد
از تغیر خلیل بیگ و در سنه ۲۵ بمنصب سه هزاری ذات و سوار چهرهٔ امتیاز برافروخته تعیین مهم قندهار
شده در سنه ۳ از کهمرد بحضور آمده آمده بوطن رفته در سنه احد عالمگیری از وطن بعزم رفاقت دارا شکوه

روانه شده در سهرند بعد شکست با دارا شکوه درخورده از لاهور از وجدائی گزیده بحضور آمده در جنگ
اجمیر همراه رکاب با دارا شکوه حرب صعب کرده در همان سال در سنه ۱۹ شاه جهانی بعد فوت پدر بخطاب راجگی
و بمنصب دو هزاری ممتاز شده فوت کرد راجه رگهناته کاتهه ماتهر سعد الله خانی منشی دست عبد الکریم دیوان
لاهور بود در سنه ۱۹ شاهجهانی به طلب حضور شده منشی سعد الله خان وزیر اعظم مهمات جزو کل را سربراه می نمود
در سنه ۳ به منصب و خطاب رائی و بعنایت قلمدان طلا و در سنه ۴ به فتر داری خالصه و تن و در سنه ۲ بمنصب هزاری
و خطاب خود که برای راجایان شده در سنه ۱ به مقرر گردن آباتن به جعفر خان وزیر اعظم و به تقریر و سخط نمود
بر افراد محاسبات سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی یکهزار و هفتصد سوار و بخطاب راجگی
و بخدمت وزارت کل مامور گشته در سنه ۵ باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری رسیده در سنه ۶ فوت کرد رانا راج
سنگه ولد راجه جگت سنگه زمیندار اودی پور در سنه ۹ شاه جهانی بمنصب پنجهزاری و بخطاب رانا سرافراز شده
در سنه احد عالمگیری بمنصب شش هزاری ذات و سوار یکهزار سوار دو اسپه سه اسپه و دو کرور دام انعام نام بر آورده
در سنه ۴ به درگذشت راجه رای سنگه راتهور ولد امر سنگه بن راجه گج سنگه در سنه ۱۸ شاه جهانی بعد
کشته شدن پدر بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در مهم بلخ و بدخشان تردد نموده در سنه ۲۵ و در سنه
۲۶ به تعین مهم قندهار گردیده در سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی و بجلدوی تردد در جنگ با شاه شجاع باضافه
هزاری و بعد از آن علی الرغم مهاراجه جسونت سنگه بعطای زمینداری جودهپور و بمنصب چهار هزاری چهار هزار
سوار و بخطاب راجگی سربلند گردیده بعد چند روز بنابر عفو تقصیر مهاراجه مذکور از زمینداری آن جا معزول گشته

در سنه ۲۰

در سنه ۲ سوره غنایتی شده و در سنه ۱ در تعیناتی دکن تردداتِ نمایان نموده در سنه ۱ اکبر پدر کین نعمت
کرده بوده در عهد ایشان ازین جهان به آنجهان میل کرد راجه رام سنگه ولد میرزا راجه جی سنگه
کچهواهه در سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۱ بخطاب کنور و در سنه ۲۵ بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۶
به اضافه پانصدی و در سنه ۳۲ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار سربلند شده در جنگ اکبرآباد همراه شاهزاده
دارا شکوه در سنه احد عالمگیری به اضافه هزاری نام بر آورده به تعیناتی معظم خان به بنگاله رفته بود
در سنه ۵ بحضور آمده بمنصب پنجهزاری لوای مفاخرت بر افراشته در حضور خدمت می نمود در سنه
که پدرش سیوا سردار مرهته را معه سنبها پسرش بقول و عهد بحضور پر نور فرستاده بود معرفت خود نگاه داشت
گناهنده چون پدر و پسر روبه بعد چندی راه فرار نموده بتقصیر غفلت از حال آنها از منصب معزول شده
در سنه ۱۰ بعد فوت پدر بمنصب چهار هزاری و بخطاب راجگی سرافراز گشته در سنه ۱۳ بانجام تعیناتی مهم
ملک آشام از مضافات بنگاله بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه مباهات اندوخته در سنه ۱۹ بعد مراجعت
از آن جا همراه شاهزاده محمد معظم بتعینات کابل گشته در همان سال برگشته تا سنه ۲۰ خدمت نمود در سنه ۲۰ از این جهان
به آن جهان رفت راو رام سنگه هاده ولد زمیندار کوته در آخر عهد عالمگیری بمنصب و
خطاب راوی سر برافراخته که بتعین ذو الفقار خان همراه در فیروز جنگ بود در سنه ۴۴ بجایزه تردد در
تنبیه دهنا جادون مرهته مورد آفرین شده در سنه ۴۹ بجلدوی تردد در فتح قلعه داکن کرا باضافه
پانصدی و در سنه ۵ بعطای زمینداری مو و معداله از تغیر راو بده سنگه زمیندار بوندی سرافراز شده

درکار زار اکبرآباد همراه بادشاهزاده محمد اعظم مردانه نقد جان درباخت

رائی سرجن هادا قلعه داری قلعه رتنبهور از طرف رانا اودی سنگه زمیندار اودیپور داشت بعد فتح قلعه

مذکور درسنه ۱۴ اکبری داخل بندگان شده بمنصب دو هزاری و بخطاب سر برافراخته درسنه ۲ بقلعه داری

قلعه مذکور مقرر گردیده درسنه ۲ بتعین شاهزاده مراد و درسنه متعین صادق خان به بنگاله شده بود

راجه سورسنگه چهارم پسر راجه اودی سنگه راتهور زمیندار جوده پور بخلاف قاعده دیگر راجها که بعد

فوت پدر راج به پسر کلان میدهند در خاندان ایشان مقرر است که هر رانی محبوبه راجه باشد به پسرش

راج میدهند بنا بر تعلق که راجه اودی سنگه رانا والده او بود درسنه ۴۰ اکبری بعد فوت پدر بمنصب و خطاب

راجگی و درسنه ۴۴ بنوازش نقاره سرافراز شده در اکثر معارک دردکن در تنبیه راجو و خداداد اعیان

و عنبر و فرهاد حبشیان ترددات شایسته نموده درسنه ۳ جهانگیری بمنصب سه هزاری سر برافراخته در

سنه ۱۰ بجایزه ترددات دردکن بمنصب پنجهزاری سه هزار سوار نام برآورده درسنه ۱۰ فوت کرد

راو سکت سنگه پسر کلان راجه اودی سنگه راتهور زمیندار جوده پور درسنه ۴۰ اکبری بعد فوت پدر

بخطاب راوی سر برافراخته خدمت می نمود   راجه سال بن توپچی بعد امتحان جوهر بندوق اندازی

درسنه ۴۰ اکبری بخطاب راجگی سرافراز شده تا سنه احد جهانگیری خدمت می نمود   راجه رام سنگه

تونور درسنه ۴۹ اکبری بمنصب هزاری سربلند گردیده بود درسنه احد جهانگیری باضافه پانصدی

و درسنه ۲ باضافه پانصدی و درسنه ۱ منصب دو هزار و پانصدی هزار و چهار صد سوار سر برافراخته

درسنه ۱۱

درسنه ۱۱ در کابل فوت کرد   راوت سکرا ولد رانا اودی سنگه زمیندار اودی پور در آخر

عهد اکبری بمخالفت رانا امرسنگه برادر خود بدرگاه رجوع آورده بمنصب دو صدی و بخطاب رانا

سرافراز شده بود و فوجها باعانت او تعیین گردیده بود بنا بر وجهی که ذکر آن طول دارد بعمل نیامد

درسنه احد جهانگیری چون رانا امرسنگه اطاعت اختیار کرد این مهم موقوف ماند

راوت سکرا درسنه ۲ بمنصب دو هزار و پانصدی و آینده بمنصب سه هزاری سر برافراخته درسنه ۱۳

درصوبه بهار فوت کرد معلوم می شود که خطاب راوت بجای رانا یافته باشد   راو رتن سنگه

دوم پسر راجه رای سنگه راتهور زمیندار بیکانیر بعد بسیاست رسیدن رای دلیپت برادر کلانش

درسنه ۸ جهانگیری بمنصب و عطای زمینداری آن جا و خطاب راوی سرافراز شده درسنه احد

شاهجهانی بمنصب چهار هزاری دو هزار و پانصد سوار والا رتبه گردیده دردکن ترددات شایسته نموده

درسنه ۴ در آن جا فوت کرد   راجه سورج مل ولد راجه باسو زمیندار دهمیری درسنه ۱۱

جهانگیری بعطای زمینداری و بمنصب دو هزاری و خطاب راجگی سرافراز شده درسنه ۱۲ چون

راه بغی نموده معزول از منصب و راجگی گردید و بجائش جگت سنگه برادر خوردش به راجگی نامزد

آورد سورج مل در ایام بغی فوت کرد   راجه سنگرام زمیندار جمون مضاف صوبه پنجاب درسنه ۱۴

جهانگیری بعد تنبیه بسیار بر جاده اطاعت آمده بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار و خطاب راجگی

سرافراز شده درسنه ۱۵ به تنخواه پرگنه جمون کام دل برگرفته در عهد شاهجهانی خدمت میکرد اکثر

در دکن بود در سنه ۸ به فوت بود   راجه سنگه پوار از خدمتگاران خاص جهانگیری در سنه ۵ به منصب هزاری منصبداری
و در سنه ۱۱ الیشان به منصب هزار و پانصدی و بخطاب راجگی سرافراز شده خدمت می نمود و در سنه ۱ شاه جهانی
در ایام فتح قلعه دولت آباد و در سنه ۸ در تعیناتی شاه شجاع در جنگ بیجاپوریان و در سنه ۸ در مهم ججهار سنگه تردد ها
نموده انجام کارش معلوم نشد   راول سمرسی ولد راول اودی سنگه زمیندار بانسواله مضاف صوبه مالوه
افراخته
در عهد جهانگیری به منصب و خطاب راول سرافراز بود و در سنه احد شاه جهانی به منصب هزار و پانصدی هزار سوار سر بر
خدمت میکرد دیگر احوال او معلوم نشد   رای سبهاچند مهاجن اگروال از سکنه کانهله از بندهای جزوی
در سنه احد شاه جهانی به منصب و خطاب رائی سرافراز شده در سنه ۱۲ به دیوانی صوبه لاهور و در سنه ۸ به فوجداری
دامنی چکله سیالکوت مقرر گردیده و به منصب هفتصدی رسیده در سنه ۳ فوت کرد   راو سرسال ولد گوپی
ناتهه بن راو رتن هاده زمیندار بوندی و کوته در سنه ۴ شاه جهانی بعد فوت جد خود غائبانه به منصب سه هزاری
و بعطای زمینداری بوندی سوای کوته و بخطاب راوی سربلند شده از وطن آمده در دکن ملازمت نموده
در سنه ۵ در آن جا همراه ناظمان خدمت میکرد در سنه ۸ هنگام تسخیر قلعه دولت آباد همراه خان زمان در کارزارها
بیجاپوریان و در دیگر معارک تردد نمایان کرده در سنه ۹ در تعیناتی شجاع با بیجاپوریان حربهای صعب نموده
در سنه ۹ هنگام ورود رایات بادشاهی در دکن بهمراهی خان زمان مقرر گردیده آویزشهای سخت با
دکهنیان کرده بعد مراجعت رایات از دکن در سنه ۹ در فتح قلعه جنیر و تنبیه دکهنیان تلاشهای مردانه
کرده در آن صوبه خدمت می نمود در سنه ۱۰ همراه بادشاهزاده عالمگیر از دکن بحضور آمده همراه داراشکوه

بقندهار رفته

بقندهار رفته در سنه ۱۲ مراجعت نموده در سنه ۱۵ بوطن رخصت گردیده در سنه ۱۹ بحضور آمده بتعین مهم
بلخ و بدخشان شد و در آن جا ترددات باضافه پانصدی ذات و سوار نامور گشته در سنه ۲۲ ذات و سوار مباهات
اندوخته در سنه ۲۲ همراه شاهزاده عالمگیر به تعین مهم قندهار رسیده در ترددات آن جا در فنون ریاست و
شجاعت گوی سبقت از اقران برده در سنه ۲۶ مراجعت نموده در سنه ۲۹ باز بتعین مهم قندهار رسیده در
تعین شاهزاده عالمگیر ناظم دکن گشته در سنه ۳۱ در کارزارها بیجاپوریان حرب صعب نموده بعد ازین بحضور
رسیده در سنه ۳۲ در رفاقت سلطان داراشکوه بمقابله عالمگیر بادشاه و شاهزاده مراد بخش در صف جنگ
اکبرآباد هم چو نهنگ بدریای خونریزی درآمده و مراد بخش را مغلوب گردانیده بر قلب فوج عالمگیری شتافته
بحرب صعب پیوسته عالمی را زیر و زبر نموده محض بر فراز اقبال آن بادشاه ظفر نصیب کشته شد

راول سبل سنگه خویش راول پهانی زمیندار جیسلمیر مضاف صوبه اجمیر در سنه ۲۴ شاه جهانی بعطای
زمینداری و به منصب و بخطاب راول سرافراز شده در سنه ۲۶ به جلدوی تردد در مهم تعیناتی قندهار به منصب هزاری
هفتصد سوار نام برآورده تا سنه احد عالمگیری خدمت می نمود معلوم شد که از اولاد راول منوهر کسی نمانده
باشد که بخویشش نوبت زمینداری رسید   راجه سارنگ دهر نبیره راجه سنگرام زمیندار جمون در سنه ۲۸
شاه جهانی بعد فوت پدر خود بعطای زمینداری و به منصب هفتصدی و بخطاب راجگی سرافراز شده در
سنه احد عالمگیری به منصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار نام برآورده در سنه ۵ بتعین فوجداری جمون گردیده بود
راجه سجان سنگه ولد راجه بهار سنگه بندیله بعد فوت پدر در سنه ۳۰ شاه جهانی به منصب دو هزاری دو هزار

سوار و خطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۹ به نوازش نقاره و اُنیده بمنصب هزاری سرافراخته
در سنه ۲ ... در جنگ مالوه همراه مهاراجه جسونت سنگه بود در سنه احد عالمگیری در جنگ با شاه شجاع
ترددات نموده بتعین مهم و همراه معظم خان ناظم بنگاله گشته در آن جا مصدر ترددات نمایان و تلاش
های مردانه گردیده بجایزه آن در سنه ۳ بمنصب سه هزار و پانصدی سه هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه
نام برآورده در سنه ۴ مکرر در بنگاله ترددها کرده در سنه ۸ تعین مرزا راجه جی سنگه کچهواهه به لسباق دکن شده
ترددات شایسته نموده در سنه ۲۳ قلعه سوال مفتوح گردانیده بود در سنه فوت کرد   راجه سبهاک
پرکاس زمیندار سرمور از کوهستان سری نگر در سنه ۹ به شاه جهانی بخطاب راجگی سربلند شده بود
راجه ساهو ولد سنبهاجی بن سیوا بن ساهوجی بهونسله در سنه ۳۳ عالمگیری بعمر نه سالگی که ذوالفقار خان
بهادر نصرت جنگ او را با والده و دو برادر خوردش از قلعه راهیری اسیر نموده آورده بود بمنصب هفت هزاری
و خطاب راجگی سرافراز شده حسب الحکم در گلال بار سکونت داشت و بنگاه والده اش در لشکر بادشاهی علاحده
فرود می آمد و متصدیان هر کار خانجات او از سرکار والا مقرر بودند در سنه ۹ هم بنا بر بعض مصالح التعین خان
مذکور گردیده بود بعد رحلت بادشاه عالمگیر چون خان مسطور او را از خود کرده خلاص نموده تا حجابت ذوالفقار
خان در دکن فسادی برخاست و پس از آن انچه دکهنیان هندوستان را خراب و ویران کردند ظاهر است
راو سجان سنگه ولد راجه انوپ سنگه زمیندار بیکانیر در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی
بخطاب راوی سرافراز شده در سنه ۴۸ خدمت میکرد در سنه احد بهادر شاه بخطاب راجگی و بمنصب دو

هزاری

هزاری نام برآورده در سنه   فوت کرد   راجه شنبو رام ولد بدام بن راجه گوپال داس گور در
اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ القلعه داری قلعه آسیر سرافراز شده در سنه ۱۰
در مهم بلخ و بدخشان ترددات نمایان نموده در سنه ۲ بقلعه داری کابل از تغیر لطف الله خان مقرر شده
در سنه ۱۲ معزول گردیده در سنه ۲ بعد فوت راجه بهلداس عم خود بمنصب دو هزاری و بخطاب راجگی نام
برآورده در سنه ۲۶ و در سنه ۲ در مهم قندهار تلاشها کرده در سنه ۱۲ بفوجداری نام برآورده در مصاف جنگ
اکبرآباد همراه سلطان داراشکوه با عالمگیر بادشاه بجد و جهد صعب پیوسته مردانه رایت جانبازی برافراخت راجه
شیو سنگه زمیندار چینه مضاف صوبه در سنه ۲ عالمگیری بشرف ملازمت و بمنصب هزاری و خطاب راجگی و بمرحمت
سرپیچ و اورسبی مرصع ممتاز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   ك   ك   ك   ك

حرف ق

رای قنوجی از نوکران بادشاهزاده مراد بخش در سنه ۱ عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب راجگی
سرافراز شده بود دیگر احوال او هیچ خوب دریافت نگشت ٤ ٤ ٤ ٤ ٤ ٤ ٤

حرف ک

راجه گنگهار

راجه گنگهار ولد جکمال برادرخورد راجه بهارامل کچهواهه در سنه ۶ اکبری بملازمت نموده بود بمنصب
هزاری و از روی طبقات اکبری بخطاب راجگی سر برافراخته در سنه ۱۲ در تعیناتی فوجی که بنابر تنبیه
رانای اودی پور رفته بود ترددی کرده بود انجام حال او معلوم نشد

رای کلیان مل
راتهور زمین دار بیکانیر در سنه ۱۱ اکبری معه رای سنگه پسر خود ملازمت نموده بمنصب دو هزاری و خطاب
رائی سرافراز شده و بشرف ازدواج صبیه برادر خود به آن حضرت مباهات اندوخته خدمت می نمود انجام
حال او معلوم نشد

راجه کوپال داس جادون در سنه ۱۱ اکبری بمنصب دو هزاری و خطاب راجگی سرفراز بود
در سنه ۱۲ همراه خان جهان در جنگ داؤد کرانی و در سنه ۲۳ در تعیناتی لاهور و در سنه ۳۰ بکومک راجه
مانسنگه که بکابل مامور شده بود و در سنه ۳۹ در تعیناتی بنگاله ترددها نموده در سنه ۴۴ بنظم اجمیر مقرر شده
بود ناگهان در راه در بیانه فوت کرد

راجه کچهی از زمین داران صوبه بهار در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و خطاب
راجگی سربلند و در تعیناتی خان عالم هنگام فتح حاجی پور مصدر ترددات شایسته بود و در سنه ۲۱ از
کم طالعی پیش خان جهان ناظم بنگاله حاضر نشد و شیوه غارت امصار اختیار کرد تا بدست شهباز خان
که از حضور بنابر تنبیه او تعین شده بود بسزا رسید

رای کوپال در سنه ۴۳ اکبری بمنصب و خطاب رائی
سرافراز و در دکن مصدر ترددی شایسته بود دیگر احوال او معلوم نشد

راجه کلیان داس پسر خورد
راجه ٹوڈرمل در سنه ۴۳ اکبری بمنصب سرافراز بود در سنه ۴۹ بمنصب هزاری و قلعه داری کالنجر
سربلند شده در سنه ۵ جهانگیری بخطاب راجگی نام برآورده در صوبه بنگاله خدمت میکرد در سنه ۶ به

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 7

معلوم نشد این عزیز لیاقت کار عمده داشت   از قرابتیان شیخ نظام حیدرآبادی
در سنه نوبه عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند شده خدمت چشتیان مینمود دیگر احوال او
هیچ معلوم نگشت   امین صاحب پسر خورد شیخ نظام مذکور در عهد عالمگیری بمنصب دو
هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت می‌نمود بعد رحلت آن حضرت از پیش اعظم شاه
باضافهٔ پانصدی نام برآورده در رفاقت ایشان در کارزار اکبرآباد تلاشهای مردانه نموده
زخمهای بسیار برداشته بود دیگر احوال او معلوم نشد   کنبوه منصبی داشت و باین خطاب
سرفراز بود در سنه ۴۳ عالمگیری بتقاضای رکاب مقرر شده در سنه ۴۹ به آخرت سرا رفت
اکرم خان ولد معظم خان بن شاه نوازخان صفوی در آخر عهد عالمگیری بمنصب
نهصدی و باین خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه باضافهٔ صدی
نام برآورده خدمت می‌نمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد   کهین پور خان جهان بهادر
ظفرجنگ در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سر برافراخته و در سنه ۴۹ بمنصب هزاری
سرفراز شده بود در عهد محمدشاه بادشاه ازین جهان انتقال نمود   ارادت
کیش در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و آمده بدیوانی کابل سرافراز شده در سنه ۴۹
بدیوانی لاهور مقرر گردیده در سنه احد بهادرشاه همراه رکاب الشان از طرف کابل
آمده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد این خیلی بزرگ و بزرگ منش بود   امین الدین

الصاری

الصاری سنبهلی در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی بر نام خود سربلند و
بجوهر دیانت و امانت معروف بود بوکالت شاهزاده محمد عظیم ولد بادشاه محمد عظیم
مامور در عهد بادشاه فرخ سیر و محمد شاه بمرتبهٔ امارت رسیده در سنه ۱۹ محمد شاه به نیکنامی
ازین عالم رفت   در عهد عالمگیری بمنصب دو هزاری هزار و پانصد سوار سرافراز
شده خدمت می‌نمود و در سنه احد بهادرشاه بعنایت نقاره نوازش یافته بود دیگر احوال
او معلوم نشد   در عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سر برافراخته
بود و خدمت میکرد در سنه احد بهادرشاه باضافهٔ پانصدی سربلند شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد   الطاف خان در عهد عالمگیری بمنصب ششصدی و بخطاب خانی سرافراز
شده بخشیگری لاهور داشت در سنه احد بهادرشاه به بخشیگری کابل مقرر گردیده بود دیگر
احوال او معلوم نشد   برادر خان زمان ولد حیدر
سلطان شمسالی از امیران نامدار همایونی در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و باین خطاب
سرافراز شده در اکثر معارک ترددات نمایان نموده در سنه ۵ بخدمت وکالت نام برآورده
بعد چندی معزول گردیده در تنبیه متمردان لکهنو تلاشهای مردانه کرده در سنه ۱۰ اکبر آن
نعمت و بغی پرداخته در سنه ۱۲ بعد رزم و شکست شده چون آن حضرت او را فرمودند که چه
حال داری در آن حالت بعرض رسانید الحمد لله علی کل حال و حسب الحکم بقتل آمد   خان بهادر

ابو المظفر ولد درویش بیگ بیجانی در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سربلند و در سنه ۱۳
ترددی نموده بود و حقوق خدمت دیرین درگاه داشت دیگر احوال او معلوم نشد بهادرخان
رتبت از نوکران میر محمد خان کوکه مشهور بخان کلان در سنه ۱۷ اکبری در سلک قورچیان بمنصب
چهارصدی سرفراز شد و در سنه سی و ششم هنگام تسخیر ملک رسیده و در سنه ۴۰ در مهم راجهای
کوهستان شمالی و در سنه ۴۱ در دکن در جنگ بادکنیان مصدر ترددات نمایان و بخدمت فوج
داری مامور گردیده بود انجام حال او بصحیح معلوم نشد بهادرخان کلیا و بهادر گیلانی از امیران
عبد الله خان والی توران در سنه ۴۳ اکبری از انجا آمده بمنصب و باین خطاب سرفراز شده
در سنه احد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته بکومک ناظم قندهار تعین گردیده بود انجام
حال او معلوم نشد بهادرخان خواجه برخوردار نقشبندی برادر عبد الله خان بهادر فیروز
جنگ در سنه سیوم جهانگیری بمنصب ششصدی و باین خطاب سرافراز شده در سنه ۴ ترددی نموده
بود انجام کار او معلوم نشد بهادرخان ابو البی اوزبک حاکم مشهد از امیران توران که در سنه ۴۲
اکبری از انجا آمده بمنصب پانصدی سرافراز شده بود در سنه ۴ جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه ۵ بفوجداری نواح ملتان و در سنه ۷ بمنصب سه هزاری و باین خطاب و بنظم صوبه
قندهار از انتقال میرزا غازی و در سنه ۸ بمنصب چهار هزاری و در سنه ۱۱ بشرف ملازمت و در سنه ۲۲
بنظم اله آباد ممتاز شده تا سنه احد شاه جهانی خدمت نموده در عهد ایشان درگذشت

بهادرخان

بهادرخان جغتای ولد دریا خان روهیله پرورده های والا شاهی شاه جهانی در سنه ۱۷
جهانگیری در ایام بغی ایشان شریک رنج و راحت بوده در سنه احد شاه جهانی از خیر در رکاب
ایشان آمده بمنصب چهارهزاری دو هزار سوار و بفوجداری کالپی سرافراز شده از آن جا بتعین
مهابت خان خانزمان بیگ بنا بر تنبیه جهجار سنگه بندیله گردیده مردانه کار نموده فیلی از فیلان جنگی را
پیش کرده دروازهٔ قلعهٔ ایرچ شکسته با برادران خود پیاده شده از روی قدرت داخل شده
درین جنگ قریب سه هزار کس بندیله را کشته بجایزهٔ این فتح بنوازش نقاره نام برآورده در سنه ۲
بتعین مهم قندهار ... خان جهان لودی باغی شده در سنه ۳ باآنکه پدرش دریاخان شریک
باغی بود از اسپان فرود آمده کارزار رستمانه نموده دو زخم بر رو و پهلو برداشته بجلدوی این
تردد به اضافهٔ پانصد سوار شش هزار سوار گشته در سنه ۴ در کارزار با افواج حاکم بیجاپور بحرب صعب
بسبب آن زخمی افتاده دستگیر رفته بود در همان سال خلاص شده در سنه ۵ ملازمت نموده
به اضافهٔ هزار و پانصد سوار مباهات اندوخته در رکاب از دکن بهندوستان آمده بتنبیه مفسدان
ملکوسه خوب نموده در سنه هشتم بمهم جهجار سنگه بندیله شده در فتح قلعه دهامونی و ...
الیه تردد نمایان کرده تعاقب او بدکن رفته بعد اتمام این مهم بجنید اولی خان زمان بهادر مقرر
گشته در اکثر کارزار دلیرانه تردد نموده در سنه ۹ در فتح قلعه ... خدمت چیان کرده چند روز
بعد از کوچ رایات عالیات از دکن بهندوستان روانه شده بعد ملازمت بقنوج جاگیر خود

رخصت کرده در سنه ۱۳ ابنابر تنبیه و تادیب چنپت وغیره بندیله مامور گشته در سنه ۱۴
بنابر تنبیه آنها واقعی نموده در سنه ۱۵ اصل سه هزار سوار و سه هزار پیاده داده در فتح قلعهٔ وطن
راجه جکت سنگه که آن روز یک هزار و پانصد کس نصف روهیله و نصف دیگر بکار آمدند خیلی تردد نموده
بجایزهٔ آن بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه لوای افتخار رسید اشنه در همین سال
بتعین شاهزادهٔ مرادبخش بمهم بلخ و بدخشان شده در سنه ۲ ضبط ولایت مذکور نموده با وجود
برخاسته آمدن شاهزادهٔ مذکور از آن ولایت مدام با اوزبکان کارزارهای غالبانه نموده
چون بادشاه زادهٔ عالمگیر به آن ولایت تشریف بردند هراولی و چنداولی سرانجام کرده
ترددات افزون از حوصله بشری کرده بخطاب بهادرخان چغتائی نام برآورده در سنه ۲۱
همراه شاهزاده عالمگیر از ولایت بهندوستان آمده به تقصیر کوتاهی در تعاقب نظر محمد خان
والی بلخ بی منصب شده در سنه ۲۲ بحال گردیده بتعیین مهم قندهار گشته در سنه ۲۳ در
مهم قندهار به آخرت سرا رفت   بهادرخان باقی بیک دارا شکوهی در سنه ۲ شاه جهانی
بمنصب هزاری و به نیابت نظم الهآباد که از طرف ایشان مقرر بود سرافراز شده در سنه ۲۲
بخطاب غیرت خان و به نیابت نظم گجرات از طرف ایشان و در سنه ۲۴ بمنصب سه هزاری
و در سنه ۲۶ به نیابت نظم کابل از طرف سلیمان شکوه و در سنه ۱ بخطاب بهادرخان و بمنصب
چهار هزاری نام برآورده در سنه ابه به نیابت نظم لاهور از تغیر معتقد خان مقرر شده در سنه ۳۲

همراه سلطان مذکور خدمت مینمود در ایام مختفی شدن شاهزادهٔ مسطور در کوهستان
سرینگر فوت گشت   بهادرخان ملک حسین ولد میر ابوالمعالی خافی منصبی در شش
سنه احد عالمگیری باین خطاب و در سنه ۱۶ بخطاب خان جهان بهادر سرافراز شده بود
تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب خان جهان بقلم خواهد آمد   بهادرخان رن مست برادر خضر
خان پنی بیجاپوری در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب پنجهزاری و بخطاب بهادرخان سرافراز شده
در سنه ابه در فتح قلعهٔ حیدرآباد ترددی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   بهادرخان
برادر داودخان بن خضرخان پنی در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سربلند
شده در سنه ۴۹ در فتح قلعهٔ واکن کره ترددشایسته نموده بنوازش نقاره خورم و خورسند
گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   بهادرخان برادر داودخان بن خضر پنی در آخر عهد عالم
گیری بمنصب و به این خطاب سربلند شده در سنه ۴۹ در فتح قلعه واکن کره ترددشایسته نموده
بنوازش نقاره خورم و خورسند گردیده بود انجام حال او معلوم نشد .   بهادرخان زبور
از امیران نامدار همایونی که در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و بخطاب خانان سپه سالار ممتاز
شده بود آخر بداغ عصیان اکبری متسم شد تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب خانخانان بقلم خواهد
آمد کارهائی که در ایام قدرت خود سرانجام داده از دیگری راست نمی آید   برادر کلان
ادهم خان کوکه که از بندهای همایونی در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و باین خطاب سربه

افراخته در سنه ۵ ترددی نموده در سنه ۱۰ باتفاق دیگر عمده‌ها به تنبیه راجه علی خان حاکم خان
دلیس رفته بود در سنه ۴۲ فوت کرد مشار الیه پنجهزار سوار با خود نوکر داشت باقی خان خواجه
باقی در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه ۱۳ الیشان بمنصب دوهزاری و بخطاب خانی بر
نام خود سرافراز شده در سنه ۸ بفوجداری جوناگده مقرر بود انجام حال او معلوم نشد خواجه
باقی خان شیر خواجه از دودمان علی بیگ اکبرشاهی در اواسط عهد اکبری بمنصب هشت صدی سر
افراز شده در سن ۴۶ بجایزه شمشیرزنی‌ها در مملکت دکن بنوازش نوبت چهرهٔ امتیاز برافروخته
در عهد جهانگیری در دکن اکثر ترددات شائسته نموده بمنصب چهارهزاری رسیده در سنه احد
شاه جهانی بخطاب باقی خان و به نظم ٹهٹه مباهات اندوخته در همان سال فوت کرد باقی خان
باقی بیگ قلماق در سنه ۸ شاه جهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۳ بخطاب خانی و در سنه ۹
بمنصب هزاری و در سنه ۱۰ بمنصب دوهزاری دوهزار سوار و در سن مذکور بفوجداری اسلام آباد
چهره و در سنه ۱۸ اداره عکلی دیوان خاص از تغیر سعدالله خان و در سنه ۱۹ بقلعه داری اکبرآباد
از تغیر راجه بیتهلداس گور سر برافراخته در سنه ۲۵ خزانه از اکبرآباد بلاهور در حضور آمده در سنه ۲۶
تعین مهم قندهار گردیده و در سنه ۲۸ زندگانی را جواب داد باقی خان میر محمود ولد میر باقی صفاهانی
در آخر عهد شاه جهانی به منصب هفتصدی و در سنه ۳۲ بتعدد دیم بداروغگی توپخانه دکن سرافراز
گردیده بود و در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزاری و در سن ۴ بخطاب خانی و بخدمت میر توزکی نام

برآورده

برآورده در سنه ۹ بحراست قلعه جاندور از تغیر میر محمد خان مقرر شده بود انجام کار او معلوم
نشد باقی خان چیله عم حمیدالدین خان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب باقی خان چیله
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز شده خدمت جیبان بیگی میکرد در سن ۴۹
بمنصب دوهزاری و بقلعه داری اکبرآباد از تغیر کامگار خان نام برآورده در عهد بادشاه فرخ
سیر فوت نمود قاقشال برادر مجنون خان از ولایت قبچاق در رکاب همایونی آمده در
سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی نام برآورده خدمت می‌نمود آینده متعین صوبه بنگاله
شده در سنه ۹ هنگام تسخیر ولایت گده همصاف صوبه مذکور ترددات شائسته نموده حضور گا
در سن ۱۲ در ایلغار تنبیه خان زمان سیستانی باغی تلاشهای مردانه متهورانه کرده در سنه ۱۷
در ایلغار اول گجرات در رکاب سعادت در کارزار با میرزا ابراهیم حسین ترددات که نهایی
سپاهی گری و یکه تازی است نموده در سنه ۱۹ هنگام تسخیر ولایت بنگ و بهار در کوره گهات عرض
مشقت و جفاکشتی داده در سن ۲۰ بتعینات باقی خان جهان ناظم بنگاله در جنگ با داود خان کرانی
حاکم زاده بنگاله ترددی نموده در سن ۲۴ ببخت گیری مظفرخان ناظم بنگاله او باز یافت مطالبه
دو راز حساب رایت بغی برافراخته و بسیاری از قاقشالان و کابلیان را با خود متفق نموده
عالمی را بشور آورده در سن ۲۵ به رودانه که بر گردنش جو بشده بود سیاف راه عدم شد
عارف توشکچی همایون بادشاه در سنه احد اکبری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته قد

مینمود و دیگر احوال او معلوم نشد   بهار خان اصغر پسر میر قاسم موسوی مشهدی در عهد اکبری
بمنصب دو هزاری و به این خطاب سربلند شده در سن ۱۲ در تنبیه دوداولد رای سرجن هادا
و در سنه ۲۷ در تنبیه باغیان بنگاله ترددات نموده در سنه ۳۰ در آن جا فوت کرد   بهار خان بلوچ
در عهد اکبری بمنصب دو صدی و باین خطاب سر برافراخته تا سن چهلم خدمت مینمود دیگر احوال
او معلوم نشد سپاهی خوب بود   سعادت غلام شاه طهماسپ والی ایران همراه همایون
بادشاه دولت بودند در سنه احد اکبری بمنصب سه صد و پنجاهی و باین خطاب سر برافراخته تا آخر
عهد خدمت مینمود در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری رسیده و در سنه سیوم فوت کرد این مرد
از حسن خدمت خود حضرت را راضی داشته بود   ترکستانی از بندهای همایونی در سنه
احد اکبری بمنصب سه صد و پنجاهی و به این خطاب سر برافراخته تا آخر عهد خدمت مینمود در عهد
جهانگیری بمنصب دو هزاری رسیده در سنه سیوم فوت کرد امیرد از حسن خدمت خود حضرت را
خوش میداشت   ملا میر محمد شیروانی در سن احد اکبری بدستگیری بیرام خان از مرتبه
طالب علمی بمنصب پنجهزاری و بخطاب ناصر الملک سرافراز شده قلعه الور با محالات میوات
که در تصرف حاجی خان غلام شیر شاه بود مفتوح ساخت خیلی پایه اعتبار داشت در سنه
بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ششم بنظم مالوا از تغیر ادهم خان کوکه والا رتبه گشته در
قلعه بیجاگده از قلاع آن صوبه فتح نموده بمقتضای خودرائی در پی غنیم تا برهان پور تاخته وقت

معاودت

معاودت در سنه مذکور در دریای نربدا غرق شده   مغل برادر زاده حاجی محمد خان
در سن احد اکبری بمنصب سر برافراخته بتعین کابل بود در سنه طلب حضور شده در سنه بخطاب
خانی مامور بود و در کارزار با ابراهیم خان و غیره باغیان و در سنه ۲۲ در تعیناتی شهباز خان میر بخشی
کنبوه در تنبیه رانا زمین دار اودیپور در سنه ۲ در تنبیه چندرسین راتهور و در سنه ۲۸ در هراولی
خانخانان عبد الرحیم در جنگ گجرات تلاش و ترددهای مردانه نموده آمده اکثر شمشیرها نموده
در سنه ۴۰ بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۴۹ باضافه برای نام بر آورده بود در سنه سیوم
جهانگیری بنابر کبر سن بجاگیر دو هزاری خورسند شده نشسته در سنه ازین جهان فانی
بعالم جاودانی انتقال نمود در شمشیرزنی یکه تاز بود   در عهد اکبری بمنصب و به این خطاب
خانی سر برافراخته و در سنه ۲۱ در صوبه گجرات خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد مید
در سنه نهم عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز بود و بدولتخواهی خدمت مینمود دیگر
احوال او معلوم نشد   قوچیق در عهد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی
سر برافراخته تا سنه ۳۰ در کابل خدمت می نمود و اکثر ترددات مردانه کرده دیگر احوال
او معلوم نشد   سفرجی در عهد اکبری بمنصب و به این خطاب و در سنه ۳۰ در صوبه
بنگاله خدمت مینمود در سنه ۴۰ در آن جا درگذشت   باقر خان نجم ثانی در عهد اکبری بمنصب
سه صدی و خطاب خانی داشت و در سن ۱۳ جهانگیری هنگام فوجداری ملتان بمنصب

١٨٠

هشتصدی و در سنه ۱۴ باضافهٔ دوصدی و در سنه ۱۶ بمنصب دو هزاری و بنظم اوده در سنه
بجایزهٔ تردد در جنگ با سلطان خورم باغی بمنصب سه هزاری و برخصت اوده و آمده بنظم
صوبه اوده باز سرافراز شده بود در سنه احد شاه جهانی بنظم آنجا بحال مانده و در سنه ۳ بهنگام
نظم آنجا قلعهٔ منصورگڈه از توابع صوبهٔ حیدرآباد مفتوح گردانیده و در سنه ۵ بعلت سلوک ناپسندیده
که با رعایا و سپاه اختیار کرده بود تغیر گردیده و در سنه ۶ بمنصب چهار هزاری چهار هزار دو هزار
سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم گجرات از تغیر اسلام خان و در سنه هفتم بنظم دهلی از تغیر اعتقاد خان
و در سنه ۸ بفوجداری جونپور و در سنه ۹ بنظم اله اباد از تغیر سیف خان سربلند شده در سنه ۱۰
در آن جا فوت کرد خان مذکور سپاهی صاحب تردد و تیرانداز بی بدل بود میر باقر خان
باقر خان مان ایام پادشاهزادگی عالمگیر بادشاه منصبی داشت در سنه احد الثنان بمنصب
هزاری و بخطاب خانی بر نام خود و بفوجداری سرکار رهجکر سربلند گشته در سنه ۳ بفوجداری
چکله سهرند مباهات اندوخته در سنه ۵ در آن جا فوت کرد باقر خان ولد روح الله خان بن
سید خلیل الله خان یزدی در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی
سربلند شده در سنه ۴۹ هنگام تسخیر قلعه داکن کرا از قلاع دکن مصدر تلاشهای نمایان
گردیده در سنه ۵۰ در فتح قلعه قنوج بحسن ترددات شایسته نموده در عهد محمد شاه بادشاه
فوت کرد در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۴۱ همراه خانخانان

تردد نموده بود

تردد نموده بود و دیگر احوال او دریافت نگشت در سنه ۴۱ اکبری بمنصب و به این خطاب
سربلند نموده و در دکن همراه خانخانان مصدر تردد و در سنه ۴۶ با دکهنیان برزم
پیوسته بفیروزی نامور بود و در آن صوبه خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد
در سنه ۴۴ اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربلند و بهنگام تسخیر قلعه آسیر مصدر تردد بود
دیگر احوال او معلوم نگشت سید کاسو بارهه منصبی داشت در سنه ۱۳ جهانگیری بتیغ
این خطاب و در سنه ۱۹ بمنصب هزاری سربلند شده در کارزار با خورم سلطان باغی
ترددی نموده بود در سنه ۴ شاه جهانی به آسیب آتش هلاک شد پرورش خان دیگر
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربلند و تا عهد بهادرشاه مورد عنایات بود
ظاهر اهتمامی نواب زینت النسا بیگم فرزند عالمگیر بادشاه غازی بود در عهد محمد شاه
فوت کرد از نوکران عادل خان حاکم بیجاپور در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب هزاری
و بخطاب خانی سربلند شده خدمت مینمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد سعید داروغه
زرگرخانه منصبی داشت در سنه ۱۱ جهانگیری خدمت مینمود در سنه ۱۵ بخطاب بی بدل خان
سربلند شده در عهد شاه جهانی بنابر این حسن خدمت که در سنه ۸ باهتمام او تخت طاؤسی
بصرف یک کرور روپیه در مدت هفت سال تیار شده بود بمنصب ششصدی کامران گردیده
خدمت میکرد انجام حال او هیچ معلوم نشد بهاء الدین سابق نوکر زینخان

کوکه بود در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و در سنه ۱۵ بخطاب و بداروغگی توپخانه دکن
سربرافراخته در سنه ۱۸ شریک بغی سلطان خورم گردیده انجام کار داخل دولتخواهان
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد برقنداز خان محمد جعفر داروغه توپخانه بادشاهزاده
دارا شکوه در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب و به این خطاب سربرافراخته در سنه احد عالمگیری
بدستور بحال و در سنه ۲ در سنه ۴ متعین دکن شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد
برادر منصور خان فرنگی در سنه ۱۸ جهانگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده
خدمت نموده در سنه ۲ شاه جهانی متعین ارادت خان ناظم دکن گشته بود دیگر احوال او
معلوم نشد کرم الله منصب پانصدی داشت در سنه ۱۸ جهانگیری بجایزه تردد در
جنگ افواج سلطان خورم باغی در گجرات بمنصب هزار و پانصدی و به خطاب خانی سربر
افراخته در سنه احد شاه جهانی بمنصب دو هزاری مامور شده در سنه سیوم فوت کرد
ولد سعید خان در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه احد
شاه جهانی بمنصب دو هزاری مامور شده در سنه سیوم فوت کرد ایشان از فوجداری سورته
که از سابق داشت تغیر شده در سنه سیوم فوت کرد میانه در عهد جهانگیری منصبی
و خطابی داشت در سنه احد شاه جهانی به منصب هزاری نام برآورده تعین مهابت
خان و در سنه ۲ متعین ارادت خان ناظم دکن شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

ناهلم خان

ولد جهانگیر قلیخان بن اعظم خان میرزا عزیز کوکه منصبی داشت در سنه پنجم
شاه جهانی بمنصب دو هزاری و بفوجداری جونگره از انتقال پدر و در سنه ۱۹ باضافه
منصب مباهات اندوخته در همان سال فوت کرد بهرام خان ولد مهابت خان لهراسب
در اوایل عهد عالمگیری به منصب و خطاب خانی بر نام خود سربلند شده قلعه دار ادگیر
بود در سنه ۸ معزول گردیده در سنه ۱۸ بقلعه داری فتح آباد دکن مقرر گردیده در سنه ۲۳
در جنگ حیدرآباد مردانه آویزش نموده بکار آمد سیرانام ولد دلاور خان برنج منصبی
داشت در سنه ۹ شاه جهانی بمنصب هزاری و به این خطاب سربلند شده در سنه ۲۰
بمنصب دو هزاری و به تهانه داری بنگش بالا و در سنه ۲۱ بجایزه تردد در جنگ قزلباش
باضافه پانصدی و در سنه ۳۱ به حکومت قلات و در سنه ۵ بقلعه داری زمین داور
و در سنه ۷ بقلعه داری قلعه بست از انتقال عزیز الله خان و در سنه ۲ به منصب سه هزاری
ذات و سوار سرافراز شده در سنه ۲۳ در بغداد و بعهدی قزلباشیه اسیری رفته
بود آخر کار او معلوم نگشت پردل خان سهل افغان منصبی داشت در سنه احد
عالمگیری بخطاب پردل خان سربرافراخته در تعاقب دارا شکوه هر دو بار شتافته
در سنه ۳ تعین مهم قندهار و مهم راوکرن بهو نمه گردیده بفوجداری بیر مقرر
شده در سنه ۶ و در سنه ۸ همراه میرزا راجه جی سنگه در دکن ترددات مردانه نموده

تا سنه ا خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد   پردل خان ولد فیروز خان میواتی در اوائل
عهد عالمگیری بمنصب ۰ در اواسط عهد بخطاب پردل خان سرافراز شده در سنه ۲۶ تردد ها نموده
در سنه ۲۸ با جماعه بسیار در راجپوتانه بکار آمد   پردل خان دیگر در عهد عالمگیری بمنصب هشت صدی
و به این خطاب سربلند شده بقلعه داری و فوجداری ملکاپور مضاف مملکت دکن مقرر گشته در سنه
احد بهادر شاه با دو شاه اضافه یافته بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد   دکهنی در اوائل عهد شاه
جهانی به منصب دو هزاری و باین خطاب سربرافراخته در سنه ۱۲ الفوجداری لکهی جنگل مقرر بود در
سنه ۵ همراه شائسته خان در صوبه بهار تردد نموده در سنه ۱۶ الفوجداری نزهت نام برآورده در
سنه ۲ در مهم بلخ و بدخشان تردد کرده در سنه ۲۱ الفوجداری مندسور مقرر شده در سنه ۲۳
معزول کردیده در سنه ۲۹ همراه مرزا خان ناظم برار در دکن تردد نمایان کرده در سنه احد عالمگیری
بمنصب سه هزاری و بخطاب خواص خان مخصوص شده تتمه احوال او در ذیل خطاب خواص خان
بقلم خواهد آمد   بختیار خان ملک جیون افغان زمیندار ضلع قندهار در سنه احد عالمگیری
بجایزه دستگیر کرده آوردن سلطان دارا شکوه که بخانه او پناه برده بود بمنصب هزاری
و بخطاب بختیار خان سربلند شده خدمت نمود در سنه ۵ بعدم رفت   محمد مراد ولد محمد
امین بن مرزا ابوالمکارم بن ابوالمظفر بهادر خان علوی در عهد شاه جهانی بمنصب و بخطاب
بشارت خان سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد   بشارت خان روح الله ولد

دیوندل

یوسف خان تاشکندی بمنصب هزاری و روح الله برادرزاده مکرمت خان بمنصب هفت
صدی هر دو تا آخر عهد شاه جهانی سربلندی داشتند و خدمت نمودند از این هر دو یکی در سنه ۸
عالمگیری باین خطاب و به دیوانی کابل سرفراز شده در سنه ۰ در آن جا فوت کرد   بشارت خان
محمد عابد ولد محمد علی بن بشارت خان محمد مراد در سنه ۴۸ عالمگیری بمنصب پانصدی و باین خطاب
سرافراز گشته در سنه ۰ محمد شاه فوت کرد   بزرگ امید پسر بهین نور امیر الامرا
شائسته خان در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و آینده با اضافه پانصدی و بخطاب خانی
بر نام خود سربلند شده در سنه ۹ هنگام تعیناتی بدر چلدوی فتح جا بکام مضاف صوبه
بنگاله به منصب دو هزاری سرافراز گردیده آینده به نظم صوبه بهار و در سنه ۳۶ به نظم الهاباد
از تغیر همت خان بهادر ولد خان جهان بهادر ظفر جنگ کوکلتاش مقرر شده در سنه ۳۸
در آن جا فوت کرد این مرد خوش همت و عالی جاه و دولت خواه بود حضرت بسیار از و خورسند
بود   خواجه برخوردار ولد خواجه عمر نقشبندی در عهد جهانگیری منصبی داشت و چون
مهابت خان زمانه نیک بود در سنه احد شاه جهانی از زجر در رکاب ایشان آمده به منصب هزاری
سربرافراخته در آخر عهد بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۹ بقلعه داری اوسه نام برآورده در سنه
احد عالمگیری بخطاب اشرف خان و در سنه چهارم بخطاب برخوردار خان چهره امتیاز
برافروخته خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد   عزیز الدین ولد مرزا بهرام بن صادق خان

طهرانی منصبی داشت و خویش مهابت خان زمانه بیگ بود در سن احد شاه جهانی از جبر
در رکاب ایشان آمده منصب هزاری سر بر افراخته در آخر عهد بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۰
بقلعه داری اوسه نام برآورده و در سنه احد عالمگیری بخطاب اشرف خان و در سنه چهارم بخطاب
برخوردار خان چهرهٔ امتیاز برافروخته خدمت همو و انجام حال او معلوم نشد   عزیز الدین
ولد میرزا بهرام بن صادق خان طهرانی منصبی داشت در سنه ۱ عالمگیری بخطاب بهره مند خان
و در سنه ۲۲ بمیر بخشی گری احدیان و در سنه ۲۳ بمیر آتشی گری و در سنه ۲۴ بداروغگی دیوان
خاص و در سنه ۳۰ به تن بخشی گری از تغیر روح الله خان و در سنه ۳۱ بجلدوی ترددات در فتح
بیجاپور و حیدرآباد بنیابتی و در سنه ۳۲ بمنصب سه هزار و پانصدی و در سنه ۳۶ به باضافهٔ
پانصدی و بخدمت میر بخشی گری از انتقال خان مذکور و در سنه ۳۸ بمنصب پنجهزاری و الا رتبه
شده و در سنه ۴۶ فوت کرد و امیری بود با وقار و حیا مبارک محضر پاک طینت موافق و جبر
خواجه سرا در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب و در سنه ۲۹ فوت کرد حضرت
چند قدم مشایعت جنازهٔ او فرمودند بسیار موفق و خیر بود و در تاریخ دانی ید طولی داشت
بختاور خان خواجه سرا منصبی داشت در سنه ۴۹ عالمگیری باین خطاب سرفراز شده بود
در عهد محمد شاه بیگ نام رفت   محمد عاقل برلاس در عهد شاه جهانی منصبی داشت
در سن احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب تهور خان و در سنه ۳۰ بفوجداری جینپور

مصاف صوبهٔ بهار سرافراز شده در سن چهارم در فتح ولایت پالامون ترددی کرده در
سنه ۱۲ بفوجداری اوده نام برآورده در سن سوم بخطاب پادشاه قلی خان سرافراخته
در سنه ۲۴ از طرف محمد اکبر شاهزادهٔ باغی باراده فاسد بسفارت آمده بود بدر دیوان
خاص و طلبیدن در حضور خواست که به [illegible] خون کفران نعمت [illegible] بود ناشی
بتعزیه دور افتاد و در حالت حینیه که زیر جامه در برکشیده بود ظاهر کردند و کارش باتمام
رسید   در اوایل عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سرافراز بود در سنه ۲۳
بفوجداری دهارور و در سن ۲۹ به نیابت صوبهٔ مالوا از طرف پادشاهزادهٔ محمد اعظم مقرر
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   افغان در اوایل عهد عالمگیری به منصب و خطاب خان
سرافراز و در سنه ۴۲ متعین غازی الدین خان بهادر بود و اکثر ترددات مردانه همو و بار خانی که
در جنگ اکبرآباد از طرف بهادر شاه بکار آمد معلوم نشد که همان است یا دیگری
در عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۲۹ همراه پادشاهزادهٔ
محمد معظم خدمت همو و در سنه احد بهادر شاه بخطاب اله وردی خان نام برآورده بود
دیگر احوال او معلوم نشد   ناظر دیوڑهی پادشاهزاده محمد اعظم در عهد عالمگیری
بمنصب و باین خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد   بهره ور خان ولد نجابت خان
در آخر عهد عالمگیری به منصب و باین خطاب سربلند بود در سنه ۴۸ بمنصب دو هزاری سوار

هزار و پانصد سوار و به نظم صوبهٔ برهان پور از انتقال پدر سرافراز گردیده دیگر احوال او معلوم نشد

میر سیف خان فقیر الله در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سربلند داشت
در سنه ۴۵ به قلعه داری یکی از قلاع مفتوحهٔ دکن مقرر شده در سن احد بهادر شاه به نظم
بادشاه زاده محمد کام بخش داغ زندگانی خود شد

در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این
خطاب و فوجداری سکهر سربلند شده در سنه ۴۹ معزول شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

ولد رستم خان بیجاپوری در آخر عهد عالمگیری به منصب هزار و پانصدی و خطاب خانی
سر برافراخته خدمت مینمود در سنه احد بهادر شاه بادشاه باضافهٔ پانصدی نام برآورده بود
دیگر احوال او معلوم نشد

در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سربلند شده بود
بعد رحلت آنحضرت از پیش محمد اعظم شاه به منصب هزار و پانصدی چهرهٔ امتیاز برافروخته
بود دیگر احوال او معلوم نشد

تردی بیگ خان ترکستانی از امیران نامدار همایونی بود اکثر ترددات نمایان نموده
در سنه احد اکبری بجایزهٔ حقوق خدمت دیرینه به منصب پنجهزاری و خطاب خانی بر
نام خود سرفراز شده در آن سال در جنگ با هیمون کوتاهی کرده بود بیرام خان بغض
هم چشمی بحکم بادشاه بتقصیر گریختن از جنگ هیمون بجان کشته

قوچین در
سنه احد اکبری به منصب هزاری و خطاب خانی سر برافراخته و در گرفتن شاه ابوالمعالی

معز و مصدر

معز و مصدر جرات نمایان گردید در سنه ۲۳ در تعیناتی مالوا و در سنه ۲۸ در تعیناتی خان جهان
ترددات شایسته نموده در سنه ۳۱ در تعیناتی اعظم خان کوکه تقصیری کرده بود معاتب گشته
بعد عفو تقصیر در سنه ۳۲ تلاش های مردانه نموده در بنگاله خدمت میکرد در سن ۴۱ ازین جهان
فانی بعالم جاودانی انتقال نمود

یکه در سن احد اکبری بمنصب پانصدی و خطاب خانی سر برافراخته
در سن ۲ خدمت مینمود در سن ۳ بتعین کابل گردیده در سن بیست و چهارم در تعیناتی صوبهٔ بهار
در تنبیه قاقشالان وغیره باغیان بنگاله مصدر خدمات پسندیده شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

خواجه محمد طاهر خراسانی در سن احد اکبری بمنصب هزاری سرافراز و به این خطاب سربلند
شده در سنه ۵ حکومت دهلی داشت در سنه ۱۳ در ایام حکومت آنجا فوت کرد

تاتار خان تاتار
ولد علی محمد در آخر عهد اکبری بمنصب هشتصدی و تعلیم سلطان خورم بزبان ترکی و بخدمت بکاولی
سرافراز شده بود در عهد جهانگیری بخطاب خانی و در سنه ۱۲ به منصب دو هزاری و بحالی خدمت سر بر
افراخته در سن ۱۵ مصدر ترددی شده در سن هجده هم بقلعه داری گوالیار مقرر گشته بود انجام
حال او معلوم نشد

خواهرزادهٔ شاه محمد سیف الملک سابق نوکر بیرامخان بود در سنه احد
اکبری به منصب پنجهزاری و خطاب خانی سر برافراشته خدمت می نمود در سن ۵ برای فهمانیدن
بیرام خان که از نامعامله فهمی بسر بغی و نمک حرامی آمده بود تعین شده در سن ۷ در فتح قلعهٔ
میرتهه وطن راتهوران ترددی نموده در سنه ۱۰ به نظم اکبرآباد و در سنه ۱۹ به فوجداری بهکر و

سن ۱۲ بفوجداری پتن گجرات مقرر گشته در سن ۲۳ معزول گردیده و در سنه ۲۴ بتعینات
جونپور نام برآورده بعد چند ماه بتعین بنگاله شده در سنه ۲۵ بعد کشته شدن مظفر خان ناظم
بنگاله به اتفاق راجه تودرمل در آن جا تردد ها نموده در سن ۲۶ در تعیناتی اعظم خان کوکه ناظم آنجا بود در
سنه ۲۸ در جنگ با کالاپهار و قاضی زاده سر حلقه نمک حرامان در بنگاله مصدر تلاش های مردانه نموده
در سن ۲۹ با معصوم خان کابلی باغی نجرب صعب پیوسته آخر به اسیری رفته بظلم آن نمک حرام درجه
شهید شد   مولانا نور الدین از ندیمان مخلص خاص همایون بادشاه بود و از علم هندسه و هیات خبر
داشت در سن اول اکبری به منصب و خطاب ترخان سرافراز شده در سنه دهم هنگام فوجداری شاهمانی تردد
نمایانی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد ترخان سلطان خواجه نقش بندی ولد خواجه دوست منصبی داشت
در سنه ۱۲ اکبری با شش لک روپیه بندر بحج میرحاج رفته بعد مراجعت از آن جا در سنه ۲۳ با خطاب ترخانی
صدارت سر برافراخته در سنه ۲۹ در اوده فوت شد ترخان میرزا جانی بیگ ولد باینده محمد بن میرزا
باقی بن میرزا عیسی که به چند پشت بارغون خان بن ابغا خان بن هلاکو خان بن تولی خان بن چنگیز
خان میرسد چون در ماوراءالنهر تفرقه شد الوس ارغون خان بخراسان آمد و از طرف سلطان حسین
میرزا مملکت قندهار در جاگیر ذوالنون بیگ ارغون مقرر بود شاه بیگ ولد ذوالنون بیگ بعد گرفتن
بابر بادشاه قندهار را بطرف سیوستان آمده آن ملک را از جام ... و چون شاه بیگ فوت کرد ارغونیان
از بد وضعی میرزا شاه حسین پسرش رنجیدند و میرزا عیسی را که اجداد او در سوابق ایام مربی

الوس

الوس ارغون داشتند بحکومت برداشته ملک را تقسیم نمودند و میرزا عیسی پس از درگذشتن
میرزا شاه حسین تمام ملک را متصرف شده بود و میرزا جانی نبیره او در سنه ۳۸ اکبری بعد فتح ولایت
تهته بمعرفت خانخانان عبدالرحیم بشرف ملازمت و منصب سه هزاری و نظم صوبه تهته و به این
خطاب سرافراز گردیده بنابر خلوص ارادت از مریدان خاص شده در سنه ۴۱ باضافه پانصدی
نام برآورده در سنه ۴۵ در برهانپور فوت نمود مومی الیه در صوری دانش ملکی و داشت در بار
شعر و نظم موسیقی توانا دست بود   ترخان میرزا عیسی از خویشان میرزا غازی بن میرزا
جانی حاکم تهته در سنه ۷ جهانگیری از دکن آمده بمنصب هزاری و در آخر عهد به نیابت نظم
تهته از طرف شاهزاده شهریار سرافراز شده بود و در سنه احد شاه جهانی بمنصب چهار
هزاری و به این خطاب و بفوجداری متهرا سر برافراخته در سنه ۳ همراه عبدالله خان بتعاقب
خانجهان لودی بدکن رفته در سنه پنجم بجاگیر ایلچپور و در سنه ۸ بفوجداری سورته مضاف صوبه
گجرات و ... باضافه هزاری و در سنه ۱۰ بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه
و نظم گجرات از تغیر اعظم خان سربلند گشته در سنه ۱۱ معزول گردیده آینده باز بفوجداری
سورته مقرر شده در سن ۲۹ بعد عزل خدمت وقت مراجعت در سابهر رحلت کرد ترخان
محمد صالح ولد ترخان میرزا عیسی در سنه ۱ شاه جهانی به منصب هزاری هزار سوار و در سنه ۲
باضافه پانصدی و به منصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ بفوجداری سورته از تغیر ...

منصب دوهزاری دوهزار سوار و و اسپه و در سنه ابه بفوجداری سیوستان از تغیر مرزا ابو المعالی
سرافراز شده و در سنه ۲ عالمگیری باین خطاب و به اضافهٔ پانصدی نام برآورده در سنه ا معین
دکن گردیده بود دیگر هیچ احوال او معلوم نشد   دیوانه در عهد اکبری به منصب و خطاب خانی
سربرافراخته در سنه ۱ در جنگ با میرزا ابراهیم حسین در رکاب همایون ترددی نموده در
سنه ۲۳ از تبعی برافراشته تا سنه ۲۷ داخل یاغیان بود دیگر احوال او معلوم نشد   در عهد
اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۳ امتعین صوبهٔ بهار بود در سنه ۲ باتفاق مظفر
خان در سنگر درهمین افاغنه آن جا ترددی کرده بود دیگر احوال او معلوم نشد
ولد نیا خان کنگ در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۸ در جنگ با افاغنه
بهار همراه پدر خود تردد نموده اکثر بذات خود تلاشها کرده در سنه از اصل و اضافه به منصب
دوهزاری نام برآورده خدمت مینمود و از روی نفس الامر سپاهی بی بدل بود انجام حال او
معلوم نشد   کتاره در اواسط عهد اکبری به منصب دوصدی و به این خطاب سربرافراخته
تا سنه ۲۸ خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد   تاج خان لوحانی در سنه ۳۸ اکبری
بمنصب و به این خطاب سربلند بود و متعینه سلطان خسرو شده خدمت مینمود دیگر احوال
او معلوم نگشت   تاج خان باش بیک مشغول از نوکران مرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت
در سنه ۳۱ اکبری بعد رحلت میرزا بحضور آمده به منصب هزاری سر برافراخته آینده باین خطاب

ومنصب

منصب دوهزاری نام برآورده بود در سنه احد جهانگیری به منصب سه هزاری سرافراز
شده و در سنه ۳ بصوبه داری ملتان مقرر گردیده و در سنه ۵ بنظم کابل و بعد چند ماه بحکومت
بهکر و در سنه ۷ باضافه پانصدی و در سنه ۹ بهنگام بودن آن جا باضافه پانصدی مباهات
اندوخته درهمان سال در آن جا فوت کرد   عبد الرحیم ولد قایم خان در سنه ۱۳ ستوم
جهانگیری بمنصب هفتصدی و به این خطاب سرافراز بود و در سنه ۵ بفوجداری الور مقرر شده
در سنه ۱۱ بمنصب سه هزار و پانصدی رسیده در سنه ۱۴ فوت کرد مرد بی بد نام او مزاج بود
تربیت خان فخر الدین احمد از اولاد امیر حاکو از خانه زادان دیرین در آخر عهد جهانگیری
به منصب و به این خطاب سربلند شده بو و بعد رحلت آن حضرت همراه آصف خان و
سلطان بلاقی ولد سلطان خسرو در جنگ با سلطان شهریار باغی تردد نموده در سنه احد
شاه جهانی بمنصب هفتصدی و آینده بفوجداری حصار و سهرند و در سنه ۲ بمنصب هزار
و پانصدی و بداروغگی اصطبل مقرر شده در سنه ۸ بمنصب دوهزاری و تن تخشی گری
از تغیر معتمد خان محمد شریف و در سنه ۱۳ بخدمت قوش بیگی از تغیر شاه نواز خان و در سنه ۱۴
به اضافهٔ پانصدی و تنظیم کشمیر از انتقال شاه قلیخان حاجی وقاص مباهات اندوخته
در سنه ۱۵ معزول گردیده در سنه ۱۶ العدم رفت تربیت خان شفیع الله برلاس
منصبی درشت در سنه ۱۹ اشاه جهانی بقلعه داری لاهور و در سنه ۲۰ بمنصب ... اری

وخدمت میرتوزکی سربرافراخته بسزاولی رسانیدن افواج در خدمت شاهزادهٔ عالمگیر به بلخ
رفته بعد آمدن از آنجا در سنه ۲۲ باضافهٔ پانصدی مامور شده بتعین مهم قندهار گردیده
در سنه ۲۳ باین خطاب و بمنصب دوهزاری و در سنه ۲۴ بخدمت آخته بیگی از تغیر مرشد قلی
و در سنه ۲۶ بداروغگی توپخانه رکاب و در سنه ۲۸ باضافه پانصدی و در سنه ۲۹ به نیابت
نظم اودیسه از طرف شاه شجاع از تغیر رشید خان که او در رفتن آنجا تقاعد ورزیده بود
و در سنه ۳۱ بنظم اوده از تغیر شاه نواز خان سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری به منصب
سه هزار و پانصدی بنظم صوبه اجمیر و در سنه ۳ بنظم ملتان از تغیر لشکر خان سرافراز گردیده
در سنه ششم بسفارت پیش شاه عباس ثانی والی ایران با تحائف هفت لکهه روپیه رفته
در سنه ۹ معاودت نموده بعد رسیدن حضور بتقصیر عدم سرانجام خدمت سفارت معاتب
گردیده در سنه ۱۱ پس از عفو زلات به منصب سابق بحال و بنظم صوبهٔ اودیسه از انتقال خان
دوران سید محمود چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه ۱۳ بنظم صوبه اوده و در سنه ۱۹
بفوجداری سهارنپور و در سنه ۸ بنظم صوبه بهار و بعد چندی بفوجداری ترهت و دربهنگا
مضاف صوبه مذکور و از آنجا بفوجداری جونپور مقرر شده در سنه بیست و هشت فوت کرد تربیت خان
بهادر ولد وارث خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب تربیت خان سربلند شده
در سنه ۴۰ باضافه منصب و در سنه ۴۲ به میر آتشی ممتاز گردیده آخر بجلدوی اگر در فتح
قلعه

قلعه ستارا و کهیلنا وغیره از قلاع دکن تلاش نمایان بکار برده بود در سنه ۴۶ به منصب
سه هزاری و پانصدی و در سنه ۴۹ بجایزهٔ دیگر ترددات نمایان به منصب چهار هزاری و بخطاب
بهادر و همدر آن سال بداروغگی توپخانه دکن از تغیر منصور خان سرافراز شده و پسرش
محمد اسحاق بنیابت میر آتشی نام برآورده بعد رحلت آن حضرت همراه اعظم شاه در
جنگ اکبرآباد در رایت جان بازی برافراخت کارهای نمایانی در عهد آن حضرت بزور شمشیر
زنی خود بیادگار گذاشته رفت   تمام خانی در سنه ۱ جهانگیری بمنصب هشتصدی
و به این خطاب سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد   تقی خان نبیرهٔ بهرهمند خان
منصب هشتصدی داشت در سنه ۴۸ عالمگیری بخطاب خانی بنام خود سربلند شده و در
سنه احد بهادر شاه بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب بهره مند خان نام برآورده انجام
حال او معلوم نشد   میر محمود منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری بخطاب تهور خان
سرافراز شده تا سنه ۱ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد تهور خان محمد عاقل لاس
در سنه احد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربرافراخته در سنه ۲۳ بخطاب پادشاه
قلیخان سرافراز شده بود انجام کار او در ذیل حرف با نوشته شد تهور خان فاضل بیگ
برادر تهور خان محمد عاقل منصبی داشت در سنه ۲۳ عالمگیری بخطاب تهور خان سربلند شده
خدمت مینمود انجام کار او معلوم نشد تهور خان ولد صلابت خان منصبی داشت در سنه ۵

عالمگیری بمنصب هفتصدی خدمت مسکه و در سنه ۲۹ بخطاب هدایت خان نامور شد تتمهٔ احوال او در ذیل
خطاب هدایتخان بقلم خواهد آمد نور الله کرکراق در سن پانزدهم جهانگیری بمنصب پانصدی
و در اواسط عهد هزاری سربلند بود اشت در سنه ۲ عالمگیری بخطاب تنز لیف خان و در سنه ۳
بخطاب مقبح خان سرافراز شد تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب مقبح خان بقلم خواهد آمد
در سنه ۱۹ جهانگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد
حکیم داؤد ولد حکیم عنایت الله از حکمای شاه عباس اول در سنه ۴ شاهجهانی از ایران
آمده روز ملازمت به منصب هزار و پانصدی سربلند شده در سنهٔ ۸ جلدوی علاج بیگم صاحب
باضافهٔ پانصدی و در سنه ۱۹ باضافهٔ پانصدی و در سنه ۲ به منصب دو هزاری و باین خطاب و در سنه
بمنصب چهار هزاری و آینده بمنصب پنجهزاری والا رتبه گشته در سنه احد عالمگیری ترک منصب نموده
در سن ه در گذشت امیر بیک در عهد عالمگیری به منصب و باین خطاب سرافراز شده
آینده بفوجداری سورته مصاف صوبهٔ گجرات و در سنه ۴ هنگام نیابت صوبه داری برار از
طرف غازی الدین خان بهادر به اضافهٔ پانصدی چهرهٔ امتیاز برافروخته در ایام قلعه داری
بهکر از این جهان فانی قالب تهی کرد اسد خان در آخر عهد عالمگیری به منصب
هزاری و به این خطاب سرافراز شده خدمت مینمود در سنه احد بهادر شاه باضافهٔ
پانصدی نام برآورده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد

نتاک

سرلانا ثانی هروی از طایفهٔ ارادت نوکران میرزا هندال در رکاب همایونی آمده بودند در سنه احد
اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی برنام خود سرافراز شده خدمت مینمود آینده بسفارت پیش حکام دکن
رفته در سنه ۲۲ با پیشکش آنها مراجعت کرده بجایزهٔ نیکو خدمتی بمرتبه امارت رسیده بود و طبع نظم داشت
دکافیه را نظم نموده در جوار قلیچه قدم مبارک گوالیار از دنیا دکار رمانده
چغتا خان در سنه احد اکبری به منصب و بخطاب خانی برنام خود سر برافراخته فوجدار میوات مقرر شده بود
در سنه ششم هنگام فوجداری آنجا رعایتی براجه بهگوانداس کچهواهه زمیندار آنبیر نموده قوم کچهواهه
را گرویده کرده در سنه ۹ در ایلغار تنبیه عبدالله خان اوزبک که باغی شده بود در سنه ۱۲
در ایلغار بادیث خان زمان باغی تردد دات نموده اکثر متعینین مالوا مانده در سنه ۲۲ در کارزار
باد کهنیان بزخم بندوق بکار آمد چغتا خان بهادر فتح جنگ کاشغری در آخر عهد عالمگیری
بمنصب هفت هزاری و باین خطاب سرافراز شده تا سنه احد بهادر شاه خدمت مینمود دیگر
احوال او هیچ معلوم نشد توپچی در سنه احد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سربلند
شده در سنه برای آوردن میان تان سین رفته بود در سنه ۱۰ در ایلغار گجرات ترددی
کرده در سنه ۲ در راجپوتانه شهید شد جلال خان ولد محمد خان بن سلطان آدم گکهر بجایزهٔ
حقوق سلطان آدم که بنابر تسخیر هندوستان رهنمائی همایون بادشاه کرده بود در عهد اکبری
بمنصب هزار و پانصدی و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۹ هنگام تعیناتی شاهزاده مراد

بنا بر تنبیه میرزا محمد حکیم و در سنه ۳۱ در ایام تسخیر کشمیر مصدر تردد ها بود در عهد جهانگیری
متعین صوبه کابل گردیده در سنه ۱۵ در ضلع بنگش فدائی کار ولی نعمت شد جلال خان
ولد دلاور خان کاکر بعد فوت پدر در سنه ۵ جهانگیری بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه ۳۰
شاه جهانی در صوبه کابل خدمت مینموده در سن دوازدهم بفوجداری جمون از تغیر نشاه
قلیخان و در سنه ۱۴ به منصب هزار و پانصدی چهره امتیاز برافروخته در سنه ۲۹ همراه
میرزا خان ناظم برار گردیده در سنه ۱۳ بفوجداری نصیر آباد مضاف صوبه خاندیس مقرر گرده
تا آخر عهد خدمت مینمود در سنه ۳ عالمگیری بمنصب سه هزاری و خطاب خانی و بفوجداری هوشنگ
آبادی لوای مباهات برافراشته تا سنه ۸ تردد میکرد انجام کار او معلوم نشد در فن سپاه
گری سر مشق بود   جعفر خان تکلو ولد قراق خان حاکم خراسان که وقتی پدرش از
شاه طهماسپ صفوی والی ایران یاغی نموده بقتل رسید بدرگاه اکبر بادشاه آمده بمنصب
هزاری سرافراز شده در سنه ۱ در رکاب والا آمده در تنبیه خان زمان باغی نزد وی گرده بعد از
خدمت چهل سال فوت کرد جعفر خان ولد صادق خان طهرانی منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی باضافه
منصب سرافراز شده در سنه ۴ بمنصب دو هزاری و در سن ۵ بمنصب سه هزاری سرافراز شده در سنه ۱۰
در رکاب والا در سنه ۱۴ بعد فوت پدر باضافه هزاری و در سنه ۲ خوارش نوبت و در سن ۵ بمنصب
پنجهزاری سه هزار سوار و در سنه ۲۲ القلعت بعنایات خلعت با فرخی سربلند گردیده در سنه ۱۲ بعد فوت افضل خان

علامی تا رسیدن

علامی تا رسیدن اسلام خان ناظم بنگاله برای تقرر وزارت بدستخط نمودن سیاهه تنخواه ارباب
مطالب پس از عرض بر وفق حکم والا و اجرای اسناد تیول بمهر خود مقرر شده در سنه ۱۳ بوقوع
تقصیری بی منصب شده بعد چهار ماه بحال گردیده در سنه ۹ بنظم لاهور رایت مباهات برافراخته در
سنه ۱۳ بمیر بخشی گری از انتقال اصالت خان چهره امتیاز برافروخته در سن ۲۳ بنظم شاه جهان آباد
از انتقال مکرمت خان و در سنه ۲۴ بنظم صوبه بهار از تغیر سعید خان جغتائی مامور شده در سنه ۳۱
معزول گردیده در سنه ۲ بخدمت وزارت از تغیر معظم خان محمد سعید حیدرآبادی اختصاص یافته
لاکن مقرر شده بود که بر افراد محاسبت را ایرانیان رکهتا نه دیوان خالصه دستخط و بر برواتجات
پائین تر مهر خان مشار الیه مهر خود مینموده باشند در سنه احد عالمگیری بمنصب شش هزاری
ذات و سوار و بنظم مالوا و در سنه ۹ بخدمت وزارت از انتقال فاضل خان علاء الملک
و بعنایات خلعت با چارقب و در سنه ۶ به منصب هفت هزاری هفت هزار سوار چهار هزار
سوار دو اسپه سه اسپه و بعنایات خلعت خاص با نادری بلند مرتبه گشته در سنه ۱۳ آثار کی دماغ
و عالی جاهی را با خود برده سید جعفر خان در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب
برافراخته تا سنه احد بهادر شاه خدمت مینمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد   بلوچ در عهد اکبری
بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده در سن ۱ و در سنه ۱ تردد ها نموده در سن ۱۰ همراه
سلطان خواجه بحربتی رفته در سن ۲۵ بعد مراجعت متعین سلطان مراد گردیده بود دیگر احوال او

هیچ معلوم نشد جمال خان فوجدار فیلان خاصه در عهد اکبری به منصب و خطاب خانی شده در سنه
همراه راجه مانسنگه کچهواهه در جنگ با رانا زمین دار اودیپور ترددهای نمایان کرده فیل جنگی
برفع اعدا دو برو نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد جمال خان ترکی در عهد جهانگیری بمنصب و
بخطاب خانی برنام خود افراخته در سنه ۸ ترددی نموده در سنه ۱۵ در جنگ قلعه کانگره شهید شد
جمال خان قراول در سنه ۲ جهانگیری بمنصب و خطاب خانی برنام خود سرافراز شده در عهد شاه
جهانی بمنصب هفتصدی امتیاز یافته تا سنه ۱۱ خدمت نموده در سنه ۱۶ رحلت کرد جمال خان نوجابل
در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و باین خطاب سرافراز شده در سنه ۸ در دکن بود در
سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان و در سنه ۲۳ در مهم قندهار تلاش ها بکار برده بود دیگر احوال او معلوم
نشد   فوجدار فیلان خاصه در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سر برافراخته در سنه ۲۶
در کارزار با میرزا حکیم برادر خورد حضرت در کابل سواره فیل ترددات نمایان نموده بود دیگر احوال او
هیچ معلوم نشد   دکهنی از امرای حاکم برار در سنه ۴۱ اکبری بمنصب و باین خطاب سر برافراخته
خدمت نمود در سنه ۴۳ بکومک برهان الملک دکهنی تعین شده در کارزار با دکهنیان زخمی
شده دستگیر رفت دیگر احوال او معلوم نشد   در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سر بر
افراخته در سنه ۴۱ با راجه مانسنگه در بنگاله خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد
لعل بیک قلماق در آخر عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی بهادر ممتاز شده بود در سنه احد جهانگیری بخطاب

جهانگیر قلیخان

جهانگیر قلی خان و تنظیم صوبه بهار و بجایزه تنبیه شکر رام زمین دار آنجا به منصب چهار هزار و
پانصدی و در سنه ۲ از انتقال قطب الدین خان کوکه بنظم بنگاله سر بلند شده در سنه ۳ فوت کرد
جهانگیر قلیخان شمس الدین ولد اعظم خان میرزا عزیز کوکه در آخر عهد اکبری منصب دو هزاری
داشت در سنه ۳ جهانگیری باین خطاب و به نیابت نظم گجرات از طرف پدر سرفراز شده تا سنه ۶
در آن صوبه بود در سنه ۹ به منصب سه هزاری نام بر آورده در سنه ۱۰ رخصت جاگیر خود در اله آباد
داشت کام دل بر گرفته در سنه ۱۲ بنظم صوبه بهار از تغیر ابراهیم خان مقرر گشته در سنه ۱۴ به تقصیر آنکه
متوسلان او بر رعایا ظلم نموده‌اند معزول گردیده بعد ملازمت تعین دکن شده در سنه ۱۹
فوجدار جونپور بود آنگاه بنظم اله آباد چهره امتیاز برافروخته در سنه ۲۲ تغیر گشته بود در سنه احد
شاه جهانی بفوجداری سورتهه از تغیر بیکلرخان مقرر گردیده در سنه ۵ در آن جا در گذشت
جهانگیر قلیخان جهانگیر قلی از نوکران پادشاهزاده دارا شکوه در سنه احد عالمگیری
منصب دو هزاری و در سنه ۳ بخطاب خانی برنام خود و در سنه ۵ بفوجداری میان دوآب سرافراز
شده تا سنه ۲۳ خدمت نمود و بجلدوی ترددات مردانه مورد مراحم بود انجام حال او معلوم نشد
ولد قلیچ خان در آخر عهد اکبری منصبی داشت در سنه ۱ بخطاب خانی و در سنه ۹ به منصب دو هزار
و پانصدی سرافراز شده خدمت نمود در سنه ... رحلت کرد   چین قلیچ خان بهادر قمر الدین نام
ولد غازی الدین خان بهادر فیروز جنگ در سنه ۲ عالمگیری روز ملازمت بمنصب چهار صدی دو ز

سنه ۱۲ بخطاب خانی برنام خود و در سنه ۳۰ بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۴۰ به تجلدوی
نزدوی بخطاب بهادر و در سنه ۴۱ بخطاب چین قلیج خان بهادر سربلند شده در آن سال از پدر
آزرده گشته به حضور رسیده بعد یکماه بار یاب ملازمت گردیده در سنه ۴۳ بجایزه تنبیه غنیم
سمت کوتهه دکن باضافه هزاری و در سنه ۴۴ بفوجداری کرناتک از تغیر معمور خان محمد یار و در سنه ۴۵
بفوجداری کرناتک از تغیر معمور خان محمد یار و در سنه ۴۶ بنظم بیجاپور از تغیر لطف الله خان و هم
بفوجداری نلکوکن از تغیر سیف خان و در سنه ۴۹ بفوجداری سکهر و مدکل از تغیر برهان الله خان کامیاب
و بعد از آن سال بجلدوی طلایه نواحی قلعه واکن کیرا بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار یک کرور و پنجاه لک دام
انعام و در سنه ۵۰ بفوجداری فیروزنگر و بالنکوته از تغیر یوسف خان و قدرت الله خان مباهات اندوخته
بود در عهد بهادر شاه خانه نشین شده در عهد پادشاه فرخ سیر نوکری اختیار نموده در عهد محمد
شاه پادشاه بنظم دکن و بمنصب ۹ هزاری و بخطاب آصف جاه والا مرتبه گشته در سنه احد احمد شاهی
فوت کرد   شیخ مودود چشتی در سنه ۴۴ اکبری منصبی داشت در سنه ۱۳ جهانگیری
بخطاب چشتی خان سرافراز شده تا سنه ۵ شاه جهانی به منصب هفتصدی رسیده بود
دیگر احوال او این ست آخر معلوم نشد   جان سپار خان جهانگیر قلی ترکمان پدرش
از روی ایران بود در عهد اکبری بهندوستان آمده بمنصب سرافراخته متعین دکن شده در آن
صوبه نشو و نما یافته مکرر ترددات شایسته نموده بود در عهد جهانگیری بایش خطاب نام برآورده متعین

صوبه مذکور

صوبه مذکور مانده در سنه ۱۴ ترددات او باظهار سلطان خورم معلوم شد از راه تفضلات
جریده طلب حضور گردیده باز بدکن رخصت شده در آن صوبه شمشیرهای نمایان میزد در سنه ۱۹
بحکومت سر مقرر بود و بجایزه ترددات آنجا به منصب سه هزار و پانصدی رسیده در سنه احد شاهجهانی
به منصب سه هزار و پانصدی رسیده در سنه احد شاه جهانی به منصب چهار هزاری و نظم اله آباد
مقرر گشته در همان سال قالب تهی کرد   جان سپار خان جمالی ولد قمر خان برادر سعید نقیب خان
در اوایل عهد شاه جهانی به منصب دو صدی و در سنه ۹ به منصب هزار و پانصدی و باین خطاب
سر برافراخته در سنه ۱۱ همراه شاه شجاع بقندهار رفته در سنه ۱۲ هنگام بخشی گری احدیان در
سفر کابل بنیابت علم و در سنه ۱۳ بفوجداری بهیره و باضافه پانصدی به منصب دو هزاری
نام برآورده در سنه ۱۴ همراه شاهزاده مراد بخش بکابل و هم در مهم حکت سنگ متعین
شده در سنه ۱۵ همراه شاهزاده دارا شکوه متعین قندهار گردیده در سنه ۱۶ بفوجداری
مندسور از تغیر ذوالفقار خان سربلند گشته در سنه ۱۹ در آنجا فوت کرد   جان سپار
خان میر بهادر دل ولد مختار خان سبزواری منصبی داشت در سنه احد عالمگیری به منصب
هزاری و بخطاب جان سپار خان سربرافراخته آینده بجایزه ترددات باضافه منصب
مباهات اندوخته و بنظم حیدر آباد مقرر گشته در سنه ۴۵ در آن جا در گذشت
هاشم بیک جوسبی منصبی داشت در سنه ۹ جهانگیری بخطاب جان باز خان سربلند شده

بود و دیگر احوال او معلوم نشد جانباز خان سید احمد از چنبیر در رکاب شاه جهانی آمده
بمنصب و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۲ بقلعه داری کنجه مقرر شده در سن ۳ هنگام آوارگی
خان جهان لودی باغی در آن جا سد راه گردیده در سنه ۸ به منصب هزاری و در سنه ۱۲ بعد عزل
خدمت مذکور بفوجداری و قلعه داری جهارکنده مقرر گشته در سن ۱۸ بمنصب هزار و پانصدی بفوجداری
مندسور از انتقال جان سپار خان جمالی لوای مفاخرت برافراشته در سن ۱۲ بر دست کدام نوکر خود
در آن جا کشته شد جانباز خان اسمعیل خویشگی منصبی درشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری
و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۲ بفوجداری لکهی جنگل و دیبالپور از تغیر شهباز مقرر گردیده
در سنه ۹ در دکن تردد نموده در سن ۱۰ بکابل بتعین گشته خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد
این عزیز در کم منصبان زیاده بر قدر خود تردد میکرد خواجه سرا در اواسط عهد جهانگیری
بمنصب و به این خطاب و در سنه ۱ به منصب هزاری و بخدمت نظارت سرافراز شده در
سنه ۱۰ در هنگام بی ادبی مهابت خان در کارزار بکار آمد جواهر خان خوجه سرا در عهد
شاه جهانی به منصب پانصدی و به این خطاب سرافراز شده تا سن ۱۰ خدمت مینمود دیگر
احوال او معلوم نشد جواهر خان انور خواجه سرا منصبی درشت در سن ۳ عالمگیری به
این خطاب و نظارت از تغیر دربار خان سربلند شده در سنه ۴ معزول گردیده در سن ۱۵
فوت نمود جواهر خان سهیل خواجه سرا در آخر عهد عالمگیری به منصب و باین خطاب و به

نیابت

نیابت نظارت و بداروغگی جواهرخانه خاصگی سر برافراخته در عهد بادشاه فرخ سیر بمنصب
چهار هزاری و باین خطاب و رسیده در سنه احد محمد شاه عازم خلد برین شد خواجه سرای لودهکی
صفات **جان نثار خان** منصبی داشت و از جیره در رکاب شاهجهانی آمده بود و در سنه احد ایشان به منصب دو
هزاری سرافراز شده در سنه ۳ بقلعه داری احمدنگر از انتقال دیانت خان محمد قاسم مقرر گردیده در
سنه چهارم بفوجداری لکهی جنگل نام برآورده در سنه ششم معزول شده در سنه نه بخشی گری احدیان
و آینده به حکومت سیوستان چهره امتیاز برافروخته در سنه ۱۱ بتعین قندهار شده و بمنصب دو هزار و پانصدی
لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۱۲ بفوجداری بهکر از تغیر یوسف خان مقرر شده در همان سال زندگانی
را جواب داد جان نثار خان یادگار بیگ ولد زبردست خان در سنه ۱۹ شاه جهانی به منصب هزار
و پانصدی و به این خطاب سربلند شده در سنه ۲۵ به خطاب لشکر خان مامور گردیده تتمه احوال او در
ذیل خطاب لشکر خان بقلم خواهد آمد جان نثار خان دیگر در آغاز عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سر بر
افراخته در سن ۹ در دکن خدمت مینمود در سنه ۲۶ بفوجداری کلبرگه مقرر گردیده در سن ۳۲
تردد نموده بود انجام حال او معلوم نشد جان نثار خان ابوالمکارم خواجه زاده امامی به منصب سر
افراز بود در سنه ۳۲ عالمگیری باین خطاب سر برافراخته در سنه ۳۵ بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۰
بفوجداری نارنول سرافراز شده در عهد محمد شاه از این جهان ناپایدار بعالم جاودانی انتقال نمود
جهان خان کاکر از خیر در رکاب شاه جهانی آمده در سن احد ایشان بمنصب هزار و پانصدی

سرافراز شده و در سنه متعین سعیدخان جهان بارهه گردیده و در سنه ۱۳ بخطاب کاکرخان
نامور گشته بود تتمه احوال او در ذیل خطاب کاکرخان نوشته خواهد شد جوهرخان حبشی دکهنی در سنه ۴۰
شاه جهانی بمنصب سه هزاری سرافراز شده در سنه ۸ و در سنه ۱۴ اصدر ترددات گردیده
تا سنه احد عالمگیری خدمت مینمود در سنه ۵ در دکن بعالم جاودانی رفت جانی خان جانی بیک در
اوایل عهد عالمگیری به منصب و در سنه ۷ به بخشی گری دکن سرافراز شده در سنه ۹ بجایزه نیکو
خدمتی بخطاب خانی برنام خود و در سنه الف بفوجداری بندر از تغیر عبدالله خان و در سنه ۱۳ بنیابت
میر آتشی مباهی گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد جانی خان عمده خواصان در آخر عهد عالمگیری
بمنصب و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۴۳ هنگام فتح اطراف جنجی خزانه و خیمه از حضور
نزد بادشاه زاده محمد اعظم شاه که در آن جا بودند برده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد جمال الدین خان
ولد اعظم خان کوکه عالمگیر بادشاه در اوایل عهد ایشان باین خطاب و در سنه ۲ بخطاب صفدر
خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب صفدرخان بقلم خواهد آمد جمشیدخان حبشی بیجاپوری
بعد فتح قلعه بیجاپور بود در سنه ۳۰ عالمگیری بمنصب پنجهزاری سرافراز شده در سنه ۴۴ هنگام فتح
قلعه واکن که ابکار آمد جنگ بو خان دکهنی در عهد عالمگیری بمنصب پنجهزاری سرافراز شده اکثر
ترددات مردانه نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد جلال الدین خان در اواسط عهد عالمگیری به منصب
و خطاب خانی سرافراز گردیده در سنه ۴۴ تردد کرده بود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ح

حیدر محمد خان جلادر سلطنت همایون بادشاه آخته بیگی بود از
ولایت در رکاب ایشان آمده بود در سنه احد اکبری بجلدوی تردد در جنگ باهیمون به منصب
دو هزار و پانصدی و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت میکرد و در سنه ۸ در کارزاری تردد
نموده در سنه ۱۰ در ایلغار اول به تنبیه خان زمان باغی و در سنه ۱۷ هنگام فتح گجرات و در سنه ۱۹
در فتح قلعه تینه ترددات نمایان نموده متعین منعم خان ناظم بنگاله شده در آن صوبه تلاشها
کرده بود در سنه ۲۰ در شهر گور به سمیت هوا رخت حیات بر بست حسین خان تکریه خواهرزاده مهدی
قاسم خان از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی
سرافراز شده در سنه ۲ بنظم لاهور مقرر گردیده بعد در سنه ۵ بنابر رفاقت بیرام خان
باغی از میدان جنگ دستگیر آمده و تقصیرش مقرون بعفو شده خدمت مینمود در سنه ۱۰
تردد نموده در همان سال بجریدتی رفته و برگشته آمده در سنه ۱۷ در ایلغار دوم گجرات در
رکاب رسیده تلاشهای مردانه ساخته بود در سنه ۲۰ بجنون شده فوت کرد خان مذکور در ایام
نظم لاهور مقرر نموده بود که هنود پیوندی بر یک دیگر بر دوش خود پیوند دوخته باشند لهذا
تکریه میگفتند حسین خان برادر شهاب الدین احمد خان از سادات نیشاپور در سنه احد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۵ تردد نموده در سنه ۹ متعین کابل گردیده
تا سنه ۱۱ در آن جا خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد حسین خان چغتا در عهد اکبری و

بمنصب و خطاب خانی سر بر افراخته در سنه ۱۲ او در کارزار با قلعه چیتور وطن رانا زمیندار اودی
پور تردّدی نموده بود و دیگر احوال او دریافت نگشت حسین خان فوجدار قنلان در عهد اکبری
بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۲۶ سواره فیل خاصه مکت کنج در جنگ با محمد مرزا حکیم
تردد شایسته نموده بود و دیگر احوال او معلوم نشد حسین خان مهیانه در عهد اکبری بمنصب سه صد و
پنجاهی و خطاب خانی سر بر افراخته تا سنه ۴۱ در دکن خدمت مینمود و دیگر احوال او معلوم نشد حسین خان
قزوینی در عهد اکبری بمنصب دو صدی و خطاب خانی سربلند شده خدمت مینمود و اکثر تردّدات مردانه نموده
بود و دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان برادر سید برکه ولد میر عبد الله از سادات بنی مختار از بنده های عمده بابر
بود و از ولایت در رکاب ایشان آمده در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی سر بر افراخته
در سال اول برای آوردن بیگمات متعین شده بود در سنه ۱۲ او در جنگ با خان زمان باغی و در سنه
در فتح قلعهٔ چیتور و در سنه ۲۰ با اتفاق مظفر خان در تنبیه افاغنه چهار کهند و در سنه ۲۹ در بنگاله تردد
نمایان نموده در سنه ۳۴ فوت کرد حسن خان خزانچی در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی و
بخدمت خزانچی گری سرافراز شده در سنه ۹ بنابر رهنمائی باز بهادر حاکم مالوا و در سنه ۱۲ بجهت
هدایت راجه اوده لبه و در سنه ۲۰ برای استمالت کردن اعتماد خان گجراتی و در سنه ۱۵ به اندرون باز
بهادر مذکور رفته بود و دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان برادر فتح خان بتنی ضابطه رهتاس در
سنه ۹ اکبری ملازمت نموده به منصب پانصدی و خطاب خانی سرافراز شده خدمت مینمود در

هنگام تسخیر ولایت سوات و باجور و تعیناتی راجه بیربر که هزاران مردم با دستاهی همراه راجه
مذکور در جنگ با افاغنه آن جا کشته شدند بکار آمد حسن خان بلوچ در آخر عهد اکبری بمنصب
و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۴۱ در دکن همراه خانخانان تردد نمایان نموده بود و دیگر احوال
او معلوم نشد حسن خان قوشبیگی در سنه ۱۳ جهانگیری به منصب و خطاب خانی سربلند بود و دیگر
احوال او معلوم نشد حسن خان ولد فخر الملک بن یاقوت خان دکهنی در اوایل عهد شاه جهانی
به منصب سه هزاری و باین خطاب سرافراز شده تا سنه ۸ خدمت مینمود و دیگر احوال او معلوم نشد دیگر
احوال او معلوم نشد حسن خان برادر خدمتگار خان در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی
و در اواسط عهد باضافه صدی سربلند شده بود و در سنه ۱۹ فوت کرد حسن خان ترکمان در اواسط عهد
شاه جهانی بمنصب و خطاب خانی و در شت و در سنه ۱۱ در کارزار با قزلباش در ناحیه قندهار تردد
نموده بود و انجام حال او معلوم نشد حسن خان دکهنی بمنصب سه هزاری دو هزار سوار ذات در
آغاز سنه احد عالمگیری به اضافهٔ پانصد سوار مباهات اندوخته بود و دیگر احوال او معلوم نشد
سید حسن خان ولد سید دلیر خان بارهه در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در اواسط
عهد بمنصب هزاری و در سنه ۲۳ بفوجداری کوچ هاجو و در سنه ۲۵ باضافه پانصدی و بخلعت
مثال سر بر افراخته بتعین گجرات گردیده در سنه ۲۶ باضافه پانصدی و بفوجداری سرکار گودره
مصاف صوبهٔ احمد آباد گجرات سرافراز شده بود چون هنگام روانه شدن رایات عالمگیری از دکن بمقابله

دارا شکوه فوجداری یکلانه داشت ازان جا در حضور عالمگیری آمده در کارزار اکبرآباد تردد
ما فوق بیان نموده بجایزهٔ آن در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی بنام خود نام برآورده در سنه ۱۱
دکن ترددی نموده تا سنه ۲۹ خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان ولد حمید خان
حبشی خان حبشی بیجاپوری در سنه ۹ عالمگیری بعد بکار آمدن پدر هنگام تسخیر قلعه واکن کرا به
منصب و خطاب خانی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد در رد کهنیان یگانهٔ آفاق بود
حسن علیخان ترکمان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی و در سنه ۲ بقلعه داری چنارگده سربلند شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد حسن علی خان ترکمان منصبی داشت در سنه ۸ جهانگیری به منصب هزار
و پانصدی و در سنه ۱۴ با اضافهٔ هزاری و در سنه ۵ با اضافهٔ پانصدی و به نظم اوده به سرافراز شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد حسن علیخان بهادر عالمگیری ولد اله وردیخان کلان در اواسط
عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۲۰ بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه احد عالمگیری
بمنصب دو هزاری و خطاب خانی بنام خود و بخدمت قوش بیگی مباهی گردیده در کارزار با شاه شجاع
وقتی که همه افواج بادشاهی از میدان جنگ رو برتافته بودند خیلی ثبات قدم نموده تلاش مردانه کرده
در آخر این سال بفوجداری نواحی شاه جهان آباد از تغیر کرت سنگه مقرر گشته در سنه ۳ تغیر شده
در سنه ۵ تنبیه مفسدان پرگنه کول نموده در سنه ۶ بداروغگی ملازمان جلو و در سنه ۱۲ بفوجداری
متهرا چهرهٔ امتیاز برافروخته به جلدوی دستگیر آوردن گوکلا جات که بنداز ننداو جدا کرده مورد الطاف

خاقانی

خاقانی شده در سنه ۱۴ بنظم اله آباد از تغیر میرخان ولد خلیل الله خان یزدی و در سنه ۲
بنظم اکبرآباد و در سنه ۲۳ بجایزهٔ ترددات در تنبیه رانا زمین دار اودی پور به منصب سه
هزار و پانصدی و بخطاب بهادر عالمگیرشاهی و در سنه ۲۹ بنظم برار از انتقال ایرج خان
ولد قزلباش خان نام برآورده در سنه ۳۰ در آن جا فوت کرد شجاعت را با رضا جوئی آقا
جمع داشت و کارهای نمایان سرانجام نموده بود سید حسن علیخان ولد عبداله خان بارهه
سید میان نام در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز شده در عهد بادشاه
فرخ سیر بخطاب پدر نام برآورده بود حسین علیخان ذو القدر در سنه ۵ اکبری بمنصب و در سنه
بخطاب خانی و در سنه ۱۹ بخطاب خان جهان سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خان
خان جهان بقلم خواهد آمد حسین قلیخان آغر در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی
سرافراز شده در سنه ۲ در مهم قندهار و بلخ ترددی نموده در سنه ۲۳ بمنصب هزاری و بخطاب خانی
و آینده با اضافهٔ پانصدی سربلند گشته در سنه ۲۵ فوت کرد حبش خان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی
سربرافراخته خدمت می نمود در سنه ۲۴ در کارزار با معصوم خان و نخودی باغی در بهار بکار آمد
حبش خان حبشی در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و به این خطاب سربرافراخته در سنه ۱۸ به
داروغگی عمارت اجمیر مقرر بود دیگر احوال او معلوم نشد حبش خان سیدی مفتاح صاحب قلعه
اودگیر بعد فتح آن قلعه در سنه ۹ شاه جهانی بمنصب سه هزاری و به این خطاب سربرافراخته

خدمت نمود در سنه ۵ عالمگیری فوت کرد حبش خان دلاور حبشی در آخر عهد شاه جهانی
بمنصب دو هزاری سرافراز بود در سنه ۶ عالمگیری بخطاب حبش خان نام برآورده خدمت نمود
دیگر احوال او معلوم نشد   ولد محب علیخان رهتاسی در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سربرافراخته در صوبهٔ بنگاله و بهار خدمت نمود در سنه ۲۹ در جنگ با افاغنه بهار فدائی کار
ولی نعمت شد الحق مردانه و شهورانه بکار آمد   در عهد اکبری به منصب و خطاب خانی سربر
افراخته خدمت نمود در سنه ۳۳ در کارزار با افاغنه کابل بسخت آویزش بکار آمد حمید خان
در آخر عهد اکبری به منصب و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۴۶ در مصاف با دکهنیان ترددات
مردانه نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد حمید خان برادر فرهاد خان حبشی در سنه ۵ جهانگیری
بمنصب و باین خطاب والارتبه شده در همان سال در دکن بکار آمد حمید خان خویشگی حاجب
ملک عنبر حبشی در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب سه هزاری و باین خطاب سربرافراخته تا سنه
خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد   حمید خان ولد داود خان قولیتی ساکن حصار در
اوایل عهد جهانگیری بمنصب و در اواسط عهد بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲۳ ترددات
مردانه نموده در سنه ۲۴ بفوجداری بهوجپور مصاف صوبه بهار و بعد ازان بنظم ترهن پور
مقرر شده در سنه ۲۵ در آن جا فوت کرد حمید خان دیگر در آخر عهد عالمگیری به منصب سه هزار
و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت نموده بعد رحلت حضرت رفیق شاهزاده کام بخش شده بود

انجام کار

انجام کار او معلوم نشد   در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲۱
در اوده و لبیه خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد حبیب خان کرانی در عهد شاه جهانی به
منصب و باین خطاب سربرافراخته در سنه ۸ در دکن خدمت میکرد دیگر احوال او معلوم نشد
در عهد جهانگیری منصب و خطاب خانی داشت در سنه ۱۱ به بخشی گری و واقعه نگاری صوبه
گجرات مقرر بود دیگر احوال او معلوم نگشت سید حامد خان ولد مرتضی خان سید شاه محمد
در سنه سیوم عالمگیری به منصب هزاری و در سنه ۸ بخطاب خانی و در سنه ۲۹ بخطاب حامد خان سرافراز شده بود
دیگر احوال او معلوم نگشت تتمه احوال او در حرف میم نوشته خواهد شد حامد خان بهادر خواجه حامد
ولد عابد خان بن عالم شیخ منصبی داشت در سنه ۲۹ عالمگیری بخطاب خانی سربرافراخته آینده به
جایزه ترددات به منصب سه هزاری و در سنه ۸ بخطاب بهادر سرافراز شد ترددات نمایان
نمود و در عهد محمد شاه در دکن فوت کرد و بهردانگی معروف بود   حاکم بیک در اواسط عهد
جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۳ بخطاب خانی سرافراز شده تا سنه هشتم شاه جهانی خدمت
نمود دیگر احوال او معلوم نشد میگویند امیزدی شوکت بود   نبیرهٔ دربار خان بلا
غیاث الدین تکلو خان قصه خوان شاه طهماسپ والی ایران در عهد جهانگیری به منصب
و خطاب خانی و خدمت تربیت خان سرافراز بود در سنه احد شاه جهانی به خطاب حیات خان
سربرافراخته خدمت های ریزه مثل داروغگی آبدارخانه و سرکردگی خواصان داشت در سنه

بمنصب هشتصدی و درسنه ۱۷ بمنصب هزاری و درسنه ۱۸ به منصب هزار و پانصدی و درسنه ۱۹ به منصب
دو هزاری و درسنه ۲ بداروغگی منصبداران جلو از تغیر خواص خان تهتی و درسنه ۱۲ به منصب سه
هزاری و درسنه ۲۶ بداروغگی منصبداران جلو از تغیر خواص خان تهتی و درسنه ۱۲ به منصب سه هزاری
و درسنه ۲۶ بداروغگی دیوان خاص سرافراز شده درسنه ۳۰ بنابر تغیر بیست لک دام شورغال تخابه نشسته
درسنه ۳۱ درگذشت   حیات خان حیات بیگ ولد باقیخان چیله منصبی داشت درسنه ۲۳ عالمگیری به
منصب هشتصدی و بخطاب خانی بر نام خود سربلند شده آینده بامانت هفت چوکی مقرر گردیده در سنه ۳۰
تردد عمده نمود انجام حال او معلوم نشد   حیات خان وفا نام خواجه سرا در اواسط عهد
عالمگیری به منصب و خطاب خانی سرافراز شده داروغگی آبدارخانه داشت و از خدمتگاران خاص
بود دیگر احوال او معلوم نشد   اسحاق بیگ یزدی عهده دار اوایل شاه جهانی به منصب و نگاهبانی
نواب ممتاز الزمانی درسنه ۴ به دیوانی بیگم صاحبه و درسنه ۱۲ بخطاب حقیقت خان و خدمت عرض مکرر
از تغیر عنایت الله ولد امانت خان و درسنه ۱۳ بمنصب هزاری و درسنه ۱۶ به منصب هزار و پانصدی و درسنه ۱۸
بمنصب دو هزاری سرافراز شده درسنه ۲۹ بنابر کبیر سن از دیوانی بیگم صاحبه تغیر گردیده در سنه
عالمگیری کوس رحلت زد   لشکری نام ولد فتح خان دوده ای منصبی داشت درسنه ۱۱ شاه جهانی
بخطاب حاجی خان جد خود سر برافراخته خدمت مینمود درسنه ۱۴ عالمگیری حاجی خان نامی در بازخواست
مطالبه گرفتار شده معلوم نشد که همانست یا دیگری   حسام الدین حسن نبیرهٔ آصف خان

غیاث الدین

غیاث الدین علی آقا ملائی منصبی داشت درسنه ۵ شاه جهانی بمنصب هزاری و بخشیگری کین د
و درسنه ۸ بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود و درسنه ۱۲ بقلعه داری اودگیر و درسنه ۱۳
بصوبه داری تلنگانه و هم در آن سال بنظم صوبه برار سرافراز شده و بمنصب دو هزار و پانصدی رسیده
درسنه احد عالمگیری بفوجداری بیجاگده مقرر گشته درسنه ۲ فوت کرد   خویش علیمردان خان
درسنه ۱۲ شاه جهانی بمنصب و نیابت نظم کشمیر از طرف علیمردان خان سر برافراخته درسنه ۱۸ بخدمت
توزک که یکسال پیش ازین بنابر هجوم مجرائیان بجای یک میر توزک چهار میر توزک مقرر گشته سربلند
شده درسنه ۱۹ به منصب هزاری و با وجود خدمت توزک بخدمت ساختهٔ بیگی و درسنه ۱۲ باضافه پانصدی
و بخطاب خانی بر نام خود و بنظم صوبه کشمیر از تغیر شاهزاده مراد بخش لوای مفاخرت برافراخته درسنه ۲۳
معزول گردیده درسنه ۲۴ بنابر مرمت عمارات کشمیر رفته درسنه ۲۶ همراه دیگر بندها بحراست کابل تعین
شده درسنه ۲ بفوجداری میان دواب که عبارت از فوجداری سهارنپور باشد از تغیر غضنفر خان
مقرر گشته درسنه ۳ معزول شده درسنه ۱۳ بمیر توزکی توزک پیدا کرده آینده فوجدار بنگش بود
درسنه ۲ عالمگیری از فوجداری بنگش تغیر گردیده درسنه ۸ بفوجداری جونپور مقرر گردیده بود
انجام حال او معلوم نشد   حسین بیگ خان توپچی باشی درسنه ۳ عالمگیری به منصب هفتصدی و بخطاب
خانی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   حمید الدین ولد میرزا ابوسعید بن میرزا محمد
شرف لقب بن اعتماد الدوله طهرانی منصبی داشت درسنه احد عالمگیری به منصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی

یعنی خانه‌زادخان سر برافراخته بجایزهٔ ترددو در کارزار بادشاه شجاع باضافهٔ منصب کامران گردیده مدتی

نمود و در سنه بیست و ششم بخطاب خانی بر نام خود و بفوجداری مونکی پتن سرافراز شده در سنه ۴۹ بقلعه‌داری

قندهار دکن نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد حمیدالدین خان بهادر حمیدالدین ولد سردار خانی

چیله در اواسط عهد عالمگیری منصبی داشت در سنه ۳۰ بداروغگی خاتم‌بندخانه از تغیر پدر و در سنه ۳۲ بمنصب پانصدی

و در سنه ۳۲ بداروغگی فیلخانه از تغیر پدر و در سنه ۳۳ بمنصب ششصدی و بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۳۴

از انتقال پدر بخدمات او سر برافراخته در سنه ۴۶ بمنصب هزاری و در سنه ۴۷ باجازت ایستادن اندرون کهره و

بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۸ بجلدوی ترددات سپاهیانه بخطاب بهادر و در سنه ۴۹ بداروغگی دیوان خاص

و در سنه ۵۰ بمنصب سه‌هزاری سرافراز گردیده در قرب حضور پرنور ممتاز بود در عهد محمدشاه بادشاه

بمنصب شش‌هزاری سرافراز گردیده نیکنام رفت در اوائل عهد عالمگیری به منصب و بخطاب خانی

سر برافراخته و در سنه ۲ صفشکن بنگاله شده آینده بقلعه‌داری رالسین مقرر شده در سنه ۹ از این جهان

فانی بعالم جاودانی انتقال نمود قاضی عبید منشی سیواکهنی در سنه ۲ عالمگیری به منصب دو

هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت نمود در جناب والا فی الجمله اعتبار داشت دیگر احوال او معلوم

نشد در سنه ۲۸ عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد

پسرخورد علامی سعدالله خان وزیر اعظم در اواسط عهد عالمگیری به منصب و در آخر عهد بخطاب خانی

والاتبه شده و به نظم صوبهٔ ٹهٹه سر برافراخته در سنه ۴۳ بهنگام نظم آن جا بمنصب دو هزاری رسیده در سنه ۴۴

بمنصب هزار

بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز گردیده در آن جا فوت کرد مرد خدا ترس بود پسرکلان

حفیظ الله خان بن سعدالله خان در سنه ۴۶ عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد

حافظ خان حافظ نور محمد خان سامان گوهرآرای بیگم منصبی داشت در سنه ۹ بخطاب حافظ خان نام

برآورده در سنه ۵ دیوانی لاهور از تغیر اسلم خان مقرر گردیده در سنه احد بهادرشاه بادشاه داروغهٔ

عرائض مقرر شده بود انجام حال او هیچ معلوم نشد در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی

برنام خود سر برافراخته بخدمت فوجداری تلکوکن عادلخانیه و بحکومت سنگاکول و راجمندری از

مضافات دکن سربلند و در سنه ۴۹ بدست غنیم از میدان جنگ گرفتار رفته بود بعد از این احوال

آمدن و نیامدن او از پیش غنیم لئیم هیچ معلوم نشد حکیم در آخر عهد عالمگیری بمنصب و

به این خطاب سرافراز و در سنه ۴۹ در جایزهٔ علاج حضرت بزر سنجیده شده بود و از مقربان حضرت

قدر قدرت بود ظاهرا در عهد محمدشاه فوت کرد در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی

و بفوجداری فتح آباد سرافراز شده آینده بقلعه‌داری قلعهٔ دهارور نام برآورده تا سن بهادرشاه

در آن جا خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد ولد عبدالله خان بارهه سید میان

نام در آخر عهد عالمگیری به منصب و بخطاب خانی بر نام خود سر برافراخته در عهد بادشاه

فرخ سیر بمیر بخشی‌گری و بخطاب امیرالامرای رسیده آخر بجرم نمک‌حرامی کشته شد

ولد محمد یار خان بن مرزا بهمن یار در آخر عهد عالمگیری به منصب و بخطاب خانی سرافراز شده همراه

پدر در صوبهٔ شاه جهان آباد خدمت نمود و در سنه احد جلوس شاه بادشاه هنگام ورود ایشان
از طرف کابل ملازمت نموده بود فرخ سیر بادشاه ظاهر افوت کرد

سپه سالار بیرام خان بهارلوی کاشانی از امیران نامدار همایونی بود و کارهای
نمایانی که در ایام سلطنت آن حضرت و در سفر عراق ازو بر آمد در دفترها نگنجد در سنه احد
اکبری به منصب پنجهزاری و بخطاب خانخانان سپه سالار و اتالیقی و وکالت سرافراز شده رتق و
دقایق کل مهمات خلافت که دیده آن حضرت را آن قدر بی اختیار نمود که ضبط احوال محال
افتاد و لاچار آن حضرت در سنه ۵ بهانه سرکار باکبرآباد از دهلی رسیدند و بندهای متعینه را
طلبیدند انجام کار چون کمر بر کوریکی بسته بمقابله آمد در میدان منهزم گردانیدند و بعد از ان
که رجوع به استعفای تقصیر کرد و رخصت حرمین خواست او را با احترام تمام بحضور طلب داشته
بدستور سابق بطرف دست راست بالای وکیل مصوب اجازت نشستن داده رخصت
نمودند خان مذکور چون بر تالاب قصبهٔ پتن مصاف صوبهٔ گجرات رسید بعد از افغانی که در
ایام قدرت خود پدرش را کشته بود کشته شد در آن ایام عبد الرحیم پسرش چهار ساله طلب
حضور گردید   خانخانان منعمان از امیران همایونی در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
برنام خود سرافراز شده متعین کابل بود در سنه ۸ از نزد مرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت که دارائی
کابل بمرزا مفوض بود در حضور آمده به منصب پنجهزاری و بخطاب خانخانان و بخدمت وکالت سر

برافراخته

برافراخته مکرر مصدر تقصیرات گردیده محض برحمت جبلی مشمول مراحم گشته از سال دهم تدارک
گذشته پرداخته در سنه ۱۸ به تسخیر ممالک بنگالا مامور شده بذات خود ترددات نموده بود چنانچه در آغاز
سال نوزدهم بسر کرد کی خود باتفاق راجه توڈرمل که شریک غالب توان گفت قلعه تنیه را در عین استبداد
برشکال که رودخانه‌ها بمنزله خندق بودند مفتوح گردانیده چون داود خان ولد سلیمان خان کرانی
از امرای سلیم شاه سور از قلعهٔ مذکور فراری شده به بنگالا رفت بتعاقب او شتافته سوریج گڈه
و مکنیر و بهاگلپور و کهلگانو و قلعه گرهی که بسیار مستحکم است فتح نموده محالات تانڈه را بتصرف آورده
آخر سال مذکور در حدود بنگالا با داود خان مذکور نبرد شدیدی شد که خان عالم حلیمه بیک هراول فوج
فیروزی حرب صعبی نموده رایت جان بازی برافراخت و لشکر خان میربخشی و محمد خان شیبانی
زخمی شدند و افواج بادشاهی از جا رفت بذات خود بکارزار پیوسته زخمهای نمایان برسر و گردن
و دوش بر داشته بمساعدت رفقا از میدان رو برتافته سه کروه رفته بود که قیاخان گنگ و راجه
توڈرمل پای ثبات قایم کرده شمشیرها زده اعدا را از میان رزم منهزم گردانیدند خانمشار الیه
بعد استماع فتح برگشته در میدان آمد کوس فیروزی نواخت در سنه ۲۰ در آن جا رنگامی راه جواب
داد   خانخانان عبد الرحیم ولد بیرام خان بهارلو از بطن دختر جمال خان برادر حسن خان
میواتی بعد کشته شدن پدر از عمر چهار سالگی در ظل عنایت جناب اکبری پرورش یافته بجوانی
رسیده در سنه ۲۸ به منصب و خطاب مرزاخانی سربلند شده در سنه ۲۱ همراه رکاب در ایلغار گجرات

جوهر شجاعت را بعرض داده در سنه ۲۸ بنظم گجرات لوای مفاخرت برافراخته و بر مظفر گجراتی
بعد رزم شدید غالب گشته همه خان و مان خود را از نقد و اسباب امارت بسپاه خود بخشیده و در
صف جنگ دویم قریب دو هزار کس مظفر گجراتی را طعمه صمصام غازیان گردانیده بجلدوی این تردد
بخطاب خانخانان و از اصل و اضافه بمنصب پنجهزاری مامور گردیده و در سنه ۳۴ بخدمت وکالت کوس
دولت زده در سنه ۳۶ بملک سنده که شهر حاکم نشین آنجا را ٹهٹه میگویند بتلاش های بسیار فتح نموده
در سنه ۴۱ در جنگ با تمام امیران عادل خان و قطب الملک و نظام الملک که با منصب هزار سوار آمده بودند
با پانزده هزار سوار ظفر یافته تا آخر عهد اکبری اکثر مصدر فتوحات عظیم شده در دکن بود در سنه احد جهان
گیری به ارسال خلعت بحالی بنظم آن جا سر برافراخته در سنه ۳ از دکن آمده مورد نوازش های
شده برخصت دکن کام دل بر گرفته در سنه ۵ بنابر بی انتظامی انجام راجعت کرده وقت ملازمت روی
بی التفاتی دیده در سنه ۶ بعنایت فیل بابلا بر و بمنصب شش هزاری در رخصت دکن عزت اندوخته در
سنه ۱۲ بنظم صوبه برار و خاندیس و احمدنگر مامور گردیده در سنه ۱۳ به حضور آمده بمنصب هفت هزاری
در رخصت دکن بار سیوم علم مفاخرت برافراخته همیشه در محاوره بخطاب آتالیق سر بفلک می سود در سنه ۱۷
چون سلطان خرم در دکن راه بغی پیموده بود ناچار خان مسطور را همراه آورده بداغ عصیان متهم شده در
در سنه ۱۸ از سلطان خرم جدا گردیده بسرفت مهابت خان بر کنار آب نربدا نزد شاهزاده پرویز که
بتنبیه سلطان خرم مامور شده بودند آمده مقید گشته در سنه ۲۰ بعفو تقصیر و شرف ملازمت خود را از خجالت

براورده

براورده به این عنایت بادشاهی تسلی یافته که وقت ملازمت به او فرمودند که درین مدت آنچه بظهور آمده
از آثار قضا و قدر است نه اختیار ما و شما و بجا خران فرمودند که ما خود را شرمنده تر از وی یابیم و در سنه ۲۱
بحالی منصب هفت هزاری و خدمت نظم اجمیر سر برافراخته چون از حضور رخصت شده بدهلی رسید فوت کرد و مناقب
همت بلند امیر بزرگ و دیگر اوصاف شریف او در دفترها نمی گنجید و تتمه آن در نسخه مآثر رحیمی مرقوم است
مهابت خان زمانه بیگ ولد غیور بیگ کابلی پدرش از ملازمان میرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت اکبر بادشاه
بود مشار الیه در ایام شاهزادگی بمنصب پانصدی سرافراز شده بود در سنه احد جهانگیری باضافه هزاری
و بخطاب مهابت خان و در سنه ۲ و در سنه ۳ و هفتم باضافه های دیگر بمنصب چهار هزاری سرافراز شده دیگر
بدکن تعیین گشته در سنه ۱۲ به نظم کابل از تغیر خاندوران سیاه بیگ مقرر گردیده و مکرر بحضور آمده و بکابل رفته در
سنه ۱۷ به منصب شش هزاری پنجهزار سوار سر برافراخته در سنه ۱۸ به اتالیقی شاهزاده پرویز بمقابله
سلطان خرم باغی بدکن مرخص شده بجلدوی فتح در جنگ کنار آب نربدا با سلطان خرم بمنصب هفت هزاری
چهره امتیاز برافروخته در سنه ۱۹ چون سلطان خرم بعزم تصرف بنگاله و بهار و اله اباد رفته بودند به تعاقب
ایشان از برهان پور شتافته در اله آباد برزم شدید پیوسته درین معرکه با آنکه اولیای دولت چهل
هزار سوار و آن طرف ده هزار سوار بودند مهاراجه بهیم سسودیه که هراول سلطان خرم بود قلت فوج
خود و کثرت اولیای دولت بنظر اعتبار نیاورده با فوج راجپوتان توسن همت برانگیخته
به افواج شاهزاده پرویز خود را رسانیده بشمشیر آبدار کارزار نموده با وجود از پا در افتادن جانها و

فیل که در پیش فوج بود پای غیرت افشرده کارنامه مردی ظاهر ساخته جان نثار گردیده عبدالله
خان جلو سلطان خورم را گرفته از رزمگاه برآورده اسپ خود را بسواری داده روانه بهار شدند
مهابت خان به اتالیقی شاهزاده پرویز به فیروزی نام برآورده بدرخواست خود بعد عرض حضور
خان زمان پسر خود را به نیابت نظم کابل طلبانده در همین سال به نظم بنگاله مقرر شده در سنه ۲۰
بعد طلب حضور بعلت مطالبه بار ملازمت نیافته در سنه ۲۱ بغفلت اولیای دولت مصدر بی ادبی
و بیباکی تمام در جناب حضرت شده چند ماه حضرت را در اختیار خود داشته آخر کار به حسن تدبیر نور
جهان بیگم بموجب تقید حضور به تعاقب سلطان خورم دانسته در خبر بالیشان ملحق شده بعد رحلت
حضرت در رکاب شاه جهانی به اکبرآباد رسیده روز جلوس بعنایت خلعت خاص با چارقب طلادوزی
و خنجر و شمشیر مرصع و تومان طوغ و اسپ با زین طلا و فیل خاصه و به انعام چهار لکهه روپیه نقد و
بخطاب خانخانان سپه سالار و به منصب هفت هزاری هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه و نظم دکن
از تغیر خان جهان لودی سر برافراخته چون از پرسش نیابت نظم دکن سرانجام نمینمود به نظم بنگاله
بتبدیل تعین گشته بعد تنبیه واقع چهار سکه را بحضور آورده شفیع گناهان او گردیده در سنه
به نظم دهلی و در سنه ۵ بار دویم به نظم دکن از تغیر ارادت خان مباهات اندوخته در سنه قلعه
دولت آباد که در تمام ممالک دکن حصن حصین مثل او نیست بکمال غلبه و قهر مفتوح گردانیده در سنه
در صف جنگ بیجاپوریان بار دوم حرب صعب نموده نقطه وار در دایره قتال و جدال آنها جا را محکم گرفته

قلیل

قلیل زد و خورد شد بدستگیر و بکومک خانه وران خواجه صبا از آن مهلکه برآمده چپقلش این
کارزار یادگاری گذشته در سنه مذکور روز آن جا بمرض بهنهد رفوت کرد خانخانان سپه سالار
آصف خان ولد اعتماد الدوله طهرانی در سنه شاه جهانی باین خطاب سربلند شده بود تتمه
احوال او در ذیل خطاب آصف خان نوشته شد خانخانان سپه سالار نجابت خان ولد میرزا
شاه رخ در آغاز سنه احد عالمگیری بخطاب خانخانان سپه سالار و منصب هفت هزاری هفت هزار
سوار دو اسپه سه اسپه سربلند و بعد چندی بی منصب شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خانخانان
بقلم خواهد آمد خانخانان سپه سالار میر جمله میر محمد سعید اردستانی از امیران نامدار حیدرآباد در
سنه ۳۰ شاه جهانی به منصب شش هزاری و بخطاب معظم خان و به انعام پنج لک روپیه نقد و
بخدمت وزارت سرافراز شده از پیش خود بدو دفعه پیشکش‌ها بقیمت یازده لک روپیه از آن
جمله الماسی بقیمت دو لکهه روپیه گذرانیده بعد چندی بتعین دکن گردیده بود در ایام حرکت رایات
عالمگیری از دکن بهندوستان بمصلحت مقید گشته بعد فتح جنگ اکبرآباد طلب حضور گردید
بعنایت خلعت خاص با نادری و به انعام ده لک روپیه نقد سربرافراخته در سنه احد به تعاقب
شاه شجاع تعین شده در سنه ۳ بجایزه ترددات بنگاله که شرح فتوحات متکاثره انجا
خصوصا در تسخیر ملک و قلاع بادشاهی از تصرف زمینداران کوچ بهار طولی دارد بخطاب خانخانان
سپه سالار و بمنصب هفت هزاری ذات و سوار پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه والا رتبه گشته در سنه ۴

عزم تسخیر ولایت کوچ بهار نموده در صحراهای پر خار در آمده و براه غیر مسلوک بمنزل مقصود رسیده
تدبیر و ترددها نموده کوچ بهار مفتوح گردانیده بعالمگیر نگر موسوم کرده به تسخیر آشام روانه گردیده
از دریاهای ذخار و صحراهای خاردار و عقبه های دشوار که از باد دل قوی گذشته رنجهای بی شمار
راراحت دانسته در خطهٔ که تا حال کارزارهای بسیار رسیده بعد ازین و در تنبیه آشامیان
و فتح قلاع آسمان فرسای آنها رزمهای صعب نموده و برشکال در صحرای پر آب گذرانیده این همه
فتوحات موجب حیرت نظاره گیان شده در سنه بجلدوی تحصیل پیشکشات زمینداران آنجا
به نوازش تومان و طوغ دیگر و دوام انعام نوازش بی پایان یافته در همان سال در اقصای
حدود بنگالا فوت کرد کارهای نمایان او در مهم بنگالا یادگار روزگار است و تاریخ علاحده نوشته اند
که رواج دارد   علیقلی ولد حیدر سلطان سیستانی از امیران همایونی از ولایت در رکاب
ایشان آمده در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و خطاب خانی بر نام خود بجایزهٔ تردد در جنگ
با همون بخطاب خانزمان سرافراز شده در سنه ۱۰ سرکار لکهنو بعد حرب صعب از تصرف کن خان
بوجایی و جلال خان سوار از امرای شیرشاه و در سنه ۱۰ سرکار جونپور پس از کارزارهای بسیار
از تصرف ابراهیم سور بر آورده در سنه ۱۱ در جونپور در جنگ با پسر عدلی که با بیست هزار سوار و پنجاه هزار
پیاده معرکه آرا شده بود بعد رزم شدید ظفر یافته بنابر رنگ طرفی آثار بغی بروی کار آورده بعفو
مقرون شده در سنه ۹ در جنگ با آواز خان پسر سلیم شاه بر کنار دریای سون در ناحیه بهار با جود

اگه

اگه تمام فوج بادشاهی رو بر تافته بود با معدودی خدمت کاران استاده تماشائی بود
قلمونی ملک مبدبد که در همین وقت از طرف ناسرداری فیل سوار بمقابله آمد خان زمان بدست
خود توبی را آتش داده بضرب گوله آن فیل سواری او از پا در افتاد و بهمین سبب اعدا را شکست
روداده بچنین فتحی نمایان نام بر آورده در سنه ۱۲ اعلانیه رایت کفران نعمت و عصیان بر افراخته
با انبوه کثیر بصف آرائی پرداخته بمقابلهٔ مثل آنحضرت تا ابرزن ما قایم کرده در نواحی موضع منگربر
از عمال الهآباد معه بهادر خان برادر خود بقتل آمد   خان زمان بهادر امان الله ولد مهابت خان
زمانه بیگ در سنه ۳ جهانگیری بمنصب چهارهزاری و بخطاب خانه زاد خان و بعد چندی به منصب
پنجهزاری سربلند شده در سنه ۱۹ بحکم نیابت نظم کابل از طرف پدر بجایزهٔ فتح در جنگ
با ملکنوس اوزبک در حدود کابل مورد هزار آفرین گردیده در همان سال به نیابت نظم
بنگالا از طرف پدر خود مقرر گردیده در سنه ۲۰ معزول و طلب حضور شده در سنه ۲۲ در کشمیر
ملازمت نموده بود بعد رحلت حضرت همراه سلطان بولاقی در جنگ با سلطان شهریار باغی
ترددی نموده در سنه احد شاهجهانی بخطاب خان زمان و بنظم مالوا سر بر افراخته پس از
چند روز به نیابت نظم دکن از طرف پدر مباهات اندوخته در سنه ۲ تغیر گشته متعین مهم
خان جهان لودی باغی گردیده در سنه ۳ و در سنه ۴ در دکن همراه خواجه ابوالحسن و آصف
خان در بالاگهات ترددها کرده در سنه پنجم متعین پدر که بنظم دکن مقرر شده بود گردیده

انچه در تنبیه و تادیب دکهنیان و تسخیر قلعه دولت آباد و فتح دیگر قلاع مثل چیه دیر تک داری
و برنس و جو بهن و جوند و غیره که در تصرف ساهو بهونسله بودند تلاشها نموده و ایلغارها بر
دکهنیان نموده دفعه ها بکار که به تحریر آید بعد فوت پدر در سنه ۱ بنظم بالاگهات و بمنصب پنجهزاری پنجهزار
سوار دو اسپه سه اسپه و بعطای فیل با تلاع مامور گشته و در سنه ۹ بخطاب بهادری نام برآورده در سنه ۱
در آن جا رحلت کرد   خان زمان میرزا خلیل ولد ارادت خان برادر آصف خان جعفر بیگ در سنه ۱
شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۱۹ به منصب هزاری و بخدمت میر توزکی و در سنه ۲۳ باضافه
پانصدی و بداروغگی کل توپخانه رکن و در سنه ۲ از اصل و اضافه به منصب دو هزاری و بخطاب مفتخر خان
و بقلعه داری فتح آباد دهارور سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری دو هزار سوار
و بخطاب سپهدار خان و بعد چند روز باضافه هزاری و بخطاب خان زمان و بقلعه داری ظفرآباد بدر
سر برافراخته آمده به نظم احمدنگر و در سنه نهم بنظم خاندیس از تغیر داود خان قریشی و در سنه ۱۸ به منصب
پنجهزاری سه هزار سوار و بنظم صوبه برار و در سنه ۱۲ بنظم ظفرآباد بدر و در سنه ۲۴ بار دویم بنظم خاندیس
از تغیر ایرج خان و در سنه ۲۰ بنظم مالوا از تغیر مختار خان سربلند گردیده و در سنه ۲۲ در آن جا بعالم عدم
رفت   خان زمان فتح جنگ شیخ نظام از امیران حکام حیدرآباد و در سنه ۳۰ عالمگیری بمنصب
شش هزاری و بخطاب مقرب خان و در سنه ۳۲ بجلدوی دستگیر آوردن سنبهای دکهنی
بخطاب خان زمان فتح جنگ و بمنصب هفت هزاری ذات و سوار و تشریف قدمبوس که بهیچ یکی

دکهنی

دکهنی پای بوس میسر نموده سر به فلک برده و دست بیت نزدیک بستون جای که مهاراجه و میرزا
راجه ایستاده می شدند ایستاده شده تا سنه ۴۴ ترددات مردانه نموده بود انجام حال او معلوم نشد
خان نمک کور رو رتهور جلادت یکه تاز گذشت   از نسل سلاطین مغول که همشیره همایون بادشاه
در حباله نکاح خود داشت از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سر برافراخته به نظم لاهور مقرر شده بود بعد چندی معزول گردیده تا سنه ۱۸ در حضور خدمت می نمود
خصوص در علاج زخم تیر حضرت باتفاق حکیم عین الملک کار مسیحا کرده مورد آفرینها شده بود
انجام حال او معلوم نشد   خضر خان فاروقی از حکام خاندیس در سنه احد جهانگیری بمنصب و بخطاب
خانی سر برافراخته تا سنه ۵ ادای خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد   سکندر خان اوزبک
از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی سربر
افراخته در همان سال بجایزه ترددات در جنگ با هیمون بخطاب خان عالم سربلند شده خدمت
می نمود چون آثار یاغی از ناصیه حال او پدید شد در سنه ۱۰ سلب خطاب تنبیه یافته بود انجام حال او
در ذیل خطاب سکندر خان بقلم خواهد آمد   خان عالم چلپه بیگ ولد همدم کوکه میرزا کامران
در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری سرافراز شده ترددات می نمود در سنه ۱ بخطاب خان عالم
نام برآورده در سنه دوازدهم در ایلغار تنبیه میرزا ابراهیم حسین که در قصبه سرنال قریب به بیکانیر
مبارزت صعب دست داده بود در سنه ۲۰ تنبیه خان زمان سیبانی باغی و همدر آن سال در فتح

قلعهٔ چیتور وطن رانا زمین دار اودی پور و در سنه ۱۴ در ایلغار دویم گجرات در وقتی که در آن
معرکه عز از و تاراچند خواص نمود ترددات و تلاش های مردانه و تهورانه زیاده بر حوصلهٔ بشری
کرده و تیز در آن سال متعین مهم بهار گردیده در سنه ۱۹ حاجی پور مفتوح نموده بعد فتح قلعه پتنه
همراه منعم خان تعاقب داؤد خان کرانی ولد سلیمان خان حاکم بنگاله شتافته در همان سال در
کارزار با داؤد مذکور بعد حرب صعب با هزاران مردانگی و دلاوری در حدود بنگاله شهید شد خانعالم
میرزا برخوردار ولد عبد الرحمن بن موید بیک دولدی از اولاد امیر شاه بیک دولدی که از امرای
معتبر صاحب قران بود مشار الیه در عهد اکبری بمنصب دو صد و پنجاهی و در سنه چهارم جهانگیری
باضافهٔ منصب و بخطاب خان عالم سر بر افراخته بمرور بمنصب پنجهزاری رسیده در سنه ۸ بسفارت
ایران رفته و شاه عباس چون او را آن حضرت برادر خورد نوشته بودند برادر خوانده و وقت
ملازمت در آغوش کشیده آبروها حاصل نموده مدت پنج سال با شاه مصاحبانه زندگانی
کرده یک روز که خان مذکور بدربار شاه نرفت بی تکلف بخانه اش تشریف می فرمود و روز
رخصت بمشایعت او تا یک میل قدم رنجه نمود در سنه ۱۴ بعد مراجعت و ملازمت بنوازش فیل با
تلاير و در سنه ۱۶ بنظم الٰه آباد لوای مفاخرت برافراشته بود در سنه ۱۸ تغیر گردیده در سنه احد
شاهجهانی بمنصب باضافهٔ هزاری و تنظیم بهار از تغیر میرزا رستم صفوی چهرهٔ امتیاز برافروخته
بسبب استعمال کوکنار از نظم آنجا معزول شده در سنه ۵ بسالیانه یک لک روپیه قانع گردیده

تا سنه ۱۵ خانه نشین بود خانعالم ابراهیم نام ولد نجابت خان بن میرزا شاه رخ در سنه احد
عالمگیری از اصل و اضافه بمنصب پنجهزاری و بخطاب شجاعت خان خان عالم سرافراز شده بعد
چند ماه بی منصب گشته در سنه ۳ بخطاب عزت خان و به منصب سه هزاری و بقلعه داری جنار گده
و در سنه ۱۰ بعنایت خلعت ماتمی پدر سر بر افراخته در سنه ۱۱ همراه شاهزاده محمد معظم بدکن رفته در سنه ۱۱
باز بخطاب شجاعت خان و در سنه ۲۴ بخطاب میرزا خان امتیاز یافته بود تتمه احوال او در ذیل خطاب
میرزا خان نوشته خواهد شد خان عالم شیخ لاد ولد شیخ نظام حیدر آبادی در سنه ۳۰ عالمگیری به منصب
پنجهزاری و بخطاب اخلاص خان و در سنه ۴۳ بخطاب خانعالم سرافراز شده در سنه ۴۴ باضافه هزاری
نام بر آورده و بنظم صوبه جات نامور گردیده بعد رحلت حضرت همراه اعظم شاه در جنگ اکبر آباد با
بهادر شاه با هزاران دلاوری صفوف هراول بهادر شاه که باد شاهزاده محمد عظیم بود شکافته و نعش
خود را با بعض آن بادشاه زاده رسانیده و برچهه حواله کرده با بسیاری دلیران که همه داد بوی
بودند رایت جان بازی بر افراخت و فرزانه نام گذشت خورم سلطان از ولایت در رکاب همایونی
آمده در سنه احد اکبری از روی طبقات اکبری به منصب دو هزاری و بخطاب خانی سر بر افراخته در جنگ
با هیمون ترددی نموده در سنه ۳ در تنبیه معتمدان بهد اور من اعمال صوبهٔ اکبر آباد و در سنه ۱۱ همراه
میرزا شرف الدین حسین در فتح قلعه میرتهه وطن راجپوتان راتهور و در سنه ۹ و در سنه ۱۱ او در دیگر
کارزارها و در سنه ۱۹ او در تنبیه چندر سین ولد رای مالدیو زمین دار جودهپور ترددها نموده بود در الخلم

حال او معلوم نشد   لیباول هاشمی در عهد اکبری به منصب و بخطاب خوش خبر خان
سر برافراخته در سنه ۹ خدمت بهنمود و در سنه ۲ ابنابر عبور آب راوی اسپ انداخته بود غرق
شد   خوش خبر خان شمسی توشکچی در سنه احد جهانگیری بنا بر آوردن خبر دستگیر شدن
سلطان خسرو باغی بمنصب و به این سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   خوش خبر خان
ابراهیم حسین ملازم شاهزادهٔ پرویز در جایزهٔ آوردن خبر شکست سلطان خورم باغی از افواج
بادشاهی در سنه ۱۸ جهانگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
ان در عهد اکبری به منصب و بخطاب خانی سر برافراخته و در سنه ۱۱ متعین مالوا بود در سنه ۲۴ چون
مظفر خان ناظم بنگالا در باز خواست مطالبهٔ بی حساب بی آبرو کرده بود در سنه ۲۵ راه بغی پیموده در سنه
۲۹ تقصیر او مقرون بعفو گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد   حسین قلی خان ولد
ولی بیگ قزلباش برادرزاده بیرام خان بهارلو در سنه پنجم اکبری بمنصب و در سنه ۲ بخطاب خانی و بنظم
اجمیر از تغیر میرزا شرف الدین حسین سر برافراخته در آن سال قلعهٔ جودهپور وطن راتهوران مفتوح
گردانیده در سنه ۱۳ بنظم لاهور از تغیر میرزا خان و میر محمد خان مشهور بخان کلان نام برآورده در سنه ۱۸
بجایزهٔ دستگیر آوردن میرزا مسعود حسین ولد میرزا ابراهیم حسین کورکانی بخطاب خانجهان و به منصب
پنجهزاری والا رتبه شده و در سنه ۲ بنظم بنگالا از انتقال منعم خان مباهات اندوخته در سنه ۲۱ در جنگ
با داود خان ولد سلیمان خان کرانی حاکم بنگالا که بعد فوت منعم خان نقض عهد نموده بر تمام بنگالا تصرف نموده

درلک

درلک محل صف آراسته بود تردد نمایان کرده او را بکمند آورده سر او بحضور فرستاده در سنه ۲۴ در جنگ با
عیسی از حاکم زاده های بنگالا و دیگر زمینداران بهاتی با وجود ظهور آثار شکست و فتح یافته در همان
سال در آن جا فوت کرده   خان جهان سپه سالار پیر محمد نام ولد دولت خان لودی ابن عم
خان عم زاده دلاور خان که او در عهد بابر بادشاه خطاب خان خانانی داشت در سنه ۲ جهانگیری
به منصب سه هزاری و بخطاب صلابت خان و بعد چندی بخطاب خان جهان و در سنه ۳ به منصب
پنجهزاری سرافراز شده مکرر به اصلاح امور برهم خوردهٔ دکن تعین گشته بار اول کار ناساخته
مراجعت نمود در سنه ۱۲ چون همراه سلطان خورم در دکن مصدر دولتخواهی شده بود
باضافهٔ هزاری نام برآورده در سنه ۱۵ بنیابت دستار لیته در سنه مذکور بنظم صوبهٔ ملتان
سر برافراخته در سنه ۱۸ بحضور آمده در سنه ۱۹ بنظم گجرات از انتقال اعظم خان کوکه متور
شد در سنه ۲ باتالیقی شاهزادهٔ پرویز بدکن رفته در سنه ۱۱ به منصب هفت هزاری و بخطاب
سپه سالار چهرهٔ اعتبار برافروخته در دکن بود و بعد رحلت حضرت ملک بادشاهی بدست دنیاداران
داران دکن فروخته در امتثال احکام شاهجهانی تقاعد ورزید آخر کار در سنه احد از
نظم مالوا بحضور آمده چون از تقصیرات خود خایف میگذرانید در سنه ۲ از اکبرآباد نصف شب
راه بغی پیموده بسوی دکن آواره شده و باز بهندوستان آمده در سنه ۳ در بندیل کهند
متصل سیهندا بجی پور ببرداکی و دلاوری تمام که مافوق آن متی باشد بردست مادهو سنگه

ولد راو رتن سنکه هادا زمین دار بوندی از متعینان سید مظفر خان بارهه کشته شد
آویزشهائی که مکرر در بندهای بادشاهی و خان مذکور بمیان آمده از روی نفس الامر یادگار
روزگار است سید خان جهان سید مظفر نام از سادات بارهه تهنبوری و در اواسط عهد جهانگیری
منصبی داشت و در سنه ۱۵ او در دکن خدمت نموده روزی در جنگ با دکهنیان چهار زخم برداشته در معرکه
افتاده و در سید جمال و سید بایزید برادرانش بکار آمدند و در سنه ۱۸ رفیق سلطان خورم باغی بوده
تا انقضای سلطنت جهانگیری با ایشان رفاقت نموده در آن ایام خطاب خانی بر نام خود یافته در سنه ۱۹
سلطان خورم از فوج بادشاهی در اله آباد شکست خورده براه بهار و بنگاله قصد دکن نمودند در این
اوقات مراد بخش متولد شد مظفر خان و رضا بهادر همراه محل در قلعه رهتاس که بنگاله گذاشتند و ا
وقتی که سلطان خورم از تهته مراجعت کرده در ناسک ترنبک رسیده بودند ملحق شدند از جلوس
در رکاب شاه جهانی آمده در سنه احد بعنایات خلعت و خنجر و شمشیر مرصع و هشتاد هزار روپیه
نقد و منصب چهار هزاری نام برآورده بتعین مهم ججهار سنکه بندیله گردیده در سنه ۲ بجلدوی
ترددی که در جنگ با خان جهان لودی بدکن ورزید تا به بندیل کهند به ایلغارهای از لکهنو
رفته در سنه چهارم بجایزه فرستادن سر خان جهان و ترددات درین کارزارها بخطاب سید
خان جهان والا رتبه گشته همراه آصف خان به تسخیر ولایات بالا گهات بدکن تعین گردیده
در سنه ۵ به حضور آمده در سنه ۱۸ به منصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه علم مباهات

برافراشته

برافراشته در سنه ۹ همراه شاه شجاع متعین دکن گردیده در سنه ۱۰ در کارزار با افواج
حاکم بیجاپور ترددات نمایان نموده بحضور آمده در سنه ۱۱ به منصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه
سه اسپه علم افتخار برافراخته بتعین مهم ججهار سنکه بندیله شده در دکن رفته بجایزه تردد شایسته
در تعاقب او بعنایات خلعت با چارقب و شمشیر مرصع و بانعام لک روپیه سر بفلک بر سوده بار
دیگر بندها به تسخیر قلاع حاکم بیجاپور رفته در سنه ۹ قلعه سرادهون و دهارواسون و کانتی
شش کروهی سواد بیجاپور بس از ترددات بسیار و قتال و جدال بی شمار مفتوح کرد آمده
در سنه ۱۰ بحضور آمده بکوالیار رخصت شده در سنه ۱۳ بحضور آمده باز بکوالیار رفته در سنه ۱۴
باضافه هزاری ذات برآورده در سنه ۱۵ بجلدوی تنبیه جکت سنکه زمیندار دهمری به منصب
شش هزاری ذات و سوار دو اسپه و سه اسپه علم مباهات برافراشته همراه شاهزاده
دارا شکوه بکومک ناظم قندهار روانه شده در سنه ۱۶ به حضور آمده در سنه ۱۷ به احکام کوچ رایات
عالیات به اجمیر بنظم اکبرآباد مقرر گشته در سنه ۱۹ از کشمیر طلب حضور گردیده در سنه
نوزدهم بعد رسیدن حضور در لاهور فوت کرد خان مسطور اکثر شمشیرهای نمایان زده
و کارهای دست بسته کرده بود خان جهان ابوطالب ولد آصف خان طهرانی در عهد
جهانگیری بمنصب و خطاب شایسته خان و در سنه ۳ شاه جهانی به خطاب خان جهان
سرافراز شده در سن احد عالمگیری بخطاب امیر الامرا نامور گردیده بود تتمه احوال او

و در ذیل خطاب امیر الامرا نوشته خواهد شد خان جهان بهادر ظفر جنگ کوکلتاش ملک حسین
نام ولد میر ابو المعالی خافی در ایام بادشاهزادگی عالمگیر بادشاه آثار شجاعت ازو سر بر زد
در سنه ۳۰ شاه جهانی روز ملازمت بمنصب هفتصدی و در سنه ۳۱ باضافه دو صدی سرافراز
شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخطاب بهادر خان و بعد چند روز بجایزهٔ
ترددات شایسته در جنگ حوالی اکبرآباد و زخمی شدن در آن معرکه باضافهٔ هزاری و بجلدوی
تعاقب بار اول دارا شکوه بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار از آن جمله هزار سوار دو اسپه سه اسپه
و در جایزهٔ تردد در جنگ با شاه شجاع بعنایت خلعت خاص بانادری و در سنه ۲ بجلدوی
او تعاقب بار دوم دارا شکوه و دستگیر نمودن او از نواح قندهار به منصب پنجهزاری پنجهزار
سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم اله آباد و در سنه ۵ هم بنظم گجرات از تغیر مهابت خان لهراسپ
سرافراز شده در سنه ۱۰ بنظم دکن از تغیر بادشاهزاده محمد معظم و باضافهٔ هزاری و بخطاب
خان جهان بهادر و باجازت ساختن ماهی و مراتب از پیش خورد و در سنه ۱۵ بجلدوی
تنبیه سیوا سروار دکهنیان بخطاب ظفر جنگ کوکلتاش و به منصب هفت هزاری هفت هزار سوار
دو اسپه سه اسپه و انعام یک کرور دام نام برآورده در سنه ۱۸ طلب حضور و تغیر و تقصیر لتصرف بمال بادشاهی
بضبط خانه ومان معاف گشته در سنه ۱۹ بعفو تقصیر مباهی گردیده در سنه ۲۳ بار دوم بنظم دکن
از تغیر بادشاهزادهٔ مذکور لوای افتخار برافراشته در سنه ۲۹ برای تنبیه راجا رام جات از مفسدان آن

صوبهٔ اکبرآباد

صوبهٔ اکبرآباد و باتالیقی شاهزادهٔ بیدار بخت متعین شده در سنه ۳۲ به راجا رام را بجهنم
رسانیده در سنه ۳۴ بنظم لاهور از تغیر بادشاهزاده محمد معظم مقرر گشته در سنه ۴۰
طلب حضور شده در سنه ۴۱ ازین جهان به آن جهان میل کرد امیری بود عالی شان
و جامع شجاعت و احسان کارهای درست بسته ازو برآمده یادگار روزگار رست و ضبط و
نسق درست داشت   مشهدی از امرای حاکم بزار در سنه ۲۹ اکبری بمنصب هزار
و پانصدی و بخطاب خانی سربلند شده بود در سنه ۳۲ فوت کرد   خداوند خان دکهنی
در سنه ۴ شاه جهانی بمنصب و به این خطاب سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
از امیران دکهنی خان مشار الیه اعتباری بهم رسانیده بود   شاه بیگ ولد
ابراهیم بیگ در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی بر نام خود سربرافراخته در سنه ۳۹
بنظم صوبهٔ قندهار که درین سال مرزا مظفر حسین صفوی حوالهٔ اولیای دولت نموده
بود مقرر گردیده در سنه ۴۹ بمنصب پنجهزاری رسیده و در سنه ۲ جهانگیری بخطاب خان دوران
و بنظم کابل از انتقال قلیج خان نام برآورده بجایزهٔ تنبیه احداد الضاری سرکرده
افاغنه به منصب شش هزاری علم مباهات برافراخته در سنه ۳ بحضور آمده بعوض محله
فوج دو هزار سوار خوش اسپه عراقی و ترکی مورد آفرین گردیده بنظم صوبه بهار و تهته
امتیاز برافروخته و در سنه ۴ بسبب ضعف قوی استعفا از منصب نموده پرگنهٔ خوشاب بمدد

ترجیح یافته در سنه ۵ بعمر نود سال در لاهور رحلت کرد و اموال جمله چهار لکهه روپیه از نقد و
جنس برآمده بود معاف شد خان مذکور جوان مردانه و صاحب برداشت بود از سپاهی
بسیار میکند در زمان اکبری اکثر شمشیرهای نمایان زده و در سنه احد جهانگیری قلعه قندهار
را در برابر فوج دارای ایران خوب نگاهداشت و تا یک سال کارزار شدید مینمود
و خود کمر نه بست و بر بالای قلعه تماشای رقص میکرد از بهادران مقرر روزگار و دلیران
عرصه کارزار بود و شجاعت را با سرداری جمع داشت خان دوران بهادر نصرت جنگ خواجه
صابر ولد خواجه حصاری در اوائل عهد جهانگیری بمنصب و در اواسط عهد بخطاب نصیری
خان سربلند شده و در سنه ۱۱ بعطای علم نام برآورده در سنه ۱۸ شریک بغی سلطان
خورم گردیده در سنه ۲ برعایت دامادی عبدالله خان فیروز جنگ که از سلطان خورم
جدا شده بدرگاه جهانگیری رفته بود مومی الیه از رفاقت ایشان محرومی را پسندیده
بنظام الملک پیوسته روزگار میگذرانید در سنه دوم شاهجهانی بعد التجا و اتمام تقصیرش
مقرون بعفو شده بمنصب سه هزاری دو هزار سوار مباهات اندوخته بنابر تنبیه خانجهان
لودی باغی متعین گردیده و در سنه ۴ بجلدوی ترددات در فتح قلعه قندهار دکن که بعد
تردد و زد و خورد چهار پنج ماه مفتوح نموده بود بعطای ماهی و مراتب که در دکن اعتبار
تمام داشت بمنصب چهار هزاری افتخار برافراخته در سنه ۵ بنظم مالوا از تغیر خان تعلق

مقرر شده

مقرر شد و در سنه ۶ هنگام تعیناتی خانجهان مهابت خان زمانه بیگ به تسخیر قلعه دولت
آباد تردد و تلاش های نمایان نموده بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار و بخطاب خاندوران چهره امتیاز
برافروخته در مهمات دکن کارهای درست بسته کرده در سنه ۷ روزیکه بیجاپوریان در دایره افواج خود
مهابت خان سپه سالار را نقطه پرگار گرفته زد و خورد مینمودند و آن سپه سالار اصلاح و پشتی
داری را کار نفرموده متهورانه جنگ میکرد و راجپوتان ایشان الحق مقام سپاه آرا نموده
شمشیرها زده در رسیدن زخمی می افتادند خان مذکور هم چو برق و باد بکومک رسیده از هر چهار طرف
اعدا را زده رانده مهابت خان را از آن مهلکه بر آورده بعد فوت مهابت خان بنظم پاین
گهاط که عبارت از نصف مملکت دکن باشد مقرر گردیده در سنه ۹ باز بنظم مالوا الحاق گشته
باوجود نظم آن جا به تنبیه جهار سنگه باغی تعین گردیده در تعاقب او در دکن رسیده در سنه ۹
بجائزه دستگیر آوردن رانی پاربتی والده جهار سنگه بندیله و پسران و دختران و زنان
او بخطاب بهادر و نوازش خلعت خاص با چارقب زردوزی سر برافراخته در ناخت ملک
عادلخانیه او زیلغانه کارها نموده در سنه ۱۰ روز پنجاه محال خراب کرده هزار کس قتل نموده
خصوصا در فتح قلعه ناک پور نهایت ترددات کرده دیوار قلعه را پرانیده و با راجه جی سنگه
دستیهد ارخان در قلعه در آمده دو هزار کس را قتل کرده قلعه مفتوح گردانیده در سنه
دهم بحضور آمده بجلدوی فتح قلعه اودگیر و دستگیر آوردن ابراهیم عادل خان از آن قلعه

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 2

وفتح قلعهٔ کیلچهر وحصار اسپه وقلعه اوسه وتحصیل پیشکش زمین دار کوند واله بخطاب نصرت جنگ
وبمنصب شش هزاری وبه این عنایت که حضرت ادراک فرموده که ما درین عنایات که نسبت
بشما ظهور یافت بر شما منتی نداریم ملک بضرب شمشیر وزور سعی وترددات نمایان خود از ما
گرفته اند علم مفاخرت بر افراشته در سنه ۱ همراه شاه شجاع بمقابلهٔ شاه صفی دارای ایران
بصوب کابل متعین گردیده در سنه ۱۲ بعد مراجعت از ان جا باز متعین کابل شده
بعد تنبیه هزاره جات بمالوا رفته در سنه ۵ بحضور رفته وبکابل رفته در سنه ۹ از رخصت
مالوا یافته در سنه ۱۱ ناظم دکن از تغیر بادشاه زادهٔ عالم گیر وبمنصب هفت هزاری هفت
هزار سوار پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه وجاگیر سی لک روپیه والا منزلت گشته در سنه ۲۱
طلب حضور شده در کشمیر ملازمت نموده باز بدکن دستوری یافته در ناحیهٔ لاهور از
دست غلام کشته شد خان مذکور در نظم ونسق صوبجات ومهارت قلعه کشائی
وفنون سرداری یگانهٔ آفاق بود از اموال او بعد حصهٔ پسرانش بموجب وصیت
نامه اش شصت لکه روپیه داخل خزانهٔ بادشاهی گردید خان دوران سید محمود ولد
خان دوران خواجه صابر در اواسط عهد شاه جهانی به منصب هزاری ودر سنه ۲۲
از اصل واضافه به منصب دو هزار وپانصدی ودر سنه ۲۳ به منصب سه هزاری دو هزار
سوار وبخطاب نصیری خان سر افراز شده در سنه ۲۶ متعین مهم قندهار گردیده بود

در سنه

در سنه احد عالمگیری بمنصب پنجهزاری وبخطاب خان دوران ودر سنه ۲ بنظم صوبه اودیسه سربلند
شده بند وبست آن جا واقعی نموده در سنه ۶ ارخت حیات بر بست
برادر عبد الله خان
فیروز جنگ در سنه ۹ جهانگیری بمنصب هزاری وبه این خطاب سربلند شده خدمت مینمود وبکر احوال او
معلوم نشد خنجر خان محمد صالح پسر خوانده خواجه بیک میرزا صفوی منصبی داشت در سنه جهانگیری
به این خطاب سر بر افراخته در سنه ۱۲ بخطاب سپهدار خان نامور گردیده بود تتمهٔ احوال او در ذیل
خطاب سپهدار خان بقلم خواهد آمد خنجر خان ترکمان در آخر عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری پانصدی
وبه این خطاب سرافراز شده بود بقلعه داری ضحاک مقرر گردیده در سنه ۲ شاه جهانی فوت کرد
خنجر خان جوره اقاسی در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزاری سربلند شده متعین مهابت خان
گردیده در سنه ۲ متعین ارادت خان گردیده در سنه ۳ فوت کرد چون دو کس یک خطاب خلاف
ضابطه است خنجر خان ترکمان غالب که در سنه احد شاه جهانی فوت کرده باشد خنجر خان میرزا محمد
خویش قلیچ خان در اوایل عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۱۲ بمنصب هزاری وباین خطاب وقلعه
داری قلعه زمین داور ودر سنه ۱۸ بفوجداری دامن کوه کانگره سرافراز شده در سنه ۱۹ تعین
مهم بلخ وبدخشان شده در سنه ۲۰ متم در آن جا ترددی نموده در سنه ۲۲ بجایزهٔ تردد در مهم قندهار به اضافه
پانصدی مباهات اندوخته در سنه احد عالمگیری به منصب سابق بحال مانده از فوجداری چهتره خوشاب
که از سابق بنام او مقرر بود معزول گردیده به تنبیه مفسدان دامن کوه کانگره متعین گشته در سنه ۱۱

بفوجداری بهکر از تغیر باقر خان مقرر گشته در سنه ۴ چهارم معزول شده در سنه ۸ که داخل کومکیان
کابل بود حضور طلب کرده بتهانه داری معظم نگر و هکوب که بر آب روی آب نیلاب است مباهات اندوخته
در سنه ۹ بمعظم نگر درگذشت پلنگ حمله ولد شمشیر خان اوزبک در آخر عهد شاه جهانی به منصب هزاری
سرافراز شده مکرر در تعیناتی بادشاهزادها بقندهار رود در سنه ۲۲ بدکن رفته بود در سنه ۲ عالمگیری
به اضافه پانصدی و بخطاب ارسلان سر برافراخته در سنه ۳ بخطاب خنجر خان سربلند گردیده در سنه ۱۰
متعینه کابل گشته بود انجام حال او معلوم نشد خنجر خان خواجه کمال منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری
به این خطاب سر برافراخته تا سنه ۳۰ بخدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد روپ نام
خواص از بندگان اکبری در اوائل عهد جهانگیری بمنصب و در سنه ۳ بخطاب خواص خان و بمنصب هزاری
و بفوجداری سرکار قنوج سرافراز شده در سنه ۱۰ فوت کرد خواص خان بهتی سرخیل خدمتکاران
جهانگیر بادشاه در سنه ۱۱ الیشان بمنصب و باین خطاب و در سنه ۱۵ به تنخواه بلداری افیون خاصه
سر برافراخته در سنه ۶ به خطاب دولت خان نامور گردیده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب دولت خان
تقلم خواهد آمد دهنی در عهد شاه جهانی بخطاب بختیار خان و منصب دو هزاری سربلند
بود در سنه احد عالمگیری به این خطاب و بفوجداری چنار گده سر برافراخته در سنه ۲ در بنگاله درگذشت
در اوائل عهد جهانگیری بمنصب و در سنه ۱۱ بخطاب خدمتکار خان و بخدمت توزک سر
افرازی داشت و در سنه ۱۲ الیزاولی آوردن سپاه متعینه دکن مامور شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد

نشد خدمتکار خان اسلام قلی درکهان نام ولد جکراج بن راجه جهجار سنگه بندیله
بعد مقتول شدن پدر و جد خود در سنه ۸ شاه جهانی دستگیر آمده بشرف اسلام مشرف
شده و به اسم اسلام قلی موسوم گشته بعد تربیت بمنصب پانصدی سرافراز گردیده در سنه ۲۲
بخطاب خدمتکار خان مامور شده در سنه ۱ عالمگیری بخطاب خدمتکار خان مامور شده
در سنه ۱ عالمگیری بخطاب خدمتکار خان نام بر آورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب
خدمتگذار خان نوشته خواهد شد خدمتکار خان خواجه سرا خوجه بهول نام منصبی داشت در سنه
دهم عالمگیری بخطاب خدمتکار خان و قلعه داری گوالیار و در سنه ۱۴ بقلعه داری شاه جهان آباد
سربلند شده تا سنه ۲۴ خدمت مینمود دیگر احوال خدمتکار خان خواجه سرا طالب نام محلی
شاه نواز خانی چهیری در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود و آن قدر اعتبار داشت
که در عهد عالمگیری پروانگی موتر اشی بادشاهزاده محمد معظم را و ایام مقید بودن ایشان
بمبالغه تمام دهانیده بود در سنه ۲۳ بخطاب خدمتکار خان و بخدمت نظارت از عزل خدمت
خان سربلند گردیده در سنه ۲۶ به ۳۲ بمنصب هزار و پانصدی مباهات اندوخته در سنه ۴۹
فوت کرد خدمتکار خان خواجه سرا عنبر نام محلی بچکانه محرم خان منصبی داشت در سنه ۴۹
عالمگیری بمنصب ششصدی و بخدمت و بخطاب خدمتکار خان سر برافراخته در عهد محمد شاه
بمنصب پنجهزاری رسیده و صاحب حل و عقد سلطنت گردیده نیکنام ازین جهان انتقال نمود

خواجه سرا در سنه ۱۴ جهانگیری به منصب پانصدی و پنجاهی و بخطاب خدمت خان سربلند
بود در عهد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی رسیده زندگانی را جواب داد   خدمت خان
خواجه سرا به منصب و خطاب خدمت خان سربلند بود در سنه ۴ عالمگیری برای خدمت اعلی حضرت
مامور گردیده در سنه یازدهم بداروغگی عرایض و در سنه ۲۸ باوجود داروغگی مذکور بنظارت محل
از انتقال دربار خان مقرر شده در سنه ۲۹ از نظارت معزول گردیده در سنه ۴۲ بار دوم بنظارت
نام برآورده در سنه ۴۳ بتولیت روضه اعلی حضرت سرافراز شده در عهد بهادر شاه بادشاه در آن
جا رخت عمر ته کرد انیم و موفق و خیر بود   امان الله خان ولد مهابت خان زمانه بیگ در سنه ۱۸
جهانگیری بخطاب خانه زاد خان و در سنه احد شاه جهانی بخطاب خان زمان سرافراز شده بود
تتمه احوال او در ذیل خطاب خان زمان نوشته شد   خانه زاد خان شیخ عمر نام ولد سعید خان
بهادر ظفر جنگ در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی در شت در سنه ۱۱ جلدوی حسن خدمت
در فتح پر بدست آوردن قلعه قندهار که پدرش تردد علیمردان خان فرستاده شده بود و باین
خطاب نام برآورده در همین سال بجایزه تردد در کارزار با قزلباش باضافه پانصدی بمنصب هزاری
و در سنه ۱۲ باضافه پانصدی و تهانه داری غزنین سرافراز شده تردد ی نموده بزودی بتغیر
در سنه ۱۴ بفوجداری دامن کوه کانگره و چون از تغیر راجه جگت سنگه و سرانداز خان و در سنه ۱۵ بقلعه
داری قلاب از تغیر راجه مذکور و در همین سال بقلعه داری زمین داور از تغیر پردل خان سرافراز

گردیده

گردیده در سنه ۲ در مصاف بلخ بمقابله اوزبکان بذات خود شمشیرها زده رستمانه جان نثار
شد   خانه زاد خان میرزا بهمن یار ولد آصف خان طهرانی در سنه ۲۲ شاه جهانی بخطاب خانه
زاد خان و در سنه ۲۵ بخطاب اعتقاد خان سرافراز شده تتمه احوال او در ذیل خطاب اعتقاد خان
بقلم آمده   خانه زاد خان حمید الدین ولد میرزا ابوسعید طهرانی در سنه احد عالمگیری
بخطاب خانه زاد خان و در سنه بیست و ششم به خطاب حمید الدین خان سربلند شده بود تتمه
احوال او در ذیل خطاب حمید الدین خان نوشته شد   خانه زاد خان ولد همت خان بن اسلام
خان ضیاء الدین حسین خانی در سنه ۴۴ عالمگیری بعد فوت پدر بمنصب و در سنه ۴۶ به خطاب
خانه زاد خان و بداروغگی بندهای جلو سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد   خانه
زاد خان میر حسن ولد روح الله خان بن خلیل الله خان میر میرانی منصبی داشت در سنه ۲۹
عالمگیری به خطاب خانه زاد خان سربلند شده در سنه چهل و یکم بخطاب روح الله خان مامور
گردیده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب روح الله خان بقلم خواهد آمد   خانه زاد خان پسر دیگر
سعید خان بهادر ظفر جنگ به منصب و باین خطاب سرافراز بود در سنه ۴ عالمگیری بخطاب
پدر سر برافراخته خدمت مینمود تتمه احوال او در ذیل خطاب سعید خان بقلم خواهد آمد   میر خانه زاد
خان میر عبدالکریم ولد امیر خان بکتین در سنه ۲۳ عالمگیری خطاب ملتفت خان یافته در سنه ۴۵
باین خطاب و در سنه ۴۸ به خطاب امیر خان نام برآورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب

امیر خان بقلم آمد   نبیرهٔ دربار خان ملا عنایت الله در عهد جهانگیری بمنصب و خطاب
خدمت پرست خان سرافراز شده خدمت مینمود در سنه احد شاه جهانی بخطاب حیات خان
امتیاز یافته بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب حیات خان بقلم آمده   خدمت پرست خان رضا بهادر
از خاصه چیلان عهد جهانگیری در سنهٔ ۱۱ ایشان در رکاب سلطان خرم خدمت می نمود از
چند در رکاب شاه جهانی آمده به منصب دو هزار و پانصدی و بخطاب خدمت پرست خان و خدمت
میر توزکی و خدمت میر آتشی سرافراز شده در سنه ۲ در کارزار با خانجهان لودی باغی بر کنار
آب چنبل بصد مردانگی بکار آمد   ولد میر میران نعمت اللهی یزدی در عهد جهانگیری
منصبی داشت و همراه آصف خان و سلطان بولاقی در جنگ با سلطان شهریار باغی ترددی
نموده در سنه ۱ شاه جهانی بخطاب خانی و خدمت میر توزکی سربرافراخته در سنه ۸ بمنصب هزار
و پانصدی و در سنه ۹ بداروغگی توپخانه سرافراز شده همراه شاه شجاع بدکن رفته
در سنه ۱۰ در آن جا تردد نموده بحضور آمده در سنه در رکاب والا در دکن کارزاری کرده
در سنه ۱۱ به جائزهٔ تلاش های متهورانه در تنبیه عادل خان باضافهٔ پانصدی چهرهٔ امتیاز
برافروخته در سنه ۱۳ بداروغگی قراولان و به اضافهٔ پانصد سوار و در سنه ۱۴ بخدمت توپ
بیگی و آخته بیگی و اضافهٔ پانصدی مباهات اندوخته باغ شالامار لاهور بصرف شش لک روپیه
در اهتمام خود تیار نموده در سنه ۱۵ همراه دارا شکوه بکومک ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور

آمده

آمده و در سنه ۱۹ به منصب سه هزاری و خدمت تن بخشی گری لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۱۹
بجائزهٔ ترددات در مهم بدخشان و بلخ به منصب چهار هزاری سه هزار سوار و در سنه ۲۱ بفوجداری
میوات و در سنه ۲۲ بار دویم به تن بخشی گری و در سنه ۲۳ به میر بخشی گری از تغیر جعفر خان و در سنه
۲۴ بنظم صوبهٔ دار الخلافه و در سنه ۲۶ به منصب پنجهزاری والا پایه گردیده با دیگر بندها بحراست صوبهٔ
کابل روانه شده در سنه ۲۷ بحضور آمده در سنه ۲۸ برای تنبیه زمینداران سری نگر تعین گشته به حسن
تدبیر دون سری نگر را فتح نموده در سنه ۲۹ به حضور آمده در سنه ۳۱ بار دیگر بنظم صوبهٔ مذکور نام آورده
در جنگ اکبر آباد همراه بادشاهزاده دارا شکوه بمقابلهٔ بادشاهزادهٔ عالمگیر در ترددها بایه
دریغ ننموده در سنه احد عالمگیری به منصب شش هزاری چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم
لاهور بلند مرتبه شده بسبب عارضهٔ بدنی از لاهور بدار الخلافه آمده در سنه ۴ فوت کرد   خلیل الله خان
ولد روح الله خان میر حسن در سنه ۴۸ عالمگیری به منصب هزاری و به این خطاب سرافراز شده
بود در عهد محمد شاه بقلعه داری کانگره مقرر شده در آن جا فوت کرد   ولد اوزبک خواجه
شاه جهانی از پیش نذر محمد خان والی بلخ بسفارت آمده بود چون از بخشش و جود حضرت بهره
وافر بر داشته رفته بود در سنه ۲۴ از آن جا بعزم بندگی آمده به منصب نهصدی و به این خطاب
سرافراخته در سنه ۲۵ در مهم قندهار مردانه جان نثار شد   خواجه خان برادر زادهٔ سیادت خان
اوغلان در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۴۶ در جنگ

وکهنیان اسیر رفته در سنه ۴۹ بعد خلاص به منصب هزار و پانصدی مباهات اندوخته تا سنه احد
بهادرشاه خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد   خدمتگذار خان اسلام قلی جدید
الاسلام از قوم هندیه در عهد شاه جهانی بشرف اسلام مشرف شد و بمنصب پانصدی نام
برآورده در سنه ۴۲ بخطاب خدمتگار خان سرافراز گردیده بود در سنه ۱ عالمگیری بخطاب
خدمتگذار خان سربلند گشته در سنه ۲۲ بقلعه داری جوده پور که بعد فوت مهاراجه جسونت سنگه
راتهور زمینداران جا بتصرف اولیای دولت آمده بود مقرر شده در سنه ۲۹ فوت کرد   خدمتگذار خان
دیگر در سنه ۳۴ عالمگیری به منصب و به این خطاب سربلند بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد
کمال نظر منصبی در شت و بدار و علی اتب دار خانه ممتاز بود در سنه ۴ عالمگیری باین خطاب سربلند
گردیده خدمت چیان نمود و با سلیقه و از اجدادنی آشنا بود دیگر احوال او معلوم نشد
برادر یاقوت خان در اواسط عهد عالمگیری به منصب و خطاب قدریت خان سربلند شده تا سنه
۴۰ خدمت نمود و غالب که حبشی کهنی باشند دیگر احوال او معلوم نشد   ولد امیر الامرا شایسته خان
در اواسط عهد عالمگیری به منصب و بخطاب خانی سرافراخته در سنه ۴۰ به منصب هزاری و بفوجداری
بهرایچ و آمیده با اضافه پانصدی و در سنه ۴۸ بمیر بخشی گری احدیان از تغیر مرید خان و در سنه ۵۱
بخدمت بیوتاتی رکاب و در سنه ۴۴ به منصب دو هزاری و صوبه داری از تغیر عسکر خان و در سنه ۴۹
بفوجداری و قلعه داری قندهار دکن از تغیر غیرت خان و در سنه ۱۴ بخدمت خانسامانی از انتقال

روح الله خان

روح الله خان میر حسن و در سنه ۵ به منصب سه هزاری سرافراز شده در سنه احد بهادرشاه
چون در رفاقت اعظم شاه رستمانه در جنگ با بهادرشاه زخمهای منکر برداشته بود بعد از آنکه
بهوش آمد و سانحه ناگزیر اعظم شاه را دریافت نمود بخیه های زخمها را گسیخته قالب تهی کرد و
مردانه بعدم رفت   عرف حاذق خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خان
سربرافراخته در سنه ۴۰ به نیابت میر آتشی مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   خیر اندیش
خان کنبوه میر تهی در آخر عهد عالمگیری به منصب نهصدی و باین خطاب و بفوجداری اتاوا
و در سنه ۵۰ بفوجداری و ماموئی ضمیمه او سرافراز شده در سنه ۱۴ در نشهه سر سال هندیه که
بغی نموده بود تردد ی کرده در عهد بهادرشاه بنام رفت   در عهد عالمگیری
بمنصب هزاری و بخطاب خانی سربلند شده تعینات بادشاه زاده محمد اعظم شاه بود در سنه
احد بهادرشاه بعنایت خلعت سپاهی گردیده خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد
در سنه ۱۵ عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد
دول خان فوجدار در سنه احد اکبری به منصب
و بخطاب خانی سرافراخته تا سنه احد خدمت نمود در کارزارهای هندیه فیلان را پیش برده
کارهای نمایان میکرد دیگر احوال او معلوم نشد   در سنه احد اکبری به منصب و بخطاب خانی
سرافراخته تا سنه احد خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد   در سنه احد اکبری به منصب

و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۱۲ او را بلغاره به تنبیه فاتر زمان سیستانی باغی همراه رکاب مصدر
ترددشده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد دلاور خان کاکر در عهد اکبری بمنصب و خطاب
ابراهیم خان سربلند شده در سنه ۴۹ هنگام کارزارهای که در کشمیر رو داده مصدر ترددات کرده بود
در سنه احد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و به این خطاب و بجلدوی ترددنمایان که در جنگ با سلطان
خسرو اولین پور خلافت که در آن ایام راه بغی پیموده بودند وارد و در محافظت قلعهٔ لاهور بوقوع
آمده بود به منصب دوهزاری و در سنه ۲ بعنایت جاگیر در جونپور رو در سنه نهم باضافهٔ پانصدی سرافراز
شده آینده متعین دکن گردیده و در سنه ۱۳ از دکن آمده بنظم کشمیر از تغیر احمد بیک خان نام برآورده
و در سنه ۱۴ بجلدوی فتح کستوار بمنصب چهارهزاری سربلند گشته در سنه پانزدهم بعدم رفت بیان فتح
این ولایت کستوار است او اکر حاکم نشین کستوار بمسافت شصت کروه از معموره کشمیر بسمت جنوب
واقع است دلاور خان از کوتل سرچال تقسیم نموده اسپان سپاهی در کل باز گردانیده پیاده بر
فراز کوه برآمدند با کافران منزل بمنزل جنگ کنان بارکوت که یکی از محکمهای غنیم بود شتافتند کافران
راه فرار پیش گرفتند بهادران کوههای دشوارپیمای مردی همت پیموده تا دریای مرور رسیدند
و به لب آب مذکور آتش قتال اشتغال یافت واسه جنگ از آن کافران بقبل آمد راجه بدست دل شده
از پل گذشته در بهندرکوت که بر آن طرف آب واقع است توقف گزید و بر سر پل تا بیست روز جنگ ماند
جمال سپه سش بالای آب رفته شناوری و دلاوری از آن دریای ذخار گذشته با مخالفان

بجنگ

بجنگ صعب پیوست بکار پل را شکسته راه فرار پیش گرفتند و دلاوران و دلاور خان در
بهندرکوت اقامت گرفت از آب مذکور تا دریای چناب که اعتقاد قوی این کفار است دو تیر
انداز مسافت بوده باشد و در کنار آب کوهی است مرتفع عبور از آن آب بدشواری میسر خان مذکور تا
چهار ماه و ده روز در بهندرکوت پای همت افشرده سعی در گذشتن آب در شت تا آنکه برهبری زمین‌دار
در دل شب رفته رم بربسته با دو صد نفر از آن راه گذشته هنگام سحر بسر راجه رسیده
کرنای فتح بلند آوازه ساختند و راجه بعد کشته شدن چند کس دستگیر آمد و دلاور خان بمندل
پور که حاکم نشین آن ملک است درآمد از کنار آب تا آن جا مسافت سه کروه بوده باشد
دلاور خان بریچ در عهد جهانگیری به منصب و خطاب دلاور خان سر برافراخته در سنه ۱۱ اتک
بغی سلطان خورم گردیده بود و در سنه احد شاه جهانی به منصب چهارهزاری و بفوجداری جونپور
سربلند شده در سنه ۴ در آن جا فوت کرد دلاور خان دکهنی در اوایل عهد شاه جهانی به منصب
دوهزاری و به این خطاب سر برافراخته به منصب دوهزار و پانصدی رسیده تا آخر عهد مصدر
تردد بود دیگر احوال او معلوم نشد دلاور خان ولد بهادر خان روهیله در سنه ۲۴ شاه
جهانی بعد فوت پدر بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۲۶ متعین مهم قندهار گردیده
در سنه ۳۰ باضافهٔ پانصدی و خطاب خانی بنام خود نام برآورده در سنه احد عالمگیری چون
از سابق از کومکیان صوبهٔ کابل بود زندگانی را جواب داد دلاور خان حبشی در عهد شاه جهانی

بمنصب دو هزاری سرافراز بود در سنه ۶ عالمگیری بخطاب جبش خان سربلند شده بود تتمهٔ احوال او

در ذیل خطاب جبش خان نوشته شد   دلاور خان سید عبد الرحمن در آخر عهد شاه جهانی منصب

هفت صدی داشت در آغاز سنه احد عالمگیری به منصب هزار و پانصدی و به این خطاب سرافراز شده

در جنگ اکبرآباد بکار آمد   دلاور خان محمد صادق در سنه احد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز گردیده

در سال هفتم بقلعه داری رتنهپور مقرر شده در سنه ۱ متعین دکن گردیده بود در سنه ۹ فوت کرد   دلاور خان

شیخ عبد العزیز فوجدار سهرند منصبی داشت در سنه ۱ عالمگیری باین خطاب سربرافراخته در سنه ۲ برابر روهلی

فرقه جلو مقرر شد تا سن ۲۵ خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد   ملا غیاث الدین دلاور خان تکلو

قصه خوان شاه طهماسپ والی ایران در سنه ۱۹ اکبری به منصب هزاری و به این خطاب سربرافراخته در

سنه ۴۰ فوت کرد   دولت محلی در آخر عهد شاه جهانی منصب پانصدی داشت در سنه ۱ ابد

به این خطاب و نظارت محل سرافراز شده آینده معزول گردیده در سن ۲ عالمگیری باز بنظارت

مقرر شده در سنه ۳ باز تغیر شده در سنه ۱ باز سیوم از تغیر جواهر خان مقرر گردیده در سنه ۱۲ اه بنابر

دیوان خاص مباهات اندوخته در سنه ۲۹ در ایام بحالی نظارت محل بکنام رفت خیر و موفق بود حضرت

چند قدم مشایعت جنازهٔ او نمودند   نیشاپوری در سنه ۱ اکبری بمنصب و به این خطاب سربلند

و در بهم قلعهٔ رتنهپور مصدر تردد بود دیگر احوال او معلوم نشد   دوست خان بهاری در عهد اکبری

بمنصب هزاری و باین خطاب سربلند شده خدمت نمود و در نامورا آن عهد بود دیگر احوال او

هیچ

هیچ معلوم نشد   آید ار در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲۵

خزانه را پیش ناظم بهار برده بود دیگر احوال او معلوم نشد   دریا خان روهیله از ملازمان دارا

شاهی شاه جهانی در سنه احد الیشان بمنصب چهار هزاری و به این خطاب سربرافراخته مکرر راه

بغی پیموده و بعفو مقرون شده انجام کار در سنه ۳ بجانب جهان بودی باغی پیوسته در سنه ۴ مرده

بقتل آمد و حلال پسرش از نزد مادرش از جای دیگر دستگیر شده   در عهد اکبری

به منصب و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲ تردد نموده در سنه ۲۸ متعینهٔ گجرات شده بود

دیگر احوال او معلوم نشد   بودی ولد عمر خان عم زاده دلاور خان که این دلاور خان

در عهد بابر بادشاه بخطاب خانخانانی مخاطب بود در نمایی تسخیر هندوستان او نموده

در جنگ همایون بادشاه با شیر خان افغان به اسیری رفته باوجود تمنای خان مذکور

نوکریش قبول نکرده ضایع گردیده   دولت خان در عهد اکبری بمنصب هزاری و

بخطاب خانی سربرافراخته همراه خان خانان عبد الرحیم در جنگ گجرات و در تسخیر ملک سنده

و در معارک دکن ترددات نمایان کرده در سنه ۴۰ زندگانی را جواب داد   دولت خان

خواجه سرا ناظر محل منصبی داشت در سنه ۱۹ اکبری بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده

تا سنهٔ جهانگیری که درین سال از فوجداری اله آباد در جونپور آمده باضافهٔ پانصدی بمنصب دو

هزار و پانصدی رسیده بود خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد   دولت خان بهتی در

عهد جهانگیری منصب و خطاب خواص خان داشت در سنه احد شاه جهانی به منصب دو
هزاری و در سنه ۲ بجایزهٔ ترددات در جنگ با خان جهان لودی باغی بعطای علم و در سنه
باین خطاب و در سنه ۱۱ باضافهٔ هزاری و بنظم تهته از تغیر یوسف خان تاشکندی و در سنه
بنظم قندهار از تغیر سعید خان بهادر به اضافهٔ هزاری و همدر آن سال بمنصب پنجهزاری و الا
رتبه شده چون در سنه ۲۲ شاه عباس ثانی والی ایران قلعهٔ قندهار را محاصره نمود بعد
جنگ چهل و پنج روز و کشته شدن دو هزار کس از آن طرف و چهار صد نفر ازین طرف قلعه را
حوالهٔ شاه مذکور کرده برخاسته آمد دولت خان ولد الف خان قیام خانی در اوایل عهد شاه جهانی
بمنصب هزاری سربلند شده در سنه ۱۴ ترددی نموده در سنه ۱۸ بجاگیر ناگور و بمنصب هزار و
پانصدی سر برافراخته در سنه ۱۹ متعین مهم بلخ و در سنه ۲۵ متعین صوبهٔ کابل گردیده
در سنه ۲۶ در مهم قندهار در گذشت   دولت خان ترین برادر شیر خان ترین زمین دار فوشنج
در سنه ۲ شاه جهانی در ایام مهم قندهار غائبانه به منصب هزاری و خطاب خانی سر بر
افراخته تهانه داری فوشنج مقرر گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد   قاسم خان
وشت باصنی در آخر عهد اکبری منصبی داشت در سنه ۲ دوم جهانگیری بخطاب
و در سنه ۹ باضافهٔ پانصدی سر برافراخته بعد چند روز بتقصیر بیهوده گوئی در حق
اعتماد الدوله در قلعهٔ گوالیار مقید گشته در سنه […] اخلاص کردیده بخدمت عرض مکرر از تغیر مخلص خان

مقرر شده در سنه ۱ بنا بر دریافت تقصیر عبد الله خان فیروز جنگ که حامد خان واقعه نگار
را بی آبرو کرده بود بگجرات تعیین شده همراه او بحضور آمده بدکن رفته در سنه ۲ بحضور آمده در
سنه ۱۳ باز بخدمت عرض مکرر سر برافراخته بود بعد رحلت آن حضرت چون از سابق در […] همراه
شاه جهانی بود از جنیر در رکاب ایشان آمده در سنه احد بمنصب دو هزار و پانصدی و قلعه داری
احمد نگر سرافراز شده در سنه سیوم در آن جا گذشت   دیانت خان حکیم جمالای کاشی در عهد جهانگیر
منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی به منصب هشت صدی و بدیوانی ممتاز الزمانی و در سنه
لاهور از تغیر میر عبد الکریم و در سنه ۵ بفوجداری و امینی و دیوانی سرکار سهرند از تغیر رای کاشی
داس و بعد دریافت جوهر دیانت در همین سال بخطاب دیانت خان و در سنه بمنصب هزاری
و در سنه ۱۱ بدیوانی فوج متعینهٔ قندهار همراه شاهزاده محمد شجاع بهادر و در سنه ۱۲ بداروغگی
و در سنه ۱۴ بدیوانی دکن از تغیر آقا افضل و در سنه از شغل دیوانی آن جا و باضافهٔ پانصدی
بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۸ باحکام دیوانی آنجا بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه […] معزول
گردیده در سنه ۲۲ بار دوم بدیوانی کل دکن از تغیر رای رایان نام برآورده و در سنه ۲ بحضور آمده
بدیوانی شاهزادهٔ مراد بخش مقرر شده در سنه ۲۸ تغیر شده بود در سنه ۳ عالمگیری ترک
منصب نمود   دیانت خان قباد بیگ در اوایل عهد عالمگیری به منصب و خطاب دیانت خان سر برافراخته
در سنه ۱ بخدمت بیوتاتی رکاب از انتقال رحمت خان حکیم ضیاء الدین مقرر شده در سنه ۶ معزول

کردیده در سنه ۳ الیعد فوت جعفر خان چون نیابت وزارت باسد خان قرار یافت مهر بادشاهزاده
مراد بخش و محمد معظم حواله اش شد و حکم شد که بر کاغذهای وزارت مهر میکرده باشند و در سنه ۱۶
رحلت نمود مومی الیه منجم هم بود و بابت خان ولد امانت خان مرحوم در آخر عهد عالمگیری بمنصب و
به این خطاب سر بر افراخته در سنه ۴۴ به دیوانی دکن از تغیر موسوی خان میرزا معز و در سنه ۴۷
بدیوانی بندر سورت از انتقال امانت خان میر حسین برادر خورد و در سنه ۴۶ به منصب دو هزاری
سرافراز گردیده تا سنه احد بهادر شاه خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد و دومین پور
خانخانان عبدالرحیم در عهد اکبری بمنصبی درشت و در سنه احد جهانگیری به ارسال خلعت که همراه ایرج
در دکن بود مباهات اندوخته و در سنه ۵ بفوجداری غازی پور و بمنصب هزاری و در سنه ۷ به منصب
دو هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۰ همراه اولی شاه نواز خان برادر کلان خود در دکن
به تنبیه عنبر حبشی خیلی مصدر تردد گردیده در این معرکه دکهنیان آن قدر کشته افتاده بودند که حساب
و شمار نبود و سه صد شتران و فیلان جنگی و اسپان تازی و یراق و اسلحه بیرون از اندازه حساب
بدست اولیای دولت در آمدند و در سنه ۱۲ بحضور آمده و در سنه ۱۴ به منصب پنجهزاری سرافراز گشته
متعین دکن پیش پدر گردیده در سنه ۱۵ هر گاه دکهنیان با افواج بادشاهی جنگ غالبانه میکردند شاه نواز
بر بنگاه آنها تاخته ظفریاب گشته در سنه ۱۶ ایلچی بازی فلک نیرنگ یعنی سلطان خرم شده در سنه ۱۹
بقتل آمد و قصه رشتن اینست که خان مذکور در سنه ۱۶ همراه پدر خود شریک یعنی سلطان خرم دارا

را قید نمود

را قید نمود و پس از چندی هنگام تصرف خود بر ممالک بنگاله و بهار خلاص ساخته بنظم ما مور بنگاله کرده
خود به الهآباد آمدند و بعد جنگ از دست بادشاهزاده پرویز شکست خورده از راه ممالک بنگاله امور
بدکن شدند خان مومی الیه حسب الحکم بادشاهی بر دست شاهزاده پرویز در بنگاله بقتل آمد داراب خان
داراب برادر مختار خان میر شمس الدین از کومکیان دکن در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی سر بر
افراخته قلعه دار احمدنگر بود در سنه ۲ معزول شده در سنه ۴ و در سنه ۶ بدستور دیگر بنده خلاع
مهربانی یافته در سنه ۸ بداروغگی قراولان از تغیر فیض الله خان مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم
نشد داراب خان صلاح الدین ولد میرزا ابوسعید طهرانی بمنصبی درشت در سنه ۱۱ عالمگیری بخطاب
داراب خان و بداروغگی بندوق خانه سر بر افراخته در سنه ۱۳ بداروغگی دیوان خاص مقرر شده
در سنه ۱۴ خلعت ماتمی نور بس بانو بیگم زوجه شاه نواز خان صفوی بعلاقه قرابت یافته بود
دیگر احوال او معلوم نشد داراب خان ولد مختار خان در عهد عالمگیری بمنصب سه هزاری
و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۲۲ فوت کرد چون تاریخ عطای خطاب مشار الیه یافته
نشد تردد ی ماند که در سنه ۱۹ داراب خانی از تغیر منظم اجمیر آمده بداروغگی توپخانه مقرر شده
بود خداداد اند که ازین هر دو کدام است اینقدر به اکثر اوصاف حمیده ممتاز بود سید عبد
الوهاب بارهه برادر سید عزت خان بمنصبی درشت در سنه ۱۳ جهانگیری باین خطاب سرافراز
شده در سنه پانزدهم بمنصب هزاری و در سنه ۱۸ به جلدوی تردد در جنگ با افواج سلطان خرم

باغي در گجرات بمنصب دو هزاري سر بلند گردیده بود در سنه احد شاه جهاني هنگام تشریف آوردن آن
از پنجه هندوستان چون متعین گجرات بود بر کنار آب نربدا ملازمت نموده بمنصب چهار هزاري
هزار سوار والا امتیازات شده در سنه ۲ فیل سفید که در عهد جهانگیري سوداگري از بندر پیگو خریده
آورده بود بحضور ارسال داشته در سنه ۳ بجایزه تلاشش و تردد در دکن بخطابات نمایان
مباهات اندوخته در سنه ۴ در حکومت فوجداري بر... در حلت نمود سید دلیر خان سید ولي منصبي
داشت در سنه ۸ شاه جهاني بجلدوي تردد در جنگ قندهار با قزلباش بمنصب هزاري و به این خطاب
سرافراز شده آینده به تهانه داري نوشهره مقرر گردیده در سنه ۱۴ در جنگ با افاغنه کابل مردانه
وار فداي کار ولي نعمت شد دلیر خان جلال نام برادر خورد بهادر خان روهیله ولد دریا خان
در سنه ۳ شاه جهاني بعد کشته شدن خان جهان لودي و دریا خان پدرش دستگیر آمده بود
به مقتضاي عفو تقصیرش معاف شده در اواسط عهد بمنصب نهصدي سر برافراخته در سنه ۲۱ به منصب
هزاري و بخطاب دلیر خان سرافراز گردیده در سنه ۲۵ بمنصب دو هزار و پانصدي و در سنه ۲۶ در
جلدوي تردد در تعیناتي مهم قندهار به منصب دو هزاري و پانصدي و در سنه ۳۱ بمنصب سه هزار و
پانصدي و در سنه ۳۲ هنگام تعیناتي سلطان سلیمان شکوه در جایزه فتح در جنگ با شاه
شجاع به منصب سه هزاري نام برآورده در سنه احد عالمگیري به منصب پنجهزاري والا رتبه گشته
در جلدوي ترددي که در رکاب عالمگیري در جنگ اجمیر با سلطان دارا شکوه زخم تیر برداشت

خورده بود

خورده بود وخیلي مورد آفرین شده در هنگام تعیناتي معظم خان ناظم بنگاله مصدر ترددات شایسته
شده روزي در یورشش بر قلعه سمله پنج تیر بر سلاح خورده در سنه ۸ بهادلي میرزا راجه جیسنگه
کچهواهه در دکن کارهاي نمایان ساخته و لیر کرکي خود از زمین دار چاندا القدر گرد در رو پیه پیشکش
گرفته در سنه ۱۰ به نظم ملتان از تغیر عابد خان مقرر گردیده در سنه ۱۹ به لساق دکن مامور گشته در
سنه ۱۲ با حیدرآباد و بیان آویزشهاي سخت نموده همینه مصدر فتوحات عظیمه شده به منصب
پنجهزاري پنجهزار سوار سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه مباهات اندوخته در سنه ۲ فوت کرد دلیر خان
میر اسفندیار معموري در سنه ۳ عالمگیري به منصب و در سنه ۹ بخطاب معمور خان و در سنه ۲۰ به خطاب
دلیر خان سر بلند شده بود انجام کارش معلوم نشد دلیر خان عبدالرئوف میانه بیجاپوري در سنه ۳۰
عالمگیري بمنصب شش هزاري و بخطاب دلیر خان سرافراز شده متعینه غازي الدین خان بهادر در
بود در سنه ۳۱ بجایزه ترددي به منصب هفت هزاري ذات و سوار سر برافراخته در سنه ۴۹ هنگام
تسخیر قلعه واکن که تلاشش نموده تا سنه احد بهادر شاه خدمت نمود و ظاهرا در عهد محمد شاه فوت
کرد بخاري سید بهوده نام در عهد جهانگیري بمنصب دو هزاري و مدتها نظم دهلي سر
افراز بود در سنه احد شاه جهاني بخطاب دیندار خان و بفوجداري میان دو آب سر افراخته
در لسیاق ترددات نموده در سنه ۱ فوت کرد دیندار خان سید عبدالواحد نام ولد سید بایزید
مصطفی خان سید بایزید بخاري در عهد جهانگیري منصبي داشت در سنه احد شاه جهاني بفوجدار

حصار و در سنه ۱ به جلدوی تردد در جنگ قندهار با فزایش به منصب هزاری و بخطاب دیندار
خان سرافراز شده در سنه ۲ بقلعه داری کابل مقرر گشته در سنه ۹ در آن جا فوت کرد
دیندار خان بیگ محمد خویشکی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری باضافهٔ پانصدی به منصب
دوهزاری و به این خطاب سربلند گشته در کارزار اکبرآباد زخم بر داشته در جنگ باشاه شجاع تردد
نموده در سنه ۳ بتعین مهم راوکرن راتهور گردیده در سنه ۵ بفوجداری دانیال پور از انتقال فیروز
خان میواتی و در سنه ۹ بفوجداری نوشهره از تغیر دلیر افغان مقرر شده دیگر احوال او معلوم نشد

ملا شفیعای یزدی از ایران بعنوان سوداگری آمده روزی چند در اردوی
بسر برده بقصد مراجعت بسورت رفته بود چون مراتب دانش و استعداد او بعرض جناب شاه
جهانی رسید فرمان طلب او بنام متصدی آن جا صدور یافت و مشارالیه مراجعت نموده در
سنه ۲۴ روز بملازمت به منصب هزاری و بعد چندی باضافهٔ پانصدی و در سنه ۲ به منصب دوهزاری
و در سنه ۲۹ به اضافه به منصب سه هزاری و بخطاب دانشمند خان و بخدمت تن بخشی گری و بعنایت
قلمدان مرصع و در سنه ۱ به میر بخشی گری از تغیر اعتقاد خان مرزا بهمن یار والا رتبه شده بود بعد
شش ماه استعفا کرده در سنه احد عالمگیری گوشه نشین گشته در سنه ۲ اختیار منصب چهار هزاری
نموده بنظم شاه جهان آباد از انتقال سیادت خان خراسانی مقرر گردیده در سنه ۳ معزول شده
در سنه ۸ به اضافه هزاری به منصب پنجهزاری و در سنه ۸ بار دوم بنظم شاهجهان آباد از تغیر صفی خان

سرافراخته

سر برافراخته در سنه ۱ به میر بخشی گری از تغیر محمد امین خان پسر میر جمله اردستانی نام برآورده
در سنه ۱۰ به منصب پنجهزاری دوهزار سوار رسیده در سنه ۱۳ فوت کرد و کمالات این مرد بزرگ از
اندازه بیرون بودند

شیخ داود قریشی حصاری داراشکوهی در سنه ۲۰ شاه جهانی به منصب
و بخطاب خانی سرافراز شده بود در کارزار اکبرآباد همراه داراشکوه صف سپاه گری ادا نموده بعد شکست
اول ناهنگام همراهی که ده از و جدا شده در سنه احد عالمگیری به منصب چهار هزاری سه هزار سوار و بنظم صوبهٔ
بهار سرافراز گردیده در همان سال بتعین معظم خان میر جمله ناظم بنگاله گشته در آن جا ترددات شایسته
نموده در سنه ۴ ولایت پلاون کهرات مضاف صوبه مذکور مفتوح گردانیده در سنه ۶ بجلدوی خدمات
پسندیده به منصب پنجهزاری پنجهزار سوار یکهزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم خاندیس مفاخرت اندوخته
در تعیناتی میرزا راجه جی سنگه کچهواهه که برای بند و بست کل دکن رفته بود ترددها بکار برده در سنه ۱۰ بنظم
صوبهٔ برار و اضافه دوهزار سوار دو اسپه سه اسپه لوای مباهات بر افراشته آینده بنظم خاندیس بار دوم
مقرر شده در سنه ۱۴ بنظم الهآباد از تغیر میر خان نعمت الهی نام برآورده بود انجام کار او معلوم نشده

داود خان پنی بیجاپوری ولد خضر خان در سنه ۲۶ عالمگیری به منصب چهار هزاری نو سرافراز شده اکثر متعین ذوالفقار خان
بهادر نصرت جنگ مانده بجایزهٔ ترددات شایسته به منصب شش هزاری رسیده در سنه احد فرخ سیر بادشاه
در کارزار امیر الامرا حسین علی خان بارهه در دکن مردانه کشته شد و در فن سپاهی گری یگانهٔ وقت بود
دلدار بیگ ولد سرافراز خان چغتائی مرحوم منصب هشتصدی داشت در سنه احد عالمگیری به منصب

هزار و پانصدی و بخطاب خانی برنام خود و بفوجداری سرکار پتن سربلند شده در همان سال در آنجا
فوت کرد   دلدار خان دیگر در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سرافراز شده تا سنه ۳ بهادر شاه
بادشاه قلعه دار قلعه رحمن بخش بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد   حاکم انگ در اوایل عهد عالمگیری
به منصب و به این خطاب سرافراز بود در سنه سوم ازین جهان رخت بربست   ملا ابوالقاسم
دکهنی در آخر عهد عالمگیری یکروپیه یومیه در اورنگ آباد داشت اول در سلک دکهنیان ملازم شده بمرور
در سنه ۴۲ به منصب و باین خطاب و دیوانی شاهزاده کام بخش سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند شده در سنه ۰ بقلعه داری بلگندا
مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب و بقلعه داری
سورت مقرر شده در سنه ۴۹ در آنجا فوت کرد   دولتمند خان ولد راجه بهرجی زمیندار
بگلانه مضاف صوبه دکن در عهد شاه جهانی بشرف اسلام مشرف شده در آخر عهد بمنصب هزار و
پانصدی سر بر افراخته در سنه ۴۹ در دکن همراه میرزا خان ناظم برار تردد نموده در سنه احد
عالمگیری در کارزار با لوا در رکاب مصدر تردد گشته و بخطاب خانی نام بر آورده در سنه ۹ در دکن
مورد عنایت گشته خدمت نمود و شمشیرزنی از ناموران روزگار بود انجام حال او هیچ معلوم نشد
در عهد عالمگیری منصب هزاری و خطاب خانی داشت در سنه احد بهادر شاه از دکن
باز آمده باضافه کام دل بر گرفته بود دیگر احوال او معلوم نشد

محمد جعفر خان

محمد بیگ از ملازمان سلطان خورم در سنه ۹ جهانگیری به منصب و به این خطاب
سرافراز شده بود در سنه ۱۹ بتقریبی بر دست افغانان سربلند خان در ایام شکست سلطان خرم
در دکن کشته شد   ذوالفقار خان حاکم ولد ذوالفقار خان قرامانلو سپه سالار شاه عباس
بعد قتل پدر به بدگمانی شاه در سنه ۲۲ جهانگیری از ولایت بهندوستان آمده بمنصب سر برافراخته
بعد رحلت حضرت همراه آصف خان در کارزار با سلطان شهریار باغی تردد نموده در سنه ۴
شاه جهانی بتعین آصف خان ببالاگهاٹ شده در سنه ۶ به این خطاب نام برآورده در سنه ۸
بفوجداری میان دوآب از تغیر سید لطف علی بهکری و بمنصب هزار و پانصدی سربلند
گردیده در سنه ۱۱ معزول گشته همراه شاه شجاع بقندهار رفته بزودی برگشته آمد و در سنه ۱۲
بداروغگی توپ خانه از تغیر خلیل الله خان و در همین سال به بخشیگری فوج متعینه سلطان
دارا شکوه که بنا بر اعانت ناظم قندهار رخصت گشته بودند مقرر گردیده در سنه ۱۳ الجرات ارک
لاهور مباهات اندوخته در سنه ۱۴ باضافه پانصدی به منصب دو هزاری هشت صد سوار چهره
امتیاز برافروخته متعینه مهم تکیت سکه زمیندار جمهری گردیده در سنه ۱۵ بفوجداری
مندسور مقرر گشته در سنه ۱۶ از تغیر شده در سنه ۱۷ بفوجداری و جاگیرداری بهوجپور مضاف
صوبه بهار سر بفلک سوده در سنه ۱۸ معزول شده در سنه ۲۰ خزانه برکات خالصه صوبه بهار
بحضور آورده باضافه پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار نامور گشته به بهوجپور رخصت شده

در سنه ۲۸ به منصب سه هزاری سر بر افراخته در سنه ۲۹ خزانهٔ پرگنات خالصهٔ بهار و الهآباد
آورده رخصت بجاگیر خود گردیده در سنه ۳۰ بنظم بهار از تغیر جعفر خان سرافراز شده در سنه ۳۱
معزول گشته در سنه احد عالمگیری انزوا اختیار نموده در سنه ۲ فوت کرد ذو الفقار خان محمد بیگ
میر آتش ایام بادشاهزادگی عالمگیر منصبی داشت در سنه احد عالمگیری باضافهٔ منصب و بخطاب
ذو الفقار خان و هم در آن سال به منصب پنجهزاری به جلدوی ترددات نمایان که در کارزار اکبرآباد
زخم برداشته بود سرافراز شده منعین شاهزاده سلطان محمود تعاقب شاه شجاع گشته
در سنه ۲ از آن جا بیمار آمده در اکبرآباد فوت نمود ذو الفقار خان بهادر نصرت جنگ محمد اسماعیل
نام ولد اسد خان وزیر مشهور در سنه ۱ عالمگیری روز ملازمت به منصب سه صدی دا شده
باضافهٔ منصب سرافراز شده در سنه ۱۰ امتعین کابل گردیده در سنه ۲۰ بخطاب اعتقاد خان
نام برآورده در سنه ۲۵ با راجپوتان جوده پور در سخت آویزش مظفر گشته در سنه ۲۹ بجانزهٔ
تنبیه زمینداران چانده به منصب دو هزاری و بخدمت قوربیگی سر بر افراخته در سنه ۳۳ بدار و علی دیوان
خاص از تغیر کامگار خان مقرر شده در سنه ۳۳ بجلدوی فتح قلعهٔ راهیری و دستگیر آوردن
زنان و دختران و پسران سنبها شقی مرتبه که در آن ایام ساهو پسر کلانش نه ساله
بود و دو پسر دیگر خوردتر از آن بخطاب ذو الفقار خان بهادر و به منصب سه هزاری و در سنه ۳۵
بجانیهٔ تسخیر قلعهٔ چنجی به منصب چهار هزاری و آینده بخطاب نصرت جنگ و در سنه ۳۵ بجلدوی.

چنین

چنین فتحی که هنگام محاصرهٔ جنجی با وجود مخالف بودن بادشاهزاده کام بخش با دو هزار
سوار بمقابلهٔ سنتا و راما مرهته که با یک لکهه سوار و پیاده آمده بودند پای استقامت محکم
داشته ظفریاب گردیده و درین معرکه چهار هزار بندوقچی و سه صد سوار اعدا مقتول شده
و چهار صد کس از بندهای بادشاهی شهید شده و چهار صد اسپ و چهار فیل بکار آمده بود
به اضافه هزار سوار علم مباهات برافراشته در سنه ۴۱ قلعهٔ جنجی که مشتمل بر هفت قلعه است با
دیگر قلاع و چندی بنادر که عبارت از ملک کرناتک است که در تصرف سنتا بودند مفتوح نموده
و چهار زوجه و سه پسر و دو دختر را با آن کافر که در آن قلعه پناه برده بودند دستگیر
آورده بجلدوی آن به منصب پنجهزاری پنجهزار سوار رسیده در سنه ۴۶ بمیر بخشیگری از انتقال
بهره مند خان و به منصب ششهزاری و آینده بعطایای ماهی مراتب و الا منزلت شده
در سنه ۴۹ قلعهٔ واکن کیره بالقهر و غلبه مسخر نموده و دیگر قلاع گشوده در سنه احد بهادر شاه
بمیر بخشیگری بحال مانده در سنه احد جهاندار شاه معز الدین بوزارت رسیده و بخطاب امیر
الامرا نام برآورده در سنه احد فرخ سیر بادشاه حسب الحکم ضایع شد منی آقا
ترکمان منصبی داشت در سنه ۳۰ شاهجهانی به جلدوی تردد در کابل به منصب پنجصدی و
بخطاب ذو الفقار خان سر بر افراخته در سنه ۱ فرستادهٔ سعید خان بهادر نزد علیمردان
خان حاکم قندهار بنابر دعوت اختیار کردن بندگی درگاه جهانی رفته در همین سال آمده

مسکوک قندهار آورده بمنصب هزاری پانصد سوار سرافراز شده در سنه ۱۳ با ضافه
پانصدی و حراست غزنین و در سنه ۱۵ از اصل و اضافه به منصب دو هزاری سربلند گشته
در سنه ۱۹ التعیین مهم بلخ و بدخشان گردیده در آن جا ترددات نمایان نموده در تسخیر
تلاش هائی در مهم مذکور بمنصب دو هزار و پانصدی و بقلعه داری کابل و ضبط بنگش پایان
با وجود ضبط بنگش بالا چهرهٔ امتیاز برافروخته در آخر سنه ۲۰ به منصب سه هزاری دو هزار سوار والا
رتبه شده در سنه ۲۱ هنگام مراجعت از بلخ بر فراز هندوکوه نامفت شبان روز بنابر محافظت
خزانه با وجود کثرت برف و قلت آذوقه و قتال و جدال با اوزبکان گذرانیده همه را بسلامت
آورده درین سال ازین جهان به آخرت سرا رفت ذوالفقار خان احمد بیگ داماد وزیر
خان محمد طاهر در سنه احد عالمگیری به منصب هزاری و به این خطاب و بحراست قلعه رهتاس
سرافراز شده خدمت مینمود در سنه ۴ عازم سفر آخرت شد

عزیز نام از ولایت در رکاب همایونی آمده در آن عهد بخطاب رومی خان نامور بود در سنه
احد اکبری بمنصب هزاری و باستادی حضرت در فن بندوق اندازی سرافراز شده در سنه ۸
مصدر ترددی گردیده در سنه ۲۰ بدرقهٔ قافلهٔ حرمین شریفین گشته بود انجام حال او
معلوم نشد رومی خان دیگر در اواسط عهد جهانگیری به منصب و باین خطاب سرافراز
شده در سنه ۱۴ هنگام فتح قلعهٔ کانگره ترددی شایسته نموده بود در سنه ۴ شاه جهانی

بقلعه داری

بقلعه داری قندهار دکن مقرر گشته در سنه ۹ بنابر آنکه در فن قلعه گیری ید طولی داشت
از کنار خندق قلعه تا که پورپلی چوبین تا به پور قلعه که هشت درعه عرض او بود ترتیب داده بود
دیگر احوال او معلوم نشد رومی خان دیگر در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب
سربلند و مصدر ترددی بود دیگر احوال او معلوم نشد ترکستانی ولد بی بی جنبه که از
عمر سه سالگی همبازی حضرت بود در سنه احد اکبری بمنصب و آینده بخطاب خانی و بمنصب دو هزاری
سربرافراخته در سنه ۱۰ خدمت مینمود در سنه ۲۱ در ایلغار پتهه خانزمان در رکاب ترددی نموده
در سنه ۱۷ متعین گجرات شده در سنه ۲۲ بنیابت جاگیر رنتهنبور نام برآورده در سنه ۲۵ در جنگ
با برادرزاده های حقیقی راجه بهگوانداس کچهواهه که بجهل با هم آویختند بغریب وضعی کشته شد رستم خان
عرب در عهد اکبری به منصب و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۴۶ در جنگ با دکهنیان ترددهای شایسته
نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد رستم خان یوسف بیگ بدخشی در سرکار جهانگیری بمنصب سربلند
بود چون تغیر بیجا جاگیرش تغیر شده در سرکار سلطان خورم منسلک شده بعرض رسید بطبق التماس
الیشان بخطاب رستم خان و در سنه ۱۶ به نیابت نظم گجرات سربرافراخته در سنه ۱۸ از ایشان جدائی
گزیده بحضور آمده به منصب پنجهزاری و بفوجداری قنوج نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد رستم
خان مقرب غلام چرکس نژاد از نوکران نظام الملک برزمان دکن در سنه پنجم شاه جهانی به منصب
پنجهزاری و به این خطاب سربرافراخته در سنه ۶ رخصت سنبهل جاگیر خود شده در سنه [illegible] از سنبهل آمده

به تنبیه مفسدان آن نواحی آب چمن نموده در سنه ۹ پیش از نهضت رایات عالیات بتعاقب
جهجار سنگه بندیله بدکن رفته در سنه ۹ در کارزار با افواج حاکم بیجاپور ترددها کرده همراه
رکاب از دکن بهندوستان آمده بسنبهل رخصت گشته در سنه ۱۱ بحضور آمده باز بجاگیر
رفته در سنه ۱۳ فیل بطریق پیشکش از سنبهل بحضور فرستاده در سنه ۱۵ در مهم جگت سنگه
زمیندار دهمری تردد نمایان نموده در سنه ۱۶ بجاگیر دستوری یافته در سنه ۱۷ بحضور آمده
رخصت بجاگیر گردیده در سنه ۱۸ الصمد و فرمان طلب از جاگیر روانه حضور گشته در سنه ۱۹ همراه
شاهزاده مراد بخش بتعین مهم ولایت بلخ و بدخشان شده کارزارها کرده تا یک و نیم سال
با اوزبکان حرب‌های صعب نموده لوای فتح برافراشته در سنه ۲۰ همراه بادشاهزاده عالمگیر
در آن ولایت ترددها نموده در سنه ۲۱ از بلخ بحضور آمده بسنبهل رفته در سنه ۲۲ به معین شاهزاده
عالمگیر در مهم قندهار شده هنگام رخصت بعنایت خلعت و جمدهر مرصع و اسپ با ساز طلا مباهات
اندوخته در سنه ۲۳ باتفاق قلیچ خان با هفت هزار سوار بمقابله سی هزار سوار قزلباش
نبرد آزما نموده چون طور جنگ بدگرگون شدن رسید اسپ انداخته با اعدا پیوسته به شمشیر
آبدار گلوی اعدا را سیراب گردانیده فتح نمایانی یافته توپخانه و بان و نشان و [illegible]
و غله آورده بجایزه آن بمنصب شش هزاری و خطاب بهادر فیروز جنگ نام بر آورده در سنه ۲۴ محله
دو هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه در سنه ۲۵ بتعین مهم قندهار گردیده تلاشها بکار برده قلعه

بست

بست فتح نموده به منصب شش هزاری ذات و سوار پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه رسیده
در سنه ۲۸ بنظم کابل از تغیر بهادر خان باقی بیگ مقرر گشته در سنه ۳۰ بمعزول گردیده در سنه ۳۱
در جنگ اکبرآباد در تعیناتی دارا شکوه بمقابله عالمگیر بادشاه بجهراران دلاوری رایت جان بازی
برافراخت رستم خان عبدالرحمن بیجاپوری در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخطاب شرزه خان
و در سنه ۲ باضافه دو هزاری و به این خطاب نام بر آورده در سنه ۳ در تعیناتی غازی الدین خان بهادر
فیروز جنگ تردد نموده در سنه ۳ فوت کرد رستم خان بیجاپوری شرزه نام در سنه ۳ عالمگیری بمنصب
شش هزاری و به این خطاب سر برافراخته در جنگ حیدرآباد زخم برداشته به منصب هفت هزاری
رسیده در سنه ۳۳ در جنگ بدست سنتا غنیم گرفتار رفته در سنه ۳۴ خلاص شده آمده بمنصب سابق
بحال گردیده در سنه ۴۹ به منصب هفت هزاری و نیابت نظم صوبه برار و در سنه احد بهادرشاهی بنظم
آن صوبه مباهی شده بود انجام حال او معلوم نشد در عهد اکبری به منصب و به این خطاب
سر برافراخته در سنه ۹ در ایلغار به تنبیه عبدالله خان اوزبک باغی تردد نموده در سنه ۱۲ بحرمین
رفته در سنه ۱۴ مراجعت کرده آمده بود در سنه ۲۲ بعنایت پرگنه بهاره خورسند گردیده دیگر احوال او
معلوم نشد میرزا میرک رضوی مشهدی از نوکران خان زمان سیستانی باغی بعد کشته
شدن او در سنه ۱۲ اکبری بمنصب دو هزاری و خطاب رضوی خان سربلند شده در سنه ۱۹
بدیوانی سرکار جونپور و در سنه ۲۴ به بخشی گری بنگاله مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد

رضویخان میر ابوصالح سید رضوی خویش میرزا یوسف خان رضوی منصبی داشت در سنه ۱۳
جهانگیری منصبی داشت در سنه ۳ جهانگیری به منصب دوهزاری و به این خطاب سرافراز شده در
سنه هجدهم ترددی نموده در سنه ۲ شاه‌جهانی متعین ارادت خان ناظم گردیده بود انجام
حال او معلوم نشد رضویخان سید علی ولد سید جلال بخاری در اواسط عهد شاه‌جهانی به
منصب پانصدی و در سنه ۲ بعد فوت پدر بمنصب هزاری و در سنه ۱۲ بمنصب هزار و پانصدی و در
سنه ۲۳ بداروغگی جواهرخانه و مرصع آلات و بمنصب دوهزاری و در سنه ۲۴ بداروغگی کتابخانه
از انتقال میر صالح خوشنویس و در سنه ۲۱ به منصب دوهزار و پانصدی و به این خطاب و خدمت بخشی
گری گجرات از تغیر دست کام و در سنه ۳۰ به خدمت عرض وقایع از تغیر ارادت خان سرفراز شده
در سنه احد عالمگیری بداروغگی عرض مقرر گشته در سنه ۲ ترک منصب نموده در سنه ۲۵ باز نوکری
اختیار کرده در سنه ۱۲ بخدمت صدارت از تغیر عابد خان مقرر شده در سنه ۲۴ ازین جهان انتقال نمود
بلوچ در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۰ و در سنه ۹ در دکن ترددات
نمایان نموده دیگر احوال او معلوم نشد ولد فتح خان سند عالی از طایفهٔ فیلبانان
در اواسط عهد اکبری بمنصب سر برافراخته در سنه ۴۰ به ترددی نموده در آخر عهد بمنصب هزار
و پانصدی و بخطاب خانی سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد رحمت خان میر فیض الله
منصبی داشت در سنه ۳ شاه‌جهانی به اضافهٔ منصب سر برافراخته در سنه ۱ در گجرات خدمت

میمنود

مینمود در جایزهٔ آن به این خطاب نام برآورده در سنه ۱۱ احکام فوجداری بیجاگده باضافهٔ
پانصدی بمنصب دوهزاری سربلند گردیده درین سال فوت کرد رحمت خان حکیم
ضیاء الدین ولد حکیم قطبا برادر حکیم رکنا منصبی داشت در سنه ۱۴ شاه‌جهانی به خطاب رحمت خان
در سنه ۱۹ به منصب هزاری دوصد سوار سر برافراخته در سنه ۲۲ بداروغگی کرک‌یراق خانه و در سنه ۲۴
بدیوانی گجرات مقرر شده در سنه ۲۶ بجلدوی حسن خدمت درکارهای دیوانی آن جا باضافهٔ پانصدی
مباهات اندوخته در سنه احد عالمگیری بدیوانی آن جا بحال مانده در سنه ۳ بخدمت بیوتاتی رکاب
امتیاز یافته و بمنصب دوهزاری نام برآورده در سنه ۸ زندگانی را جواب داد رحمت خان
میر عماد الدین در سنه ۹ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه
بخدمت بیوتاتی از تغیر دیانت خان و در سنه ۱۰ باین خطاب سربلند گردیده در سنه ۲۱
معزول گشته در سنه ۲۵ باز بخدمت مذکور مقرر شده بود انجام حال او معلوم نشد
رحمت خان دیگر در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سر برافراخته خدمت
مینمود در سنه احد بهادر شاه در اصل منصب هزاری اضافهٔ پانصدی یافته بود دیگر
احوال او معلوم نشد خوب الله ولد شهباز خان کنبوه میر بخشی
اکبری منصبی داشت در سنه ۱۱ جهانگیری بخطاب شهباز خان و در سنه ۱۴ به منصب
هشتصدی سرافراز شده بود در اوائل عهد شاه‌جهانی خدمت مینمود دیگر احوال

او معلوم نشد رشید خان برادر سلیمان خان پنی در آخر عهد عالمگیری به منصب [illegible] و به این
خطاب سربرافراخته خدمت میکرد بعد رحلت آنحضرت در جنگ اکبرآباد همراه اعظم شاه بمقابله
بهادرشاه ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نگشت   انصاری الهداد نام ولد جلال
در سنه ۱ جهانگیری به منصب و خطاب خانی برنام خود و در سنه ۲ الخطاب رشید خان و به منصب دو هزاری
پانصدی سرافراز شده در سنه ۱۳ در کابل راه بغی پیموده در سنه ۱۵ بعد عفو تقصیر منصب او بحال کرده
در سنه ۱۹ به تعیناتی مهابت خان در دکن مصدر ترددها گشته بود در سنه احد شاه جهانی از جاگیر خود آمده به منصب
سه هزاری هزار و پانصد سوار سربرافراخته متعین مهم ججهار سنگه بندیله گردیده در سنه ۲ در رکاب به دکن رفته
در سنه ۳ در آن جا ترددات مردانه نموده در سنه ۴ در کارزار با بیجاپوریان سخت آویزش نموده
زخمی شده در سنه ۵ بفوجداری این روی آب اکبرآباد نام برآورده در سنه ۶ تعین شاه شجاع بمهم دکن
گردیده در سنه ۸ با بیجاپوریان محاربات کرده در سنه ۱۰ تعین خاندوران بهادر گشته در سنه [illegible] در تعیناتی
او در فتح قلعه اوسه ترددهای شایسته نموده در سنه ۱۱ اعظم برهانپور و به منصب چهار هزاری و در سنه ۱۱ بفوجداری
سرکار بیجاگده با وجود نظم برهانپور مباهات اندوخته در سنه ۱۷ نظم صوبه تلنگانه نام برآورده در سنه ۲۴
در آن جا قالب تهی کرد   رشید خان رحمن یار برادر همت خان اله یار ولد افتخار خان قدیم در اواسط
عهد شاه جهانی بمنصب سرافراز بود در سنه ۱۳ به منصب هزاری و تهانه داری [illegible] مصاف صوبه بنگاله و در سنه ۲۵
بحکومت جهانگیرنگر و بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۶ با خطاب سربلند شده در سنه ۲۹ به نیابت نظم [illegible] او

از طرف

از طرف شاه شجاع مقرر گردیده بود قبول نموده بدستور سابق بحکومت جهانگیرنگر مامور
بود در سنه احد عالمگیری در حکومت جهانگیرنگر شاهزاده محمد شجاع او را در آن جا بقتل رسانیدند   رشید خان
الهام الله ولد رشید خان انصاری منصبی داشت در سنه ۲۲ شاه جهانی بعد فوت پدر باضافه منصب
سربرافراخته در سنه ۲۴ به منصب هزار و پانصدی رسیده در سنه ۲۸ به تهانه داری [illegible] مقرر شده
در سنه احد عالمگیری به منصب سه هزاری و به مرحمت علم و بخطاب پدر سربلند گردیده همراه معظم خان به تعین
بنگاله گشته در سنه ۳ و سنه ۵ در آن جا ترددات شایسته نموده بفوجداری [illegible] نامزد بود
انجام حال او معلوم نشد   رشید خان محمد صالح کرمانی از نوکران علیمردان خان در سنه ۲ شاه
جهانی به منصب پانصدی و در سنه [illegible] به دیوانی سربلند شده در سنه احد عالمگیری به دیوانی اکبرآباد
مقرر گردیده در سنه ۱ با این خطاب نام برآورده در سنه ۱ اعظم [illegible] مباهات برافراشته
در سنه ۱۹ معزول گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   رشید خان بدیع الزمان مهابت
خانی منصبی داشت در سنه ۲۴ عالمگیری به منصب هزاری و بخطاب رشید خان و به دیوانی خالصه از
تغیر عنایت خان سرافراز شده در سنه ۳۱ در شغل دیوانی خالصه فوت کرد   رشید خان دیگر در آخر
عهد عالمگیری به منصب هشت صدی و به این خطاب سربرافراخته خدمت مینمود در سنه احد بهادرشاه به
اضافه صدی نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد   در اواسط عهد جهانگیری به منصب و خطاب خانی
سرافراز شده در سنه ۱۷ از شریک بغی سلطان خورم گردیده در سنه ۱۹ کشته شد   رحیم خان داماد عنبر حبشی

پسر آدم خان دکهنی در سنه ۳ شاه جهانی از نظام الملک دنیا دار دکن جدا شده بعد ملازمت
بمنصب پنجهزاری سر برافراخته در سنه ۲۰ بسرای والپسین رفت در سنه ۳۰ شاه جهانی
بمنصب و بخطاب رعایت خان سربلند دیه دیوانی دکن مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد رعایت
خان خلیل بیگ از نوکران آصف خان ابوالحسن در سنه ۱۱ شاه جهانی به منصب پانصدی سر بر افراخته
در سنه ۲۰ اسپ تورکی از میر خان مقرر گردیده و در سنه ۱۵ بتهانه داری غوربند و قلعه داری ضحاک از تغیر
انهام خان مقرر شده در سنه ۱۰ انصرام تهانه داری آن جا بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم
بدخشان و بلخ اکثر تلاش و تردد مردانه نموده در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۰ در تعیناتی شاه
زاده نقشبندها رفته در سال باین خطاب مباهی گردیده به بخشی گری احدیان کابل مقرر گشته در سنه
به بخشی گری کابل مباهات اندوخته در سنه احد عالمگیری بمنصب و فوجداری سیوستان از تغیر وزیر خان
محمد صالح مقرر شده در سنه ۵ بدیوانی سورت مامور شده در سنه ۶ فوت نمود رعایت خان برادر محمد امین
خان بهادر پسر میر بهاء الدین در آخر عهد عالمگیری بمنصب پانصدی و به این خطاب سر برافراخته بود در سنه احد
بهادر شاه باضافه صدی نام برآورده در عهد محمد شاه ترقی کرده ازین جهان انتقال نمود رنجا بور
غازی نام داشت و منصبی داشت در سنه احد عالمگیری به منصب چهار هزاری و بخطاب رند وله خان سرافراز
شده در سنه نهم در دکن ترددها نموده در سنه ۴۰ در گذشت رند وله خان دیگر در آخر عهد عالمگیری
منصب هزاری و خطاب رندوله خان سرافراز گشته بعد رحلت حضرت رفیق کام بخش گردیده بود دیگر احوال او

معلوم نشد

معلوم نشد رعد انداز خان رعد انداز بیگ در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی بر نام خود
سر برافراخته در سنه ۵ بخطاب شجاعت خان نام برآورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب شجاعت
خان نوشته خواهد شد رعد انداز خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده در
سنه ۲ بقلعه داری امتیاز گده او ولی و در سنه ۵ به قلعه داری اکبرآباد از تغیر عبدالله خان و الا جاهی
مقرر شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد روح الله خان ولد خلیل الله خان یزدی در عهد شاه جهانی
منصب پانصدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه ۳ به خطاب خانی بر نام خود سرافراز
شده در سنه ششم باضافه پانصدی و میر بخشی گری احدیان از تغیر ملتفت خان مباهات اندوخته در سنه
بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۶ بفوجداری دهامونی و در سنه ۱۸ به فوجداری سهارنپور و در سنه ۲ بمیر سامانی
از تغیر اشرف خان و در سنه ۲۲ به داروغگی توپخانه از انتقال داراب خان ولد فتح خان کلان در
سنه ۲۴ به تن بخشی گری و در سنه ۲۸ بمیر بخشی گری از انتقال اشرف خان مذکور و به اضافه هزاری و
بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار سرافراز شده در سنه ۳۱ در تسخیر حیدرآباد مصدر تردد نمایان گردیده
در سنه ۳۳ قلعه رایچور مفتوح کردانیده در سنه ۳۶ دخترش با سلطان محمد عظیم منسوب شده در همان
سال فیض رسی و سیر چشمی را با خود برد روح الله خان پسر حسن ولد روح الله خان مذکور منصبی داشت
در سنه ۲۹ عالمگیری بخطاب خانه زاد خان سرافراز شده در سنه ۳۱ او اکه بحسن تدبیر مفتوح کردانیده
در سنه ۳۳ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۳۶ باضافه پانصدی و در سنه ۳۸ به منصب هزاری

وخدمت میرآتشی از تغیر مختار خان پسر قمر الدین و در سنه ۳۰ بنظم صوبهٔ ظفرآباد بیدر و در سنه ۴۱
بخدمت میرسامانی و بخدمت روح الله خان و بعد چندی بداروغگی دیوان خاص از انتقال سیادت خان
و در سنه ۴۵ به منصب سه هزار و پانصدی و تن بخشی گری سربلند گردیده و در سنه ۴۸ در فتح قلعهٔ راجگده
مصدر ترددی گشته به جلدوی آن بعطای سرپیچ گران بها سر بفلک سوده در همان سال رخت حیات بربست
در قبضه سانی و هنگ نوانی از بدرکم نمود   روح الله خان ولد روح الله خان میرحسن در آخر عهد عالمگیری بمنصب
و بخطاب اعتقاد خان سرافراز شده بود و در سنه ۴۸ بعد فوت پدر بخطاب روح الله خان سربلند شده در عهد
محمد شاه بمرتبهٔ امارت رسیده به نیک نامی ازین جهان فانی بعالم جاودانی انتقال نمود   در اوایل
عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۲۳ ترددی نمایان نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد
رن مست خان برادر خضر خان پنی بیجاپوری در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب پنجهزاری و همدران سال
بخطاب بهادر خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب بهادر خان نوشته شد
شیخ رضی الدین منشی کار حسن علی خان بهادر در سنه ۲۱ عالمگیری بجلدوی ترددات سپاهی گری به منصب
صدی و آینده باضافهٔ منصب و در سنه ۳۰ بخطاب خانی سربلند شده در سنه ۲۹ به نیابت صوبهٔ برار
از طرف خانه زاد کور مقرر گردیده در سنه ۳۰ فوت کرد در جوهر شجاعت یگانه بود   ولد خان سپهدار خان
میر بهادر دل در سنه ۳۰ عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز بوده خدمت مینمود در سنه ۴۸ بعد
فوت پدر به منصب هزار و پانصدی و نیابت نظم حیدرآباد از طرف شاهزاده کام بخش و در سنه ۴۱

بفوجداری

بفوجداری کرناتک از تغیر صلابت خان و در سنه ۴۹ بمنصب دو هزاری و بار دوم به نیابت
نظم حیدرآباد از طرف داؤد خان پنی سرافراز شده و در سنه احد بهادر شاه بنظم کام بخش
کشته شد   در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب رضا خان و بخشی گری و واقعه
نگاری صوبه کابل سربلند شده بود تا سنه ۴۲ کار آن جا بخوبی سرانجام مینمود و بعد فوت امیر خان
ناظم آن جا بسر براهی مهام کابل مورد الطاف بادشاهی مانده در سنه احد بهادر شاه بفوجداری
اتک مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   چرکس از اقربای رستم خان بهادر
فیروز جنگ در سنه ۳۴ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب و به این خطاب سربلند شده به
قلعه داری سنکل گده از تغیر یحیی خان مقرر گردیده در سنه ۴۶ به منصب هزاری ذات و سوار
مباهات اندوخته تا سنه احد بهادر شاه خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد
در آخر عهد عالمگیری به منصب هزاری و بخطاب خانی و بخدمتی از خدمات حضور سرافراز بوده بهر
خود حسب الحکم بوزیر خان دیوان کابل نوشته بود و بعد رحلت آنحضرت از پیش اعظم شاه با صفاوه
پانصدی و به بخشی گری صوبهٔ اورنگ آباد مباهی گشته بود دیگر احوال او معلوم نشد
در اواخر عهد عالمگیری به منصب و خطاب خانی سرافراز شده آینده بفوجداری مندسور مقرر گردیده
در سنه ۴۸ از آن جا معزول گشته در سنه ۴۹ بفوجداری ایکلی سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد
برادر غازی الدین خان بهادر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۴۸

به منصب هزار و پانصدی مباهات اندوخته بود و دیگر احوال او معلوم نشد   در آخر عهد عالمگیری
بمنصب و بخطاب خانی و بکوتوالی برهانپور سرافراز شده بود و دیگر احوال او معلوم نشد   در آخر
عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته بفوجداری بنارس مقرر بود و بعد رحلت آنحضرت در سنه احد
بهادرشاه بفوجداری لکهنو نام برآورده و دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ز

زین خان ولد خواجه مقصود هروی کوکه اکبر بادشاه در اوایل عهد ایشان به منصب و خطاب خانی
سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۱۸ در ایلغار دویم گجرات در رکاب بادشاهی در جنگ با میرزا
ابراهیم حسین بدست خود شمشیرها زده نهایت مردانه تردد نموده در سنه ۲۲ دودا ولد رای سرجن
هادا که راه بغی پیموده بود بعد حرب صعب از قلعه بوندی برآورده در سنه ۲۴ راجه رام چند زمیندار
باندهون را استمالت نموده بحضور آورده در سنه ۳۰ به منصب دو هزار و پانصدی نیکنام گردیده در همان
سال با وجود تطبیع گردانیدن افاغنه یوسف زئی بسبب خودرای راجه بیربر هزیمت فاحش خورده
در سنه ۳۲ در تنبیه افاغنه مهمندیه و غوریه که سید حامد بخاری جاگیردار پشاور را شهید کرده
بودند ترددی نمایان نموده در سنه ۳۴ بنظم کابل از تغیر راجه مان سنگه کچهواهه مقرر گشته
در سنه ۳۵ در مدت هشت ماه ولایت سوات و باجور بسخت آویزش مفتوح گردانیده
بسیاری افاغنه آنجا را بقتل آورده بعد از آن طلب حضور شده در سنه سی و پنجم راجه های
کوهستان پنجاب را پس از تنبیه بسیار بجاده اطاعت آورده در حضور حاضر گردانیده در سنه ۳۶
بمنصب

بمنصب چهار هزاری و بعطای نقاره مباهات اندوخته در سنه ۳۷ و در سنه ۴۱ در تنبیه افاغنه کابل
تلاشهای نمایان نموده هفت هزار افغان را سکته کرده در سنه ۴۲ و در سنه ۴۳ باضافه پانصدی
بمنصب پنجهزاری سربلند شده در همان سال به نظم کابل بار دویم از تغیر قلیچ خان مقرر گردیده در سنه ۴۷
بحضور آمده از این جهان فانی بعالم جاودانی انتقال نمود   در سنه ۴۲ اکبری بمنصب و
خطاب سرافراز بوده در کابل بصدد تردد بود و دیگر احوال او معلوم نشد   محمد زاهد ولد صادق
خان بن محمد باقر هروی در آخر عهد اکبری منصبی داشت و در سنه ۴۹ خطاب ... یافته در سنه احد
جهانگیر بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده بود و دیگر احوال او معلوم نشد
زاهد خان کوکه بیگم صاحبه منصبی داشت در سنه ۳۰ شاه جهانی بفوجداری میان دوآب از
تغیر نورالدوله آب جو مقرر شده در سنه ۴۰ بخطاب خانی بر نام خود و بمنصب هزاری سر برافراخته
بدکن بتعین گشته در سنه ۵ بحضور آمده در سنه ۱۲ به منصب دو هزاری هزار سوار خدمت قراول
بیگی و در سنه ۱۰ بر خدمت توشک بیگی نام برآورده در سنه ۱۹ بهنگام رفت   زاهد خان زاهد بیگ
در سنه ۲۹ شاه جهانی از بلخ آمده بمنصب هفتصدی سرافراز شده در سنه دویم عالمگیری بهنگام صوبه
تهته به خطاب خانی بر نام خود سر برافراخته در سنه ۳ متعین مهم راو کرن شده در سنه ۹ همراه
مرزا راجه جی سنگه کچهواهه در دکن ترددی نموده در سنه هشتم بقلعه داری کنداته از تغیر مفتوح
دکن محل اعتماد گردیده در سنه ۱ متعین کابل گشته در سنه ۱۳ بکار آمد   در اوایل

عهد اکبری بمنصب و در اواسط عهد بخطاب خانی سربلند شده در سنه ۱ بمنصب هزاری هزار سوار
سرافراز گردیده خدمت مینمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد   در اوایل عهد جهانگیری بمنصب
و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۱۳ به منصب هفتصدی و در سنه ۱۰ بمنصب دو هزاری و خدمت میر توزکی
سربلند شده در سنه ۱۰ در جنگ سلطان خورم باغی بکمال دلیری شهید شده   زبردست خان
دیگر منصبی داشت و از خیر در رکاب شاه جهانی آمده در سنه احد الشان بمنصب هزاری و پانصدی
و بخطاب زبردست خان سرافراز شده در سنه ۳ متعین صوبه دهلی بوده در سنه ۱ او نیز هم در تعینات
صوبه بهار ترددها نموده بجایزهٔ آن در سنه ۱۱ بمنصب دو هزاری هزار سوار و در سنه ۹ بفوجداری
سیوستان مباهات اندوخته در سنه ۲۳ در آن جا فوت کرد   زبردست محمد حیات ولد
افغان منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی بخطاب زبردست خان سرافراز شده
در کارزارهای ... در رکاب والا ترددات نموده متعین بنگاله شده در سنه دوم در آن جا
بجهت صعب پیوسته زخم ها برداشته در سنه ۳ بفوجداری گوالیار مقرر گردیده در سنه تعین میرزا
راجه جی سنگه کچهواهه بدکن گشته در سنه ۶ در آن جا تردد نموده در سنه ۱ بفوجداری هوشنگ آباد
و از انتقال میر باز خان سر بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد   زبردست خان نبیره سعید خان
بهادر ظفر جنگ در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب وفادار خان سر برافراخته در سنه ۲۰
بمنصب سه هزاری و بخطاب زبردست خان نام برآورده بسفارت پیش سبحان قلیخان والی

بلخ

بلخ رفته بعد مراجعت در سنه ۴۲ بنظم آورده مقرر شده بود انجام حال او معلوم نشد   زبردست خان
ولد ابراهیم خان بن علیمردان خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته
آمده بنظم لاهور مقرر شده در سنه ۴۹ بمنصب چهار هزاری و بنظم صوبه اجمیر سربلند گردیده در
عهد بهادر شاه به ... نامی جا ... رفت   سنجاری در سنه احد عالمگیری به منصب
هزاری نو سرافراز شده در جنگ دوم با دارا شکوه در رکاب ترددها نموده در سنه ۸ در سنه همراه
مرزا راجه جی سنگه در تنبیه سیوا مرهته مصدر تردد گشته در همین سال به دیوانی خاندیس مقرر گردیده در سنه ۱۰
به منصب یکهزاری بندر سورت از تغیر غیاث الدین خان و بخطاب خانی نام بر آورده و در سنه ۲۹ به قلعه داری
شولاپور از انتقال سید انور خان سربلند گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   زین العابدین خان
دیگر در آخر عهد عالمگیری به منصب و بخطاب خانی سربلند شده مهر خود حسب الحکم می نوشت دیگر
از احوال او که چه خدمت داشت معلوم نشد   سنجر خانی منصبی داشت در سنه ۴۲ عالمگیری بخطاب
بر نام خود مامور شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب
سربلند شده بود و بنام او فرمان دار الانشاء صدور می یافت غالب که منصب و اعتبار کلان داشته
باشند دیگر احوال او معلوم نشد   در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراخته
در سنه ۵ در قلعهٔ نور الحسن تردد شایسته نموده بود و در عهد محمد شاه بادشاه ترقی کرده بکنام
ازین جهان فانی بعالم جاودانی انتقال نمود   حرف س   سکندر خان

سیستانی از امراء سلاطین اوزبک از ولایت در رکاب همایونی آمده بود در سنهٔ احد اکبری بمنصب
سه هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سر بر افراخته در همان سال بجایزهٔ تردد در جنگ با هیمون بخطاب خان عالم
و به نظم اکره نام بر آورده اکثر ترددات مردانه نموده در سنهٔ ۲۰ چون راه بغی پیموده خطاب خان عالم بتنبیه یافته
در ممالک شرقیه آواره بود در سنهٔ ۱ التقصیرش مقرون بعفو گردیده در سنهٔ ۳ ارحلت کرد   سکندر خان در اوائل
عهد شاه جهانی بمنصب هزاری و باین خطاب سربلند بود در سنهٔ ۱۴ در گذشت   سکندر خان در اوائل عهد شاه
جهانی بمنصب ... سکندر بی اوزبک در سنهٔ ۲۹ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب و خطاب خانی سربلند شده
در سنهٔ ۳۰ بخطاب مغل خان نام بر آورده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب مغل خان نوشته خواهد شد

جلائر از بنده‌های همایونی در سنهٔ احد اکبری بمنصب و باین خطاب سربلند شده در سنهٔ ۵
در کوه سوالک تلاش های مردانه نموده ملک بازی ها کرده متهورانه جان نثار شد   تورغچی بات
نایب میرزا هندال از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنهٔ احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی
سر بر افراخته در سنهٔ ۹ مصدر ترددی شده انجام حال او معلوم نشد   سمانجی خان ولد حلمه بیگ
در عهد اکبری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سرافراز شده در سنهٔ ۱۱ تعین صوبهٔ بهار بود از انجا
متعین ناظم بنگاله شده تا سنهٔ ۲۳ همراه عظام امرای در تنبیه قاقشالان و کابلیان باغی ترددی نمود
در سنهٔ ۲۵ متعین مهم دکن گردیده در سنهٔ ۳۲ در تنبیه راجه ... که زمیندار اند وجه تردد شایسته
نموده آینده بصوبهٔ اوده تعین شده در سنهٔ ۳۴ به حضور طلب شده تا سنهٔ ۴۰ خدمت مینمود دیگر

احوال او

احوال او معلوم نشد   غلام همایونی در سنهٔ احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سر بر
افراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد   برادر کلان زین خان کوکه در سنهٔ احد اکبری بمنصب چهار
هزاری و بخطاب سیف خان که زین خان بود سرافراز شده در سنهٔ ۹ در ایلغار تنبیه عبد الله خان اوزبک
باغی و در سنهٔ ۱۲ در ایلغار تنبیه خان زمان سیستانی باغی در رکاب تردد ها نموده در سنهٔ ۱۷ هنگام تسخیر قلعهٔ سورت
یکه تازی کرده زخمی شده در سنهٔ ۱۸ در جنگ گجرات همراه رکاب بود در شمار جان بازی بر افراخت   سیف خان
پسر قلیچ خان در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سر بر افراخته در سنهٔ ۴۶ بنابر تنبیه سرکشان کوه شمالی مامور شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد   سیف خان علی اصغر ولد سید محمود خان بارهه منصبی داشت در سنهٔ احد
جهانگیری بخطاب سیف خان سربلند شده بجلدوی تردد در جنگ افواج پادشاهی با سلطان خسرو
باغی اولیس پور خلافت که هفده زخم برداشته بود به منصب دو هزاری و در سنهٔ ۴ باضافهٔ پانصدی
و بفوجداری حصار فیروزه سر بر افراخته در سنهٔ ۹ در کارزار با رانا اودی پور تردد ها نموده در سنهٔ ۱۰
بمنصب سه هزاری مامور شده در سنهٔ یازدهم در دکن بعدم رفت   سیف خان سید عبد الله بارهه از
همراهان سلطان خورم منصب نهصدی داشت در سنهٔ ۱۲ جهانگیری در جلدوی رسانیدن خبر فتح نمایان
یعنی اطاعت دنیا داران دکن و آوردن کلید قلعهٔ احمدنگر بخطاب سیف خان سربلند شده در سنهٔ ۱۳
تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   سیف خان جهانگیر شاهی محمد صفی نام ولد امانت خان برادر آصف
خان جعفر بیگ منصبی داشت در سنهٔ ۱ جهانگیری بمنصب هفت صدی و بخطاب خانی بر نام خود در سنهٔ ۵ به دیوانی صوبه

گجرات سرافراز شده در سنه ۱۸ جلدوی منهزم نمودن فوج سلطان خورم باغی بخطاب سیف خان جهانگیر
شاهی و بمنصب سه هزاری مباهات اندوخته در سنه احد شاه جهانی بکمان ناه دولت خواهی بپایهٔ عنایت
بشفاعت نواب ممتاز الزمانی که همشیرهٔ آن ملکه بانو بیگم در حبالهٔ نکاح خان مذکور بود بمنصب چهار هزاری
و به نظم صوبهٔ بهار از تغیر خان عالم دوری مفاخرت حاصل نموده در سنه ۵ بنظم الهآباد و از تغیر قلیج خان
و در سنه ۸ بنظم گجرات از تغیر سپهدار خان و بمنصب پنجهزاری ذات و سوار و در سنه یازدهم بنظم اکبرآباد
و در سنه ۱۲ بنظم بنگاله نام برآورده در سنه ۱۳ در آن جا فوت کرد   سیف خان بارهه در سنه ۱۵
شاه جهانی بمنصب هزاری و به این خطاب سربلند و همراه دارا شکوه بکومک ناظم قندهار رفته بود دیگر
احوال او معلوم نشد   سیف خان سیف الدین محمود معروف بفقیر الله ولد تربیت خان مرحوم از
اولاد امیر جاکو از امیران امیر تیمور صاحب قران در آخر عهد شاه جهانی به منصب نهصدی و در سنه ۱
به داروغگی قورخانه سربلند شده همراهی سلطان دارا شکوه بود و بعد شکست مهاراجه جسونت سنگه در جنگ
عالمگیری آمده بمنصب هفت صدی و در سنه ۱ بداروغگی قورخانه سربلند شده همراهی سلطان دارا
شکوه بود و به هزار و پانصدی و به این خطاب سرافراخته در کارزار اکبرآباد با دارا شکوه و با شاه
شجاع در کوره وقتیکه فوج پادشاهی رو بر تافته بود با دل قوی سد راه سید عالم بارهه شده شمشیر
نمایان زده به منصب دو هزاری نام برآورده در همین سال گوشه نشینی اختیار نموده بعد چندی
اختیار منصب نموده در سنه ۳ باضافهٔ پانصدی و به نظم اکبرآباد مباهات اندوخته در سنه ۳ معزول

گردیده

گردیده در سنه که قبل از این بنابر تقصیری از منصب معزول گشته بود بعنایت منصب دو هزاری چهره
امتیاز برافروخته در سنه ۶ بنظم کشمیر از تغیر اسلام خان مفاخرت حاصل نموده در سنه ۸ تبت کلان که
طولش راه شش ماهه و عرضش بعض جا راه دو ماهه و بعض جا راه یک ماهه است فتح کرده در سنه ۹ بنظم
ملتان و بمنصب سه هزاری و در سنه ۱۲ بنظم کشمیر مقرر گردیده در سنه ۱۹ متعین صوبهٔ کابل گشته در سنه ۲۰
بنظم صوبهٔ بهار و آینده بنظم الهآباد و نواحی مباهات برافراشته در سنه ۲۴ در آن جا بزندگانی جواب داد
سیف خان سید نور الله برادرزادهٔ ذو الفقار خان بهادر نصرت جنگ بمنصب درخور در سنه ۴۲ عالمگیری
بخطاب سیف خان سربلند شده در سنه ۴۸ بمنصب هزار و پانصدی و آینده بفوجداری تلکوکن سرافراز
گردیده در سنه ۴۸ معزول گشته بود انجام حال او معلوم نشد   سیف خان سیف الله ولد سیف خان
فقیر الله بمنصب درخور در سنه ۴۸ عالمگیری بخطاب سیف خان و به نیابت نظم بهار سرافراخته در سنه ۴۹ بقلعه
داری اعظم نگر مقرر شده در سنه پنجاهم قلعه بونده از تصرف بهیم رای برآورده بود همراه شاهزاده محمد اعظم
در جنگ اکبرآباد بکار آمد   در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته آینده متعینهٔ
لاهور بود در سنه ۹ بکومک میرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت متعین کابل شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
سلطان خان خویشگی در آخر عهد عالمگیری بمنصب و با خطاب سرافراز شده بود در جنگ
اکبرآباد بمقابلهٔ اعظم شاه بکار آمد   ولد یعقوب بیگ بن ابراهیم بیگ چلدق در عهد
اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربلند شده در سنه ۳ ترددی نموده در سنه ۱ احکام بنظم ملتان سرافرا

ابراهیم حسین باغی را که در پناه بلوچان رفته بود بعد کارزار زخمی دستگیر نموده در سنه ۲۳ متعین
صوبه بهار بود در سنه ۲۲ باتالیقی شاهزاده دانیال که از زمان خوردسالی هم باتالیقی آن مقرر
بود سر برافراخته در سنه ۳۳ بنظم پنجاب نام برآورده تا سنه ۲۴ به انجام مهام آن جا پرداخته
در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ بطور کومکیان در آن صوبه مانده در سنه ۴۲ بعنایت سرکار سنبل مضاف صوبه
دهلی و در سنه ۴۶ بعطای سرکار حاجی پور مضاف صوبهٔ بهار و به منصب سه هزاری مباهات اندوخته
و در آن در سنه ۴۷ متعینهٔ شهباز خان برای تنبیه زمین‌داران بهار در صوبهٔ اودیسا گردیده در سنه ۴۸
حدود تردد‌ها نموده در سنه ۲۷ به نظم صوبه بنگاله از انتقال وزیر خان مقرر شده در سنه ۳۱
در تسخیر اودیسا همراه راجه مانسنگه کچهواهه تلاش‌ها کرده در سنه ۳۹ بار دوم به نظم صوبهٔ
بهار نام برآورده در سنه ۴۰ بار به نظم ملتان مباهات اندوخته و به منصب پنجهزاری رسیده
خدمت نمود و در سنه احد جهانگیری به نظم لاهور چهرهٔ امتیاز برافروخته بود انجام حال او معلوم نشد
سعید خان ولد سلطان سارنگ گکهر در سنه ۳۵ اکبری به منصب هزار و پانصدی و خطاب خانی
سرفرازی داشت و در سنه ۴۲ صبیهٔ او با سلطان سلیم کتخدا شده در سنه ۴۴ به همراه آصف خان
جعفر به تنبیه افاغنهٔ کابل مصدر تردد‌ات گشته تا سنه سی و هشتم خدمت نمود دیگر احوال او
معلوم نشد   سعید خان کرانی در سنه ۲۰ اکبری به منصب و خطاب خانی سربلند و همراه خانخانان
عبدالرحیم بهار بوکاشانی در جنگ با مظفر حاکم زاده گجرات مصدر تردد بود دیگر احوال او معلوم نشد

سعید خان

سعید خان سندوری در سنه ۳۲ اکبری به منصب و خطاب خانی سربلند بود و متعین سلطان
خسرو شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   سعید خان محمد سعید جغتائی ولد احمد بیگ خان
کابلی خانه‌زاده که نسبی تیموریه در سنه سیم جهانگیری بعد از لگد راندن محمد مسعود برادر کلان خود به منصب
ششصدی سربلند شده بود آینده بخطاب خانی تر نام خود نام برآورده متعین صوبه کابل گردیده
خدمت نمود در آخر عهد در جنگ ماند محمد خان والی بلخ که بنا بر تصرف کابل آمده بود مصدر تردد‌ات
نمایان شده در سنه احد شاه جهانی همراه لشکر خان ناظم کابل در جنگ دوم با والی بلخ مصدر تلاش‌های
نمایان شده به منصب دو هزاری سر برافراخته آینده تهانه‌داری تره و بنگش مقرر گردیده در سنه ۳
بجلدوی تردد شایسته در بیشتا و به منصب چهار هزاری و در سنه ۴ به نظم کابل از تغیر لشکر خان لوای
مفاخرت برافراخته در سنه ۸ در لاهور بعد ملازمت به منصب پنجهزاری چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه ۱۵
بجایزهٔ فتح در جنگ با قزلباش باضافه هزاری و بخطاب بهادر ظفر جنگ و در سنه ۱۷ به نظم لاهور و در
به نظم ملتان از تغیر نجابت خان و در همین سال بجایزهٔ تردد نمایان در تنبیه راجه جگت سنگه باغی که
لطف الله پسرش زخم شمشیر بر کتف داشت بطرف راست و زخم نیزه بر بازوی چپ برداشته بود
خوار نشیبها یافت و در سنه ۲۶ اکبر به نظم لاهور و در سنه ۲۱ به نظم صوبهٔ قندهار از تغیر صفدر خان و در سنه ۲۰
بار به نظم ملتان علم مباهات برافراخته متعین مهم بلخ و بدخشان گردیده روزی در جنگ‌ها با اوزبکان
تلاش‌هایی که منتهای تهور و جلادت نموده و تردد‌هایی بر روی کار آورده بذات خود شمشیر زده

نه زخم برداشته و دو لب پر خود را انگشتن داده بجلدوی آن بمنصب هفت هزاری هفت هزار
سوار پنجهزار دو اسپه سه اسپه والا رتبه گردیده در سنه ۱۲ بنظم صوبه بهار و در سنه ۲۲ باز بنظم
کابل نام برآورده و در سنه ۲۵ باخوت سرا رفت در رفتن سرداری یگانه عصر بود سعید خان
عبد الله ولد سعید خان بهادر ظفر جنگ در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب درشت و در سنه ۱۱ همراه
پدر صوبه کابل خدمت مینمود در سنه ۱۳ بتهانه داری بنکش پایان از تغیر راجه جگت سنگه و در سنه ۱۵
بقلعه داری قلات از تغیر خانه زاد خان و بمنصب هزاری چهار صد سوار و در سنه ۱۲ هنگام نیابت
فوجداری بنکش از طرف پدر بمنصب هزاری هزار سوار و در سنه ۲ بعد فوت پدر باضافه هزاری
بمنصب دو هزاری سربرافراخته متعین مهم قندهار گردیده هنگام روانگی قندهار در همین سال
بخطاب خانی نام برآورده آینده بحراست شهر کابل مقرر شده در سنه ۲۶ معزول گشته در سنه ۳۰ به منصب
دو هزار و پانصدی رسیده در سنه ۳۱ به تعین سلیمان شکوه گردیده در سنه احد عالمگیری از
سلیمان شکوه جدا شده در جناب عالمگیری آمده بمنصب سه هزاری دو هزار و پانصد سوار و
بخطاب پدر و بفوجداری بجواریج سربلند گردیده در همان سال رحلت کرد سعید خان
محمد سعید در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بقلعه داری ظفرآباد بدر سربلند بود در سنه ۴
بخطاب خانه زاد خان نام خود و در سنه ۴ بقلعه داری اورنگ آباد و سوز گردیده خدمت مینمود دیگر احوال او
معلوم نشد سعید خان دویم پور سعید خان بهادر ظفر جنگ در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب

خاندوران

خان دوران سربلند شده در سنه ۴۴ بمنصب دو هزار و پانصدی و بخطاب پدر و بنظم تهته
از انتقال حفیظ الله خان پسر خورد سعدالله خان سرافراز گردیده بود انجام او معلوم نشد سعید خان
دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب و به دیوانی کرناتک سربلند شده بود در سنه
احد بهادر شاهی بخطاب کفایت خان نام برآورده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد
در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سربرافراخته و بنابر رابطه خردی با اعیان پیوسته بود در سنه ۱۱
از آن جدا شده بدرگاه والا رسیده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد سردار خان
تخته بیگ کابلی از نوکران میرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت اکبر بادشاه در سنه ۳۰ اکبری بعد فوت
میرزا مذکور بحضور آمده بمنصب هفت صدی سرافراز شده در سنه ۴۹ بخطاب خانی نام برآورده در سنه
احد جهانگیری بخطاب سردار خان و به منصب سه هزاری و بنظم قندهار از تغیر شاه بیگ خان سربلند شده
در سنه ۳ درگذشت سردار خان خواجه یادگار برادر عبدالله خان بهادر فیروز جنگ در سنه ۶
جهانگیری بمنصب ششصدی و بخطاب سردار خان سربرافراخته در سنه ۸ بمنصب هزار و پانصدی
نام برآورده در سنه ۱۰ در تعیناتی سلطان خورم در دکن تردد شایسته نموده در سنه ۱۱ به منصب
سه هزاری رسیده در سنه ۱۴ رخت عمر ته کرد سردار خان دیگر بمنصب و باین خطاب سرافراز بود
از چند در رکاب شاهجهانی آمده در سنه احد ایشان بمنصب سه هزاری سربلند شده در سنه ۲
به تهانه خان جهان بودی با بخی متعین گردیده در سنه ۳ و در سنه ۴ همراه اعظم خان و خواجه

ابو الحسن در دکن ترددات نموده بعد فتح قلعه قندهار دکن متعین خانه دوران شده بالاگهاٹ رفته
در سنه ۱۵ از دکن بهندوستان آمده در سنه ۱۸ بتعین سعید خان جهان بهادر بمهم جهجهار سنگه بندیله تعین گشته
بعد فتح قلعه‌ها موضع از قلاع مذکور دهراست قلعه مذکور و بلغیات سرکار دهاموتی در جاگیر بهادر بهادی گردیده در سنه ۱۰
تغیر شده در سنه ۱۱ در سفر کشمیر در رکاب بوده در سنه ۱۴ بخدمت قوربیگی از تغیر صف شکن خان نام بر آورده در
همین سال بضبط … و در بنگش از تغیر عبدالله سعدالله پسران سعید خان بهادر مقرر شده در سنه ۱۵ بتعین قندهار
گردیده در سنه ۱۶ بنظم مالوا از تغیر خان دوران و به اضافه هزاری و در سنه ۱۹ بعد عزل نظم مالوا از بلغیات سرکار
دهامونی و چوراگده سربر افراخته در سنه ۲۲ متعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۳ در ناحیه قندهار ترددات نمایان نموده
در سنه ۲۵ مکرر متعین مهم قندهار شده در سنه ۲۶ بنظم ٹهٹهه از تغیر مغل خان نام بر آورده در اثنای راه
در گذشت   سردار خان دل دوست ولد سرافراز خان جغتائی مرحوم در آخر عهد شاه جهانی بمنصب … هزار و پانصدی
در … در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب سردار خان سرافراز شده در همین سال بخدمت فوجداری
پتن گجرات از انتقال دلدار خان برادر خود نام بر آورده چون در نگاهداشتن شهر گجرات که در ان شکوه …
بعزم تصرف آن رفته بود ترددات نمایان کرده بود بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار معزز گشته در سنه ۱۲
از گجرات طلب حضور شده بفوجداری بهرایچ مقرر گردیده در سنه ۱۴ بفوجداری سورٹهه از تغیر قطب الدین خان
امتیاز یافته در سنه ۱۸ هنگام حکومت آنجا به منصب سه هزاری دو هزار سوار از آن جمله هزار و پانصد سوار
دو اسپه سه اسپه سرافراز گشته در سنه … بفوجداری شاه آباد ضمیمه فوجداری سورٹهه مقرر شده بود انجام

حال او

حال او معلوم نشد   سردار خان سردار بیگ چیله منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری بخطاب … خانی
اهتمام خان و در سنه ۲۹ بخدمت نظارت محل سرافراز شده بود در سنه ۳۰ به منصب هزار و پانصدی
و بخطاب سردار خان سربلند گردیده در سنه ۳۱ از نظارت محل معزول گشته بدیگر خدمات سرافراز
بود در سنه ۳۰ رخت حیات بربست   سردار خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب
سربلند شده در سنه ۴۴ متعین کابل بود بجرم آنکه با غازیان وصلت نمود در سنه ۴۶ طلب حضور
گردید انجام حال او هیچ معلوم نشد   کاکر در عهد اکبری به منصب هزاری و به این خطاب سربر افراخته
در سنه ۱ مصدر ترددی گردیده در سنه ۱۷ در ایلغار گجرات همراه رکاب بود در سنه ۱۹ در جنگ داود
ولد سلیمان کرانی حاکم بنگاله در ایام تعیناتی منعم خان ترددات شایسته نموده … در آن صوبه مصدر نیکو خدمتی
بود در سنه ۲۳ در جنگ با افاغنه در سنه ۲۴ تلاش نمایان کرده ظفر یافته انجام حال او معلوم نشد
سلیم خان نوحانی در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سربر افراخته در سنه ۲۳ متعین سلطان
خسرو شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   کولانی در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربر
افراخته خدمت مینمود در سنه ۸ مصدر ترددی گشته بود انجام حال او هیچ معلوم نشد این عزیز
در تهور و جلادت ممتاز بود   بدخشی در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز
شده آنجا متعین بنگاله گردیده در سنه ۲۵ در جنگ با دلپت اجینه از زمینداران
صوبه بهار مردانه بکار آمد   علم در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سرافراز

شده در سنهٔ ۸ به متعین سلطان خسرو اولیت پور خلافت شده بود دیگر
احوال او هیچ معلوم نشد   در عهد اکبری بمنصب ده و به این خطاب سر برافراخته
در سنهٔ ۴۴ بکمک توالی احمدنگر مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   سرانداز خان
قلماق چیله در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب و به این خطاب سرافراز شده در سنهٔ ۹
بمنصب هزاری و در سنهٔ ۱ بمنصب دو هزار و پانصدی و فوجداری لکهنو و بیسواره از تغیر
الله وردی خان و در سنهٔ ۱۴ بفوجداری جمون و در سنهٔ نوزدهم بقلعه داری لاهور سربلند گردیده
در همین سال بعدم رفت   سرانداز خان محمد بیگ ارادت برادر کلان یادگار بیگ چلاق آتالیق
سلطان عبدالرحمن ولد نذر محمد خان والی بلخ در سنهٔ ۲ شاه جهانی از بلخ آمده بمنصب هزاری سرافراز
شده بود در سنهٔ احد عالمگیری بخطاب سرانداز خان سربلند گشته در سنهٔ ۵ و در سنهٔ ۸ در بنگاله در معارک
عظیم ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نشد   سرانداز خان بینی بیجاپوری در اواسط عهد
عالمگیری بمنصب و بخطاب سرانداز خان سرافراز شده در سنهٔ ۱۲ همایونی فتح حیدرآباد نموده در سنهٔ
۴۷ باضافهٔ پانصدی و به نیابت صوبهٔ برار مباهات اندوخته بود انجام حال او معلوم نشد
در عهد اکبری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته در سنهٔ چهل و ششم در دکن
تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   سعادت خان سعادت امید ولد ظفر خان
بن زین خان کوکه بمنصب و بخطاب سعادت خان سربلند بود در سنهٔ ۱ جهانگیری بعد فوت پدر

بمنصب هشت صدی

بمنصب هشت صدی سرافراز شده در آخر عهد متعین کابل شده در ایام رحلت جناب
جهانگیری که اوزبکان بلخ و بدخشان سر لفساد برداشته بودند بمحافظت شهر کابل مأمور
بود در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و در سنهٔ ۲ بمنصب دو هزاری سر برافراخته
متعین صوبه کابل گردیده در سنهٔ ۵ از کابل بتعیین قندهار شده در آغاز سنهٔ ۱۲ باضافهٔ پانصدی و
بقلعه داری ترمذ از قلاع ولایت بلخ مباهی گشته در آن جا تلاش و تردد مردانه نموده در همین سال
بمنصب سه هزاری دو هزار و پانصد سوار رسیده در سنهٔ ۱۲ بتهانه داری پردو بنگش متقرر گشته
در سنهٔ ۲۶ متعین مهم قندهار گردیده در سنهٔ ۲۹ بکمک بفوجداری پردو بنگش از تغیر مبارک خان
نیازی و در سنهٔ ۳۱ بحراست شهر کابل نام برآورده بود در سنهٔ احد عالمگیری بمنصب سه هزار و
پانصدی امتیاز یافته در آغاز سنهٔ ۲ بقلعه داری ارک کابل از انتقال مغل خان چهره
امتیاز برافروخته در همین سال بزخم جمدهر رشید الله پسر ناخلف خود کشته شد   سعادت خان
خوش حال بیک قاقشال در آخر عهد شاهجهانی منصب ششصدی داشت در سنهٔ احد
عالمگیری بخطاب قلیچ خان و فوجداری بهیره و خوشاب از تغیر خنجر خان و در سنهٔ ۲
بخطاب سعادت خان سرافراز گردیده در سنهٔ ۸ به منصب دو هزاری و فوجداری
معظم نگر و آینده بمنصب سه هزاری نام برآورده بود   سعادت خانی که در سنهٔ ۳۵
به بخشی گری و واقعه نگاری بیجاپور مقرر شده بود معلوم نشد که همین سعادت خان است یا

باو کرییست ابن مرو سپاهی مقرری بود   عبدالله ولد اعظم خان مرزا عزیز کوکه در عهد
اکبری بمنصب هزاری سربلند بود در سنه ۳ جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب سرافراز خان سرافراز
شده در سنه ۹ همراه پدر بتقصیر کوتاهی در جنگ با رانا زمین دار اودیپور در قلعه گوالیار مقید شده در سنه ۱۰
خلاصی یافته در سنه ۱۳ الحدیث سلف خطاب بمنصب هزاری از حکایت بر آمده بود انجام حال او معلوم نشد سرافراز خان
چغتائی نبیره مصاحب بیک از ایران تامی همایونی منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری بابت منصب دو
هزاری سرافراز شده در سنه ۱۸ الحجر شریک بغی سلطان خورم گردیده همراه فوج ایشان بسرکردگی
عبدالله خان فیروز جنگ که در آن ایام ادهم داخل باغیان بود بعزم تصرف گجرات بمقابله صفدرخان
دیوان صوبه مذکور آمده و کارزار نموده بدست صفی خان دستگیر شده بود بعد طلب حضور
و اثبات بی تقصیری مقرون بعفو شده در سنه ۴ شاهجهانی بمنصب چهار هزاری سه هزار سوار
سر برافراخته و بگجرات تعین گشته آینده بفوجداری پتن نام بر آورده در سنه ۲ او در آن ملک
رحلت کرد   سرافراز خان دکهنی از نوکران مرزبان دکن در سنه ۴ شاهجهانی بمنصب چهار
هزاری نو سرافراز شده در سنه ۹ تعین خاندوران بهادر گردیده همیشه در دکن ترددات نموده
در سنه احد عالمگیری بمنصب پنجهزاری و الا رتبه شده در سنه ۳ بدکن متعین شده در سنه ۹
باعث ملاقات سیوا مرهته با مرزا راجه جی سنگه کچهواهه در دکن گردیده در سنه ۹ بر دست دکنیان
مردانه شهید شد   سرافراز خان عبداللطیف حیدرآبادی الاصل در اواسط عهد عالمگیری

بمنصب

بمنصب پنجهزاری سرافراز شده در سن ۲۳ و در سنه ۲۵ صدر تردد بود بمقتضای قدردانی بخان
مذکور حکم شده بود که هرگاه برای سلام اسدالله خان بیاید ایشان اگر سوار اسپ باشند سواره دست
سر گذاشته عقب برود و کانهوجی و دیگر پنجهزاریان فرود آمده سلام بکنند در سنه ۳۷ بمتعینات بادشاهزاده
کام بخش گردیده روزی باجازت نشستن مباهات اندوخته بود تا سنه ۴۲ بخدمت پیموده دیگر احوال او
معلوم نشد   سید سرافراز خان دکهنی در آخر عهد عالمگیری بمنصب شش هزاری ذات و سوار سرافراز شده
در سنه ۴۳ در تسخیر قلاع دکن شریک تربیت خان سرآتش بود در سنه ۴۶ بتقصیری معاتب شده در سنه ۵
بعفو مقرون گشته در سنه ۲ بهادر شاه برای تنبیه زمین داری که خود تاخته بود در آن جا
کشته شد   سید قاسم پسرش مورد عنایات گردید   میرزا شاه رخ ولد میرزا
رستم صفوی در اوایل عهد جهانگیری منصبی داشت و بخطاب سهراب خان سر برافراخته در سنه ۱۱
باضافه منصب مباهات اندوخته در سنه ۱۳ بمنصب هزاری رسیده در سنه ۱۵ الفجر در یساول در
با آنکه اسپ در دریا نهیب تند و تیز مرتب بود در آب درآمده بسیل فنا رفت   سهراب خان ولد
جعفر بیک در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و باین خطاب سربلند شده
خدمت پیموده در سنه ۱۳ در گذشت   سهراب خان نعمت الله ولد حسام الدین خان نبیره
آصف خان غیاث الدین علی در عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی مامور بود در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزاری و باین خطاب سرافراز شده در سنه ۸ کارتلاقی فوجدار پالاپور بود بقلعه دار

اود که از تغیر بهرام خان معزز گشته در سنه ۲ بفوجداری جائی مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم
نشد سهراب خان ولد رعد انداز خان منصبی داشت در سنه ۲۸ عالمگیری بخطاب سهراب خان سرافراز شده
در سنه ۲۹ بمیر توزکی مقرر گردیده تا سنه ۳۲ بخدمت بهنود دیگر احوال او معلوم نشد بهول نام ولد
حسن میانه منصب هزاری داشت در سنه ۲۱ جهانگیری باضافه پانصدی و بخطاب سربلند خان سرافراز شده
در سنه ۱ به منصب دو هزار و پانصدی رسیده در سنه ۱۸ اشتراک بغی سلطان خورم گردیده بعد از ان که
سلطان خورم هزیمت خورده بدکن رفتند از ایشان جدا شده بود پس از ان احوال او معلوم نشد
سربلند خان خواجه رحمت الله در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی و در سنه ۲۵ بمیر توزکی در
سنه ۲۷ بجایزه انداختن شمشیر بر سر حروف میر تنه که در دیوان خاص شمشیر کشیده برزنبه دو بده مصدر
بی‌ادبی گشته بود به منصب هزاری و در سنه ۳۰ باین خطاب و در سنه ۱ بخدمت آخته بیگی و بعهد برین سال
داروغگی توپخانه سربلند گردیده بود در سنه ۴ عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی سر برافراخته بدکن
تعین گشته در سنه ۱۲ بخدمت قوربیگی از تغیر همت خان و در سنه ۱۵ بناظم اکبرآباد از تغیر نامدار خان و همان
سال بخبشی گری هجوم و در سنه ۱۸ بمیر بخشی گری از تغیر اسد خان و بمنصب چهار هزاری لوای مفاخرت
برافراشته در سنه ۲۳ رحلت کرد این مرد در ظاهر و باطن آراستگی داشت سربلند خان خواجه
یعقوب در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب سربلند خان سر برافراخته در سنه ۲ بصدور ترددی
گشته در سنه ۲۸ رخت حیات بربست سربلند خان برادر سرافراز خان عبداللطیف حیدرآبادی

بمنصب

بمنصب و باین خطاب سربلند بود و در سنه ۳۰ عالمگیری بنوازش نقاره نام برآورده بود
انجام کار او معلوم نشد سربلند خان خواجه موسی خویش سلطان معز الدین در آخر عهد
عالمگیری بمنصب هزاری و به این خطاب سربلند شده بعد رحلت آنحضرت از پیش محمد اعظم شاه باضافه
هزاری نامور گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد از سادات بیهقی در سنه ۱۸ جهانگیری
بمنصب هزاری و به این خطاب سرافراز شده تا سنه ۱۲ خدمت می‌نمود دیگر احوال او معلوم نشد
سادات خان از نوکران نظام الملک مرزبان دکن در سنه ۳ شاه جهانی بمعرفت نصیری خان
بمنصب هزار و پانصدی و باین خطاب سرافراز شده در سنه ۸ بجلدوی ترددی به منصب دو هزاری
رسیده بود و در سنه ۲۳ درگذشت سادات خان بهکری در سنه ۲۹ شاه جهانی به منصب و باین
خطاب سربلند بود و همراه مرزا خان ناظم برار در دکن ترددی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد
سادات خان میر احمد رضوی ولد سادات خان در اواسط عهد شاه جهانی به منصب پانصدی
و در آخر عهد بمنصب هزاری و فوجداری نصیرآباد مضاف صوبه خاندیس داشت در سنه احد عالمگیری
بمنصب دو هزار و پانصدی و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۲ متعین بنگاله گردیده در سنه ۱۱
از آنجا بحضور آمده در سنه ۹ به منصب سه هزاری و بفوجداری گورکهپور از تغیر الله وردی خان و در
سنه ۱۸ بفوجداری جونپور از تغیر معتقد خان و در سنه ۱۸ بناظم اوده مباهات اندوخته بود انجام
حال او معلوم نشد سادات خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته

در سنه احد بهادر شاه بخطاب مرتضی خان نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد
در سنه ۵ جهانگیری به منصب هفت صدی و بخطاب سربراه خان سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد
سربراه خان جلال چیله منصبی داشت در سنه ۴۰ عالمگیری بجلدوی بیرون بردن مورچال در مهم بیجاپور به
منصب هشت صدی و به این خطاب و بکوتوالی دارو علی کچهری سرافراز شده هنگام تسخیر حیدرآباد
غنیم گرفتار نموده و در وقت خلاص شده آمده بود در عهد محمد شاه فوت کرد   محمد صالح پسر خوانده
مرزا خواجه بیک صفوی در اوائل عهد جهانگیری بمنصب و در سنه ۶ بخطاب خنجر خان و در سنه ۱۳ العهد نون
پدر به منصب دو هزاری و بقلعه داری احمدنگر سرافراز شده در سنه ۱۵ هنگام متحصن شدن نکرباو کهنان
کارزار مردانه نموده بجایزه ترددات آن جا به منصب سه هزاری و در سنه ۱۶ بجلدوی ترددات نمایان به منصب
دو هزاری و بقلعه داری احمدنگر سرافراز شده و در سنه ۱۹ به منصب چهار هزاری مباهات اندوخته در
سنه ۱۹ در آن جا هنگامیکه دکهنیان محاصره قلعه نموده بودند تلاش‌ها کرده در سنه ۱ بخطاب سپهدار خان
نام برآورده بعد رحلت جهانگیر بادشاه بادصف عظیم که در آن مملکت رو داده بود مستقل مانده و در سنه
دوم شاه جهانی بتعین شایسته خان گردیده در سنه سوم ترددها نموده در سنه ۴ قلعه سیونده
مفتوح گردانیده هم در آن سال بقلعه داری احمدنگر مقرر شده در سنه ۸ به منصب پنجهزاری پنجهزار
سوار سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و به نظم گجرات از تغیر باقر خان تخم تالی والا رتبه گشته در سنه
به اتفاق دیگر امیران بنابر تنبیه عادل خان مرزبان بیجاپور بتعین گردیده در سنه هنگام فتح قلعه

دهاروآسون رزم‌های شدید نموده مظفر و منصور شده در همان سال بنظم صوبه برار
مباهات اندوخته آینده بقلعه داری حیر مقرر گشته در سنه ۱۷ در آن جا فوت کرد خان مذکور در باره
سرداری پایی کم از رستم و سام نداشت   سپهدار خان بهادر والد خان جهان بهادر ظفر جنگ
در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب تقصیرخان سرافراز شده در سنه ۴ باین خطاب و در سنه ۱۳ بنظم
اکبرآباد و در سنه ۲۰ بنظم اله آباد سرافراز گردیده در سنه ۲۱ معزول گشته آینده باز دهم بنظم اله آباد
نام برآورده در سنه ۲۱ بجایزه تنبیه بهادت زمین دار آن جا بمنصب چهار هزاری و در سنه ۲۹ به منصب
پنجهزاری و خطاب بهادر سر بفلک سوده در سنه احد بهادر شاه بخطاب خان جهان نام برآورده در عهد
محمد شاه بادشاه در صوبه داری اجمیر ازین جهان بعدم رفت   ولد لشکر خان مشهدی
در عهد جهانگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز بود در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه ششم
بعد گوشه نشین شدن پدر بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار و به فوجداری بلکی جکل
از تغیر جان نثار خان سر بر افراخته در سنه ۸ معزول گردیده در رکاب بدکن رفته بنابر تاخت نادر
و قندهار دکن تعین خانه وران شده در سنه ۹ همراه خانه وران در تسخیر قلعه اودگیر تردد نموده در سنه ۱۳
باضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۱۵ همراه بادشاهزاده عالمگیر از دکن بحضور رانده آینده
بعنایت جاگیر در جنیدیری ممتاز گشته در سنه ۲۰ القلعه داری حیر از انتقال سپهدار خان محل اعتماد
گردیده آینده بعنایت جاگیر و فوجداری سلطانپور بهاری مقرر شده در سنه ۲۲ معزول

کرو بیده آینده باز بفوجداری مذکور سربر افراخته در سنه ۲ هنگام حکومت آنجا ضیافت ایلچی روم نموده
در سنه ۲۹ چون بنا بر بیماری از منصب برطرف شده بود بعد آمدن حضور به منصب سه هزاری بحال شده
در همین سال بفوجداری نزهت از تغیر سید عبد الرسول مقرر شده و در سنه ۱۲ در آن جا درگذشت
سزاوار خان عیسی بیگ از والاشاهیان بادشاه عالمگیر در سنه احد الشان بمنصب هزاری و پانصدی
و به این خطاب سربر افراخته در جنگ اکبرآباد بمقابله سلطان دارا شکوه بکار آمد سزاوار خان
شفقت الله ولد سزاوار خان مشهدی در آخر عهد شاه جهانی به منصب پانصدی در سنه ۲
بقلعه داری ترنبک سربلند بود در سنه احد عالمگیری بعد جنگ اکبرآباد بمنصب هزاری و بخطاب
پدر سرافراز شده و بمیر بخشی گری احدیان مقرر گردیده در سنه ۲ بمیر توزکی نام برآورده در سنه ۱۴
به نیابت میر آتشی بمحل اعتماد شده و در سنه ۲۴ به تقصیر رفاقت بادشاهزاده محمد اکبر باغی مقید شده
در سنه ۲۱ بعد خلاصی بمیر توزکی دوم جا که فته در سنه ۲۶ بعدم رفت سزاوار خان و بکه منصبی داشت
در سنه ۳ عالمگیری باین خطاب و خدمت کروریگنج و آینده بفوجداری نادیر و در سنه ۳ به قلعه داری
بدر سرافراز شده خدمت همنو دیگر احوال او هیچ معلوم نشد حبشی از نوکران نظام
الملک حاکم دکن در سنه سیوم شاه جهانی به منصب دو هزار و پانصدی سرفراز شده در سنه
بعدم رفت حبشی در اوایل عهد شاه جهانی به منصب شش صدی سرافراز بود دیگر
احوال او معلوم نشد در سنه شاه جهانی بمنصب و بخطاب سلاح خان و در سنه ۲۶

بخطاب

بخطاب انور خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب انور خان نوشته شده
سلاح خان ولد وزیر خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خان سرافراز بود دیگر
احوال او معلوم نشد میر زین الدین علی برادر خورد اسلام خان در اوایل عهد شاه
جهانی بمنصب شش صدی و در سنه ۱۱ جلدوی تردد همراه برادر در بنگاله باین خطاب و بمنصب
هزاری و در سنه ۱۵ بداروغگی داغ و در سنه ۱۶ به منصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۹ باضافه
پانصدی و بقلعه داری دولت آباد از تغیر تهی راج راتهور و در سنه ۲۱ هنگام قلعه داری مذکور باضافه
پانصدی و در سنه ۲۳ به بخشی گری دوم از تغیر خلیل الله خان و بمنصب سه هزاری و در سنه ۲۴
بقلعه داری اکبرآباد از تغیر باقی خان قلماق و در سنه ۲۷ بنظم شاه جهان آباد سرافراز شده در سنه
احد عالمگیری بعدم رفت سیادت خان محمد معظم ولد شاه نواز خان صفوی در آخر عهد شاه
جهانی بمنصب پانصدی داشت در سنه احد عالمگیری بعدم رفت سیادت خان محمد معظم ولد
شاه نواز خان صفوی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی داشت در سنه احد عالمگیری
به اضافه هزاری و در سنه ۴ باین خطاب و در سنه ۸ بفوجداری گورکهپور و در سنه ۲۰ بخطاب معظم خان
سربلند گشته بود تتمه احوال او در ذیل خطاب معظم خان بقلم خواهد آمد سیادت خان نورانی
سید اوغلان استاد غازی الدین خان بهادر فیروز جنگ منصبی داشت در سنه ۴۲ عالمگیری
باین خطاب و در سنه ۴۹ بداروغگی عرض مکرر از تغیر لطف الله خان و آینده بداروغگی دیوان خاص سربلند

شده و در سنه ۱۳ فوت کرد سیادت خان شاه میر ولد سیادت خان تورانی منصبی
داشت در سنه ۱۳ عالمگیری بعد فوت پدر بابت خطاب و در سنه ۲۳ بمنصب هزار و پانصدی
و داروغگی عرض مکرر از تغیر عبد الرحمان و در سنه ۲۴ باضافه منصب سرافراز شده و در سنه احد
بهادر شاه چون چشمهای او بسبب زخم گولی از کار رفته بود لسبالیانه فارغ کردیده و در ایام
انزوا فوت کرد ملا سعد الله علامی فهامی لاهوری در سنه ۱۴ شاه جهانی بمعرفت
موسویخان صدر الصدور روز ملازمت بمنصب بعد از آن بخدمت عرض مکرر سرافراز شده
در سنه ۱۵ بمنصب هزاری صدر الصدور مذکور بخطاب خانی و داروغگی دیوان خاص و در سنه ۱۶
باضافه پانصدی و در سنه ۱۷ بمنصب دو هزاری و بمیر سامانی و در سنه ۱۸ البته اضافه بمنصب
سه هزار و پانصدی و در سنه ۱۹ باضافه پانصدی و دیوانی خالصه و تسوید مناشیر مطاعه
از تغیر اسلام خان و بعطای قلمدان مرصع مباهات اندوخته روز دیگر بخدمت وزارت کل
و به اضافه هزاری و بعد چندی به منصب شش هزاری دو هزار سوار و در سنه ۲۰ بجلدوی تردد در
مهم بلخ و بدخشان باضافه دو هزار سوار و همدران سال بمنصب هفت هزاری ذات و سوار و در سنه ۲۲
باضافه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و دو کرور دام انعام و بخطاب علامی فهامی والا منزلت
کردیده و در سنه ۲۵ محلی چهار هزار سوار و هزار پیاده تفنگچی و به انداز زاده یکرور در مهم قندهار
در تعیناتی پادشاهزاده عالمگیر ترددات نموده در سنه ۳۰ فوت کرد و رغم خان مذکور از چشمهای

مبارک

مبارک بی اختیار اشکها برآمدند سپهدار خان از رفیقان سعید خان جهان از سادات
بارهه در عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه ۲ متعین مهم قندهار شده
بود و در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود امتیاز یافته در سنه ۵ در بنگاله ترددات
نمایان کرده در سنه ۲۲ از قید کفار آشام که گرفتار رفته بود به توجه پادشاه زاده محمد
اعظم شاه در هنگامی که ناظم بنگاله بودند خلاص کردیده خدمت مهمو و انجام حال او هیچ
معلوم نشد سید خان بارهه در عهد شاه جهانی به منصب و به این خطاب سربلند و در جنگ
مالوا همراه مهاراجه جسونت سنگه بمقابله پادشاه زاده عالمگیر تردد نموده در سنه احد
عالمگیری در رکاب ایشان در جنگ اجمیر بمقابله سلطان دارا شکوه تلاشها نموده بود
دیگر احوال او معلوم نشد سعید خان میر محمد مراد منصبی داشت در سنه احد عالمگیری
بخطاب سر برافراخته در سنه ۲ بقلعه داری دولت آباد و آینده بقلعه داری کابل مقرر
شده و در سنه ۲۴ در آن جا فوت کرد سعید خان سید نور محمد بارهه منصبی داشت
در سنه ۲۶ عالمگیری بابت خطاب سربلند کردیده در سنه ۳۰ ترددات نموده بود بعد
رحلت آنحضرت از پیش اعظم شاه منصب دو هزاری نام برآورده دیگر احوال او
معلوم نشد سیف الله خان نبیره سعد خان بهادر ظفر جنگ در اوایل عهد عالمگیری
بمنصب و خطاب خانی سربلند شده متعین دکن کردیده بود در سنه ۳۰ بکار آمد

سیف الله خان احمد بیک نعمت اللهی اصفهانی منصبی داشت در سنه ۲۶ بخطاب سیف الله
خان و بخدمت میر بحری سربلند شده در سنه ۲۸ بمیر توزکی نام بر آورده در سنه ۲۹ فوت کرد
سیف الله خان اسد الدوله سیف الله خان احمد بیک منصبی داشت در سنه ۴۹ عالمگیری بخطاب
پدر و در سنه ۴۹ باضافه پانصدی سربرافراخته تا عهد بهادر شاه خدمت نمود و معز الدین بادشاه
او را قید نموده بودند در عهد محمد شاه فوت کرد سلطان قلی خان منصبی داشت در سنه ۱۹ عالمگیری بخطاب
خانی و بفوجداری متهرا از تغیر مبارز خان چهره امتیاز برافروخته برسوخ تمام خدمت نمود
دیگر احوال او هیچ معلوم نشد سعادتمند خان سیف الدین خان صفوی در آخر عهد عالمگیری به منصب
و بخطاب خانی و در سنه ۴۳ بقلعه داری شولاپور سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد سکندر خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب سه هزاری و به این خطاب سرافراز شده بود
ظاهرا در جنگی شهید شد یادگارست سنجر خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب سه هزاری و به این
خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت حضرت در رفاقت بادشاهزاده محمد کام بخش بود
دیگر احوال او هیچ معلوم نشد سپاهی بی ساخته بود سعد الدین خان در آخر عهد عالمگیری
بمنصب و به این خطاب و در سنه احد بهادر شاه بوکالت عظیم الشان سربلند شده
بود دیگر احوال و معلوم نشد حرف ش شجاعت خان عبد الله
اوزبک از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی بنام

خود

خود سربرافراخته در همان سال بجلدوی تردد نمایان در جنگ با هیمون بمنصب پنجهزاری
و خطاب خانی یعنی بخطاب شجاعت خان و بعنایت جاگیر سرکار کالپی سرافراز شده اکثر
خدمات شایسته بادشاه شده در سنه ۱ بغی نموده در سنه ۱۱ در سرکردانی جان داد شجاعت
خان محمد مقیم در سنه ۵ اکبری از کابل آمده بود و بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی بنام
خود سرافرازی داشت در سنه ۱۷ در جنگ گجرات و بجایزه تردد نمایانی به خطاب شجاعت
خان سربلند شده اکثر مصدر ترددات مانده در سنه ۱۸ با مرزا محمد حسین مقابل شده
بود بذات خود به پیش قدمی تیراندازی کرده در سنه ۲۳ بنظم مالوا مقرر گردیده در سنه ۲۵
در مقدمه علوفه بر دست سپاه خود در سارنگپور کشته شد شجاعت خان دیگر در سنه ۴۶
اکبری بمنصب و به این خطاب سربلند و در دکن مصدر ترددات نمایان بود ظاهرا در عهد
جهانگیری بمنصب پنجهزاری رسیده بود انجام حالش معلوم نشد شجاعت خان رستم
زمان شیخ کبیر از سلسله شیخ سلیم چشتی در عهد اکبری بمنصب پانصدی سرافراز بود در
سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری و به این خطاب و در سنه ۲ باضافه پانصدی نام بر
آورده بود در سنه ۳ تعین دکن گردیده در سنه ۶ به منصب دو هزاری سربرافراخته بتعین
اسلام خان ناظم بنگاله شده در سنه ۷ در جنگ با عثمان افغان تلاشهای مردانه بذات خود
نموده ظفر یافته در جلدوی آن بمنصب سه هزاری و بخطاب رستم زمان مباهات اندوخته

وبنواری اسلام آباد از تغیر عبدالله خان بهادر فیروز جنگ مقرر گردیده در آن جا رحلت کرد
شجاعت خان شادی بیک ولد جانش بهادر منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی بخطاب شاد
خان و در سنه ۵ بخطاب شجاعت خان نام برآورده در سنه احد عالمگیری بخطاب مغل خان
مامور گردیده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب مغل خان بقلم خواهد آمد شجاعت خان محمد ابراهیم
ولد نجابت خان بن مرزا شاهرخ چغتائی در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه احد
عالمگیری بمنصب چهار هزاری و بخطاب شجاعت خان و بعد چندی بخطاب خان عالم سرافراز شده
هم در آن سال همراه پدر بی منصب گشته در سنه ۳ بخطاب غیرت خان سر برافراخته بعد فوت
شجاعت خان سید مظفر و منزوی شدن شجاعت خان سید بهار و بکار آمدن شجاعت خان
رعد انداز بیک در سنه ۱۸ باز بخطاب شجاعت خان سربلند شده در سنه ۲۴ بتقصیری معتقد گشته
در سنه ۳۴ بعد عفو تقصیر بخطاب میرزا خان نام برآورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب
مرزا خان بقلم خواهد آمد سید شجاعت خان سید مظفر ولد شجاعت خان سید جعفر بارهه
در سنه ۱۹ شاه جهانی منصب هزاری داشت در سنه ۲۳ بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب
همت خان و در سنه ۲۳ بخطاب مظفر خان سر برافراخته در اواسط سنه احد عالمگیری
بعد سلب خطاب شجاعت خان محمد ابراهیم بخطاب شجاعت خان مامور شده در همان سال
رخت عمر بته کرد سید شجاعت خان سید بهار ولد سیف خان علی اصغر بارهه در

در همان سال رخت حیات بربست شجاعت خان سلام الله برادرزادهٔ مبارک
حارس ولایت جوره و در قول در سنه ۴ جهانگیری بمنصب چهارصدی نو سرافراز شده در
و در سنه ۱۰ باضافه منصب سر برافراخته در سنه ۱۱ بخطاب شجاعت خان و عطای گوشواره یکدانهٔ
مروارید و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار و در سنه ۱۶ بمنصب سه هزاری سر
بلند گشته بود انجام حال او معلوم نشد حقیقت عطای گوشواره آنست که بادشاه از سال
نهم حلقه یکدانه مروارید در هر دو گوش خود بنا بر عهد و پیمانی که در ایام بیماری برای اظهار حلقه
بگوشی باجناب خواجه بزرگ اجمیری در میان آمده بود کشیده بودند و به بندهای خاص و عام
عطا میفرمودند خانه زادان را در سال یازدهم عنایت نمودند سید شجاعت خان سید جعفر
ولد سید جهانگیر بن سید محمود خان بارهه در سنه ۵ جهانگیری منصبی داشت و خدمت بهنود
و همراه سلطان بولاقی در جنگ با سلطان شهریار باغی مصدر ترددی شده بود در سنه احد
شاه جهانی بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و با بخطاب و بفوجداری سرکار ترهت سرافراز
گردیده بعد از آن در وطن خانه نشین گشته در سنه ۵ بدرگاه خاقانی رسیده به منصب
چهار هزاری سر برافراخته در سنه ۸ در دکن ترددات نموده در سنه ۱۰ بنظم اله آباد از
انتقال باقر خان بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار و در سنه ۱۳ بمنصب چهار هزاری
چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه والا منزلت شده در سنه ۱۶ بحکومت ایرج و جهانپور

دیوانی

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 3

عهد جهانگیری منصبی داشت و در سنه و عهد شاه جهانی معلوم نشد که در چه حال بود
در سنه ۲ عالمگیری بخطاب شجاعت خان سرافراز شده در سنه ۵ بسالیانه ده هزار روپیه
قانع گشت   شجاعت خان رعد انداز بیگ در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و
خطاب خانی بر نام خود در همین سال بقلعه داری اکبرآباد از تغیر ذوالفقار خان مباهات
اندوخته در سنه ۲ متعین مهم سری نگر که سلیمان شکوه در آن جا پناه برده بود گردیده
در سنه ۳ سلیمان شکوه را از زمیندار آن جا آورده در سنه ۴ بفوجداری میان
دوآب از تغیر عاقل خان مقرر شده در همین سال بر ساتیدن افواج بکابل رفته در سنه ۶
بحضور آمده بفوجداری نواحی اکبرآباد از تغیر همت خان مقرر گردیده در سنه ۸ مکرر بقلعه داری اکبر
آباد از انتقال اعتبار خان خواجه سرا مامور گردیده و بمنصب دو هزاری امتیاز یافته در سنه ۹
بخدمت میر توزکی و آخته بیگی از تغیر ملتفت خان و در سنه ۱۰ بداروغگی توپخانه از تغیر فدائی خان
مباهات اندوخته در سنه ۱۵ بجلدوی فتح بر فرقه ضاله ستنامیان بخطاب شجاعت خان چهره
در سنه ۱۷ جنگ با افاغنه کابل بعد حرب صعب بکار آمد   شجاعت خان حیدرآبادی در سنه ۲۰
عالمگیری بمنصب پنجهزاری و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۲۹ فوت کرد   شجاعت خان
محمد بیگ ترکمان از هرات آمده در آخر عهد شاه جهانی بمنصب سر برافراخته بتعین گجرات شده
بود در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۰ ظاهر الخطاب خانی و بفوجداری

ماندا

ماندا نام برآورده در سنه ۲۳ بخطاب شجاعت خان و آینده بنظم گجرات سربلند شده در سنه ۴۰
هنگام نظم آن جا بمنصب چهار هزاری لوای مباهات برافراخته در سنه ۴۲ تقصیر درگذاشت راتهور
معاف کنانیده در سنه ۴۳ بخوبی ها از این جهان رفت امیری بود بشرافت نفس آراسته سکنه گجرات
معتقد ولایت و کرامات او بودند حضرت بر آئین سرداری و لفتش علمداریش اعتماد کلی
داشتند و از غرائب آنکه غائبانه باین مرتبه رسیده بود شمس الدین خان آنکه از بندهای همایونی
در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و به این خطاب و در سنه ۵ بخطاب اعظم خان سربلند شده
بود تتمه احوال او در ذیل خطاب اعظم خان نوشته شد   شمس الدین خان ولد نظر بهادر
خویشکی در سنه ۱۰ شاه جهانی بمنصب ششصدی و در سنه ۱۳ بمنصب هزاری و بفوجداری مندسور
مباهی شده در سنه ۱۴ معزول گردیده به اتفاق دیگران بتعین مهم حکت سکه گشته در سنه ۲۰
در مهم بلخ کارزاری صعب نموده در همین سال بفوجداری کوه کانگره مقرر گشته در سنه ۲۵
همراه بادشاهزاده عالم گیر متعین قندهار شده در این سال بعد فوت پدر بمنصب هزار
و پانصدی ذات و سوار نام برآورده در سنه ۲۶ همراه شاهزاده دارا شکوه باز متعین
مهم قندهار گردیده در همین سال بفوجداری جوناگده از تغیر محمد صالح مقرر گشته در سنه ۳۰
بتعین بادشاهزاده عالم گیر ناظم دکن شده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری
و خطاب خانی بر نام خود سر برافراخته در سنه ۳ در کارزاری تردد مردانه نموده بود انجام

حال او معلوم نشد شمس الدین خان حکیم شمسا بیجاپوری در سنه ۳۲ عالمگیری بمنصب
سه هزاری و به این خطاب و بمیر بخشی گری بنده های دکهنی سرافراز شده بود و آن حضرت
صلاح او را در مهام دکن منظور میداشتند دیگر احوال او معلوم نشد شهاب الدین احمد خان از سادات
نیشاپور از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته
بنظم دهلی مقرر شده بود در سنه ۵ هنگام بغی بیرام خان مصدر دولت خواهی گشته در سنه ۹ در
تنبیه افاغنه جونپور رواوده ترددات نمایان نموده در سنه ۲ بنظم مالوا از تغیر محمد قلیچان برلاس
و هم در آن سال بفوجداری جونپور و در سنه ۱۲ بار دوم بنظم مالوا و بمنصب پنجهزاری و در سنه ۲۲
بنظم گجرات از تغیر وزیر خان تاجیک که به اتالیقی مرزا خان عبد الرحیم بهار پور کاشانی ولد
بیرام خان مقرر بود والا رتبه گشته در سنه ۲۳ معزول گردیده در سنه ۲۴ بار دوم بنظم گجرات
افتخار اندوخته در سنه ۲۸ بعد عزل چون تهانه های خود را از محالات برداشت و تهانه های اعتماد
خان گجراتی ناظم منصوب داخل بر مکان باشنده خودش داخل بلده شده درین وقت
مظفر گجراتی بعزم تصرف گجرات آمد اعتماد خان بخطای تدبیر از بلده برآمده با نزد کرده تپی
رفته شهاب الدین احمد خان را بکومک خود آورد مظفر گجراتی قابو یافته پیش از کارزار
قلعه گجرات را گرفت بعد آن خانان موی الیهما رسیده اعتماد خان به اندک عزوجودی
از جا رفت و قلیچیان شهاب الدین احمد خان بمظفر گجراتی پیوستند لاکن خان مذکور

تا دو صد کس

تا دو صد کس رزم رستمانه نموده تلاش ها کرده زخم برداشته آخر بسماجت رفقا از میدان
برآمده در همان ایام در تنبیه شیر خان فولادی ترددات پسندیده نموده تا سنه ۲۹ در
بهروچ ترددی میکرد و در سنه ۳۰ بار سیوم بنظم مالوا نام برآورده در سنه ۳۱ معزول گردیده
در سنه ۳۴ بار چهارم بنظم مالوا مقرر گشته در سنه ۳۵ در آن جا فوت کرد خان مذکور در
معرکه آرائی مهارت تمام داشت و خیر و موفق و مروت مند ابود شریف خان برادر خورد شمس الدین
خان اتکه از بندهای همایونی در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و به این خطاب سرافراز شده
متعین لاهور بود و در سنه ۳ و در سنه ۱۲ در تعیناتی آن صوبه ترددها نموده در سنه ۱۷ بحکومت
قنوج مقرر شده بعد آن تا سنه ۲۱ تعین مالوا بود در سنه ۲۵ بمنصب دو هزاری و به اتالیقی
سلطان مراد نام برآورده در سنه ۲۸ متعین گجرات گشته در سنه ۲۹ بحکومت غزنین وطن
خود مقرر گردیده تا سنه ۴۰ بمنصب سه هزاری رسیده در آن جا بود شریف خان ولد خواجه
عبد الصمد شیرین قلم منصبی داشت در سنه احد جهانگیری بمنصب پنجهزاری و باین خطاب و در
همان ایام بخطاب امیر الامرا سر بلند شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب امیر الامرا تقلیم خواهد
آمد سعید شریف خان قدیمی در سنه احد شاه جهانی بمنصبی و به این خطاب سرافراز بود
در سنه ۲ متعین راجه گج سکه راٹهور شده و در سنه ۶ بمنصب هزار و پانصدی رسیده
بود شریف خان بمنصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و آینده

بخدمت بکاولی سربلند شده و بکر احوال او معلوم نشد شریف خان خواجه شاه نعمت
اللهی در عهد عالمگیری بمنصب و درسنهٔ ۱۸ به خطاب شریف خان و درسنه ۲۹ به خطاب و مداروغگی
داغ و درسنهٔ ۲ بصدارت کل از تغیر عابد خان سربلند شده درسنهٔ ۲ رحلت کرد سید شریف خان
ولد سید محمد قنوجی درسنه احد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز شده درسنه ۳
بکرور گنج از تغیر سزاوار خان و بداروغگی جزیه و بمنصب هزاری بالصدی سربرافراخته در عهد محمد
شاه همراه آصف خان در دکن فوت کرد **شاه بداغ خان** از ایماق مابین کابل و سمرقند
از ولایت در رکاب همایونی آمده درسنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و به این خطاب سرافراز
شده خدمت نمود درسنهٔ ۸ در تنبیه شاه ابوالمعالی مغرور و درسنهٔ ۱ در کارزار با خان زمان
باغی و درسنه ۱۳ بهنگام حکومت سارنگپور در تنبیه مرزایان باغی علی الخصوص درسنهٔ ۱ در ایلغار
مهم گجرات مثل برق و باد رفته تلاش ها نموده بود آینده بجاگیر سرکار مندو و مضاف صوبه مالوه
خورسند گشته درسنه ۲۵ در آنجا فوت کرد **شاهم خان** جلایر از نوکران مرزا کامران
بعد مراجعت همایون بادشاه از عراق در سلک بندگان همایونی در آمده همراه ایشان
بهندوستان آمده درسنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و به این خطاب سربرافراخته
درسنه ۹ در جنگ به اعدای دولت درسنهٔ ۱ در تنبیه خان زمان باغی ترددات نموده در
سنهٔ الجراست قلعهٔ چانپانیر مقرر گردیده درسنه ۱۶ بعد فتح قلعه تنبیه تعین منعم خان

ناظم

ناظم بنگاله شده درسنه ۲ بعد از رحلت ناظم مذکور در تالیف سپاه آئین ریاست
بکار برده درسنه ۱۲ بهنگام هراولی خان جهان ناظم آنجا در جنگ با داؤد کرانی
حاکم زاده بنگاله و اوڈیسه ترددها کرده درسنه ۲۵ و درسنه ۲۶ و سنهٔ ۳ در تعیناتی
آن صوبه تلاش های مردانه نموده درسنه ۳۲ بکومک صادق خان حاکم تیراه مقرر شده
اکثر مصدر ترددات نمایان گردیده درسنه ۴۸ فوت کرد **شاه محمد خان** برادر شمس الدین
خان اتکه از بندهای همایونی آمده درسنه احد اکبری از روی طبقات اکبری به منصب
دو هزاری و به این خطاب سرافراز شده تا سنهٔ ۱ خدمت نموده انجام کار او معلوم نشد
شاه محمد خان قلاتی درسنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سربلند شده بابت
نظم قندهار درسنه ۳ موافق حکم بادشاهی قلعه را بکسان شاه طهماسپ والی
ایران سپرده بحضور آمده درسنه ۱ بتعاقب خان زمان باغی ترددی نموده درسنه ۲۵
راه بعی پیموده بود انجام کار او معلوم نشد **شاه قلیخان** نارنجی از ولایت در رکاب همایونی
آمده درسنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده متعین لاهور
گردیده درسنه ۵ ترددی نموده درسنه ۱ الحکومت ملک کده مقرر گشته انجام کار او معلوم
نشد شاه قلیخان محرم بهارپور درسنه احد اکبری نوکر بیرام خان بود و از طرف او
در جنگ با هیمون تردد نمایانی نموده هیمون را بگیر آورده درسنه ۳ قلعهٔ جیتارن در حدود

جو دهپور فتح کرده و در سنه ۵ بمنصب و بخطاب خانی سر بر افراخته و در سنه نهم در تنبیه عبد الله خان
اوزبک باغی و در سنه ۱۰ در تسخیر قلعه سورت تردد ها نموده و در سنه ۱۹ بفوجداری ایندر و در سنه ۲۰
بنظم لاهور مقرر شده و در سنه ۲۲ در تنبیه بلوچان آن صوبه و در سنه ۲۸ و در سنه ۲۹ در بنگاله ترددات
پسندیده بجا آورده و در سنه ۳۱ در تنبیه افاغنه مهمندیه و غوریه کارها کرده و در سنه ۳۴ بنا بر تنبیه بیغندان
میوات مامور گردیده و در سنه ۳۶ بنظم اکبرآباد و در سنه ۴۱ باضافهٔ پانصدی بمنصب چهار هزاری نوای
مفاخرت بر افراخته و در سنه ۴۴ بتعیین شاهزاده سلیم شده و در سنه ۴۶ بعد رسیدن حضور فوت
کرد خان مذکور سپاه را آن قدر رعایت میکرد که نوکران بادشاهی آرزوی نوکری او داشتند
و ازین جهت بهر طرف که رومی آورد کارهای شایسته می کشود شاه قلیخان مهمندی در عهد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی سر بر افراخته و در سنه ۱۸ بتعیین کابل بود دیگر احوال او معلوم نشد
شاه قلیخان محمد تقی بخشی سلطان خورم منصبی داشت و در سنه ۸ جهانگیری بجلدوی ترددات
تنبیه رانا زمین دار اودیپور باین خطاب سر بلند شده و در سنه ۱۰ قلعه دار ماندو بود در رفاقت
سلطان مذکور در ایام سابق بغی الشان که مکرر با اولیای دولت رزم های شدید واقع شده بود
کشته شد شاه قلیخان حاجی و قاص اوزبک در سنه ۸ شاه جهانی از ولایت آمده بمنصب
هزاری سرافراز شده بعد چندی باضافهٔ هزاری و باین خطاب و بفوجداری کانگره از تغیر میرزا خان
منوچهر سر بر افراخته و در سنه ۱۱ بجایزهٔ تنبیه جهوب پسر سنگرام زمین دار جمون بنوازش نقاره در
سنه ۱۳

سنه ۱۳ اخدمت بجا آورد و در سنه چهاردهم بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و بنظم کشمیر
سرافراز شده پیش از رسیدن آن جا فوت کرد شاه قلیخان سلطان بیک
در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه ۲ باین خطاب و باضافهٔ پانصدی و
بقلعه داری رهتاس سربلند شده بود در سنه ۹ در شغل فوجداری او ده فوت شد
شاه قلی خان محمد امین منصبی داشت در سنه ۲۳ عالمگیری بخطاب نام بر آورده بود
دیگر احوال او معلوم نشد شاه بوداغ خان از ولایت در رکاب همایونی آمده در عهد اکبری بمنصب
و باین خطاب سربلند شده خدمت مینمود در سنه ۲۲ با عیسی زمین دار بهاتی در
اوڑیسه کارزار غالبانه نموده در سنه ۲۴ در سنار کانو خدمت میکرد در سنه ۲۶ در آن
صوبه فوت کرد شاه حسین خان مکرری در سنه احد اکبری به منصب و باین خطاب سربلند
و در سنه ۹ به منصب و در سنه ۱۶ باین خطاب و بمیر بخشی گری سرافراز شده در سنه ۱۱
قلعه چاپانیر از قلاع گجرات از تصرف راولیا غلام شیر خان فولادی و در سنه ۱۲ قلعه مذکور
دوباره و سوانه از تصرف بنا بر راجه مالدیو بر آورده در همان سال در قلعهٔ رهتاس و در تنبیه
راجه گجپتی و فتح قلعهٔ او که از زمین داران نامی صوبه بهار بود ترددات نمایان نموده هم
در آن سال قلعهٔ رهتاس که متصرف کسانجند افغان حاکم زاده بنگاله بود مفتوح گردانیده
در سنه ۲۳ قلعهٔ کوملیر و کوکنده و اودیپور وطن رانا بعد رزم شدید که راجپوتان بسیار

کشته شدند فتح کرده در سنه ۲۴ بنظم اجمیر نام بر آورده در سنه ۲۵ برای تنبیه باغیان بنگاله
تعین گردیده در جنگ با معصوم خان فرنخودی باغی هزیمت فاحش خورده بعد شنیدن خبر
فیروزی که بدست یاری فوج جوز الغار نصیب اولیای دولت شده بود از بیت کرده مراجعت
نموده آمده بار دیگر در جنگ با او ظفر یافته و در سنه ۲۶ بعد طلب حضور تقصیر بی ادبی در محبت
حاجی بیگم مقید گشته در سنه ۲ خلاص شده در سنه ۲ بنظم بنگاله از تغیر اعظم خان کوکه
مباهات اندوخته در تنبیه باغیان آن جا تردد ات پسندیده کرده در سنه ۲۹ بار زمین داران
بهائی که باغیان پیش آنها پناه برده بودند تا هفت ماه کارزار نموده آخر ناساخته
کار برگشته باز خود را جمع ساخته تنبیه باغیان کرده در سنه ۳۱ بی حکم از آن جا روانه
شده در سنه ۳۲ بحضور رسیده در سنه ۳۲ بحکومت سوات و باجور از تغیر صادق خان
مقرر گشته در جنگ با افاغنه آن جا به سخت آویزش فتح عظیم یافته در سنه ۳۳ بتقصیر زیاده
گوئی روبرو مقید شده در سنه ۳۴ از قید رهائی یافته به اتالیقی میرزا شاهرخ بنظم
مالوه چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه ۴۱ معزول گردیده در سنه ۴۳ بنظم اجمیر نام بر آورده
در سنه ۴۴ در آن جا رحلت ساخت شه باز خان بیازی در عهد اکبری بمنصب
و به این خطاب سرافراز در سنه ۳۱ هنگام تسخیر کشمیر با ردو بم که یادگار بیک سکه و
خطبهٔ خود رواج داده بود کارزاری شد بد نموده سر او را از تن جدا ساخته تا سنه ۴۲

دردکن

در دکن مصدر تردد ات بود دیگر احوال او معلوم نشد شه باز خان و بوتانی از
طایفهٔ افاغنه بودی در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری و به این خطاب سرافراز
شده در سنه ۱ استعین دکن و در سنه ۲ استعین مهم کانکره گردیده در سنه ۵ العد حضور
صعب در آن جا بکار آمد شهباز خان شیروانی روهیله منصبی داشت در سنه احد شاه
جهانی بمنصب سه هزاری و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۱۴ در مصاف بیجا پوریان
که در آن معرکه بهادر خان روهیله و رشید خان انصاری زخم های منکر برداشته نابسری رفته
بودند بعد آویزش سخت بکار آمده شاه غازی خان ولد میر علاء الدوله قزوینی در عهد اکبری بمنصب
هزاری و به این خطاب بسر بلند شده در سنه ۱۹ در تنبیه گجپتی مفسد صوبه بهار تردد ها
نموده بود انجام حال او معلوم نشد شمال خان قورچی در عهد اکبری بمنصب هزاری و به این خطاب
سر بر افراخته در سنه ۱۹ در تنبیه حیدر سین ولد رای مالدیو و در سنه ۱۲ در تنبیه زمین دار
ایدر تردد ات شایسته نموده انجام حال او معلوم نشد شیرخان مغل در عهد اکبری به
منصب چهار صدی و به این خطاب سر بر افراخته در سنه ۱۲ در تنبیه زمین دار ایدر تردد
نموده در سنه ۳۴ رحلت نمود شیرخان تورانی از امیران حاکم برادر در سنه ۲۹
اکبری بمنصب و به این خطاب سر بر افراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد شیرخان
شیخ رکن الدین افغان در سنه احد جهانگیری بمنصب سه هزار و پانصدی و به این خطاب.

سرافراز شده در سنه ۲ در حکومت پیشاور فوت کرد شیر خان ناهر نام ولد خان

جهان لولو از اولاد حاکم رالیسین و چندیری وقتی که شیر شاه سور محاصره رالیسین نموده بود

مل حاکم آن جا را قول جان بخشی داده بجان کشت و اولادش بهر طرف گریخت پدر ناهر خان

نزد محمد خان حاکم خاندیس رفته مسلمان شده بود بعد فتح خاندیس ناهر ملازم سرکار اکبری گردیده

و در عهد جهانگیری ممتاز گردیده بمنصب و خطاب خانی بر نام خود سرافراز شده متعین دکن

گجرات شده در سنه هجدهم بجایزه منهزم گردانیدن فوج سلطان خورم باغی در گجرات بمنصب

سه هزاری و به این خطاب مباهات اندوخته در سنه احد شاه جهانی بمنصب چهار هزاری و نظم

گجرات از تغیر سیف خان محمد صفی لوائی مفاخرت برافراخته در سنه ۱۴ در آن جا بعدم رفت

شیر خان برین زمیندار قوشیج از آبا و اجداد نمک خوار این بارگاه بود چون در آخر عهد

جهانگیری قندهار بتصرف شاه عباس والی ایران رفت در بندگان آن جا داخل شده بعد

رنجش از شاه صفی نبیرهٔ شاه عباس در سنه ۸ شاه جهانی بدرگاه آمده بمنصب دو هزاری

و به این خطاب سر برافراخته در سنه هشتم در دکن ترددی نموده در سنه ۱۰ فوت نمود شیر خان

سید شهاب ولد سید عزت خان بارهه در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هشت صدی

و در سنه ۱۳ سر برافراخته در سنه ۱۹ تعین مهم بلخ و بدخشان گشته بمنصب هزاری و فوجداری

ترهت و در سنه ۲ هنگام تعیناتی او دلیه قلعه داری ایندرباری و در سنه ۲۲ به جایزه

تردد

تردد در مهم بلخ و در مهم قندهار بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ باضافهٔ پانصدی در

سنه ابد بخطاب شیر خان سرافراز شده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری نام برآورده

اکثر در دکن ترددات نموده در سنه ۱۹ فوت کرد شیر خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب

و بخطاب شیر خان سرافراز و در سنه ۴۶ متعینهٔ غازی الدین خان بهادر بود دیگر احوال او هیچ معلوم

نشد شاه بیگ خان پسر کوچک غازی خان بدخشی در عهد اکبری بمنصب هزاری و به این خطاب

سر برافراخته در سنه ۲۶ در جنگ با مرزا محمد حکیم در صوبه کابل بکار آمد شاه بیگ خان ولد

ابراهیم بیگ در آخر عهد اکبری بمنصب پنجهزاری و به این خطاب و در عهد جهانگیری بخطاب خان

دوران سربلند شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خان دوران نوشته شد شاه بیگ خان

اوزبک منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده در

سنه ۳ باضافه هزاری نام برآورده در سنه ۸ و در سنه ۹ بدکن در کارزارها خیلی تلاشها

نموده در سنه ۱ بقلعه داری جیر و در سنه ۴ وقتیکه دیوار قلعهٔ قندهار دکن را برانداختند پیاده

بقلعه دویده بود رو و دست راست او بحقه آتشبن سوخته بود و در سنه ۱۶ بنظم صوبهٔ برار

و در سنه ۲ در کابل و بلخ و بدخشان ترددها کرده در سنه ۱ متعین دکن گشته بمنصب

چهار هزاری سه هزار سوار رسیده در سنه ۲۹ به قلعه داری احمدنگر مباهات اندوخته در سنه

احد عالمگیری بتقصیری معاتب گردیده در سنه ۲ بحالی منصب چهار هزاری و تقرر نظم صوبهٔ

برار از انتقال اخلاص خان امتیاز یافته دیگر احوال او معلوم نشد **شاکر خان** آبدار در عهد
اکبری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۴۳ هنگام مراجعت از اجمیر در رکاب خدمت
نمود دیگر احوال او معلوم نشد شاکر خان از همراهان سلطان محمد معظم در عهد عالمگیری
بمنصب و به این خطاب سر بلند و در سنه ۴۰ هنگام قید پادشاه زادهٔ مذکور او هم مقید شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد سید شاکر خان میر لطف الله ولد شکر الله خان خویش
عاقل خان خافی در آخر عهد عالمگیری بمنصب شش هزاری و به این خطاب و بفوجداری بار
نول سر بلند شده بود در عهد محمد شاه بدست تکه تاز خان کشته شد **شمشیر خان** خواجه سرا
در عهد اکبری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۴۲ متعین صوبه بهار شده بود
دیگر احوال او معلوم نشد شمشیر خان اوزبک در عهد جهانگیری بمنصب و به این خطاب سر
بلند شده در سنه ۱۱ بنظم صوبه تهته امتیاز داشت دیگر احوال او معلوم نشد شمشیر خان
عرب در آخر عهد جهانگیری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته بتعین صوبه کابل شده بود در
سنه احد شاه جهانی در جنگ با نذر محمد خان والی بلخ که بعزم تصرف کابل آمده بود مصدر
تردد شایسته شده در سنه ۳ در کارزارهای با افاغنهٔ آن صوبه تلاشهای نمایان نموده
در سنه ۴ بمنصب سه هزاری ذات و سوار نام بر آورده و تهانه داری هر دو بنگش از تغیر
سعید خان بهادر مقرر گردیده در سنه ۵ در آن جا گذشت شمشیر خان ترین محمد حیات

نام

نام ولد علی خان در سنه احد شاه جهانی از خنجر در رکاب آمده بمنصب هفت صدی سر بر
افراخته در سنه ۲ متعین امیر الامرا شایسته خان شده و در سنه ۱۱ در کارزار با قزلباش
در ناحیهٔ قندهار تردد نموده و با لچو قلیچ داماد قلیچ خان در سنه احد شاه جهانی از کومکیان صوبه
کابل بود بمنصب دو هزاری و به این خطاب سر افراز شده خدمت نمود و دو کس یک خطاب
محل تعجب است در سنه ۵ بمنصب هزاری نام بر آورده در سنه ۶ بجایزهٔ تلاشهای مردانه در جنگ
مهم بلخ بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب شمشیر خان و در سنه ۱۹ بتعین مهم بدخشان و بلخ شده
در سنه ۲۰ بجایزهٔ تردد آن جا باضافهٔ پانصدی و در آخر سنه ۲ باضافه پانصدی به منصب
دو هزاری و به این خطاب والا رتبه شده در سنه ۲۲ بتعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۳ به
اضافهٔ پانصدی هفت صد سوار بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار و دو صد سوار و خدمت
تهانه داری غزنین از تغیر سعادت خان و در سنه ۲۶ هنگام ورود رایات پادشاهی در کابل
بعنایت نقاره سر برافراخته تا آخر عهد در آن جا خدمت نمود و در آغاز سنه احد عالمگیری به
اضافهٔ پانصدی بمنصب سه هزاری و بحالی تهانه داری غزنین سر برافراخته در آخر سنه
مذکور تغیر شده در سنه ۲ بقلعه داری ارک کابل از انتقال سعادت خان مقرر گشته در
آخر سنه مذکور معزول گردیده در سنه سیوم بحراست شهر کابل از تغیر سعید خان و در سنه ۴
بار دویم بتهانه داری غزنین از انتقال راجه راجروپ و در سنه ۸ بار دوم بهمان قلعت حصار

شهر کابل مامور گشته در سنه ۱ در جنگ با افاغنه کابل شمشیرهای نمایان زده بود انجام کار او معلوم
نشد شمشیر خان دیگر در سنه ۲۶ بنوازش نقاره و به اضافه هزاری و به تهانه داری غزنین سر
برافراخته در سنه احد عالمگیری بجالی تهانه داری غزنین خورسند گردیده در سنه ۲ بقلعه داری
کابل از انتقال سعادت خان تیره زین خان کوکه در سنه ۴ باردویم به تهانه داری مذکور از انتقال
راجه راج روپ ولد راجه جگت سنگه مقرر شده در سنه ۱ در جنگ با افاغنه کابل که سر بشورش
برداشته بودند شمشیرهای نمایان زده خیلی مصدر تردد گشته به منصب سه هزاری رسیده در عهد ۹ بهم
رحلت کرد شمشیر خان محمد یوسف منصبی داشت در آغاز سنه احد عالمگیری بخطاب شمشیر خان
و بعد چندی بخطاب نصیری خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب نصیری خان
بقلم خواهد آمد شمشیر خان میر محمد یعقوب ولد شیخ میر خافی در سنه احد عالمگیری بعده سکار اندن
به منصب و در سنه ۱۰ بخطاب شمشیر خان سرافراز شده در سنه ۱۸ در مصاف افاغنه بکمال
در مقام سفید خاک سخت آویزش کرده جان نثار کرد و بد شمشیر خان افغان پر محمد کوهاتی
منصبی داشت در سنه ۲۴ عالمگیری بخطاب شمشیر خان مامور شده بود انجام کارش که نقل
غریب بست در تاریخ یافته نشد شمشیر خان امان الله از همراهان پادشاهزاده محمد اعظم
به منصب و در سنه ۳ عالمگیری بخطاب ملتفت خان سربلند بود در سنه ۳۲ بخطاب شمشیر خان
نام برآورده در سنه ۶ بخطاب صف شکن خان سربلند گردیده بود تتمه احوال او در ذیل

خطاب

خطاب صف شکن خان بقلم خواهد آمد شمشیر خان محمد ابراهیم برادرزاده داود خان
قریشی در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب و در سنه ۴۶ بجایزه تنبیه و هیرار مفسدان
صوبه بهار باضافه پانصدی به منصب دو هزاری و به نظم صوبه مذکور از تغیر فدائی خان سرافراز
شده در سنه ۴ به نظم اوده مقرر شده بود بعد رحلت بهادر شاه با پادشاهزاده رفیع الشان
در صف جنگ کشته شد شیرویه خان ولد شیرافکن خان در عهد اکبری به منصب و در سنه ۱۹ در جنگ
با داود کرانی و در سنه ۲۱ در جنگ با مظفر گجراتی و در سنه ۲۴ در تنبیه افاغنه کابل تردد ها
نموده در سنه ۴۰ به منصب هزاری و به این خطاب نام برآورده در سنه ۴۵ در فتح قلعه آسیر
تردد کرده بود انجام حال او معلوم نشد شمس خان نوحانی در عهد اکبری به منصب و به این
خطاب سر برافراخته در سنه ۴۱ همراه خان خانان در جنگ با دکهنیان تردد ها کرده بود
دیگر احوال او معلوم نشد شمس خان داماد خان جهان لودی به منصب و بخطاب خانی سربلند
و در سنه ۲ شاهجهانی در کارزار کنار آب چنبل با اولیای دولت کشته شد شهسوار خان
قایم نام ولد بابوی منکلی در سنه احد جهانگیری به منصب و به این خطاب سربلند شده
در سنه ۱ و در سنه ۱۲ تردد نمایانی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد شهسوار خان
دیگر در سنه احد عالمگیری به منصب و به این خطاب سربلند و در سنه ۱ استعین دکن شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد شاه نواز خان ۱ شیخ بیگ منکلی در عهد جهانگیری به منصب و به این

خطاب سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد شاه نواز خان میرزا ایرج اولین پور
خانخانان عبدالرحیم در عهد اکبری به منصب چهارصدی سربلند و اکثر در دکن شمشیرها زده بجلدوی
کارهای نمایان خطاب بهادر یافته بود در سنه احد جهانگیری بارسال خلعت مهربانی امتیاز یافته
در سنه ۵ همراه پدر از دکن آمده در سنه ۶ و در سنه ۷ هنگام رخصت دکن همراه پدر بمنصب سه
هزاری و بخطاب شاه نواز خان سرافراز شده در سنه ۱۰ در جنگ با عنبر حبشی جانشین نظام الملک
که به اهتمام افواج عادل خانیه و قطب الملکیه آمده بود سنجت آویزش و حرب صعب که یادگار روزگار
نوشته اند ظفر یافته در سنه ۱۱ دخترش با سلطان خورم منسوب شده در سنه ۱۲ بمنصب پنجهزاری
پنجهزار سوار لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۱۴ شمع زندگانی خود خاموش ساخت شاه
نواز خان بدیع الزمان سرافراز شده بعد رحلت ایشان همراه میرزا رستم صفوی در سنه ۱ جهان
گیری بمنصب پانصدی و آینده به اضافه منصب و بعد از ان همراهی سلطان بولاقی در جنگ با
سلطان شهریار ترددی نموده در سنه احد شاه جهانی بمنصب سه هزاری هزار و پانصد سوار سربلند
گردیده در سنه سوم و چهارم در تعیناتی دکن ترددها کرده در سنه ۵ در حضور بوده در سنه ۶ به
فوجداری نواح اکبرآباد از تغیر اله وردی خان و به اضافه پانصد سوار نام برآورده در سنه ۸ در رکاب
خدمت نموده در همین سال همراه سید خان جهان بارهه به تسخیر قلاع عادل خانیه و نظام الملک تعین
شده مردانه و دلیرانه تردد نموده در سنه ۱۰ بجلدوی سرانجام خدمت تورش یکی مورد آفرین گشته

در سنه ۹

در سنه ۹ بجائزه تردد و تلاشهای نمایان که به اتفاق دیگر سران بنابر تنبیه عادل خان
مامور شده بود به اضافه هزاری پانصد سوار والارتبه گردید در سنه ۱۲ صبیه او با بادشاه
زاده عالمگیر منسوب شده در سنه ۲۱ به نظم صوبه اودیسه و در سنه ۱۵ بفوجداری جونپور مقرر
گشته دو دخترش با سلطان مرادبخش نامزد گردیده در سنه ۲۰ از تغیر شایسته خان بنظم
مالوه و بمنصب پنجهزاری سر برافراخته در سنه ۲۱ بخبرداری دکن تا رسیدن ناظم و در سنه ۲۲
به اتالیقی سلطان مرادبخش ناظم دکن مقرر شده در سنه ۲۳ بار دیگر بنظم مالوه مباهات اندوخته
در سنه ۲۵ همراه افواجی که بسر کردگی بادشاهزاده عالمگیر تعین مهم قندهار شده بود رفته
در سنه ۲۶ به نظم اوده لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۲۸ در تعیناتی دکن ترددات نمایان
نموده در سنه ۳۲ بعذر بادشاهزاده عالمگیر هنگام حرکت به هندوستان از دکن محبوس شده
در سنه ۳۲ به تعینه شاهزاده عالمگیر ناظم دکن گردیده بعد چندی رهائی یافته بنظم احمد
آباد مقرر شده در وقت رسیدن دارا شکوه بگجرات بعد فرار از صف جنگ اکبرآباد
در رفاقت دارا شکوه در جنگ اجمیر با بادشاه عالمگیر بمردانگی بکار آمد و بپایی مزار مبارک
خواجه بزرگ اجمیری مدفون شده شادخان شادمان نام ولد اعظم خان میرزا اعزیز در عهد
اکبری بمنصب هزاری سربلند بود در سنه ۶ جهانگیری بمنصب هزار و هفت صدی و بخطاب شادخان
سرافراز شده انجام کار او معلوم نشد شادخان شادی بیک ولد جالبس بهادر اوزبک در

عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و در سنهٔ ۲ شاه جهانی باین خطاب و در سنهٔ ۲ بخطاب
شجاعت خان و در سنهٔ احد عالمگیری بخطاب مغل خان سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل
خطاب مغل خان تقلم خواهد آمد **تکاور خان** قراول که بمنصب و بخطاب کمان خان نامور بود در سنهٔ ۱۲ جهان
گیری به این خطاب سرافراز بود و در سنهٔ ۳ باضافهٔ صدی نام برآورده بعد رحلت آنحضرت
رفیق محمد اعظم شاه شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **شرزه خان** میر حاج منصبی داشت در سنهٔ ۱۳
جهانگیری به این خطاب و آینده بمنصب دو هزار و پانصدی سربلند شده در سنهٔ ۱۹ چون همراه افواج
سلطان خورم باغی در گجرات با عساکر اقبال ستیز و آویز نموده دستگیر آمده بود با چهل کس در پای
فیلان مست هلاک شد شرزه خان دیگر از بندهای خری در سنهٔ ۳ شاه جهانی بمنصب دو هزار و
پانصدی سربلند بود در سنهٔ ۱ رخت حیات بربست شرزه خان عبد الرحمن بیجاپوری بمنصب
نهصدی و به این خطاب سرافراز شده در سنهٔ احد عالمگیری بجلدوی تردد در جنگ با مهاراجه جسونت سنگه
باضافهٔ پانصدی و به این خطاب سربرافراخته در سنهٔ ۲۲ خطاب رستم خان یافته بود تتمهٔ احوال او در ذیل
خطاب رستم خان نوشته شد شرزه خان مغل ولد شادی خان بن جالبش بهادر در آخر عهد
عالمگیری بمنصب و بخطاب شرزه خان سربلند و در تعاقب باراول دارا شکوه رفته در سنهٔ ۳
هنگام تعیناتی امیر الامرا شایسته خان ناظم دکن در آن جا تردد نموده در سنهٔ ۵ و در سنهٔ ۸ همراه
مرزا راجه جی سنگه کچهواهه در دکن تلاش ها نموده باز بقلعه داری کابل مقرر شده بود در سنهٔ ۴۵

به نهایت

به نهایت نظم کابل از تغیر ناصر خان مباهات اندوخته در سنهٔ ۲ محمد شاه ازین جهان رفت **شفیع خان**
محمد شفیع منصبی داشت در سنهٔ ۱ جهانگیری بخطاب خانی بر نام خود و بخشی گری صوبه ملتان سرافراز
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **شفیع خان** حاجی محمد شفیع در عهد عالمگیری بمنصب هزاری
و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده در سنهٔ ۹ از آن جا بدیوانی گجرات از تغیر مکرمت خان مقرر شده
در سنهٔ ۱۱ بدیوانی بن از تغیر کفایت خان جعفر بیگ نام و در سنهٔ ۱۳ بار دیم بدیوانی دکن از تغیر مکرمت خان
محمد صالح نام و در سنهٔ ۱۲ بدیوانی بنگاله و در سنهٔ ۲۳ بار دوم بدیوانی تن از تغیر موسوی خان مرزا معز اسم
در سنهٔ ۲۶ بحراست اورنگ آباد و در سنهٔ ۲۸ از تغیر میر مغیث و در سنهٔ ۳۲ بار دوم بدیوانی تن از تغیر
خان مسطور و باضافه پانصدی مباهات اندوخته بعد چندی معزول شده بود انجام حال او معلوم نشد
شایسته خان ابو طالب نام ولد آصف خان در آخر عهد جهانگیری بمنصب و در سنهٔ ۱ بخطاب شایسته خان
و در عهد شاه جهانی به خطاب خان جهان و در سنهٔ احد عالمگیری بخطاب امیر الامرا سرافراز شده
بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب امیر الامرا نوشته خواهد شد شایسته خان ابو نصر نام ولد شایسته
خان مذکور در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی بر نام خود سرافراز شد و در سنهٔ ۲۳
بداروغگی عرض مکرر و در آینده به نظم کشمیر و در سنهٔ ۴۱ بنظم لاهور از تغیر مکرمت خان و در سنهٔ ۴۵
بمنصب دو هزار و پانصدی و تنظیم مالوه از تغیر مختار خان میر قمر الدین و بخطاب شایسته خان و در سنهٔ
۴۸ به فوجداری و قلعه داری ماند مضاف صوبهٔ مالوه از تغیر نورالله خان ولد اسلام خان رومی

و در سنه ۵ به سه هزاری دو هزار و پانصد سوار و بنظم اوده از انتقال مرزا خان محمد ابراهیم نام سرافراز
گردیده در عهد بهادرشاه فوت کرد شرف الدین حسین خان منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بخطاب خانی بر
نام خود سرافراز شده خدمت نمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد شرف خان ترکمان در آخر
عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی و بخطاب خانی سربلند و در عهد عالمگیری بفوجداری محالی
مقرر شده در سنه ۲ معزول گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید شرف خان در
اوائل عهد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲۴ بجالسناماني بکمصاحبه
و آینده به بیوتاتی رکاب مقرر شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد شهاب خان ولد ملک علی
در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سرافراز بود در سنه ۹ همراه معتمد خان بنا بر
تنبیه زمیندار و هند بیره تعین شده در سنه ۱۳ فوت کرد شهامت خان سید قاسم ولد سید
میر میران بن سید قاسم از سادات بارهه سکنه میران پور نایب صوبه اله آباد از طرف شاه
زاده دارا شکوه در سنه احد عالمگیری بعد شکست اول دارا شکوه بدرگاه رجوع آورده به
منصب سه هزاری و به این خطاب سربرافراخته و بتهانه داری غزنین از تغیر شمشیر خان مقرر
در سنه ۴ بحراست حصار شهر کابل مامور گردیده و از تغیر خان مذکور در سنه ۶ بقلعه داری ارک
کابل از تغیر قلعه دار خان مقرر شده تا سنه ۱۸ در آن جا خدمت نمود ظاهرا در سنه ۱۸ بصوبه داری
هر دو بنگش مقرر شده در سنه ۱۸ باز بقلعه داری ارک کابل از تغیر خنجر خان نام برآورده

بفوجداری

بفوجداری نواحی کابل مقرر شده آینده معزول شده در سنه ۱۹ باز بقلعه داری ارک کابل
از تغیر خنجر خان نام برآورده و بفوجداری نواحی کابل مقرر شده آینده معزول شده در سنه ۲۰
بدستور سابق از تغیر خانه زاد خان مباهی گردیده در سنه ۲۳ تغیر شده در سنه ۲۴ از انتقال
سید خان باز بحال گردیده و در همین سال معزول شده در سنه ۲۵ بخدمت جلال آباد باضافه در
سنه ۲ بمنصب سه هزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار از آن جمله هزار سوار دو اسپه سه اسپه سربر
افراخته و برای تنبیه قلماق مامور شده ظاهرا در سنه ۱ همراه بادشاه زاده محمد اکبر به تنبیه افاغنه آن
حدود تعین گشته در سنه ۲۹ بقلعه داری کابل از انتقال سید خان محل اعتماد شده بود انجام حال او
معلوم نشد سید شهامت خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و باین خطاب بقلعه داری
اسیر سربلند شده در سنه ۲ بهادرشاه با آنکه باین خطاب سید تاج الدین مقرر شده بود بهنگام
ورود رایات در دکن باین خطاب بحال گردید و تاج الدین بر نام خود خطاب خانی یافت خان مذکور مرد
مشهور بود شجاع خان غیرت بیگ منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب شجاع خان و در سنه ۲
بقلعه داری چپارگده از تغیر خواص خان و در سنه ۳ بعنایتی سربلند و در سنه ۱۱ داروغه توپخانه
کابل شده بود دیگر احوال او معلوم نشد شجاعت خان ولد میر قوام الدین خان در سنه ۶ عالم
گیری از ایران آمده بمنصب هزاری و آینده بخطاب خانی و در سنه ۲ بخطاب صف شکن خان
سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب صف شکن خان بقلم خواهد آمد شجاع خان

در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سر بر افراخته در کابل بکار آمده بود ظاهرا برادر حقیقی
صف شکن خان ولد میر قوام الدین خان است **شهاب الدین جعفر خان** در سنه احد عالمگیری بمنصب و باین
خطاب سربلند بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد **شاه خان** کاشغری در سنه ۲ عالمگیری از
کاشغر آمده بمنصب و بخطاب خانی در سنه ۲۲ بخطاب عبد الله خان سرافراز شده بود و تتمه احوال
او در ذیل خطاب عبد الله خان بقلم خواهد آمد شاه خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
خانی سربلند و متعین صوبه کابل شده بود و در سنه ۴۴ فرمانی بنام او رفته که تا رسیدن شیخ الله
خان بها در راهداری کابل بکند دیگر احوال او معلوم نشد **شکر الله خان** ولد جعفر برادر باقر خان
نجم ثانی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه اوسط عهد عالمگیری بخطاب خانی
سرافراز شده در سنه ۲۵ بفوجداری میوات از انتقال فولاد خان مقرر گردیده در سنه ۱ بخطاب
عسکر خان مامور شده بود و تتمه احوال او در ذیل خطاب عسکر خان بقلم خواهد آمد سید شکر الله
خان خافی خویش عاقل خان میر عسکر خانی منصبی داشت در عهد عالمگیری باین خطاب و در سنه ۱۱
بفوجداری شاه جهان آباد سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد شکر الله خان
کاشغری در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربلند و در سنه ۴۴ بتعاقب غنیم
تردد نموده بود انجام حال او هیچ معلوم نشد سید شکر الله خان عنایت الله ولد
شکر الله خان میر شکر الله خویش عاقل خان میر عسکری در آخر عهد عالمگیری بمنصب هشت

صدی

صدی و به این خطاب سربلند شده بود در سنه محمد شاه فوت نمود این مرد بزرگ با نت و دیانت
و متانت و فتوت یگانه آفاق بود در دولتخواهی آقا و هستی **شفیق خان** در آخر عهد عالمگیری
کیری بمنصب و خطاب خانی بر نام خود سرافراز شده سر انجام دیوانی صوبه جات بدیانت
و امانت بسیر داخت دیگر احوال او هیچ معلوم نشد **شیر افکن خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب هشت
صدی و به این خطاب سر بر افراخته خدمت بهمو و بعد رحلت آنحضرت از پیش اعظم شاه به
اضافه صدی سربلند گشته در سنه رحلت کرد صادق خان **حرف ص** **صادق خان**
ولد محمد باقر هروی در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر بر افراخته در سنه ۳ در تنبیه
معتمدان بنگاله و طن بهدوریه تردد نموده در سنه ۵ مورد عنایتی شده بنا بر تنبیه غازی
خان سور مامور گردیده در سنه ۶ در تادیب افاغنه در ناحیه او ده در سنه ۸ در تنبیه شاه ابو المعالی
مغرور رود در سنه ۱۰ در قلعه سورت و در سنه ۱۹ در کوشمالی زمینداران بندر تردداث پسندیده
نموده در سنه ۲ بعنایت سرکار کدهه خورسند شده در سنه ۲۲ در تنبیه مدد کر زمینداران ذ
تلاش ها کرده در سنه ۲۳ او را الحبشه را آورده در سنه ۲۵ بعد کشته شدن مظفر خان ناظم
بنگاله به اتفاق راجه تودرمل تردداث شایسته نموده چنانچه شبی که معصوم خان کابلی باغی
شبخون آورد صادق خان را با او جنگ رو داده دسته بار شمشیر زد و بدل شد درین اثنای
کمال خان فوجدار فیلی رسانید و کارها کرد و معصوم خان رو بگریز نهاده و در سنه ۲۶ در

سنه ٢٧ در تنبیه باغیان آنجا آنچه باید کوشید سر حلقه باغیان را از تن جدا
ساخته به حضور فرستاده در سنه ٢٨ در تنبیه قتلو و غیره افاغنه در نواحی بردوان و فتح
حصار کوره حسن خدمت بجا آورده در سنه ٢٩ اکثر باغیان را بر جاده اطاعت قایم کرده
در سنه ٣٠ به تقصیر بحکم آمدن از آن جا معاتب شده بعد از ان بعفو تقصیر و تنظیم ملتان و در سنه ٣٢
تهانه داری وست و در سنه ٣٣ به حکومت تیراه مقرر شده در کوهستان افاغنه تاریکی رستمانه
کارها نموده در همان سال بحراست سوات و باجور از تغیر زین خان کوکه نام بر آورده در سنه ٣٤
طلب حضور شده در سنه ٣٦ به اتالیقی شاهزاده مراد از تغیر اسمعیل قلی خان ذو القدر والا منزلت
شده چون به تسخیر دکن متعین گردیده بود در سنه ٤٠ به تسخیر احمدنگر بنا بر نفاق خانخانان صورت
نه بست بلکه از برخاستن امرای متعینه بمقتضای نادانی های دکهنیان در تعاقب خان مسطور
خیر کی ها کرده اند در سنه ٤١ خود را جمع ساخته تدارک گذشته پرداخته خیلی تلاش ها بکار برده
کارهای مردانه نموده به منصب پنجهزاری رسیده در سن چهل و دو در آن جا فوت کرد خان مسطور
مصدر کارهای نمایان شده بود صادق خان محمد زاهد ولد صادق خان مذکور منصبی داشت
در سنه ٤٩ اکبری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب پدر سرافراز شده بود در سنه احد جهان
گیری بخطاب زاهد خان و باضافه پانصدی سربلند گردید تتمه احوال او در ذیل خطاب زاهد خان نوشته
شد صادق خان خواجه عبد العزیز نقشبندی در عهد جهانگیری بمنصب هزاری و به این خطاب

سرافراز

سرافراز شده بود در سنه ١ بخطاب خانی بر نام خود نام بر آورده تتمه احوال او در ذیل خطاب
عبد العزیز خان بقلم خواهد آمد صادق خان محمد صادق ولد آقا طاهر برادر اعتماد الدوله
طهرانی بمنصب هفتصدی داشت در سنه ١ جهانگیری بخطاب خانی و در سنه ١٢ به منصب هزار و پانصدی
و در سنه ١٣ به منصب دو هزاری و در سنه ١٥ بخدمت میر بخشی گری و بعطای قلمدان مرصع و در
سنه ١٨ بمنصب چهار هزاری و بنظم صوبه پنجاب از تغیر خواجه ابو الحسن مقرر شده در سنه ششم
فوت کرد صادق خان دیگر در آخر عهد شاه جهانی بمنصب و خطاب خانی سربلند و بتصدی بکر
بندر سورت مامور بود در سنه احد عالمگیری بنا بر ادارکی بادشاه زاده دارا شکوه در صدد
گجرات بر خاسته آمد دیگر احوال او معلوم نگشت صادق خان محمد صادق خوستی منصبی داشت
در سنه ٢٦ عالمگیری بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ٣٠ به نیابت صوبه برار مقرر گشته بود
دیگر احوال او معلوم نشد صفدر خان خاصه خیل اکبر بادشاه در سنه احد الیثان بمنصب دو هزاری
سربلند شده در سنه ١٣ در فتح قلعه رنتهنبور و در سنه ١٧ در فتح گجرات و در سنه ٢٢ در جنگ با
دودا و از زمینداران بوندی بصدد تردد که دیده بود انجام حال او معلوم نشد صفدر خان
همشیره زاده شیخ ابو الفضل و نبیره راجی علی خان حاکم خاندیس در سنه ٤٥ اکبری بمنصب هزاری
و به این خطاب سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد صفدر خان خواجه عبد الله در سنه
٤٨ اکبری بمنصب هزاری و به این خطاب و در عهد جهانگیری بخطاب نجابت خانی بر نام خود سرافراز شده بود

احوال او در ذیل خطاب عبدالله خان بقلم خواهد آمد صفدر خان دیگر در عهد جهانگیری
بمنصب هزاری و به این خطاب سربلند و در سنه ۷ متعین صوبه بهار بود و در سنه ۸ ناظم کشمیر
و در سنه ۹ بمنصب هزار و پانصدی علم مباهات برافراخته در سنه ۱۰ معزول شده تا سنه ۱۸ خدمت
مینمود دیگر احوال او معلوم نشد صفدر خان خواجه قاسم اتائی از اولاد حضرت سید اتا از
مشایخ ترک در سنه ۱ جهانگیری ملازم رکاب سلطان خورم بود در ایام فترات با ایشان رفاقت
نموده آخر در رکاب آمده در سنه احد ایشان به منصب سه هزاری و بخطاب صفدر خانی در سنه ۲
ناظم صوبه اکبرآباد و آنیده بمنصب چهار هزاری سرافراز شده در سنه ۶ بسفارت پیش شاه صفی
والی ایران با تحائف چهار لک روپیه رفته چون روزی شاه مذکور بخانه اش تشریف فرموده بودند
از نفایس هندوستان بقدر لک روپیه گذرانیده در سنه ۱۲ مراجعت نموده بار دویم ناظم صوبه
مذکور مقرر شده در سنه ۱۴ ناظم صوبه قندهار از تغیر قلیج خان مباهات اندوخته در سنه ۱۵ معزول
گردیده بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار رسیده در سنه ۱۸ در لاهور رحلت کرد صفدر خان جلال
الدین نام ولد اعظم خان کوکه عالمگیر بادشاه در اوائل عهد ایشان بمنصب و خطاب خانی بر
نام خود سرافراز شده بود در سنه ۲ بخطاب صفدر خان نام برآورده در سنه ۳۳ بهنگام
فوجداری گوالیار در کارزار بکار آمده صفدر خان ثانی از سکنه گجرات در آخر عهد عالمگیر به
هنگام حکومت بادشاهزاده محمد اعظم به منصب و به این خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد

صلابت خان

صلابت خان پیر محمد بودی در سنه ۲ جهانگیری بمنصب و بخطاب صلابت خان سربلند
شده بعد چندی بخطاب خان جهان نام برآورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خان جهان
بقلم خواهد آمد سید صلابت خان سید علی نام ولد سید قاسم بن سید محمود خان سید بارهه
در سنه ۸ جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی ذات افزوده بخطاب صلابت خان سرافراز شده در سنه
بر مهم رانا همراه سلطان خورم تعین گشته در سنه ۱۰ در دکن تردد ها نموده در سنه ۱۱ بعد مراجعت
از دکن هنگام ملازمت مشمول مراحم گردیده بود انجام حال او معلوم نشد صلابت خان روشن
ضمیر ولد صادق خان برادرزاده اعتماد الدوله منصبی داشت در سنه ۵ شاهجهانی بخدمت
توزبیگی و در سنه ۶ بعد فوت پدر از تغیر سرافراز خان به منصب هزاری و باز بمنصب هزار
و پانصدی و در سنه ۸ باین خطاب و در سنه ۹ بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۱ باضافه
پانصدی و در سنه ۱۲ بخدمت میر بخشی گری و در سنه ۱۳ بمنصب سه هزاری و بمیر بخشی گری
سرافراز شده در سنه ۱۶ به منصب چهار هزاری دو هزار سوار نام برآورده در سنه ۱۷ در دربار
بادشاهی بر دست راو امر سنگه اولین پسر راجه گج سنگه زمیندار جوده پور بنابر نا
خوشی از حمایت راو کرن بهورتیه که باهم موی الیهما را بر حدود زمینداری نزاع بود
کشته شد سید صلابت خان سید سلطان ولد سید بایزید بن سید هاشم
نبیره سید محمود خان بارهه ملازم بادشاهزاده دارا شکوه در سنه ۲۴ شاهجهانی

بمنصب هزار و پانصدی دوصد سوار و باین خطاب سرافراز شده و به نیابت نظم نجابت
بعد از آن سال به نیابت نظم اله آباد از طرف آن بادشاهزاده مقرر گردیده در سنه ۲۹ هنگام
حراست اله آباد باضافهٔ پانصد سوار بمنصب دوهزاری پانصد سوار برافراخته در سنه ۳۰ در حضور
آمده باز باله آباد رفته در سنه احد عالمگیری پیش سلیمان شکوه بود بعد رسیدن سلیمان شکوه
در حدود سری نگر از و جدا شده به حضور آمده در سنه احد عالمگیری بخطاب اختصاص خان نام
برآورده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب اختصاص خان نوشته شد صلابت خان خواجه
سید میر خافی منصبی و داروغگی فیلخانه داشت در سنه ۲۲ عالمگیری بخطاب صلابت خان سرافراز
شده در سنه ۲۵ بداروغگی توپخانه از تغیر بهره مند خان و بمنصب دوهزار و پانصدی و در سنه ۲۹
بمتصدیگری بندر سورت و در سنه ۳۲ بار دوم بداروغگی مذکور از تغیر صف شکن خان ولد
میر قوام الدین خان و در آینده باز بمتصدیگری مذکور سربلند گردیده در سنه ۳۴ معزول
گشته در سنه ۳۶ فوت کرد بعض از نقال میگویند که خواجه میر صلابت خان در جنگ
راتهوران همراهی راجه مهاراجه جسونت سنگه در دهلی در سنه ۲۲ کشته شده بود و این
دیگر است که بعد او باین خطاب ممتاز گردیده والله اعلم سید صلابت خان دیگر در آخر عهد
عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربلند و در سنه ۴۴ بفوجداری کرناتک مقرر بود و تا سنه احد بهادر شاه
در خدمت بهمنوایت مرد اکثر اوصاف حمیده داشت دیگر احوال او معلوم نشد صفی خان ولد امانت خان

برادر آصف خان جعفر بیگ منصبی داشت در سنه ۱۱ جهانگیری بخطاب خانی بزنام خود سر
بلند شده در سنه ۱۸ خطاب سیف خان یافته بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب سیف خان
نوشته شد صفی خان دویمی پور اسلام خان میر عبدالسلام در اواسط عهد شاه جهانی
بمنصب هزاری سرافراز شده آینده همراه پدر بدکن تعین گردیده در سنه ۴ از نزد پدر بحضور
آمده در سنه ۱۹ بعد فوت پدر بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته در سنه ۲۳ متعین
مهم قندهار گشته در سنه ۲ پنجاه و پنج لک روپیه از نقد و جواهر پیشکش عادل خان حاکم
بیجاپور آورده در همین سال به بخشیگری واقعه نویسی و داروغگی داغ لشکر متعینهٔ مهم قندهار
همراه شاهزادهٔ عالمگیر مقرر شده در سنه ۲۶ به بخشیگری دکن و در سنه ۲ بخطاب خانی
بزنام خود نام برآورده در سنه ۳۰ بتقصیر عدم سرانجام کار بعزل خدمت و سلب خطاب
و کمی منصب پای عتاب آمده در سنه ۳۱ بخدمت قلعه داری کانگره امتیاز یافته در سنه احد
عالمگیری از کانگره آمده بقلعه داری شاه جهان آباد از تغیر سید امیر خان و باضافه هزاری
بمنصب دوهزاری سربلند گردیده و در سنه ۲ باضافهٔ پانصدی و بخشیگری بندهای ایام
بادشاهزادگی از تغیر مخلصان و در سنه ۵ باضافهٔ پانصدی بمنصب سه هزاری و در سنه ۸ بنظم
دارالخلافه هوشدار خان و بقلعه داری اکبرآباد الا رتبه گشته در سنه ۹ معزول شده در سنه ۱۰ همراه
شاهزاده محمد معظم بدکن رفته در سنه ۱۲ بنظم صوبه اودیسه و در سنه ۱۸ بار دوم بنظم دارالخلافت

و در سنه ۲ به تن بخشی گری و در سنه ۲۲ بنظم اله آباد و آینده بنظم صوبه بهار و در سنه ۲۹ بنظم اکبرآباد
از تغیر محتشم خان و در سنه ۳۲ بار بنظم اکبرآباد سربلند گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد صفی خان
دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی و بقلعه داری کالنجر سرافراز شده بود در سنه جهان
احد بهادرشاه باضافه پانصدی نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد صدر خان در عهد
گیری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده تا سنه ۲ خدمت [illegible] و دیگر احوال او معلوم نگشت
صف شکن خان مرزا لشکری ولد سید یوسف خان رضوی در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد
شاه جهانی باضافه منصب و بخطاب صف شکن خان سربلند شده بقلعه داری قلعه نیز از قلاع
دکن مقرر گشته در سنه ۳ و در سنه ۴ در آن جا در کارزار با کهنیان تردد نموده در سنه ۵ در
دستگیر نموده آوردن متعلقان [illegible] را [illegible] تلاش نمایان کرده در سنه ۸ در آن قلعه [illegible]
مینمود و در سنه ۸ و در سنه ۹ در تعیناتی سید خان جهان بارهه ترددهای نمایان نموده بمنصب دو هزار و
پانصدی رسیده در سنه ۱۹ فوت کرد صف شکن خان محمد طاهر منصبی داشت در سنه احد عالمگیری
به این خطاب و بمنصب دو هزاری سربلند شده در لباقهای سال اوّل تردد ذات نمایان نموده
بمنصب سه هزاری دو هزار سوار رسیده در سنه ۸ بداروغگی توپ خانه مقرر گردیده در سنه ۱۴
تقصیری معاتب گشته در سنه ۵ در ایام انزوا رحلت کرد صف شکن خان دیگر در سنه ۸ بخدمت
میرآتشی و به این خطاب و بمنصب دو هزاری سرافراز شده در معارک سلطانی در تعاقب اوّل

دارا شکوه

دارا شکوه که رفته بود تردد ذات نمایان نموده بمنصب سه هزاری دو هزار سوار رسیده در سنه ۴
بتقصیری بی منصب گشته بعد چندی بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۵ در ایام انزوا فوت نمود
صف شکن خان دیگر منصبی داشت در سنه ۶ عالمگیری به این خطاب سرافراز شده بدکن تعین
گشته خدمات پسندیده نموده در سنه ۱۰ بحضور آمده در سنه ۱۲ بداروغگی توپ خانه از انتقال
شجاعت خان رعد انداز بیگ مقرر گردیده در سنه ۱۸ به آنجهان رفت صف شکن خان محمد
ولد میر قوام الدین خان برادر خلیفه سلطان در سنه ۱۹ عالمگیری از ایران آمده بمنصب هزاری و
بخطاب خانی بر نام خود سربلند شده بود در سنه ۲۰ بداروغگی توپ خانه و بخطاب صف شکن خانی
و در سنه ۲۰ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار سر برافراخته در تیاری دمدمه حیدرآباد کار کمال در
عرصه یکماه به انجام رسانیده آخر بنابر نفاق غازی الدین خان فیروز جنگ دست از کار کشیده
استعفا نموده و قید شده بعد چندی بمچلکا داده خلاص گردیده به اندک مدت موافق مچلکا به
دمدمه راکنکره رسانیده مشمول مراحم شده در سنه ۲۳ بداروغگی عرض مکرر تفاخر حاصل نموده
بود دیگر احوال او معلوم نشد صف شکن خان امان الله از همراهان پادشاهزاده محمد
معظم در عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب ملتفت خان نامور شده در سنه ۲۲ همراه پادشاه زاده
پای عتاب آمده در سنه ۳۲ تقصیرش مقرون بعفو گردیده در سنه ۳۳ به خطاب شمشیر خان و در سنه ۳۶
بخطاب صف شکن خان و داروغگی توپ خانه نام برآورده در سنه ۴۴ معزول گشته در

سنه ۴۹ بفوجداری دهامولی و در سنه ۴۳ بوکالت شاهزاده مذکور و در سنه ۴۴ به بخشی گری احدیان
و بعد ازان بخدمت توپبیگی سر برافراخته در سنه ۴۶ بنابر مرض مزمن بسالیانه دوازده هزار روپیه قانع
نشسته بود دیگر احوال او معلوم نشد **صالح خان** محمد صالح برادر حکیم فتح الله شیرازی شاه جهانی در زمان
ایشان از ایران آمده بمنصب هشتصدی سرافراز شده بود و در سنه عالمگیری بخطاب خانی برنام خود
سربلند گردیده در سنه ازین جهان رفت صالح خان محمد صالح ولد فدائی خان مخاطب به اعظم خان کوکه
منصبی داشت در سنه ۱ عالمگیری بخطاب خانی برنام خود و در سنه ۲۶ بمیر بخشی گری احدیان و در سنه ۳۲
خطاب فدائی خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب فدائیخان تقلم خواهد آمد **میر صدرالدین**
صفوی منصبی داشت در سنه ۲۶ عالمگیری بخطاب خانی و بفوجداری رانکیر و در آینده به بخشی گری احدیان
و در سنه ۴۳ بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۴ بنظم خاندیس از تغیر معتقد خان نبیره لشکرخان شاه
جهانی و در سنه ۵۰ بعنایت اقدس لفظ میرزائی برنام و در سنه ۵۰ بمنصب سه هزاری و به بخشی
گری سیوم و در سنه ۵۰ به بخشی گری دوم از انتقال روح الله خان و در سنه ۴۹ به جلدوی تردد شایسته
بمنصب سه هزار و پانصدی لوای مفاخرت برافراخته در عهد بهادرشاه بخطاب شاهنوازخان نامی
آورده در عهد محمد شاه ازین جهان رفت **میرزا صفوی خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب سه هزاری
و بخطاب میرزا صفوی خان سربلند بود در سنه ۴۹ به بخشی گری سیوم سرافراز شده با صبیه معظم
خان مرحوم منسوب شده همراه اعظم شاه در جنگ اکبرآباد مردانه بکار آمد غالب که از خاندان

میرزا رستم

میرزا رستم صفوی خواهد بود **صدیق خان** در آخر عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب و در سنه
احد بهادرشاه بعنایت خلعت مباهی شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **حرف ص**

ضابط خان بهادر بیگ بخشی سرکار بادشاهزاده محمد معظم منصبی داشت در سنه ۱۰
عالمگیری بخطاب ضابط خان سرافراز شده تا سنه ۴۶ بخدمت مذکور بود دیگر احوال او معلوم نشد
ضابط خان دیگر گرزبردار در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب ضابط خان سربلند شده در سنه ۴۹
بقلعه داری کهلنا که درین سال مفتوح شده بود مقرر گردیده همراه اعظم شاه از دکن آمده بود
انجام کار او معلوم نشد **ضیاء الدین خان** برادرزاده فاضل خان برهان الدین منصبی داشت
در سنه هفت و چهل عالمگیری بمنصب نهصدی و بخطاب خانی و بخدمت بیوتاتی افتخار اندوخته تا سنه ۱۵
خدمت مذکور نمود دیگر احوال او معلوم نشد ضیاء الدین خان در سنه عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی
و بفوجداری سیوستان سرافراز بوده در همین سال از فوجداری معزول شد دیگر احوال او معلوم نشد
ضیاء الله خان پسر عنایت الله خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و بخطاب خانی برنام خود سر بر افراخته
در سنه ۴۹ بدیوانی صوبه اکبرآباد مقرر شده بود در سنه احد بهادرشاه بدیوانی بنگاله از تغیر
مرشد قلیخان نام برآورده در سنه ۴۹ بزخم بندوق شهید شد **حرف ط**

طاهر خان میر فراغت ولد میر خورد اتالیق میرزا هندال برادر همایون بادشاه در سنه احد اکبری
بجلدوی ترددات نمایان به منصب دو هزاری و بخطاب خانی سربلند شده در سنه ۹ بمصدر

تلاش کرده دیده در سنه ۲۲ متعین گجرات شده در سنه ۱ با و در سنه ۳ در صوبه اوده بخدمت
منکرد در جنگ با افاغنه پیشاور شهید کردید طاهر خان طاهر شیخ لکهر منصبی داشت در سنه ۲
شاه جهانی بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۲ بجایزه ترددات در مهم بدخشان
و بلخ باضافه پانصدی و در سنه ۲۲ بجلدوی ترددشایسته در لیاقت قندهار بمنصب دو هزاری
در سنه ۲۳ بجایزه تلاشهای نمایان در مهم قندهار که در صف جنگ یا فرلباش نهایت مردانگیها نموده
بود بمنصب دو هزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۲۵ بمنصب سه هزاری مباهات اندوخته همراه شاه
زاده عالمگیر مکرر بتعین مهم قندهار که دیده در سنه ۲ همراه شاهزاده دارا شکوه با جناب عالمگیری
در سپاهی گری دریغ ننموده بعد شکست دارا شکوه در جناب عالمگیری ملازمت نموده به اضافه
هزاری مباهی شده به تعاقب دارا شکوه تعین گشته بعد مراجعت بحضور آمده در کارزار دوم با
دارا شکوه تلاشها کرده در سنه ۲ بمنصب پنجهزاری نام برآورده بجاگیر رفته و بحضور آمده در سنه
بعنایت عصای مرصع و در سنه ۷ و در سنه ۸ بعصای خلاع و افزایش و در سنه ۹ بنظم ملتان و در سنه ۱۰
بفوجداری میوات مامور شده در سنه ۱۵ در هنگامه فرقه ست نامیان که در آن جا برپا شده بود
کوتاهی نموده در سنه ۲۲ بفوجداری جوده پور بعد فوت مهاراجه جسونت سنگ مقرر کردیده در همان
سال فوت کرد طیب خان در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۹ بر اتفاق
دیگر بندها در تنبیه چندرسین زمیندار جوده پور مصدر ترددی گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد

طهماسب خان

طهماسب خان ولد مهابت خان در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود در عالم عهد عالم
گیری باضافه منصب و بخطاب خانی و در سنه ۱۹ بنظم اوده سر برافراخته در عهد الشان از ین جهان رخت بست

حرف ط

ظفر خان ولد زین خان در سنه ۲ جهانگیری بمنصب و به این
خطاب سربلند بود هنگام توجه رایات عالیات بصوبه کابل بخدمت کوچانیدن افغانان و لارا گ
و گکهران که طریق رهزنی اختیار کرده بودند مقرر شده در اندک مدت صد هزار خانه این ها را با طراف
لاهور روان کردانیده بعد سرانجام آن خدمت در همان سال هنگام مراجعت ملازمت نموده در سنه ۳ به منصب
دو هزاری سر برافراخته متعینه مهابت خان بنابر تنبیه رانا زمیندار اودی پور شده در سنه ۸ باضافه
پانصدی نام برآورده آینده متعینین صوبه گجرات بود در سنه ۱۰ به منصب سه هزاری و نظم بهار از
انتقال افضل خان و در سنه ۱۱ به حکومت بنگش و به اضافه پانصدی والا پایه گردیده در سنه ۱۶ اظاهرا
هنگام تهانه داری غزنین فوت کرد ظفر خان احسن الله ولد خواجه ابوالحسن تربتی منصبی داشت در سنه ۱۹
جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب ظفر خان و به نیابت نظم کابل از طرف پدر سربلند شده بود
در سنه ۲ با احداد افغان باغی در کابل بحرب صعب پیوسته ظفر یافته سر او را به دست افتخار خان
بحضور فرستاده در سنه ۱ شاه جهانی بعد عزل تا بحضور آمده در سنه ۲ بنابر تنبیه خان
جهان لودی باغی تعین کردیده در سنه ۳ همراه یمین الدوله آصف خان برای تسخیر محالات ناسک ترنبک و در سنه ۴ همراه
آصف خان برای انتظام بالاگهات رفته ترددها نموده در سنه ۶ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار

بنظم کشمیر از انتقال پدر سر بر افراخته و در سنه ۱ اقلاع سکهرو و کهوچه و کهاچه وغیره از ولایت تبت
بعد کارزار بسیار فتح نموده در سنه ۱۱ ابابدال خان مرزبان تبت بحضور آمده شمشیر رخصت شده
در سنه ۱۲ العید تغیری در کابل ملازمت نموده بتقصیری بی منصب گشته در سنه ۱۴ اتحال کرد دیده در سنه ۱۵
متعین مهم حکیت سکه شده در همین سال بار دویم بنظم صوبه مذکور از تغیر تربیت خان مقرر
گشته در سنه ۱۹ اجابزه راضی داشتن رعایای آن جا بانعام لک روپیه خورسند شده در سنه
۲۱ تغیر گردیده در سنه ۲۴ بعنایت ده هزار روپیه و در سنه ۲۵ که چندی از دولت بندگی محروم بود
بمنصب سه هزاری سر بر افراخته در سنه ۲۶ بنظم تهته از انتقال سردار خان مقرر گشته در سنه ۲۹
معزول گردید در سنه ۳۰ بحضور آمده بود در سنه ۲ شاه جهانی به تنبیه خان جهان لودی تعین
گردیده اکثر در لسیاق ... نموده در سنه ۱۹ به منصب سه هزاری دو هزار سوار و به نظم صوبه
کشمیر از انتقال پدر سرافراز شده در سنه ۱ اقلاع سکهرو و کهوچه و کهاچه از ولایت تبت بعد نبرد
بسیار فتح کرده در سنه ۱۱ با ابدال مرزبان بحضور آمده در سنه ۱۵ بار دویم بنظم صوبه مذکور مقرر
شده در سنه ۱۹ بجلدوی راضی داشتن رعایای آن جا به انعام لک روپیه خورسند گردیده در سنه ۲۶
بنظم صوبه تهته از انتقال سردار خان نام بر آورده در سنه احد عالمگیری ترک منصب نموده در سنه ۶
در لاهور رنگ نام رفت مرد قابل و شاعر و نیک نهاد و خادم ارباب کمال بود ظفر خان
ابو الفتح نام ولد شایسته خان امیر الامرا در عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی داشت در سنه

احد

احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و در آینده بخطاب ناصر خان سرافراز شده و در سنه ۱ بخطاب
ظفر خان و در سنه ۲۶ بفوجداری جونپور رسیابات اندوخته آینده بنظم صوبه کشمیر مامور شده
در ایام نظم آنجا بمرض سودا سکونت اختیار کرده بود و جواب مطالب و کارها بدستخط سرانجام مینمود
بلکه بر فرد وقایع دستخط خاص مزین شده که دیوانه ما از عاقل هوشیار تر است انجام کار او معلوم نشد
ظفر خان بابی از متعینان صوبه گجرات در آخر عهد عالمگیری هنگام نظم بادشاهزاده محمد اعظم
بمنصب شش صدی و به این خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت آنحضرت همراه اعظم شاه از دکن آمده
خدمت میکرد و انجام حال او معلوم نشد

حرف ع

عبد الله خان اوزبک از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی بر
نام خود سر بر افراخته در همان سال بجایزه نزد و شایسته بخطاب شجاعت خان نام بر آورده بود
تتمه احوال او در ذیل خطاب شجاعت خان بقلم خواهد آمد عبد الله خان مغل از ولایت در رکاب
همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سر بر افراخته تا سنه ۵ در حکومت تهاره
خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد سید عبد الله خان ولد خوانده میر از صغر سن خدمت اکبر
بادشاه مینمود در عهد ایشان بمنصب هفت صدی و خطاب خانی سر بر افراخته در سنه ۹ در ایلغار تنبیه
عبد الله خان اوزبک تردد نموده در سنه ۱۷ سر داود افغان مرزبان بنگاله که خان جهان ناظم
آن جا فرستاده بود در عرض پانزده روز در فتح پور آورده در سنه ۲۵ باز تعین بنگاله گردیده

تا سنه ۲۵ در اکثر معارک آن صوبه ترددها نموده بعد ازان متعینهٔ کشمیر که در سنه ۳۲ فتح شده
بود گردیده در عهد ایشان رحلت کرد   عبد الله خان بهادر فیروز جنگ خواجه عبد الله نقش
بندی از سادات کبار که والدهٔ خواجه مسطور خواهر خواجه حسن نقشبندیست که جنت آشیانی بیگم همشیرهٔ
اکبر بادشاه را در حبالهٔ نکاح خود داشت در سنه ۴۰ اکبری از ولایت آمده بمنصب هزاری و خطاب
صفدر خان سربلند شد و در سنه احد جهانگیری بمنصب دو هزار و پانصدی و خطاب خانی بر نام خود
سرافراز شده در سنه ۳ باضافهٔ هزاری و در سنه ۸ هنگام رخصت به تنبیه رانا از ملیت دارا و دیو بخطاب
بهادر فیروز جنگ و در جلدوی تنبیه رانا بمنصب پنجهزاری و در سنه ۹ بنظم صوبه گجرات سربرافراخته بود
چون از آنجا باصلاح مهام دکن به اتفاق اعظم خان میرزا کوکه مامور شده رفته از ممر غرور و سخن
ناشنوی از دکهنیان شکست فاحش خورده راست راه گجرات گرفته بنا بر ثبوت نفاق اعظم خان که
شریک او در جنگ نشده بود مورد عتاب گردیده در سنه ۱۱ معزول گردیده در سنه ۱۲ بعد آمدن از
تعیناتی دکن در کالپی جاگیر خود رخصت شده در سنه ۱۶ هنگام تعیناتی دکن بتقصیر بی حکم برخاسته آمدن در
جاگیر خود بی منصب شده به التماس سلطان خورم بعفو تقصیر و بمنصب شش هزاری ذات و سوار در سنه ۱۸
نام بر آورده در سنه ۱۸ البته کم فطرتی بخورم سلطان که در آن ایام راه بغی پیموده بودند در عین گرمی
کارزار ملحق شده در نمک حرامی دریغ ننموده در سنه ۲۰ بشفاعت خان جهان لودی غایبانه تقصیرش
بعفو مقرون گشته در سنه احد شاه جهانی به التماس خواجه عبد الرحیم سفیر سبحان قلی خان والی بلخ بعفو

جرائم

جرائم و بمنصب پنجهزاری سربلند گردیده در سنه ۴ بجایزهٔ تنبیه خان جهان لودی باغی
بمنصب شش هزاری و بخطاب بهادر فیروز جنگ بحال شده در سنه ۵ بنظم صوبه بهار مباهات
اندوخته در سنه ۸ بجلدوی آنکه در تنبیه جهجار سنگه بندیله تلاشهای نمایان نموده بعنایات خلعت
خاصه با چارقب زردوز امتیاز یافته در سنه ۹ بفوجداری اسلام آباد جهجهر نبابر تادیب جنیت بندیله
که پسر جهیراج نام کودکی را از اولاد جهجار سنگه دست آویز فساد ساخته بود از تغیر باقی خان قلماق
مقرر گردیده در سنه ۱۶ بنظم اله آباد از تغیر شجاعت خان مامور گشته در همین سال بتقصیر ناحق شناسی
بی منصب شد و در سنه ۲۰ بعفو تقصیر و بحالی منصب مباهات اندوخته در سنه ۲۱ از آن جهان رفت عبد الله خان
ولد سعید خان بهادر ظفر جنگ در اواسط عهد شاه جهانی به منصب و در آخر عهد بخطاب خانی بر نام خود
و در سنه احد عالمگیری بخطاب پدر سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب سعید خان نوشته شده
عبد الله خان برادر نبیرهٔ شکور لی اتالیق امام قلیخان والی بلخ در سنه ۱۲ شاه جهانی بمعرفت بادشاه
زادهٔ عالمگیر بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۲۲ تعینات مهم قندهار در سنه ۲۵ متعین دکن گردیده در
سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی و بخطاب خانی سربر افراخته در معارک سلطانی ترددها نموده
در سنه ۲ تعین بنگاله گشته در آن جا ترددات کرده بود دیگر احوال او معلوم نشد   عبد الله خان
خواجه عبد الله در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه دویم بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی
بر نام خود و قلعداری گوالیار معزز شد و در سنه ۳ متعین بنگاله گردیده در سنه ۵ بفوجداری شاه آباد

مبالغات اندوخته و درسنه احد عالمگیری در جنگ مالوه ترددی نموده بمنصب هزاری دهم در سنه
مذکور بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی بر نام خود و بقلعه داری گوالیار سر برافراخته در سنه ۲ به
فوجداری گوالیار از تغیر کشن سنگه تونور و در سنه ۵ بفوجداری بیرون اکبرآباد از انتقال اکرام خان
و در سنه ۷ بفوجداری شاه آباد مضاف صوبه مالوه از تغیر راجه اندرمن و آینده بفوجداری نرور ممتاز
شد و در سنه ۹ از نرور بحضور آمده باز رخصت شده در سنه ۱۰ معزول گردیده بود دیگر احوال او معلوم
نشد عبدالله خان کاشغری شاه خان نام در سنه ۲ عالمگیری از ولایت کاشغر آمده بمنصب
و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده بود در سنه ۳ بخطاب عبدالله خان امتیاز یافته
خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد سید عبدالله خان بارهه سید میان نام از نوکران
بادشاهزاده محمد معظم در سنه ۲۶ عالمگیری بمنصب هزاری و آینده بخطاب عبدالله خان سربلند
شد و در سنه ۳۳ بنظم صوبه بیجاپور و در سنه ۳۴ بفوجداری نادیر مقرر گردید و به منصب دو هزار و
پانصدی رسیده در صوبه داری اجمیر درگذشت در راجپوتانه کارنامه های سپاهیگری او زبان زد
خاص و عام ست عبدالله خان امان الله بیگ اعظم شاهی در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار
و به این خطاب سر برافراخته نیابت نظم مالوا از طرف آن بادشاهزاده داشت بعد رحلت آنحضرت
از پیش اعظم شاه بمنصب چهار هزاری و شرف اندوزی رکاب سرفراز شد در کارزار اکبرآباد
و قضیه آتش به آن مخالف گردی فیل سواری او را در گرفت خان مسطور از فیل فرود آمده بر اسب

سوار شد شمشیرها بذات خود زده پیاده پا بهر سو حمله آورده بسیاری را دو پاره نموده چون زخم
های منکر برداشته بود همراهان نعش برداشته آوردند و زخم های او اندک به شده بود بعد رفتن
سانحه اعظم شاه بخیه های زخم ها را گسیخته ازین جهان به آن جهان رفت تهور و مردانگی او از اندازه
گفتن بیرون ست علیقلی خان شیبانی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد عالمگیری بمنصب و بخطاب
خانی و در جلدوی ترددی که در جنگ همیون بخطاب خانزمان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب
خان زمان بقلم خواهد آمد -- علیقلی خان قاقشال در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراخته
در سنه ۱۰ در جنگ با خان زمان باغی ترددی نموده بود انجام حال او معلوم نشد علی قلیخان علیقلی بیگ
ولد امیرالامرا علیمردان خان در سنه ۱۴ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب دو هزاری و بخطاب علی قلیخان
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد -- علی قلیخان ولد مهابت خان ظهراسپ در آخر عهد
عالمگیری بمنصب دو هزاری و به این خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت آنحضرت از پیش بهادر شاه
به اضافه هزاری و تنظیم اوده امتیاز یافته بود دیگر احوال او معلوم نشد علی دوست خان باربیگی ارغد
کاران همایونی آمده از ولایت در رکاب الشان آمده در سنه احد اکبری بمنصب هزار و پانصدی
و بخطاب خانی سرافراز شد در کارزار با هیمون ترددی نموده بود در سنه ۱۲ همراه شهاب الدین
احمد خان بدکن تعین شد و در سنه ۲۵ متعین مالوا گردیده تا سنه ۲۹ در حضور خدمت مینمود از
مخصوصان حضرت بود انجام حال او معلوم نشد عادل خان پسر شاه محمد خان قلاتی در سنه احد اکبری

بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۵ در مهم مالوا تردد کرده در سنه ۱۲ در ایلغار تنبیه خان
زمان شیبانی در رکاب تلاش مردانه نموده در سنه ۱۳ در جنگ با شیر زخم خورده هلاک شد عادل خان
دیگر در سنه ۴۴ اکبری بمنصب و خطاب خانی سربلند و به اتفاق مرزا خان در دکن تردد نموده بود دیگر
احوال او معلوم نشد عبد المطلب خان ولد شاه بداغ خان در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر
افراخته در سنه ۶ در فتح قلعه میرتهه در تعیناتی مرزا شرف الدین مصدر تردد شده در سنه ۱۰ در جنگ
گجرات و در سنه ۲۵ در مالوا و در بنگاله و در سنه ۲۶ در صد و در کابل در جنگ با مرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت
ترددها نموده و در سنه ۳۰ بمنصب هزار و پانصدی مامور گردیده در سنه ۳۲ در کارزار تیلا تلاش مردانه
نموده در سنه ۴۰ بمنصب دو هزاری رسیده فوت کرد انجبرو در اکثر معارک ترددهای نمایان نموده
علاول خان در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲ بفوجداری جائی سربلند
و مصدر ترددات نمایان بوده دیگر از احوال او هیچ معلوم نشد عظمت خان در عهد اکبری بمنصب
و خطاب خانی سربلند بود و بنا به موافقت احوال گجرات باز شخند اشت در سنه ۱۲ فوت کرد
عنایت خان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده بود در سنه ۱۸ در مهم گجرات در رکاب ترددی
نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد عنایت خان عنایت الله منصبی داشت در سنه ۹ جهانگیری
باین خطاب و در سنه ۱۰ باضافه پانصدی و در سنه ۱۳ به بخشی گری احدیان سرفراز شده در همان
سال فوت نمود عنایت خان محمد نور ولد سلاح خان در عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی سرافراز بود

در سنه ۱۱

در سنه ۱۱ بخطاب عنایت خان و بمنصب نهصدی سربرافراخته در سنه ۱۳ خدمت نمایانی نموده در
سنه ۱۸ درگذشت عنایت خان عنایت الله ولد ظفر خان احسن الله منصبی داشت در سنه ۲۱
شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۳ بخدمت داغ و بخطاب عنایت خان و در سنه ۲۹ به منصب
هزار و پانصدی سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری استعفای نوکری نموده در سنه ۶ بسالیانه
بیست و چهار هزار روپیه در کشمیر نشسته بود ارسکتی ها بیک نام رفت تاریخ شاه جهان نامه را خوب
نوشته است عنایت خان دیگر در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب و در سنه ۱ به دیوانی
خالصه و در سنه ۱۱ به منصب نهصدی و در سنه ۱۴ بحکومت چکله بریلی و در سنه ۱۸ بفوجداری
خیرآباد و در سنه ۲ بار دوم به دیوانی خالصه از تغیر کفایت خان جعفر بیک و در سنه ۲۴ به دیوانی
رکاب و آینده بفوجداری اجمیر سرفراز شده و در سنه ۲۶ در آن جا رحلت کرد عنایت خان
ولد اسد خان وزیر مشهور قرابا ملو منصبی داشت در سنه ۳۲ عالمگیری با بخطاب سربلند
بود دیگر احوال او معلوم نشد عنایت خان ولد لطف الله خان بن علامی سعد الله خان در
اواسط عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربرافراخته آینده بنظم صوبه برهانپور مقرر
شده در سنه ۴۱ از آن جا معزول گردیده تا آخر عهد خدمت نمود در جنگ سلطانی از طرف
بادشاه زاده محمد معظم هراول بوده بمقابله بادشاه زاده محمد اعظم شاه بمردانگی ها
بکار آمد عمر خان افغان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود در سنه احد

در جنگ با رانا بعد حرب صعب بکار آمد عشقی خان در سنه ۲۵ اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز
و در سنه ۲۵ تعیین بنگاله شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عالم خان در سنه ۴۱ اکبری بمنصب
و به این خطاب سربلند و همراه خان خانان در جنگ دکهنیان تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم
نشد عالم خان سردار قبیله لوحانی در سنه ۴ عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سربلند بود تا
سنه ۸ خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد عرب خان در سنه ۴۳ اکبری بمنصب و بخطاب
عرب خان سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد عرب خان خانی در اوایل عهد جهانگیری
بمنصب شش صدی و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۲ بفوجداری جلال آباد مضاف صوبه
کابل و در سنه ۵ بفوجداری محالات قرب جوار دهلی مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد
عرب خان نور محمد عرب منصبی داشت و در سنه ۴ شاهجهانی خدمت مینمود و در سنه ۸ تهانه دار
ظفرنگر از انتقال مصطفی خان و بخطاب عرب خان سرافراز شده در سنه هشتم و در سنه ۹ در
تعیناتی خان دوران ترددات مردانه نموده در سنه ۱۱ بقلعه داری و هارور از قلاع دکن مقرر
گردیده در سنه ۱۸ بمنصب دوهزاری دوهزار سوار نام بر آورده در ۴ سنه ۲۷ در آن جا فوت
کرد عرب خان بهادر بیگ عرب داراشکوهی در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود
در سنه ۳۰ بمنصب هزاری و خطاب عرب خان سربلند گردیده آینده از کومکیان صوبه کابل بود در سنه
دهم عالمگیری هنگام تهانه داری باجور فوت کرد سید عرب خان سید عبدالله در سنه ۲۲ عالمگیر
منصبی

منصبی داشت آینده بخطاب عرب خان سرافراز شد بقیصری پایی عتاب آمده بود در
سنه ۲۶ به بحالی خطاب و در سنه ۳۰ بداروغگی توپخانه از تغیر صلابت خان سربلند گردیده
در مورچال حیدرآباد دستگیر رفته بعد دو روز خلاص شده آمده خدمت مینمود انجام حال او معلوم
نشد علیخان کاکر در آخر عهد اکبری به منصب هزاری و به این خطاب سرافراز گردیده بود دیگر
احوال او معلوم نشد علی خان در آخر عهد اکبری بمنصب و به این خطاب و بداروغگی نقار
خانه سرافراز شده بود در سنه ۲ جهانگیری بخطاب نوبت خان مامور گردیده تتمه احوال او در ذیل
خطاب نوبت خان بقلم خواهد آمد علیخان نیازی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی
سرافراز بود و تا سنه ۱۰ خدمت مینمود در سنه ۱۱ بخطاب نصرت خان مامور شد تتمه احوال او
در ذیل خطاب نصرت خان نوشته خواهد شد علی خان نبیره شیخ سلیم چشتی در عهد جهانگیری بمنصب
دوهزاری و به این خطاب سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد علیخان ترین در
آخر عهد جهانگیری به منصب و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۱ شریک بغی سلطان خرم
گردیده در سنه ۱۲ در جنگ با شریف الملک ناظم تهته که از طرف سلطان شهریار بود مردانه
کشته شد خواجه علیخان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سربلند و در سنه
در دکن مصدر ترددات بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالعزیز خان خواجه عبدالعزیز نقشبندی
در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و خطاب صادق خان سرافراز شده بود در سنه ۱۰

خطاب خانی برنام خود و در سنه ۱۳ بمنصب دو هزاری ممتاز و در سنه ۱۵ بنظم صوبه قندهار
از تغیر بهادر خان اوزبک مقرر شده و در سنه ۱۶ بمنصب سه هزاری نام بر آورده در سنه ۱۸
چون شاه عباس فرمان روائی ایران محاصره قلعه نموده برخاسته آمده و در سنه ۱۹ حکم احضار
او صدور یافته بود انجام حالش معلوم نگشت عبد العزیز خان شیخ عبد العزیز در سنه احد عالم
گیری بمنصب هزار و پانصدی و بجلدوی تردداتی که در جنگ اکبرآباد با سلطان دارا شکوه
بیت و یکزخم برداشته بود بخطاب خانی برنام خود و بقلعداری رالسین سرافراز شده در سنه
بفوجداری سهرند از انتقال باقر خان و آینده بقلعه داری جیر مقرر گردیده در سنه ۲۹ در آن جا
رحلت کرد عبد العزیز خان ابو الخیر نام ولد عبد العزیز خان شیخ عبد العزیز در اواسط عهد عالم
گیری بخطاب خانی و بمنصب برنام خود و در سنه ۲۹ بقلعه داری جیر از انتقال پدر سرافراز شده
بود و در سنه ۵ بخطاب پدر و بتولیت روضه شیخ عبد اللطیف برهان پوری مامور گردیده بود انجام
کار او معلوم نشد عابد خان ولد نظام الدین احمد بخشی گجرات در سنه ۱۱ جهانگیری به منصب
و بخطاب خانی و به بخشیگری صوبه کابل سرافراز بود و در سنه ۱۲ بمنصب هزاری و بیوتاتی حضور مباهات
اندوخته در همان سال بدکن رفته در سنه ۱۶ اشتراک بغی سلطان خورم بود و در سنه ۱۹ در بنگاله
در کارزار با ابراهیم خان ناظم آن جا کشته شد عابد خان خواجه عابد برادر خواجه بهاء الدین
قاضی سمرقند ولد شیخ عالم در سنه ۲۴ شاه جهانی از بخارا آمده بمنصب هزاری سرافراز شده

بود و در سنه احد عالم گیری بمنصب چهار هزاری و بخطاب خانی برنام خود سر بلند گردیده
در سنه ۲۳ بخطاب قلیچ خان نامور گشته تتمه احوال او در ذیل خطاب قلیچ بقلم خواهد
آمد این مرد از خوبان و شجعان روزگار بود عاقل خان خواجه عاقل منصبی داشت در سنه ۱۲
جهانگیری بخطاب خانی برنام خود و بمنصب هزار و پانصدی و خدمت بخشیگری احدیان سر
فراز شده و در سنه ۱۴ بمنصب دو هزاری رسیده بود انجام حال او معلوم نشد عاقل خان
عنایت الله ولد امانت خان برادر افضل خان ملا شکر الله در اوائل عهد شاه جهانی
بمنصب هفت صدی و در سنه ۲ بمنصب هزاری و بخطاب عاقل خان و بیوتاتی کارخانه از تغیر
ملتفت خان و در سنه ۱۳ به اضافه پانصدی و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری و خدمت خالصات
از تغیر مکرمت خان و در سنه ۲۱ بعد عزل خالصات بخدمت عرض و قایع و رسالهٔ انعام از انتقال موسوی خان
و در سنه ۱۹ پس از عزل خدمت عرض وقایع باز بخالصات از تغیر سعد الله خان و بعد دران سال بعد
عزل خالصات بمنصب دو هزار و پانصدی و خدمت تن بخشیگری از تغیر خلیل الله خان و در سنه ۲۰
بمنصب سه هزاری و الا رتبه شده در سنه ۲۲ فوت کرد عاقل خان میر عسکری خافی منصبی داشت
در سنه احد عالم گیری به این خطاب و در سنه ۲ بفوجداری میان دو آب و در ششم بداروغگی دیوان
خاص از انتقال الله یار خان و در سنه بداروغگی ڈاک چوکی بخشی دوم در ایام شاهزادگی عالمگیر بادشاه
منصبی داشت در سنه احد الشان به این خطاب نام بر آورده بحراست حصار شهر دولت آباد در همین

سال بقلعه داری قلعهٔ دولت آباد از تغیر اعتبار خان خواجه سرا و بمنصب هزار و پانصدی سرافراز
شده و در سنه ۴ حضور طلب گردیده به فوجداری میان دوآب از تغیر غضنفر خان مقرر شده و در سنه ۸
منزوی گردیده در سنه ۱۱ اعتبار منصب دوهزاری نموده و بداروغگی دیوان خاص از انتقال الله یار خان
نام بر آورده آینده بخدمت ڈاک چوکی سر بر افراخته در سنه ۱۸ منزوی بود آینده باز منصب اختیار نموده
در سنه ۱۹ باز منزوی شده در سنه ۲۰ باز منصب اختیار نموده در سنه ۲۲ بخدمت تن بخشی گری از
تغیر صفی خان و در سنه ۲۴ بنظم صوبه دار الخلافت و آخر به منصب سه هزاری سرافراز شده در سنه ۲۴
دفتر صدق و صفا و وقار و استغنا و توفیقات را با هزاران نیک نامی ها با خود برد عاقل خان میر
کرم الله ولد شکر الله خان خافی خویش عاقل خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب هفتصدی و به این
خطاب سربلند و داخل مصاحبان حضور بود که حسب الحکم پروانگی اضافه پانصدی عنایت الله خان به مهر
خود داده بود در سنه احد بهادر شاه باضافه صدی نام بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد عقیدت خان
خواجه ابراهیم حسین منصبی داشت در سنه ۱۳ جهانگیری به خطاب عقیدت خان و به منصب هزاری سرافراز
شده به بخشی گری دکن مقرر گردیده در سنه ۱۹ که عساکر قاهره بکومک مرزبان بیجاپور تعین شده بود چون
شکست بر بیجاپوریان افتاد و خان مذکور به دست عنبر حبشی جانشین نظام الملک اسیر رفته خلاص گردیده بود
در عهد شاه جهانی بمنصب سابق بحال مانده در سنه ۴ فوت کرد عقیدت خان ملا عبد اللطیف
گجراتی از نوکران لشکر خان در سنه ۵ شاه جهانی به منصب هفت صدی نو سرافراز شده بدفتر تن

از تغیر رای

از تغیر رای ماهیداس مقرر گردیده در سنه ۸ برسالت حیدرآباد رفته در سنه ۹ مراجعت نموده در سنه ۱۱
به این خطاب و بمنصب هشتصدی نام بر آورده در همان سال بنابر کبر سن از خدمت فوطه دار
تن از تغیر رای ماهیداس مقرر گردیده در سنه ۸ برسالت حیدرآباد رفته در سنه ۹ مراجعت نموده
در سنه ۱۱ باین خطاب و بمنصب هشتصدی نام بر آورده در همان معزول گردیده در سنه ۱۲ در گذشت
عقیدت خان محمد طالب اولیت پسر امیر الامرا شایسته خان در عهد شاه جهانی منصب پانصدی داشت
در سنه احد عالمگیری بمنصب دوهزاری و بعد چندی باین خطاب و در سنه ۲ بقلعه داری دولت آباد
سرافراز شده در عهد ایشان ازین جهان رفت عقیدت خان میر محمود برادر اصالت خان
عهدی در سنه ۱۳ عالمگیری از ولایت آمده در سنه ۱۴ بمنصب هزاری و به این خطاب مباهی معزز شده
تا سنه ۲۰ بخدمت میمنه و انجام حال او معلوم نشد عقیدت خان ولد امید خان بن خلیل الله خان در
آخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب عقیدت خان سرافراز شده مدت ها زیست و در عهد عالمگیر
ثانی رحلت کرد غنمان خان منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و دو صدی سربلند شده
باین خطاب نامور بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد غنمان خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
خانی و در سنه ۴۴ بخدمتی سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد عزت خان بابا خواجه در سنه ۱۴
جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب دوهزاری و بخطاب عزت خان و
بفوجداری بهکر سر برافراخته در سنه ۸ رحلت کرد عزت خان عزیز الله ولد یوسف خان بن حسین خان

تکریه و در سنه ۱۶ جهانگیری بعد فوت پدر به منصب هزاری و در سنه ۱۰ انجا بزه زد و در جنگ با سلطان
خورم باغی بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۱ شاه جهانی بخطاب عزت خان و در سنه ۱۱ انجا بزه
تردد و در جنگ با قزلباش در قندهار باضافه پانصدی و در سنه ۱۲ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و بقلعه داری
قلعه بست و کرشک و در سنه ۱۴ بخطاب خانی بر نام و الارتبه شش و در سنه ۱۰ از آن جا رحلت کرد عزت الله
خان پسر خورد خلیل الله خان در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و آینه بخطاب خانی بر نام خود سربلند شده
در سنه ۲۶ بمیر توزکی و در سنه ۲۹ به بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۴۶ بقلعه داری قندهار دکن از تغیر
سرافراز خان سرافراز گردیده تا سنه ۴۹ خدمت می نمود **عنایت الله خان** خواجه عنایت الله نقشبندی
در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب شش صدی و در اواسط عهد بمنصب هفتصدی و در سنه ۱۲ بخطاب
خانی و به منصب هزاری و خدمت میر توزکی سرافراز شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد عنایت
الله خان کشمیری منصبی داشت و مشرفی جواهر باز ارداشت در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب چهار صدی و
استیفای ایمه و در سنه ۵ به بمنصب شش صدی و بخطاب خانی بر نام خود و به نیابت دیوانی خالصه
از تغیر رشید خان بدیع الزمان تا آمدن او در سنه ۱۶ به بمنصب هفتصدی و بدیوانی تن از تغیر امانت
خان میر حسین و در آن ایام هم بدیوانی صرف خاص و در سنه ۱۸ به نیابت خدمت دستخط اسد خان بنظر
بعرض اسد خان که در دستخط کردن تهانه وانتهایی نمود و در سنه ۲۲ بمنصب هزاری و در سنه ۴۴ بدیوانی
شاهزاده بیدار بخت بهادر و در سنه ۴۸ از انتقال رشید خان بدیوانی خالصه و ضمیمه دیوانی تن و بمنصب

هزار و

هزار و پانصدی و دو صد و پنجاه سوار از آن جمع بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۵ بعنایت
اجازت ایستادن در کتهره سرالفلک سوده در زمره احداثی و سرانجام مهام هر دو دیوانی یگانه
آفاق بوده در ایام خلافت بهادر شاه و محمد فرخ سیر و محمد شاه بنظم کشمیر و میر سامانی و نیابت
وزارت مقرر شده و بمنصب شش هزاری رسیده و در سنه ۱۰ محمد شاه فوت کرد عسکر خان
عبد الله بیگ نجم ثانی دارا شکوهی در اواسط عهد شاه جهانی منصبی داشت و در سنه ۲۶ بمیر بخشی
گری شاهزاده دارا شکوه مقرر بود و در سنه ۳۰ به این خطاب سربلند شده بود و در سنه احد عالمگیر
بمنصب سه هزاری و در سنه ۳ بفوجداری بنارس از تغیر شرف خان بیگ سر برافراخته در سنه ۴
در سلک کومکیان بنگاله انتظام یافته و در سنه ۵ و در سنه ۸ در بنگاله ترددات نموده تا سنه ۲۳
مصدر خدمات شایسته بود دیگر احوال او معلوم نشد عسکر خان شکر الله نجم ثانی ولد جعفر بیگ
برادر باقر خان نجم خانی در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در اواسط عهد بخطاب خانی بر نام خود
سرافراز بود در سنه ۲۷ به این خطاب مباهی گشته انجام حال او معلوم نشد عسکر خان حیدر آبادی
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز شده و در سنه ۸ به نظم صوبه اوده و در سنه ۴۲
بنظم صوبه برار و در سنه ۴۳ به نظم صوبه محمد آباد بیدر لوای مباهات برافراشته بود انجام حال او
معلوم نشد عسکر خان برادر مطلب خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و به این خطاب سربر
افراخته بود بعد رحلت آنحضرت از پیش اعظم شاه باضافه پانصدی نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد

عباس خان در آخر عهد شاه جهانی بمنصب و به این خطاب سر بر افراخته تا سنه احد عالمگیری بخدمت
مینمود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالنبی خان شیخ عبدالنبی از نوکران سعدالله خان در سنه ۳۰ شاه جهانی
بمنصب هزاری سرافراز شده رفاقت بادشاهزاده داراشکوه اختیار نموده بود در سنه احد عالمگیری
بمنصب دو هزاری و فوجداری اما و او بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۲ بفوجداری چکله
سهرند از انتقال قاسم خان و در سنه ۳ بفوجداری متهرا از انتقال شیخ عبدالکریم معزز شده در سنه ۱۲ بر
دیهی تاخته بود مردانه بکار آمد و سه هزار اشرفی و سیزده لک روپیه و جنس چهار لک روپیه بضبط آمد عبدالنبی خان
روز بهانی منصبی داشت در سنه ۲۵ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و بداروغگی توپخانه دکن سرافراز شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالرحیم خان ولد اسلام خان میر عبدالسلام در آخر عهد شاه جهانی
منصب هفتصدی داشت در سنه ۳ بداروغگی خواصان از تغیر ناصر چیله مقرر شده در سنه ۲ عالمگیری
بخطاب خانی بر نام خود و باضافه منصب سر بر افراخته در سنه ۱۹ بداروغگی دیوان خاص و در سنه ۲۴
به تن بخشی گری نام بر آورده در سنه ۲۵ فوت کرد خواجه عبدالرحیم خان ولد خواجه ابوالقاسم خان
بن میر دوست محمد از سادات اندجان که در عهد جهانگیری از ولایت آمده بود خان مسطور منصبی داشت
در سنه ۲۹ عالمگیری بخطاب خانی بنام خود و در سنه ۳۲ بمنصب هزار و پانصدی و به بیوتاتی رکاب
سرافراز شده در سنه ۴۲ فوت کرد در نستعلیق شکسته یگانه روزگار بود و از اکابر زمانه عبدالرحیم
خان برادر غازی الدین خان فیروز جنگ منصبی داشت در عهد عالمگیری بخطاب خانی و در سنه ۴۳

بمنصب

بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده بود در عهد محمد شاه فوت کرد عبدالرحیم خان پسر
فاضل خان برهان الدین منصبی داشت در سنه ۴۷ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و خدمت بیوتاتی
رکاب سربلند گردیده بعد چند روز بعمر نوزده سال از زندگانی خود سیر شد عبدالرحمان خان ولد اسلام خان
میر عبدالسلام در آخر عهد شاه جهانی منصبی داشت در عهد عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود سربلند و
به بخشی گری قورقاییچی مکاری دکن مقرر شده تا سنه ۲۲ باین کار مامور مانده در سنه ۴۳ عبدالرحمان
خان نامی منصبی داشت هزار و پانصدی و بداروغگی عرض مکرر مقرر بود بعد رحلت حضرت بمنصب دو
هزاری از پیش اعظم شاه نام بر آورده دریافت نشد که عبدالرحمان خان مذکور است یا دیگری
عبدالله خان عبیدالله خان خواجه عبیدالله برادر خواجه لطف الله و الا شاهی عالم که بادشاه در اوایل
عهد الشان بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سربلند شده آینده به تقصیری معاتب گشته در سنه
۱۲ الی حالی منصب و خدمت داروغگی دیوان خاص والا پایه گردیده آینده بقلعه داری اکبرآباد مقرر
شده در سنه ۴۶ معزول گردیده بود در عهد الیشان از این جهان رفت عبدالرسول خان در اوایل عهد
عالمگیری منصبی داشت در صوبه بنگاله و دکن خدمت مینمود در سنه ۱۰ در دکن ترددی نموده به
خطاب خانی بر نام خود سرافراز بود در سنه ۹ بقلعه داری کلبرگه مقرر شده تردد مینمود دیگر احوال او
هیچ معلوم نشد علی بیگ خان ولد اسلام خان رومی در سنه ۱۲ عالمگیری از بصره همراه پدر آمده بمنصب
هزار و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده در سنه ۱۹ در دکن همراه پدر بکار آمد

عنایت الدین خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی و در سنه ۲۵ به دیوانی بندر سورت سر
افراز بود دیگر احوال او معلوم نشد سید عبد الوهاب خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز
و سپاهی تمام عیار بود دیگر احوال او معلوم نشد عبد الوهاب خان خاندیسی در آخر عهد عالم
گیری بمنصب و خطاب خانی بر نام خود و بفوجداری بعض محال خالصهٔ شریفه سرافراز شده بود دیگر
احوال او دریافت نشد عبد الرزاق خان لاوی حیدرآبادی در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی
سر برافراخته در سنه ۲۶ بفوجداری کوکب و منصب چهار هزاری و در سنه ۴۱ بفوجداری کوکن عادل
خانیه سربلند شده بود انجام حال معلوم نشد عبد الرزاق خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب شش صدی
و به این خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت حضرت رفیق شاهزادهٔ کام بخش گردید دیگر احوال او
معلوم نشد عزیز خان چغتائی ولد بهادر خان روهیله در اواسط عهد عالمگیری منصبی داشت در سنه ۳۷
بتقصیر اغوای پادشاهزادهٔ محمد معظم معاتب شده در سنه ۴۶ بعد خلاص شدن آن پادشاهزاده
که همراهان هم بعفو تقصیر از غضب سلطانی برآمدند و خان مشار الیه درین عهد بخطاب خانی بر نام خود
و در سنه ۵ بمنصب سه هزاری و بافزایش لفظ چغتائی بدستور پدر نامور گردیده در عهد محمد شاه
منصب هفت هزاری رسیده فوت کرد سید عظمت الله خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و در آخر عهد
بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۴۸ بمنصب دو هزاری رسیده در سنه احد بهادر شاه بفوجداری حصار
نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد عبد الصمد خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب هزاری و پانصدی

و در آخر

و در آخر عهد بخطاب خانی و بفوجداری احمدآباد گهوره مضاف صوبهٔ الهآباد سرافراز شده در سنه ۴۰
معزول گردیده بود در سنه احد بهادر شاه باضافهٔ پانصدی نام برآورده در عهد فرخ سیر کردی شقی
را دستگیر کرده آورده بصوبه‌داری لاهور و ملتان مباهی شده فوت کرد عبد الغفور خان در آخر
عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی داشت در سنه ۴۴ بقلعه‌داری بهادرگده از قلاع دکن از تغیر
مغلخان مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عطاء الله خان برادر امان الله خان نبیرهٔ الله
وردیخان جعفر در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سربلند شده در سنه ۴۸ هنگام تسخیر
قلعهٔ بوریا مصدر ترددات نمایان گردیده در سنه احد بهادر شاه باضافهٔ پانصدی نام برآورده بود
دیگر احوال او معلوم نشد عتیق الله خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و بخطاب خانی سربلند
شده بفوجداری و ها موتی و امانت و فوجداری چکله مضافات صوبهٔ اکبرآباد مقرر گردیده مدتها به انجام
کار پرداخته در عهد محمد شاه به آن جهان رفت عبد الحمید خان ولد قاضی عبد الله در آخر عهد
عالمگیری بمنصب هشتصدی و بخطاب خانی و ظاهرا به دیوانی گجرات سر برافراخته در سنه احد بهادر
شاه به بحالی دیوانی آنجا و به اضافهٔ صدی نام برآورده بود احوال او معلوم نشد عارف خان
کشمیری در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سر برافراخته بود بعد رحلت حضور به دیوانی
کشمیر مقرر شده بود در سنه فوت کرد عبد الجبار خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و بخطاب خانی سر
بلند بود بعد رحلت حضرت به اضافهٔ صدی نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد علی نقی خان

در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب و بدیوانی اورنگ آباد سربلند بود و در سنه احد بهادر
شاه بحال ماند دیگر احوال او معلوم نشد **علی احمد خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب
و بفوجداری سانهر سربلند بود و در سن احد بهادرشاه بمنصب هشتصدی نام برآورده دیگر
احوال او معلوم نشد **عبد القادر خان** در عهد عالمگیری بمنصب هفتصدی و بخطاب خانی و دیوانی ارد کی
کرک اف خانه سرفراز بود و در سنه احد بهادرشاه باضافه صدی نام برآورده دیگر احوال او معلوم
نشد **عبد الواحد خان** در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و آخر بخطاب خانی سربرافراخته تا سنه ۱۰
خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد **علیمردان خان** کوکه شاهزاده معز الدین در عهد عالمگیری
بمنصب و بخطاب خانی نامور بود و در سنه ۱۰ جلوس بمنصب یا لصدی سرافراز شده
در عهد معز الدین بادشاه بمنصب هفت هزاری و بخطاب خانجهان برادر و بخدمت میر بخشی گری
والا پایه شده در جنگ با فرخ سیر بادشاه رایت جان بازی مردانه وار برافراخت **او رخت**

حرف غ — غنی خان

ولد منعم خان در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته تعینات کابل بوده در سنه
بجو درایی ۱۲ از کابل برآمده رسوای خاص و عام شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد **غیاث الدین خان**
ولد آقا ملا قزوینی در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی و در سنه ۱۰ به خطاب آصف خان سرفراز شده
بود تتمه احوال او در ذیل خطاب نوشته شد میر غیاث الدین خان جاریت پور اسلام خان.

عبد السلام

عبد السلام در سنه ۱۲ شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب یا لصدی و آینده بخطاب و هشتصدی منصب سر
بلند شده بود و در سنه ۲ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و بخشی گری صوبه اورنگ آباد و در سنه ۴ بحکومت
بندر سورت از انتقال رعایت خان و در سنه دهم به بخشی گری دکن از انتقال محمد تقی خان سربرافراخته بود در سنه ۲۲
رحلت نمود **غیاث الدین خان** دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و بخشی گری صورت سربلند
بود تا سنه ۲ بهادرشاه خدمت نمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد **غازی خان** قاضی نظام بدخشی نوکر میرزا سلیمان
حاکم بدخشان بوده در سنه ۱۹ اکبری از کابل آمده بمنصب هزاری و به این خطاب مامور شده و در سنه ۲۵ در تعیناتی
بنگاله اتر وداع نمود و در سنه نوزدهم فوت کرد **غازی خان** بلوچ در سنه ۲۰ اکبری از ضلالت برآمده به اطاعت
گزیده بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته تا سنه ۴۱ خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد
غازی خان قزوینی در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲۰ در تعیناتی بنگاله
درگذشت **غازی خان** ککهر در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۴۱ همراه خان
خانان در جنگ با دکهنیان و در سنه ۴۶ باتفاق دیگر بندها بر زم شدید پیوسته ظفر یافته بود دیگر احوال
معلوم نشد **غیاث خان** زنجانی در سنه ۴ جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سرافراز
شده در سنه ۵ عوض تقصیر کوتاهی در جنگ در صوبه بهار تشهیر گردیده و هم در سنه مذکور تقصیر او بعفو
مقرون شده در سنه ۱۰ بمنصب دو هزاری نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نگشت **غضنفر خان**
زمیندار جالور از مضاف صوبه اجمیر در سنه ۲۰ اکبری بمنصب چهار صدی سربلند بود در سنه جهانگیری

بخطاب خانی و در سنه ۵ بمنصب دو هزاری و بجایزهٔ تردد در تنبیه رانا همراه عبدالله خان بهادر باضافهٔ
پانصدی بلندی گرا شد و در سنه ۸ در معرکه‌ها ترددات و جان فشانی‌ها نموده بود و در سنه ۹ فوت کرد
غیرت خان از سادات بارهه منصبی داشت در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و به این
خطاب سرافراز شده در سنه ۱۵ در صلح کابل در جنگ با افاغنهٔ کوهستان شهید شد غیرت خان
خواجه کامگار برادرزادهٔ عبدالله خان بهادر فیروز جنگ منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی در جنگ
با خان جهان لودی همراه عم خود تردد نمود و چون عمش سر خان جهان را مصحوب مشارالیه بحضور پرنور
فرستاده در سنه ۳ بجلدوی این خدمت و ظاهرا بداروغگی عمارت قلعهٔ شاه جهان آباد و کندن
نهر فیض به این خطاب و در سنه ۱۰ بمنصب دو هزار و پانصدی و بنظم دار الخلافه و در سنه ۱۱ بجایزهٔ تردد
در جنگ با بیجاپوریان بغایت تحسین و آفرین و در سنه ۱۳ بنظم صوبهٔ تهته و بمنصب سه هزاری نام
برآورده در سنه ۱۴ او در آن جا فوت کرد غیرت خان باقی بیگ دارا شکوهی منصبی داشت در سنه ۲۲
شاه جهانی به این خطاب و در سنه ۱۲ بخطاب بهادر خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل
خطاب بهادر خان بقلم آمده غیرت خان میر مراد ولد میر موسی مازندرانی در آخر عهد شاه
جهانی منصب هفت صدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و به این خطاب و در سنه ۲
باضافهٔ پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی و بقلعه‌داری رهتاس از تغیر شاه قلیخان و بعد چندی
باضافهٔ پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی و بقلعه‌داری چنار گده سرفراز شده در سنه ۳ در آن جا

فوت کرد

فوت کرد غیرت خان محمد ابراهیم نام ولد نجابت خان چغتایی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی
و در سنه احد عالمگیری بمنصب پنجهزاری و بخطاب شجاعت خان و خانعالم و در سنه ۳ بعد عفو تقصیر این خطاب
و در سنه ۳۴ بخطاب مرزا خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب مرزا خان بقلم خواهد آمد غیرت
خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و به این خطاب سربلند شده در سنه ۴۸ بقلعه‌داری ارک اسلام
پوری از تغیر مرید خان مقرر شده بود بعد رحلت آنحضرت در ایام فوجداری مانک پور اضافه یافت دیگر
احوال او معلوم نشد **غضنفر خان** ولد الله وردی خان کلان در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب و در سنه ۱۱
بداروغگی توپخانه و در سنه ۲۲ بجلدوی ترددات تلاش‌های نمایان در کارزارهای بلخ و بدخشان به منصب
هزاری و بخطاب خانی بر نام خود و بعد از آن همراه پدر هنگام تسخیر قلاع دکن تردد نموده و در سنه ۲۸ بخطاب
و بخدمت میر توزکی مقرر شده و در سنه ۲۹ در مهم قندهار تردد نموده در سنه ۳۰ بفوجداری میان دوآب
مقرر شده و در سنه ۳۰ معزول گردیده در سنه ۳۱ بفوجداری مذکور از تغیر حسین بیگخان که اهتمام عمارات مخلص پور
آوردن نهر دولت خانه بعهدهٔ او بود تا حال بانجام نرسیده بود مقرر گشته در سنه احد عالمگیری باز به
فوجداری مذکور از تغیر فدائی خان و باضافهٔ منصب و در سنه ۲ بسبب انضمام فوجداری دون بمنصب دو هزار و
پانصدی دو هزار و پانصد سوار و در آخر سال بفوجداری جونپور از تغیر مکرم خان نام برآورده در سنه ۵ تغیر گردیده
در سنه ۶ بحضور آمده بنظم تهته از تغیر لشکرخان و بمنصب سه هزاری سرافراز شده در سنه ۸ او در آن جا فوت کرد
غضنفر خان قباد بیگ اوزبک میرآخور از طرف نذر محمد خان والی بلخ بقلعه‌داری قلعهٔ غوری مقرر

می بود در سنه ۱۹ شاه جهانی چون ولایت بلخ مفتوح شد و قلعهٔ مذکور بتصرف اولیای دولت در
آمد مشار الیه بندگی درگاه اختیار نموده بمنصب هزاری ممتاز گردیده در سنه ۲۱ بخطاب خانی و باضافهٔ
پانصدی و بخدمت قوش بیگی و در سنه ۲۲ بمنصب دو هزاری سربلند گردیده متعین مهم قندهار شده در سنه ۲۳
بجایزهٔ تلاشهای مردانه در مهم قندهار در صف جنگ با قزلباش بمنصب دو هزار و پانصدی و بعد رسیدن
در اکبرآباد به منصب سه هزاری مباهات اندوخته در سنه ۲۵ همراه شاهزادهٔ عالمگیر مکرر بتعین مهم قندهار
گردیده در سنه ۲۶ همراه شاهزاده دارا شکوه متعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۸ بجایزهٔ سرانجام
خدمت قوش بیگی بتعینات اسپ عراقی سربلند سوده بود در سنه احد عالمگیری بنظم ٹهٹه و منصب
چهار هزاری هزار سوار نام برآورده در تعاقب دارا شکوه ایلغارها رفته در سنه ۳ معزول شده در سنه ۹
بحضور آمده در سنه ۹ در سفر کشمیر در رکاب بوده در سنه ۹ همراه راجه جی سنگه بدکن تعین گردیده در سنه ۲۴
بحضور آمده در سنه ۱۱ همراه محمد امین خان متعین کابل گشته آینده بخطاب عظمت خان نامور شده در سنه
مصدر خدمات پسندیده شده در سنه ۲۶ بنوازش علم و طوغ نامور شده بود انجام حال او معلوم نشد
عظمت خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب پانصدی و به این خطاب سرافراز بود و بعد رحلت آنحضرت
از پیش اعظم شاه باضافهٔ صدی نام برآورده بود ظاهرا در جنگ اکبرآباد بکار آمد **غالب خان** دکهنی
در سنه ۳۳ عالمگیری بجلدوی حواله کردن قلعه پرنیدا بمنصب چهار هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در
سنه ۴۱ مصدر تردد شده بود انجام حال او معلوم نشد غالب خان ولد رستم خان بیجاپوری در آخر عهد عالم

کیری

کیری بمنصب و بخطاب غالب خان سر برافراخته در سنه ۴۷ بجلدوی ترددات به منصب چهار هزاری مباهات
اندوخته در سنه احد بهادر شاه باضافهٔ هزاری نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد **غازی الدین خان بهادر** فیروز جنگ
سپه سالار میر شهاب الدین نام ولد عابد خان در سنه ۱۲ عالمگیری از بخارا آمده بمنصب سه صدی سرافراز
شد و در سنه ۲ بجلدوی جرأت آوردن خبر حسن علیخان بهادر عالمگیرشاهی از محکمهٔ اودی پور به منصب پانصدی
و بخطاب خانی برنام خود سربلند شد و بقوت طالع و بجایزهٔ ترددات شایسته باضافهٔ منصب مباهات اندوخته در
سنه ۲۵ بمیر تختی گرز داران و در سنه ۲۶ بخطاب غازی الدین خان بهادر و در سنه ۲۸ بجلدوی سوختن
باری قلعه راهیری بخطاب فیروز جنگ و در سنه ۲۹ بعنایات و در سنه ۳۰ بعوض تردد هنگام فتح قلعه حیدرآباد
که زخمی شده بود بمنصب هفت هزاری ذات و سوار والا مرتبه گشته با آنکه در سنه ۳۲ بمرض باد دماغی نابینا
شده بود اکثر مصدر خدمات عمده مانده و نظم صوبجات بخوبی نموده حضرت را به حسن خدمت راضی داشته در سنه ۴۸
بجایزهٔ تعاقب هامی سندهیه باضافه سه هزار و دو اسپه سه اسپه و بخطاب سپه سالار و به انعام کرور دام کوس
نهایی دولت زده در سنه احد بهادر شاه بنظم صوبه گجرات مقرر شد و در سنه ۲ در آن جا رحلت کرد
بعضی کارها دست بسته از وی برآمده بود **غیور خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب هفت صدی و بخطاب خانی
و بقلعه داری و فوجداری پرینده سربلند بود و در سنه احد بهادر شاه اضافه صدی یافته بود و خدمت بهمنور
دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ف

فتح خان

دو نام چیران هنگام ورود رایات همایونی در سهرند بتقریب آوردن شکاری که حضرت سکون در

مبارک فرمودند با بخطاب و بعد رحلت ایشان در سنه احد اکبری بمنصب دو صدی سرافراز شده وبت
ہمنو و در سنه ۲۲ چون او بیماری چشم شد بنوبه حضرت صحت یافت و تا سنه ۴ ترددهای کرده ظاهر ادرین
سنه فوت کرد فتح خان مسند عالی از طایفهٔ فیلبانان از صغر سن نابر دوام حاضر باشتی در جناب اکبری قرب
منزلت داشته از روی طبقات اکبری بمنصب سربرافراخته خدمت ہمنو و در سنه ۱۹ متعین فرحت خان شده در سنه ۲۰
در تنبیه افاغنه چهار کهنه ترددها نموده در سنه ۲۱ بتعین لاهور کردیده در سنه ۲۳ بحکومت بهکر از انتقال اعتماد خان
خواجه سرا مقرر شد و در سنه ۲۵ متعین قاسم خان میر بحر بعزم تسخیر کشمیر شد و در سنه ۳۲ در اوده فوت کرد
از راستی بهره وافر داشت   فتح خان سور در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲ در جنگ با
دکهنیان همراه مرزا ایرج تردد نمایانی نموده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد **فرحت خان** مهترسکاهی از
غلامان همایونی در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب فرحت خان و بحراست لاهور سرافراز شده
در سنه ۱۲ اثنا بر تشریف بردن حضرت بجانب ادسر بعلبک سوده در سنه ۱۷ در الیغار گجرات همراه رکاب بوده
در سنه ۱۸ در الیغار دویم گجرات برزم سخت پیوسته تردد نمایان نموده در سنه ۱۹ بتسخیر قلعهٔ رهتاس نام
برآورده تا سنه ۲۰ در تنبیه اعدای آن ضلع بود در سنه ۲۱ در ایام حکومت پرگنه آره که بعد فوت منعم خان
ناظم بنگاله تمام مملکت بنگاله بتصرف داود کرانی رفته بود و راجه گجپتی محاصرهٔ قلعهٔ آره نموده بود و او
مردانه به آویزش پیوسته بکار آمد **فتح حسن خان** ولد قاسم حسین سلطان پدرش از اردکان
خوارزم و مادر او خواهر سلطان حسین مرزا در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سربلند شده

درسنه

در سنه ٥ خدمت نمایانی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد **فاضل خان** ولد خان کلان در سنه احد
اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سربلند شده متعین لاهور بود در سنه ۹ بکومک مرزا محمد حکیم
برادر خورد حضرت دارائی کابل مامور کردیده بود مراجعت نموده خدمت نمود انجام کار او معلوم نشد
فاضل خان آقا افضل بابت نظم لاهور از طرف اعتماد الدوله منصبی داشت در سنه ۱ جهانگیری با این خطاب
و در سنه ۴ بدیوانی بیوتات و در سنه ۸ به بخشی گری حضور و در سنه ۱۱ به بخشی گری دکن و در سنه ۲۱
بمنصب دو هزاری سرافراز شد و در عهد شاه جهانی بخطاب اعتماد خان مامور کردیده بود تتمه احوال او
در ذیل خطاب اعتماد خان نوشته شد   فاضل خان ملا علاء الملک تونی از علوم غریبه وقوف بافته
تمام یافته بود در سنه ۸ شاه جهانی از ولایت آمده با آصف خان طهرانی بلطهور آمد ندما بود در
سنه ۱۳ چون در لاهور آب تر از وی راه نهر آورده علیمردان خان درست نشد خان مسطور
پیچکروه راه نهر آورده علی مردان خان را از طرف شهر بحال داشته سعی دو کروه براه دیگر از دریای
راوی آب وافر آورد و در سنه ١٥ بعد فوت آصف خان بمنصب پانصدی و در سنه ۱۶ بدیوانی تن
و در سنه ۱۸ بمنصب هزاری صد سوار و در سنه ۱۹ بخدمت عرض وقایع از تغیر عاقل خان و در همین
سال بعد عزل خدمت عرض وقایع باضافهٔ پانصدی و در سنه مذکور بمنصب هزاری و پانصد
و بخدمت خان سامانی از تغیر عاقل خان و در سنه ۲۰ بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۳ با بخطاب و در سنه
قلعه داری شاه جهان آباد و باضافهٔ پانصدی و در سنه ۲۸ باضافهٔ پانصدی سرافراز شده بود در سنه

احد عالمگیری به بحالی خانسامانی و در سنه ۲ دوم باضافه هزاری و بخدمت داروغگی دار الانشا ضمیمه
خانسامانی و در سنه ۵ بمنصب پنجهزاری و در سنه ۸ بوزارت کل از انتقال راجه رگهناتهه کا یتهه سر بلند گردیده
بعد از هفده روز در گذشت   فاضل خان شیخ مخدوم تهتی منشی بادشاهزاده محمد اعظم در سنه ۲۲ عالمگیری
بمنصب هزار و پانصدی و خدمت دار الانشاء و در سنه ۲۶ ضمیمه دار الانشا بخدمت صدارت کل از تغیر شریف
خان نعمت اللهی و در سنه ۲۸ باین خطاب و در سنه ۲۹ ضمیمه خدمات مذکور بداروغگی عرائض از تغیر خدمت خان
خواجه سرا سرافراز شده در سنه ۳۳ فوت کرد   فاضل خان برهان الدین برادر زاده فاضل خان ملا علاء
الملک در سنه ۶ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب هشتصدی و آینده بخطاب قابل خان و در سنه ۸ بخطاب
اعتماد خان و در سنه ۲۴ به دیوانی تن سرافراز شده بود در سنه ۲۳ باین خطاب و بمنصب دو هزار و پانصدی
و بخدمت خانسامانی از تغیر کامگار خان مباهات اندوخته در سنه ۴۱ استعفا از خانسامانی نموده بنظم
صوبه کشمیر از تغیر ابو النصر خان مقرر گردیده در سنه ۴۴ بعزم حضور روانه شده بود در برهان پور
فوت کرد مرد صاحب کمال و مهذب بود و موقر و مستقیم الاحوال   فاضل خان خواجه بابا در آخر
عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سر برافراخته بعد رحلت آن حضرت انزوا اختیار نموده در آخر
سنه احد بهادر شاه بهمین خطاب نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد   فیروز خان در عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱ اترودی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   فیروز خان خواجه سرا
در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب ششصدی و بخطاب فیروز خان سرفراز بود تا سنه ۲۲ در حضور مانده در سنه ۱

شاهجهانی

شاه جهانی هنگام تقرر بخدمت نظارت باضافه منصب و در سنه ۸ به منصب دو هزاری و در سنه ۱۲ باضافه
منصب پانصدی و در سنه ۱۳ باضافه منصب پانصدی و بمنصب سه هزاری هزار و دو صد سوار و در سنه ۱۸
بمنصب سه هزاری هزار و پانصد سوار مباهات اندوخته در سنه ۱۲ در رهتاس پنجاب فوت کرد   سید فیروز خان
محمد فیروز برادر زاده سید خان جهان بارهه منصبی داشت در آغاز سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب هزاری چهار
صد سوار و بعد فوت خان جهان باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی و در آخر سنه ۱۹ به منصب هزار و
پانصدی هزار سوار و در سنه ۲ بمنصب دو هزاری هزار سوار و در سنه ۲۲ بخطاب خانی سرافراز شده در همین
سال بتعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۵ باز تعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۶ بعد رسیدن آنجا تردد نموده
در سنه ۲۶ باز همراه داراشکوه تعین مهم قندهار شده در سنه ۲۹ بفوجداری ایرج بهانه بر و شاهزاده پور
که از تغیر نجابت خان نجابت خان بخالصه شریفه مقرر گشته بود نام برآورده در سنه احد عالمگیری بتعین بنگاله شش
در سنه ۲۶ در مهم قندهار ترددی نموده در سنه ۲۹ بفوجداری بهانه بر مقرر گردیده بود در سنه ۲ عالمگیری
بخطاب اختصاص خان بقلم آمده   فیروز خان میواتی از نوکران بادشاهزاده داراشکوه در جنگ
سلطانی رفیق او بود بعد شکست دوم در ایام قرار بصورت قندهار تا بهکر همراهی نموده از وجدا شده
در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود و بخدمت چکله اتاوا از تغیر
عبد النبی خان سرفراز شده آینه بفوجداری لکهی جنگل مقرر گردیده بعد عزل آن بفوجداری و سهالپور
نام برآورده در سنه ۱ در آن جا فوت کرد   فیروز خان دیگر در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و

خطاب خانی سرافراز شده تا سنه ستی و دو خدمت نموده دیگر احوال او هیچ معلوم نشد **فرهنگ خان** ولد
فرحت خان مهتر سکاهی در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته متعین صوبه بهار بود در سنه ۲۱
که پدرش را با راجه گجپتی زمیندار عمده صوبه بهار کارزار رو داد بکومک پدر خود شتافته و بر زخم شدید
پیوسته با پدر خود بر سر قلعه آره کشته شد **فرخ خان** ولد خان کلان در اواسط عهد اکبری به منصب
پانصدی و بخطاب خانی سربلند شده در سنه ۳۰ در بنگاله ترددی نموده بود انجام حال او معلوم نشد
فولاد خان حبشی دکهنی در سنه ۴۵ اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت نموده
انجام حال او معلوم نشد سیدی فولاد خان منصبی داشت در سنه ۳۰ عالمگیری بخطاب خانی
و در سنه مذکور بکوتوالی دار الخلافه و در سنه ۳۰ بفوجداری دار الخلافه از تغیر فوجدار خان بلوچ و در
بفوجداری میوات و آینده باز بفوجداری دار الخلافت سر برافراخته در سنه ۵۰ در آن جا رحلت کرد
فدائی خان سلمان بیگ والا شاهی جهانگیر بادشاه منصبی داشت و در سنه ۱ ایشان بخطاب فدائی خان
و در سنه ۴ بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۵ به بخشی گری لشکر متعین دکن مقرر گردیده در
سنه ۹ رنگانی را جواب داد فدائی خان هدایت الله در اوائل عهد جهانگیری منصب و خدمت
میر توزکی داشت در سنه ۱۲ بخطاب فدائی خان و در سنه ۱۴ بمنصب هزاری و در سنه ۱ با ضافه پانصدی
سرافراز شده در سنه ۲۱ هنگام بی ادبی مهابت خان روزی که آصف خان و خواجه ابو الحسن با آن
بی ادب جنگ انداختند زیاده بر حوصله تردد و تلاش ها نموده در سنه ۲۲ بمنصب پنجهزاری و بنظم

صوبه بنگاله از انتقال مکرم خان سربلند گردیده بود در سنه ۲ شاهجهانی متعین شائسته خان گشته در سنه ۹
بفوجداری جونپور و در سنه ۹ بحکومت گورکهپور مقرر شده در سنه ۱۳ چون این خطاب بمیر طریف مرحمت
فرمودند بخطاب جان نثار خان لنعم البدل حاصل نموده در سنه ۱۴ بعد فوت میر طریف باز بخطاب فدائی خان
مامور گردیده بصوبه کابل همراه بادشاهزاده مراد بخش بتعین شده و بمنصب چهار هزاری سه هزار سوار
مباهات اندوخته در سنه ۱۹ فوت کرد فدائی خان میر طریف در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در
سنه ۱۳ که بنا بر آوردن اسپان عراقی بروم رفته بود بجلدوی حسن خدمت منصب هزاری و خطاب فدائی خان
و به اروغکی اصطبل از تغیر تربیت خان سر برافراخته در سنه ۱۴ بمتصدی گری بندر لاهری مقرر شده در آن جا
فوت نمود فدائی خان مظفر حسین ولد میرزا ابو المعالی خافی در سنه ۲۰ شاهجهانی بمنصب هفت صدی و در
سنه ۱۳ بخطاب فدائی خان و در سنه ۱۰ عالمگیری بخطاب اعظم خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل
خطاب اعظم خان نوشته شد فدائی خان نام ولد ابراهیم خان بن علیمردان خان زیک در اوائل عهد
عالمگیری بمنصب و در اواسط عهد بخطاب فدائی خان سربلند شده در سنه ۲۰ همراه پدر ولایت قراتیت
فتح نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد فدائی خان محمد صالح ولد فدائی خان مظفر حسین در اوائل عهد
عالمگیری بمنصب و در سنه ۱ بخطاب خانی بر نام خود سرفراز شده بود در سنه ۳۰ بخطاب فدائی خان
و بنظم اکبرآباد از انتقال امیر الامرا شائسته خان والا منزلت گردیده در همان سال بنظم صوبه بهار و در سنه ۳۴
از انتقال صمصام آتش بفوجداری نزهت و در بهنگه مقرر شده در سنه ۴۶ تغیر شده دیگر احوال او از اول

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 4

و در آخر معلوم نشد... فدائی خان نام ولد صلابت خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب ... و در سنه
۳۵ به منصب نهصدی و بخطاب تهور خان و در سنه ۴۰ بفوجداری سهارنپور و در سنه ۴۱ به داروغگی
توپخانه سربلند بود و در سنه ۴۹ به این خطاب نام برآورده در عهد محمد شاه فوت کرد فراست خان خواجه اسد
در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود و در سنه ۱۸ شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه ۱۲
باضافه پانصدی و بخدمت نظارت از انتقال فیروز خان سربلند گردیده و در سنه ۲۳ استعفا نموده بحرمین
رفته بود انجام حال و معلوم نشد فصیح خان در سنه ۱۰ جهانگیری بمنصب و خطاب خانی سربلند بود و چندی صحبت
هم داشت و در سنه ۵ شاه جهانی با انعام هزار روپیه خوش دل گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد
فاخر خان ولد باقر خان نجم ثانی در سنه ۳۰ شاه جهانی منصبی داشت و در سنه ۲ بخدمت میر توزکی
از تغیر نوازش خان و بعنایت خطاب خانی و بحالی منصب دو هزاری که چندی بتقصیری ضبط شده
بود سرافراز شده و در سنه ۳ که بتکرر تقصیری معاتب گردیده بود منصب دو هزاری بحال کرده در
سنه ۴ باضافه پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی سر برافراخته بود و در سنه ۲ عالمگیری ترک منصب
نموده در سنه ۳ اختیار گوشه‌گیری نموده تا سنه ۲۳ خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد فرحان خان
دکهنی در سنه ۱ شاه جهانی بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد فیض الله خان
میر فیض الله خان ولد زاهد خان کوکه در سنه ۱۹ شاه جهانی بعد فوت پدر با آنکه ده ساله بود به منصب
هزاری چهارصد سوار و در سنه ۲ باضافه پانصدی و در سنه ۲۲ بمنصب دو هزاری پانصد سوار و در سنه ۲۴

بخطاب خانی

بخطاب خانی بر نام خود سرفراز شده بود و در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخدمت قوربیگی از تغیر
نوازش خان و در سنه ۲ باضافه پانصدی و بخدمت قراول بیگی و در سنه ۱۱ بمنصب چهار هزاری نام برآورده
در سنه ۱۹ انزوا اختیار نموده و در سنه ۵ بفوجداری مرادآباد سربلند گردیده و در سنه ۲۲ در آن جا توفیق حج
و آزادگی را با خود برد طرفه تقرب در جناب پادشاه داشت که به گفت راست فیض الله خان تیر باری
خواصان و نایب روح الله خان و دیم در آخر عهد عالمگیری بمنصب هفت صدی و بخطاب خانی سرفراز بوده بنا بر تقرب
حضور محسود شیخ خود بود دیگر احوال او معلوم نشد فوجدار خان سید بلوچ در عهد شاه جهانی منصبی داشت
در سنه ۲۱ بتعیین مهم سندی بکر شده و در سنه ۳۱ بخطاب فوجدار خان سر برافراخته و در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزار و پانصدی و بفوجداری روپ باس مضاف صوبه اکبرآباد و در سنه ۴ بفوجداری نواحی شاه
جهان آباد مقرر شده و در سنه ۸ معزول گردیده بود انجام حال او معلوم نشد فوجدار خان دیگر در اواسط
عهد عالمگیری بمنصب و خطاب فوجدار خان سرافراز شده و در سنه ۳۳ بکوتوالی بیجاپور مقرر شده بود
میگویند که در تعیناتی کابل در جنگ با افاغنه انجام مردانه بکار آمد فتح الله خان ولد سعید خان بهادر ظفر جنگ
در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته و در سنه ۱۲ بحراست صوبه بهار تا رسیدن
پدر خود رفته و در سنه ۲۵ بعد فوت پدر بمنصب هزاری نام برآورده متعین مهم قندهار شده و در سنه ۲۶
بقلعه داری ارک کابل و در سنه ۳۰ با وجود قلعه داری بحراست شهر کابل از تغیر عبدالله خان برادر کلان
خود و از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی هشت صد سوار مباهات اندوخته و در سنه ۳۱ بفوجدار

هر دو نبکش از تغیر سعادت خان مقرر گشته در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و در
آغاز سنه ۲ بحراست شهر کابل سرفراز شده در آخر سنه ۲ در آن جا رحلت کرد فتح الله خان
بهادر عالمگیری خوستی محمد صادق نام در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب فتح الله خان سربلند
گردیده در سنه ۴۴ باضافهٔ منصب نام برآورده در سنه ۴۴ هنگام تسخیر قلعه ستارا وغیره تردد و
تلاشهای بسیار نموده در سنه ۴۴ بخطاب بهادر و هم در جلدوی فتح کهیلنا نه افزایش لفظ عالمگیر
و منصب سه هزاری بلند رتبه شده در سنه ۴۴ باستدعای خود تعیین صوبهٔ کابل گردیده در سنه ۴۹
بتهانه داری لوه گده از تغیر اله یار خان مقرر شده در سنه فوت نمود فتح جنگ خان فتح محمد نام ولد کبیا
روهیله در آخر عهد شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری سه هزار سوار
و بجلدوی تردد در جنگ با بهاراجه جسونت سنگه بخطاب فتح جنگ خان سرافراز شده در سنه ۲۶ و در سنه
در اکثر معارک با دکهنیان تردد و تلاشهای نمایان نموده در همان سال فوت کرد فتح جنگ خان
حسن میانه بیجاپوری در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار و بخطاب فتح جنگ خان سر
برافراخته در سنه ۲۹ در مورچال مهم بیجاپور زخمدار گردیده در سنه ۳۰ بهتر ددی نموده بود دیگر احوال
او معلوم نشد فضل الله خان ولد سیادت خان برادر اسلام خان عبد السلام در آخر عهد شاه جهانی
منصب هشتصدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود
سربلند شده در سنه ۲ از دست نوکر خود کشته شد فتاح خان میر فتاح صفاهانی در آخر عهد

شاه جهانی

شاه جهانی بمنصب پانصدی سرفراز شده بود در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی و بفوجداری
بروده و بمنصب هزار و پانصدی مقرر شده در آینده بفوجداری تونار و در سنه ۸ بقلعه داری یکی از قلاع
دکن و به اضافهٔ پانصدی بمنصب هزار و پانصدی سربلند گردیده در سنه ۹ فوت کرد فرهاد خان فرهاد بیگ
علیمردان خانی در سنه ۱۲ شاه جهانی به منصب هفتصدی و بخدمت میر توزکی سرافراز شده بود در سنه
احد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه ۲ بخطاب خانی سر برافراخته تعیین بنگاله شده تردداتِ شایسته
نموده هنگام محصور شدن بدست آسامیان کاوان لشکر را ذبح نموده بکوشت آنها تعدی کرده کرم
جان فشانیها بوده در سنه ۵ تلاشها نموده زخمها برداشته در سنه ۸ بجلدوی تردداتِ آنجا به منصب
هزار و پانصدی نام برآورده تا سنه ۱۲ بتهانه داری اسلام آباد مضاف صوبه بنگاله مقرر بود انجام
حال او معلوم نشد فضایل خان شیخ سلیمان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بداروغگی عدالت
سرافراز بود و در سنه ۲۳ بمنصب هزاری و بخطاب فضایل خان که میرهادی هم میگفتند بخدمت داروغگی
ڈاک از تغیر قابل خان سربلند شده تا سنه ۲۹ خدمت میکرد دیگر احوال او معلوم نشد فضایل خان
میرهادی پسر وزیر خان میر حاجی دیوان قدیم بادشاهزاده محمد اعظم شاه در اواسط عهد عالمگیری
بمنصب و میر منشی گری و در سنه ۳۶ بخطاب فضایل خان سرافراز بود و در سنه ۴۴ بخدمت
بیوتاتی از تغیر خدابنده خان و به نیابت خانسامانی ضمیمهٔ دار الانشا مقرر شده خیلی بحسن سلیقه
مهام خانسامانی سرانجام داده در سنه ۴۴ فوت کرد فضایل خان آقا بیگ در آخر عهد

عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز بود و در سنه احد بهادرشاه بخطاب آقا خان
نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد **فضل علیخان** ولد مرشد قلی خان منصبی داشت در سنه ۳۸
عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۴۳ بدیوانی شاهزاده معز الدین و در سنه ۴۴ بدیوانی
ملتان سرافراز شد تا سنه احد بهادرشاه خدمت مینمود انجام حال او هیچ معلوم نشد **فضل الله خان**
پسرزادهٔ فتح الله خان بهادر جوستی در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراز
شده بود در سنه ۴۴ هنگام تسخیر قلعهٔ ... با هفتاد کس مردانه بکار آمد **فرید خان** ولد حمید خان
بن داود خان قریش منصبی داشت در سنه ۳۴ عالمگیری بخطاب خانی سربلند شده بود انجام
حال او معلوم نشد فرید خان برادر خان عالم دکهنی در عهد عالمگیری بمنصب دو هزاری و خطاب خانی
سرافراز بود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه باضافهٔ هزاری نام برآورده بود همراه ایشان
در جنگ اکبرآباد با بهادرشاه بادشاه مردانه نقد جان درباخت **فخر الدین خان** در آخر عهد
عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سرفراز بود و بعد رحلت تا سنه ۴۴ قلعه‌دار بهادرگره(?) دکن
دکن بود دیگر احوال او معلوم نشد **فریدون خان** ولد جمشید خان بیجاپوری بعد بکار آمدن پدر
در سنه ۴۴ عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت مینمود دیگر احوال او هیچ معلوم
نشد **فیض علیخان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی و در سنه احد بهادرشاه
باضافهٔ پانصدی نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد **فرحام خان** ولد مهابت خان زابلی

کابلی

کابلی در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی نامور شده خدمت مینمود
در سنه احد بهادرشاه باضافهٔ پانصدی نام برآورده بود ظاهرا در عهد محمد شاه فوت کرد

حرف ق

قیا خان گنگ از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و بخطاب خانی
سر برافراخته در کارزارها نمایان تردد نموده در سنه ۳ قلعهٔ گوالیار از قلاع اکبرآباد مفتوح
گردانید و در اکثر معارک تلاشها نموده در سنه ۶ در تعیناتی ادهم خان کوکه در فتح ولایت
مالوه مصدر تردد گشته در سنه ۱۹ در جنگ با داود خان کرانی حاکم بهار با وصف کشته شدن خان عالم
برادر منعم خان و برهم خوردن افواج بادشاهی و زخمی برداشتن منعم خان سردار فوج بادشاهی
به اتفاق راجه تودرمل کهتری پای ثبات قایم کرده تلاشهای رستمانه نموده اعدا را منهزم
گردانید ظفر یافته هم دران سال هنگام فتح صوبه بهار عیسی خان نیازی سرکردهٔ افاغنه بهار را
به تفنگ و بان بتیغ بسقر اصلی رسانید در همین سال در فتح قلعهٔ تبنیه مصدر حسن خدمت گردیده
در بنگاله شمشیر زنی روکار بود و بهادر و رستم وقت در سنه ۲۵ در جنگ با قتلو افغان در ناحیه
اودیسه شهید شد قیا خان صاحب حسن در سنه احد اکبری بمنصب هفتصدی و بخطاب
خانی سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۲۰ هنگام تعیناتی منعم خان در قصبهٔ گور بنابر سمیت هوا
فوت کرد **قندق خان** عم زادهٔ مرزا حیدر گورکانی پسر مرزا محمود در سنه احد اکبری از روی آئین

اکبری بمنصب هفتصدی و از روی طبقات اکبری بمنصب چهار هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در
سنه ۹ بنا بر تسخیر کشمیر تعین شده شکست فاحش یافته و در کارزار کشمیریان گریخته برگشته آمده در سنه
به حکومت ماند و مقرر شده بود انجام حال او هیچ معلوم نشد **قاسم خان** میر بحر مشهور بچمن آرای خراسان
در سنه احد اکبری به منصب و بخطاب خانی سر برافراخته تعین کابل بود و در سنه ه از نزد مرزا محمد حکیم برادر
خورد حضرت که والی کابل بود حسب الحکم آمده بمنصب سه هزاری نام بر آورده و در سنه ۲ از تسخیر قلعه چیتور
و در سنه ۱۴ در فتح قلعه رنتهنبور و در سنه ۱۷ در گشایش قلعه سورت نمایان ترددها که خارج از قیاس
داشت نموده در سنه ۲ بنا بر عدم قبول ضابطه داغ از حضور رنجیده متعینه بنگاله گردیده در سنه ۲۲
تعین گجرات و در همان سال به نظم اکبرآباد مقرر شده و در سنه ۲۵ بعد کشته شدن مظفر خان ناظم بنگاله
بنا بر تنبیه قاقشالان قاتلان ناظم مذکور باتفاق اعظم خان متعین مهم بنگاله شده در سنه و
بحضور آمده در سنه ۳۱ ولایت کشمیر را فتح نموده در سنه ۴۴ بنظم کابل مقرر گردیده در سنه ۳۹ بعذر
محمد زمان پسر عمی میرزا شاه رخ کشته شد کارهای نمایان او یادگار روزگار است که از حیز تحریر و تقریر
بیرون است میر قاسم خان نیشاپوری در نیشاپور مرتبه امارت داشت بنا بر حادثه ازبک
بهندوستان آمده در سنه احد اکبری نوکر بیرام خان بود از طرف بیرام خان در کارزار با هیمون
مصدر تردد شده بود در سنه ۵ بعد زوال دولت او بمنصب چهار هزاری سرافراز شده اکثر
مصدر ترددات شده در سنه ۹ به تشریف بردن حضرت بمنزل او سر بفلک سوده بود و در سارنگپور

ازین جهان

ازین جهان رفت قاسم خان خویش نرسون خان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربلند
شده و در سنه ۲۶ در صوبه بهار در جنگ با معصوم خان فرنخودی تردد نموده در سنه ۳۰ در بنگاله
خدمت بسکر و دیگر احوال او معلوم نشد قاسم خان برادر اسلام خان نبیره شیخ سلیم چشتی
در اوائل عهد جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی سربلند بود در سنه ه بمنصب هزار و پانصدی
سر برافراخته تعین اسلام خان ناظم بنگاله برادر خود گردیده در سنه هشتم بنظم بنگاله از انتقال برادر
خود مقرر گشته در سنه ۱ بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار مباهات اندوخته در سنه ۱۳ بحضور آمده بود
انجام حال او معلوم نشد میر قاسم خان خوبیتی ولد میر مراد که در آخر عهد اکبری میر مراد تا موختن فن کمان
داری بنا بر تعلیم سلطان خورم مقرر بود و میر قاسم در عهد جهانگیری با اعتماد الدوله خویشی داشت
در سنه ۱۳ الیشان بمنصب هزاری و بخطاب خانی بر نام خود و به نیابت نظم صوبه لاهور از طرف اعتماد
الدوله سرافراز شده در سنه ۱۴ باضافه پانصدی و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۶ به منصب
سه هزاری و در سنه ۱۸ بعد عزل ناظم آنجا بمنصب چهار هزاری بلند مرتبه گردیده بود در سنه ۱۹
بنظم اکبرآباد از تغیر مقرب خان نام بر آورده در سنه ۲۲ در آن جا بود و در سنه احد شاه جهانی
بمنصب پنجهزاری و بنظم صوبه بنگاله از تغیر فدائی خان والا منزلت گشته در سنه پنجم ترددات
بسیار کرده هزار تن کفار قتیل و غریق شده و چهار هزار و چهار صد کشتی از ذکور و اناث
فرنگی اصیل و عمزه بقید گرفتاری آمدند و از آغاز تا انجام هزار کس از اهل اسلام درجه شهادت یافتند

بندر هوگلی مفتوح گردانید و همدران سال فوت کرد قاسم خان ولد هاشم خان بن قاسم خان
میر بحر منصبی داشت در سنه ۱۰ شاه جهانی بمنصب هزاری و بخدمت میر آتشی سربلند شده در
سنه ۱۹ متعین مهم بلخ و بدخشان گردیده در سنه ۲۰ بجایزهٔ تردّدات آنجا باضافهٔ پانصدی
و بخطاب معتمد خان و در سنه ۲۱ بمنصب دو هزاری و بخدمت آخته بیگی از تغیر حسین بیگ خان و همدرین
سال بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۲۲ به جلدوی تردد در مهم قندهار بمنصب سه هزاری و بخطاب
خانی بر نام خود سرافراز شده در سنه ۲۶ همراه شاهزادهٔ عالمگیر بکرر متعین مهم قندهار گردیده در سنه
بعد رسیدن آنجا در تردد کوتاهی ها نموده در سنه ۲۶ همراه شاهزاده داراشکوه باز بتعین مهم قندهار
شده باضافهٔ پانصدی و منصب سه هزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۲۸ بجایزه تردّدات آنجا
باضافهٔ پانصدی و منصب چهار هزاری مباهات اندوخته در سنه ۲۹ بگوشمالی زمینداران سری
نگر تعین گشته در سنه ۳۱ بمنصب پنجهزاری و در سنه ۳۲ بنظم گجرات امتیاز یافته به اتفاق
مهاراجه جسونت سنگه بمقابلهٔ پادشاهزادهٔ عالمگیر تعین گردیده بعد حرب صعب رو برتافته به اکبرآباد
رسیده همراه داراشکوه باز بمقابلهٔ عالمگیر تلاشها نموده پس از هزیمت داراشکوه ملازمت
آنحضرت کرده بمنصب پنجهزاری بحال و بفوجداری مرادآباد سربلند شده در سنه سیوم بفوجداری
متهرا از تغیر الهوردی خان مقرر گردیده در همان سال بزخم جمدهر برادرانش که غباری از خاطر داشت
کشته شد و قاتل حسب الحکم بیاسا رسید قاسم خان نام ولد در اواسط عهد عالمگیری به منصب

وخطاب خانی

وخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۳۸ در مهم بیجاپور مصدر تردد گردیده در سنه ۴۰
بمهر توزکی مقرر شده و بمنصب دو هزار و پانصدی رسیده در سنه ۴۹ به اتفاق خانه زاد خان
ولد روح الله خان بنابر تنبیه غنیم تعین شده بحسب تقدیر تدبیر جنگ غلط افتاد و مع الهمراهان در
قلعچه متحصن گشتند و شش روز بیدانه و آب گذرانیدند خان مذکور از بهم رسیدن افیون
جان داد قاسم خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۴۷
بقلعه داری بلیدرک مقرر بود دیگر احوال او معلوم نشد قطب الدین خان برادر خورد شمس الدین خان اتکه
در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۹ هنگام تعیناتی لاهور ترددی نموده
در سنه ۱۰ بکومک مرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت متعین کابل گردیده در همان سال مراجعت
کرده متعین لاهور بود در سنه ۱۳ بنظم صوبهٔ مالوه مقرر گشته در سنه ۱۷ در کارزار گجرات
به اتفاق اعظم خان کوکه تردد نمایان نموده بذات بر دندان فیل مرکب مرزا ابراهیم حسین باغی
شمشیر ها زده تردد نمایان نموده با معدودی قایم مانده ظفر یافته در سنه ۱۸ بحکومت بهروچ مقرر
شد در سنه ۲۱ بمنصب پنجهزاری نام برآورده در تنبیه زمینداران ایدر و اودی پور ترددی
کرده همدران سال به اتفاق دیگر عمده ها به تنبیه راجی علیخان حاکم خاندیس رفته روپیه های
مسکوک بسکه حضرت بنابران که حاکم آنجا انقیاد اختیار نموده بود بحضور آورده در سنه ۲۳
متعین گجرات بود در سنه ۲۴ به اتالیقی سلطان سلیم و بخطاب بیگلربیگی و بعنایت خلعت و اسپ

که مباهاتی تمام دارد سر برافراخته بنابر تسخیر نادر فرنگ تعین شده بود در سنه ۲۹ در کهوریج
بمقابله مظفر حاکم گجرات دست و پا چه شده بخانه او رفته بود بنامردی او شهید شد قطب الدین
خان شیخ خوبو نام ولد شیخ سلیم چشتی کوکه جهانگیر بادشاه در سنه احد الیشان بمنصب پنجهزاری
و بخطاب قطب الدین خان سرافراز شده در آخر سنه مذکور بنظم بنگاله از تغیر راجه مان سنگه مقرر گردیده
در سنه ۲ بدست شیرافکن علیقلی استجلو در دیوان خانه خود کشته شد قطب الدین خان ولد نظر بیگ
خویشگی در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در آخر عهد بمنصب هزاری سر برافراخته و در سنه ۲۲
متعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۵ بعد فوت پدر باضافه پانصدی و بمنصب هزار و پانصدی نام
برآورده باز متعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۶ مکرر بتعین مهم قندهار شده در همین سال بلقب
شمس الدین بفوجداری جونکده و در سنه ۳۰ بفوجداری پتن گجرات سرافراز گردیده بود در سنه
احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بفوجداری سورته و هم در آن سال بجلدوی آنکه هنگام شورش
داراشکوه در گجرات سررشته بندگی درگاه از دست نداده با او ملحق نشده بود باضافه پانصد
پانصد سوار دو اسپه سه اسپه و بخطاب خانی مباهات اندوخته در سنه ۵ راوسنگه راجپوت زمیندار
جام را که بغی شده بود بعد صف جنگ که یکهزار و پانصد نفر از الطرف کشته شدند در میدان جنگ
ظفر یافته در سنه ۶ بعد عزل فوجداری مذکور بتعین شاهزاده محمد معظم ناظم دکن گردیده در سنه
دکن همراه مرزا راجه جیسنگه کچهواهه تلاشهای مردانه نموده در سنه ۸ بتعین صوبه دارالملک

کابل

کابل گردیده در سنه ۱۲ به آخرت سرا رفت **قویم خان** ولد شجاعت خان عرب در سنه احد اکبری
بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۹ بنیابت پدر بفوجداری نارنول مقرر بوده در آن
جا تردد نموده آینده متعینه مالوه شده در سنه ۲۵ همراه پدر خود که نوکران حرام نمکش باغوای
قاقشالان حرام نمک در دماغ خود خللها بهم رسانیده بود بنابر بیگه از مالوه برای تنبیه قاقشالان
طلب حضور شده بود و وقت شب بر خیمه او ریختند مردانه کشته شد قلیج خان در سنه احد
اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۹ به آوردن حسن خان برادر فتح
خان بیتی حاکم رهتاس رفته و او را بعزم انقیاد به حضور آورده در سنه ۱۲ در تادیب و تنبیه
خانزمان شیبانی تردد نموده در سنه ۱۷ بحراست قلعه سورت که درین سال فتح شده بود
مقرر گردیده در سنه ۱۸ در تنبیه زمینداران ایدر مضاف صوبه گجرات تلاشهای مردانه نموده
در سنه ۲۰ بنظم گجرات از تغیر شهاب الدین خان و در سنه ۲۴ بحکومت اجمیر و در سنه ۲۰
بوزارت کل از انتقال خواجه منصور شیرازی سر برافراخته در سنه ۲۶ معزول شده و متعینه
مالوه بود در سنه ۲۸ بتعین خانخانان ناظم گجرات گردیده در سنه ۲۹ قلعه بروج از توابع
گجرات به تدبیر سردارانه فتح نموده در سنه ۳۰ از آن جا طلب حضور گشته بنظم لاهور باتفاق
راجه بهگوانداس کچهواهه نام برآورده در سنه ۳۲ از آن جا بار دوم بوزارت کل با اختصاص
یافته در سنه ۳۹ به نظم کابل از انتقال قاسم خان چهره امتیاز برافروخته و بمنصب چهار

هزاری رسیده در سنه ۱۴ در تنبیه افاغنه آنجا در معرکه های صعب تلاشهای نمایان نموده
در سنه ۲۴ با تالیقی شاهزاده دانیال بنظم اله آباد مقرر شده در سنه ۴۳ از زر تکشته بلی
حکم بحضور رسیده در سنه ۴۶ بنظم لاهور و حکومت افغانستان کابل مباهات اندوخته در سنه ۴۹
بمنصب پنجهزاری والاپایه گردیده در سنه احد جهانگیری بنظم گجرات و در سنه ۲ بنظم لاهور و در سنه
باضافه هزاری و هم بنظم کابل علم افتخار برافراشته در سنه ۸ در آن جا فوت کرد پنجهزار سوار بوکر
بود قلیچ خان بالجو نام برادرزاده قلیچ خان مذکور منصب هزاری داشت در سنه ۱ جهانگیری به منصب
دو هزاری و به این خطاب سرافراز شده بود در سنه احد شاه جهانی از حضور در رکاب ایشان آمده بنظم
دار الخلافه از تغیر مختار خان بمنصب دو هزاری و در سنه ۲ بنظم اله آباد و در سنه ۴ بجایزه فتح قلعه
هکانو که در تصرف عبدل زمیندار آن جا بود به انواع نوازشها سرافراخته در سنه ۵ بنظم
ملتان از تغیر نجابت خان و در سنه ۶ به منصب چهار هزاری ذات و سوار هزار سوار دو اسپه سه اسپه
و در سنه ۱۱ بنظم قندهار که در تصرف آمده بود نام برآورده قلعه زمینداور و بست بقهر و جبر
مفتوح گردانیده در سنه ۱۴ بار دوم بنظم ملتان متعین شاهزاده مراد بخش در مهم حکمت سکر
و در همین سال متعین شاهزاده دارا شکوه بکومک ناظم قندهار گردیده در سنه ۱۶ به حضور آمده
و در سنه ۱۷ بنظم لاهور از تغیر سعید خان مقرر گشته در سنه ۱۸ هنگام ورود رایات لاهور ملازمت نموده
در سنه بیستم در مهم بلخ و بدخشان اکثر با اوزبکان بحرب صعبه پیوسته ظفر یافته در سنه ۲۲ در مهم قندهار

درکارزار

در کارزار با قزلباش تردد و تلاش نمایان نموده در سنه ۲۳ بنظم کابل از تغیر علیمردان خان
چندی مقرر شده در سنه ۲۴ در لاهور شرف ملازمت دریافته در سنه ۲۵ همراه شاهزاده
عالمگیر بکمک تعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۶ بتعین سلیمان شکوه ناظم کابل در سنه ۲۷ همراه
شاهزاده دارا شکوه باز تعین مهم قندهار گردیده نهایت تردد و دلیری نموده مراجعت کرده
در همین سال در بهیره فوت کرد خان مسطور شجاعت را با سخاوت جمع داشت از آن جمله آنکه
روزی در چوکی خانه بادشاهی می آمد سپاهیان را با خود طعام میخوراند و بخانه هر کدام سپاهی
آنقدر طعام میفرستاد که همه مردم خانه او میخوردند قلیچ خان خویش عال بیک قاقشال در
عهد شاه جهانی منصب ششصدی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب قلیچ خان سرافراز شده
در سنه ۲ بخطاب سعادت خان نام برآورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب سعادت خان نوشته
شد قلیچ خان خواجه عابد ولد عالم شیخ صدیقی در سنه ۲۴ شاه جهانی از طرف بخارا آمده بمنصب ۴۰
هزاری و در سنه احد عالمگیری بمنصب چهارهزاری و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شد در سنه
به خدمت صدارت کل از تغیر شیخ میرک و در سنه ۹ بنظم اجمیر و در سنه ۱۴ بنظم ملتان از تغیر مبارز خان
مقرر شده در سنه ۱۹ امیر حاج گشته بحرمین رفته در سنه ۲۳ بعد مراجعت بخطاب قلیچ خان
نام برآورده در سنه ۲۴ بار دوم بخدمت صدارت کل از انتقال رضوی خان صدر نشین گردیده در
سنه ۲۹ به نظم صوبه ظفرآباد بیدر سربلند شده در سنه ۳۰ در مهم حیدرآباد بزخم گوله

زنبورک مردانه نقد جان درباخت **قاسم علیخان** در سنه احد اکبری بمنصب هفصدی و بخطاب
خانی سرافراز شده در سنه ۱ در الیغار اول تنبیه خان زمان باغی ترددی نموده در سنه
هجدهم به بنگاله رفته در سنه ۱۹ بحضور آمده در سنه ۲۲ بتعین مهم راجه مدهکر شده در سنه ۲۵
در بنگاله و در سنه ۳۵ در خیرآباد خدمت میکرد دیگر احوال او معلوم نشد قاسم علی خان خویش
معتمد خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی و بتواریخ نگاری کابل سرافراز بود دیگر احوال او
معلوم نشد **قبول خان** در عهد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۵ در مهم
شهید شد قبوخان دیگر در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲۰ در بنگاله خدمت
میکرد در سنه ۲۱ همراه خانخانان در دکن ترددها نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد **قمر خان**
برادر سعید نقیب خان قزوینی در عهد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۱۹
در مهم قلعه پتنه در رکاب بود و بعد فتح آن بتعین بنگاله شده تا سنه ۲۵ در تعیناتی ناظمان آن جا
خصوصاً در تنبیه معصوم خان باغی در بنگاله کارزارهای مردانه نموده بر اعدا ظفر یافته اکثر بصدر
ترددات شایسته گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد **قرامان خان** در عهد اکبری بمنصب و بخطاب
خانی سربرافراخته در سنه ۲ به اتفاق مظفر خان در تنبیه افاغنه چهارکهند ترددی کرده در سنه ۱۷
به اتفاق خان از بهار بکومک فرحت خان که راجه گجپتی در قلعه آره او را محاصره نموده بود در
کارزار شدید نموده کشته شد **قادرداد خان** در آخر عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته

در سنه ۴۱

در سنه ۴۱ همراه صادق خان در جنگ با دکهنیان ترددی نموده بود دیگر احوال او معلوم نگشت
قادرداد خان انصاری ولد محمد زمان نواسه احداد در سنه ۱ شاهجهانی از کابل دستگیر آمده بمقتضای
عفو خلعت یافته بنابر قرابت قریب میر رشید خان بدکن رفته در آنصوبه خدمت مینمود در سنه احد عالمگیری از دکن
در رکاب والا آمده به اضافه منصب سربرافراخت در سنه ۲ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود ممتاز شده در سنه
در دکن بصدر تردد گردیده در سنه ۱ بمنصب هزاری و بفوجداری پونا از انتقال میر فتاح خان سربلندی گشته
در سنه ۲ بقلعه داری برج از قلاع دکن مقرر شده بود این مرد سپاهی مقرری بود دیگر احوال او معلوم
نشد **قرا خان** قرابیک ترکمان در سنه احد جهانگیری بمنصب دوهزاری و خطاب خانی بر نام خود سربلند
و بصدر ترددها بود انجام حال او معلوم نشد **قیام خان** در سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد قیام خان ولد شاه محمد قندهاری در سنه ۱۹ جهانگیری به
منصب ششهزاری و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۱۳ بخدمت قراول بیگی مباهات اندوخته در سنه ۱۱ فوت گردید
قیام خان دیگر در سنه ۱ جهانگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز بود در سنه احد بهادر شاه بخطاب قایم خان نام
برآورده دیگر احوال او معلوم نشد **قراول خان** در سنه ۵ جهانگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز بود
دیگر احوال او معلوم نشد قراول خان در عهد عالمگیری به منصب و به این خطاب سربرافراخته
در سنه ۳ در بنگاله تردد شایسته نموده تا سنه ۴۳ خدمت مینمود **قزلباش خان** در عهد جهانگیری
بمنصب و به این بخطاب سرافراز شد در سنه ۱ بصدر تردد گردیده در سنه ۱۳ بمنصب هزار

و پانصدی نام بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد قزلباش خان دیگر در عهد شاه جهانی به
منصب نهصدی و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۳ رحلت نمود قزلباش خان ترکمان افشار
اعتماد خان نام از نوکران عادل خان حاکم بیجاپور در سنه ۵ شاه جهانی بمنصب دو هزاری و به این خطاب
و در سنه ۷ بتهانه داری شاه گده و در سنه ۱ بقلعه داری ناندیر و در سنه ۱۳ بمنصب سه هزاری سه هزار سوار
و بقلعه داری احمدنگر سرافراز شده در سنه ۲۲ در آن جا فوت کرد قزلباش خان دیگر در سنه احد
عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربلند بود در رکاب خدمت مینمود در سنه ۲ در بنگاله تردد نموده در سنه
بقلعه داری قندهار دکن مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد قزلباش خان در آخر عهد عالمگیری
به منصب و به این خطاب و قلعه داری قندهار دکن سرافراز بود در سنه احد بهادر شاه بتقصیر بر
خاسته آمدن از آن جا از منصب برطرف شد **قلعه دار خان** حسینی چیله در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب
و به این خطاب سربلند بود در همان سال از تغیر مهابت خان به قلعه داری برتیهور مقرر شده در سنه ۴
معزول گردیده در سنه ۶ همراه خانخانان در دکن تردد مینمود در سنه ۸ بتعیین مهم ججهار سنگه بندیله گشته
در سنه ۹ همراه خان جهان بهادر باره در دکن تردد نموده آینده بقلعه داری اسیر نام بر آورده و
بمنصب هزاری رسیده در سنه ۱۴ در آن جا فوت کرد قلعه دار خان محمد بیک منصبی داشت در سنه ۲۶
شاه جهانی بحراست قندهار دکن و در سنه ۲۹ بمنصب هزاری و بخطاب قلعه دار خان سرافراز بود در
سنه ۳۰ در آن جا بود دیگر احوال او معلوم نشد قلعه دار خان میرزا بیک که سابق قلعه دار کابل بود

بعد ان

بعد آن در کلیان پور ماند در سنه احد عالمگیری از اصل و اضافه بمنصب هزاری و بخطاب قلعه دار خان
و بحراست حصار شهر دولت آباد از تغیر عاقل خان ممتاز شد و در سنه ۲ بحضور آمده بقلعه داری
ارک کابل از تغیر شمشیر خان و در سنه ۶ بتهانه داری غزنین از تغیر مومی الیه مقرر گردیده در سنه ۹ بخطاب
نصرت خان امتیاز یافته تتمه احوال او در ذیل خطاب نصرت خان رقم خواهد آمد **قطب خان** غازی در عهد
شاه جهانی بمنصب و خطاب خانی سربلند و تا سنه ۸ مصدر تردد بود دیگر احوال او معلوم نشد
قزاق خان باقی اوزبک منصبی داشت در سنه ۹ شاه جهانی بمنصب هزاری و به این خطاب سرافراز گشته
بتعیین خاندوران بهادر گشته در سنه ۱۰ باضافه پانصدی و در سنه ۱۲ باضافه پانصدی و بخدمت
سرکار سیوستان از تغیر یکه تاز خان ممتاز شده در سنه ۱۴ تغیر گردیده در سنه ۲۰ بفوجداری
بروده و آینده بتهانه داری ناتهری از مضافات دکن مقرر شد و در سنه ۲۴ در آن جا فوت کرد
قزاق خان دیگر در عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب قزاقخان سرافراز بود در سنه ۱۱ الیشان
بتهانه داری لمغانات مضاف صوبه کابل مقرر شد در سنه ۲۴ بتقصیر همراهی شدن با سلطان
محمد اکبر باغی پای عتاب آمده مقید شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **قبچاق خان** امان بیک
رئیس قوم قبچاق در سنه ۲۰ شاه جهانی هنگام تسخیر بدخشان و بلخ بمنصب دو هزاری هزار سوار
و بخطاب قبچاق خان سرافراز شده بعد دو سال حرمان خدمت اختیار نموده بود بعد از آن
احوال او معلوم نشد **قباد خان** قباد اوزبک در سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب و در سنه ۲۱ بخطاب خانی

در عهد عالمگیری بخطاب غضنفر خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب غضنفر خان نوشته شده **قادر خان** از اولاد سید بر که حضرت امیر تیمور در جناب ایشان اعتقاد داشتند در سنه ۲۴ شاه جهانی از ماوراء النهر آمده بمنصب پانصدی و بخطاب خانی و در سنه ۲ بداروغگی عدالت سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **قابل خان** ابو الفتح تهتهی میرمنشی والا شاهی عالمگیر بادشاه در سنه احد ایشان بمنصب و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۲ ترک منصب نموده در سنه پنجم فوت کرد قابل خان برهان الدین برادر زاده فاضل خان علاء الملک در سنه ۶ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب هشتصدی و آبنده بخطاب قابل خان و در سنه ۱۸ بخطاب اعتماد خان و در سنه ۲۳ بخطاب فاضل خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب فاضل خان نوشته شد قابل خان محمد شریف برادر قابل خان ابو الفتح در سنه ۱۸ عالمگیری بمنصب و خطاب قابل خان و بداروغگی داک سربلند شده بود و در سنه ۳۳ بوقوع تقصیری از لشکر بدر رو خانه اش ضبط کرده بود در مدت داروغگی دو نیم سال دوازده لکهه روپیه نقد فراهم کرده بود قابل خان شیخ ابو الولی در اواسط عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و به این خطاب داروغگی کتاب خانه سرافراز بود در سنه القدر محرمیت داشت که در اثنای ارشادات قدسی آیات او را هم مخاطب میفرمودند در سنه احد بهادر شاه بخطاب فضائل خان نام برآورده بود **قلندر خان** قلندر بیک در آخر عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی و بقلعه داری گلبرگه و در سنه ۱۵ بفوجداری پدر از نغیر مختار خان

سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد **قوام الدین خان** میر قوام الدین صدر برادر خلیفه سلطان وزیر ایران در سنه ۱ عالمگیری از ایران آمده در سنه ۹ بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۹ بنظم کشمیر و در سنه ۲۱ بمنصب سه هزار و پانصدی و بنظم لاهور سرافراز شده و در سنه ۲۳ بنابر عقارات که بتقاضی آن جا کرده بود تغیر گردیده در سنه ۲۴ ازین جهان رفت **قمر الدین خان** ولد مختار خان میر شمس الدین نام در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۱۲ بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده و در سنه ۲۳ بخطاب پدر ناظم لاهور گردیده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب مختار خان نوشته خواهد شد قمر الدین خان بهادر ولد غازی الدین خان بهادر در سنه ۴۲ عالمگیری بمنصب چهارصدی و در سنه ۴۸ بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۴۹ به خطاب بهادر و در سنه ۱۴ به خطاب چین قلیچ خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب چین قلیچ خان بقلم آمد قمر الدین خان ولد محمد امین خان بهادر در سنه ۵ عالمگیری بمنصب و خطاب خانی و بعطای سرپیچ یمنی سر بفلک برده بود و در عهد محمد شاه بادشاه بوزارت کل و منصب هشت هزاری اختصاص یافته در صف جنگ با احمد شاه درانی حاکم قندهار در سواد قصبه سهرند بزخم گوله شهید شد **قدرت الله خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و بفوجداری مالکونه سرافراز بود و در سنه ۵ معزول شده خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ک

کمال خان ولد سلطان سارنگ گکهر برادر سلطان آدم در سنه احد اکبری از وطن آمده بجایزه حقوق رهنمائی تسخیر هندوستان بمنصب پنجهزاری و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه سیوم در تنبیه

افاغنه سر؟ و در سنه ۱۰ در تادیب افاغنه اوده ترددات شایسته نموده و در سنه هشتم بعنایت
زمین از تغیر سلطان آدم عم خود نام بر آورده در سخاوت و شجاعت عدیم المثل گذشته در سنه ۱۱ سکنه زمینت
کمال خان فوجدار قیلان خاصه در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر بلند شده در سنه ۱۲ همراه راجه مان سنگه
کچهواهه در کارزار با رانا زمین دار اودیپور فیل گجراج را در بروی اعدا نموده ترددها کنانیده در سنه ۲۲
در جنگ با راجه مدد کرده در سنه ۲۵ در بنگاله وقتی که سرگروه باغیان معصوم خان کابلی شبخون آورده بود
ترددهای نمایان نموده بود انجام حال او معلوم نشد کمال خان از طایفه گلالان دهلی در اوایل عهد جهانگیری
بمنصب و خطاب خانی و خدمت بکاولی سر برافراخته از بندهای معتمد و خاص بود در سنه ۳ رحلت کرد کمال
خان قراول در سنه ۵ جهانگیری بمنصب و خطاب خانی سر بلند و داخل بندهای معتمد متعهد سیر و شکار بود در سنه ۱۲
بخطاب شکار خان نامور گردیده تتمه احوال او در ذیل خطاب شکار خان بقلم آمد سید کمال خان در آخر
عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سر بلند شده متعینه گجرات بود مرد سپاهی و نامور و موقر دیگر احوال
او معلوم نشد کاکر علیخان چشتی از بندهای همایونی در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سر
برافراخته خدمت مینمود در آینده متعینه بنگاله شده در سنه ۱۹ در کارزار آن جا مردانه بکار آمد
کوچک علیخان کولابی ولد میر سلیمان در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۱
ترددنمایان نموده بود انجام حال او معلوم نشد گیبه خان در عهد اکبری بمنصب ۵۰۰ و به این خطاب سر بر
افراخته در سنه ۱۲ در مورچال چیتور تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد کوجر خان ولد قطب الدین خان

کوکه

کوکه در عهد اکبری بمنصب هفت صدی و به این خطاب سرافراز شده در سنه ۲۵ متعین شاهزاده
مراد شد و در سنه ۲۸ در تعیناتی قاسم خان میر بحر در تسخیر کشمیر مصدر تردد گردیده در سنه ۳۰؟
در جنگ با مظفر گجراتی همراه خان اعظم ترددی نموده تا سنه ۳۲ در صوبه گجرات خدمت نمایان مینمود
انجام حال او معلوم نشد کشور خان شیخ ابراهیم ولد قطب الدین شیخ خدیو نام کوکه جهانگیر بادشاه در
سنه احد ایشان بمنصب هزاری و خطاب کشور خان و در سنه ۳ بقلعه داری رهتاس و در سنه ۵
باضافه هزاری و بفوجداری ملک ادهیه مضاف صوبه بهار سرافراز شد در سنه ۷ بجایزه ترددهای
در بنگاله مردانه وار بکار آمد کامل خان محمد حسین خورم نام ولد اعظم خان مرزا عزیز کوکه اکبر بادشاه در آخر عهد ایشان
بمنصب و حکومت جون گده داشت در سنه ۴ جهانگیری بفوجداری سورته و در سنه ۵ بمنصب دو هزار و
پانصدی و بخطاب کامل خان سرافراز شده تا سنه ۸ خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد کامل خان
قاقشال در عهد عالمگیری بمنصب و بفوجداری اتک سرفراز شده بود در سنه ۱۰ بخطاب خانی بر نام خود
و در سنه ۱۱ بجلدوی تنبیه افاغنه کابل به منصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۶ بفوجداری سهارنپور و
آینده بفوجداری مدکل و بعد از آن در جنگ افغانان که چهار هزار تن بقتل آمده بودند و در سنه ۲۹ بفوجداری
ستاره نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد کوکب خان ولد سید قمر خان قزوینی در سنه ۵
جهانگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراز بوده تا سنه ۱۰ خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد کفایت خان
مرزا حسین منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری بخطاب کفایت خان و منصب هزاری به دیوانی گجرات از تغیر

کهنو رسر برافراخته درسنه ۱۸ باضافه دو صدی و بمیر بخشی گری آن صوبه سربلند شده درهمان
سال درگذشت کفایت خان محمد مقیم نام منصبی داشت درسنه ۱۸ جهانگیری بخطاب مباهات اندوخته
درسنه احد شاه جهانی به بخشی گری افواج متعینه مهابت خان مقرر شده و بمنصب هفتصدی برادر زاده نام
درسنه ۲ بخشی گری به دیوانی قندهار و درسنه ۴ باحکام دیوانی کشمیر بعنایت خلعت و درسنه ۹ به دیوانی
فوج سلطان مراد بخش سربلند شده بود آینده به دیوانی کشمیر بنگاله متعز گشته درسنه ۲۳ در آن جا فوت
کرد کفایت خان بدیع الزمان ولد آقا ملان برادر آصف خان جعفر بیگ در اواسط عهد شاه جهانی
بمنصب پانصدی و درسنه ۲۶ به دیوانی صوبه بنگاله و درسنه ۲۸ باضافه منصب و بخطاب کفایت خان
سرافراز شده بود و درسنه احد عالمگیری ترک منصب نموده و درسنه ۳ شش هزار روپیه سالیانه
بنام او مقرر گشته درسنه ۱۳ رحلت نمود کفایت خان خواجه کلان منصبی داشت درسنه احد عالمگیری
بمنصب هزاری و خطاب و به دیوانی لاهوره سرافراز شده اثنا به دیوانی اکبرآباد مقرر گردیده درسنه ۶ در آن جا فوت
کرد کفایت خان جعفر بیگ درسنه احد عالمگیری منصبی داشت درسنه ۶ بمنصب هزاری و خطاب کفایت خان
و بخدمت دیوانی تن از تغیر عسکری فروتنی سرافراز شده درسنه ۱۱ معزول گردیده درسنه ۱۳ بار دویم به دیوانی تن
مقرر شد بعد استعفا اسد خان از نیابت وزارت بنا بر اجرای کار دیوان اعلی باین عنایت محل اعتماد شده
یعنی درسنه ۱۴ مقرر گردیده بود که پایین تراز مهر دیوان اعلی مهر خود بر پروانجات دفتر تن میکرده باشد درسنه ۱۸
ضمیمه دیوانی تن به دیوانی خالصه سرافراز شده درسنه ۲۰ از دیوانی خالصه معزول شد تا سنه ۲۴ به دیوانی

تن ماموز

تن مامور ماند آنگاه بی منصب شده درسنه ۲۸ رحلت کرد کفایت خان حاتم بیگ در اواسط
عهد عالمگیری بمنصب و خطاب کفایت خان سربرافراخته درسنه ۲۸ به دیوانی دکن و درسنه ۳۰
بنا بر بندوبست ملک جدید حیدرآباد و بمنصب هفتصدی معزز گردیده بود انجام حال او معلوم نشد
کفایت خان میر احمد در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب کفایت خان سرفراز شد به دیوانی
بنگاله مفوض گشته درسنه ۱۴ معزول گردیده در همان سال به دیوانی خالصه از انتقال عنایت خان رسید
کامیاب گشته درسنه ۲۳ فوت کرد **دلگیرخان** درسنه ۱ جهانگیری بمنصب و به این خطاب ممتاز بود
دیگر احوال او معلوم نشد **کوتوال خان** در آخر عهد جهانگیری بمنصب و به این خطاب سربرافراخته تا
سنه ۱۲ تردد مینمود دیگر احوال او معلوم نشد کوتوال خان ابدال بیگ ولد قلندر سلطان
حاکم جام درسنه ۲ شاه جهانی آمده بمنصب پانصدی سربلند شد درسنه ۲۸ بکوتوالی از تغیر
نوبت خان مقرر گردیده درسنه ۱۲ بخطاب کوتوال خان نام بر آورده بود انجام حال او معلوم
نشد **کاکر خان** خان جهان نام در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۳
بخطاب کاکر خان و درسنه ۱۸ بمنصب دو هزاری هزار سوار سربرافراخته درسنه ۲۲ و در سنه ۲۵
و درسنه ۲۶ متعین مهم قندهار گردیده بود انجام حال معلوم نشد **کار طلب خان** حمید نام برادر
زاده جلال کاکر در آخر عهد شاه جهانی منصب پانصد بداشت درسنه احد عالمگیری بکبد
وی تردد وات در جنگ مالوه بمنصب هزاری و خطاب کاکر خان سربلند شد درسنه

کارزار با شاه شجاع در رکاب تردد نموده در سنه ۶ ب۲ بمنصب هزار و پانصدی رسیده تهانه داری

چنچی عرض چکله داری میبداد انجام حال او معلوم نشد **کارطلب خان** و کهنی در سنه شاه جهانی به

منصب و بخطاب کارطلب خان سرافراز شده بود در اواسط این عهد بمنصب سه هزاری رسیده

در دکن خدمت مینمود در سنه ۴ و در سنه ۶ پیشکش ارسال داشته در سنه ۲۹ در دکن به تعلق

مرزا خان ناظم برادر تحصیل پیشکش زمیندار چاند اتردد نموده در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار

و در سنه اسد بر افراخته در سنه ۳ در دکن تردد نموده بفوجداری گوالیار مضاف صوبه اکبرآباد

نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد کارطلب خان میرابراهیم داماد رضیه بانو بیگم منصبی داشت

در سنه ۱۶ عالمگیری بخطاب کارطلب خان سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد کار

طلب خان محمد بیگ در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب کارطلب خان و منصب بکری بندر سورت

سربرافراخته در سنه ۲۹ بفوجداری احمدآباد مقرر گردیده بود در سنه احد بهادر شاه بخطاب

کارگذار خان نام برآورده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد **کنج علیخان** عبد البیک اولیمن

پور علیمردان خان در سنه ۲۹ شاه جهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۱ بمنصب هزار و پانصد

و در سنه ۳۱ بعد فوت پدر بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری

بمنصب سه هزاری و بخطاب گنجعلیخان جد خود مباهات اندوخته در سنه ۲ در کارزار بار دوم

با دارا شکوه در رکاب تردد نموده در سنه ۳ تعین کابل گردیده در سنه ۸ بعد ملازمت تعین

دکن ش

دکن شده در سنه ۹ در سنه ایجایزه تردوات آن جا باضافه کام دل برگرفته بود انجام حال او معلوم نشد

کامگار خان کامگار ولد کامیاب منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی بر نام خود

و در سنه ۲ باضافه پانصدی سرافراز شده در سنه ۵ در گذشت **ددد** کامگار خان کامگار ولد جعفر خان

مشهور منصبی داشت در سنه احد عالمگیری همراه پدر بمالوه تعین گردیده در سنه عالمگیری بخطاب

خانی بر نام خود و بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ابمیر بخشی گری احدیان از تغیر روح الله خان و به اضافه

پانصدی نام برآورده آینده بخطاب و خدمت وقایع نگاری و وقایع جوانی مقرر گردیده در سنه

رکاب از تغیر رحمت خان و در سنه بیست و پنج به بخشی گری سیوم از انتقال عبد الرحیم خان و در سنه

بدار و عکی دیوان خاص از تغیر بهره مند خان و هم در آن سال بخانسامانی از انتقال محمد علیخان و در سنه

بمنصب سه هزاری و انتظام صوبه اودیسه و در سنه ۴۴ بقلعه داری اکبرآباد و لوای مباهات برافراشته

در سنه ۴۹ معزول شده در سنه احد بهادر شاه بخطاب جعفر خان نام برآورده در عهد الشان از بن

جهان رفت **کامیاب خان** سیف الدین صفوی در آخر عهد شاه جهانی بمنصب هشتصدی داشت

در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه موافق پدر خود که صف شکن خان بن مرزا حسن بود

بخطاب کامیاب خان سرافراز شده در سنه بفوجداری سهارنپور و در سنه ۲ به بخشیگری دکن

و بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته بود انجام حال او معلوم نشد کامیاب خان برادر زاده

خان بهادر بن داراب خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز شده در سنه

بقلعه داری کلبرگه مباهی گشته در سنه احد بهادرشاه از دکن آمده ملازمت نموده بود در عهد
بادشاه ازین جهان رفت **کمال الدین خان** ولد دلیر خان روهیله در اوایل عهد عالمگیری بمنصبی داشت
در سنه ۱۹ به خطاب خانی بر نام خود سربرافراخته در سنه ۲۹ در مهم بیجاپور بعد کارزار شدید زخمهای
برداشته در سنه ۳۰ بعد اندمال زخمها روز ملازمت بعنایت عصا بر اکثر چشم محسود امثال و اقران
خود گردیده در سنه ۴۶ بهنگام فوجداری هندون و بیانه بمنصب دو هزاری دو هزار سوار بلندی گرا
گشته اکثر ترددات نمایان نموده در عهد ایشان ازین جهان به آنجهان رفت **کرم الله خان** در
اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در حسن عملداری نامور گردیده آینه فوجداری
مونگیر بیتن مقرر شده در سنه ۴۶ در آن جا رحلت نمود کرم الله خان ولد شکر الله خان خویش
عادل خان خانی در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی خدمت مینمود بعد رحلت حضرت ارشش
بهادرشاه بخطاب عادل خان و شاع مقرری صاحب دیوان اشعار و شاگرد میرزا عبد القادر
بیدل بود نام برآورده در عهد فوت کرد

حرف ل

لشکر خان محمد حسین نام در عهد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب لشکر خان و در سنه ۹ به میر
بخشی گری سرافراز شده خدمت مینمود در سنه ۱۹ چون شراب خورده بدربار آمده بود بدم اسپ
بسته در اردوی معلی خراب و رسوا گردانید در سنه ۲۰ التعیین مهم بنگاله گشته در سنه ۲۱ بعد از افاغنه
آن جا که طرح آشتی انداخته در خیمه خود طلبیده از هر طرف ریختند زخمی شده ازان مهلکه برآمده

فردای آن

فردای آن درگذشت لشکر خان خواجه ابو الحسن مشهدی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و
خطاب معتقد خان بلند مرتبه شده در سنه ۳ به دیوانی بنگاله ممتاز شده در سنه ۶ بجایزه زدو خوردی
که در کارزار با عثمان خان افغان حاکم زاده بنگاله نموده بود بمنصب هزاری نام برآورده بحضور
آمده به بخشیگری رکاب مقرر گشته در سنه ۸ به بخشیگری لشکر بنگش مقرر شده در سنه ۹ به جلدوی
فتح در جنگ با احداد الضاری پیر افاغنه پیشاور بخطاب لشکر خان نامور گشته در سنه ۱۱ از تغییر
کار تغیر شده و در سنه ۱۲ بعد ملازمت بدیوانی دکن از تغیر رای بهاری داس و بمنصب هزاری الف
سربرافراخته در سنه ۱۳ طلب حضور گشته در سنه ۱۴ ناظم اکبرآباد از تغیر خواجه جهان و بمنصب سه
هزاری چهره امتیاز برافروخته در سنه ۱۱ بهنگام بودن آنجا بمنصب چهار هزاری نام برآورده در همان
سال بدکن تعیین گردیده و بعد آمدن حضور در سنه ۱۷ در کارزار با سلطان خورم باغی ترددهای
کرده تعیین دکن شده همراه مهابت خان و خان جهان بودی در آن جا تا سنه ۱۰ خدمت مینمود در سنه
احد شاه جهانی بمنصب پنجهزاری و بنظم کابل از تغیر ظفر خان احسن الله و الا مرتبه شده بعد رسیدن
کابل بمقابله نذر محمد خان والی بلخ بعزم درست شتافته ادراک التصیب عساکر اقبال از میدان منحرف
گردانیده بجایزه این ترددها باضافه دو هزار سوار دو اسپه مباهات اندوخته در سنه ۲ قلعه بامیان کابل
و بلخ فتح نموده در سنه ۵ بنظم دهلی از تغیر مهابت خان سرافراز شده در سنه ۶ بنابر کبیر سن معزول
گردیده تا سنه ۸ مشغول بدعای دولت بود در عهد ایشان به آن جهان رفت لشکر خان یادگار بیگ

ولد زبردست خان منصبی داشت در سنه ۱۹ شاه [جهانی] بمنصب هزاری و بداروغگی گرزبرداران و بخطاب جان
نثار خان و بعد چندی بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شد و بخطاب جان نثار خان و بعد چندی به
منصب هزار و پانصدی سرفراز شده بسفارت پیش شاه عباس ثانی والی ایران رفته در سنه ۱۷ بعد مراجعت
بمنصب دو هزاری و خدمت آخته بیگی و در سنه ۱۸ باضافه پانصدی و خدمت تن بخشی گری از تغیر سیادت خان
مباهات اندوخته در سنه ۲۰ بخطاب لشکر خان نام برآورده در سنه ۲۶ همراه شاهزاده دارا شکوه تعین مهم
قندهار شده باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری و بمیر بخشی گری افواج متعینه مهم قندهار مباهات اندوخته
در سنه ۲۷ روانه قندهار گردیده بعد مراجعت بدستور سابق به تن بخشی گری نامور گشته در سنه ۱ بنظم صوبه
کشمیر مقرر شده بود در سنه احد عالمگیری بیجالی نظم آنجا و به منصب سه هزاری و کمی منصب پانصدی [illegible]
و بعد چندی بنظم صوبه ملتان و در سنه ۳ بنظم تهته از تغیر قباد خان و در سنه ۸ بنظم بهار از تغیر داود خان
و در سنه ۱۱ بار دویم بنظم ملتان از تغیر طاهر خان و در سنه ۱۳ بمنصب پنجهزاری و بخدمت میر بخشی گری
از انتقال دانشمند خان لوای افتخار برافراخته در سنه ۱۴ رحلت نمود ... سید لشکر خان سید [illegible]
ولد سید خان جهان بارهه در سنه ۹ شاه جهانی بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه احد عالمگیری
بخطاب خانی برنام خود سرافراز شد و در سنه ۳ همراه مرزا راجه جی سنگه کچهواهه تردد نموده در سنه ۱۴
بفوجداری گوالیار و در سنه ۲۰ بنظم صوبه برهان پور سرافراز شده آینده بمنصب سه هزاری و بخطاب
لشکر خان مباهات اندوخته در سنه ۲۳ بصوبداری بیجاپور مقرر شده در سنه ۲۴ بتعیین شاهزاده کام بخش

درایام محاصره

درایام محاصره جنجی بود روزیکه شاهزاده کام بخش دیوان کرده بود اسد خان و ذوالفقار خان و سر
افراز خان و کهنی اجازت نشستن یافتند و خان مشار الیه نظر به هم چشمی ذوالفقار خان متوقع اجازت
نشستن بود نیافت از دیوان برخاسته آمده باز بدربار شاهزاده نرفت انجام حال او معلوم نشد
لعل خان بدخشی کولابی در عهد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سر برافراخته بود دیگر احوال او
معلوم نشد لعل خان دیگر در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و خطاب خانی سر برافراخته
بود و خدمت [illegible] دیگر احوال او معلوم نشد **لطیف خان** در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر
برافراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد لطیف خان نقش بندی در اوائل عهد شاه جهانی
به منصب هزاری و خطاب خانی برنام خود سربلند شده در سنه ۴ بتعین اسلام خان گردیده بود
در سنه ۸ بعدم رفت لطیف خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی سر برافراخته
خدمت [illegible] بعد رحلت حضرت در سنه بهادر شاه باضافه پانصدی نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم
نشد **لهراسب خان** ولد مهابت خان در عهد شاه جهانی بمنصب و خطاب خانی برنام خود در سنه ۲
بخطاب مهابت خان پدر خود سربلند شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب مهابت خان تقلیم
خواهد آمد لهراسب خان دیگر در عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و به این خطاب و بفوجداری
بهوهره مضاف صوبه گجرات سرافراز بود و در سنه ۲ بهادر شاه بعطای علم نام برآورده در سنه [illegible] فوت کرد
لطف الله خان ولد سعد الله خان علامی در سنه ۲۵ شاه جهانی روز اول ملازمت بعنایت تسبیح مروارید نواخته

بمنصب هفت صدی و در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه ٩ بخطاب خانی و در سنه ١١ بمنصب هزار
و پانصدی و در سنه ٢١ بخدمت داروغگی ڈاک از تغیر عاقل خان خانی و در سنه ٢٢ بداروغگی عرض مکرر و در سنه ٢٣
به نیابت نظم لاهور از طرف پادشاهزاده محمد اعظم شاه و در سنه ٢٤ بداروغگی دیوان خاص از تغیر عبد الرحیم
خان و در سنه ٢٦ بداروغگی فیل خانه جلو و خاص چوکی سرافراز شده و در سنه ٣٢ در مهم جال مهم حیدرآباد
روزیکه قلیچ خان محمد عابد زخمی شد و طرفه خبری بر زدی کار آمده بود غیر از موی الیه بکومک قلیچ خان کسی نه
رسیده و بعد از آن روزیکه حیدرآبادیان بر دمدمه پادشاهی ریختند و سعید خان میر آتش
و سربراه خان را دستگیر کرده بردند و در آن وقت که زمین از زیر پای مردم بر رفت خان مسطور
تا سه روز مانند نهنگ در آن دریای خونخواری ایستاده ماند تا دمدمه قایم شد بجایزه چنین جانبازی
بمنصب دو هزاری و در سنه ٣١ باضافه پانصدی و در سنه ٣٤ بنظم بیجاپور و بمنصب سه هزاری معزز گردیده
در سنه ٤٦ بآن جهان میل کرد خان مشار الیه باوصاف فضایل و کمال شجاعت اتصاف داشت لطف الله
خان ولد سعید خان بهادر در اوایل عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه ٥ بجایزه تردد در جنگ
حکیت سنگ که زخم شمشیر بر کتف و زخم نیزه بر بازوی چپ برداشته بود بمنصب هزاری سر برافراخته
در سنه ٩ باضافه پانصدی و در آغاز سنه ٢ بقلعه داری کابل معزز گردیده و بخطاب خانی نام برآورده
درین سال تعین مهم بلخ و بدخشان شده در معرکه اوزبکان در بلده بلخ بعد حرب صعب مردانه شهید
شد **لودی خان** مظفر لودی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب لودی خان و بنواز نقاره سرافراز

شده

شده در سنه ٥ و در سنه ٩ و در سنه ١٩ در مهم تردداتی نموده در سنه ٢٥ بتهانه داری گلشن آباد
مقرر شده در سنه ٥ بقلعه داری بنی شاه مامور بود معلوم نشد که این همان لودی خانست یا دیگر

حرف میم

میر محمد خان

مشهور بخان کلان برادر بزرگ شمس الدین خان اتگه از سادات غزنین بنابر سبق خدمت در سنه
احد اکبری بمنصب پنجهزاری و خطاب خانی بر نام خود سرافراز شده در سنه ٥ از کومکیان صوبه لاهور
مقرر شده در سنه ٦ بکومک میرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت دارای کابل رفته در همان سال مراجعت نموده
در سنه ٩ در تنبیه سلطان آدم گکهر و در سنه ١١ در جنگ با میرزا محمد حکیم مذکور که بعزم تصرف لاهور آمده بود
تردداتی نمایان نموده در سنه ١٣ طلب حضور گردیده در سنه ١٤ باهتمام تنبیه رای ... دیوره زمین دار
سروهی بعد از راجپوتانی که بهنگام التجا آورده بودند زخم بر شانه خورده در همان سال بفوجداری تمت
گجرات نام برآورده در سنه ٢٢ در آن جا فوت کرد محمد خان جلایر از ولایت در رکاب همایونی
آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ٩ تردداتی مردانه نموده بجلدوی آن
بمرتبه امارت رسیده چند سال بمرض خلل دماغ مبتلا بوده مرد محمد خان ترکمان از ولایت در رکاب
همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب دو صدی و بخطاب خانی سر برافراخته تا سنه ٤٤ خدمت میکرد
حاجی محمد خان سیستانی از ولایت همراه بیرام خان بهادر آمده در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و خطاب
خانی سرافراز شده در سنه ١٣ در فتح قلعه گوالیار دولتخواهی نموده در سنه الخطاب و بسفارت نزد سلیمان

کرانی مرزبان بنگاله رفته در اثنای راه در قید فان زمان باغی گرفتار شده بعد عفو تقصیر آن باغی رهائی
یافته در سنه ٢ او در تنبیه باغی مسطور که مکرر راه بغی پیموده بود مصدر تردد گشته در سنه ١٩ او در تعیناتی منعم
خان در جنگ با داؤد پسر سلیمان کرانی مرزبان بنگاله و تنبیه بعد کشته شدن خان عالم سر اول افواج
و برهم خوردن عساکر برانغار و جرانغار و زخمی شده رو بر تافتن مثل منعم خان سرداری پای ثبات
محکم نهاده تلاش و تردد سپاهیانه کرده زخمها برداشته در سنه بیستم در شهر گور دار الملک بنگاله بتاریخ
سمت موافقت کرد محمد خان ولد سلطان آدم گکهر در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته ترددها
نموده در سنه ١٩ او در جنگ با جنید کرانی در بنگاله بکار آمد محمد خان خواهرزاده ترسون محمد خان در عهد
اکبری بمنصب دوصدی و خطاب خانی سر برافراخته تا سنه ٤٠ به خدمت مینمود محمد خان نیازی در عهد
اکبری بمنصب پانصدی و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ٢٦ در صوبه بهار ترددی نموده آینده خدمت
مینمود در سنه ١ جهانگیری در تعیناتی سلطان خورم و در سنه ١٠ در تعیناتی دکن مصدر ترددی گردیده بود
محمد خان مهمند در آخر عهد جهانگیری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ٢ اشترک بغی سلطان خورم
گردیده کشته شد و اجداد او سه شش زخمی شده بود سید محمد خان در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و
خطاب خانی سر برافراخته در سنه ٩ در دکن ترددی نموده در سنه ٤٨ بفوجداری باری مضاف صوبه
اکبرآباد سرافراز شده بود در سنه ٤٨ باز احوال او دریافت نشد منعم خان از بنده‌های همایونی
در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و خطاب خانی برنام خود سر برافراخته بتعین مرزا حکیم دارای کابل

برادر

برادر خورد حضرت بود در سنه ٥ بخطاب خان خانان مأمور شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خانخانان
نوشته شد منعم خان ولد مرزا خان منوچهر نام در آخر عهد شاه جهانی منصب هشتصدی داشت در سنه
احد عالمگیری بمنصب دوهزاری و خطاب خانی برنام خود نام برآورده بود در سنه ٢ قلعه‌داری احمدنگر از
تغیر داراب خان باضافه پانصدی مباهات اندوخته بود منعم خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب داروغگی
هفت چوکی سرافراز بود در سنه ٤٨ بخطاب خانی برنام خود و در سنه ٤٩ بداروغگی فیل خانه سر برافراخته
در بعضی کارزار ترددات شایسته نمود در سنه ٤٩ بدیوانی شاهزاده محمد معظم و بدیوانی کابل و در سنه ٤٩
بمنصب هزار و پانصدی و با وجود خدمات سابقی به نیابت نظم لاهور و بفوجداری جمون و در سنه ٥ باضافه
پانصدی سربلند شده در عهد بهادرشاه وزیر اعظم شده در سنه ٣ خیلی نیکنام رفت محمد قلیخان
برلاس ترددی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و خطاب خانی
سر برافراخته برای آوردن بیگمات از کابل رفته مراجعت نموده در سنه ٢ بحکومت سرکار ناگور و در سنه ٨ به
نظم صوبه ملتان و در سنه ١١ بنظم صوبه مالوه نام برآورده در سنه ١٨ در الیغار دوم گجرات وقتی که نسق
افواج پادشاهی برهم خورده بود بذات خود برابری نموده خیلی مصدر تلاش مردانه شده در سنه ١٩
بتعین مهم بنگاله گشته بعد رسیدن آن جا ترددی کرده ناگاه در آن جا فوت کرد محمد قلی خان جلایر
از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده در جنگ با
همیون ترددی نموده بود محمد قلیخان توقبای داماد میر محمد خان اتکه در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی

سربرافراخته در سنه ۵ ترددی نموده در سنه ۱۷ در ایلغار اول گجرات در رکاب سعادت رسیده
تلاش مردانه کرده در سنه ۱۹ در تعیناتی منعم خان در مانده و در سنه ۲۰ در تعاقب داؤد کرانی حاکم زادهٔ
بنگالا و در سنه ۲۳ در کارزار با عیسی زمیندار اودیسه ترددات پسندیده نموده بود محمد قلیجان نام
خویش سیوا مشهور که بهتی در سنه ۱ عالمگیری بشرف اسلام آمده بمنصب سه هزاری و بخطاب محمد قلی خان سر
فراز شده تعیین کابل گردیده بود محمد قلیجان دیگر در سنه ۴۸ عالمگیری تازه از ولایت آمده بمنصب هزاری
و بخطاب خانی ممتاز شده بود خدمت مینمود مهدی قاسم خان از نوکران میرزا عسکری در رکاب همایونی آمده در سنه احد
اکبری بمنصب چهار هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سرفراز شده مصدر نیکو خدمتی گردیده در سنه ۸ ترددی نموده
در سنه ۱۱ بحکومت ملک گڈه مضاف صوبهٔ مالوه مقرر گردیده در آن ایام به آرزوی طواف حرمین شریفین
بی حکم روانه گشته در سنه ۱۳ بعد مراجعت بدستور سابق سرافراز شده بود مقیم خان عرب خویش ترددی
بهکنجان در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سربلند شده تعیین کابل بود و در سنه
طلب حضور شده و در سنه ۱ بجایزهٔ تنبیه شجاعت خان اوزبک بخطاب شجاعت خان نام برآورده بود چنانچه
احوال او در ذیل خطاب شجاعت خان نوشته شد مقیم خان دیگر در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز
شده خدمت مینمود در سنه ۱۴ در جنگ با نراین داس زمیندار ایدر بعد حرب صعب بکار آمد مقیم خان
ولد مقیم خان عرب در آخر عهد اکبری بمنصب وصدی و خطاب مقیم خان سرافراز شده تا سنه ۴۸ خدمت مینمود
آمده باضافهٔ منصب و بیوتاتی رکاب و در سنه ۴۹ بخطاب وزیرخان و بخدمت وزارت کل از تغیر آصف خان

حقیقه نمود

جعفر مأمور گردیده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب وزیرخان نوشته خواهد شد مقیم خان دیگر
در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراخته در سنه ۶ خدمت میکرد و در سنه ۱۴ التعین صوبهٔ
بهار بود و در عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی و هنگام حرکت رایات عالمگیری از دکن بمقابلهٔ مهاراجه جسونت سنگه
بمنصب هزاری و در ماه شعبان بخطاب خانی سرافراز شده در سنه احد عالمگیری در کارزار با شاه شجاع ترددی
نموده بود مقیم خان دیوان علیمردان خان زیک بعد فوت او در سنه ۱۳ شاه جهانی بمنصب پانصدی و
به بیوتاتی رکاب از تغیر محمد صالح کهانی برادر خورد سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری در ماه
جمادی الثانی بخطاب خانی و به دیوانی روشن آرا بیگم همشیرهٔ حضرت سرافراخته در سنه ۲ بعد عزل
از خدمت و بیوتاتی رکاب در سنه ۳ از تغیر محمد عسکری به دیوانی کشمیر و در سنه ۹ از تغیر حکیم نور الدین بکرر
به دیوانی روشن آرا بیگم وا آمده بار دو بخطاب و بیوتاتی رکاب مباهات اندوخته تا سنه ۲۵ مهمات بیوتاتی
را بخوبی سرانجام مینمود مجنون خان قاقشال از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری
و بخطاب خانی سربرافراخته معرفت خود راجه باره مل کچهواهه زمیندار پرگنهٔ آنبیر را بشرف ملازمت
حضور رسانیده در سنه ۱۰ در تعیناتی خانزمان در جنگ با شیر عدلی و در سنه ۱۲ در تنبیه خان مذکور کار
بنعی برافراشته بود ترددات و تلاشهای مردانه نموده در سنه ۱۴ قلعهٔ کالنجر مفتوح گردانیده در سنه ۱۹ در فتح
قلعهٔ تانده و در کوره گهات مصدر خدمات پسندیده شده در اکثر معارک شمشیرهای نمایان زده تا سنه ۲۳
خدمت مینمود در سنه ۲۴ قبل از بغی قاقشالان فوت شد مرزا قلی خان جلابر برادر حیدر محمد خان آخته بیگی

عهد همایونی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری به منصب و خطاب خانی سرفراز
شده دران سال ترددی نموده بجا نیزهٔ نیکو خدمتی بمرتبهٔ امرای کبار رسیده در سنه ۹ العد فتح
قلعهٔ تپنه متعینه منعم خان ناظم بنگاله شده در سنه ۲۰ در شهر گور بنابر سمیت هوا فوت نمود مرزا قلیچ
خان اوزبک از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراخته دران
سال تردد نمایانی نموده آینده خدمت ننمود دیگر احوال او معلوم نشد محب علیخان ولد میر خلیفه وکیل
مطلق بابر بادشاه از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی
سربرافراخته خدمت ننمود آینده بعنایت جاگیر در صوبه مالوا خورسند شده در سنه ۹ در سنجر ملک
کده ترددی نموده در سنه ۱۶ قلعهٔ ماتیل در حدود بهکر مفتوح کردانیده در سنه ۱۹ قلعهٔ بهکر بعد فوت
سلطان محمود حاکم آنجا بزور شمشیر فتح کرده در سنه ۲۲ بمیر عرضی اهل حاجت مقرر شده در سنه ۲۳ باوجود
خدمت میر عرضی و کبیر سن منظم دهلی نام برآورده در سنه ۲۸ رحلت کرد محب علیخان رهتاسی در
عهد اکبری از روی طبقات اکبری بمنصب چهار هزاری سرافراز شده متعینه بهار بود در سنه ۱۲ از تعینات
آنجا متعین بنگاله کردیده چون شه باز خان قلعهٔ رهتاس درین سال فتح نموده بود بحراست آن نام
برآورده در سنه ۲۴ هنگام بودن آنجا باوجود اغوای قاقشالان و کابلیان باغی از جا نرفته بلک
بسیاری باغیان را از بغی باز داشته در سنه ۲۵ در تنبیه عرب باغی و در سنه ۲۶ و در تادیب و تجرب
حسبهٔ باغی و در سنه ۲۸ بگوشمالی دیگر باغیان ترددات و تلاشهای مشهورانه نموده تا سنه ۳۴

دران

دران جا بمصدر نیکو خدمتیها بوده درهمان سال بعنایت جاگیر در ملتان سربرافراخته بعد
رسیدن آن جا فوت کرد **میرخان** یساول در سنه احد اکبری بمنصب دو صدی و خطاب خانی
سربرافراخته در سنه ۳ مصدر حسن خدمتی شده در سنه ۱۷ هنگام ورود رایات عالیات در
گجرات مظفر زادهٔ حاکم گجرات را که باتفاق دیگر سرکشان سر فتنه آرائی برداشته بود از غلهٔ
رازی دستگیر نموده آورده تا سنه ۴۰ خدمت ننمود میرخان ابو البقا ولد امیر ابو القاسم نمکین در
سنه ۳ جهانگیری بمنصب هشتصدی و بخطاب میرخانی و در سنه ۸ عهد شاه جهانی بخطاب امیرخان
سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب امیرخان بقلم آمد میرخان دیگر از بندهای قدیم الخدمت
در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب و خطاب میرخان سرافراز شده در سنه ۱ بمنصب هفتصدی و
میر توزکی از تغیر مرشد قلیخان ترکمان سربرافراخته در سنه ۱۲ بمنصب هزاری و در سنه ۱۴ بخدمت
توزک نام برآورده در سنه ۱۸ در هنگامه کشته شدن صلابت خان میربخشی بردست سیاه جان
راو امر سنگه راتهور که خان مذکور را کشته راه مذبور از دیوان خاص بر دروازهٔ دیوان عام
آورده غافل استاده بود کشته شد میرخان میر میران ولد خلیل الله خان یزدی در آخر عهد
شاه جهانی بمنصب و خطاب میرخان سربلند شده در سنه ۱۰ عالمگیری بخطاب امیر
خان نام برآورده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب امیرخان نوشته شد میرخان حاجی محمد
در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و دیوانی شاهزاده محمد اعظم شاه داشت در سنه ۳۲ بخطاب

میرخان سربلند شده در سنه ۱۰ عالمگیری بخطاب امیرخان نام برآورده بود و تتمه احوال او
در ذیل خطاب امیرخان نوشته شده میرخان حاجی محمد در اواسط عهد عالمگیری منصب دیوانی
شاهزاده محمد اعظم شاه داشت در سنه ۲۳ بخطاب میرخان و در سنه ۳۰ بخطاب میرخان و در سنه
۲۹ به نیابت صوبهٔ برهانپور سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد میرخان ولد امیرخان
بن خلیل الله خان یزدی منصبی داشت در سنه ۴۶ عالمگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب میرخان
سرفراز شده و در سنه ۴۹ باضافهٔ یکصد سوار مباهات اندوخته در عهد محمد شاه پادشاه در ایام
قلعه داری کالنجر رخت حیات بربست مرادخان شیبانی ولد امیر بیگ مغل در سنه احد اکبری بمنصب
سه هزاری و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت نمود و در آینده متعین صوبهٔ مالوه گردیده در سنه ۹
در ایام تسخیر ملک گده و در سنه ۱۹ در تنبیه افاغنه سالکام مضاف صوبه بنگاله و در سنه ۲۱ در تعیناتی
خانجهان ناظم بنگاله در جنگ با داود کرانی حاکم زاده بنگاله و بهار تلاش و تردد مردانه نموده
آینده هم مصدر خدمات پسندیده گردیده در حدود اوڈیسه در سنه ۲۵ درگذشت مرادخان دیگر
در سنه احد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد مرادخان
زمیندار تبت خورد بجلدوی ره نمائی فتح تبت کلان در سنه ۶ عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب
خانی و در سنه ۸ بنیابتی سربلند شده بود مرادخان ولد مرشد قلی خان منصبی داشت در
سنه ۴۲ عالمگیری بخطاب خانی بنام خود سرفراز شده در سنه ۳۹ و در سنه ۴۵ مصدر ترددات

گردیده

گردیده در سنه ۵ به بخشیگری گجرات و بمنصب نهصدی و بفوجداری گودهرا مباهات اندوخته تا عهد
بهادرشاه در آن جا خدمت می‌کرد میرزا علی خان ولد محرم بیگ در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی
سر برافراخته خدمت می‌نمود و در سنه ۹ در ایلغار تنبیه عبد الله خان اوزبک باغی و در سنه ۱۸ در جنگ گجرات
ترددات مردانه نموده و در سنه ۱۹ در مهم قلعه تنبیه در رکاب بود و در سنه ۲۰ به اتفاق مظفرخان در تنبیه افاغنه
چهارکهند تلاشها کرده و در سنه ۲۱ از بهار به بنگاله تعین گشته در سنه ۲۲ بحضور آمد و در سنه ۲۵ باز تعین
بنگاله شده تا سنه ۲۸ در آن جا خدمت نمود و در سنه ۳۰ در کارزار با همش چک در کشمیر مردانه شهید شد
محسن خان برادر شهاب الدین احمد خان نیشاپوری در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر بر
افراخته متعینهٔ کابل بود در سنه ۹ در تنبیه شاه ابو المعالی که آن جا هنگامه آرا شده بود ترددی کرده
بعد از آن بحضور رسیده و در سنه ۱۹ الحراست شهر جونپور مقرر بود و در همان سال متعین منعم خان ناظم بنگاله
شده در جنگ با داود کرانی در اوڈیسه ترددی نموده در سنه ۲۰ در گجرات و در شهر گور بنابر سمیت هوا
فرو رفت محسن خان ولد حاجی منصور اوزبک در سنه ۲ شاه جهانی همراه پدر خود از بلخ آمده به
منصب هشتصدی و آینده باضافه هفتصدی و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۲۳ در بنگاله بعدم
رفت محسن خان ولد حکیم صالح خان منصبی داشت در سنه ۱۰ عالمگیری بعد فوت پدر بخطاب خانی و به دیوانی
رکاب در سنه ۲۸ با وجود خدمات سابق برادر عکی جواهر خانه از انتقال خوجه بختاور خان و در سنه ۳۸ به منصب
هزاری سربلند شده تا سنه ۴۳ بعقیدت تمام خدمت نمود مقبل خان غلام قلماق سیادل در سنه احد

اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت مینمود و در سنه ۹ در تنبیه عبد الله خان اوزبک باغی
تردد نموده در سنه ۱۷ در ایلغار اول گجرات در رکاب رسیده بود دیگر احوال او معلوم نشد مبارک خان بهادر
ارغون در سنه احد اکبری از روی اکبرنامه بمنصب پانصدی و بخطاب خانی و بهادری و از روی طبقات
اکبری بمنصب دو هزاری سرافراز شده خدمت مینمود و در سنه ۱۲ هنگام فتح قلعه چیتور روز که نقب
را آتش داده اند و سنگهای دیوار بر پرید سوخته شد میرک خان جنگ جنگ کولانی در سنه احد اکبری
از روی طبقات اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده بمرتبه امرای کبار رسیده بود در سنه ۱۳ فوت
کرد میرک خان گرزبردار در سنه ۲ عالمگیری منصبی داشت در سنه ۲۳ بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۲۴ بفوجداری
دواپه جالندهر بمنصب و در سنه ۲۰ بفوجداری گجرات مضاف صوبه لاهور مامور شده بود بهتر خان از نسب نام
از غلامان همایونی در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و به این خطاب و در سنه ۱۴ بفوجداری و قلعه داری رنتهنبور
سرفراز شده در سنه ۱۲ همراه راجه مانسنگه در جنگ با رانا و در سنه ۲۵ در تعیناتی تنبیه باز خان در تنبیه
معصوم خان فرنخودی باغی در بنگاله ترددها نموده تا آخر عهد خدمت مینمود و در سنه ۳ جهانگیری رخت حیات
بر بست محمود خان از سادات بارهه و امیران نامدار سکنه رسولپور در سنه احد اکبری نوکر بیرام خان بهادر
نوشده بود و از طرف او در جنگ با هیمون ترددی نموده در سنه ۳ در فتح قلعه جیتارن تلاش مردانه نموده در سنه ۵
بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سر برافراخته در اکثر معارک شمشیرهای نمایان نموده خصوص در سنه ۱۸ او در
باد در سنه ۲ فوت کرد سید محمود خان موجی در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۹

درهم قلعه

درهم قلعه تنبیه در رکاب خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد محمود خان فوجدار فیلان خاصه
در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۲۲ در جنگ با راجه مدهکر و در سنه ۲۶ در جنگ
با میرزا محمد حکیم در حدود کابل ترددهای غریب نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد محمود خان خویش در عهد
اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخت در سنه ۲۳ خدمت مینمود و در سنه ۳۰ بسزاولی برامرای
متعینه بنگاله رفته تا سنه ۳۹ در آن جا بود محمود خان صاحب قلعه کالیه از قلاع دکن در سنه ۵ شاه
جهانی معرفت خان زمان قلعه را با اولیای دولت سپرده بمنصب چهار هزاری دو هزار سوار سرافراز شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد سید محمود خان در عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده
در سنه ۲۳ هنگام تنبیه رانا زمیندار اودیپور ترددی نموده بود بعد فوت او سه لک روپیه و شصت
هزار اشرفی از اموال او بضبط دیگر در آمد دیگر احوال او معلوم نشد مقصود علیخان کور از نوکران بیرام خان
در سنه ۵ اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی بر نام خود سربلند شده بود معین خان فرنخودی
از بندهای قدیمی در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بیوتاتی و در سنه ۱۸ نظم اکبرآباد و در سنه
بخطاب خانی و بدیوانی مالوه سرافراز شده اکثر تعینات ممالک شرقیه کرده و در سنه ۲۴ در
گور دارالملک بنگاله بنابر سمیت هوا فوت کرد معین خان میرک معین در عهد جهانگیری بمنصب و به
بخشیگری کابل سربلند بود و در سنه ۱۹ الخطاب خانی نام بر آورده و در سنه احد شاه جهانی باضافه
منصب عزت اندوخته بود دیگر احوال او معلوم نشد معین خان خواجه معین داراشکوهی منصبی داشت

در سنه ۲۰ شاه جهانی به خطاب خانی و بمنصب هزاری سربلند گردیده در سنه احد عالمگیری بحالی
منصب سابق و در سنه ۲ بوکالت پادشاهزاده محمد معظم و در سنه ۸ بدیوانی کابل چهرهٔ امتیاز
برافروخته بود آئینده معزول شده در سنه ۱۰ اکبر بدیوانی کابل مقرر گردیده انجام حال او معلوم نشد

مظفر خان خواجه مظفر علی تربتی دیوان بیرام خان در سنه ۵ اکبری بمنصب و در سنه ۸ بخطاب خانی
بر نام خود و از اصل و اضافه بمنصب چهار هزاری و بوزارت کل و به افزایش لفظ عمدة الملکی
القاب سرفراز شده در سنه ۱۱ با انتظام مهمات بیرون رفته و مکرر بحضور آمده و در سنه ۱۸ بنظم
مالوا نام برآورده در سنه ۱۹ بحضور رسیده بتقصیری از نظر همایون افتاده متعین خان زمان بنابر تسخیر
قلعه رهتاس شده در آن جا در اکثر کارزار که به افاغنه رو داده بعد حرب صعب فتحیاب شده به جلدوی
این حسن خدمت با انتظام محالات شرق رویه از گذر چوسا تا گدهی مقرر گردیده در سنه ۲۱ از آن جا
کومک خان جهان ناظم بنگاله مامور شده ترددات که منتهای ریاست است نموده در سنه ۲۲ حضور طلب گشته
به اتفاق راجه تودرمل و خواجه منصور شیرازی کارهای وزارت سرانجام کرده در سنه ۲۴ بنظم بنگاله
از انتقال خان جهان نام برآورده در سنه ۲۵ بجهت سختگیری خود بردست متعینان بنگاله سرگروه
آنها قاقشالان بودند بقتل رسید مظفر خان میر عبدالرزاق معموری در آخر عهد اکبری بمنصب هشتصدی
و به بخشی گری سرافراز شده بود در سنه احد جهانگیری به بخشی گری حضور مقرر شده در سنه ۳ بخطاب مظفر خان
نام برآورده در سنه ۷ بنظم تهته از انتقال میرزا غازی مباهات اندوخته بعد چندی موقوف شده در سنه

بحضور رسیده

بحضور رسیده باضافهٔ پانصدی سربرافراخته در سنه ۱۱ باز بنظم صوبهٔ مذکور از تغیر شمشیر خان اوزبک
چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه ۱۳ بحضور آمده باز بنظم آگره رخصت شده در سنه ۱۵ حسب الحکم بحضور
آمده در سنه ۱۶ چندی میر بخشی مقرر گردیده در همان سال بحراست اکبرآباد نام برآورده در سنه ۲۰ از تغیر شده بطور
کومکیان آن صوبه تا سنه ۲۱ بود و در همین سال مکرر به میر بخشی گری از تغیر صادق خان بلند مرتبه شده و در سنه ۲۱
باز بحراست اکبرآباد مقرر بود در سنه ۱۱ بنظم صوبهٔ تهته مباهات اندوخته در سنه احد شاه جهانی در اکبرآباد
خانه نشین گشته تا سنه ۵ منزوی بود سید مظفر خان باره در سنه احد شاه جهانی بمنصب چهار
هزاری و بخطاب خانی و در سنه ۳ بخطاب خانجهان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خانجهان
نوشته شد سید مظفر خان ولد سید شجاعت خان بن سید جهان گیر باره در سنه ۱۹ شاه جهانی
بمنصب هزاری و در آخر عهد باضافهٔ پانصدی و در سنه ۳۰ بخطاب همت خان و در سنه ۳۱ بخطاب خانی بر نام
خود سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی نام برآورده تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب شجاعت خان
بقلم آمد سید مظفر خان سید شیر زمان ولد سید خان جهان باره در سنه ۱۹ شاه جهانی بعد فوت پدر
بمنصب هزاری سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب دوهزار و پانصدی و بخطاب مظفر خان سرافراز
شده در سنه ۳ در تعیناتی ناظم بنگاله ترددات شایسته کرده بود انجام حال او معلوم نشد مظفر خان
ابن حسین نام از اولاد حسین خان فیروز جنگ در سنه ۲ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب سربرافراخته
تعین بنگاله شده در سنه ۸ بجایزهٔ ترددات آن جا بخطاب مظفر خان نام برآورده در سنه ۱۰ بخطاب خانی

برنام خود نامور گردیده تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب حرف الف نوشته شد مظفر خان ولد خان جهان
بهادر ظفر جنگ کوکلتاش در سنه ۱۹ عالمگیری بجلدوی تنبیه سیوا مقهور دکهنی بخطاب مظفر خان سربرافراخته
خدمت نمود و در سنه ۲۲ بخطاب همت خان نام برآورده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب همت خان برقم خواهد آمد مظفر خان
محمد بقا ولد خان جهان بهادر ظفر جنگ منصبی داشت در سنه ۴۲ عالمگیری بخطاب مظفر خان سربرافراخته آینده بخطاب
و به نیابت ناظم حیدرآباد از طرف شاهزادهٔ کام بخش مقرر شده در سنه ۴۸ معزول گردیده بود در سنه جلت نمود
مقرب خان دکهنی در سنه ۵ اکبری از دکن آمده بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته تعین صوبهٔ مالوه شده بود در سنه ۱۱
در جنگ با مرزایان باغی تردد نمایانی کرده دیگر احوال او معلوم نشد مقرب خان حکیم شیخ حسن ولد شیخ بینا
ساکن کرانه در سنه احد جهانگیری که بمنصب و خطاب مقرب خان در ایام شاهزادگی از قبل السنیان سرافرازی
یافته بود و تیر و تفنگ خوب می انداز و در جراحی سرآمد عهد خود است مورد نوازش شده در سال اول بادرن
متعلقان شاهزاده و اشبال بدکت رفته و این خدمت سرانجام نموده در همین سال بحضور آمده آینده به بندر کهنبایت
رفته در سنه ۳ پردهٔ فرنگی ارسال حضور نموده در سنه ۵ بحضور آمده بتقصیر این غفلت که همراهی او دختر بوهٔ نی را
بزور در خانه خود کشیده بود و کمی نصف منصب سعادت گردیده آینده بنابر بعض مهمات به بندر کوه رفته در سنه
بعد آمدن از بندر کوه بنظم دهلی و با اضافه‌های پانصدی بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۹ بمنزله منصبی بندر
سورت مقرر بود در سنه ۱۳ با اضافهٔ دوهزاری بمنصب پنجهزاری مباهات اندوخته از آن جا روانهٔ حضور شده در سنه مذکور
ملازمت نموده در سنه ۱۱ بنظم گجرات از تغیر عبد الله خان بهادر و هنگام رخصت بعنایت خلعت خاصه با نادری مع تکمهٔ

تکمهٔ مروارید

تکمهٔ مروارید و شمشیر مرصع و فیل خاصه و در سنه ۱۳ بنظم بهار از تغیر جهانگیر قلی خان در سنه ۱۴ بهنگام روانه
شدن بصوبهٔ بهار بعنایت فیل با تلاویر و در سنه ۱۸ بنظم صوبهٔ اکبرآباد و انتقال مختار خان خواجه سرای
سربرافراخته در سنه ۱۹ معزول گردیده تا سنه ۱۲ در حضور خدمت می نمود روزی که مهابت خان آنحضرت را
بطور بی ادبی تمام بخانهٔ خود برده بود مقرب خان در راه در خورده در سنه ۳ بمتصدیگری بندر کهنبایت و در سنه
بنظم دهلی و در سنه ۱ بمنصب پنجهزاری و در سنه ۱۱ بنظم گجرات از تغیر عبد الله خان فیروز جنگ و در سنه ۱۳ بنظم
بهار و در سنه ۱۴ بعنایت فیل با تلاو بر و در سنه ۱۸ بنظم اکبرآباد و سربلند شده در قرب و منزلت اختصاص
داشت و روزی درون حوضهٔ فیل نزدیک حضرت نشسته بود در عهد شاه جهانی بمنصب چهارهزاری بحال
مانده در سنه ۲ بعمر نود سال فوت نمود و پیشکش‌های او از اتحاف و جواهر یادگار روزگار است مقرب خان
غلام ترک نژاد از نوکران نظام الملک حاکم دکن در سنه ۵ شاه جهانی بمعرفت اعظم خان ناظم الخابه بمنصب
پنجهزاری و به این خطاب و در سنه ۸ بخطاب رستم خان سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب رستم
خان نوشته شد مقرب خان شیخ نظام حیدرآبادی در سنه ۳۲ عالمگیری بمنصب ششهزاری و خطاب
مقرب خان و در سنه ۳۳ بخطاب خان زمان سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب خان زمان
نوشته شد مقرب خان میرزا محمد عالی تخلص در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب نعمت خان سرافراز
شده بود در آخر عهد بمنصب هفتصدی و بخطاب مقرب خان نام برآورده در سنه احد بهادرشاه بخطاب دانشمند
خان نامور گشته در سنه ۲ فوت کرد معصوم خان ولد معین خان فرنخودی از روی طبقات اکبری بمنصب چهارهزاری

وبخطاب خانی در عهد اکبری سرافراز شده در سنه ۱۰ و در سنه ۲۰ ترددات شائسته نموده در سنه ۲۵
باتفاق بابا خان وغیره قاقشالان راه بغی پیموده و مکرر با اولیای دولت کارزارهای شدید کرده در
ممالک شرقیه فساد عظیم برداشته در سنه ۲۶ تقصیرش مقرون بعفو گردیده بحضور رسیده در سنه ۲۷
باقتضای مصلحت ملکی باشارهٔ حضرت بقتل آمد میر معصوم خان از سادات تربت کوکهٔ مرزا محمد حکیم
در سنه ۲۰ اکبری از کابل آمده بمنصب وخطاب خانی سربرافراخته بتعین صوبه بهار شده خدمت مینمود در
سنه ۲۵ رایت بغی برافراشته و بسیاری از دولت خواهان را بر جادهٔ عصیان برده عالمی را بشور آورده
پانزده سال کارزارهای شدید نموده در سنه ۴۴ در بنگاله بعدم رفت میر معصوم خان پسر اولیت
شاه نواز خان صفوی در سنه ۲۶ شاه جهانی بمنصب پانصدی سربرافراخته در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی برنام خود و بعد شهادت پدر بمنصب دو هزاری و در سنه ۳
بخدمت آخته بیگی از تغیر سیف خان و آینده بخدمت توزبیکی والا رتبه در سنه ۴ بفوجداری ترهت مقرر
گردیده در سنه ۱۰ معزول گشته تا سنه ۲۰ خدمت مینمود مجاهد خان ولد محب علیخان پسر میر خلیفه در عهد اکبری
بمنصب و به این خطاب سربرافراخته در سنه ۱۶ همراه پدر به تسخیر بهکر رفته در فتح قلعهٔ ماهله و بهکر تلاشهای
رستمانه نموده در سنه ۱۷ در اطراف تهته اقامت گزیده آینده هم مصدر خدمات پسندیده بود مجاهد خان
ولد مصاحب خان در عهد اکبری از روی طبقات اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی سربرافراخته در
جنگ قلعهٔ کوندلمیر از مضافات اودیپور مردانه شهید شد مجاهد خان میر مرتضی امامی بابت شاه

شجاع درسنه

شجاع در سنه ۳ عالمگیری بمنصب سربرافراخته در جنگ تعیناتی صوبه جنت البلاد بنگاله ترددات
و تلاشهائی که نشانهای تهوریست نموده خصوصًا در تسخیر ولایت جاتگام در تعیناتی بزرگ امیدخان
امیرالامرا ناظم بنگاله کارها کرده بجایزهٔ آن در سنه ۸ بخطاب مجاهد خان نام برآورده تا سنه ۱۴ خدمتهای
نمایان مینمود مجاهد خان محمد عارف برادر غازی الدین خان فیروز جنگ در سنه ۲۴ عالمگیری به منصب
و در سنه ۴۲ بخطاب مجاهد خان سربلند شده در سنه ۵۰ در جنگ حیدرآباد مصدر ترددی گردیده بود

مرزا خان عبدالرحیم ولد بیرام خان بهارلو در عهد اکبری بمنصب و در سنه ۱۰ بخطاب مرزا خان در
سنه ۱۲ باتالیقی وزیرخان بنظم صوبهٔ گجرات و در سنه ۲۸ بخطاب خانخانان سرافراز شده بود تتمهٔ
احوال او در ذیل خطاب خانخانان بقلم آمد مرزا خان نیشاپوری از قرابتیان سید شهاب الدین
احمد خان در عهد اکبری بمنصب سه صد و پنجاهی و بخطاب خانی سربرافراخته خدمت مینمود در سنه ۴۲ در
جنگ با امین خان غوری که پسور تهته در تصرف او بود ترددی کرده آخر کار از جا رفته بود و لاکن در سنه ۴۵
در دکن تلاشهای مردانه نموده بود انجام حال او معلوم نشد مرزا خان ولد زین خان کوکه در
سنه ۱ جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب مرزا خان سرافراز بود و خدمت مینمود در سنه ۹ شاه
جهانی درگذشت مرزا خان منوچهر ولد شاه نواز خان بن خان خانان عبدالرحیم در سنه ۹
جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب دو هزاری سربرافراخته در سنه ۱۸ اشتراک بغی سلطان خورم شده
در سنه ۱۸ از ایشان جدا شده داخل دولت خواهان گشته خدمت مینمود در سنه احد شاه جهانی

بعنایت خلعت و خنجر مرصع و عطای منصب چهار هزاری ذات و سوار و علم و نقاره و در سنه ۶
بخطاب میرزا خان و باضافه هزاری و بفوجداری سرکار بهرایچ و در سنه ۸ بفوجداری کانگره سربلند
شده در سنه ۹ بنابر شوریده دماغی معزول شده در سنه ۲ در کارزار بلخ و بدخشان تردد کرده
آنچه منظم اوده نام برآورده در سنه ۲۲ تغیر گشته در سنه ۲۴ حاکم مانده بود در سنه ۳ تقلعه داری
احمدنگر و در سنه ۲۶ به فوجداری الچپور رسابات اندوخته در سنه ۲۹ در تحصیل پیشکش چانده تردد شایسته
نموده در سنه احد عالمگیری انزوا کرده در سنه ۱ به بحالی منصب و بخدمت ایرج و بهاندیر کام دل برگرفته
و در سنه ۱۶ رحلت نمود میرزا خان میر ابو المعالی ولد میرزا والی در سنه ۲۲ شاه جهانی بمنصب هزاری
و در سنه ۲۵ باضافه پانصدی سربرافراخته تعیق مهم قندهار کرده در سنه ۲۶ بمنصب دو هزاری و بفوجداری
سیوستان سرافراز شده در سنه سیم تغیر شده در سنه ۱ بفوجداری نزهت مضاف صوبه بهار
از انتقال سزاوار خان ولد لشکر خان مشهدی مقرر گشته در سنه احد عالمگیری از بهار آمده باضافه
هزاری و باین خطاب نام برآورده متعین ناظم بهار شده در سنه ۲ همراه داود خان ناظم آنجا در کارزار
بادشاه شجاع تردد نموده در سنه احد عالمگیری باضافه هزاری و بخطاب میرزا خان و در سنه ۸ بفوجداری
دربهنگه نام برآورده در سنه ۸ فوت کرد میرزا جان محمد ابراهیم ولد نجابت خان بن میرزا شاهرخ در سنه
احد عالمگیری باضافه هزاری و بخطاب منصب پنجهزاری و بخطاب شجاعت خان و بخطاب خانعالم سرافراز
شده پس از چندی معاتب شده در سنه ۲ بمنصب سه هزاری و بخطاب غیرت خان و در سنه ۸ بار دوم

بخطاب شجاعت خان

بخطاب شجاعت خان بلند مرتبه گردیده در سنه ۲۴ تقصیر رفاقت بادشاهزاده محمد اکبر باغی
معتقد شده در سنه ۳۴ به بحالی منصب مذکور و بخطاب میرزا خان و بفوجداری جونپور و آنچه منظم
اوده سربرافراخته در سنه ۵ در آنجا فوت کرد سید مهرعلی خان سید روز در عهد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی
سربرافراخته در سنه ۲۲ فوجدار حصار بود در سنه ۲۳ تعین کابل و در سنه ۲۴ تعین بهار و در سنه ۲۵
تعین بنگاله شده بود دیگر احوال او معلوم نشد منصف خان هروی سلطان محمد نام در عهد اکبری بمنصب پانصدی
و به انخطاب سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد مبارک خان افغان در سنه ۲۵ اکبری بمنصب و خطاب خانی
سربلند و تعین کابل بود دیگر احوال او معلوم نشد مبارک خان ولد کمال خان گکهر در سنه ۳۶ اکبری
بمنصب هزار و پانصدی و خطاب خانی بلند مرتبه شده و هنگام تسخیر کشمیر مصدر تردد بود و در سنه ۴۱ در کابل
ترددها کرده دیگر احوال او معلوم نشد مبارک خان سروالی بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود و در سنه
جهانگیری باضافه منصب سربرافراخته در سنه ۱ بمنصب هزار و پانصدی رسیده در فنون سپاهی گری دقیقه
فروگذاشت نکرده بود انجام حال او معلوم نشد مبارک خان نیازی در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب
و خطاب خانی داشت در سنه ۲ بجایزه ترددات دکن بمنصب دو هزاری و در سنه ۳ بقلعه داری اودگیر
از تغیر اهتمام خان سرافراز شده در سنه ۸ معزول گردیده در سنه ۱۲ از دکن بحضور آمده در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵
بکر همراه شاهزاده عالمگیر بتعین مهم قندهار شده ترددات نموده در سنه ۲۶ بتهانه داری پرده بنگش
معزز گردیده بود و در سنه ۲۹ تغیر شده در سنه ۲ عالمگیری باز بفوجداری بنگش از تغیر حسین بیگ خان نام

براورده بود سید مبارک خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب هشتصدی و خطاب خانی و قلعه‌داری
حصار شهرپناه دولت آباد سرافراز شده بود و در سنه ۴ بقلعه‌داری کالاکوٹ و دیوکیه از تغیر سید مجتبی
خان معزز گردیده تا سنه ۱۵ خدمت نمود و بعد رحلت حضرت در ایام بودن آن جا از منصب اعظم شاه اضافه
صدی یافته بود انجام حال او معلوم نشد محصوص خان برادر سعید خان ولد یعقوب بیک در عهد اکبری بمنصب و
خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۲ متعین بهادرشاه و در سنه ۲۵ بتعین سلطان مراد شده در سنه ۴۹
بجایزه ترددات نمایان بمنصب سه هزاری سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد محصوص خان برادر
سید سرافراز خان دکهنی در آخر عهد عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی و به این خطاب سرافراز بود و در سنه ۲
بهادرشاه بخطاب بخت بلند خان نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد منو خان در سنه ۳۰ اکبری به
منصب و به این خطاب سربلند و تعین سلطان خسرو شده بود دیگر احوال او معلوم نشد محبت خان در سنه ۳۸
اکبری بمنصب و به این خطاب سرافراز و در کابل در قتل محمد زمان پسر جبلی میرزا شاه رخ که قاسم خان ناظم آن جا را
بقتل رسانیده بود تردد نمایانی نموده بود محبت خان در سنه ۸ شاه جهانی بمنصب و به این خطاب سربلند و تعین
صوبه دکن شده بود دیگر احوال او معلوم نشد مسعود خان حبشی در سنه ۴۶ اکبری بمنصب و به این خطاب سرافراز
و تعین میرزا رستم و میرزا شاه رخ به دکن شده رفته بود مسعود خان یادگار مسعود برادرزاده سعید خان
بهادر در عهد شاه جهانی منصبی داشت و در جنگ مالوه بمقابله شاهزاده عالمگیر همراه مهاراجه جسونت سنگه
بود و بعد شکست مهاراجه در رکاب عالمگیری ملازمت نموده باضافه هفت صدی و به این خطاب سر برافراخته

معارک

معارک سلطانی تردد ها نموده بتعین دکن شده در اوائل عهد عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی و بخطاب
مسعود خان سر برافراخته تا سنه نهم خدمت نمود و سیدی مسعود خان صاحب قلعه ادونی از قلاع صوبه
بیجاپور بود بعد فتح آن قلعه در سنه ۳۰ عالمگیری بمعرفت غازی الدین فیروز جنگ بمنصب هفت هزاری و جاگیرداری
و فوجداری مرادآباد ممتاز شده بود حکم شده بود که خود پیش در لشکر فیروز جنگ باشد دیگر احوال او معلوم
نشد مسعود خان سحلی بجگانه محترم خان منصبی داشت در سنه ۴۹ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود سر بر افراخته
بود در عهد فوت کرد مرتضی خان شیخ فرید سید بخاری در عهد اکبری بمنصب سربرافراخته در سنه ۴۰ بخشی گری
درشت و در سنه ۴۳ حضرت بخانه او که بر لب آب جون ساخته بود تشریف برده بودند در سنه ۴۴ بتعین بهار
شده در سنه ۴۷ بتعین بنگاله گردیده در سنه ۵۰ بمنصب هفت صدی و میر بخشی گری باتفاق آصف خان جعفر بیگ
و در سنه ۵۰ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۴۹ بجایزه ترددات نمایان بمنصب چهار هزاری سرافراز شده بود
در سنه احد جهانگیری بنا بر شکست دادن سلطان خسرو باغی باضافه هزاری و بخطاب مرتضی خان سربلند شده
در سنه ۲ بنظم گجرات مقرر بوده در سنه ۵ بنظم لاهور و در سنه ۸ بمنصب شش هزاری و در سنه ۱۰ بعنایت
فیل با تلایر مباهات اندوخته در سنه ۱۱ در آن جا به آخرت سرا رفت خان مسطور از خوبان روزگار بود مرتضی
خان میر حسام الدین ولد میر جمال الدین حسین انجو منصبی داشت در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب هزاری و به اضافه
پانصدی و در سنه ۱۶ از تغیر نصرالله بقلعه‌داری آسیر معزز شده بود و در سنه ۱۸ هرگاه سلطان خورم راه
بغی پیموده به دکن رفته خانه گو را با سلطان در خورده بخطاب مرتضی خان و بمنصب چهار هزاری بلند مرتبه شده در سنه

احد شاه جهانی بنظم صوبه ٹهٹه از انتقال شیر خواجه مقرر گشته و در سنه ۲ در آن جا بعدم رفت مرتضی خان
سید نظام ولد سید صدر جهان ساکن پهانی در آخر عهد جهانگیری منصب هزاری داشت در سنه احد شاه
جهانی بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۵ بمنصب سه هزاری و بخطاب مرتضی خان و در سنه ۶ بقلعه داری
دولت آباد سرافراز شده و در سنه ۲۰ در تعیناتی شاهزاده محمد شجاع در جنگ با بیجاپوریان ترددی نموده در
سنه ۲۸ بنا بر تنبیه عادل خان حاکم بیجاپور به اتفاق دیگر سران مامور شده در سنه ۲۴ خانه نشین گشته مدت
لکهه دام از پرگنه‌های مضاف صوبه اوده بمحال وطلبش بنام او شورغال مقرر شده بود مرتضی خان سید شاه
محمد منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب مرتضی خان ممتاز شده در معارک ترددد
و تلاش مردانه نموده در سنه ۲ بمنصب چهار هزاری و در سنه ۳ بمنصب پنجهزاری سه هزار سوار و آینده
بیدار دلی فرقهٔ خاص چوکی سرافراز شده اکثر مصدر خدمات پسندیده شده بادشاه و سپاه را از خود راضی
داشته در سنه ۹ ترددات شایسته نموده آینده بقلعه داری احمدنگر مقرر شده و در سنه ۳ آنجا کرده در سنه ۱۱
بفوجداری لکهنو و بیسواره نام بر آورده در سنه ۲۱ از لکهنو بخضبو رانده و در سنه ۲۲ به بیسواره رفته در آن جا
فوت کرد مرتضی خان سید مبارک در اوائل عهد عالمگیری منصبی داشت و آینده بقلعه داری دولت آباد مقرر شده
در سنه ۲۹ بخطاب مرتضی خان نام بر آورده مدتی در آن جا مانده انجام حال معلوم نشد مهابت خان زمانه بیگ
ولد غیور بیگ کابلی در سنه احد جهانگیری بمنصب و بخطاب مهابت خان سرافراز شده بود در سنه احد
شاه جهانی بخطاب خانخانان نامور گردیده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خانخانان نوشته شد مهابت خان

طهراسپ

طهراسپ ولد مهابت خان زمانه بیگ منصبی داشت در سنه ۳ در دکن ترددی نموده در سنه ۴ همراه پدر هنگام
فتح قلعهٔ دولت آباد تلاشها کرده بجایزهٔ آن بخطاب خانی نام بر آورده در سنه ۱۰ بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۲
بخدمت قوربیگی و در سنه ۱۹ بمنصب دو هزار و پانصدی مباهات اندوخته با کرمناست برادر خود بتعیین مهم بلخ و بدخشان گردیده
در سنه ۲۰ بجایزهٔ ترددات آنجا بمنصب سه هزاری سر برافراخته در سنه ۲۲ بمتعینین مهم قندهار همراه شاهزادهٔ عالمگیر
شده و در سنه ۲۴ باضافهٔ هزاری و بمیر بخشی گری از تغیر خلیل الله خان نام بر آورده در سنه ۲۵ بمنصب پنجهزاری
و بخطاب مهابت خان و بنظم صوبهٔ کابل سر برافراخته در همین سال با وجود نظم کابل مکرر همراه شاهزادهٔ عالمگیر بتعیین
مهم قندهار شده در سنه ۲۶ باز همراه داراشکوه بقندهار رفته در سنه ۲۸ به تنبیه رانا راج سنگه زمیندار
اودی پور مامور گشته و در سنه ۳۰ به تعیین شاهزادهٔ عالمگیر که ناظم دکن شده بودند گردیده ترددات شایسته
نموده در سنه ۳۱ بار دوم بنظم صوبهٔ مذکور از تغیر رستم خان بهادر فیروز جنگ چهرهٔ امتیاز برافروخته در
سنه احد عالمگیری بنظم آن جا بحال مانده و بمنصب شش هزاری پنجهزار سوار سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه
لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۵ بنظم گجرات از تغیر مهاراجه جسونت سنگه علم مباهات
برافراخته در سنه ۱۱ بار سیوم بنظم کابل از تغیر سید امیر خان خافی نام بر آورده در سنه ۱۳ به سابق
دکن تعیین گشته بعنایت فیل با تلایر امتیاز یافته در سنه ۱۵ طلب حضور شده چون نظم کابل از بی
رائی محمد امین خان از دستانی برهم خورده بود بار چهارم بنظم کابل مامور شده در سنه ۱۶ امغر واقع طلب
حضور شده و بعد ملازمت در جشن ابدال به تنبیه راجه نرسنگداس گور زمیندار راجه سیتهلداس گ کس

راه بتی پیموده بود ماموز گشته بود و در راه در منزل امین آباد در سنه ۱۸ فوت نمود مهابت خان
محمد ابراهیم سپه‌سالار لشکر دکهنیان در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب شش هزاری و باین خطاب و در سنه ۳۰
ناظم برار و در سنه ۳۴ بمنصب هفت هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد معظم خان
شیخ بایزید پسر شیخ سلیم چشتی در سنه ۴۹ اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده بود و او
بمنصب دو هزاری نام برآورده بود تا سنه احد جهانگیری بخطاب معظم خان و به اضافه هزاری و بمنصب
سه هزاری و در سنه ۳ بمنصب چهار هزاری و ناظم دهلی مقرر شده در سنه ۵ در آنجا مانده انجام حال
او معلوم نشد معظم خان محمد سعید اردستانی از نوکران قطب الملک حاکم حیدرآباد در سنه ۲۹
شاه جهانی بمنصب شش هزاری و به این خطاب سر برافراخته در سنه ۳ عالمگیری بخطاب خانخانان
ماموز شده بود تتمهٔ احوال او معلوم نشد آینده در ذیل خطاب خانخانان نوشته شد معظم خان
محمد معظم ولد شاه نواز خان صفوی در سنه ۲۶ شاه جهانی بمنصب پانصدی سربلند شده بود
در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ بخطاب سیادت خان و در سنه ۸ بخطاب
معظم خان بخدمت توشک بیگی و در سنه ۸ بمنصب سه هزاری سر برافراخته بود مکتوب خان از
از بندهای اکبری بمنصب و باین خطاب سرافراز بود و در سنه احد شاه جهانگیر تاریخ جلوس جهانگیر
بادشاه گذرانیده و بداروغگی توپ خانه و در سنه ۱۳ بمنصب شش صدی نام برآورده بود و
مکتوب خان میر صالح در آخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و خدمت فرمان نویسی در است

در سنه ۲ عالمگیری

در سنه ۲ عالمگیری باین خطاب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد معظم خان جان بیگ
در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و بخشی گری احدیان در شت در سنه ۳ بخشی گری دکن و بخطاب
مخلص خان سر برافراخته در سنه ۸ بخدمت عرض مکرر و هم در سنه مذکور به دیوانی بنگاله و بمنصب
دو هزاری سرافراز شده در سنه ۱۴ از آن جا آمده به دیوانی شاه زاده پرویز مقرر گردیده در سنه ۱۹
از صوبه بهار که تعلق بشاهزادهٔ مذکور داشت هنگام ورود سلطان خورم فراری گشته در اله آباد
رسیده باز بحضور آمده در سنه احد شاه جهانی بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و بفوجداری برور
و در سنه آخر مذکور بفوجداری گورکهپور و در سنه هفتم بنظم صوبه تلنگانه سربلند شده و بمنصب سه
هزاری رسیده در سنه ۱۰ از آن جا رخت عمر بسته گردید مخلص خان عبد الله نام ولد حاجی منصور بلخی از سنه ۲۰
شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراز شده در سنه ۲۳ بجایزهٔ تردد در صف جنگ با قزلباش همراه
رستم خان بهادر بمنصب هزاری و در سنه ۲۴ باضافهٔ پانصدی سربلند گردیده در سنه ۲۵ و در سنه ۲۱
تعیین مهم قندهار گشته بعد مراجعت باضافهٔ پانصدی و به این خطاب و آینده بخدمت میر توزکی سربلند
گشته در سنه ۲۹ تغیر گردیده در سنه احد عالمگیری در جنگ مالوه تعین مهاراجه جسونت سنگه
شده بود در جنگ اکبرآباد از همراهی دارا شکوه جدایی گزیده در جناب عالمگیری رفته باضافه هزاری
و بخطاب یکه تاز خان نام برآورده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب یکه تاز خان نوشته خواهد شد
مخلص خان قاضی نظاما کروتری در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه ۱۴

به بخشیگری فوج متعینه سعید خان بهادر مقرر شده آینده بمنصب ششصدی و در اواخر عهد دیوانی
کابل مباهی شده بود و خدمت امینی داغ در سنه ۳ و بخشیگری دکن از تغیر میر جعفر استرآبادی از
به اضافه منصب و در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب مخلص خان و نظم صوبه اکبرآباد
و بعد چندی باضافه منصب پانصدی علم مفاخرت برافراخته در سنه ۳ تعیین بنگاله شده پنج سال
در آن صوبه تردد نمود در سنه ۸ بحضور آمده در سنه ۹ باستقبال سیوا مرتهه رفته در سنه ۱۰ تعیین دکن گشته
بود مخلص خان میر شمس الدین علی ولد صف شکن خان محمد شجاع بن میر قوام الدین خان صدر ایران
منصبی داشت در سنه ۱۳ عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب مخلص خان و بداروغگی توپخانه سرافراز شده
در سنه ۲۳ بخدمت عرض مکرر و در سنه ۳۰ بخدمت قوربیگی و در سنه ۳۴ بجایزه تردد به تنبیه غنیم به منصب
سه هزاری و خدمت تن بخشیگری والامرتبه گردیده در سنه ۳۸ عازم سفر آخرت شد نجابت ذاتی با کمالات
کسبی جمع داشت مخلص خان مشهدی نبیره لشکر خان شاه جهانی در اواسط عهد عالمگیری بمنصب
و بخطاب معتقد خان سر برافراخته در سنه ۴۰ بمنصب هزاری و در سنه ۴۱ بنظم برهانپور از تغیر عنایت خان
ولد سعدالله خان سربلندی اندوخته در سنه ۴۸ بخطاب مخلص خان و بقلعه داری اکبرآباد نام برآورده
در عهد فرخ سیر بنظم ذوالفقارخان بهادر ضایع گردید میکل خان در سنه ۳ جهانگیری بمنصب و خطاب
خانی سرافراز بود در سنه ۱۰ بمنصب هزار و پانصدی سربلند شده دیگر احوال او معلوم نگشت مکل خان
مسعود مکلی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب مکل خان سربلند شده در سنه ۴

بفوجداری

بفوجداری پلامون مقرر گردیده و آینده بفوجداری سارن مضاف صوبه بهار و در سنه ۸ بعد
عزل از خدمت بشرف ملازمت و آینده باز بفوجداری پلامون سربرافراخته در سنه ۹ معزول شده
تعیین کابل در سنه ۱۱ بتهانه داری نوشهره مقرر گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد معتمد خان
محمد شریف در سنه ۴ جهانگیری بمنصب و بخطاب معتمد خان سرافراز بود و اکثر مورد مراحم مانده در سنه ۱۱
بمنصب هزاری و بخشیگری لشکر متعینه مهم دکن سربرافراخته در سنه ۱۲ بحضور آمده در سنه ۱۳ با
خدمت توپخانه مقرر شده در سنه ۱۵ در سفر کشمیر در رکاب بوده بداروغگی عرض مکرر و منصب هزار
و پانصدی نام برآورده در همین سال به بخشیگری لشکر متعینه دکن همراه سلطان خورم مقرر
شده در سنه ۱۶ بمنصب دو هزاری سربلند گردیده در سنه ۲۱ بحضور آمده بضبط وقایع دربار
مامور گشته در سنه ۲۲ به بخشیگری حضور و بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه احد شاه جهانی
بمنصب سه هزاری و هشتصد سوار و در سنه ۲ به تن بخشیگری از تغیر اسلام خان سربرافراخته در
سنه ۴ همراه آصف خان در دکن ترددها کرده در سنه ۹ بمنصب چهار هزاری هزار و دو صد سوار
سنه ۱۰ به بخشیگری از انتقال میر جمله محمد امین نام برآورده در سنه ۱۲ بنظم لاهور مباهات اندوخته
در سنه ۱۳ فوت کرد معتمد خان محمد قاسم ولد هاشم خان بن قاسم خان میر بحر در سنه ۲
شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب معتمد خان سر برافراخته در سنه ۲۲ بخطاب قاسم خان نام
برآورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب قاسم خان نوشته شد معتمد خان محمد صالح شرف به توپخانه

سرکار والا در آخر عهد شاه جهانی منصبی داشت بنابر خواهش سلیقگی در سنه ۲۸ بخطاب معتمد
خان و بخدمت بیوتاتی سرافراز شده بعد چندی به دیوانی دارا شکوه بمنصب هزاری و در سنه ۲۹ باضافه
پانصدی و در سنه ۳۰ بمنصب دو هزاری بلند مرتبه گشته در جنگ اکبرآباد مردانه بکار آمد معتمد خان خواجه یوز
خواجه سرا در سنه احد عالمگیری بمنصب و بخطاب معتمد خان سربلند شده برای خدمت گذاری جناب شاه جهانی
تعین گشته در آخر سنه مذکور بخدمت نظارت از تغیر اعتبار خان و در وسط سنه ۲ باضافه پانصدی
بمنصب هزار و پانصدی و محارست قلعه شاه جهان آباد و در سنه ۳ بقلعه داری گوالیار از تغیر عبدالله
خان سر برافراخته بود در سنه بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۷ بنظم اکبرآباد و در سنه بار دویم بقلعه داری
مذکور سرافراز شده در سنه ۲۳ در آن جا درگذشت از اموال او دوازده لک روپیه نقد سوای اجناس
بضبط درآمد معتمد خان دیوان افکن ولد ... خان قباد بیگ منصبی داشت در سنه ۲۴ عالمگیری
بخطاب معتمد خان بداروغگی داغ از تغیر شریف خان نعمت اللهی سرافراز گشته در سنه ۲۵ باضافه
پانصدی نامور گردیده در سنه ۳۵ فوت کرد معتمد خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب
ششصدی و به این خطاب و بخالصه ماتی اعظم شاه سرافراز شده بود در سنه احد بهادر شاه
به دیوانی شاهزاده جهان شاه نام برآورده بود معتقد خان خواجه ابوالحسن مشهدی در اوایل
عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب معتقد خان سربلند گشته در سنه ۳ به دیوانی بنگاله مقرر شده در
سنه ۷ بمنصب هزاری نام برآورده بود و هم در سنه مسطور بخدمت بخشی گری حضور و در سنه ۸ به بخشی گری

لشکر بنگش

لشکر بنگش امتیاز یافته در سنه ۹ بخطاب لشکرخان نامور شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب
لشکرخان تقلیم آمد معتقد خان میربکئی در سنه ۱۱ جهانگیری بمنصب و خطاب معتقد خان سربلند
و متعین سلطان خرم شده بود دیگر احوال او معلوم نشد معتقد خان خواجه تقی منصبی
داشت و بخدمت بیوتاتی کشمیر ممتاز بود در سنه ۱۳ جهانگیری بخطاب معتقد خان سرافراز شده
بود در سنه احد شاه جهانی بمنصب سه هزاری و در سنه ۲ بمنصب چهار هزاری سه هزار سوار و در
سنه ۳ بنظم مالوه و در سنه ۵ بنظم مالوه و در سنه ۵ صوبه اوده از تغیر باقر خان نجم ثانی سر افراخته
در سنه ۱۳ جهانگیری که بخطاب معتقد خان سرافراز بود معزول شده در سنه ۱۹ بار دویم بنظم اوده
از تغیر شاه شجاع و در سنه ۲۲ بفوجداری جونپور از انتقال اعظم خان و به منصب چهار هزاری
ذات و سوار مباهات اندوخته در سنه ۲۵ در آن جا فوت کرد معتقد خان محمد قلی ولد نجابت خان
میرزا شجاع منصبی داشت در سنه ۲۵ شاه جهانی به داروغگی قورخانه و در سنه ۲۷ چون نعش ماهم
قندهار رسیده بود بمنصب هزاری و در سنه ۲۸ بداروغگی فیل خانه و در سنه ۲۹ بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه ۳۰ بمهر توزکی بجای اسد الله خان و در همان سال هنگام تعیناتی دکن بخطاب معتقد خان
سر برافراخته در سنه ۱۳ بحضور آمده بفوجداری سلطان پور بلهری مقرر گردیده در سنه ۱۴
به آنجهان نقل کرد معتقد خان دیگر نبیره لشکرخان خواجه ابوالحسن مشهدی در اواسط
عهد عالمگیری بمنصب و خطاب معتقد خان سرافراز شده در سنه ۴۸ بخطاب مخلص خان امتیاز یافته بود

تتمه احوال او در ذیل خطاب مخلص خان نوشته شد معتقد خان ولد امیر خان میر میرانی در آخر عهد عالم
گیری بمنصب هشتصدی و خطاب معتقد خان سرافراز شده بود و در سنه احد بهادر شاه باضافه صدی
مباهی گردیده خدمت مینمود و در سنه ۳ فوت کرد مکرم خان ولد معظم خان شیخ بایزید بن شیخ سلیم چشتی در سنه
جهانگیری بمنصب و خطاب مکرم خان سربلند و تعیناتی بنگاله بود و در سنه ۳ ناظم اودیسه و هم در سنه ۱۲
بجلدوی فتح ولایت خورده مضاف صوبه مذکور بعنایات نامتناهی سرافراز شده در سنه ۱۶ از آن جا
ناظم صوبه دهلی و در سنه ۱۸ بمنصب سه هزاری نام برآورده و در سنه ۲۱ ناظم بنگاله مقرر گشته در سنه ۲۳ در آن جا
روزی کشتی سواری سیر دریا میکرد بوزیدن باد تند فرو رفت میرزا مکرم خان میرزا مراد کام ولد
میرزا رستم صفوی در اوائل عهد شاه جهانی منصب هشتصدی داشت در سنه ۹ در دکن خدمت مینمود
در سنه ۱۳ بمنصب هزاری و خدمت قوربیگی از تغیر صلابت خان و بعد چندی بخدمت قراول بیگی و در سنه ۱۶
بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۹ بجلدوی دکنی قوش خانه از تغیر خلیل الله خان و در سنه ۲۱ باضافه
پانصدی بمنصب دو هزاری و مکرر بخدمت قوربیگی سر برافراخته بتعیناتی قندهار در سنه ۲۲ شده در سنه ۲۴
باضافه پانصدی و بفوجداری لکهنو و بیسواره از تغیر سید مرتضی خان و در سنه ۲۵ بمنصب سه هزاری سه هزار
سوار و بفوجداری جونپور از انتقال معتقد خان در سنه ۲۶ بخطاب مکرم خان سرافراز شده در سنه ۲۹
معزول گردیده در سنه ۱ بار دوم بفوجداری جونپور از تغیر الله وردی خان مقرر شده در سنه احد
عالمگیری بمنصب چهار هزاری و به بحالی فوجداری مذکور در همان سال بعد فتح بر شاه شجاع بمنصب

پنجهزاری

پنجهزاری چهار هزار سوار لوای افتخار برافراشته در سنه ۳ ناظم صوبه اوده از تغیر فدائی خان
مقرر شده در سنه ۴ بار سوم بفوجداری جونپور از تغیر معتقد خان نام برآورده در سنه ۵ به
افزایش لفظ میرزائی نامور گشته در سنه ۲ ارحلت نمود در سنه ۹ دختر او به شاهزاده معز الدین
منسوب گردیده بود سید مکرم خان میر محمد اسحاق ولد شیخ میر خافی در سنه احد عالمگیری بعد بکار
آمدن پدر بمنصب و در سنه ۲ باین خطاب و در سنه ۳ ناظم اکبرآباد و بمنصب سه هزاری سرافراز
شده مدت ها خدمت مینمود و در سنه ۳۰ ناظم لاهور بود و در سنه ۴۱ معزول گردیده بتحسین ارادت در
آخر عمر در آن عهد ترک منصب کرد خان مسطور فاضل و حافظ قرآن و حاجی بسیار بزرگ و محترم بود مروت خان
ملکی نام ولد افتخار خان بن بایزید بیگ منصبی داشت در سنه ۱ جهانگیری بخطاب مروت خان و در
سنه ۲ العهد مذکور بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۱۴ در بنگاله بکار آمد مروت خان ترکمان
در آخر عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب مروت خان سرافراز بود همراه سلطان بولاقی در جنگ با سلطان
شهریار ترددی نموده در سنه احد شاه جهانی بمنصب هفت صدی دو صد سوار سر برافراخته در سنه پنجم
بخطاب مرشد قلی خان و بخدمت میر توزکی از تغیر خلیل الله خان مباهات اندوخته بود تتمه احوال او
در ذیل خطاب مرشد قلی خان ترقیم خواهد یافت موسی خان شیخ موسی خویش قاسم خان نبیره شیخ سلیم
چشتی در اوائل عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه ۱ بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده تا
منصب هشت صدی رسیده در سنه ۲ او در دکن ترددها نموده در سنه ۳ باضافه پانصدی و بفوجداری

میوات سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد **مبارز خان** شیخ حسن روهیله منصبی داشت در سنه ۱
جهانگیری بخطاب مبارز خان سربلند شده در سنه ۱۹ در کابل در جنگ با یلنگتوش اوزبک مصدر ترددات
نمایان گردیده بمنصب دو هزاری رسیده بود در سنه احد شاه جهانی همراه لشکر خان ناظم کابل در جنگ با نذر محمد
خان والی بلخ تردد نموده در سنه ۴ از کابل بحضور آمده همراه دیگر بندها بمهم دولت آباد تعین شده بعد
چندی موقوف گردیده در سنه ۵ بدکن خدمت مینمود در سنه ۶ همراه خان زمان با بیجاپوریان آویزش کرده
هم در سنه ۶ بهنگام فتح قلعه دولت آباد زر درباخته در سنه ۷ در تعیناتیه شاهزاده محمد شجاع در کارزار
با بیجاپوریان تلاش نموده در سنه ۸ بنابرین که سپاهی قرار داده پخته کار است بجنید ادلی خاندوران بهادر
در دکن مقرر گشته در سنه ۹ در فتح قلعه اودگر تلاشها شده در سنه ۱۰ بحضور آمده در سنه ۱۱ بتعین کابل
گردیده چون پیش ازین بمنصب چهار هزاری سه هزار سوار رسیده بود درین ولا بجایزه ترددات در کارزار
بافزایش باضافه پانصد سوار سر برافراخته در سنه ۱۳ در سفر کابل برکاب بوده در سنه ۱۵ همراه دارا شکوه
بکومک ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ مراجعت نموده آمده بفوجداری دیپالپور مضاف صوبه ملتان مقرر شده
در سنه ۱۸ ابراو خانه فرود آمده در گذشت **مبارز خان** میر کل در سنه ۲۳ شاه جهانی از بدخشان
آمده بمنصب پانصدی سرافراز شده در سنه ۲۶ بتهانه داری پنجشیر و به اضافه منصب سر برافراخته
در سنه ۲۲ تعینات مهم قندهار گردیده در سنه ۲۹ بمنصب هزاری و هم درین سال به اضافه پانصدی ذات
منصب هزار و پانصدی و الا رتبه خورسند گشته در سنه ۳۲ در تنبیه دفع افاغنه آنجا تردد نمایان نموده بجایزه

آن در همین سال

آن در همین سال باضافه پانصدی بمنصب دو هزاری و به این خطاب نام برآورده حسب الحکم
بحضور آمده در سنه ۱ بپنجشیر رخصت شده در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی
بچهره امتیاز برافروخته در سنه ۲ از کابل بحضور آمده در سنه ۹ باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری
و به نظم کشمیر از تغیر سیف خان و در سنه ۱۳ بنظم ملتان از تغیر لشکر خان و در سنه ۱۷ بفوجداری
مهر امتیازات اندوخته در همان سال تغیر گردیده انجام حال او معلوم نشد **معمور خان** عبد الکریم معموری
منصبی داشت در سنه ۱ جهانگیری بخطاب معمور خان سر برافراخته در سنه ۱۴ بمنصب چهارصدی
و پنجاه سوار سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد معمور خان میر ابو الفضل معموری در اواسط
و اواخر عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب
معمور خان سرافراز شده بر دودی ظاهر الغریب بتقریبی کشته شد معمور خان میر اسفندیار معموری
بابت شاه شجاع در سنه ۳ عالمگیری بمنصب و در سنه ۹ بخطاب معمور خان و در سنه ۱۲ بخطاب
دلیر خان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب دلیر خان نوشته شد معمور خان محمد یار
ولد معمور خان میر اسفندیار منصبی داشت در سنه ۲۰ عالمگیری بخطاب معمور خان سربلند شده
آیین نظم صوبه اورنگ آباد و در سنه ۳۲ بفوجداری سرو شیوکالو و آیین منصب سه هزاری
نقو و کرناتک بیجاپور مقرر شده و در سنه ۴۴ تغیر گردیده خدمت مینمود در عهد محمد فرخ سیر
بفوجداری بنارس مقرر شده در آن جا فوت شد **مصطفی خان** میر ضیاء الدین قزوینی در

احد جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱ باضافه منصب و در سنه ۱۱ بخطاب مصطفی خان و عطای
پرگنه مالده در التمغا سرفراز شد خدمت بهنود انجام حال او معلوم نشد مصطفی خان سید بایزید
بخاری در اوایل عهد جهانگیری منصبی و در سنه ۱۱ فوجداری بهکر داشت در سنه ۱۴ بمنصب هزاری و در سنه ۱۵
بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۶ بخطاب مصطفی خان سر برافراخته تا سنه ۸ شاه جهانی در دکن خدمت بهنود
در سنه ۹ هنگام تهانه داری ظفرنگر رسید غله به مهابت خان رسانیده در سنه ۱۰ در آن جا فوت کرد مصطفی خان
میر احمد خان در عهد شاه جهانی منصب هفت صدی داشت در سنه ۱۲ به دیوانی کشمیر و در سنه ۲۰ بقلعه داری ظفرنگر
از مضافات بالاگهات مقرر شده در سنه ۲ عالمگیری با بخطاب و بمنصب سه هزاری بمقصد بکری بندر سورت انتقال
عوض خافی نام برآورده در سنه ۵ معزول گشته در سنه ۲ عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخطاب مصطفی خان و الفوجداری
کرناتک سرافراز شده در سنه ۱۰ بسفارت پیش عبدالعزیز خان والی بخارا با تحایف یک لک پنجاه هزار روپیه و نزد
سبحان قلی خان والی بلخ با هدایای یک لکه روپیه رفته بعد سر انجام این خدمت برگشته آمده در سنه ۱۰ الفوجداری
بهکر مقرر شده بود انجام حال او معلوم نشد سید مصطفی خان ولد مرتضی خان سید شاه محمد در سنه ۲۰
عالمگیری بمنصب پانصدی سربلند شده آینده بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز گردیده
بود انجام حال او معلوم نشد مصطفی خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب هفتصدی و به این خطاب سر
افراز شده بود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه باضافه صدی نام برآورده در عهد بادشاه رحلت نمود
مونس خان ولد مهتر خان در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی سرافراز بود در سنه ۱ انجام مواز فقط

باسلطان

باسلطان خورم که در آن ایام باغی بودند پای عتاب آمده بقتل رسید محرم خان خوجه وقار بمنصب
داشت در سنه ۴ ۲ شاهجهانی بخطاب محرم خان سربلند شده و بمنصب هفتصدی رسیده در سنه ۳
بتولیت روضه نواب ممتاز الزمانی از انتقال آگاه خان مقرر گردیده بود در آن جا بانجام رسید محرم
خان خوجه محرم علیه داران خانی در سنه احد عالمگیری بمنصب و بخطاب محرم خان و دیدار و غی جواهرخانه
دوم سربلند بود در اواسط عهد عالمگیری بمنصب هفتصدی و به این خطاب سربلند شده بود خدمت
بهنود در سنه احد بهادرشاه نوکر بود و احوال او به خدمت کارخان و مسعود خان بیگانه ها لیش معاف شد
موسوی خان میر علی اصغر ولد میر علی اکبر موسوی منصبی داشت در سنه ۱۰ جهانگیری بخطاب موسوی خان سر بر
افراخته در سنه ۲ بمنصب هزاری و بخدمت صدارت کل مامور و در سنه ۱۸ بخدمت عرض مکرر و در سنه
احد شاه جهانی بمنصب سه هزاری و بحالی خدمت مذکور مباهات اندوخته در سنه ۴ بمنصب چهار هزاری هفتصد
پنجاه و آخر بخدمت عرض وقایع و رساله انعام نام برآورده در سنه ۱۲ معزول شده در سنه ۱۲
رحلت کرد موسوی خان میرزا معز از سادات موسوی منصبی داشت در سنه ۲۳ عالمگیری بمنصب هزاری
و بخطاب موسوی خان و به دیوانی تن سرافراز شده و در سنه ۳۳ به دیوانی دکن از تغیر شفیع خان مقرر گردیده
چراکه همراه بادشاه عالمگیر بود در سنه ۴۳ فوت کرد موسوی خان میر مهدی در عهد عالمگیری بمنصب
و خطاب موسوی خان و بخالصه ای بادشاهزاده محمد اعظم شاه سربلند شده خدمت بهنود انجام حال او معلوم
نشد محتشم خان شیخ قاسم حسینی منصبی داشت در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب پنجهزاری و بخطاب محتشم خان سر

وبنظم اله آباد سر برافراخته در سنه ۲۲ بحکومت کالپی مضاف صوبهٔ اکبرآباد مقرر گردیده بود دیگر احوال
او معلوم نشد محتشم خان دیگر در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب و خطاب محتشم خان سربلند شده در سنه ۲
متعین مهم قندهار و بلخ و بدخشان گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد محتشم خان میر ابراهیم ولد شیخ میر خافی
در سنه احد عالمگیری بعد بکار آمدن پدر بمنصب سرافراز شده در سنه ۲ بعد طواف حرمین بمنصب هزار و پانصدی و
بخطاب محتشم خان آمده باضافه پانصدی سربلند گردیده در سنه ۱۹ بفوجداری اسلام پور و در سنه ۲۲ بنظم
صوبهٔ اکبرآباد از تغیر امیر الامرا و در سنه ۲۶ بنظم صوبه اله آباد از انتقال سیف خان فقیر الله منصوب گشته در سنه ۳۰ معزول
گردیده آمده پای عتاب آمده در سنه ۳۴ بمنصب سابق دو هزاری دو هزار سوار بحال شد و در سنه ۳۴ بقلعه داری
تمرک از تغیر قاسم خان نام برآورده در سنه ۴۹ در جنگ قلعه واکن که اهل قلعه او را بوعده تفویض قلعه
طلبیده بودند چند روز به اختیار آن ها مانده بعد فتح قلعه خلاص شده آمده تا آخر عهد خدمت همون و در سنه احد
بهادر شاهی بداروغگی توپ خانه منتخب شده در همان سال رحلت کرد **مختار خان** خواجه بسرا در عهد اکبری بمنصب و
بنظارت سلطان سلیم سرافراز شده بود و در عهد جهانگیری در جلدوی حسن خدمت بمنصب و خطاب خانی که
اعتبار خان نام یافته سر برافراخته در سنه ۱ بنظم اکبرآباد و بقلعه داری آن جا استقامت ورزید قلعه داری اکبرآباد
در ایامی که سلطان خورم با اراده تصرف آن شتافته بودند بمنصب پنج هزاری پنجهزار سوار و بخطاب ممتاز خان
و بنظم اکبرآباد لوای مفاخرت برافراشته در همان سال ازین جهان رحلت نمود مختار خان از قبیله بنی
مختار از سادات سبزوار در سنه ۱۸ ایام نوزدهم جهانگیری بمنصب و خطاب مختار خان سرافراز بود در عهد

سنه احد

سنه احد شاه جهانی بمنصب دو هزاری و بفوجداری بنگش و در سنه ۸ بتعین سعید خان جهان
بمهم حجار سنگ شده در سنه ۱۰ بهنگام فوجداری مذکور همراه عبد الله خان ناظم بهار در تنبیه زمین بهوخور
تردّدات مردانه نموده بدست عامل محالی وقت مفتوح حساب که آن جاهل شمشیری کشیده بود زخمی گشته شد و او
هم بقتل آمد مختار خان میر شمس الدین ولد مختار خان مذکور در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب و در سنه ۱۹
بخشی گری لشکر مهم بلخ و بدخشان و در سنه ۲۰ به بخشیگری و در سنه ۲۱ به بخشی گری کابل کن از تغیر حسام
الدین خان و بمنصب هزار و پانصدی در سنه ۲۳ بحراست قلعه آسیر و در سنه ۲۷ بتعیناتی شاهزاده دارا
شکوه در مهم قندهار بعنایت خلعت و در سنه ۲۸ بداروغگی توپ خانه دکن و در سنه ۳۰ به قلعه داری اودگیر
از تغیر حسام الدین خان و در سنه احد عالمگیری بجلدوی تردد در جنگ مالوه بمنصب دو هزار و پانصدی
و به این خطاب و در همین سال به اضافه پانصدی و بفوجداری نادیر و در سنه ۳ با وجود فوجداری بنی
تا در بقلعه داری ترنبده که درین سال فتح گشته مقرر شده و در سنه ۸ بهنگام قلعه داری نرمنده و فیل
برسم ارسال داشته آمده بفوجداری ظفرآباد نام برآورده در سنه ۱۵ از آن جا بنظم صوبهٔ برهان پور
از تغیر هوش دار خان سرافراز گشته در سنه ۲۵ بنظم گجرات از انتقال حافظ محمد امین ولد معظم خان
اردستانی و بعنایت عصای سنگ یشم چهره امتیاز برافروخته در سنه ۲۸ در آن جا رخت حیات بربست
قبیله بنی مختار با کثر خصوصیات ستوده صفت مختار خان در مهمان نشینی و بخوش همه خر بودن ممدوح بود مختار خان
میر قمر الدین ولد مختار خان میر شمس الدین در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۱۲ بخطاب خانی بر

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 5

نام خود سرفراز شده بود و در سنه ۲۸ بعد واقعه پدر بخطاب مختار خان سرافراز شده بود و در سنه ۳۰ دختر ش
بپادشاهزاده بیدار بخت بهادر منسوب شده در سنه ۳۶ بمیر آتشی از تغیر مخلص خان نام بر آورده و در سنه ۳۹
معزول گردیده و در سنه ۴۳ بار دوم از تغیر صف شکن خان امان الله بمیر آتشی مقرر گشته و در سنه ۴۶ بنظم
صوبهٔ اکبرآباد از انتقال اعتقاد خان ولد امیر الامرا بهادر و به انعام کرور دام مقرر شد و در سنه ۴۹ بجایزهٔ فتح
کهی سنی وطن جانان مورد مراحم والا شده و بمنصب سه هزار و پانصدی رسیده و در سنه احد بهادر شاه بخطاب
خان عالم لوای مفاخرت برافراخته بهزاران نیکنامی و در همین سال بعدم رفت محمد رضا خان در عهد جهانگیری
بمنصب و خطاب نجابت خانی سرافراز شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد منصور خان فرنگی در عهد جهانگیری
بمنصب چهار هزاری و خطاب نجابت خانی سر برافراخته و در سنه ۲ اشتراک یعنی سلطان خورم گردیده در سنه ۱۹ از او
شان جدائی گزیده داخل بندگان شده در جنگ کنار رنبدا که همراه سلطان پرویز با سلطان خورم باغی بود اتفاق
نموده بود بکار آمد منصور خان چکنز نام ولد عنبر حبشی در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب دو هزار و پانصدی و خطاب
منصور خانی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید منصور خان ولد سید خان جهان بارهه در
سنه احد شاه جهانی هنگام نیابت قلعه داری گوالیار از طرف پدر بمنصبی داشت و در سنه ۹ خدمت نموده و در سنه ۱۵
همراه شاهزاده دارا شکوه بقندهار رفته در اواسط عهد بمنصب هزاری نام بر آورده و در سنه ۱۹ بعد فوت پدر
بمرض جنون فراری شده دستگیر آمده چندی مقید مانده خلاص گشته بحرمین رفته و برگشته در سنه ۲۳
بموجب عرض شاهزاده عالمگیر بمنصب هزاری و الا پایه گردیده بملتان تعین شد و در سنه ۲۵ همراه شاهزاده

مذکور

مذکور بتعیین مهم قندهار گردیده آنجا باز مرتکب تقصیری شد حسب الحکم بحرمین رفته در سنه ۳۰ بمراجعت
نموده بمنصب سابق مباهات اندوخته متعینهٔ گجرات شد و در سنه احد عالمگیری در کارزار مالوه نزد
نموده بتعیین شاهزاده مراد بخش بود و در ماه شوال بعد قید شدن مراد بخش در مظهر ملازمت نموده
بمنصب سه هزاری سر برافراخته در ماه ذی حجه بخطاب خانی سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد
منصور خان دیگر در اواسط عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و خطاب منصور خان سرافراز گشته
در سنه ۳۲ خدمت نموده در سنه ۴۲ بخدمت میر توزکی و در سنه ۴۴ بداروغگی توپخانهٔ دکن و در سنه ۴۹
بنظم اورنگ آباد مقرر شد تا سنه ۲ بهادر شاه خدمت نموده انجام حال او معلوم نشد مکرمت خان
ملا مرشد قلی شیرازی در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزاری و خطاب مکرمت خان و بخدمت بیوتاتی
سرافراز شده در سنه ۳ در دکن در رکاب بخدمت نموده و در سنه ۴ از آن جا بقلعه داری اکبرآباد مقرر
شده آمده و در سنه ۵ به اضافهٔ پانصدی و در سنه ۶ بمنصب دو هزاری هزار سوار و فوجداری اکبرآباد مقرر
شده آمده در سنه ۸ با مرحمت علم و در سنه ۹ باز بخدمت بیوتاتی رکاب از تغیر محمد سعید سر برافراخته بسالت بر
بیجاپور رفته در سنه ۱۰ مراجعت نموده در سنه ۱۱ بمیر سامانی مقرر شد و در سنه ۱۲ و سنه ۱۳ انبار سرانجام
اذوقه بکابل و قندهار رفته در سنه ۱۴ با اضافهٔ پانصدی و در سنه ۱۵ بمنصب سه هزاری و بنظم شاه جهان
آباد و داروغگی عمارت قلعهٔ شاه جهان آباد از تغیر الله وردی خان و در سنه ۱۸ بمنصب چهار هزاری [illegible]
دو اسپه سه اسپه و با وجود نظم شاه جهان آباد بفوجداری متهرا و در سنه ۲۱ بجایزهٔ اتمام عمارت قلعه

شاه جهان آباد بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار لوای افتخار برافراخته در سنه ۳۰ فوت نمود مکرمت خان
محمد صالح کرمانی بخشی علیمردانخان در سنه ۲۹ شاه جهانی بمنصب پانصدی در سنه ۳۰ به اضافه منصب و به بیوتاتی
رکاب و در سنه ۳۱ به بیوتاتی و بخشی گری دهلی سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری بخطاب مکرمت خان و در سنه ۲
بدیوانی گجرات از تغیر رحمت خان و در سنه ۱ بدیوانی دکن سربلند از تغیر شفیع خان شده در سنه ۱۳ تغیر گردیده بود
دیگر احوال او معلوم نشد مکرمت خان محمد منصور ولد مهابت خان ابراهیم نام سرلشکر کهنیان در سنه ۴۳ عالمگیری
تازه ولایت آمده بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب مکرمت خان سرفراز شده بود انجام حال او معلوم نشد مکرمت خان
ولد علی قلی خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و به این خطاب سربلند شده بود در سنه احد بهادرشاهی بمنصب
هزار و پانصدی و بخطاب مکرمت خان و به بخشی گری نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد مرحمت خان ابراهیم حسین
منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و خطاب مرحمت خان و به بخشی گری احدیان ممتاز
شد و در سنه ۲ در کارزار با خانجهان لودی باغی زخم دار گردیده در سنه ۳ همراه اعظم خان هنگام فتح قلعه دهارور
تردد نمایان نموده در سنه ۴ که وقت پریدن دیوار قلعه قندهار دکن پیاده دویده بود دو پایش به آتش حقه اعدا
سوخته در سنه ۴ به دکن فوت نمود مرحمت خان عبدالرحمن ولد صادق خان طهرانی در اوایل عهد شاهجهانی
منصب و خدمت عرض مکرر داشت در سنه ۶ بعد فوت پدر بمنصب هفت صدی و بخشی گری احدیان و در سنه ۱۲
بمنصب هزاری و خطاب مرحمت خان و در سنه ۲ بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شد و در همان سال فوت کرد
مرحمت خان دیگر در سنه ۳ عالمگیر بمنصب و خطاب رحمت خان سرافراز و تعین دکن بود در این سال از دکن آمده

در سنه ۳

در سنه ۲ به فوجداری اجمیر از تغیر تربیت خان در سنه ۹ بفوجداری اره و با ضافه منصب سه هزاری
سربلند گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد مرحمت خان دین دار ولد نامدار خان بن جعفر خان
طهرانی منصبی داشت در سنه ۲۵ عالمگیری بخطاب مرحمت خان سر برافراخته در سنه ۲۹ تردد ی
نموده بود انجام حال او معلوم نشد مرحمت خان ولد امیر خان بن خلیل الله خان یزدی در
سنه ۴۴ عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب مرحمت خان سر برافراخته آخر به مرتبه امارت
رسید و در عهد محمد شاه فوت کرد مغل خان ولد زین خان کوکه در سنه احد شاه جهانی
بمنصب هزاری سرافراز شد و بقلعه داری کابل نام برآورده در سنه ۲ متعین مهم خانجهان
لودی باغی شد در سنه ۳ در دکن متعین خان دوران گشته در سنه ۹ بمنصب دو هزاری و
بقلعه داری اودگیر در سنه ۱۰ هنگام قلعه داری بعنایت علم سر برافراخته در سنه ۱۱ همراه خان
دوران ناظم دکن بحضور آمد با ضافه پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی و الا امتیاز شد
بحراست قلعه مذکور رخصت شده در سنه ۲۰ بمنصب سه هزاری و بنظم ٹهٹه انتقال امیر خان
مباهات اندوخته در سنه ۲۳ معزول شد در سنه ۲۴ حسب الحکم در لاهور اقامت نموده بود
در سنه ۲۵ باز بنظم ٹهٹه از تغیر شاهزاده عالمگیر مقرر شد در سنه ۲۶ تغیر گردیده در سنه ۲۷ در
رفتن در مهم قندهار بتقاعد ورزیده بایں تقصیر بی منصب گشته در سنه ۳۰ مقرر پانزده هزار روپیه
سالیانه خورسند شده بود مغل خان شادی نام ولد خانش بهادر اوزبک منصبی داشت

درسنه احد شاهجهانی متعین مهابت خان زمانه بیگ شد و درسنه ۲ بمنصب هفتصدی وخطاب
شاد خان سر برافراخته درسنه ۱۲ بسفارت بلخ رفته درسنه ۱۴ بعد مراجعت بمنصب هزار و پانصدی
و بفوجداری بهکر از تغیر شاه قلی خان چهره امتیاز برافروخته درسنه ۱۵ بمنصب دوهزاری و بنظم صوبه ٹهٹه
از انتقال غیرت خان نام برآورده درسنه ۲۰ در مهم بلخ و بدخشان در همین سال بحکومت سیوستان
مقرر شد و ترددات شایسته نموده درسنه ۲۱ بقلعه داری کابل از تغیر شیورام گور مباهات اندوخته
درسنه ۲۲ بتعین مهم قندهار گردیده باضافه پانصدی چهره امتیاز برافروخته در صف جنگ با قزلباش
تلاشهای مردانه کرده درسنه ۲۳ بجلدوی ترددات در مهم قندهار بمنصب سه هزاری باضافه
پانصد سوار دوهزار و پانصد سوار و درسنه ۲۵ بخطاب شجاعت خان و به اضافه پانصدی مباهات
اندوخته درسنه ۲۶ باز بتعین مهم قندهار گردیده درسنه ۳۱ باز بقلعه داری کابل نام برآورده درسنه احد
عالمگیری بمنصب چهار هزاری و خطاب مغل خان والا رتبه گشته درسنه ۲ رخت حیات بر بست مغل خان
عرب شیخ ولد طاهر خان منصبی داشت درسنه ۴ عالمگیری بخطاب مغل خان و درسنه ۸ بمنصب هزار
و پانصدی و درسنه ۱۳ بمیر توزکی و درسنه ۲۰ بنظم صوبه برهان پور از تغیر خان زمان و درسنه ۲۱
بنظم صوبه مالوه از انتقال خان زمان مذکور لوای مباهات برافراخته و بمنصب سه هزار و پانصدی
رسیده درسنه مذکور در آن جا رحلت کرد مغل خان سکندر بی اوزبک درسنه ۲۹ عالمگیری
از ولایت آمده بمنصب سه هزاری و خطاب خانی بر نام خود سر برافراخته بعد چندی بخطاب مغل خان

نام

نام برآورده تا سنه ۴۴ مصدر خدمات نمایان شده بود انجام حال او معلوم نگشت **میانه خان**
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب و خطاب میانه خان سر بلند و تا سنه ۲ خدمت می‌نمود دیگر احوال
او معلوم نشد میانه خان عنایت نام افغان قوم میانه منصبی داشت و درسنه ۲ عالمگیری بخطاب
میانه خان سرافراز و بتعین بنگاله گردیده در آن جا در کارزار با شاه شجاع تردد نموده درسنه ۴
در تعیناتی معظم خان هنگام تسخیر ملک آشام تلاشها کرده سرافراز شد و درسنه ۸ تردد شایسته
نموده بود انجام حال او معلوم نشد **ملتفت خان** اوّلیت پور ارادت خان برادر آصف خان جعفر بیگ در
سنه احد شاهجهانی بمنصب شش صدی و درسنه ۲ باضافه منصب و خطاب ملتفت خان سر بر
افراخته همراه پدر بدکن خدمت میکرد درسنه ۳ در فتح قلعه دهارور و تاخت ملک دکهنیان ترددهای
مردانه نموده درسنه ۴ از اصل و اضافه بمنصب هزاری شش صد سوار سر بلند گردیده به بالا
گهات همراه پدر رخصت گشته قلعه بانکالو از قلاع آنجا مفتوح نموده درسنه ۵ همراه پدر به بنگالا
رفته درسنه ۸ به نیابت پدر بنظم اله آباد نام برآورده درسنه ۹ از پدر آزرده شده بحضور آمده بخدمت
عرض مکرر از تغیر عبد الرحمن ولد صادق خان طهرانی مقرر گشته درسنه ۱۱ به بیوتاتی رکاب از تغیر
مکرمت خان و درسنه ۱۳ بدیوانی بنگالا از تغیر صالح اشتهری مباهات اندوخته درسنه ۱۴ بتغیر
شده درسنه ۱۹ به بخشی گری فوج متعینه مهم بلخ همراه شاهزاده مراد بخش و درسنه ۲۰ به بخشی
گری لشکر مهم قندهار به اتفاق میر محمد اشرف مقرر گشته درسنه ۲۳ باضافه پانصدی نام

بر آورده به بخشیگری لشکر مهم قندهار به اتفاق میر محمد اشرف مقرر گشته در سنه ۲۳ به اضافه
پانصدی بمنصب دو هزاری مباهی گردیده تعین دکن شده در سنه ۲۵ به دیوانی خاندیس
و محال پایان گهاٹ صوبه برار و در سنه ۲۶ به داروغگی توپخانه دکن و در سنه ۲۹ باضافه پانصدی
بمنصب دو هزار و پانصدی و بخدمت قلعه‌داری احمدنگر از تغیر شاه بیگ خان اوزبک و الاجاه شده
در سنه احد عالمگیری بخطاب اعظم خان نام بر آورده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب اعظم خان
نوشته شد ملتفت خان ابراهیم حسین ولد اصالت خان برادر خلیل الله خان در عهد شاه
جهانی منصبی داشت هفت صدی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و بعد چندی در خطاب ملتفت خان
و در سنه ۳ با وجود میر توزکی بخدمت میربخشیگری احدیان سرافراز شده در سنه ششم ۶ به
داروغگی اصطبل از تغیر افتخار خان و هم بداروغگی گرزبرداران و بندهای جلو خاص از انتقال
الله یار خان مقرر گردیده در سنه ۹ از خدمت داروغگی بندهای جلو و گرزبرداران معزول گشته
آیند بمنصب دو هزاری مباهات اندوخته در سنه ۱۳ بوقوع تقصیری اخراجی از هندوستان
که عبارت از عبور اٹک باشد گردیده در سنه ۱۴ تقصیرش مقرون بعفو گشته بقلعه‌داری شاه
جهان آباد نام بر آورده در سنه ۱۸ بداروغگی توپخانه از انتقال صف‌شکن خان مقرر شده
آیند بفوجداری غازی پور زمانیه علم مباهات برافراشته در سنه ۲۴ بر رهی تاخته زخم برداشته
سرخ رو رفت ملتفت خان امان الله در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب ملتفت خان

و در سنه ۳۳

و در سنه ۳۳ بخطاب شمشیرخان و در سنه ۴۳ بخطاب صف‌شکن خان سرافراز شده بود تتمه
احوال او در ذیل خطاب صف‌شکن خان بقلم آمده ملتفت خان میر عبد الکریم ولد میرزا جان
منصبی داشت و در سنه ۳۳ عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز شده بود و در سنه احد بهادر شاه
به بخشیگری بنگاله و در سنه ۵ بخطاب میرخانه زاد خان و در سنه ۴ بخطاب ملتفت خان باز با میرخان
سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب امیرخان نوشته شد محلدار خان نظام الملکی وکهی صاحب قلعه
بنائی در سنه ۴ شاه جهانی بعد حواله نمودن قلعه بدکو ربا و لیائی دولت در سلک بندها در آمده دستگیر
کردن دختر ساهو بی منخذول خدمت نمایانی نموده در سنه ۸ به منصب چهار هزاری دو هزار سوار و فوجداری
لکهنو از تغیر مخلص خان و در سنه ۹ بفوجداری لکهی جنگل از تغیر سردار خان سر برافراخته در همین سال
تعین دکن گشته در سنه ۱۲ به انصرام تعیناتی بنگاله همراه اسلام خان نزدی نموده در سنه ۱۳ اور آن جا
فوت کرد محلدار خان خنز پوره رستم خان بهادر فیروز جنگ در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب هزار
و پانصدی و به این خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد محلدار خان خواجه طرب در عهد شاه جهانی
منصبی داشت در سنه ۸ عالمگیری بخطاب محلدار خان سر برافراخته خدمت مهمند دیگر احوال او معلوم نشد
محمد علیخان از طرف شاهزاده دارا شکوه فوجدار سرکار حصار فیروزه بود در سنه ۱ شاه جهانی
بجائزه آوردن در وبستی که مرهم او زخمهای بیکمیت صاحب اندمال یافته بخطاب خانی سرافراز شده
بود محمد علیخان خویش قلیج خان بالجو نام در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هشت صدی و آیند بخطاب

خانی بر نام خود سرافراز شد و در سنه ۲۶ به نیابت نظم ملتان و در سنه ۲۹ به نیابت ملتان و ته‌ته
از جانب سلطان دارا شکوه مفتخر گشته و بمنصب دو هزاری رسیده و در سنه ۳۰ در آن جا درگذشت
محمد علیخان ولد تقرب خان حکیم داود نام در عهد شاه جهانی منصب هشتصدی داشت در سنه احد عالمگیری
خطاب خانی بر نام خود به اردعلی عرض مکرر سرافراز گردیده در سنه ۵ بمنصب هزار و پانصدی و آینده بمیر سامانی
و بمنصب سه هزاری و الا رتبه شده در سنه ۱۴ بنا بر سرانجام امور میر سامانی مورد الطاف پادشاهی گشته
در سنه ۱۶ با راستی و دیانت و اجرای کار خاص و عام بنیکنام رفت محمد علی خان دیگر در آخر عهد عالمگیری
بمنصب و به این خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت حضرت بفوجداری بلبلی نام بر آورده در بنگاله خدمتی
ممتاز بود انجام حال او معلوم نشد **مهدیقلیخان** از طرف شاه عباس ثانی والی ایران محافظت قلعه بست
در ناحیه قندهار بود در سنه ۲ شاه جهانی چون رستم خان بهادر فیروز جنگ کار بر اهل قلعه مذکور تنگ
نمود مهدیقلی قلعه دار آنجا کلید قلعه تسلیم کرده بندگی درگاه اختیار کرده به منصب هزار و پانصدی و خطاب
خانی و بعد چند روز باضافه پانصدی بر نام خود سر برافراخته در سنه احد عالمگیری تردد کرده در سنه سیوم
به سالیانه ده هزار روپیه قانع گردیده **مفتخر خان** میر خلیل ولد ارادت خان برادر آصف خان جعفر بیگ
در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب دو هزاری و بخطاب مفتخر خان و در سنه احد عالمگیری بخطاب خانزمان
نامور شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خانزمان نوشته شد مفتخر خان میر علی ولد میر موسی
مازندرانی در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در اواسط عهد بمنصب هزاری سربلند بود

و تا آخر

و تا آخر عهد خدمت نمود و در سنه ۲ عالمگیری بخطاب تشریف خان و در سنه ۳ بخطاب مفتخر خان سر بر
افراخته و بقلعه داری فتح آباد دکن ممتاز شد و در سنه اربعین کابل گشته بود انجام حال او معلوم نشد
مفتخر خان مفاخر نام ولد فاخر خان بن باقر خان نجم ثانی در عهد شاه جهانی منصب هفتصدی داشت
در اوایل عهد عالمگیری خدمت نمود در سنه ۲۵ بمنصب هزار و پانصدی و باین خطاب و بداروغگی قورخانه
سرافراز و در سنه ۴۴ بمصدر زر نقودات بود انجام حال او معلوم نشد **محمد امین خان** ولد معظم خان محمد سعید اردستانی
در سنه ۲۶ شاهجهانی غائبانه همراه پدر بمنصب دو هزاری و در سنه ۳۰ بمنصب سه هزاری و خطاب خانی
بر نام خود و نیابت وزارت پدر و در سنه ۳۱ بعد استعفای دانشمند خان ملا شفیعا به میر بخشی
گری سرفراز شده بود در سنه احد عالمگیری بجای میر بخشی گری و اضافه هزاری و در سنه ۱۰ بمنصب
پنجهزاری چهار هزار سوار و آینده بمنصب شش هزاری شش هزار سوار والا مرتبه گشته در سنه ۱۱ بعد واقعه
پدر شاهزاده اولین او را از ماتم برداشته در سنه ۱۲ بنا بر تنبیه افاغنه کابل رخصت کرده بود چون
تنبیه افاغنه کابل قبل از رسیدنش متعینان آن صوبه بقرار واقع کردند از اثنای راه بنظم صوبه
لاهور از تغیر ابراهیم خان مباهات اندوخته در سنه ۱۳ بنا بر تفویض وزارت کل حضور طلب گشته و آنرا
قبول ننموده بنظم صوبه کابل از تغیر مهابت خان طهراسپ نام بلند مرتبه گردیده در سنه ۱۵ در کارزار
با افاغنه آن جا از خودرائی و جلادت بیموقع هزیمت فاحش خورده پسر خود و لشکریان را به تلف داده
یکمی بمنصب هزاری هزار سوار تنبیه یافته در سنه مذکور بنظم صوبه گجرات از تغیر بهادر خان ملک حسین

خانی مقرر شده در سنه ۲۵ در آن جا رحلت کرد خان مذکور در اصابت رای و درستی و دیانت وحدت طبع
و تجربه اندیشی بادشاه و بر عوث دیگر منفرد بود قرآن مجید را در ایام نظم گجرات حفظ نموده بود و بنقد ده لک روپیه
و یک لک و سی و پنجهزار اشرفی و ابراهیمی سوای اقبال و افراس و توپخانه بضبط در آمد بیری نکنه داشت در مقام
ماتمپرسی سید محمد همشیره زاده اش مورد الطاف شد محمد امین خان چین بهادر ولد میر بهاء الدین برادر
عابد خان عالم شیخی در سنه ۱ عالمگیری تازه از ماوراء النهر آمده بمنصب و بعد چندی بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی
بر نام خود سر برافراخته در سنه ۴۴ بصدارت کل مقرر شده اکثر تردد مردانه و سپاهیانه نموده در سنه ۴۸ بمنصب سه
هزار و پانصدی و در سنه ۴۹ باضافه پانصدی و در سنه ۵۱ بخطاب چین بهادر سر برافراخته در عهد محمد شاه بادشاه
بجایزه کشتن حسین علیخان امیر الامرا بکمرام بخدمت کل وزارت و منصب هفت هزاری والارتبه شده در سنه احد
ایشان بعالم جاودانی انتقال نمود منور خان ولد سید خان جهان بارهه در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی
نام خود و در سنه ۲۵ بتنظیم برهانپور و آنتیع بخطاب لشکرخان سرافراز شده بود تتمه احوال او در ذیل
خطاب لشکرخان نوشته شد منور خان شیخ میران ولد شیخ نظام حیدرآبادی در سنه ۳۲ عالمگیری
بمنصب چهار هزاری دو هزار سوار و به این خطاب سربلند شد اکثر ترددات مردانه نموده همراه محمد اعظم شاه
بمقابله بهادر شاه بادشاه در کارزار اکبرآباد مردانه داد جانبازی بر افراخت محمد تقی خان برادرزاده
وزیر خان منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شد در سنه ۹ بخبثی گری
دکن مامور شده در سنه ۱۱ فوت کرد محمد تقی خان دیگر در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سر

افراخته

افراخته تا سنه ۴۸ بهمین خدمت بود و بعد رحلت حضرت محمد تقی خانی که در رکاب اعظم شاه بود معلوم نشد
که این همان است یا دیگری مرید خان بهادر و سنگرام برادر راجه راج روپ ولد راجه جگت سنگه زمین دار
دهمیری مضاف صوبه لاهور در سنه ۳ عالمگیری بشرف اسلام مشرف گردیده بمنصب و خطاب مرید
خان سرافراز شده در سنه ۲۴ بقلعه داری کابل از تغیر سید شهامت خان مقرر گردیده بود انجام حال
او معلوم نشد مرید خان ولد همت خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب مرید خان سربلند شده در
سنه ۴۹ بقلعه داری بندر سورت از انتقال دلیر همت خان مقرر گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد مفتخر خان
افتخار نام ولد فاخر خان در سنه ۹ بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۱۰ بتعین کابل گردیده
ترددی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد معین الدین خان در سنه ۸ عالمگیری بمنصب و خطاب خانی
و بدیوانی کل صوبه کابل سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد محمد یار خان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب
و خطاب خانی سرافراز بود چون فوت کرد از اموال هفده لک روپیه و سی و یک هزار اشرفی بضبط در آمد
دیگر احوال او هیچ معلوم نشد محمد یار خان ولد میرزا بهمن یار بن آصف خان طهرانی در سنه ۱۲ عالمگیری
روز ملازمت بمنصب چهار صدی و آینده باضافه منصب و خطاب خانی بر نام خود سرافراز شده در سنه ۲۱ بداروغگی
گرز برداران و آینده بمهر توزکی مقرر گردیده در سنه ۴۰ بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۸ بمنصب سه هزاری و نظم صوبه
شاه جهان آباد از انتقال عاقل خان خافی بخدمت فوجداری مرادآباد باوجود نظم صوبه مذکور بمنصب سه هزار
و پانصدی و آینده بمنصب چهار هزاری والارتبه شده در بند ولبت نظم آن صوبه بخوبی پرداخته دولت خواهی

خیلی حاصل کرده و در عهد محمد شاه به آخرت سرا رفت **مکارم خان** در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی بر
نام خود سر برافراخته به بخشیگری و واقعه نگاری صوبه بنگاله مقرر بود در سنه ۲۲ درگذشت مکارم خان دیگر
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده خدمت می‌نمود در سنه ۳۹ بفوجداری سرکاری از مضافات
صوبه مستقر الخلافه اکبرآباد مقرر بود دیگر احوال او معلوم نشد **منبر خان** عبد الواحد نام ولد هوشدار خان بن
ملتفت خان مخاطب باعظم خان منصبی داشت در سنه ۴۳ عالمگیری بخطاب منبر خان سرافراز شده بود انجام
حال او معلوم نشد **مطلب خان** برادرزاده مختار خان میر شمس الدین در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۲۰
به بخشیگری احدیان و در سنه ۲۸ بعطای خلعت ماتمی وفات مختار خان سرافراز شده در سنه ۲۹ بمیر توزکی
از انتقال سیف الله خان و در سنه ۳۱ بخطاب خانی بنام خود و آئین بجایزهٔ ترددات مردانه باضافه منصب
آئینه ظاهرا به نیابت میر بخشیگری و در سنه ۴۹ بمنصب دو هزاری و پانصدی سربلند گردیده خدمت می‌نمود بعد رحلت
حضرت همراه اعظم شاه در کارزار با بهادر شاه مردانه ترددات نموده بکار آمد **موسن خان** در اواسط عهد عالمگیر
بمنصب و خطاب خانی بنام خود و بداروغگی توپخانه بادشاه زاده محمد معظم سرافراز شده بود در سنه ۳۰ بتقصیر
اغوای آن بادشاهزاده اخراجی از لشکر فیروزی اثر شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد **مهدی خان** خان عب
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی بنام خود سرافراز شده از بندهای عمده کار طلب بود اکثر ترددات
مردانه می‌نمود دیگر احوال او معلوم نشد **محامد خان** حامد نام ولد مرتضی خان سید شاه محمد منصبی داشت در سنه ۴
عالمگیری بخطاب خانی بنام خود و به اضافهٔ منصب و بعد منصب سه هزاری و در سنه ۴ بنظم صوبه اجمیر و در سنه ۴۱

بداروغگی

بداروغگی فرقه خاص چوکی سربلند شده در سنه ۴۹ بخطاب محامد خان نام برآورده در سنه ۴۶ بمنصب سه هزاری
هزار و پانصد سوار بلند مرتبه گشته خدمت می‌نمود ظاهرا در عهد الیشان ازین جهان بعالم جاودانی انتقال نمود
معمار خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب معمار خان سر برافراخته در سنه ۴۳ بفوجداری که ناتک از انتقال
آتش خان مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **معتبر خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی بنام
خود و بقلعه داری کالاکوٹ و دیوکر از قلاع مفتوحه دولت آباد سرافراز بود و در سنه ۴۵ بقلعه داری حصار
شهر پناه دولت آباد از تغیر سید مبارک خان گردیده و بمنصب هشتصدی نام برآورده بود دیگر احوال او
معلوم نشد **معالی خان** ابو المعالی پسر امیر الامرا شایسته خان در آخر عهد عالمگیری منصبی داشت در سنه ۴۶ بخطاب معالی خان
و به نیابت قلعه داری قندهار دکن از طرف خدابنده خان برادر کلان خود سرافراز شده بود در عهد محمد شاه
فوت کرد **همت علی خان** مغل ایرانی الاصل استاد بادشاهزاده محمد اعظم در فن بندوق اندازی در آخر عهد عالم
گیری بمنصب پانصدی و خطاب خانی بنام خود سرافراز شده بخدمت کورکینچ و امانت هفت چوکی و
بعد از آن بمیر بخشیگری سرکار آن بادشاهزاده مقرر گشته بود در جنگ سلطانی اکبرآباد همراه بادشاهزاده
مذکور مردانه نقد جان درباخت **مصطفی قلی خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب و چند گاه بدیوانی ثبت
اعظم شاه سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نگشت **مومن خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب
سر برافراخته بعد دو سه روز بعدم رفت **منهی خان** در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب و
بفوجداری سرونج سرافراز بود دیگر احوال او دریافت نگشت **محمد عادل خان** در اول در آخر عهد عالم

گیری بمنصب و به این خطاب و بفوجداری سرونج سرافراز بود و دیگر احوال او دریافت نگشت محمد عادل خان
قراول در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربلند شده بود و بعد رحلت حضرت در رکاب اعظم شاه از دکن
بهندوستان آمده بود انجام حال او معلوم نشد میرزا بیگ خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سربر افراخته
برادر عکی توپخانه متعین قید و در جنگ متقرر شده بود تا سنه ۲ بهادرشاه خدمت مینمود و لب بار بصدق دل
در بندگی حاضر بود در عهد بهادرشاه فوت کرد مصاحب خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز شده
از همراهی شاهزاده کام بخش جدائی گزیده همراهی اعظم شاه بدکن رفته باز آمده بود دیگر احوال او معلوم نشد
محمد امان خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سر برافراخته بعد رحلت همراه اعظم شاه از دکن بهندوستان
آمده بود دیگر احوال او معلوم نشد نقابت خان داروغه توپخانه دکن در آخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب
خانی سربرافراخته در سنه چهل و سه قلعه دار احمدنگر و در سنه پنجاهم فوجدار فیروزنگر و بعد از آن قلعه دار اهتیاز
گڈه متقرر شده بود در سنه ۲ بهادرشاه بهنگام قلعه داری که نول باضافه پانصدی نام برآورده بود انجام حال
او معلوم نگشت یعقوب خان بدخشی منصبی داشت در سنه ۱ جهانگیری بخطاب خانی برنام خود و بمنصب
هزار و پانصدی و در سنه ۱ بنوازش نقاره و بمنصب دو هزاری هزار و پانصد سوار سرافراز شده و در سنه ۲۲
تعیین کابل گردیده تا سنه احد شاهجهانی خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد یعقوب خان
ولد ابراهیم خان بن علی مردان خان زیک منصبی داشت در اواسط عهد عالمگیری بخطاب خانی برنام خود
سربرافراخته در سنه ۳۰ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۴۱ بفوجداری جونپور و در سنه ۴۹ بفوجداری

بیکلی

بیکلی و دستور از تغیر رحمت داد خان سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد یوسف خان تاشکندی
منصبی داشت و از جمله در رکاب شاهجهانی آمده در سنه احد ایشان بمنصب دو هزاری هزار سوار سربرافراخته
در سنه ۲ متعین مهم خان جهان باغی شده در سنه ۳ در معرکه بیجاپور ریان از اسپان فرود آمده بجز
صعب پیوسته زخمها برداشته بمیدان افتاده بدستگیری رفته در سنه ۵ بعد خلاص شدن بمنصب سه هزاری
دو هزار سوار نام برآورده آمده بنظم صوبه تهته مقرر گردیده در سنه ۸ معزول گشته آمده بفوجداری بهکر
منصوب شده در سنه ۱۲ بنظم صوبه ملتان مباهات اندوخته بمنصب ۳ هزاری سه هزار سوار دو اسپه
سه اسپه رسیده در همان سال در آن جا فوت کرد تکه تاز خان از خیر در رکاب شاهجهانی آمده در سنه
احد ایشان بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب تکه تاز خان سرافراز شده در سنه ۳ و در سنه ۸ ترددات
نمایان نموده در جنگ با خان جهان باغی و در سنه ۳ در دیگر معارک ترددات نموده در سنه ۸ بحضور آمده
بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۲ همراه پادشاهزاده شاه شجاع تعیین دکن شده در سنه
در آن جا تلاش کرده در سنه ۲ بفوجداری سیوستان مقرر گردیده در سنه ۱۵ تعین مهمی گشته
در سنه ۱۸ فوت کرد تکه تاز خان عبدالله ولد حاجی منصور بلخی در آخر عهد شاهجهانی بمنصب دو هزاری
و بخطاب مخلص خان سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخطاب تکه تاز خان نام بر
آورده در سنه ۳ در تعیناتی بنگاله بحرب صعب پیوسته با دو برادر حقیقی تعیین بنگاله شده بکار آمد
تکه تاز خان میر غضنفر در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و بمیر توزکی سربلند بود در سنه ۸ بمنصب هزاری

وخطاب یکه تاز خان سرافراز گردیده در سنه ۱۳ با تحایف و ملک روپیه بسفارت توران رفته از
مراجعت نموده در سنه ۲۴ فوت کرد یکه تاز خان ولد یکه تاز خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
یکه تاز خان سر برافراخته در سنه ۴۹ بفوجداری احمدآباد کهوره مضاف صوبه اله آباد و از تغیر عبد الصمد خان
مقرر شده بود و تا سنه ۲ بهادر شاهی هنگام فوجداری سلطان پور بر بار بدکن خدمت نمود و انجام حال
او معلوم نشد یادگار حسین خان منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی و خطاب خانی
سربلند شده در سنه ۲ در کابل فوت کرد یادگار حسن خان در سنه ۲۳ عالمگیری بمنصب و این
خطاب سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد یمین خان ولد شیر خان تونور در سنه احد شاه جهانی
بمنصب هزار و پانصدی و خطاب خانی سربلند شده خدمت نمود در سنه هشتم فوت کرد یا بهمن خان
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده بفوجداری ندربار مقرر بود و تا سنه ۴۵ خدمت
نمود دیگر احوال او معلوم نشد یاقوت خان حبشی در سنه احد شاه جهانی بمنصب شش هزاری نو سرافراز شده
در سنه ۴ از بی سعادتی در هنگام تعیناتی مهابت خان زمانه بیک فرار نمود و بعد ازین احوال او معلوم نشد
یاقوت خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده بمتصدی گری بندر ... مقرر گردیده در سنه ۲۶ و سنه ۳۲ و سنه ۴۲ تردد نموده مورد الطاف خاقانی شده بود
غالب که دکهنی باشد یکه تاز خان خواجه سرا از چیره در رکاب شاه جهانی آمده در سنه احد تا سنه
ایشان بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۱ بمنصب هزاری مباهات اندوخته در سنه ۱۳

فوت کرد

فوت کرد یساول خان در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و به این خطاب سرافراز بود در سنه ... همراه
ظفر خان ناظم کشمیر خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد یادگار خان از الات آتالیق عبد الرحمن
ولد نذر محمد خان والی بلخ در سنه ۲۰ شاه جهانی از ولایت آمده بمنصب ... صدی و در سنه ۲۱ باضافه
منصب صدی سربلند شده در سنه ۳۰ بتعیین شاهزاده عالمگیر ناظم دکن گردیده در جنگ ... همراه
مهاراجه جسونت سنگه بود بعد شکست او بجناب عالمگیری ملازمت نموده در سوابق ها تردد کرده در جنگ
دوم دارا شکوه مصدر تلاش گشته بخطاب خانی نام برآورده بتعاقب او تعیین شده در سنه ۲ بخطاب ... رسیده
در سنه ۴ و سنه ۵ در بنگاله تردد ها نموده بود در عهد ایشان درگذشت یحیی خان دکهنی برادر ملا احمد
نایته از امیران بیجاپور در سنه ۱ عالمگیری بمنصب دو هزاری و آینده بخطاب نجابت خان بنام خود سرافراز
و در سنه ۳۰ مصدر تردد شده بود انجام کار او معلوم نشد یحیی خان رومی در سنه ۵ عالمگیری
بمنصب و خطاب خانی سربلند و در کارزارها با فوج ... تا میان مصدر تردد ها و در سنه ۳۴ مورد
الطاف خاقانی بود انجام حال او معلوم نشد یلنگتوش خان بهادر ترک بچه پرورده پادشاه عالمگیر بمنصب
و بخطاب خانی سرافراز بود در سنه ۱۴ ایشان بعنایت شمشیر و جمدهر و برچهی و در سنه ۲۵ بخدمت
قوربیگی و در سنه ۲۸ برادر علی خو احسان سرافراز شده در کمال تقرب و فدائی خدمتگاری
نمود و خیلی مورد عنایت بود در عهد ایشان درگذشت یولبرس خان ولد عبد الله خان والی کاشغر در
سنه ۱۱ عالمگیری از ولایت خود آمده بعد عطای منصب خدمت نمود و در سنه ۴۲ بخطاب خانی سرافراز

بود و در سنه ۴ بمنصب دو هزاری سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد **یونس خان** در آخر عهد عالمگیری
بمنصب شش صدی و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت می نمود در سنه احد بهادرشاه اضافه
صدی یافت انجام حال او معلوم نشد **در دکر وصل فصل اول**

حرف الف **امیر الامرا** راجه بهگوانداس کچهواهه
در عهد اکبری بخطاب امیر الامرائی سربلند بود برعایت این خطاب نام او در ذیل بقلم آمد مفصل در ذیل
خطاب راجه ها نوشته خواهد شد امیر الامرا محمد شریف ولد خواجه عبد الصمد شیرین قلم بن خواجه
نظام الملک وزیر شاه شجاع شیرازی در عهد اکبری بمنصب دو صدی سربلند بود در سنه احد جهانگیری
برعایت اتکه بلیم و مصاحب قدیم بود بخطاب شریف خان امیر الامرا و بمنصب پنجهزاری و خدمت وکالت
لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۲ بمرض مزمن معزول شده در سنه ۸ باتالیقی سلطان پرویز و مهمّ
بور خلافت بدکن تعین گردیده در سنه ۹ در آن جا فوت نمود و فرزندی نگذاشت امیر الامرا علی
مردان خان ولد گنج علیخان زیک از امرای نامدار ایران دیار بود شاه عباس اول بپرورش او در محاورات
بابا می نوشت و شاه صفی او را بابای ثانی می فرمود چون شاه صفی بنابر توهم بعضی از اخبار خلاف واقعه
در پی برانداختن او شده ناچار در سنه ۱۱ شاهجهانی بوساطت سعید خان بهادر ولد احمد بیک خان ناظم
صوبه کابل بدرگاه رجوع آورده قلعه قندهار را با اولیای دولت سپرده غائبانه بمنصب پنجهزاری و
ارسال خلعت خاصه با جارقب و غیره و در ملازمت باضافه هزاری و خدمت نظم کشمیر جنت نظیر اختصاص

ظفرخان

ظفرخان بود و در سنه ۱۳ بمنصب هفت هزاری و بنظم صوبه لاهور از تغیر معتمد خان و در سنه ۱۴ بنظم صوبه کابل از
تغیر سعید خان و در سنه ۱۶ بخطاب امیر الامرا و بمنصب هفت هزاری ذات و سوار از آن جمله پنجهزار سوار دو اسپه سه
اسپه و جاگیر سی لک روپیه سربلند شده در معارک بلخ و بدخشان بذات خود شمشیرها زده در سنه ۲۲ عوض
شش هزار سوار فوج خود داده در سنه ۲۳ از نظم کابل معزول گشته بار دوم بنظم کشمیر از تغیر حسن بیک خان خود
مقرر شده در هر سال بحضور می آمد و در سنه ۳۱ از کشمیر آمده بصوبه رخصت شده بود در سنه ۳۱ بمرض اسهال
رحلت نمود از اموالش یک کرور روپیه برآمد پنجاه لک روپیه بچهار پسر و دو دخترش مرحمت شده و پنجاه لک
روپیه عوض مطالبه داخل خزانه شده امیری بود عالی همت پاک طینت امیر الامرا ابوطالب ولد آصف خان
ابوالحسن بن اعتماد الدوله غیاث بیک طهرانی در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و در سنه ۱۹ بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۰
بخطاب شایسته خان سربلند شده بود در سنه احد شاهجهانی بمنصب پنجهزاری مباهات اندوخته در سنه ۳
و سنه ۴ در رکاب والا در مهم خان جهان لودی باغی در دکن تردّدات نموده در سنه ۵ از دکن در رکاب به هندوستان
آمده در سنه ۶ در سفر کشمیر در رکاب خدمت نمود و در سنه ۸ در رکاب بدکن رفته به تنبیه عادل خان تعین گشته در سنه ۹
از دکن به هندوستان آمده در سنه ۱۰ بعد فوت خان زمان بهادر بنظم صوبه دولت آباد و در سنه ۱۲ بنظم صوبه بهار
و در سنه ۱۹ بنظم صوبه اله آباد و در سنه ۲۸ بنظم صوبه مالوه و در سنه ۳۰ بنظم صوبه گجرات و در سنه ۳۲ بار دوم
بنظم مالوه و در سنه ۳۳ بنظم مملکت دکن و در سنه ۹ بار دوم بنظم گجرات و در سنه ۲۸ بار سوم بنظم صوبه
مالوه و در سنه ۳۱ بخطاب خانجهان و بمنصب شش هزاری والا رتبه شده در سنه احد عالمگیری بمنصب هفت هزاری

هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه و دو کرور دام انعام و بخطاب امیر الامرا و در سنه ۳ برخصت نواختن نوبت بدستور
پدر در حضور و بعنایت خلعت خاصه با چارقب زردوزی و جمدهر مرصع با علاقه مروارید و دو سه اسپ یکی با زین و ساز
طلا و هم در سنه ۳ بنظم ملک دکن و بعطای تومان طوغ و در سنه ۶ بنظم صوبه خجسته بنیاد و بنگاله و در سنه ۸ بعنایت
فیل با یراق و در سنه ۱۹ بانعام دو کرور دام دیگر و بنظم اوده ضمیمه بنگاله علم سپاهات برافراخته در سنه ۱۲ بعد علالت
باجازت آمدن با پالکی سواره تا دروازه غسل خانه و بنظم صوبه اکبرآباد و در سنه ۲۲ بنظم صوبه بنگاله و در سنه ۱ بار دوم
بنظم صوبه اکبرآباد چهره امتیاز برافروخته در سنه ۲۳ دران جا بدرود و دفتر مروت و احسان را با خود برد تحریر محامد و مناقب
خصوصا سخاوت این مرد بزرگ را دفترها می باید در شجاعت هم پایه کمی نداشت که در سنه ۹ شاه جهانی اقطاع چتر و [?]
از ممالک دکن و در سنه ۱۵ ابلاپور از مضافات صوبه بهار و در سنه ۳ عالمگیری قلعه جات که از قلاع دکن و در سنه ۱۹
سونک از مضافات بنگاله فتح نموده   امیر الامرا محمد ابراهیم ولد ذوالفقار خان قاسم بن ذوالفقار خان قرامانلو در
اواسط عهد شاه جهانی بمنصب و در سنه ۱۲ باضافه منصب و در سنه ۲۴ بمنصب هزاری و در سنه ۲۶ بخدمت آخته بیگی
و به اضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۹ بخدمت عرض وقایع و در سنه ۲ بمنصب دو هزاری و بخطاب
اسد خان و در سنه ۱۲ باضافه پانصدی و هم بخدمت تن بخشی گری سربلند بود و در سنه احد عالمگیری بمنصب
سه هزاری و بجای تن بخشی گری و در سنه ۲ باضافه پانصدی و در سنه ۵ بمنصب چهار هزاری و در سنه ۱۳ بعد
فوت جعفر خان به نیابت وزارت و در سنه ۱۴ بمیر بخشی گری از انتقال لشکر خان با کاریک ضمیمه اش بلند
مرتبه شده گردیده در سنه ۱۶ استعفای نیابت نموده در سنه ۱۹ چون سربلند خان خواجه رحمت الله میر بخشی

مقرر گشت

مقرر گشت بالاصالت بخدمت وزارت کل و بمنصب هفت هزاری و در سنه ۲۴ بعطای پینه و تکیه زربفت
و سوزنی چکن دوز و بعد فتح حیدرآباد باضافه هزار سوار بعد از فتح قلعه جنجی باضافه هزار سوار و در سنه ۴۵ بخطاب
امیر الامرا لوای مفاخرت برافراخته تا آخر عهد از کشمیر بار بحضور آمده بصوبه رخصت شده بود در سنه احد بهادر شاه
بخدمت وکالت مامور شده خانه نشین شده در سنه ۲ فرخ سیر آثار حلم و حیا را با خود برد امیری بود بسیار بزرگ
و خدا ترس **امین الدوله** در عهد اکبری از مصاحبان حضرت بمنصب و خطاب امین الدوله اختصاص داشت و در
مقدمات و مهمات مالی و ملکی چندان دخل نمود دیگر احوال او معلوم نشد **اعتماد الدوله** غیاث بیگ ولد مرزا محمد شریف
بیگ طهرانی در عهد اکبری از ولایت آمده بمنصب هفت صدی و بخطاب بیوتاتی سرافراز شده بود در سنه
احد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب اعتماد الدوله و منصب وزارت از تغیر وزیر خان محمد مقیم دو در سنه ۶
بوزارت کل و در سنه ۱۴ بمنصب هفت هزاری هزار سوار و نوازش طومان طوغ و بعطای دستار خاص
سربلند شده و در سنه ۱۶ در راه لاهور رفت که اموال او کرور روپیه برآمد مردی فراخ حوصله و نیک نهاد
با وجود رجوع خلایق همه را راضی داشت و در دولت خواهی آقا و خیرخواهی شریف و وضیع متفرد بود

حرف ب **باز بهادر** ولد شجاعت خان از چیله های شیر شاهی حاکم
مالوه بعد از آن که مالوه از حکومت باز بهادر در سنه ۶ اکبری تصرف اولیای دولت درآمد و پس از فرار
مکرر از میدان جنگ در سنه ۱۵ احسن خان خزانچی بنا بر آورد و نشسته بود نوکری اختیار نموده بمنصب هزاری
سرافراز شده در سنه ۱۷ در فتح قلعه جات بنا بر تنبیه بهار مکار بر ده و در سنه ۲۲ در جنگ با مرزا مظفر حسین

ولد میرزا ابراهیم حسین چغتائی تردّدی نموده بود انجام حال او معلوم نشد بازبهادر غزنوی ولد شریف
خان برادر اعظم خان اتکه در عهد اکبری به منصب هفت صدی و بخطاب بازبهادر سرافراز شده خدمت
مینمود انجام حال او معلوم نشد بازبهادر قلماق لال بیگ نام ولد نظام کتابدار همایون بادشاه
که از خاصه چیلان این سلسلهٔ عالیه بود در آخر عهد اکبری بمنصب و بخطاب بازبهادر سرافراز شده خدمت
مینمود و بعد ازان راه بغی پیموده بود در سنه ۴۴ در ولایت بنگاله معروف راجه مان سنگه تقصیرش
معفو کرده در سنه احد جهانگیری بخطاب جهانگیر قلی خان نام بر آورده بود تتمهٔ احوال او در ذیل اهل خطاب خانی
نوشته شد بازبهادر قلماق دیگر در سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب بازبهادر سربلند و در سنه ۲
دکن تعین شده بود انجام کار او معلوم نشد **بهادر الملک** در آخر عهد اکبری بمنصب و خطاب بهادر الملک سر بر
افراخته در سنه ۴۹ در دکن تردّدها نموده در سنه ۱ جهانگیری بمنصب سه هزاری نام بر آورده تا سنه ۱۱
خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ت

ترسون بهادر در اواسط عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی سربلند و تعین مهم قلعه کانگره بود دیگر
احوال او معلوم نشد

حرف ح

حکیم الملک
در عهد اکبری بمنصب و بخطاب حکیم الملک سرافراز شده در سنه ۱ خدمت مینمود در سنه ۲۰ بحرمین
الشریفین رخصت شده بود دیگر احوال او معلوم نشد حکیم الملک ابو القاسم گیلانی ولد حکیم الملک
که مولدش هندست در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری سرافراز شده خدمت مینمود در سنه احد شاهجهانی

بخطاب

بخطاب حکیم الملک نام بر آورده در سنه ۱ با مبلغ نذر بحرمین رفته برگشته آمده بود در عهد الثانی در
گذشت حکیم الملک میر محمد مهدی اردستانی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده
در سنه ۴ بمنصب دو هزاری و خطاب حکیم الملک سربلند گردیده در سنه ۱ مورد الطاف خاقانی شده
در عهد الثانی در گذشت حکیم الملک دیگر در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و به این خطاب سرافراز بود
در سنه ۴۳ بجائزهٔ حسن خدمت در علاج بادشاهزادهٔ محمد اعظم شاه بمنصب چهار هزاری نام بر آورده بود
در عهد الثانی به آخرت سرا رفت حکیم الملک ولد محسن خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب دو هزاری و به این
خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه بعنایت خلعت و در سنه احد بهادر شاه
باضافهٔ منصب کام دل برگرفته بود در عهد بادشاه ازین جهان رفت

حرف خ

خواجه خان امین الدین هروی از بندهای همایونی در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خواجه
خان سرافراز شده در کمال قرب خدمت مینمود در سنه ۱ با برخطیر وکالت سر بر افراخت در سنه ۱۹
در اثنای رفتن بپای او از پیش رفت و بر زمین افتاد و بهمین صدمه بعد چند روز فوت کرد خواجه خان
خواجه دوست محمد خافی دیوان ایام بادشاهزادگی جهانگیری منصبی داشت در ابتدای عهد الثانی
از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خواجه خان و در سنه ۳ به تخمینی گری حضور و در سنه ۵
بخراست شهر اکبرآباد و در سنه ۶ باضافهٔ پانصدی و در سنه ۷ باضافه پانصدی سر بر افراخته بنابر
دریافت بعضی مقدمه بکابل رفته برگشته آمده در سنه ۸ بمحافظت اکبرآباد و خزائن قلعه مورد شده

بمنزله ناظم مقرر بود و درهمان سال باضافهٔ پانصدی و در سنه ۸ با اضافهٔ پانصدی و در سنه ۱۹ به منصب
پنجهزاری نام برآورده از نظم آن جا معزول گشته درین سال در لاهور رفوت کرد   خواجه خان ملا خواجه
خان خانی در سنه احد شاه جهانی بمنصب دوهزاری و بخطاب خواجه خان و بدیوانی گجرات سرافراز شده
در سنه ۴ بحج بیت الشریفین رفته در سنه ۸ مراجعت نموده خدمت نمود و در سنه ۱۸ فوت کرد

حرف ر — **رکن الدوله**

ولد مرتضی خان میر حسام الدین میر جمال الدین حسین آب خو در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و بخطاب
رکن الدوله سرافراز بود انجام حال او معلوم از دیگر آن اکابران معلوم نشد

حرف س — **سیف الملوک**

در اواسط عهد اکبری بمنصب هفت صدی و بخطاب سیف الملوک سرافراز شده تا سنه ۴۳ خدمت نمود دیگر
احوال و معلوم نشد   سیف الملوک کاشغری در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری و خطاب سیف
الملوک سربلند بود و در سنه ۳ تعاقب خان جهان باغی تعین شده در سنه ۵ نوکر و سیف الدوله
ولد قلیج خان در آخر عهد شاه جهانی بمنصب ۲ و این خطاب سرافراز بود و در سنه ۲ بعنایت زیاده قبل نام
برآورده دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ش

شریف الملک ملازم سلطان شهریار در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب شریف الملک سربلند بود شده
به نیابت صوبه ٹهٹه از طرف ایشان مقرر بود در سنه ۲۱ با سلطان خورم که بعزم فاسد تسخیر ٹهٹه

رفته بودند

رفته بودند جنگها میردانه نموده سلطان خورم را دخل نداده بود دیگر احوال او معلوم نشد
شریف الملک حیدرآبادی نوکر ابوالحسن بادشاه حیدرآباد در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب سه هزاری
و بخطاب شریف الملک سرافراز شده در سنه ۳۲ فوت نمود

حرف ص — **صوفی بهادر**

شیخ صوفی از نوکران نظام الملک حاکم دکن در سنه ۳ شاه جهان آبادی معروف نصیری خان خواجه
صابر بمنصب هشت صدی نو سرافراز شده در آینده بخطاب صوفی بهادر نام برآورده در سنه ۱۰ بمنصب
صدی رسیده در سنه ۴ عالمگیری بسفارت اورگنج رفته و مراجعت نموده بود انجام حال او معلوم نشد
صوفی بهادر کاشغری در سنه ۲۷ عالمگیری از کاشغر آمده بمنصب و خطاب صوفی بهادر سرافراخته تا
سنه ۳۰ خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد **صدر جهان** میران صدر جهان مفتی متوطن قصبه پهانی در سنه
۴۰ اکبری بمنصب هفت صدی سربلند بود بنا بر ادای رسم تعزیت عبدالله خان اوزبک والی توران
در واقعه سکندر خان پدرش بسفارت رفته مراجعت نموده آمده در سنه احد جهانگیری بصدارت
کل مقرر شده و مرور بمنصب پنجهزاری رسیده تا سنه ۱ خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد صدر
جهان خویش شیخ فرید بخاری در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب و این خطاب سربرافراخته در اوایل
عهد شاهجهان بمنصب هفت صدی سرفراز بودند و در سنه ۱۳ بقلعه داری کالنجر که دیده بود
انجام حال او معلوم نشد صدر جهان خویش خلیفه سلطان در سنه ۲ عالمگیری از ولایت آمده

بمنصب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **صمصام الدوله** ولد مرتضی خان بن میر جمال الدین حسین
انجو در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب هفت صدی و در سنه ۱ به بخشیگری صوبهٔ قندهار و در سنه ۱۱
بهنگام تعیناتی بهار و فتح قلعهٔ کانور لپور از قلاع زمینداری جهوجهور تردد مردانه نموده و در سنه ۱۲ بدیوانی قندهار
و در سنه ۲۱ بدیوانی کابل از تغیر میر یحیی و در سنه ۱۲ بدیوانی شاهزاده محمد شجاع و در سنه ۲۲ بمنصب هزاری
و دو صد سوار و در سنه ۲۸ بمنصب هزار و پانصدی و به نیابت نظم صوبه اودیسه از طرف شاهزادهٔ مذکور سر
افراز شده و در سنه ۹۰ درگذشت

حرف ض

ضیاء الملک کاشی در اواسط عهد اکبری بمنصب هفت صدی و بخطاب ضیاء الملک سرافراز شده
در سنه ۴۰ بسفارت ایران رفته بود تا سنه ۴۰ خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ع

عین الملک حکیم شیرازی در عهد اکبری بمنصب هفتصدی و بخطاب عین الملک سرافراز گردید خدمت
مینمود در سنه ۳ در علاج زخم شیری که بر کتف حضرت رسیده بود باتفاق خواجه خضر خان که از نسل سلاطین
مغل بود خدمت نمایانی بجا آورده در سنه ۱۸ با آوردن اعتماد الدوله گجراتی رفته آمده برسالت دکن
تعین شده و در سنه ۲۲ مراجعت نموده و در سنه ۲۶ بهنگام فوجداری بریلی و زمینهٔ عرب بهادر باغی زد و خورد
نمایان کرده و در سنه ۳۰ بتعینهٔ اعظم خان کوکه و در سنه ۳۲ در هندیه مضاف صوبهٔ مالوه فوت نمود
از شکر دان دنیا بود و در مزاح کار مردم سخت میکوشید **میر علاء الدوله** فرزندی در عهد اکبری بمنصب

دیم بلس

و به این خطاب سربلند شده خدمت می نمود در سنه ۱۲ با مینی صوبه گجرات نام بر آورده به نیابت
دکن سر انجام مینمود دیگر احوال او معلوم نشد **عضد الدوله** میر فتح الله شیرازی از اعیان دکن
موافق طلب حضور در سنه ۲۶ اکبری از آن جا آمده در سنه ۳۰ بخطاب عضد الدوله و بخدمت امینی
الملکی و الارتبه شده مقرر گردیده بود که به استصواب او مهمات مالی فیصل مینموده باشند در سنه ۳۴
در کشمیر همراه رکاب بود در آن جا فوت کرد ندیمی بود عدیم المثال عضد الدوله میر جمال الدین حسین
نام انجو در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۴۴ بکومک ناظم بنگاله رفته همیشه
خدمت چسپان میکرد و در عهد جهانگیری بجلدوی اصلاح مقدمات دکن که بکمر بسفارت بادشاهان
دکن رفته بود و بر صداقت قول و فعل او اعتماد کلی داشته مطیع شدند در سنه ۲ الهی بمنصب
پنجهزاری و بخطاب عضد الدولت سرافراز گردیده در سنه ۱۶ انبار کبیر سن پنجهزار روپیه در ماهه عنایت
کرده بود انجام حال او معلوم نشد در سنه ۱۸ فرهنگی ترتیب داده بود **عماد الملک** در عهد اکبری بمنصب
دو صدی و بخطاب عماد الملک سرافراز شده تا سنه ۳۹ خدمت مینمود و از مشهوران بود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ف

فخر الملک ولد یاقوت خان حبشی دکهنی در اوائل عهد شاه جهانی به سه هزاری منصب و بخطاب
فخر الملک سرافراز شده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف م

مخدوم الملک ملا عبد الله مردی کهن سال در علم ملائی بی بدل بود و پیش شیرشاه و سلیم شاه
خیلی قربت داشت در سنه احد اکبری بخطاب مخدوم الملک نام برآورده و صنعت مدار المهامی
از پیشگاه خلافت و جهانبانی در بر کشیده در سنه ۲۴ بحجاز که یک رو به سال قانع شده در سنه ۲۵
بحرمین الشریفین رفته بود بعد مراجعت در راه ازین جهان تا این جهان میل نمود **معز الملک** از سادات
موسوی مشهدی در عهد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب معز الملک سرافراز شده خدمت می‌نمود
در سنه ۹ در انتظار تنبیه عبد الله خان اوزبک باغی در رکاب سعادت ترددی نموده در سنه ۱۰ لشکر گرد
خود با دیگر امرای بنابر تنبیه سکندرخان اوزبک باغی تعین شده در سنه ۱۲ بنابر قبول ضابطه داغ
مساهلت کننده تعیین بنگاله گردیده در آنجا خدمت می‌نمود در سنه ۲۵ هنگام آمدن حضور بسواری کشتی
نسیب در زمین با وشند در دریای جون با بیت الآبا و افرو رفت معز الملک میر معز الدین از سادات
تاجر که ماوراء النهر و در او از نسل وزرای ترکمه است در آخر عهد اکبری بمنصب و این خطاب و منصب فی کرلات
خانه و در سنه ۴۹ بخدمت بیوتاتی سرافراز شده بود در سنه احد جهانگیری به بحالی بیوتاتی و در سنه پنجم
بمنصب هزار و دو صدی و به دیوانی کابل و در سنه ۱۰ به بخشی‌گری حضور و در سنه ۱۴ بمنصب هزار و پانصدی
و الارتفاع شده تا سنه ۱۸ خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد میر معز الملک دیگر در سنه احد شاه
جهانی بمنصب هزاری و پانصدی و بخطاب معز الملک و در سنه ۵ به دیوانی بندر سورت و در آمده
بفوجداری و امینی و دیوانی سهرند و در سنه ۲۰ بار بمتصدیگری بندر سورت و در سنه ۲۱ به دیوانی گجرات

سرافراخته

سر برافراخته تا سنه ۲۳ خدمت می‌نمود احتمال است که این معز الملک میر معز الدین همان است یا
دیگری **مسیح الملک** در سنه ۴۰ اکبری بمنصب و به این خطاب سربلند و تعین گجرات بود دیگر
احوال او معلوم نشد و **مسیح الزمان** حکیم صدرا ولد فتح الدین شیرازی مشهور به میرزا محمد مشهور از اطبای شاه
طهماسپ در سنه ۴۷ اکبری از ولایت آمده در سنه چهارم جهانگیری بمنصب پانصدی و بخطاب مسیح
الزمان سرافراز گردیده در سنه احد شاه جهانی بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۴ بحرمین رفته
در سنه ۸ مراجعت نموده و به دیوانی بندر سورت مقرر گردیده در سنه ۱۸ بسالیانه پنجاه هزار روپیه
قناعت گزیده در سنه ۲۴ در گذشت **مظفر الملک** ولد بهاء الملک در سنه ۱۳ جهانگیری بخطاب
مظفر الملک سربلند بود و در سنه ۱۶ بخطاب نصرت خان نامور شده خدمت می‌نمود تتمه احوال
او در ذیل خطاب نصرت خان نوشته شد **میر جمله** میر محمد امین موسوی حسینی از عمده‌های اصفهان
از نوکران قطب الملک مرزبان حیدرآباد در ایام ضعف سلطنت خاندان قطب الملک به ایران وطن
خود برخاسته رفته بود در سنه ۳ جهانگیری حسب المطلب از ایران آمده بمنصب هزار و پانصدی و
این خطاب و بخدمت عرض مکرر و در سنه ۱۱ باضافه پانصدی و بخانسامانی از تغیر ارادت خان و در
سنه ۱۶ باضافه پانصدی و در سنه ۱۸ باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری و در سنه ۲۱ به بخشیگری
سربلند شده بود در سنه ۲ شاه جهانی بخانسامانی از تغیر افضل خان علامی و در سنه ۳ باضافه
هزاری و در سنه ۸ بمنصب پنجهزاری دو هزار سوار و به میر بخشیگری از تغیر اسلام خان سرافراز گردیده

در سنه ۱۱ تا خوت سرا رفت این عزیز از اخلاق معرا بود میر جمله محمد سعید اردستانی از نوکران قطب
الملک حاکم حیدرآباد در سنه ۲۹ شاه جهانی بمنصب و با بن خطاب و باز بخطاب معظم خان و در سنه سوم عالمگیری
بخطاب خانخانان سرافراز شده بود تتمهٔ احوال او در ذیل خطاب خانخانان نوشته شد ل ل ل

حرف ن

نور الدوله ولد مرتضی خان میر حسام الدین بن میر جمال الدین حسین انجو در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب و به
خطاب نور الدوله سر برافراخته در سنه ۱۳ بفوجداری میانه دوآب مقرر شده در سنه ۲ بفوجداری سنبهل
مقرر شده در سنه ۵ بحضور آمده بمنصب هزاری نام برآورده تعین کابل شده در سنه ۲ در تعیناتی صوبه
بهار فوت کرد نظر بهادر خویشگی منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بتعین مهمات خانه زمانه بیگ شده
ترددها نموده در سنه ۹ متعین مهم دولت آباد گردیده روز یورش قلعهٔ دولت آباد ترددات شایسته بجا آورده
در سنه ۱۰ ... و در سنه ۲ در فتح قلعهٔ دهامونی و در سنه ۹ در تسخیر قلعهٔ اودگیر تلاشهای مردانه کرده در سنه ۱
بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز گشته در سنه ۱۱ همراه شاه شجاع بکومک قندهار رفته و در سنه ۲ بتقصیری
بی منصب گشته در سنه ۱۴ بحال گردیده در سنه ۱۵ در تنبیه راجه جگت سنگه ترددات نمایان نموده باضافهٔ پانصدی
و بمنصب سه هزاری نام برآورده همراه دارا شکوه بقندهار رفته در سنه ۱۹ بحضور آمده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و
بدخشان گردیده و در سنه ۲۲ با جنگ قزلباشان ترددات نمایان کرده بجلدوی آن در سنه ۲۳ بمنصب
چهار هزاری چهار هزار سوار لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۲۵ به آخرت سرا رفت ل ل ل

وادا ک

حرف و

وجیه الملک
گجراتی در سنه ۱۱ اکبری بمنصب و بخطاب وجیه الملک سر برافراخته در سنه ۲ بخدمت امانت و فوجداری
محالات صوبه گجرات مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد **وزیر الملک** جان بیگ چک در سنه احد
جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب وزیر الملک و بنصف وزارت سرافراز شده در سنه ۳ بمیر
بخشیگری نام برآورده بعد از آن سال با آن جهان میل کرد **فصل دویم در ذکر امیرانی که خطاب نیافته اند**

حرف الف

ابراهیم مرزا ولد سلیمان مرزا چغتائی حاکم بدخشان در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری ممتاز شده
در سنه ۵ در صف جنگ با پیر محمد خان اوزبک والی بلخ و بدخشان شهید گردید شیخ ابراهیم ولد
موسی برادر کلان شیخ سلیم چشتی در عهد اکبری بمنصب دو هزاری سرافراز شده خدمت نموده
در سنه ۱۹ بحراست شهر اکبرآباد تعین گردیده در سنه ۲۲ و در سنه ۲۳ و در سنه ۲۰ در کارزارها ترددها نموده
در سنه ۲۸ بنظم اکبرآباد مقرر شده بود در سنه ۲۹ در آن جا فوت کرد شیخ ابو الفضل ولد شیخ مبارک
ناگوری در سنه ۱۹ اکبری بمنصب سرافراز شده بمیر منشیگری مقرر گردیده بقوت طالع و بقدرت
کمالات صوری ترقی نموده انیس محفل خاص و دخیل امور معظم جهانبانی گشته بمنصب پنجهزاری رسیده
در سنه ۴۷ وقتی که نرسنگ دیو بندیله بکرم مفضل و ایمای سلطان بعزم کشتن شیخ نزدیک سرای
آنتری قریب رسید مشار الیه عار فرار نافته درون سرای قبول نموده خود را بکشتن داد

داد از کارزارهای نمایان او اول استقامت شیخ ست بعد واقعهٔ شاهزاده مراد در ملک
دکن دویم فتح قلعهٔ اسیر ست و از تصانیف او که مشهور آفاق ست چه نویسد حکیم ابو الفتح ولد عبد
الرزاق گیلانی در سنهٔ ۲۰ اکبری از ولایت آمده بمنصب هزاری مباهی شده در قرب حضور و دخل
و دخل نزدیک سبقت بر اقران برده در سنهٔ ۳۴ رحلت کرد خواجه ابراهیم بخشی در اواسط عهد اکبری
بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد میر ابو القاسم نمکین در عهد
اکبری بمنصب هفت صدی سرافراز شده در سنهٔ ۹ مصدر ترددی گردیده اکثر در یساق ها تلاش
مردانه نموده بود در سنهٔ احد جهانگیری باضافهٔ منصب کامران گشته در سنهٔ ۲ بمنصب هزار و پانصدی
رسیده خدمت نمود در عهد ایشان درگذشت و سی پسر یادگار گذاشت خواجه ابو الحسن تربتی
در آخر عهد اکبری بمنصب سر برافراخته در سنهٔ ۴۴ بدیوانی شاهزاده دانیال مقرر بود در سنهٔ احد
جهانگیری بمنصب هزاری و خدمت بخشی گری به اتفاق عبد الرزاق معموری سر برافراخته در سنهٔ ۲
معزول شده همراه آصف خان به مهمات وزارت سر برافراخته سربراهی می نمود در سنهٔ ۳ معزول
شده همراه آصف خان بمهمات وزارت در سنهٔ ۶ بتعین دکن گردیده در سنهٔ ۱۲ بحضور آمده در همین
سال همراه خانخانان باز بدکن تعین شده در سنهٔ ۱۳ بحضور آمده به بخشی گری کل مقرر گردیده
ببرور به منصب هزاری چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنهٔ ۱۰ باضافه هزاری و در سنهٔ ۱۳ باضافه
هزار سوار و در سنهٔ ۱۴ باضافه سواران و در سنهٔ ۱۵ بمنصب چهارهزاری ده هزار سوار و بیه لوای نقارات

برافراخته

برافراخته بعد عزل میر بخشی گری باز بدکن تعین شده در سنهٔ ۱۶ در تنبیه دکهنیان که با پنج هزار
سوار بر آن ها تاخته بود شمشیرهای نمایان زده در همان سال طلب حضور شده از انتقال اعتماد الدوله
بوزارت کل اختصاص یافته در سنهٔ ۲ جلوس دو هزار و پنجاه سوار داده در سنهٔ ۹ ضمیمهٔ خدمت وزارت
نظم کابل والا پایه شده و به نیابت خود ظفر خان پسر خویش را مامور گردانیده بمنصب پنجهزاری رسیده
در سنهٔ ۲۱ هنگام بی ادبی مهابت خان در کارزار دریغ نکرده بود در سنهٔ احد شاه جهانی بمنصب بحال
مانده در سنهٔ ۲ بجلدوی تردد در تنبیه خانجهان لودی باغی بمنصب شش هزاری نیکنام شده در سنهٔ ۳
بانتظام بعض مهم دکن کاربند شده در سنهٔ ۵ بنظم کشمیر مباهات اندوخته پسرش ظفر خان
به نیابت بنظم مذکور پرداخته در سنهٔ ۶ در اکبرآباد رحلت نمود خواجه مذکور از اخلاق معرا محض بود
میرزا نور ولد اعظم خان میرزا عزیز کوکه در آخر عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز بود و آن حضرت
او را بجای فرزند دوست میداشتند در عهد جهانگیری با وصف آنکه بسیار عزیز و پدرش
در یساق بود عوض خون ناحق بقصاص رسید آقا ملا برادر آصف خان جعفر بیگ در عهد اکبری
بمنصب دوصدی سرافراز بود در سنهٔ احد جهانگیری بمنصب هزاری سربلند شده در ایلغار
تنبیه سلطان خسرو باغی همراه رکاب دوی نموده بود انجام حال او معلوم نشد ارسلان بی
اوزبک منصبی داشت در سنهٔ ۶ جهانگیری بعطای علم سر برافراخته خدمت نمود موافق
قاعدهٔ دو هزاری هزار سوار خواهد بود انجام حال او معلوم نشد ابراهیم حسین ولد شرف

الدین حسین کاشغری منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری به بخشیگری دکن و در سنه ۱۳ بمنصب هزاری
و در سنه ۱۴ بعد فوت پدر بمرحمت اضافه و در سنه ۱۹ بجایزهٔ تردد در جنگ با سلطان خورم باغی بمنصب
دو هزاری سرافراز شده در سنه احد شاهجهانی باضافه پانصدی نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد
سید احمد قادری در سنه ۴۰ اکبری بمنصب چهارصدی سرافراز بود در سنه ۱ جهانگیری بمنصب هزاری و
بخدمت صدارت نام برآورده در اوائل عهد شاه جهانی بقلعه‌داری کالنجر مقرر شد و در سنه ۳ در آن جا
ترددی نموده در سنه ۴ بود انجام حال او معلوم نشد اکبر قلی ولد جلال خان بن محمد خان بن سلطان آدم
گکهر در سنه ۱ جهانگیری بعد شهادت پدر بمنصب هزاری رسیده خدمت می‌نمود در اوائل عهد شاه جهانی
بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده بود در سنه ۵ مورد عنایات پادشاهی گشته در سنه ۱۴ بتعین بادشاه
زادهٔ مراد بخش شد و در سنه ۱۶ فوت کرد ابو سعید میرزا محمد ولد میرزا محمد شریف بن اعتماد الدوله
طهرانی در سنه ۱۶ جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۲۲ بنظم تتبیه سرفراز شده بود و از ابتدای عهد
شاه جهانی سی هزار روپیه سالیانه داشت در سنه ۲۲ بموجب عرض جهان آرا بیگم صاحب بمنصب دو هزاری
هشت صد سوار سربلند گردیده در سنه ۲۰ بفوجداری اجمیر مقرر گشته در سنه ۲۶ بنابر عدم سر انجام کار
معزول گشته بسالیانه چهل هزار روپیه قناعت گزیده در سنه ۴ عالمگیری رحلت نمود امام قلی ولد
جان سپار خان ترکمان در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنه ۳
در کارزار با خان جهان لودی باغی مردانه آویخته بکار آمد احداد ولد محمد خان مهمند در سنه ۱ جهانگیری

منصبی داشت

منصبی داشت در همراه سلطان خورم راه بغی پیموده در کارزار با ابراهیم خان ناظم بنگاله زخمی شده
در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۲ و در سنه ۹ و در سنه ۱۰ در کارزار بلخ
و بدخشان ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نشد ابو محمد کنبوه میر تهی در اوائل عهد شاهجهانی
منصبی داشت در سنه ۳ بمنصب هزاری نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد ابابکر ولد
بهادر خان کلیا دهبا در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سربلند و در سنه ۹ درگذشت
اسفندیار بیگ ولد حسن بیگ شیخ عمری در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه ۶ شاه جهانی بمنصب هزار
و پانصدی و در سنه ۵ به بخشیگری دکن سر برافراخته در سنه ۱۶ خدمت نموده فوت کرد اردشیر محمد
ولد محمد مسعود بن احمد بیگ خان کابلی در اوائل عهد شاه جهانی منصبی داشت و در سنه ۵ بتهانه‌داری گکهن
مقرر بود در سنه ۱۱ بجلدوی تردد در جنگ با قزلباش در حد و قندهار بمنصب هزاری سرافراز گشته در
سنه ۱۹ درگذشت اختیار ولد مبارز خان روهیله در اوائل عهد شاه جهانی منصب مشخصی داشت در سنه
به تهانه معتمدان آبروی آب چمن بتعین گشته در سنه ۱۴ بمنصب هزاری سر برافراخته درگذشت اسلم
در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب ششصدی و خدمت قضای جایی داشت در سنه ۹ بمنصب هزاری
پنجاه سوار نامور گردیده در سنه ۲۴ فوت کرد اسحق بیگ برادر یادگار حسین خان در اوائل
عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی داشت در سنه ۲ به بخشیگری و واقعه‌نویسی کابل از تغیر رای کاشی
رای داس و در سنه ۱۶ بمنصب هزاری نام برآورده بسفارت بلخ رفته در سنه ۲۹ باز بخشیگری

کابل مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید اسد الله ولد مصطفی خان سید بایزید
نام بخاری در اوائل عهد شاه جهانی منصب هفتصدی داشت در سنه ۱۹ بمنصب هزاری و بقلعه داری
کابل از انتقال ویندار خان عبد الواحد نام برادر خود سربلند شده در سنه ۲ بقلعه داری زمینداور مقرر
شد در سنه ۲ بتقصیر معاتب گردیده که قلعه بمردم شاه عباس والی ایران حواله نموده بود اسد الله
ولد شیر خواجه در اواسط عهد شاه جهانی منصب نهصدی داشت در سنه ۲۲ بمنصب هزاری و در سنه ۲۵
بقلعه داری کابل از تغیر شاد خان و در سنه ۲۶ بتهانه داری و قلعه داری لاهور نام برآورده در سنه ۲ بتعین
قندهار گردیده در سنه ۲۸ بمیر توزکی سر برافراخته در سنه ۳ فوت کرد آدم گکهر در سنه ۲۰ شاه
جهانی بمنصب هزاری سرافراز شد بود دیگر احوال او معلوم نشد اسد الله ولد رشید خان انصاری
منصبی داشت در سنه ۲۲ شاه جهانی بعد فوت پدر بمنصب هزاری و در سنه ۲۴ به تهانه داری چاندور
مضاف صوبه دکن و در سنه ۲ بفوجداری دوندوری سرکار سنگمنیر و در سنه ۲ بفوجداری ایلچپور در منصب
هزار و پانصدی سرافراز شد در سنه مذکور همان جا فوت کرد اسفندیار ولد همت خان کوکه در
اوائل عهد شاه جهانی منصب ششصدی داشت در سنه ۲۹ بمنصب هزاری سر برافراخته بود انجام حال
او معلوم نشد امام قلی ترکمان در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در اواسط عهد به
منصب هفتصدی و در آخر عهد بمنصب هزاری سربلند شده بود اکثر بخدمات حضور مامور مانده در سنه ۳۰
درگذشت میر ابو البقا ولد شریف خان قدیمی در اواسط عهد شاه جهانی منصب هشتصدی و قلعه

داری کالنه

داری کالنه داشت در آخر عهد بمنصب هزاری نامور گشته انجام حال او معلوم نشد اسحق بیگ
پسر خورد علیمردان خان در سنه ۲۹ شاه جهانی بمنصب هزاری نو سرافراز گردیده در سنه ابد
باضافه پانصدی مباهی گشته در کارزار اکبرآباد همراه دارا شکوه بود بکار آمد اسمعیل بیگ پسر
خورد علیمردان خان در سنه ۲۶ به نیابت نظم کشمیر از طرف پدر و در سنه ۲۹ شاه جهانی بمنصب
هزاری نو سرافراز شده در سنه ابد باضافه پانصدی مباهات اندوخته در جنگ اکبرآباد همراه سلطان
دارا شکوه بکار آمد ابو القاسم ولد سیف خان جهانگیر شاهی در اواسط عهد شاه جهانی منصب
ششصدی داشت در سنه ۳ بمنصب هزاری نام برآورده تعین صوبه گجرات بود در سنه احد عالمگیری
فوت نمود اسمعیل افغان در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد الهداد افغان در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه ۲ با ششی لکهی
نذر بجرمت رفته بود دیگر احوال او معلوم نشد میر ابراهیم متوطن بدولی از نوکران سلطان دارا شکوه
در سنه ۳ شاه جهانی در صوبه تهته فوجداری دامان کوه داشت بعد فوت محمد علی خان بابت
نظم آن صوبه به نیابت آن صوبه مقرر گردیده در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر
احوال او معلوم نشد میر ابو الحسن از نوکران سلطان شجاع در سنه ۳ عالمگیری بمنصب هزاری
سربلند شد در سنه ۸ در بنگاله تردد شائسته نموده بود انجام حال او معلوم نشد سید امام
الدین از نوکران سلطان مراد بخش در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود

دیگر احوال او معلوم نشد سید امام الدین از نوکران سلطان مرادبخش در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد الفی ولد افضل از نوکران عادل خان
حاکم بیجاپور در سنه ۹ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافرازی داشت دیگر احوال او معلوم نشد ملا احمد
نائته از امیران بیجاپور در سنه ۸ عالمگیری معرفت مرزا راجه جی سنگه بمنصب شش هزاری ذات و سوار
سرافراز شده عازم حضور بود در سنه ۹ قبل از ملازمت درگذشت

حرف ب

بهاء الدین منصبی داشت در سنه ۲۰ اکبری بجائزهٔ تردد در فتح ملک سنده بمنصب هزاری سرافراز
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد بابوی منکلی از طایفه افغان در عهد اکبری بمنصب هزاری
ممتاز شده بود و در سنه ۲۰ ترددی نموده دیگر احوال او معلوم نشد بدیع الزمان میرزا ولد شاهرخ
چغتائی بدخشی در سنه ۲ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب هزاری و انعام باضافهٔ پانصدی و در سنه ... جهان
گیری احدیان سرافراز شده در سنه ۱۸ به اغوای برادران بدست خدمهٔ محل خود هلاک گشت و قاتلان بقصاص
رسیدند بیروا افغان در سنه ۵ جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد بهادر
برادرزادهٔ خان جهان لودی باغی در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز بود و در سنه ۳ با عم خود
موافقت گزیده در کارزار با اولیای دولت کشته گردید میر برکه از اولاد میر کلال در سنه ۵ جهانگیری
منصبی داشت و بسفارت توران رفته بود در سنه ۲ شاه جهانی بسفارت ایران روانه شده در سنه ۵

مراجعت

مراجعت نموده در سنه ۶ بمنصب هزاری و بمیر عدلی سرافراز شد و در سنه ۵ السفارت توران رفته در
سنه ۱۶ فوت کرد بهرام ولد نذر محمد خان والی بلخ در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب پنجهزاری سرافراز
شد و در سنه احد عالمگیری مورد مراحم سلطانی گردیده تا سنه ۹ خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد
بدیع سلطان ولد خسرو سلطان بن نذر محمد خان والی بلخ در سنه ۱۹ شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی
سربلند شد و در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری نام برآورده آخر بسالیانه دوازده هزار روپیه
قانع گردیده در سنه ۲ بمنصب هزاری و در همین سال باضافهٔ پانصدی و در سنه ۲۰ باضافهٔ پانصدی
رسید تا سنه ۲۶ خدمت میکرد در عهد الیشان درگذشت سید بهادر ولد سید لطف علی بهکری در اواسط
عهد شاه جهانی منصب هفت صدی داشت در سنه ۲۰ و در سنه ۲۷ متعین مهم قندهار شده در سنه ... بعد
گوشه نشین شدن پدر بمنصب هزاری سرافراز در سنه احد عالمگیری بجائزهٔ ترددات باضافهٔ
پانصدی مباهی شد در سنه ۲ فوت نمود بهرام میرزا برادر خورد جعفر خان طهرانی در سنه ۱۹ شاه جهانی
بعد فوت پدر بمنصب ششصدی و در سنه ۱۲ به بکاولی و در اواسط عهد بمنصب هفت صدی و در سنه
بواقعه نویسی لاهور و در سنه ۲۹ بمنصب هزار و پانصدی ممتاز شده در سنه ۳۰ صحبت اش با سلطان سلیمان
شکوه منسوب گردیده در سنه ۲ عالمگیری رحلت کرد سید بهادر ولد سید صلابت خان سید علی
بن سید قاسم بن سید محمود خان بارهه در اواسط عهد شاه جهانی منصب پانصدی و در سنه ۱۹ خدمت
توزک و در آخر عهد منصب هشتصد داشت و در سنه ۲۲ متعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۴

میر توزکی از تغیر خان تتارخان و به اضافهٔ منصب مباهات اندوخته در همین سال به بخشیگری احدیان
از تغیر مظفر حسین مقرر شده در سنه ۲۵ و در سنه ۲۷ بتعین مهم قندهار شده در سنه احد عالمگیری بمنصب
هزاری نام برآورده در سنه ۳ بتعین مهم راوکرن شده درین سال فوت کرد راجه بهروز ولد راجه روز
افزون زمیندار کهرکپور در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب هفتصدی سربرافراخته در سنه ۹ از کارزار مهم
بلخ ترددی نموده و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ در مهم قندهار تلاشها کرده بود و در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار
هزار سوار سربلند شد اکثر در بنگاله ترددات کرده در سنه ۹ فوت نمود بهرام ولد یوسف خان در سنه احد عالم
کیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد میر برهانی در سنه ۹ عالمگیری بمنصب هزار
و پانصدی و در سنه ۱۰ بفوجداری باری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه بخت مند
سنه ۱۳ عالمگیری بشرف اسلام مشرف شده بمنصب و بعطای ریاست طایفهٔ او چنانکه سابق براجه
کوکلت مقرر بود و بخطاب راجگی سرافراز شده خدمت مینمود انجام کار او معلوم نشد

حرف ج

خواجه جلال الدین محمود خراسانی از نوکران میرزا عسکری در ایام سفر عراق ملازم رکاب همایونی
شد بوزارت اختصاص یافته بود در سنه احد اکبری بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز شده در
سنه ۲ بحکومت غزنین مقرر شد در سنه ۳ بظلم منعم خان نایب نظامت کابل کارش تمام شد
شیخ جمال الدین ولد شیخ محمد بختیار افغان در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده از مصاحبان

محفل

محفل خاص بود در سنه ۴۰ درگذشت در عهد اکبری بمنصب هفتصدی سربلند بود در سنه
احد جهانگیری بمنصب دو هزاری رسیده ترددها نموده دیگر احوال او معلوم نشد سیدی جمال
صاحب قلعه سیونده از قلاع دکن در سنه ۴ شاه جهانی بعد حواله کردن قلعه به اولیای دولت
معرفت سپهدار خان غایبانه بمنصب سه هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
سید جلال ولد سید محمد نبیره شاه عالم بخاری در عهد جهانگیری مکرر از گجرات آمده و رعایتها یافته
و تا سنه ۱۶ شاه جهانی هم گاه گاه از وطن می آمد و برخصت وطن و بعنایت نقد مباهات اندوخته خیلی
مورد مراحم بود در سنه ۱۶ به تکلیف بادشاه بمنصب چهار هزاری و خدمت صدارت از تغیر موسوی خان
اختیار نموده در سنه ۱۸ بمنصب پنجهزاری هزار سوار و در سنه ۱۹ بمنصب شش هزاری دو هزار سوار والا
رتبه شده در سنه ۲۰ رحلت کرد جبار قلی گکهر در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در اواسط
عهد بمنصب هزاری سرافراز شد در سنه ۵ بفوجداری منوج کاشال مقرر گردیده در مهم بلخ در سنه ۱۹
و در سنه ۲۰ و در سنه ۲۲ در مهم قندهار ترددها کرده در سنه ۲۶ بار دویم بتعین مهم قندهار شده بود
در سنه ۵ عالمگیری فوت کرد که بتعیناتی کابل رفته بود جان بیگ منصبی داشت از طرف شاه
شجاع بحراست صوبه اودیسه مامور بود در سنه ۳۲ شاه جهانی بجایزه بدست آوردن بندره چلی
با قلعه حاکم نشین بمنصب هزاری سرافراز شده بود بعد اعتکاف اعلی حضرت که شاه شجاع را آن
جناب عالمگیری مبارزتها رو داد آنچه حق سپاهیگری و وفا بود تا دو سال با معظم خان ناظم

بنگاله پیکارها کرده ادا نموده هنگام سوار شدن شجاع بر کشتی در دریای زخمی از و جدا شده
بود دیگر احوال او معلوم نشد   میر جعفر استرآبادی از نوکران قطب‌الملک حاکم حیدرآباد در
ماه شعبان سنه ۲ شاه جهانی بمعرفت جعفر خان بمنصب هزاری و بخدمت بیوتاتی و در سنه ۳ به بخشی
گری دکن سربلند شد و تا سنه ۹ عالمگیری خدمت نموده انجام حال او معلوم نشد   میر جعفر خواهرزاده
خلیفه سلطان از سادات محله کلباز صفاهان در ماه صفر سنه ۲ شاهجهانی از ولایت آمده به منصب
هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه ۱۳ بفوجداری چیت پور مضافات صوبه بهار مقرر گشته بود انجام حال او معلوم
نشد   میر جعفر ولد میر حاج در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه تعیین
شائسته خان شده در اواسط عهد بمنصب ششصدی و در سنه ۳۰ بمنصب هزاری نام برآورده بود انجام
حال او معلوم نشد   خواجه خان ولد خواجه عبد الهادی بن صفدر خان اتالیق بعد فوت پدر
در سنه ۳۰ شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۳۲ در جنگ اکبرآباد همراه سلطان
داراشکوه بود مردانه بکار آمد   جمال ولد دلیر خان روهیله در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سر
افراز شد به نیابت فوجداری بیواره از طرف پدر مقرر گردیده در سنه ۸ در آن جا گذشت

حرف ح

سید حامد

بخاری از نوکران حکام گجرات در سنه ۱۷ اکبری بمنصب دو هزاری سر برافراخته در سنه ۱۹
در جنگ میرزا ابراهیم حسین تردد نموده در سنه ۲۳ بنظم ملتان نام برآورده آینده از کوکلتان

لاهور

لاهور مقرر شده در سنه ۲۵ در ایام تعیناتی آن صوبه با میرزا حکیم که بعزم تصرف لاهور
از کابل آمده بودند آویزش نموده مردانه ترددها کرده در سنه ۳۰ بتعیین کابل گردیده
در سنه ۳۰ در کارزار با افاغنه پیشاور بعد حرب صعب بکار آمد   حسن بیگ شیخ عمری
در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری و در سنه ۴۴ بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۴۸
بنظم کابل سربلند شده در تنبیه افاغنه آنجا تلاشهای مردانه نموده بود در سنه احد جهان
گیری از نظم آن جا معزول گشته روانه درگاه بود در راه با سلطان خسرو باغی خود ده شریک
بغی گردیده در ناحیه پنجاب دستگیر گردیده شده بجزای اعمال رسید   حمزه بیگ در سنه ۴۰
اکبری بمنصب سه صد و پنجاهی مامور بود در سنه ۵ بمنصب هزاری نام برآورده انجام حال او معلوم نشد
میرزا حسن ولد میرزا رستم صفوی منصبی داشت در سنه ۱ جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۸
باضافه پانصدی منصب سر برافراخته در سنه احد شاه جهانی بمنصب دو هزاری سرافراز
شده در سنه ۲ بتعیین بنگاله گردیده در سنه ۹ بانعام پانزده هزار روپیه و در سنه ۱۱ باضافه
پانصدی و بفوجداری میان دوآب از تغیر ذو الفقار خان و در سنه ۱۳ بنیابت بتول گنگ
جلیسر و دریا ترد هم باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری هزار و پانصد سوار نام برآورده تعیین مهم
جنگ سنگه شد و در سنه ۱۹ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و بفوجداری فتحپور بیانه و در سنه ۲۰
بفوجداری جونپور از تغیر شاه نواز خان و لعطای نقاره مباهات یافته در سنه ۲۱ بتعیین بنگاله

گردیده در سنه ۲ بر تهانه داری کوچ مقرر گردیده باضافه هزار سوار چهره امتیاز افروخته
در سنه ۳۳ در آن جا فوت کرد میر علیم الدین منصبی داشت در سنه ۱۰ جهانگیری بمنصب هزار
و پانصدی سر برافراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد خواجه حسن در عهد جهانگیری بمنصب
و خدمت توشخانه داشت در سنه ۱۴ بمنصب هزاری سر بر افراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد
حکیم حاذق ولد حکیم همام گیلانی در عهد جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه احد
شاه جهانی بسفارت پیش امام قلی خان والی بخارا با تحائف لک روپیه رفته در سنه ۳ مراجعت نموده
در سنه ۴ بداروغگی عرض مکرر درگاه از تغیر حکیم مسیح الزمان مقرر شده در سنه ۱۵ السالیانه پانزده
هزار روپیه و در سنه ۱۸ السالیانه چهل هزار روپیه خورسند شده در سنه ۳۱ فوت کرد حبیب الله در عهد
جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه احد شاه جهانی متعین مهابت خان و در سنه ۲ تعیین
ارادت خان و در سنه هشتم متعین خان دوران بهادر شده بود انجام حال او معلوم نشد حسین
ولد خانجهان لودی در عهد جهانگیری بمنصب هزاری سربلند بود در سنه ۳ شاه جهانی همراه پدر راه
بغی پیموده در کارزار با اولیای دولت ابد پیوند کشته شد حیدر مرزا ولد مرزا محمد مظفر صفوی در عهد
جهانگیری بمنصب و در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزاری ممتاز شده در سنه ۴ شاه جهانی فوت کرد
حسین ولد یوسف بیگ نام در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنه ۶
بدیوانی برهانپور مقرر شده دیگر احوال او معلوم نشد حیدر آقا غلام ترک معتبر نظام الملک

حاکم دکن

حاکم دکن در سنه ۴ شاه جهانی بمنصب دو هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
حسینی برادر باقر خان نجم ثانی منصبی داشت در سنه ۶ شاه جهانی از اصل و اضافه بمنصب
هزاری سر برافراخته در سنه ۱۱ بنقشه قلعه دولت آباد بسفارت پیش شاه صفی والی ایران
رفته و برگشته آمده انجام حال او معلوم نشد سید حسن ساعد در اوائل عهد شاه جهانی منصب
هفت صدی داشت آخر بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۱۲ فوت کرد حسین بیگ در
سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید حسین
ولد سید دلیر خان بارهه منصبی داشت و متعین گجرات بود در سنه ۱۲ شاه جهانی بمنصب هزاری
و در سنه ۱۰ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد

حرف خ

خنجر بیگ
چغتای از بندهای همایونی در عهد اکبری بمنصب سرافراز و از امرای کبار بود در فنون
حکمت خصوصاً در موسیقی یگانه وقت بود و طبع نظمی هم داشت دیگر احوال او معلوم نشد
میر خلیل ولد غیاث الدین علی میر میران از اولاد شاه نعمت الله ولی در سنه ۲ جهانگیری از ولایت
آمده بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنه ۳۳ رحلت کرد مرزا خواجه بیگ ولد معصوم بیگ
صفوی در اواسط عهد اکبری بمنصب دو صدی داشت در سنه ۴۵ که قلعه احمدنگر بسعی شاهزاده
دانیال مفتوح شد از همان تاریخ نظر به استعداد درست بقلعه داری آن جا سرافراز فرموده بودند

در سنه اول جهانگیری بدستور بحال مانده بجا پژه حسن خدمت بمنصب پنجهزاری رسیده بود در سنه ۵
دکهنیان قلعه را محاصره کرده مثل خانخانان و راجه مانسنگه و آصف خان و جعفر خان و خان جهان بود
و امیر الامرا محمد شریف و دیگر امرا که بسرکردگی سلطان پرویز در دکن بودند هرگز کومک نتوانستند کرد و مردم
همراهی منتارا الیه با وجود دلدهی و استقلال او خلاف رای خواجه میرزا مسعود برآمدن از قلعه شدند لاچار
قول و قرار از قلعه برآمده در برهانپور بامرا پیوست بنابر بی تقصیری بمنصب و جاگیر بحال مانده در سنه ۱۲ بحسن
تدبیر سلطان خرم قلعه بتصرف اولیای دولت درآمد بدستور بقلعه داری آن جا بحال گردیده در سنه سیزدهم
در آن جا رحلت نمود   خسرو بی اوزبک در سنه ۸ جهانگیری از ولایت آمده بمنصب هزاری و فوجداری میوات
سرافراز شده خدمت مینمود در سنه ۱۰ فوت کرد   حکیم خوشحال ولد حکیم همام گیلانی در اوایل عهد جهان
گیری منصبی داشت و در سنه ۳ خدمت مینمود در سنه اول شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز گشته در سنه ۵
به بخشی گری برهانپور مقرر شده در سنه ۸ و در سنه ۹ در دکن تردد نموده و در سنه ۱۴ بمقصد بکری لاهری بندر
از انتقال فدائی خان محمد طریف مقرر شده در همین سال بعدم رفت   سعید خادم بارهه منصبی داشت در
سنه ۱۴ شاه جهانی بمنصب هزاری و فوجداری مندسور از تغیر شمس الدین خویشگی سرافراز شده در سنه ۱۹
رحلت کرد   خوشحال بیگ کاشغری در سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب هزاری سربلند شده تعین مهم
بلخ گردیده در سنه ۲۰ بجلدوی ترددات آن جا باضافه پانصدی سر برافراخته در سنه ۲۳ و در سنه ۲۵
و در سنه ۲۶ در مهم قندهار تردد نموده بمنصب دوهزاری رسیده در سنه اول عالمگیری همراه مهاراجه

جونت سنگه

جونت سنگه راتهور در کارزار مالوه شریک بود در سنه اول عالمگیری گوشه نشینی اختیار نموده
بعطائی چند بهیه قانع شده بود انجام حال او معلوم نشد   خسرو سلطان ولد نذر محمد خان
والی بلخ در سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب شش هزاری دو هزار سوار سرافراز شده در سنه ۲۰ بعد رسیدن خبر
رحلت پدر در سفر حجاز مورد عنایات گردیده در سنه ۲۶ بسالیانه لک روپیه قناعت گزیده بود در سنه اول عالم
گیری بمنصب سابق بحال گشته خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد   خسرو بیگ ترکمان توشک بیگی نذر
محمد خان والی بلخ بمعرفت رستم خان فیروز جنگ در سنه ۱۹ شاه جهانی بمنصب هزاری ممتاز شده بود دیگر احوال
او معلوم نشد   خداوند جشی منصبی داشت در سنه اول عالمگیری بمنصب هزاری سر برافراخته تا سنه ۹
خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد

حرف د

درویش محمد اوزبک از نوکران بیرام خان بهارلو در سنه ۵ اکبری بمنصب دو هزاری سربلند شده
خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد   شیخ دولت بختیار در سنه ۲۲ اکبری منصبی داشت در سنه ۴۰
بمنصب دوهزاری سرافراز شده تا سنه ۴۲ خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد   دلدار در عهد جهانگیری
بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   درویش محمد از نوکران عادل خان حاکم بیجاپور
در سنه اول شاه جهانی بمنصب سه هزاری سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   دانا دل ولد شاه
نواز خان بن خانخانان عبد الرحیم در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب هشتصدی و در اواسط عهد باضافه

صدی نام برآورده و در سنه ۱۲ بمنصب هزاری سرافراز شده و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ بتعین
مهم قندهار گردیده در سنه ۲ فوت کرد   درویش بیگ قاقشال در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب
پانصدی و در اواسط عهد به اضافهٔ صدی و در آخر عهد بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۲۴ بفوجداری
گلشن آباد و در سنه ۲ بقلعه داری ترنبک مقرر بود انجام حال او معلوم نشد   دلیر ولد بهادر خان روهیله در
عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۸ عالمگیری بفوجداری بهار از تغیر سید عبد العزیز و بمنصب هزاری نام
برآورده بود انجام کار او معلوم نشد   دولت بیگ برادر عبد الله خان سرائی در سنه احد عالمگیری بمنصب
هزاری سرافراز شده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد   دولت افغان در سنه احد عالمگیری بمنصب
هزاری سرافراز شده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد   راجه دیندار زمیندار اسلام گڈه در سنه
۱۳ عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب راجگی سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ذ

ذوالفقار بیگ ترکمان منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته خدمت مینمود
دیگر احوال او هیچ معلوم نگشت

حرف س

سید راجو در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۱۳ بتعین گجرات شده اکثر در معارک
بروز مآثر و ترددات مردانه نموده در سنه ۱۷ بجراحت صعب پیوسته در دکن بکار آمد   مرزا رستم ولد مرزا سلطان حسین

بن مرزا بهرام برادر شاه طهماسپ والی ایران در سنه ۲۰ آمده بمنصب پنجهزاری سرافراز شده
و بعنایت جاگیر در ملتان خورسند گشته در سنه ۳۹ بعطای علم و نقاره سر برافراخته در سنه ۴۰ بضبط
کوهستان پنجاب مقرر شد و در سنه ۴۲ بحضور آمده در سنه ۴۴ به اتفاق در رکاب بدکن خدمت مینمود در سنه
۴۶ بعد مراجعت رایات از دکن همراه شیخ ابو الفضل در تنبیه راجو دکهنی ترددی نموده در آن صوبه
بود در سنه احد جهانگیری بارسال خلعت در دکن امتیاز یافته در آن صوبه خدمت مینمود در سنه ۲ جهانگیری
از آنجا آمده بنظم صوبه تهته مقرر گردیده در سنه ۹ به تقصیر ظلمی که بر رعایای آنجا کرده بود معزول و مقید
گشته بعد چندی خلاص شده در سنه ۱۱ بانعام فیل بالا برد در سنه ۱۸ بنظم اله آباد و در سنه ۱۲ بنظم صوبه
بهار نام برآورده در سنه احد شاه جهانی بسالیانه یک لکه بیست هزار روپیه قناعت گزیده در سنه ۶
دخترش با شاه شجاع منسوب گشته در سنه ۱۰ در اکبرآباد از جهان رفت   رحمن داد پسر خورد خانخانان عبد
الرحیم منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری بمنصب دو هزاری سر برافراخته در معارک ترددات نمایان می نمود
در سنه ۱۳ بر غنیم تاخته او را منهزم گردانیده بود در برآوردن جیبه شرط احتیاط ننمود و فی الفور فرستاده شد
کرد و زبان از گویائی باز ماند بعد دو روز سپاه کهی را با خود برد   راجه روز افزون ولد راجه سنگرام
زمیندار مونگیر مضاف صوبه بهار در سنه ۱ جهانگیری بشرف اسلام آمده بعطای منصب و بعنایت ملک موروثی
سرافراز شده بود در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده بود اکثر در سیاق دکن ترددات
نمایان نموده بمنصب دو هزاری هزار سوار رسیده در سنه ۸ فوت کرد   روح الله خان ولد یوسف خان تاشکندی

در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب شش صدی سر برافراخته در سنه ۲۱ باضافه پانصدی بر
منصب هزاری و بفوجداری سرکار ماند و نام بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد   مرزا رستم خان
دارالشکوهی در سنه ۱۲ تعین کابل شده در سنه ۲۲ بود و در سنه ۲۵ تعین مهم قندهار گشته در سنه احد
عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۵ در تعیناتی قطب الدین خان خویشگی فوجدار جونگده
مصدر ترددی کرده در سنه ۹ بفوجداری بروده مقرر شده بود انجام حال او معلوم نشد   رن مست ولد
بهادرخان روهیله منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری مباهی شده اگر در لیاقت ترددها نموده
بود انجام حال او معلوم نگشت   میان راجی از نوکران عادل خان حاکم بیجاپور در سنه ۶ عالمگیری بمنصب هزاری و پانصدی
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   خواجه رحمت الله ده بندی منصبی داشت در سنه ۲ شاه جهانی تعین
مهم قندهار در سنه ۳ تعین دکن شده در سنه ۹ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده بود انجام
حال او معلوم نشد

حرف ز

مرزا زمان برادر مرزا یوسف خان رضوی در عهد اکبری بمنصب هزاری سربلند شده در ولایت مالوه
با عداء او تخته شهید شد   حکیم زنبیل برادر مرزا محمد طبیب سبزواری در عهد اکبری بمنصب هزاری سربلند
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   زین العابدین خان ولد آصف خان جعفر منصبی داشت در سنه ۱۵
جهانگیری به بخشی گری احدیان مقرر شده در سنه احد شاهجهانی بمنصب و بدیوانی رسیده و در سنه ۳ دور
جهانگیری زمان طهرانی در اوایل عهد شاه جهانی بمنصب و بدیوانی بنگاله سرافراز بود در سنه ۸ بار دویم بدیوانی آنجا

مقرر شده

مقرر شده در سنه ۱۱ حکام فوجداری سلهت بجایزه تردد و در تنبیه آشامیان باضافه سر برافراخته در سنه ۱۳
معزول گردیده در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و به نیابت نظم اودیسه از طرف سلطان شجاع سربلند
گشته در سنه ۱۹ بطلب حضور گردیده در سنه ۲۰ در مهم بلخ ترددی نموده در سنه ۲۴ فوت کرد   سید برکت
ولد سید ناهر خان در عهد شاه جهانی منصب هفتصدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری
و در سنه ۳ بفوجداری گوالیار سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد   سید زبردست ولد
سید ناهر خان بمنصب هزاری سرافراز بود و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۰ شاه جهانی تعین مهم قندهار
شده در سنه ۲۶ باضافه منصب ممتاز شده بود انجام حال او معلوم نشد

حرف س

میرزا سلیمان ولد خان مرزا نبیره سلطان ابو سعید گورکانی در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری
سرافراز شده بدستور در عهد همایونی بحکومت ولایت بلخ بحال مانده مدام عرائض با پیشکشها
ارسال میداشت در سنه ۲ بنا بر تسلط مرزا شاه رخ نبیره خود از بلخ آمده چون روز ملاقات حضرت
به استقبال و تشریف برده بودند به این نوازش سر بفلک سوده در همان سال رخصت حرمین
شده از آن جا به بلخ رفته در سنه ۳۰ بنا بر ناسازی نبیره مسطور باز بعزم ملازمت مراجعت کرد
و العنایت و دلجوئیها خورم و خورسند شده در سنه ۳۸ در لاهور رحلت کرد   سید محمد از سادات
امروهه در عهد اکبری بمنصب و بمیر عدلی و در سنه ۳۰ بنظم بهکر سرافراز شده و بمنصب هزاری سر

بلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد مرزا سلطان ولد مرزا شاهرخ بن مرزا ابراهیم بن مرزا
سلیمان منصبی داشت در سنه ۲ جهانگیری بعد فوت پدر به منصب دو هزاری و به دستور پدر به نظم مالوه
سرافراز شده در سنه ۴ تعیین دکن گردیده هم در سنه مذکور از آن جا آمده بود انجام حال او معلوم
نشد تیرانداز بی بدل بود سکندر جوهری در سنه ۱۲ جهانگیری به منصب هزاری سرافراز بود دیگر
احوال او معلوم نشد سردار افغان در سنه ۱۰ جهانگیری بر طبق عرض مهابت خان به منصب هزاری
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سکندر برادر شهباز خان دیوتانی از طائفه افاغنه
بودی در عهد جهانگیری منصبی داشت در اوائل عهد شاه جهانی به منصب هزار و پانصدی سرافراز بود
در سنه ۲ فرار نموده ملحق به خان جهان لودی باغی شده در سنه ۴ به عفو تقصیر مشمول مراحم شده خدمت
می نمود در سنه ۱۰ در گذشت قاضی سعید کرهرودی سابق وکیل عادل خان حاکم بیجاپور بود در سنه ۴
شاه جهانی بندگی درگاه اختیار نموده بسالیانه شش هزار روپیه خورسند گردیده در سنه ۶ به منصب
هزاری و به خدمت بیوتاتی از تغیر مکرمت خان و در سنه ۸ به خدمت عرض مکرر و در همان سال به بخشی گری
دکن سرافراز شده به منصب هزار و پانصدی رسیده بود انجام حال او معلوم نشد سلطان نظر
برادر خورد سیف خان محمد صفی در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی به بخشی گری
فوج متعینه مهابت خان مقرر شده در آئنده به منصب نهصدی نام برآورده در سنه ۱۲ به بخشی گری
بنگاله مقرر شده در سنه ۱۴ ترددها نموده در سنه ۱۹ به تعیین مهم بلخ شده در سنه ۲۰ در آن جا

تردد نموده

تردد نموده به جائزه آن به منصب هزاری سر برافراخته در سنه ۱۲ به فوجداری سلهٹ و در سنه ۲۷
بتهانه داری حسر مقرر گشته در سنه ۲۹ تعیین بهار شده در سنه ۱۲ باضافه منصب سرافراز شده
بود انجام حال او معلوم نشد ساقی ولد سیف خان مذکور در اوائل عهد شاه جهانی به منصب نهصدی
داشت در سنه ۱۰ به منصب هزاری سر برافراخته در سنه ۲ فوت کرد مرزا سلطان ولد مرزا حیدر
نبیره مرزا مظفر حسین صفوی در سنه ۱۹ شاه جهانی به منصب هزار و پانصدی سر برافراخته
تعیین دکن شده در سنه ۲ به حضور آمده در سنه ۲۲ به تعیین مهم قندهار شده در سنه ۲۳ به منصب دو
هزاری و در سنه ۲۴ به خدمت قوربیگی و در سنه ۲۶ باضافه پانصدی و در سنه ۲۹ به منصب سه هزاری
نام برآورده در سنه ۱۲ به دکن ترددات نمایان نموده بود در سنه احد عالمگیری به منصب چهار
هزاری دو هزار سوار و در سنه ۸ باضافه سواران مامور گردیده تعیین دکن مانده در سنه ۹ به حضور
آمده در سنه ۱۰ به تعیین کابل گشته بود در عهد ایشان درگذشت سلطان یار ولد همت خان
کوکه الله یار نام داشت و صاحب بود در سنه ۲ شاه جهانی به منصب شش صدی سرافراز شده
در سنه ۱۹ او در دکن خدمت مینمود در سنه ۲ به منصب هزاری و فوجداری برده باتفاق شغندار
برادر خورد سر برافراخته در سنه ۲۰ به منصب هزار و پانصدی نام برآورده تا سنه ۲۳ مورد
مراحم والا بود در سنه ۲۳ به همراه شاهزاده مراد بخش در جنگ اکبرآباد به کار آمد سیف الله عرب بود
شمشیر خان در اوائل عهد شاه جهانی به منصب هشتصدی و در سنه ۹ به فوجداری جوبره و در سنه ۳۰

بفوجداری مصطفی آباد سرافراز شده در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سربلند گردیده
بود در سنه ۱۹ سیف الله نامی بهندی توپ خانه مقرر گشته بود احتمال دارد که او خواهد بود سیف
بیجاپوری منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده متعین دکن گردیده بود
دیگر احوال او معلوم نشد سید سلطان کربلائی در سنه ۶ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سر
افراز شده در سنه ۱۰ متعین کابل گردیده بود انجام حال او معلوم نشد

حرف ش

شیرافکن از امرای کبار همایون بادشاه در سنه احد اکبری بمنصب هزاری از روی طبقات اکبری
سرافراز شده چهل سال خدمت نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد میرزا شرف الدین حسین ولد خواجه
معین الدین از قبیل خواجه ناصر الدین عبد الله احرار در سنه احد اکبری از طرف حاکم کاشغر بسفارت
آمده بود در سنه ۵ بمنصب پنجهزاری سرافراز شده و به نظم اجمیر مقرر شده بختنی بانو بیگم صاحبه همشیره
حضرت با او منعقد گردیده در سنه ۶ قلعه میرتهه وطن راتهوران مفتوح گردانیده در سنه ۸ راه بغی پیموده
در سنه ۱۰ دستگیر آمده بعد قید مدت مدید و تنبیه رسا تقصیرش مقرون بعفو شده در سنه ۲۵ بکر راه
بغی رفته و شریک معصوم خان و غیره باغیان بنگاله گردیده در همان سال بزبر معصوم مذکور رایات
تهی کرد شیخ محمد بخاری در اوائل عهد اکبری بمنصب دو هزاری سربلند شده اکثر در مصاف جهان
ستانی شمشیرهای نمایان زده در سنه ۱۰ در کارزار با شیر خان فولادی در گجرات شهید شد خواجه
شمس الدین خافی دیوان مظفر خان تربتی ناظم بنگاله بعد کشته شدن او در سنه ۲۵ اکبری بمنصب
هزاری سربلند شده در بنگاله ترددات نمایان نموده در سپاهی گری و دولت خواهی حضرت یگانهٔ
آفاق گذشته در سنه ۳۲ بوزارت کل مقرر گردیده در سنه ۴۰ به آخرت سرافت قلعه اتک با تمام او
تیار شده بود میرزا شاه رخ ولد میرزا ابراهیم بن میرزا سلیمان بعد تسلط عبد الله خان اوزبک
والی توران بر ولایت بدخشان در سنه ۲۹ اکبری از بدخشان بحضور آمده بمنصب سرافراز شده در سنه ۳۰

به تسخیر کشمیر تعیین شده در سنه ۴۳ بمنصب پنجهزاری و به نظم مالوه به اتالیقی شه بازخان و توصیت
شکر النسا بیگم صبیه حضرت مباهات اندوخته در سنه ۴۷ بذات خود بنظم صوبهٔ مذکور نام برآورده با وجود نظم
آنجا به اتفاق خانخانان عبدالرحیم به تسخیر دکن مامور شده در جنگ با تمام امیران بادشاهان دکن بعد حرب
صعب ظفر یافته در سنه ۴۹ قلعهٔ بانسواله که در تصرف راول اوکرسین از زمینداران صوبهٔ مالوه بود
فتح کرده در سنه ۵۰ بجلدوی نیکو خدمتیها بمنصب هفت هزاری چهرهٔ امتیاز برافروخته در سنه احد جهانگیری
بدستور سابق بنظم مالوه بحال مانده در سنه ۲ در آن جا فوت نمود از آرمیده وضعیهای او حضرت بسیار
خوش بودند و همراه بادشاهزاده اجازت نشستن میدادند شاه محمد قنداری ولد میر نجفی در عهد
اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد شمس الدین ولد اعظم خان میرزا عزیز
در سنه ۴۳ اکبری بمنصب هزاری و در سنه ۴۶ بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۹ باضافهٔ پانصدی سربلند
شده خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد میر شریف آملی در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری
سرافراز شده خدمت نمود و در سنه ۴۹ بحراست سرکار بهکر پنج مقرر شده در سنه احد جهانگیری
بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۲ بنظم لاهور به اتفاق قلیچ خان مباهی گشته دیگر احوال او معلوم
نشد میرزا شرف الدین حسین کاشغری منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری بجایزهٔ ترددات مردانه
که بدکن نموده بخدمت صوبهٔ بنگش و بمنصب هزار و پانصدی ممتاز شده در سنه ۱۴ در کابل ترددها
کرده در همان سال در ملک کابل بکار آمد شاه محمد ولد خانزمان شاه بیگ منصبی داشت در سنه ۱۴

جهانگیری

جهانگیری بعد گوشه نشین شدن پدر بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت نمود انجام حال او
معلوم نشد میر شرف در عهد جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۸ به بیوتاتی سرافراز شده بود
در سنه ۴ شاه جهانی بعدم رفت میر شمس در عهد جهانگیری منصبی داشت از جیره در رکاب شاهجهانی
آمده روز جلوس بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز شده بود آینده بفوجداری پتن و در سنه ۱۴
هنگام ستیول داری بروده پیشکش ارسال داشته در سنه ۱۸ از آن جا بعنایت نقاره و در سنه ۱۹
سه هزاری سه هزار سوار سر برافراخته آینده معزول گشته در سنه ۲۵ بار دوم بفوجداری مسطور
نام برآورده در سنه ۲ بتقصیر خانهٔ جنگی بکمی منصب متنبه شده در سنه ۸ بفوجداری بروده مضاف صوبهٔ
مذکور مباهات اندوخته در سنه ۱۳ به آن جهان رفت شیر زاد همشیره زادهٔ خان عالم برخوردار بیگ
دولدی در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاه جهانی بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه ۳ در
کارزار با خان جهان لودی باغی بر کنار آب چنبل بکار آمد شریف خالوی باقر خان نجم ثانی در اوایل عهد
شاه جهانی منصب ششصدی داشت در سنه ۳ در صوبهٔ کابل و در سنه ۱۰ در صوبهٔ کشمیر خدمت مینمود
در اواسط عهد بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ بمهم
قندهار ترددها نموده در سنه ۳۰ در کابل رحلت کرد شادمان گکهر پکهلی وال در اوایل عهد شاه جهانی
بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۳ همراه باقر خان ناظم اودیسه ترددی نموده در سنه ۱۱ از اودیسه
پیشکشی ارسال داشته در سنه ۱۲ درگذشت شریف ولد افضل توکچی در اوایل عهد شاه جهانی

بمنصب پانصدی و در اواسط عهد بمنصب ششصدی سرافراز بود و در سنه ۲ بفوجداری هوشنگ
آباد بمنصب هزاری و در سنه ۳ بتهانه داری تهانیر سربلند گردیده در سنه احد عالمگیری به اضافه پانصدی
نام برآورده خدمت مینمود انجام حال او معلوم نشد   سید شیخ بارهه بمنصب هزاری و در سنه ۲ داد
سید دلیر خان از تعیناتیان احمد آباد در سنه بیستم شاه جهانی از اصل و اضافه باضافه پانصدی بفوجداری و
و جاگیرداری پرگنه بهراد مضاف صوبه گجرات و در سنه ۲۱ بفوجداری بلور مضاف صوبه مذکور سرافراز شده
خدمت مینمود در جنگ اکبرآباد همراه شاهزاده مرادبخش بکار آمد   شیر بیگ سیومین پور اسلام خان میر عبد السلام
۲۴ در اواسط عهد شاه جهانی منصب نهصدی داشت در سنه ۱۳ بعد فوت پدر بمنصب هزاری دوصد سوار و در سنه
بداروغگی جواهرخانه سربلند شده در سنه مسطور بتعیین صوبه گجرات شده بود تا سنه احد عالمگیری در آن جا
بود انجام حال او معلوم نشد   شاه محمد سرآمد الوس قطغان اتالیق سبحان قلی خان در سنه ۲۳ شاه
جهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۵ بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته خدمت مینمود در سنه ۲۶ بتعیین
مهم قندهار شده بعد رسیدن آن جا بیوفائی نموده بقزلباش پیوسته بود   سید شیخ میر خافی ولد میر
ابو المعالی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب پنجهزاری ذات پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه
سرافراز شده آنچه باید تردد و تلاش مردانه و سردارانه کرده در جنگ اجمیر که با دارا شکوه واقع
شد جان نثار گردید و بپایی مزار خواجه بزرگ اجمیری مدفون گشت   شیر افغان در سنه احد عالم
گیری بمنصب هزاری سربلند شده خدمت مینمود دیگر احوال او معلوم نشد

وزیر

حرف ص

صالح ولد میرزا شاهی برادر خورد آصف خان جعفر در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز
شد و در سنه ۱۹ فوجدار بردوان بود بهنگام ورود سلطان خورم باغی مردانه بکارزار درآمده در سنه
احد شاه جهانی بفوجداری سرکار بهرایچ مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد   صف شکن خان
ولد میرزا حسن بن میرزا رستم صفوی منصبی داشت در سنه ۱۰ شاه جهانی بخدمت قوربیگی از تغیر مراد
کام مقرر شده در سنه ۱۴ معزول گردیده در سنه ۱۵ بمنصب هزاری سر برافراخته تعیین مهم جگت سنگ
برگشته در سنه ۱۸ باضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان تردد نموده در سنه ۲۰
باضافه پانصدی بمنصب دوهزاری مباهات اندوخته نزد پدر چون بور رفته آمده بتهانه داری
خیبر مضاف صوبه بنگاله مقرر شده در سنه ۲۲ تغیر شده در سنه ۲۹ باز از تغیر سلطان نظر مقرر
گشته در سنه ۳۰ معزول و طلب حضور شده در سنه ۵ عالمگیری بعدم رفت   صفی قلی ترکمان در سنه ۱
شاه جهانی از ولایت اسفرای آمده بمنصب هزاری سرافراز شده در مهمات ترددها نموده در سنه
۲۷ فوت کرد   میر صالح داماد شاهنواز خان صفوی منصب هزاری داشت در سنه احد عالمگیری
بمنصب دوهزاری نام برآورده آمده بتعیین بنگاله شده در سنه ۲ در آن جا فوت نمود   خواجه صادق
دارا شکوهی بخشی دوم ایشان بود بعد شکست اول تا لاهور همراهی دارا شکوه نموده از وجدائی
گزیده بحضور آمده در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته در سنه ۴ بدرقه ایلچی ایران

و در سنه ۸ داروغهٔ داغ و در سنه ۱ بنا بر پیمانداری عبدالله خان والی کاشغر مقرر گردیده انجام حال او
معلوم نشد

حرف ض

ضیاءالدین یوسف ولد امیر خان بن امیر ابوالقاسم نمکین در عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز
شده در سنه ۱۰ هنگام تعیناتی صوبه ٹهٹه ترددی نموده در سنه ۲ مورد عنایات بود انجام حال او
معلوم نشد

حرف ط

طغرل ولد شاهنوازخان بن خانخانان عبدالرحیم در سنه ۱۴ چهاردهم جهانگیری بمنصب هزاری
پانصد سوار سربلند شده خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد خواجه طیب جویباری ولد خواجه
حسن در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب چهار هزاری چهار صد سوار بعد فتح بلخ سرافراز شده خدمت نمود
چون خواجه یوسف برادر کلانش در بخارا فوت کرد و در دودمان او کسی قابل جانشینی نماند مومی
الیه در سنه ۲۰ رخصت بخارا گرفته روانه شد و همانجا ماند

حرف ظ

میر ظهیرالدین برادر میر میران نبیرهٔ میر میران پسر شاه نعمت الله ولی در سنه ۱ جهانگیری از ایران
آمده روز ملازمت بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنه احد شاهجهانی بحال مانده در سنه ۱۵

بسالیانه هژده هزار روپیه قانع شده بود

حرف ع

علی قلی اندرابی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری ممتاز شده
در سنه مذکور و در سنه ۵ ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نشد خواجه عبدالله ولد خواجه
عبداللطیف در سنه احد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۱۳ قلعه چتور فتح نموده در سنه ۱۲
در ایلغار تنبیه خان زمان باغی و ایلغار گجرات ترددها کرده در سنه ۱۹ در ایام تعیناتی منعم خان در جنگ
با داود کرانی تلاش مردانه کرده در سنه ۲۱ در کارزار با افاغنه بنگاله در اک محل بکار آمد میر علی
اکبر موسوی برادر معز الملک مشهدی در عهد اکبری بمنصب سه هزاری سربرافراخته متعینه جونپور
بود در سنه ۹ ترددنمایان نموده اکثر تلاش مردانه کرده تا سنه ۲۵ خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد
شیخ عبدالله ولد شیخ محمد غوث گوالیاری در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده تا سنه ۴۰ خدمت
نمود انجام حال او معلوم نشد میرزا علی بیگ اکبرشاهی در اوایل عهد اکبری بمنصب پانصدی سرافراز
شده در سنه ۱۹ ترددی نموده در سنه ۲۵ راه بغی پیموده آینده تقصیرش مقرون بعفو گردیده در سنه
سی و نه در فتح پتن دکن و قلعهٔ لوه گڈه تلاشهای مردانه کرده در سنه ۴۶ بمنصب دو هزار
دو هزار سوار و به نوازش نقاره نام بر آورده در سنه احد جهانگیری بمنصب چهار هزاری و به
نظم کشمیر سربرافراخته آینده تعیین دکن شده در سنه ۲ بحضور آمده در سنه ۱۱ در اجمیر رحلت کرد

حکیم علی گیلانی در اواسط عهد اکبری بمنصب هفتصدی داشت در سنه ۲۴ بسفارت پیش عادل خان حاکم
بیجاپور رفته در سنه ۳۹ حوضی نادر ساخته در سنه ۵ بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۱۴ جهانگیری
رخت حیات بربست میرزا علاء الدین بدخشی در عهد اکبری بمنصب دوهزاری سر برافراخته خدمت مینمود
در عهد جهانگیری باضافهٔ پانصدی نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد خواجه عابد برادرزاده
عبدالله خان والی توران در سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
عبد السبحان برادر خان عالم دولدی در عهد اکبری بمنصب دوصدی سرافراز بود در عهد جهانگیری بوقوع
لغزشی مقید شد در سنه ۵ بضامنی خان عالم خلاص گردیده بمنصب هزاری سر برافراخته آمد و
اضافهٔ پانصدی نام برآورده متعین صوبهٔ کابل شده بود در سنه ۱۱ در کدام تهانهٔ افغانان بمردانگی
بکار آمد قاضی عبدالله کابلی پانصدی بود در عهد جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد علی قلی درمن در اوایل عهد جهانگیری بمنصب دوهزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد علی قلی دیگر در اوایل عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه ۸ متعین سلطان خورم شده بود در
سنه ۱۲ بمنصب هزاری و در سنه ۱۴ بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده در سنه احد شاهجهانی باضافهٔ
پانصدی سربلند گردیده بود انجام حال او معلوم نشد خواجه عبداللطیف در اوایل عهد جهانگیری منصبی
داشت و بخدمت قوشبیگی مقرر بود در سنه ۱۴ بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت مینمود دیگر
احوال او معلوم نشد سید عالم بارهه برادر سید هزبر خان در عهد جهانگیری بمنصب هزاری بعد رحلت

آنحضرت

آنحضرت همراه سلطان بولاقی و آصف خان در کارزار با سلطان شهریار باغی تردد نموده در سنه
احد شاهجهانی باضافهٔ پانصدی و در سنه ۳ باضافهٔ منصب سر برافراخته در رکاب در دکن خدمت
مینمود در سنه ۴ تعین آصف خان به بالاگهات شده در سنه ۵ بحضور آمده در سنه ۶ همراه شاه
شجاع بدکن تعین شده در سنه ۷ در تهانه داری خیال پور مقرر شده در سال ۸ بحضور آمده در سنه
همراه شاهزادهٔ عالم که تعین مهم جهار سنگه بندیله شده بعد اتمام این مهم تعین خاندوران بهادر
ناظم مالوه گشته در سنه ۱۳ از اصل و اضافه بمنصب دوهزاری دوهزار سوار نام برآورده در سنه ۱۹
در مهم بلخ و بدخشان ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نشد عبدالرحمن بیک برلاسی در
عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده اکثر
ترددات نموده در سنه ۵ از کابل بحضور آمده در سنه ۱۱ از این جهان رفت میر عبدالله خویش سید یوسف
خان منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ بقلعه داری دهارور
که درین سال فتح شده بود مقرر گردید انجام حال او معلوم نشد سید علاول برادر سید کبیر
بارهه در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۶ هنگام تسخیر قلعهٔ دولت آباد
ترددها نموده در سنه ۸ در دکن شهید شد عبدالرحمن ولد شهباز خان شیروانی روهیله در
اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۱۳ بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته اکثر
ترددات نموده در سنه ۱۸ درگذشت سید عمر دکهنی در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب دو

هزاری سرافراز بود در سنهٔ ۲۵ فوت کرد علاول ولد ابابکر ترین منصبی داشت و از خیر در رکاب
شاه جهانی آمده در سنهٔ ۶ ایشان از اصل و اضافه بمنصب هزاری سرافراز شده در سنهٔ ۱۱
تعین ناظم کابل بود در سنهٔ ۱۹ در تعیناتی مهم بلخ مصدر تردد شایسته شده بمنصب هزار و پانصدی
نام برآورده تا سنهٔ ۲۳ خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد میر عبد الکریم منصبی داشت در اوائل
عهد شاه جهانی دیوان لاهور بود در سنهٔ ۴ معزول گردیده در سنهٔ ۶ بداروغگی عمارت و در سنهٔ
بمنصب هزاری و در سنهٔ ۱۱ به منصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنهٔ ۱۲ فوت کرد عبد القادر
ولد احداد انصاری مایهٔ فساد کابل در سنهٔ ۸ شاه جهانی بقهر و جبر سعید خان بهادر ناظم کابل بجادهٔ
اطاعت آمده بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنهٔ ۹ درگذشت عثمان عم بهادر خان روهیله
منصبی داشت در سنهٔ ۹ شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنهٔ ۲۲ بفوجداری سلطان پور نذرآباری
سربلند شده بود در سنهٔ ۲۰ رحلت کرد عبد الرحیم اوزبک ولد عبد الرحمن اتالیق عبد العزیز خان
اوّلیت پور نذر محمد خان والی بلخ در سنهٔ ۱ شاه جهانی از توران آمده بمنصب هزار و پانصدی سر
افراخته آمده بتعین صوبهٔ بهار شده در سنهٔ ۱۳ بعد آمدن بحضور باضافهٔ پانصدی نام برآورده بتعین
لاهور شده در سنهٔ ۲۲ بتعین مهم قندهار گردیده در سنهٔ ۲۳ بجایزهٔ تردد در صف جنگ با قزلباش
در قندهار باضافهٔ پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی مباهات اندوخته در سنهٔ ۲۴ باز بتعین
صوبهٔ بهار شده در سنهٔ ۲۶ همراه دارا شکوه باز بتعین مهم قندهار شده بود انجام حال او معلوم نشد

عنایت الله

عنایت الله ولد ترخان میرزا عیسی در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب هشتصدی و در
سنهٔ ۵ بمنصب دو هزاری و بفوجداری سورته از تغیر پدر و در سنهٔ ۹ بعطای نقاره سر
افراز شده در سنهٔ ۱۲ به آخرت سرا رفت عبد الرحمن ولد رکن الدین روهیله در اوائل عهد شاه
جهانی منصبی داشت و تعین دکن بود در سنهٔ ۱۱ در تعیناتی دکن بمنصب هزاری و در سنهٔ ۱۹
بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار سربلند گردیده تا سنهٔ ۲۶ خدمت نمود انجام حال او معلوم نشد
سید عبد الوهاب ولد سید عبد الرحمن در اوائل عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنهٔ ۸
خدمت نمود در سنهٔ ۱۳ بمنصب هزاری و در سنهٔ ۱۶ بمنصب هزار و پانصدی سربلند شده
در سنهٔ ۱۹ تا در سنهٔ ۲۴ فوت کرد خواجه عبد الوهاب دهبیدی در سنهٔ ۲ شاهجهانی به
منصب هزاری و در سنهٔ ۲۲ باضافهٔ پانصدی سرافراز شده در سنهٔ احد عالمگیری مورد
مراحم خاقانی گردیده دیگر احوال او معلوم نشد خواجه عبد الهادی ولد صفدر خان اتالیق
در عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی سرافراخته در سنهٔ ۲۳ بمنصب هزار و پانصدی و نیابت
فوجداری سرونج از طرف پدر سرانجام میکرد در اواسط عهد بمنصب هشتصدی و در سنهٔ ۲۶ ب
منصب دو هزاری و در سنهٔ ۲ بجایزهٔ تردد در مهم قندهار بمرحمت علم سرافراز گشته در سنهٔ ۳
به آن جهان میل کرد عبد الرحمن سلطان ولد نذر محمد خان والی بلخ در سنهٔ ۱۲ شاه جهانی
بمنصب چهار هزاری سربلند شده در سنهٔ ۲۲ بنابر رسانیدن متعلقان پدر به بلخ رفته در سنهٔ ۲۵

صبیه او با سلطان سلیمان شکوه منسوب گردیده در سنه احد عالمگیری بمنصب پنجهزاری نام بر
آورده تا سنه ۳ خدمت میکرد انجام حال او معلوم نشد سید عبد الرسول ولد عبد الله خان بهادر
فیروز جنگ در اوائل عهد شاه جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۲۵ بمنصب هزاری و در سنه ۲ بجایزه تردد در مهم قندهار
بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۰ بفوجداری نزهت بخش مضافات صوبه بهار سربلند شده در سنه ۲۹ تغیر گردید
در سنه ۳۰ بتعیین دکن شده فوت کرد خواجه عنایت الله نقشبندی خسر پوره عبد الله خان فیروز جنگ
در اوائل عهد شاه جهانی منصبی داشت در سنه ۸ بدکن و در سنه ۱۹ در مهم بلخ تردد نموده در سنه ۱۲ بمیر توزکی
و در سنه ۱۹ تغیر شده در سنه ۳۰ تعیین دکن شده فوت کرد عبد الله خان در سنه ۲ از تغیر حسین بیگ خان
بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲ بتعیین مهم قندهار و در سنه ۳۰ همراه
بادشاهزاده عالمگیر تعیین دکن شده در سنه ۲ عالمگیری در تعیناتی داود خان ناظم بهار در کارزار
با شاه شجاع تردد نموده بود انجام حال او معلوم نشد عبد الوهاب خویش لشکر خان در اواسط
عهد شاه جهانی بمنصب هفت هزاری و در سنه ۲۳ بفوجداری دامن کوه بردوان و مخصوص آباد سر
بلند گشته در سنه ۲۴ در بنگاله فوت کرد خواجه عبد الحاذق داماد نذر محمد خان والی بلخ در سنه ۲
شاه جهانی از بلخ آمده بمنصب هفتصدی و در سنه ۱ بمنصب هزاری سرافراز شده بود انجام حال
او معلوم نشد سید عبد المقتدر سید مرتضی خان منصبی داشت در سنه ۲۵ و در سنه ۲ شاه جهانی
تعیین مهم قندهار شده بجایزه تردد آن جا در سنه ۲ باضافه منصب و در سنه ۲ بفوجداری خیرآباد در

سنه ۲۹

سنه ۲۹ بمنصب هزاری سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد عبد الله بیگ شیرازی در اواخر
عهد شاه جهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۲ عالمگیری بقلعه داری ماهولی مقرر گشته دیگر
احوال او معلوم نشد شیخ عبد الکریم تهانیسری منصبی داشت در سنه ۲۱ شاهجهانی بدیوانی
شاهزاده دارا شکوه و در سنه ۲۴ بدیوانی از تغیر دیوانی کابل مقرر گشته و بدیوانی اکبرآباد در
سنه ۲۴ بوکالت شاهزاده موصوف و بمنصب هزاری داخلی و در سنه بیست و پنجم به نیابت خدمت
نظم لاهور از طرف ایشان و در سنه ۲۶ بار دوم بدیوانی اکبرآباد سرافراز شده بمنصب هفتصدی نام آورده
بود در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و بفوجداری چکله سهرند سربلند شده در سنه ۲ در آن
جا رحلت کرد سید علی اکبر بارهه منصب ششصد بیست داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری مباهات
اندوخته تا سنه ۸ تردد میکرد دیگر احوال او معلوم نشد عمر ترین منصبی داشت در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزاری و بفوجداری گوره و فتح پور سر برافراخته تا سنه ۸ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد
سید عبد العزیز از نوکران بادشاهزاده مراد بخش بمنصب پانصدی و در سنه ۲۶ شاه جهانی بفوجداری
میوات و در سنه ۲ بفوجداری بهیله و در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال
او معلوم نشد میر عزیز دارا شکوهی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد ملا عوض وجیه ساکن اخسکت در سنه ۲ شاهجهانی از توران آمده در سنه ۲۹ قاضی
اردوی معلی داشت در سنه ۲ عالمگیری بمنصب هزاری و بخدمت احتساب سر برافراخته در سنه ۲ معزول شده

THE UNIVERSITY OF MELBOURNE

Library Digitised Collections

Title:
Kitab tazkirat al-umara

Date:
1348? [1929?]

Persistent Link:
http://hdl.handle.net/11343/23335

File Description:
Part 6